فرهنگ نامه موضوعی

صحیفه سجادیه

جلد دوم

د - ی

سید احمد سجادی

مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

فرهنگنامه موضوعی صحیفه سجادیه

نویسنده:

سید احمد سجادی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جلد ۲

مشخصات کتاب

سرشناسه : سجادی، سیداحمد، ۱۳۴۴ -

عنوان و نـام پدیـدآور : فرهنگ نامه موضوعی صـحیفه سـجادیه/ سـیداحمد سـجادی، با همکاری جمعی از محققان ؛ پژوهش مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان.

مشخصات نشر : اصفهان: حوزه علمیه اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۳ ج.

شابک : ۶۰۰۰۰۰ ریال: دوره:۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۶-۳۷-۹ ؛ ج. ۹۷۸:۱-۶۰۰-۶۱۴۶-۳۴-۸ ؛ ج. ۹۷۸:۲-۶۰۰-۶۱۴۶-۳۵-۵ ؛ ج. ۹۷۸:۳-۶۰۰-۶۱۴۶-۳۶-۲

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ قبلی: موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا (س) ، ۱۳۸۵.

یادداشت : چاپ سوم.

یادداشت : فروست پشت جلد: مجموعه منشورات؛ ۱۲،۱۱

یادداشت : کتابنامه.

مندرجات : ج.۱.آ-خ.-ج.۲.د-گ.-

موضوع : علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق . صحیفه سجادیه -- فهرست مطالب

موضوع : علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق . صحیفه سجادیه

موضوع : دعاها

شناسه افزوده : حوزه علمیه اصفهان. مرکز تحقیقات رایانه ای

رده بندی کنگره : BP۲۶۷/۱/ع ۸ص ۳۰۷۵ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۳۰۹۲۸

ص: ۱

اشاره

ص :٢٠١

ص :۲۸۷

د

داد عدل

داد و ستد تجارت

دارایی ثروت

سرمایه بخشیدن، به بندگان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... أَغْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَ أَقْنَانَا بِمَنِّهِ

سپاس خدای را که ما را به فضل خود، بی نیاز گرداند و به نعمت خویش، سرمایه مان داد.۲۰/۱

خدا، دارنده هر مُلک و پادشاهی

أَنَّکَ... مَالِکُ الْمُلْکِ

همانا تو صاحب هر ملکی.۲۱/۶

افزون گرداندن دارایی بنده، با برکت

وَفِّرْ مَلَکَتِی بِالْبَرَکَهِ فِیهِ

دارایی ام را با برکت، افزون ساز.۲۳/۲۰

عدم گنجایش دارایی بنده، جهت انجام امور واجب

وَ اقْضِ عَنِّی کُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِیهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَیَّ لَکَ فِی وَجْهٍ مِنْ وُجُوهِ طَاعَتِکَ أَوْ لِخَلْقٍ مِنْ خَلْقِکَ وَ إِنْ... لَمْ یَسَعْهُ مَالِی وَ لَا ذَاتُ یَدِی

و مرا به انجام آنچه که در جهتی از جهات طاعتت یا برای آفریده ای از آفریدگانت، بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده و گرچه ثروت و دارایی ام گنجایش آن را نداشته باشد.۶/۲۲

اندیشه دارایی گمراه کننده

وَ امْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ

و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن.۴/۲۷

بسیار نمودن دارایی مسلمانان

اللَّهُمَّ... ثَمِّرْ بِهِ أَمْوَالَهُمْ

خداوندا به وسیله آن، ثروت هایشان را بیفزا.

۷/۲۷

کمک به جنگجو یا مرزدار، با دارایی خود

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... أَوْ أَعَانَهُ بِطَائِفَهٍ مِنْ مَالِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوَضًا حَاضِرًا

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا او را به پاره ای از دارایی خود یاری داد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش

را عوضِ نقد عطا کن.۱۶/۲۷

طلب دور شدن دارایی ای با ویژگی های خاص، از بنده

وَ ازْوِ عَنِّی مِنَ الْمَالِ مَا یُحْدِثُ لِی مَخِیلَهً أَوْ تَأَدِّیًا إِلَی بَغْیٍ أَوْ مَا أَتَعَقَّبُ مِنْهُ طُغْیَانًا

و مالی که برایم خودپسندی پیش آورد یا به ستمگری برساند یا در پی آن دچار سرکشی شوم را، از من دور ساز.۳/۳۰

دارایی دنیا، وسیله رسیدن به جوار خدا

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِی مِنْ حُطَامِهَا، وَ عَجَّلْتَ لِی مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَهً إِلَی جِوَارِکَ، وَ وُصْلَهً إِلَی قُرْبِکَ

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، و هم اکنون به دستم رسانده ای، وسیله رسیدن به جوار خود و وسیله پیوستن به جایگاه بزرگت قرار ده.۶/۳۰

خدا، مالک امور بندگان

مَلَکْتَ - یَا إِلَهِی - أَمْرَهُمْ قَبْلَ أَنْ یَمْلِکُوا عِبَادَتَکَ

ای خدای من، تو زمام امرشان را به دست داشته ای، پیش از آنکه بر عبادت تو توانایی داشته باشند.۷/۳۷

خالص گرداندن دارایی ها، از مظالم

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نُخَلِّصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبِعَاتِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که دارایی هایمان را از مظالم خالص گردانیم.۱۰/۴۴

انفاق کنندگان دارایی، در راه خدا

مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ کَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِّ سُنْبُلَهٍ مِائَهُ حَبَّهٍ، وَ اللَّهُ یُضَاعِفُ لِمَنْ یَشَاءُ

داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.

۱۳/۴۵

خدا، دارنده دارندگان

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ... رَبَّ الْأَرْبَابِ

خداوندا سپاس برای توست، دارنده دارندگان.۲/۴۷

دام

حفظ بندگان، از بدی دام های شیطان

اكْفِنَا... شَرَّ مَصَايِدِ الشَّيْطَانِ

ما را از شرّ دام های شیطان نگهدار.۱۰/۵

دام های شیطان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ... غُرُورِهِ وَ مَصَايِدِهِ

خداوندا ما از فریب ها و دام هایش به تو پناه می بریم.۱/۱۷

دام های قصدبدکننده، درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُوءْمِنَنِی مِنْ... مَصَایِدِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از دام هایش ایمن سازی.۸و۷/۲۳

برپایی دام شکارِ (بنده)، توسّط ستمگر

کَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِی بِمَکَایِدِهِ، وَ نَصَبَ لِی شَرَکَ مَصَایِدِهِ

چه بسیار ستمگری که با نیرنگ هایش به من ستم کرد و دام های خود را برایم گسترد.۷/۴۹

درآمدن ستمگر در بند دامِ خود

وَ رَدَدْتَهُ فِی مَهْوَی حُفْرَتِهِ، فَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِیلًا فِی رِبَقِ حِبَالَتِهِ الَّتِی کَانَ یُقَدِّرُ أَنْ یَرَانِی فِیهَا

و او را در پرتگاه گودالش بازگرداندی، تا پس از آن همه گردن کشی، با خواری در بند دامی که در نظر داشت مرا در آن ببیند، درآمد.۸/۴۹

دانش علم

دانه

داستان دانه ای رویاننده هفت خوشه

مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ کَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِّ سُنْبُلَهٍ مِائَهُ حَبَّهٍ، وَ اللَّهُ یُضَاعِفُ لِمَنْ یَشَاءُ

داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.

۱۳/۴۵

دائمی همیشگی

دخول ورود

در

درهای علم به ربوبیّت خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی مَا... فَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِیَّتِهِ

و سپاس خدای را که درهایی از علم به پروردگاری اش را بر ما گشود.۱۰/۱

بستن در حاجت، جز به سوی خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَهِ إِلَّا إِلَیْهِ

سپاس خدایی را که درِ نیازمندی را جز به سوی خود، بر ما بست.۱۹/۱

گشودن در آسایش، به روی بنده

ص : ۵۳۵

وَ افْتَحْ لِی یَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِکَ

و ای پروردگار من، به فضل خود درِ آسایش را به رویم بگشای.۸/۷

(پناه نداشتن بنده)، جز به درگاه خدا

فَإِلَی مَنْ حِینَئِذٍ مُنْقَلَبُنَا عَنْکَ؟ وَ إِلَی أَیْنَ مَذْهَبُنَا عَنْ بَابِکَ؟

پس در این هنگام از جانب تو به چه کسی رو آوریم؟ و از درِ خانه تو به کجا رویم؟۴/۱۰

ایستادن به درِ عزّت خداوند

وَاقِفٌ بِبَابِ عِزِّکَ وُقُوفَ الْمُسْتَسْلِمِ الذَّلِیلِ

به درگاه عزّت تو همچون فرمانبری خوار، ایستاده ام.۴/۱۲

گشوده بودن درِ توبه

سُبْحَانَکَ، لَا أَیْأَسُ مِنْکَ وَ قَدْ فَتَحْتَ لِی بَابَ التَّوْبَهِ إِلَیْکَ

پاک و منزّهی تو، از تو که درِ توبه را به رویم گشوده ای، ناامید نمی شوم.۷/۱۲

مرگ، دری از درهای آمرزش الهی

اجْعَلْهُ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ مَغْفِرَتِکَ

آن را دری از درهای آمرزشت قرار ده.۴/۴۰

دری به سوی عفو الهی

أَنْتَ الَّذِی فَتَحْتَ لِعِبَادِکَ بَابًا إِلَی عَفْوِکَ

تویی آنکه برای بندگانت، دری به سوی بخشایشت گشوده ای.۱۰/۴۵

گشودن در و به پا داشتن راهنما

فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِکَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامَهِ الدَّلِیلِ

پس – بعد از گشودن درْ و به پا داشتن راهنما – عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟!۱۱/۴۵

گشایش درِ (رحمت) الهی، به روی طالبان

بَابُکَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاغِبِینَ

درِ تو برای آنان که خواهانند، باز است.

۱۴/۴۶

درهای برای آمدن به سوی خداوند

إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... أَتَیْتُکَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِی أَمَرْتَ أَنْ تُوءْتَی مِنْهَا

همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی از همان درهایی که فرمان داده ای از آنها وارد شوند، نزد تو آمده ام.۷۲/۴۷

گشودن درهای توبه، رحمت و روزی بر بنده

افْتَحْ لِی أَبْوَابَ تَوْبَتِکَ وَ رَحْمَتِکَ وَ رَأْفَتِکَ وَ رِزْقِکَ الْوَاسِعِ

ص : ۵۳۶

درهای توبه و رحمت و رأفت و روزی فراخت را بر من بگشای.۱۳۲/۴۷

دراز طولانی

درب در

درجه مرتبه

درخت

رویاندن درخت ها، با آب

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْیًا... تُنْبِتُ بِهِ الْأَشْجَارَ

خداوندا ما را با بارانی که درخت ها را به وسیله آن برویانی، سیراب نما.۵/۱۹

درخت هایی خم شده به انواع میوه ها، در بهشت

وَ لَوَّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِیهَا مِنْ... الْأَشْجَارِ الْمُتَدَلِّیَهِ بِصُنُوفِ الثَّمَرِ

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از درختانی که شاخه هایشان به انواع میوه ها خم گشته، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.۴/۲۷

درخشش

درخشش شعله های برق ها

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِی بِصَوْتِ زَجْرِهِ یُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ، وَ إِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِیفَهُ السَّحَابِ الْتَمَعَتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود و آنگاه که با خروش او، ابر به حرکت درآید، شعله های برق می درخشد.۱۴و۱۱و۱۰/۳

اقتداکنندگان به درخشش روشنایی قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... یَقْتَدِی بِتَبَلُّجِ إِسْفَارِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که به درخشش روشنایی آن اقتدا می کنند.۷/۴۲

درد

وسیله رستن از آتش دردناک خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن از آتش دردناک خداوند آزاد شویم.۱۵و۱۰/۱

دچار ساختن دشمن، به بیماری دردناک

أَصِبْهُمْ بِالْجُوعِ الْمُقِيمِ وَ السُّقْمِ الْأَلِيمِ

آنان را دچار گرسنگی دائم و بیماری دردناک گردان.۱۲/۲۷

ترس ستمگران، از قهرهای دردناک خدا

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ... تَوْبَةً تَسْلَمُ بِهَا کُلُّ جَارِحَةٍ عَلَی حِیَالِهَا مِنْ تَبِعَاتِکَ، وَ تَأْمَنُ مِمَا یَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنْ أَلِیمِ سَطَوَاتِکَ

خداوندا و همانا من به درگاهت توبه می کنم. توبه ای که با آن هر عضوی به سهم خود از کیفرهایت سالم مانَد و از قهرهای دردناکت که بیدادگران می ترسند، در امان باشد.۲۲/۳۱

آتشی با آسایشی دردناک

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ... هَیِّنُهَا أَلِیمٌ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که آسایشش دردناک است.۲۹/۳۲

کیفر دردناک آتش دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... تَلْقَی سُکَّانَهَا بِأَحَرِّ مَا لَدَیْهَا مِنْ أَلِیمِ النَّکَالِ وَ شَدِیدِ الْوَبَالِ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با ساکنان خود با سوزان ترین کیفرِ دردناک و عواقب سخت روبرو می شود.۳۰و۲۹/۳۲

دردآور بودن فقدان رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ قَرِینٍ... أَفْجَعَ فَقْدُهُ مَفْقُودًا

درود بر تو همنشینی که چون از دست رفت، فقدانش دردآور بود.۲۶/۴۵

در دل گذراندن

در دل داشتن دوستی محمّد صلی الله علیه و آله

مَنْ کَانُوا مُنْطَوِینَ عَلَی مَحَبَّتِهِ

آنها که محبّت او را در دل پرورانده اند.

۵/۴

در دل گذراندن اندیشه های بد

اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا... مِنْ... خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا

قرآن را نگهبان ما از اندیشه های بد، قرار ده.

۱۰/۴۲

قرآن، بازدارنده خطور اندیشه های بد

وَ احْجُبْ بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنْ صِحَّهِ ضَمَائِرِنَا

و با آن (قرآن)، خاطره های وسوسه انگیز را از درون سالم ما بازدار.۱۱/۴۲

توبه کردن از اندیشه بد

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْکَ... مِنْ کُلِّ... خَاطِرِ شَرٍّ أَضْمَرْنَاهُ

خداوندا ما از هر اندیشه بدی که در دل داشته ایم، به درگاه تو توبه می کنیم.۵۲/۴۵

در دل نگذراندن رجوع به گناه

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْکَ... تَوْبَهَ مَنْ لَا يَنْطَوِی عَلَی رُجُوعٍ إِلَی ذَنْبٍ

خداوندا ما به درگاه تو توبه می کنیم. توبه

ص : ۵۳۸

کسی که بازگشتن به گناه را در دل ندارد.۵۲/۴۵

در دل گذراندن شرّرسانی به بنده، توسّط دشمن

فَکَمْ مِنْ عَدُوٍّ... أَضْمَرَ أَنْ یَسُومَنِی الْمَکْرُوهَ

پس چه بسیار دشمنی که در دل قصدِ آسیب رساندن به من داشت.۴/۴۹

درگاه

رسوایی در درگاه خدا، به واسطه گناهان

فَقَدْ أَقَامَتْنِی یَا رَبِّ ذُنُوبِی مَقَامَ الْخِزْیِ بِفِنَائِکَ

پس ای پروردگار من، گناهانم به درگاهت، مرا در جایگاه رسوایئ ماندگار نموده.۲۳/۳۱

درگاه انتقام الهی

...وَ أَخْرَجَنِی إِلَی فِنَاءِ نَقِمَتِکَ طَرِیدًا

...و مرا رانده شده، به سوی درگاه انتقامت درآورد.۱۳/۳۲

درمان مداوا

درماندگی بیچارگی و نیز ناتوانی

درمانده نگشتن حاملان عرش، از پرستش خدا

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ... لَا یَسْتَحْسِرُونَ مِنْ عِبَادَتِکَ

خداوندا و حاملان عرشت که از پرستشت درمانده نمی گردند...۱/۳

قرار دادن قوی ترین توانایی در بنده، هنگام درماندگی او

اجْعَلْ... أَقْوَی قُوَّتِکَ فِیَّ إِذَا نَصِبْتُ

قوی ترین توانایی ات را در من، هنگامی که درمانده شدم قرار ده.۱۱/۲۰

سبب درمانده گشتن بنده، از بزرگ داشت خدا

وَ فَهَّهَنِیَ الْإِمْسَاكُ عَنْ تَمْجِیدِكَ، وَ قُصَارَایَ الْإِقْرَارُ بِالْحُسُورِ، لَا رَغْبَهً - یَا إِلَهِی - بَلْ عَجْزًا

و خودداریْ (از سخن)، مرا از بزرگ داشتن تو درمانده کرده، و نهایت تلاش من اقرار به درماندگی است. نه از روی بی رغبتی - ای خدای من - بلکه از روی ناتوانی است.۲۴/۴۶

درنده

در کمین نشستن ستمگر همچون درنده

وَ کَمْ مِنْ بَاغٍ... أَضْبَأَ إِلَیَّ إِضْبَاءَ السَّبُعِ لِطَرِیدَتِهِ انْتِظَارًا لِانْتِهَازِ الْفُرْصَهِ لِفَرِیسَتِهِ

ص : ۵۳۹

و چه بسیار ستمگری که همانند در کمین نشستن درنده ای برای شکارش، با چشم به راهی برای غنیمت دانستن وقت مناسبی برای شکار، در کمین من نشست.۷/۴۹

درنگ مهلت

درود

درود خدا بر محمّد صلی الله علیه و آله و خاندانش

صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

درود خدا بر او و خاندانش باد.

۲/۴، ۱/۲

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ

خداوندا پس بر محمّد درود فرست.۳/۲

صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۳/۱۸، ۱/۱۱، ۱/۵–۶

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۳/۱۱، ۶/۱۰، ۸/۷، ۱۳ و ۱۱ و ۸/۵ ۴/۲۱، ۱۵/۲۰، ۲۹و۱۸/۱۶، ۱۴و۱۱/۱۴ ۲۸/۳۲، ۲۹/۳۱، ۲/۳۰، ۲/۲۹، ۱۱/۲۴ ۳/۳۸، ۱۶/۳۷، ۵/۳۵، ۱/۳۳ ۲۵/۴۶، ۴۷/۴۵، ۸/۴۲، ۱۰و۹و۴/۳۹ ۲۷–۱۷/۴۸

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۱۰/۸ ، ۱۷–۱۹و۱۳/۶ ، ۱۵و۱۴و۱۰و۹/۵ ۱۳و۹و۸/۱۴ ، ۲۱/۱۳ ، ۱۵/۱۲ ، ۱/۹ ۱۱–۸و۴و۳و۱/۲۰ ، ۱۰و۹و۵و۴/۱۷ ، ۳۳/۱۶ ۱۰– ۸/۲۱ ، ۳۰و۲۹و۲۷و۲۶و۲۴–۲۱و۱۸و۱۴/۲۰ ۷و۲و۱/۲۳ ، ۱۳و۱۲و۹و۸و۶و۵/۲۲ ، ۱۳/۲۱ ۳و۱/۳۰ ، ۴–۱/۲۷ ، ۴و۱/۲۶،

۱۴و۴و۳/۲۴ ۳/۳۶ ۲/۳۶، ۳و۲/۳۵، ۳۴و۳۲/۳۲، ۳۰و۲۴/۳۱ ۲۴/۳۱ ۶/۴۳، ۱۴-۹و۱/۴۰،۱/۴۱،۷/۴۲، ۱/۳۹ ۵۱و۴۸/۴۵، ۱۹و۱۶-۱۳و۸و۶/۴۴

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، أَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست بیش از آنچه بر کسی از آفریدگانت فرستادی. ۲۳/۶

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَنْجَبِينَ

پس بر محمّد و خاندانش که پاک، پاکیزه، نیکوکار و شریف ترین اند، درود فرست.۲۴/۶

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست.۲۰/۱۳، ۷/۹، ۲۳/۶، ۸/۵ ۱۲/۳۱، ۶/۱۵، ۶/۱۴

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

ص : ۵۴۰

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۱۶/۱۲

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً دَائِمَةً نَامِيَةً لَا انْقِطَاعَ لِأَبَدِهَا وَ لَا مُنْتَهَى لِأَمَدِهَا، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ عَوْنًا لِي وَ سَبَبًا لِنَجَاحِ طَلِبَتِي

بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی پیوسته و فزاینده که روزگار آن سپری نشود و مدّتش به پایان نرسد و آن را کمکی برای من و وسیله روا شدن حاجتم قرار ده.۲۴/۱۳

فَأَسْأَلُكَ بِكَ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ...

پس از تو می خواهم به حقّ خودت و به حقّ محمّد و خاندانش - که درودهای تو بر ایشان باد - ...۲۵/۱۳

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا و بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۷/۱۴

إِلَهِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خدای من بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۱۷/۱۶

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.۱۹/۴۲، ۱۱/۲۲، ۷و۵/۲۰، ۷/۱۹

۱۶/۴۸، ۴/۵۴

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ

خداوندا و بر محمّد و خاندانش درود فرست، همانند برترین درودی که پیش از او بر کسی از آفریدگانت فرستادی.۳۰/۲۰

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ رَحْمَتُكَ وَ بَرَكَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ

درودهایت بر او و رحمتت و برکاتت بر او و بر خاندانش باد.۴/۲۳

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست، چنانکه ما را به وسیله او شرافت دادی.۴/۲۴

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا أَوْجَبْتَ لَنَا الْحَقَّ عَلَى الْخَلْقِ بِسَبَبِهِ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، چنانکه به سبب او برای ما حقّی بر خلق واجب نمودی.

۴/۲۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندان او و نسل او درود فرست.۱۲/۲۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلَاةً عَالِيَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ، مُشْرِفَةً فَوْقَ التَّحِيَّاتِ، صَلَاةً لَا يَنْتَهِي أَمَدُهَا، وَ لَا يَنْقَطِعُ عَدَدُهَا كَأَتَمِّ مَا مَضَى مِنْ صَلَوَاتِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمّد درود فرست، درودی بالای همه درودها و مشرف بر همه تحیّت ها. درودی که مدّتش پایان نپذیرد و شماره اش قطع نگردد.

ص : ۵۴۱

مانند کامل ترین درودهایت که بر هر یک از اولیایت فرستاده شده.۱۸/۲۷

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، کَمَا هَدَیْتَنَا بِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست، همچنانکه ما را به سبب او هدایت کردی.

۳۰/۳۱

وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، کَمَا اسْتَنْقَذْتَنَا بِهِ، وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَشْفَعُ لَنَا یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ یَوْمَ الْفَاقَهِ إِلَیْکَ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، آنچنان که ما را به وسیله او نجات دادی و بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که روز رستاخیز و روز نیازمندی به تو، ما را شفاعت کند.۳۰/۳۱

وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، مَا اخْتَلَفَ اللَّیْلُ وَ النَّهَارُ، صَلَاةً لَا یَنْقَطِعُ مَدَدُهَا، وَ لَا یُحْصَی عَدَدُهَا، صَلَاةً تَشْحَنُ الْهَوَاءَ، وَ تَمْلَأُ الْأَرْضَ وَ السَّمَاءَ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، تا شب و روز در گردش هستند. درودی که پشتوانه اش قطع نشود و تعدادش به شمار درنیاید. درودی که هوا را آکنده سازد و آسمان و زمین را پر کند.

۳۴/۳۲

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، إِذَا ذُکِرَ الْأَبْرَارُ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست هنگامی که نیکوکاران یاد شوند.۳۴/۳۲

صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ حَتَّی یَرْضَی، وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

بَعْدَ الرِّضَا صَلَاةً لَا حَدَّ لَهَا وَ لَا مُنْتَهَی

درود خدا بر او تا اینکه خوشنود شود و درود خدا بر او و خاندانش، پس از خوشنود شدن. درودی که حدّ و نهایتی برایش نیست.۳۵/۳۲

صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

درودهای تو بر او و خاندانش باد.۲/۴۲

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَنْزَلْتَهُ عَلَی نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ مُجْمَلًا

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - ، بدون تفصیل و شرح نازل کردی.۵/۴۲

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ، وَ عَلَى آلِهِ الْخُزَّانِ لَهُ

پس بر محمّد که با آن سخن راند و بر خاندانش، گنجینه داران آن، درود فرست.۶/۴۲

صَلَوَاتُکَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ

درودهای تو بر او و بر خاندانش باد.

۱۸/۴۲

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِکَ وَ فَضْلِکَ وَ کَرَامَتِکَ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که با آن او را به برترین خیر و فضل و کرامتی که آرزو دارد، برسانی.۲۱/۴۲

السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ

درود و رحمت و برکات فزاینده خداوند، بر

او و بر خاندان او که پاکیزگان و پاکانند، باد.

۲۲/۴۲

فَأَسْأَلُ اللَّهَ...أَنْ یُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از خدا درخواست می کنم که بر محمّد و خاندانش درود فرستد.۴/۴۳

صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ

خدا بر محمّد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد.۷/۴۳

صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

درودهایت بر او و خاندانش باد.۹/۴۴

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱۲/۴۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، فِی کُلِّ وَقْتٍ وَ کُلِّ أَوَانٍ وَ عَلَی کُلِّ حَالٍ عَدَدَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی مَنْ صَلَّیْتَ عَلَیْهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست، در هر وقت و هر آن و بر هر حال. به عدد درودی که بر دیگران درود فرستاده ای.۱۹/۴۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ نَبِیِّنَا وَ آلِهِ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی مَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ، وَ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی أَنْبِیَائِکَ الْمُرْسَلِینَ، وَ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ، وَ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِکَ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ، صَلَاةً تَبْلُغُنَا بَرَکَتُهَا، وَ یَنَالُنَا نَفْعُهَا، وَ یُسْتَجَابُ لَهَا دُعَاؤُنَا

خداوندا بر محمّد پیامبرمان و خاندانش درود فرست. همچنانکه بر فرشتگان مقرّبت درود

فرستادی. و بر او و بر خاندانش درود فرست، همچنانکه بر پیامبران فرستاده شده ات درود فرستادی. و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر بندگان شایسته ات درود فرستادی. و برتر از آن ای پروردگار جهانیان، درودی که برکت آن به ما رسد و سودش ما را دریابد و دعای ما به سبب آن مستجاب گردد.۵۶/۴۵

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْمُنْتَجَبِ الْمُصْطَفَی الْمُکَرَّمِ الْمُقَرَّبِ، أَفْضَلَ صَلَوَاتِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندان محمّد که برگزیده، اختیار شده، گرامی و مقرّب داشته شده اند، برترین درودهایت را

بفرست.۵۰/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً زَاكِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةٌ أَزْكَى مِنْهَا، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةٌ أَنْمَى مِنْهَا، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً رَاضِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةٌ فَوْقَهَا

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درود پیراسته ای که درودی پیراسته تر از آن نباشد. و بر او درود فرست، درود فراوانی کـه درودی فراوان تر از آن نباشــد. و بر او درود فرســت، درود خوشــنودکننده ای کـه درودی بالاـتر از آن نباشد.۵۱/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُرْضِيهِ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُرْضِيکَ و تَزِيدُ عَلَى رِضَاکَ لَهُ وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا تَرْضَى لَهُ إِلَّا بِهَا، وَ لَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که خوشنودش سازد و بر خوشنودی اش بیفزاید. و بر او درود فرست، درودی که تو را خوشنود کند و بر خوشنودی ات برای او بیفزاید. و بر او درود فرست، درودی که برای او جز به آن راضی نشوی و جز او را سزاوار آن نبینی.۵۲/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً تُجَاوِزُ رِضْوَانَكَ، وَ يَتَّصِلُ اتِّصَالُهَا بِبَقَائِكَ، وَ لَا يَنْفَدُ كَمَا لَا تَنْفَدُ كَلِمَاتُكَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که از خوشنودی تو درگذرد و اتّصالش به بقای تو پیوند خورد و فانی نشود، همچنانکه کلمات تو فانی نمی شود.۵۳/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ، وَ تَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جِنِّكَ وَ إِنْسِكَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَ تَجْتَمِعُ عَلَى صَلَاةِ كُلِّ مَنْ ذَرَأْتَ وَ بَرَأْتَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و فرمانبران تو را فراگیرد و درودهای بندگانت از جن و اِنست و اجابت کنندگان دعوتت را شامل شود و درود هر که آفریده ای و ایجاد نموده ای از انواع آفریدگانت را دربرگیرد.

۵۴/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَ مُسْتَأْنَفَةٍ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ، صَلَاةً مَرْضِيَّةً لَكَ وَ لِمَنْ دُونَكَ، وَ تُنْشِئُ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا، وَ تَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفَ لَا يَعُدُّهَا غَيْرُكَ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست، درودی که هر درود گذشته و تازه ای را فراگیرد. و بر او و بر خاندانش درود فرست، درودی که نزد تو و غیر تو پسندیده باشد و با آن درودهای دیگر پدید آوری، که درودهای گذشته را با آن چندین برابر کنی و آن را با گذر روزگار بیفزایی، افزودنی در چندین برابر که جز تو (کسی) نتواند آن را شمارش کند.۵۵/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحَلِكَ وَ كَرَامَتِكَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که با آن بخشش و کرامتت را برای ایشان بسیار سازی.۵۷/۴۷

صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

خداوندا درودهایت بر او و خاندانش باد.

۶۲/۴۷و۶۳

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

و خداوند بر محمّد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد.۱۳۳/۴۷

فَأَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

ص : ۵۴۴

پس از تو می خواهم که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱/۴۸

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ... وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ الْأَبْرَارِ الطَّاهِرِینَ الْأَخْیَارِ صَلَاةً لَا یَقْوَی عَلَی إِحْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که بر محمّد و بر خاندان محمّد که نیکوکارانِ پاکانِ برگزیده اند، درود فرستی. درودی که جز تو کسی بر شمردن آن توانایی نداشته باشد.۳/۴۸

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۴/۴۸

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا، پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.۶/۴۸

صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۸/۴۸

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... کَصَلَوَاتِکَ وَ بَرَکَاتِکَ وَ تَحِیَّاتِکَ عَلَی أَصْفِیَائِکَ إِبْرَاهِیمَ وَ آلِ إِبْرَاهِیمَ

خداوندا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست. مانند درودها و برکت ها و تحیّت هایی که بر برگزیدگانت: ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی.

۱۱/۴۸

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۱۳/۴۸

صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتَجِبْ لِی جَمِیعَ مَا سَأَلْتُکَ

بر محمّد و خاندانش درود فرست و همه آنچه را که از تو خواسته ام، برایم مستجاب فرما.

۲۸/۴۸

ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَا لَکَ، وَ تُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَلْفَ مَرَّهٍ

سپس دعا کن آنچه را برایت آشکار شد و بر محمّد و خاندانش هزار بار درود فرست.۲۸/۴۸

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی.۱۰/۵۲

صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۱/۵۴

صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَی وَ عَلَی آلِهِ الطَّاهِرِینَ

درود خدا بر سرور ما، محمّد، فرستاده خدا که برگزیده است و بر خاندان پاکش باد.۹/۵۴

درود خدا، بر فرشتگان گوناگون

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ... وَ إِسْرَافِیلُ صَاحِبُ الصُّورِ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

خداوندا و حاملان عرشت و اسرافیل، صاحب صور، پس بر آنها درود فرست.۶و۲و۱/۳

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ... وَ مِیکَائِیلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَکَ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

خداوندا و حاملان عرشت و میکائیل که نزد تو دارای مقام والا است، پس بر آنها درود فرست.

۶و۳و۱/۳

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ... وَ جِبْرِیلُ الْأَمِینُ عَلَی وَحْیِکَ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

خداوندا و حاملان عرشت و جبرئیل که امین وحی توست، پس بر آنها درود فرست.

۶و۴و۱/۳

اللَّهُمَّ... وَ الرُّوحُ الَّذِی هُوَ عَلَی مَلَائِکَهِ الْحُجُبِ. وَ الرُّوحُ الَّذِی هُوَ مِنْ أَمْرِکَ، فَصَلِّ عَلَیْهِمْ، وَ عَلَی الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ مِنْ دُونِهِمْ: مِنْ سُکَّانِ سَمَاوَاتِکَ، وَ أَهْلِ الْأَمَانَهِ عَلَی رِسَالَاتِکَ

خداوندا و روح، همان که او بر فرشتگان حجاب ها گماشته شده، و روح، که از عالم امر تو می باشد، پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند، در آسمان هایت ساکنند و بر رساندن پیام هایت امانت دارند.

۶و۵و۱/۳

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

خداوندا و حاملان عرشت، پس بر آنها درود فرست. ۶و۱/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ، وَ عَلَی الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ لَا تَدْخُلُهُمْ سَأْمَهٌ مِنْ دُؤُوبٍ، وَ لَا إِعْیَاءٌ مِنْ لُغُوبٍ وَ لَا فُتُورٌ، وَ لَا

تَشْغَلُهُمْ عَنْ تَسْبِیحِکَ الشَّهَوَاتُ، وَ لَا یَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظِیمِکَ سَهْوُ الْغَفَلَاتِ

...پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از کوشش دائمی دلتنگ نمی شوند، و از خستگیِ زیاد، وامانده و سست نمی گردند، و خواهش های نفسانی، آنها را از تسبیح تو باز نمی دارد، و فراموشیِ غفلت ها، آنها را از تعظیم تو جدا نمی سازد.۷و۶/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ، وَ عَلَی الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ قَدْ طَالَتْ رَغْبَتُهُمْ فِیما لَدَیْکَ، الْمُسْتَهْتَرُونَ بِذِکْرِ آلَائِکَ، وَ الْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِکَ وَ جَلَالِ کِبْرِیَائِکَ

...پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که به آنچه در نزد توست مشتاق بودنشان بسیار است و به ذکر نعمت های تو حریص می باشند، و در پیشگاه با عظمت، بزرگ و بلند توْ فروتنند.

۶/۳و۸

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ، وَ عَلَى الْمَلَائِكَهِ... الَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَى أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ: سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ

...پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که چون دوزخ را می نگرند که بر گنهکاران شعله می کشد، گویند: منزّهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم.۶/۳و۹

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَ أَهْلِ الزُّلْفَهِ عِنْدَكَ، وَ حُمَّالِ الْغَيْبِ إِلَى رُسُلِكَ، وَ الْمُؤْتَمَنِينَ

عَلَی وَحْیِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و آنها که نزدت مقرّبند، و آنها که رسانندگان اخبار نهانی بر رسولانت می باشند و بر وحی تو امانت دارند.۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِکَ، وَ أَغْنَیْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَقْدِیسِکَ، وَ أَسْکَنْتَهُمْ بُطُونَ أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که به خود اختصاصشان داده ای و آنان را به ذکر تقدیس خود از خوردنی و آشامیدنی بی نیاز نموده ای، و در دل طبقه های آسمان هایت، سکونتشان داده ای.

۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ عَلَی أَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَمَامِ وَعْدِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که بر اطراف آن آسمان هایند، آنگاه که فرمان تمام شدن وعده ات نازل شود.۱۲و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ... خُزَّانِ الْمَطَرِ وَ زَوَاجِرِ السَّحَابِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از

فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که خزانه داران باران و حرکت دهندگان ابرند.

۱۳و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِی بِصَوْتِ زَجْرِهِ یُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ، وَ إِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِیفَهُ السَّحَابِ الْتَمَعَتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود و آنگاه که با خروش او، ابر به حرکت درآید، شعله های برق می درخشد.۱۴و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ... مُشَیِّعِی الثَّلْجِ وَ الْبَرَدِ، وَ الْهَابِطِینَ مَعَ قَطْرِ الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ، وَ الْقُوَّامِ عَلَی خَزَائِنِ الرِّیَاحِ، وَ الْمُوَکَّلِینَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که همراهی کنندگان برف و تگرگ، و فرودآمدگان به همراه قطره های نازل شده باران، و زمامداران بر گنجینه بادها، و گمارده شدگان به کوه ها تا فروناپاشد، می

باشند.۱۵و۱۲و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... الَّذِينَ عَرَّفْتَهُمْ مَثَاقِيلَ الْمِيَاهِ، وَ كَيْلَ مَا تَحْوِيهِ لَوَاعِجُ الْأَمْطَارِ وَ عَوَالِجُهَا

...پس درود فرست بر ايشان و بر روحانيّان از

ص : ۵۴۷

فرشتگانت و بر گروه هـای فرشتگانی که وزن آب هـا و پیمـانه بـاران هـای شدیـد و رگبارهـای متراکم را به آنان شـناسانده ای.۱۶و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ رُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَهِ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَكْرُوهِ مَا يَنْزِلُ مِنَ الْبَلَاءِ وَ مَحْبُوبِ الرَّخَاءِ

...پس درود فرست بر ایشـان و بر روحانیّان از فرشـتگانت و بر گروه هـای فرشـتگان و فرسـتادگانت از فرشـتگان، کـه بلای ناخوشایند و آسایش خوشایند به سوی اهل زمین می فرستی.

۱۷و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ السَّفَرَهِ الْكِرَامِ الْبَرَرَهِ، وَ الْحَفَظَهِ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَ مَلَكِ الْمَوْتِ وَ أَعْوَانِهِ، وَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ، وَ رُومَانَ فَتَّانِ الْقُبُورِ، وَ الطَّائِفِينَ بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، وَ مَالِكٍ، وَ الْخَزَنَهِ، وَ رِضْوَانَ، وَ سَدَنَهِ الْجِنَانِ

...پس درود فرست بر ایشـان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه هـای فرشـتگان و سـفیران بزرگـوارِ نیکوکـار و حافظـان گرامی نویســنده (اعمـال)، و فرشــته مرگ و یـارانش و بر منکر و نکیر و رومـانْ آزمـایش کننــده (مردگـان) قبرهـا و طـواف کنندگان بیت المعمور و مالک و خزانه دار دوزخ و رضوان و کلیددار بهشت ها.

۱۸و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ

قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... الَّذِينَ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ، وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشـتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنان که خدا را در آنچه به آنان امر کرده، سرپیچی نمی کنند و آنچه به آنان فرمان داده شده، انجام می دهند.

۱۹و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... الَّذِينَ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشـتگان، آنان که (به بهشتیان) می گوینـد: درود بر شما، به پاس بردباری ای که نمودید، پس چه نیکوست فرجام این سرای.۲۰و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ الزَّبَانِيَهِ الَّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ: خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ. ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا، وَ لَمْ يُنْظِرُوهُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و آن پاسبانانی که چون به آنها گفته شود: او را بگیرد و در زنجیرش کشید، سپس به دوزخ افکنید، به سرعت به او حمله برند و مهلتش ندهند.۲۱و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِينَ... سُكَّانِ الْهَوَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ الْمَاءِ،

وَ مَنْ مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که ساکنان هوا و زمین و آب اند و هر کدام از آنان که بر خلق مشغولند.۲۳و۲۰و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ مَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ، وَ لَمْ نَعْلَمْ مَكَانَهُ مِنْكَ، و بِأَيِّ أَمْرٍ وَكَّلْتَهُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، و هر (فرشته ای) که نامش را نبردیم و جایگاهش را در پیشگاه تو و مأموریّتی را که به او سپرده ای، نمی دانیم.۲۲و۱۱و۱۰/۳

درود خدا بر فرشتگان، در روزی که با هر کس گواهیست

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ

...پس بر آنها درود فرست، روزی که هر شخص با راننده ای و گواهی (از فرشتگان) بیاید.

۲۴/۳

درود خدا بر فرشتگان و ویژگی این درود

صَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً تَزِيدُهُمْ كَرَامَةً عَلَى كَرَامَتِهِمْ وَ طَهَارَةً عَلَى طَهَارَتِهِمْ

بر آنان درود فرست، درودی که کرامتی بر

کرامتشان و پاکی ای بر پاکیشان بیفزاید.۲۵/۳

درود بندگان، به فرشتگان و فرستادگان خدا

اللَّهُمَّ وَ إِذَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ، وَ بَلَّغْتَهُمْ صَلَاتَنَا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ

خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر (زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست.۲۶/۳

درود خدا، بر پیروان اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و بر همسران و فرزندانشان

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، وَ عَلَى أَزْوَاجِهِمْ، وَ عَلَى ذُرِّيَّاتِهِمْ، وَ عَلَى مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ

خداوندا و از امروز ما تا روز قیامت بر تابعین و زنان و فرزندانشان و بر هر کسی از آنها که فرمان تو را برده، درود

فرست.۱۳/۴

ویژگی های درود خدا، بر تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صَلَاةً تَعْصِمُهُمْ بِهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَ تَفْسَحُ لَهُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ، وَ تَمْنَعُهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ، وَ تُعِينُهُمْ بِهَا عَلَى مَا اسْتَعَانُوكَ عَلَيْهِ مِنْ بِرٍّ

ص : ۵۴۹

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن ایشان را از معصیت نگه داری و در باغ های بهشتت بر ایشان وسعت دهی، و آنان را از حیله شیطان بازداری، و بر خواسته های نیک آنانْ کمک رسانی.۱۴و۱۳/۴

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صَلَاةً... تَبْعَثُهُمْ بِهَا عَلَى اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَكَ، وَ الطَّمَعِ فِيما عِنْدَكَ وَ تَرْكِ التُّهَمَةِ فِيما تَحْوِيهِ أَيْدِي الْعِبَادِ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن ایشان را بر اعتقاد به امیدی نیکو به تو و طمع در آنچه نزد تو است و ترک تهمت در آنچه که در دست بندگان است، برانگیزی.۱۵و۱۴و۱۳/۴

فرستادن درود و رحمت خدا، بر والدین

وَ اخْصُصِ اللَّهُمَّ وَالِدَيَّ بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ، وَ الصَّلَاةِ مِنْكَ

و خداوندا، پدر و مادر مرا به کرامتِ نزد خود و درود از جانب خود، اختصاص ده.۲/۲۴

درود فرستادن خدا، بر پیامبران و بندگان شایسته اش

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر پیامبران فرستاده شده ات درود فرستادی. و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر بندگان

شایسته ات درود فرستادی.۵۶/۴۵

درود فرشتگان، انبیا، رسولان، اهل طاعت و همه آفریدگان، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ، وَ تَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جِنِّكَ وَ إِنْسِكَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَ تَجْتَمِعُ عَلَى صَلَاةِ كُلِّ مَنْ ذَرَأْتَ وَ بَرَأْتَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و فرمانبران تو را فراگیرد و درودهای بندگانت از جن و اِنست و اجابت کنندگان دعوتت را شامل شود و درود هر که آفریده ای و ایجاد نموده ای از انواع آفریدگانت را دربرگیرد.۵۴/۴۷

درود خدا، بر دوستداران ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ... الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الزَّاكِيَاتِ النَّامِيَاتِ الْغَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ

خداوندا و بر دوستان آنها درودهای مبارک، پاک، فزاینده (در) هر صبح و شام، بفرست.

۶۴/۴۷

دروغ

دشمنان و تکذیب پیامبران

ص : ۵۵۰

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ - مِنْ - أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ مُعَارَضَهِ الْمُعَانِدِينَ لَهُمْ بِالتَّكْذِيبِ...

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگانِ پنهانیِ پیامبران از اهل زمین، در هنگامی که با تکذیب ستیزه جویان روبرو می شدند...۱/۴

اطمینان نمودن به دروغ های شیطان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ... مِنَ الثِّقَهِ بِأَمَانِيِّهِ

خداوندا ما از اطمینان به آرزوهای او به تو پناه می بریم.۱/۱۷

تکذیب دشنام دهنده

هَبْ لِي... تَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي

مرا تکذیبی بر آنکه دشنامم داد، ببخش.

۸/۲۰

دروغ گفتن شیطان، در وعده هایش

إِنْ وَعَدَنَا كَذَبَنَا، وَ إِنْ مَنَّانَا أَخْلَفَنَا

اگر ما را وعده دهد، به ما دروغ گوید. و اگر به ما نوید دهد، خلف وعده کند.۷/۲۵

نسبت دادن دروغگویی، به پیامبران

لَا يَنْقُصُ سُلْطَانَكَ مَنْ... كَذَّبَ رُسُلَكَ

کسی که پیامبرانت را دروغگو شمارد، از فرمانروایی ات نمی کاهد.۳/۵۲

درون

جای دادن فرشتگان، در اندرون طبقات آسمان

وَ أَسْكَنْتَهُمْ بُطُونَ أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِكَ

و آنها را در دل طبقه های آسمان هایت، سکونت داده ای.۱۱/۳

آشکار بودن باطن اخبار، بر خداوند

یَا مَنْ تَظْهَرُ عِنْدَهُ بَوَاطِنُ الْأَخْبَارِ

ای کسی که اخبار پنهانی نزد او آشکار است.

۶/۵

جنین در اندرون مادر

...الَّتِی أَسْکَنَتْنِی جَوْفَهَا، وَ أَوْدَعَتْنِی قَرَارَ رَحِمِهَا

...همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی و مرا در قرارگاه رحم او سپردی.۲۴/۳۲

مانعی برای سلامتی ضمیر بندگان

وَ احْجُبْ بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنْ صِحَّهِ ضَمَائِرِنَا

و با آن (قرآن)، خاطره های وسوسه انگیز را از درون سالم ما بازدار.۱۱/۴۲

درّه

افکندن خود، در درّه های نابودی

ص : ۵۵۱

تَقَحَّمْتُ أَوْدِيَهَ الْهَلَاكِ، وَ حَلَلْتُ شِعَابَ تَلَفٍ

در وادی های هلاکت رفتم و به درّه های نابودی وارد شدم.۲/۴۹

عذاب الهی، در درّه های هلاکت

تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِکَ وَ بِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِکَ

در آنها، خود را در معرض سخت گیری هایت قرار داده، با عقوبت هایت روبرو شدم.۲/۴۹

درهم پیچیدگی

عامل گشاینده آنچه غفلت آن را درهم پیچیده

اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِمَا طَوَتِ الْغَفْلَهُ عَنَّا مِنْ تَصَفُّحِ الِاعْتِبَارِ نَاشِرًا

قرآن را برای اندیشه در پند گرفتن که فراموشی ما آن را درهم پیچیده، گشاینده گردان.

۱۰/۴۲

دریافت

اوقات فراغت و یافت شدن بنده، در گناه

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَهٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَهٌ

و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای،

پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد.۲/۱۱

دریافت خوشنودی خدا از بنده، در حال تندرستی

خُذْ لِنَفْسِکَ رِضَاهَا مِنْ نَفْسِی فِی عَافِيَهٍ

رضای خود را از من در حال عافیت دریافت نما. ۱/۲۲

دریافتن لذّت بهشت و اندوه دوزخ

وَ ارْزُقْنِی خَوْفَ غَمِّ الْوَعِيدِ، وَ شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ، حَتَّى أَجِدَ لَذَّهَ مَا أَدْعُوکَ لَهُ، وَ كَأْبَهَ مَا أَسْتَجِيرُ بِکَ مِنْهُ

و ترسِ انـدوهِ وعـده ها(ی عذاب) و اشتیاقِ پاداشِ وعده ها(ی بهشتی) را روزی ام فرما. تا لذّت آنچه را که تو را برای آن می خوانم و اندوه آنچه را که از آن به تو پناه می آورم، دریابم.

۹/۲۲

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ، وَ شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ، حَتَّى نَجِدَ لَذَّةَ مَا نَدْعُوكَ بِهِ، وَ كَأْبَةَ مَا نَسْتَجِيرُكَ مِنْهُ

خداونـدا ترسِ کیفرِ هشـدارداده شـده و شوقِ پاداشِ وعـده داده شـده را روزی ما گردان. تا خوشـی آنچه از تو می خواهیم و اندوه آنچه از آن به تو پناه می بریم، دریابیم.۵۳/۴۵

دریافت آرامش دل

ص : ۵۵۲

وَ ارْزُقْنِی الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِیرِی فِی الشُّکْرِ لَکَ... حَتَّی أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِی رَوْحَ الرِّضَا وَ طُمَأْنِینَهَ النَّفْسِ مِنِّی بِمَا یَجِبُ لَکَ فِیما یَحْدُثُ فِی حَالِ الْخَوْفِ وَ الْأَمْنِ

و هنگامی که در شکرت کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال ترس و ایمنی رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم.۱۱/۲۲

ادراک حقّ پدر و مادر

لَا أُدْرِکُ مَا یَجِبُ عَلَیَّ لَهُمَا

آنچه برای ایشان بر من واجب است را درنمی یابم.۱۱/۲۴

عدم ادراک آنچه خدا از بندگان پوشانده

أَنْتَ الَّذِی دَلَلْتَهُمْ... عَلَی مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِکْهُ أَبْصَارُهُمْ

تویی آنکه ایشان را راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشاندی، دیدگانشان آن را درنمی یافت.۱۴/۴۵

دریافتن خیر و نیکیِ خواسته شده

فَأْجُرْنَا عَلَی مَا أَصَابَنَا فِیهِ مِنَ التَّفْرِیطِ أَجْرًا نَسْتَدْرِکُ بِهِ الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ فِیهِ

پس ما را بر آنچه از کوتاهی در آن ماه به ما رسیده، پاداش ده. پاداشی که با آن فضل

درخواست شده را دریابیم.۴۵/۴۵

دیده ها و درک نکردن جای خداوند

أَنْتَ الَّذِی... لَمْ تُدْرِکِ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ أَیْنِیَّتِکَ

تویی آنکه دیده ها جا و مکان تو را درنیافتند.

۱۸/۴۷

طلبیدن خدا و دریافتن او

فَمَنِ الْتمَسَکَ لِدِینٍ أَوْ دُنْیَا وَجَدَکَ

پس هر که برای دین یا دنیا به دنبال تو گشت، تو را می یابد.۲۵/۴۷

ادراک امور، به مدد الهی

وَ لَا تَشْغَلْنِی بِمَا لَا أُدْرِکُهُ إِلَّا بِکَ عَمَّا لَا یُرْضِیکَ عَنِّی غَیْرُهُ

و مرا به چیزی که آن را درنمی یابم، مگر به (کمک) تو، مشغول منما، تا از چیزی که جز آن تو را از من خوشنود نمی کند، باز مانم.۱۰۸/۴۷

خدا، دریابنده بنده گریزپای

اللَّهُمَّ إِنَّکَ... مُدْرِکِی إِنْ أَنَا فَرَرْتُ

خداوندا، همانا تو یابنده منی، اگر فرار کنم.

۴/۵۰

دژ قلعه

دست

تابعین، و ترک تهمت بر آنچه در دست

بندگان است

صَلَاةً... تَبْعَثُهُمْ بِهَا عَلَى... تَرْكِ التُّهَمَهِ فِيما تَحْوِيهِ أَيْدِى الْعِبَادِ

درودی که به سبب آن ایشان را بر ترک تهمت در آنچه که در دست بندگان است، برانگیزی.

۱۵و۱۴/۴

برتری دست خدا، در بخشش ها

أَنَّ يَدَکَ بِالْعَطَايَا أَعْلَى مِنْ كُلِّ يَدٍ

همانا دستِ عطای تو از هر دستی بالاتر است.

۱۹/۱۳

روان ساختن نیکی به دست بنده، برای مردم

أَجْرِ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِىَ الْخَيْرَ

نیکی کردن به مردم را به دست من جاری ساز.

۳/۲۰

قرار دادن دستی برای بنده، در مقابل ستمگر

اجْعَلْ لِى يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِى

برایم بر آنکه به من ستم کرد، دستی قرار ده.

۸/۲۰

به دست خدا بودنِ همه امور

بِيَدِکَ، يَا إِلَهِى جَمِيعُ ذَلِکَ السَّبَبِ، وَ إِلَيْکَ الْمَفَرُّ وَ

الْمَهْرَبُ

ای خدای من، همه این سبب ها به دست توست و مفر و گریز به سوی توست.۴/۲۱

به دست خدا بودنِ موی پیشانی بنده

نَاصِیَتِی بِیَدِکَ

موی پیشانی (و اختیار)م به دست توست.

۵/۲۱

نگذاشتن دستی (نعمت و احسانی) برای گنهکار و کافر

لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَ لَا کَافِرٍ عَلَیَّ مِنَّهً، وَ لَا لَهُ عِنْدِی یَدًا

برای بدکار و کافر، بر من منّت و برای او نزد من دستی (نعمتی)، قرار نده.۱۲/۲۱

گشودن دست بنده، به توانگری خدا

بِسَعَتِکَ، فَابْسُطْ یَدِی

به توانگری ات گشاده دستم گردان.۴/۲۲

فراوانی روزی فرزندان، به دست والدین

أَدْرِرْ لِی وَ عَلَی یَدِی أَرْزَاقَهُمْ

برای من و به دست من روزی هایشان را بسیار نما. ۲/۲۵

بازداشتن دستان دشمن، از گشوده شدن

وَ اقْبِضْ أَیْدِیَهُمْ عَنِ الْبَسْطِ

و دست هایشان را از گشودن بازدار.۵/۲۷

دست های گناهان

هَذَا مَقَامُ مَنْ تَدَاوَلَتْهُ أَيْدِی الذُّنُوبِ

این مقام کسی است که بازیچه دست های گناهان گردیده.۶/۳۱

دست مهالک و تباهی ها

لا تَنَالُ أَيْدِی الْهَلَكَاتِ مَنْ تَعَلَّقَ بِعُرْوَهِ عِصْمَتِهِ

هر که به دستاویز عصمت آن چنگ زد، دست هلاکت به او نمی رسد.۳/۴۲

دراز نکردن دست ها، به سوی حرام

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ... حَتَّى لَا نَبْسُطَ أَيْدِيَنَا إِلَى مَحْظُورٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا دست هایمان را به سوی هیچ ممنوعی دراز نکنیم.۷و۶/۴۴

گشوده بودن دست خدا، به نیکی ها

بَسَطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ

دستت را به نیکی ها گشوده ای.۲۵/۴۷

گشودن دست ولیّ خدا، بر دشمنان

ابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ

دستش را بر دشمنانت بگستر.۶۳/۴۷

گرفتن دست بنده

وَ لَا تَرْمِ بِی رَمْیَ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ... بَلْ خُذْ بِيَدِی مِنْ سَقْطَهِ الْمُتَرَدِّينَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده. بلکه از سقوط پرت شدگان، دستم را بگیر (نجاتم ده).۱۰۴/۴۷

پر ساختن دست بنده، از سودهای الهی

امْلَأْ مِنْ فَوَائِدِکَ یَدِی

دستم را از سودهای خود پر نما.۱۲۸/۴۷

واقع شدن اموری، به دست گروهی از بندگان

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنِی... مِمَّنْ یَجْرِی ذَلِکَ بِهِ وَ عَلَی یَدَیْهِ

خداوندا و مرا از کسانی که آن (توحید و ایمان) به وسیله و به دست آنان اجرا می گردد، قرار ده.۱۲/۴۸

دست بنده و موی جلوی سرِ او

هَذِهِ یَدِی وَ نَاصِیَتِی، أَسْتَکِینُ بِالْقَوَدِ مِنْ نَفْسِی

این دست من و موی جلوی سرم است. برای قصاص خویش، فروتن می شوم.۴/۵۳

دستاویز سبب

آویختن یاران پیامبر صلی الله علیه و آله ، به دستاویز او (دین)

ص : ۵۵۵

الَّذِينَ هَجَرَتْهُمْ الْعَشَائِرُ إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ

آنان که چون به دسته آن حضرت آویختند، قبیله هایشان از آنها دوری نمودند.۶/۴

آویختن به دستاویز عصمت قرآن

جَعَلْتَهُ... نُورَ هُدًى... لا تَنَالُ أَيْدِى الْهَلَكَاتِ مَنْ تَعَلَّقَ بِعُرْوَهِ عِصْمَتِهِ

آن را نور هدایتی قرار دادی که هر کس به دستاویز عصمت آن چنگ زد، دست هلاکت به او نمی رسد.۳/۴۲

نزدیک ساختن دستاویز پیامبر صلی الله علیه و آله ، به خدا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ قَرِّبْ وَسِيلَتَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و دستاویزش را نزدیک نما.۱۹/۴۲

امامان علیهم السلام ، دستاویز چنگ زنندگان

فَهُوَ... عُرْوَهُ الْمُتَمَسِّكِينَ

پس او دستاویز چنگ زنندگان است.۶۰/۴۷

چنگ زدن دوستان ائمه علیهم السلام ، به دستاویز ایشان (دین)

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ... الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که چنگ زنندگان به دستاویز ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

دستور احکام، اذن و نیز فرمان

دسته گروه

دست یابی رسیدن

دشمنی ستیزه جویی

کشتگان شمشیرهای دشمنان خدا

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... نَصِيرُ بِهِ فِى نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که با آن در ردیف کشته شدگان به شمشیرهای دشمنانش درآییم.

۳۰و ۲۷/۱

علّت دشمنی پیامبر صلی الله علیه و آله ، با نزدیک ترین (اشخاص)

عَادَی فِیکَ الْأَقْرَبِینَ

به خاطر تو با نزدیک ترین (اشخاص)، دشمنی نمود.۱۲/۲

دشمنان خدا

...اسْتَتَبَّ لَهُ مَا حَاوَلَ فِی أَعْدَائِکَ

آنچه (محمّد) درباره دشمنانت می خواست، برایش به دست آمد.۱۷/۲

شماتت دشمنان

نَعُوذُ بِکَ مِنْ شَمَاتَهِ الْأَعْدَاءِ

پناه می بریم به تو از سرزنش دشمنان.۸/۸

ص : ۵۵۶

أَعِذْنِی مِنْ شَمَاتَهِ الْأَعْدَاءِ

مرا از سرزنش دشمنان پناه ده.۱۱۹/۴۷

پرسش بنده از همراهی دشمنی خدا با او، در هنگام دعا کردنش

...أَمْ لَزِمَنِی فِی وَقْتِ دُعَایَ مَقْتُکَ؟

...آیا هنگامی که تو را می خوانم، دشمنی ات مرا لازم گشته است؟۶/۱۲

ناتوان گرداندن دشمن بنده

اجْعَلْ لَهُ... عَجْزًا عَمَّا یُنَاوِیهِ

او را در برابر آنکه با او دشمنی می کند ناتوان ساز.۶/۱۴

آنچه بنده درباره دشمن خود، از خدا می خواهد

خُذْ ظَالِمِی وَ عَدُوِّی عَنْ ظُلْمِی بِقُوَّتِکَ، وَ افْلُلْ حَدَّهُ عَنِّی بِقُدْرَتِکَ، وَ اجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِیما یَلِیهِ، وَ عَجْزًا عَمَّا یُنَاوِیهِ... وَ لَا تُسَوِّغْ لَهُ ظُلْمِی، وَ أَحْسِنْ عَلَیْهِ عَوْنِی، وَ اعْصِمْنِی مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ، وَ لَا تَجْعَلْنِی فِی مِثْلِ حَالِهِ

ستم کننده به من و دشمنم را با نیروی خود از ستم کردن به من بازدار. و با توانایی خود برّندگی اش را از من بردار. و او را به آنچه درخورش است مشغول دار. و او را در برابر آنکه با او دشمنی می کند ناتوان ساز. و ستم کردن او را بر من آسان نگردان و مرا در مخالفت با او به خوبی

یاری فرما و مرا از انجام مانند کارهای او بازدار و در مانند حال او قرار نده.۷و۶/۱۴

اللَّهُمَّ... أَعْدِنِی عَلَیْهِ عَدْوَی حَاضِرَهً، تَکُونُ مِنْ غَیْظِی بِهِ شِفَاءً، وَ مِنْ حَنَقِی عَلَیْهِ وَفَاءً

خداوندا مرا در مقابل او یاری کن. یاری نمودنِ آماده ای که خشم من با آن بهبودی یابد و کینه ام را بر او کامل نماید.۸/۱۴

اللَّهُمَّ... عَوِّضْنِی مِنْ ظُلْمِهِ لِی عَفْوَکَ، وَ أَبْدِلْنِی بِسُوءِ صَنِیعِهِ بِی رَحْمَتَکَ

خداوندا در عوض ستمی که او به من نمود، مرا ببخش و به جای بدرفتاری اش، رحمتت را به من عطا کن.۹/۱۴

روز رستاخیز و جای گرد آمدن دشمنان

اللَّهُمَّ وَ إِنْ کَانَتِ الْخِیَرَهُ لِی عِنْدَکَ فِی... تَرْکِ الِانْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِی إِلَی یَوْمِ الْفَصْلِ وَ مَجْمَعِ الْخَصْمِ... أَیِّدْنِی مِنْکَ بِنِیَّهٍ صَادِقَهٍ وَ

صَبْرٍ دَائِمٍ

خداونـدا و اگر خیر من نزد تو در به کیفر نرسـیدن سـتمگرم تا روز رسـتاخیر و محل جمع شـدن دشـمنان می باشد، پس مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.۱۴/۱۴

کیفری آماده شده، برای دشمن

وَ صَوِّرْ فِی قَلْبِی مِثَالَ مَا... أَعْدَدْتَ لِخَصْمِی مِنْ جَزَائِکَ وَ عِقَابِکَ

و نمونه مجازات و کیفری که برای دشمنم

ص : ۵۵۷

آماده کردی، در دلم بگذار.۱۵/۱۴

مشغول ساختن شیطان به دشمنان خدا

وَ اشْغَلْهُ عَنَّا بِبَعْضِ أَعْدَائِکَ

و او را به جای ما به برخی دشمنانت سرگرم نما.۴/۱۷

کمکٔ خواستن از خدا، بر دشمنی با شیطان

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ... اسْتَظْهَرَ بِکَ عَلَیْهِ فِی مَعْرِفَهِ الْعُلُومِ الرَّبَّانِیَّهِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که در راه شناخت علم های خدایی از تو یاری خواست تا بر ضدّ او اقدام کند، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

دشمنی نمودن با شیطان، از روی حقیقت

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ... عَادَاهُ لَکَ بِحَقِیقَهِ الْعُبُودِیَّهِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که به سبب حقیقتِ بندگی تو، با او دشمنی کرد، اجابت فرما.۱۱/۱۷

امر کردن پیروان، به دشمنی با شیطان

نَأْمُرُ بِمُنَاوَاتِهِ، مَنْ أَطَاعَ أَمْرَنَا

هر که فرمان ما را پیروی کند، به دشمنی او فرمان دهیم.۱۴/۱۷

بندگان، در زمره دشمنان شیطان

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِی نَظْمِ أَعْدَائِهِ

خداوندا ما را در گروه دشمنانش قرار ده.

۱۴/۱۷

مبدّل نمودن دشمنی دشمنان و نزدیکان، به دوستی

أَبْدِلْنِی مِنْ بِغْضَهِ أَهْلِ الشَّنَآنِ الْمحَبَّهَ... وَ مِنْ عَدَاوَهِ الْأَدْنَیْنَ الْوَلَایَهَ

درباره من کینه توزی دشمنان را به محبّت، و دشمنی نزدیکان را به دوستی مبدّل فرما.۷/۲۰

عاقبت اندیشی نسبت به دشمن خدا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا یُلْقِی الشَّیْطَانُ فِی رُوعِی... تَدْبِیرًا عَلَی عَدُوِّکَ

خداوندا به جای آنچه شیطان در دل من می افکند، تدبیر علیه دشمنت را قرار ده.

۱۳/۲۰

بر گزیدن رضای خدا در حقّ دشمنان، بر غیر رضای او

وَ ارْزُقْنِی التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَایَا، وَ الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فِی حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّی أَکُونَ بِمَا یَرِدُ عَلَیَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَهٍ سَوَاءٍ، عَامِلًا بِطَاعَتِکَ، مُوءْثِرًا لِرِضَاکَ عَلَی مَا سِوَاهُمَا فِی الْأَوْلِیَاءِ وَ الْأَعْدَاءِ

و مرا در حال خوشنودی و خشم، خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و

آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته، عامل به طاعتت باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدّم شمارم.۱۳/۲۲

سبب آسودگی دشمن، از ستم بنده

وَ ارْزُقْنِی التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَایَا، وَ الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فِی حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّی أَکُونَ بِمَا یَرِدُ عَلَیَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَهٍ سَوَاءٍ، عَامِلًا بِطَاعَتِکَ، مُوءْثِرًا لِرِضَاکَ عَلَی مَا سِوَاهُمَا فِی الْأَوْلِیَاءِ وَ الْأَعْدَاءِ، حَتَّی یَأْمَنَ عَدُوِّی مِنْ ظُلْمِی وَ جَوْرِی

و مرا در حال خوشنودی و خشم، خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته، عامل به طاعتت باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدّم شمارم. تا دشمنم از ظلم و ستم من ایمن باشد.۱۳/۲۲

ایمن فرمودن بنده، از دشمن

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُوءْمِنَنِی مِنْ جَمِیعِ ضَرِّهِ وَ شَرِّهِ وَ غَمْزِهِ وَ هَمْزِهِ وَ لَمْزِهِ وَ حَسَدِهِ وَ عَدَاوَتِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من

منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از همه زیان و بدی و طعنه و بدگویی و عیب جویی و حسد و دشمنی اش ایمن سازی.۸و۷/۲۳

ستیزه جویی فرزندان بنده، با دشمنان خدا

وَ اجْعَلْهُمْ... لِجَمِیعِ أَعْدَائِکَ مُعَانِدِینَ وَ مُبْغِضِینَ

و آنان (فرزندانم) را ستیزه جو و کینه توز همه دشمنانت قرار ده.۳/۲۵

شیطان، دشمنی مکرکننده برای بندگان

جَعَلْتَ لَنَا عَدُوًّا یَکِیدُنَا، سَلَّطْتَهُ مِنَّا عَلَی مَا لَمْ تُسَلِّطْنَا عَلَیْهِ مِنْهُ، أَسْکَنْتَهُ صُدُورَنَا، وَ أَجْرَیْتَهُ مَجَارِیَ دِمَائِنَا

برای ما دشمنی قرار دادی که به ما نیرنگ می زند. او را بر ما تسلّط دادی، و ما را بر او تسلّطی نیست. او را در سینه های ما جا دادی و در رگ های خونمان روان نمودی.۶/۲۵

إِلَّا تَصْرِفْ عَنَّا کَیْدَهُ یُضِلَّنَا، وَ إِلَّا تَقِنَا خَبَالَهُ یَسْتَزِلَّنَا

اگر فریب او را از ما بازنداری، گمراهمان کند و اگر ما را از تبهکاری اش نگه نداری، به لغزشمان اندازد.۷/۲۵

درخواست بندگان از خدا، درباره دشمن خود (شیطان)

ص : ۵۵۹

اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِکَ حَتَّی تَحْبِسَهُ عَنَّا بِکَثْرَهِ الدُّعَاءِ لَکَ فَنُصْبِحَ مِنْ کَیْدِهِ فِی الْمَعْصُومِینَ بِکَ

خداونـدا با سلطه خود، تسلّط او را از ما دور کن، تا اینکه با دعای زیاد ما، او را از ما بازداری. پس به وسیله تو از نیرنگ او، در زمره بازداشته شدگان (از گناه) درآییم.۸/۲۵

مخالفت با دشمنان ائمه علیهم السلام

تَوَلَّنِی فِی جِیرَانِی وَ مَوَالِیَّ الْعَارِفِینَ بِحَقِّنَا، وَ الْمُنَابِذِینَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلَایَتِکَ

مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حقّ ما و مخالف با دشمنان ما هستند، به بهترین وجه یاری فرما.۱/۲۶

درخواست بنده، در هنگام روبرو شدن مرزداران با دشمن

أَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِکْرَ دُنْیَاهُمُ الْخَدَّاعَهِ الْغَرُورِ...

هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده گول زننده را از خاطرشان ببر.۴/۲۷

درخواست بنده، برای دشمنان مرزداران اسلام

اللَّهُمَّ افْلُلْ بِذَلِکَ عَدُوَّهُمْ، وَ اقْلِمْ عَنْهُمْ أَظْفَارَهُمْ، وَ فَرِّقْ بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ أَسْلِحَتِهِمْ، وَ اخْلَعْ وَثَائِقَ أَفْئِدَتِهِمْ، وَ بَاعِدْ بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ أَزْوِدَتِهِمْ، وَ حَیِّرْهُمْ فِی سُبُلِهِمْ، وَ ضَلِّلْهُمْ

عَنْ وَجْهِهِمْ، وَ اقْطَعْ عَنْهُمُ الْمَدَدَ، وَ انْقُصْ مِنْهُمُ الْعَدَدَ، وَ امْلَأْ أَفْئِدَتَهُمُ الرُّعْبَ، وَ اقْبِضْ أَیْدِیَهُمْ عَنِ الْبَسْطِ، وَ اخْزِمْ أَلْسِنَتَهُمْ عَنِ النُّطْقِ، وَ شَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ وَ نَکِّلْ بِهِمْ مَنْ وَرَاءَهُمْ، وَ اقْطَعْ بِخِزْیِهِمْ أَطْمَاعَ مَنْ بَعْدَهُمْ. اللَّهُمَّ عَقِّمْ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ، وَ یَبِّسْ أَصْلَابَ رِجَالِهِمْ، وَ اقْطَعْ نَسْلَ دَوَابِّهِمْ وَ أَنْعَامِهِمْ، لَا تَأْذَنْ لِسَمَائِهِمْ فِی قَطْرٍ، وَ لَا لِأَرْضِهِمْ فِی نَبَاتٍ

خداوندا بدین وسیله، دشمنانشان را درهم شکن و چنگالشان را از آنان جدا کن و میان آنان و سلاح هایشان جدایی انداز و رگ های دلشان را بکن و میان آنها و زاد و توشه اشان جدایی انداز و در راه هایشان سرگردانشان ساز و از هدفشان گمراهشان نما و کمک رسانی را از ایشان قطع کن و از تعدادشان بکاه و دل هایشان را از ترس پر ساز و دست هایشان را از گشودن بازدار و زبان هایشان را از گفتن ببند و با (شکست) ایشان، پشت سری هایشان را پراکنده ساز و آنان را برای کسانی که در پس ایشانند، عبرت گردان و با خواری آنان طمع آیندگانشان را قطع نما. خداوندا رحم زنانشان را عقیم گردان و صلب مردانشان را خشک نما و نسل چهارپایان و گاو و گوسفند و شترانشان را قطع کن و آسمانشان را در باریدن و زمینشان را در روییدن، اذن نده.۶و۵/۲۷

درخواست (کشته و اسیر گشتن) دشمنان خدا

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ أَعْدَاءَکَ فِی أَقْطَارِ الْبِلَادِ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند.۹/۲۷

اندک نمودن دشمن، پیش چشم مجاهد

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّکَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ فِی عَیْنِهِ

پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، آنها را در چشمش اندک نما.۱۵/۲۷

غلبه دشمن خدا (شیطان)، بر بنده

قَدِ اسْتَحْوَذَ عَلَیَّ عَدُوُّکَ...

دشمن تو، بر من چیره شده است.۱۲/۳۲

مهلت خواستن دشمن خدا، از خدا

وَ قَدِ اسْتَحْوَذَ عَلَیَّ عَدُوُّکَ الَّذِی اسْتَنْظَرَکَ لِغَوَایَتِی فَأَنْظَرْتَهُ، وَ اسْتَمْهَلَکَ إِلَی یَوْمِ الدِّینِ لِإِضْلَالِی فَأَمْهَلْتَهُ

و دشمن تو که برای بیراهه بردن من از تو فرصت خواست، پس فرصتش دادی، و برای گمراه کردنم از تو - تا روز جزا - مهلت طلبید، پس مهلتش دادی، بر من چیره شده است.

۱۲/۳۲

چگونگی برخورد دشمن خدا (شیطان)، با بنده

فَتَلَ عَنِّی عِذَارَ غَدْرِهِ، وَ تَلَقَّانِی بِکَلِمَهِ کُفْرِهِ

پس عنان حیله اش را از من برگرداند و با گفتار کفرش با من روبرو شد.۱۳/۳۲

آشتی بنده، با دشمنی کننده با او

وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا

ما را در آن ماه توفیق ده، که با کسی که با ما دشمنی کرده، مسالمت نماییم.۱۰/۴۴

علّت آشتی نکردن با دشمن

وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا حَاشَی مَنْ عُودِیَ فِیکَ وَ لَکَ، فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِی لَا نُوَالِیهِ

ما را در آن ماه توفیق ده، که با کسی که با ما دشمنی کرده، مسالمت نماییم. مگر آنان که در راه تو و برای تو با آنها دشمنی شده. که او دشمنی است که با او دوستی نمی کنیم.۱۰/۴۴

شیطان، دشمن خدا

جَنِّبْنَا... الِانْخِدَاعَ لِعَدُوِّکَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ

ما را از فریب خوردن از دشمنت؛ شیطان رانده شده، دور گردان.۱۳/۴۴

بردباری خدا، در مقابل دشمنش

حِلْمُکَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاکَ

حلمت به کسی که با تو دشمنی نموده، پرداخته است.۱۶/۴۶

گشودن دست ولیّ خدا، بر دشمنان

ابْسُطْ یَدَهُ عَلَی أَعْدَائِکَ

دستش را بر دشمنانت بگستر.

۶۳/۴۷

دشمنی با دشمنان خدا

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ... أَرْشَدْتَهُ لِمُوَالَاهِ أَوْلِيَائِکَ، وَ مُعَادَاهِ أَعْدَائِکَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که به دوستی با دوستانت و دشمنی با دشمنانت راهنمایی اش نمودی.۶۷/۴۷

یاری شدن به ارتکاب نهی الهی، از جانب دشمن خدا

أَعَانَهُ عَلَى ذَلِکَ عَدُوُّکَ وَ عَدُوُّهُ

دشمن تو و دشمن او (شیطان)، او را بر آن یاری کرد.۶۸/۴۷

نافرمانی بنده، و دشمنی نداشتن با خدا

نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِکَ، فَخَالَفَ أَمْرَکَ إِلَى نَهْيِکَ، لَا مُعَانَدَهً لَکَ

او را از نافرمانی نهی کردی، پس با فرمانت مخالفت نموده، به نهیت شتافت. نه از روی عناد با تو.۶۸/۴۷

آنکه خدا دشمنی اش را با دشمنی خویش مرتبط نموده

بِحَقِّ... مَنْ نُطْتَ مُعَادَاتَهُ بِمُعَادَاتِکَ، تَغَمَّدْنِی فِی يَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْکَ مُتَنَصِّلًا

به حقّ کسی که دشمنی اش را به دشمنی خویش مرتبط نموده ای، در این روز، مرا بپوشان،

با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.

۸۶/۴۷

طلبیدن دشمنی خدا

وَ لَا تُهْلِکْنِی مَعَ مَنْ تُهْلِکُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَقْتِکَ

و مرا همراه هلاک شوندگانی که دشمنی تو را می طلبند، هلاک نگردان.۹۶/۴۷

دشمن گمراه سازنده

حُلْ بَيْنِی وَ بَيْنَ عَدُوٍّ يُضِلُّنِی

میان من و دشمنی که مرا گمراه می کند، جدایی انداز.۹۹/۴۷

لعنت خدا بر دشمنان ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، وَ مَنْ رَضِیَ بِفِعَالِهِمْ وَ أَشْیَاعَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ

خداوندا، دشمنان ایشان را از گذشتگان و آیندگان و هر که را به کردارشان خوشنود می شود و دوستان و پیروانشان را لعنت کن.۱۰/۴۸

شاد نکردن دشمن و مسلّط نساختنش، بر بنده

لَا تُشْمِتْ بِی عَدُوِّی، وَ لَا تُمَکِّنْهُ مِنْ عُنُقِی، وَ لَا تُسَلِّطْهُ عَلَیَّ

دشمنم را بر من شاد نگردان و او را بر من توانا نساز و او را بر من مسلّط نگردان.۱۴/۴۸

ص : ۵۶۲

اَعمال دشمن

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَى عَلَيَّ سَيْفَ عَدَاوَتِهِ، وَ شَحَذَ لِي ظُبَةَ مُدْيَتِهِ، وَ أَرْهَفَ لِي شَبَا حَدِّهِ، وَ دَافَ لِي قَوَاتِلَ سُمُومِهِ، وَ سَدَّدَ نَحْوِي صَوَائِبَ سِهَامِهِ، وَ لَمْ تَنَمْ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ، وَ أَضْمَرَ أَنْ يَسُومَنِي الْمَكْرُوهَ، وَ يُجَرِّعَنِي زُعَاقَ مَرَارَتِهِ

پس چه بسيار دشمنی كه شمشير دشمنی اش را بر روی من كشيد، و لبه تيغش را برای من تيز نمود و طرف تيز آن را برايم نازك كرد و آن را برای من با زهرهای كشنده اش درهم آميخت و تيرهای هدف گيری خود را، به سوی من نشانه گرفت و چشم نگهبانی اش از من نخفت و در دل قصدِ آسيب رساندن به من داشت و آب بسيار تلخِ زهرآگين را جرعه جرعه به من نوشاند.۴/۴۹

خدا، بينا به بسياری دشمنان

فَنَظَرْتَ يَا إِلَهِي إِلَى... وَحْدَتِي فِي كَثِيرِ عَدَدِ مَنْ نَاوَانِي

ای خدای من، پس تو تنهايی ام را در برابر (سپاهيانِ) بی شمار كسی كه با من دشمنی كرده، مشاهده كردی.۵/۴۹

ظفر يافتن بر دشمن، به مدد الهی

فَابْتَدَأْتَنِي بِنَصْرِكَ... ثُمَّ فَلَلْتَ لِي حَدَّهُ، وَ صَيَّرْتَهُ مِنْ بَعْدِ جَمْعٍ عَدِيدٍ وَحْدَهُ، وَ أَعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ

پس به ياری كردنم آغاز نمودی. سپس تيزی (تيغ) او را برای من شكستی و پس از آنكه در

گروهی بسيار بود، او را تنها گذاشتی و مرا بر او پيروز نمودی.۶/۴۹

بازستاندن چيزهای گرفته شده از بنده، توسّط دشمن

أَنْتَ الَّذِي... أَخَذْتَ لِي مِنَ الْأَعْدَاءِ بِظُلَامَتِي

تويی كه داد مرا از دشمنانم گرفتی.۴/۵۱

آنچه خدا دشمنانش را به آن بيم داده

أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِي ضَعْفَ نَفْسِي عَنِ... الْمُـجَانَبَةِ عَمَّا حَذَّرْتَهُ أَعْدَاءَكَ

ای خدای من، از ناتوانی نفْسم در دوری نمودن از آنچه دشمنانت را به آن بيم داده ای، به تو شكايت می كنم.۱۰/۵۱

دشنام

تکذیب دشنام دهنده

هَبْ لِی... تَکْذِیبًا لِمَنْ قَصَبَنِی

مرا تکذیبی بر آنکه دشنامم داد، ببخش.

۸/۲۰

تبدیل دشنامگویی بنده، به حمد الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِی مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شَتْمِ عِرْضٍ... وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت یا دشنام یا

آبروریزی و مانند اینها، سپاس برای خودت را قرار ده. ۱۳/۲۰

دشواری سختی

دعا اجابت و نیز مناجات

خواندن خدا، در دشواری ها

أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهِمَّاتِ

تویی خوانده شده برای دشواری ها.۴/۷

مهربانی خدا، با هر که بخواندش

إِنَّکَ رَحِیمٌ بِمَنْ دَعَاکَ

به درستی که تو به هر که تو را خوانَد، مهربانی.۵/۱۱

هَلْ أَنْتَ، یَا إِلَهِی، رَاحِمٌ مَنْ دَعَاکَ فَأُبْلِغَ فِی الدُّعَاءِ

ای خدای من آیا تو بر کسی که تو را بخواند رحم کننده ای تا من هر چه بیشتر در دعا بکوشم؟

۱۵/۱۶

بنده معترف به گناه و دعای او

هَلْ یُنْجِینِی مِنْکَ اعْتِرَافِی لَکَ بِقَبِیحِ مَا ارْتَکَبْتُ؟... أَمْ لَزِمَنِی فِی وَقْتِ دُعَایَ مَقْتُکَ؟

آیا اعترافم در درگاه تو به زشتی آنچه (گناهی که) مرتکب شده ام، مرا رها می نماید؟ یا هنگامی که تو را می خوانم، دشمنی ات مرا لازم گشته است؟۶/۱۲

خواندن خدا، با اسمایش

یَدْعُوکَ بِیَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ...

تو را صدا می زند: ای مهربان ترین مهربانان...

۹/۱۲

به رنج نیفتادن خدا، از دعای دعاکنندگان

یَا مَنْ لَا یُعَنِّیهِ دُعَاءُ الدَّاعِینَ

ای آنکه دعای نیایشگران او را خسته نمی کند.۱۰/۱۳

درخواست اجابت دعا، از خدا

کُنْ لِدُعَائِی مُجِیبًا

درخواستم را اجابت کن.۲۱/۱۳

اسْتَجِبْ دُعَائِی

دعایم را مستجاب کن.۲۵/۴۶

بازنگرداندن دعای بنده، از درگاه خدا

لَا تَبُتَّ سَبَبِی مِنْکَ

رشته ارتباط مرا از خود قطع نگردان.

۲۲/۱۳

لَا تَرُدَّ دُعَائِی عَلَیَّ رَدًّا

دعایم را به خودم بازنگردان.۲۲/۲۰

لَا تَحْجُبْ دُعَائِی عَنْکَ وَ قَدْ أَمَرْتَنِی بِهِ

دعایم را از خود بازندار، که خود مرا به آن امر فرموده ای.۹/۲۵

پیوند دادن دعای بنده، به اجابت

صِلْ دُعَائِی بِالْإِجَابَهِ

درخواست مرا به روا شدن متّصل گردان.

۱۱/۱۴

فرمان خدا، به دعا

أَنَا یَا إِلَهِی عَبْدُکَ الَّذِی أَمَرْتَهُ بِالدُّعَاءِ

من - ای خدای من - بنده توام که او را به نیایش کردن فرمان دادی.۱۳/۱۶

لَا تَحْجُبْ دُعَائِی عَنْکَ وَ قَدْ أَمَرْتَنِی بِهِ

دعایم را از خود بازندار، که خود مرا به آن امر فرموده ای.۹/۲۵

اللَّهُمَّ فَهَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُکَ مُطِیعًا لِأَمْرِکَ فِیما أَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ، مُتَنَجِّزًا وَعْدَکَ فِیما وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْإِجَابَهِ، إِذْ تَقُولُ: ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ

خداوندا، اکنون این من هستم که به نزد تو آمده ام، در حالی که فرمان تو را که به دعا کردن امر نموده ای، اطاعت کرده ام و وفا به وعده ای را که پیرامون اجابت داده ای، خواستارم. زیرا که می فرمایی: «مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم.»

۱۱/۳۱

ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ

مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.۱۵/۴۵

وَ دَعَوْکَ بِأَمْرِکَ

و به فرمانت، تو را خواندند.۱۶/۴۵

نخواندن مانندی با خدا

لَا أَدْعُو مَعَکَ نِدًّا

با تو همانندی را نمی خوانم.۲۲/۲۰

دریافت لذّت آنچه بنده، خدا را برای آن می خواند

وَ ارْزُقْنِی خَوْفَ غَمِّ الْوَعِیدِ، وَ شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ، حَتَّی أَجِدَ لَذَّهَ مَا أَدْعُوکَ لَهُ

و ترسِ انـدوهِ وعـده ها(ی عذاب) و اشتیاقِ پاداشِ وعده ها(ی بهشتی) را روزی ام فرما. تا لذّت آنچه را که تو را برای آن می خوانم، دریابم.

۹/۲۲

خواندن خدا، با اخلاص

وَ اجْعَلْنِی مِمَّنْ یَدْعُوکَ مُخْلِصًا فِی الرَّخَاءِ دُعَاءَ الْمُـخْلِصِینَ الْمُضْطَرِّینَ لَکَ فِی الدُّعَاءِ

و مرا از کسانی قرار ده که هنگام رفاه تو را خالصانه می خوانند. خواندن خالصانِ بیچاره، در نیایش برای تو.۱۴/۲۲

دعا در حقّ والدین

وَ اغْفِرْ لِی بِدُعَائِی لَهُمَا

و مرا به (برکت) دعایم برای آنان، بیامرز.

۱۴/۲۴

دعا، سبب بازداشتن شیطان از بندگان

اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِکَ حَتَّی تَحْبِسَهُ عَنَّا

ص : ۵۶۵

بِكَثْرَهِ الدُّعَاءِ لَکَ

خداوندا با سلطه خود، تسلّط او را از ما دور کن، تا اینکه با دعای زیاد ما، او را از ما بازداری.

۸/۲۵

دعا به جنگجو یا مرزدار مسلمان

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِیًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... أَوْ أَتْبَعَهُ فِی وَجْهِهِ دَعْوَهً... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا او را با دعا در جهتی که به آن رو آورد همراهی نمود، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.۱۶/۲۷

اختصاص داشتن خدا، به دعای بنده

أَنْتَ الْمَـخْصُوصُ قَبْلَ کُلِّ مَدْعُوٍّ بِدَعْوَتِی

تویی مخصوص به خواندن من، پیش از آنکه کسی را بخوانم.۹/۲۸

برابر نبودن کسی در دعای بنده، با خدا

لَا یَتَّفِقُ أَحَدٌ مَعَکَ فِی دُعَائِی

در دعایم، کسی با تو برابر نیست.۹/۲۸

خواندن خدا و اجابت گشتن

ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ

مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم.

۱۵/۴۵، ۱۱/۳۱

نزدیک تر بودن اجابت دعای غیر، در حقّ بنده

فَیَنَالَنِی مِنْهُ بِدَعْوَهٍ هِیَ أَسْمَعُ لَدَیْکَ مِنْ دُعَائِی

پس دعایی از او به من رسد که از دعای من نزد تو شنیدنی تر است.۲۷/۳۱

دعای بنده و رحمت الهی

عَوِّضْنِی مِنْ عَفْوِی عَنْهُمْ عَفْوَکَ، وَ مِنْ دُعَائِی لَهُمْ رَحْمَتَکَ

به جای گذشتم از ایشان، گذشت خودت را و به جای دعایم بر آنان، رحمتت را به من عوض ده. ۳/۳۹

عبادت نامیده شدن دعا

فَسَمَّیْتَ دُعَاءَکَ عِبَادَهً

پس دعا کردن را عبادت نامیدی.۱۵/۴۵

سبب اجابت دعای بندگان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ نَبِیِّنَا وَ آلِهِ... صَلَاهً... یُسْتَجَابُ لَهَا دُعَاوءُنَا

خداوندا بر محمّد پیامبرمان و خاندانش درود فرست. درودی که دعای ما به سبب آن مستجاب گردد.۵۶/۴۵

شریک گرداندن بنده، در دعای بندگان

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُشْرِکَنَا فِی صَالِحِ مَنْ دَعَاکَ فِی هَذَا

ص : ۵۶۶

الْيَوْمِ مِنْ عِبَادِكَ الْمُوءْمِنِينَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که ما را در درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می خواند، شریک گردانی.

۳/۴۸

آگاه ساختن بنده، از روا کردن دعایش

لَا تُهْلِكْنِی یَا إِلَهِی غَمًّا حَتَّی تَسْتَجِیبَ لِی، وَ تُعَرِّفَنِی الْإِجَابَهَ فِی دُعَائِی

ای خدای من، مرا اندوهگین نمیران، تا اینکه اجابتم کنی و از روا شدن دعایم آگاهم نمایی.

۱۴/۴۸

دعای بنده و هزار درود، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آلش

ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَا لَکَ، وَ تُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَلْفَ مَرَّهٍ

سپس دعا کن آنچه را برایت آشکار شد و بر محمّد و خاندانش هزار بار درود فرست.

۲۸/۴۸

پذیرفتن دعای بنده، هنگام اضطرار

أَنْتَ الَّذِی أَجَبْتَ عِنْدَ الِاضْطِرَارِ دَعْوَتِی

تویی که هنگام بیچارگی، دعایم را اجابت نمودی.۴/۵۱

خدا، شنونده دعای بنده

إِلَهِی مَا وَجَدْتُکَ بَخِیلًا حِینَ سَأَلْتُکَ... بَلْ وَجَدْتُکَ لِدُعَائِی سَامِعًا

خدای من، هنگامی که از تو درخواست نمودم، تو را بخیل نیافتم. بلکه تو را برای نیایشم، شنونده یافتم.۵/۵۱

خواندن خدا و ناامید بازنگشتن از درگاه او

مِنْهَا فَرَرْتُ إِلَيْکَ رَبِّ... دَاعِیًا فَلَا تَرُدَّنِی خَائِبًا

پروردگار من، از آن (گناهان)، در حالی که (تو را) خواهانم به سوی تو گریخته ام، پس مرا ناامید برنگردان.۸/۵۱

حالِ خواننده خدا

دَعَوْتُکَ یَا رَبِّ مِسْکِینًا، مُسْتَکِینًا، مُشْفِقًا، خَائِفًا، وَجِلًا، فَقِیرًا، مُضْطَرًّا إِلَیْکَ

تو را خواندم - ای پروردگار من - در حالی که بینوا، فروتن، حذرکننده، ترسان، بیمناک، فقیر و بیچاره درگاه تو هستم.۹/۵۱

خدا را خواندن و اجابت شدن

أَدْعُوکَ فَتُجِیبُنِی

تو را می خوانم، پس مرا اجابت می کنی.

۱۱/۵۱

خوانده شدن بنده و کند بودنش

ص : ۵۶۷

إِنْ کُنْتُ بَطِیئًا حِینَ تَدْعُونِی

اگر چه هنگامی که مرا می خوانی، کُند هستم.

۱۱/۵۱

فقط خدا را خواندن

لَکَ أَدْعُو

تنها تو را می خوانم.۱۱/۵۲

دعوت

دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به سوی خدا

کَاشَفَ فِی الدُّعَاءِ إِلَیْکَ حَامَّتَهُ

در دعوت به سوی تو با خویشانش، آشکارا به ستیز پرداخت.۶/۲

رنج پیامبر صلی الله علیه و آله ، در دعوت به دین الهی

أَتْعَبَهَا بِالدُّعَاءِ إِلَی مِلَّتِکَ

با دعوت به دین تو، خود را خسته کرد.

۱۴/۲

نصیحت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به پذیرندگان دعوت از جانب خداوند

شَغَلَهَا بِالنُّصْحِ لِأَهْلِ دَعْوَتِکَ

خود را به نصیحت کردن به پذیرندگانِ دعوتت مشغول ساخت.۱۵/۲

پیشی گرفتن یاران محمّد صلی الله علیه و آله ، به دعوت او

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِینَ... سَابَقُوا إِلَی دَعْوَتِهِ...

خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنان که به سوی دعوتش پیشی گرفتند...۳/۴

دعوت یاران محمّد صلی الله علیه و آله ، به سوی خدا

وَ کَانُوا مَعَ رَسُولِکَ دُعَاهً لَکَ إِلَیْکَ

و برای تو با پیامبرت دعوت کننده به سوی تو بوده اند. ۷/۴

داعیان خدا و دعوت کردن به سوی او

وَ اجْعَلْنَا مِنْ دُعَاتِکَ الدَّاعِینَ إِلَیْکَ

و ما را از داعیان دعوت کننده به سوی خود قرار ده.۱۵/۵

ایستادن بنده بین دعوت خدا و شیطان

وَ مَنْ... أَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَی السُّوءِ مِنِّی حِینَ أَقِفُ بَیْنَ دَعْوَتِکَ وَ دَعْوَهِ الشَّیْطَانِ فَأَتَّبِعُ دَعْوَتَهُ عَلَی غَیْرِ عَمًی مِنِّی فِی مَعْرِفَهٍ بِهِ

و چه کسی از من بر اعمال زشت بی باک تر است، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم با آنکه در شناخت او کور نیستم؟۲۳/۱۶

سرانجام دعوت خدا، بهشت

أَنَا حِینَئِذٍ مُوقِنٌ بِأَنَّ مُنْتَهَی دَعْوَتِکَ إِلَی الْجَنَّهِ

من در همان هنگام باور دارم که فرجام دعوت

تو به سوی بهشت است.۲۴/۱۶

سرانجام دعوت شیطان، آتش جهنم

وَ أَنَا حِینَئِذٍ مُوقِنٌ بِأَنَّ... مُنْتَهَی دَعْوَتِهِ إِلَی النَّارِ

و من در همان هنگام باور دارم که پایان دعوت او به سوی آتش است.۲۴/۱۶

دعوت خدا، از روی گرداننده اش

یَا مَنْ یَدْعُو إِلَی نَفْسِهِ مَنْ أَدْبَرَ عَنْهُ

ای کسی که به سوی خود می خواند کسی را که، از او روی گردانَد.۹/۴۶

دعوت هوای نفس، به نواهی

...بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَی مَا زَیَّلْتَهُ وَ إِلَی مَا حَذَّرْتَهُ

...بلکه خواهش نفسش به آنچه او را از آن بازداشتی و به آنچه از آن برحذر نمودی، فراخواندش.۶۸/۴۷

دقیق

دقّت نظر عطا نمودن، به مرزداران اسلام

وَ الْطُفْ لَهُمْ فِی الْمَکْرِ

و در مکر، دقّت نظر به ایشان عطا فرما.

۲/۲۷

سرگردانی اندیشه های دقیق، در بزرگی خداوند

حَارَتْ فِی کِبْرِیَائِکَ لَطَائِفُ الْأَوْهَامِ

تصوّرهای دقیق در بزرگواری ات سرگردان گشته.۷/۳۲

دقیق بودن کار خداوند، درباره ماه

مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِی أَمْرِکَ! وَ أَلْطَفَ مَا صَنَعَ فِی شَأْنِکَ!

چه شگفت انگیز است، آنچه در امر تو تدبیر نمود! و چقدر دقیق است، آن صنعتی که درباره کار تو انجام داد!۳/۴۳

دل

سلامتی دل ها، در یاد بزرگی خدا

اجْعَلْ سَلَامَهَ قُلُوبِنَا فِی ذِکْرِ عَظَمَتِکَ

سلامتی دل های ما را در یاد بزرگی خود قرار ده. ۱۴/۵

پوشاندن جامه تقوا، بر دل بنده

أَشْعِرْ قَلْبِی تَقْوَاکَ

قلبم را به جامه پرهیز از خود بپوشان.

۹/۲۱

خالی نمودن دل بنده، برای دوستی خدا

فَرِّغْ قَلْبِی لِمحَبَّتِکَ

دلم را برای دوستی ات خالی گردان.

۱۰/۲۱

ص : ۵۶۹

وحشت دلِ بنده، از بدکاران خَلق

أَلْبِسْ قَلْبِیَ الْوَحْشَهَ مِنْ شِرَارِ خَلْقِکَ

دلم را به وحشت از بدکاران خلقت بپوشان.

۱۱/۲۱

آرامش دل بنده، به خدا و نیکان خلق

...بَلِ اجْعَلْ سُکُونَ قَلْبِی وَ أُنْسَ نَفْسِی وَ اسْتِغْنَائِی وَ کِفَایَتِی بِکَ وَ بِخِیَارِ خَلْقِکَ

...بلکه آرامش دلم و انس جانم و بی نیازی ام و کفایتم را به خود و آفریدگان خوبت قرار ده.

۱۲/۲۱

از روی دل شناختنِ درستی عمل خویش

وَ ارْزُقْنِی الرَّغْبَهَ فِی الْعَمَلِ لَکَ لِآخِرَتِی حَتَّی أَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِکَ مِنْ قَلْبِی

و برای آخرتمْ رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا درستی آن را از (اعماق) دلم بشناسم.۸/۲۲

منّت گذاشتن بر بنده، با بینا ساختن دلش

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالصِّحَّهِ... وَ الْبَصِیرَهِ فِی قَلْبِی

و با تندرستی و بینایی در دلم بر من منّت گذار.۳/۲۳

گشایش دل بنده، برای مقاصد دین الهی

وَ اشْرَحْ لِمَرَاشِدِ دِینِکَ قَلْبِی

و دلم را برای راه های مستقیم دینت بگشا.

۵/۲۳

قفل نهادن بر دل قصد بد دارنده، درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُقْفِلَ دُونَ إِخْطَارِی قَلْبَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا دلش را هنگام یاد من، قفل زنی.۸و۷/۲۳

مهربان ساختن دل فرزند، به والدین

وَ اعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِی

و دلم را بر آن دو مهربان گردان.۶/۲۴

دل های مرزداران اسلام و اندیشه دارایی گمراه کننده

وَ امْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ

و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن.۴/۲۷

پر نمودن دل دشمنان، از ترس

وَ اخْلَعْ وَثَائِقَ أَفْئِدَتِهِمْ... وَ امْلَأْ أَفْئِدَتَهُمُ الرُّعْبَ

و رگ های دلشان را بکن و دل هایشان را از ترس پر ساز.۵/۲۷

تهی ساختن دل های دشمنان، از آرامش

ص : ۵۷۰

اللَّهُمَّ أَخْلِ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأَمَنَهِ

خداوندا، دل هایشان را از آرامش تهی دار.

۱۱/۲۷

بی خبری قلب دشمن، از چاره جویی

وَ أَذْهِلْ قُلُوبَهُمْ عَنِ الِاحْتِيَالِ

و قلب هایشان را از چاره جویی بی خبر ساز.

۱۱/۲۷

کوچکی مقام دشمن، در دل مجاهد

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ فِی عَيْنِهِ، وَ صَغِّرْ شَأْنَهُمْ فِی قَلْبِهِ

پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، آنها را در چشمش اندك نما و مقامشان را در دلش كوچك گردان.۱۵/۲۷

دردل گذراندن اندیشه های دور از دوستی خدا

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا... زَالَ عَنْ مَحَبَّتِكَ مِنْ خَطَرَاتِ قَلْبِی، وَ لَحَظَاتِ عَيْنِی

خداوندا و همانا من از هر چه دور از دوستی توست؛ از اندیشه های دلم و نگاه های چشمم، به درگاهت توبه می کنم.۲۲/۳۱

طپش دل بنده، از ترس خداوند

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ... وَجِيبَ قَلْبِی مِنْ خَشْيَتِكَ

خداوندا، پس به تپیدن دلم از ترست، رحم فرما.۲۳/۳۱

پاره پاره گشتن دل های ساکنان جهنّم، از آشامیدنی دوزخ

وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ... شَرَابِهَا الَّذِی يُقَطِّعُ أَمْعَاءَ وَ أَفْئِدَهَ سُكَّانِهَا، وَ يَنْزِعُ قُلُوبَهُمْ

و از آشامیدنی اش که روده و دلِ ساکنانش را پاره پاره می کند و دل هایشان را برمی کَنَد، به تو پناه می برم.۳۱/۳۲

قلوب بندگان، نگهدارنده قرآن

اللَّهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً... فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ... وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ...

خداونـدا، پس همچنان که دل های ما را حامل آن قرار دادی، پس بر محمّد درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست.۶/۴۲

قلوب بندگان و فهم شگفتی های قرآن

اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلَمِ اللَّيَالِي مُونِسًا... حَتَّى تُوصِلَ إِلَى قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ

قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن را به دل های ما برسانی.

۱۰/۴۲

شستن چرکی قلوب بندگان، با قرآن

ص : ۵۷۱

وَ اغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا

و به وسیله آن چرکی دل هایمان را بشوی.

۱۱/۴۲

ترسان بودن دل ها، از بازگشت به سوی خدا

اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ الَّذِینَ... یُوءْتُونَ مَا آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَهٌ، أَنَّهُمْ إِلَی رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ

ما را از بندگان صالحت قرار ده. آنان که آنچه را بخشیدند، در حالی می بخشند که دل هایشان از بازگشت به سوی پروردگارشان ترسان است.

۱۸/۴۴

پشیمانی حقیقی دل ها

وَ لَکَ مِنْ قُلُوبِنَا عَقْدُ النَّدَمِ

و پشیمانی قطعی دل هایمان، برای توست.

۴۵/۴۵

متوجّه ساختن دل، به آنچه نیایشگران به آن گمارده شده اند

خُذْ بِقَلْبِی إِلَی مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْقَانِتِینَ

دلم را به سوی آنچه نیایشگران را به آن گماشته ای، متوجّه ساز.۹۲/۴۷

پوشاندن دل بنده، به خودداری از بدی

وَ أَشْعِرْ قَلْبِیَ الِازْدِجَارَ عَنْ قَبَائِحِ السَّیِّئَاتِ، وَ

فَوَاضِحِ الْحَوْبَاتِ

و دلم را به خودداری از بدی های زشت و نافرمانی های رسواکننده بپوشان.۱۰۷/۴۷

کندن دوستی دنیای پست، از دل بنده

انْزِعْ مِنْ قَلْبِی حُبَّ دُنْیَا دَنِیَّهٍ، تَنْهَی عَمَّا عِنْدَکَ

دوستی دنیای پست که از آنچه نزد توست، بازمی دارد را از دلم بَر کن.۱۰۹/۴۷

مهربان گرداندن دل بنده، با فروتنان

اعْطِفْ بِقَلْبِی عَلَی الْخَاشِعِینَ

دلم را بر فروتنان مهربان گردان.۱۲۷/۴۷

سیراب شدن دل، با طاعت الهی

أَشْرِبْ قَلْبِی عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَکَ

دلم را هنگام غفلتِ عقل ها، به طاعت خود سیراب کن.۱۳۰/۴۷

شیفتگی دل، به سبب بسیاری نعمت خدا

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ... قَلْبُهُ مَفْتُونٌ بِکَثْرَهِ النِّعَمِ عَلَیْهِ

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که دلش به سبب زیادی نعمت ها بر او، فریفته شده.۸/۵۲

دلالت راهنمایی

دلباختگی

فرشتگان؛ دلباختگان ذکر نعمت های خدا

الْمُسْتَهْتَرُونَ بِذِكْرِ آلَائِكَ

(آنان) به ذکر نعمت های تو حریص می باشند.

۸/۳

دلبستگی علاقه

دلجویی

دلجویی از همسایگان، با عطا و احسان

وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نَتَعَاهَدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَ الْعَطِيَّةِ

ما را در آن ماه توفیق ده، که با فضل و عطا، همسایگانمان را دلجویی نماییم.۱۰/۴۴

دلدادگی علاقه

دلسوزی رحمت

دل شکستگی

خدا، گشاینده اندوه دل شکسته

يَا فَرَجَ كُلِّ مَكْرُوبٍ كَئِيبٍ

ای گشایش دهنده هر دلتنگ اندوهگین.

۴/۱۶

دلهره تپش

دلیری

دلیر نگرداندن بنده، بر نافرمانی ها

وَ لَا تُجَرِّئْنِی عَلَی الْمَعَاصِی

و بر نافرمانی ها جرأتم مده.۵/۲۲

عاملِ دلیر کردن بندگان، بر فحشا

إِنْ هَمَمْنَا بِفَاحِشَهٍ شَجَّعَنَا عَلَیْهَا

اگر قصد کار زشتی کنیم، (شیطان) ما را بر آن دلیر گرداند.۷/۲۵

ترساندن دشمن، از جنگ با دلیران اسلام

جَبِّنْهُمْ عَنْ مُقَارَعَهِ الْأَبْطَالِ

ایشان را از پیکار با دلاوران بترسان.

۱۱/۲۷

جرأت افکندن در دل مجاهد

وَ أَلْهِمْهُ الْجُرْأَهَ

و دلیری در دلش انداز.۱۴/۲۷

گستاخانه، در برابر خدا جرأت یافتن

أَنَا الَّذِی أَقْدَمَ عَلَیْکَ مُجْتَرِئًا

منم آنکه گستاخانه بر تو جرأت نمودم.

۷۷/۴۷

واداشتن نفس، در جایگاه بدبختان متجرّی بر خدا

قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِی... مَوْقِفَ الْأَشْقِیَاءِ الْمُتَجَرِّینَ عَلَیْکَ

خود را در جایگاه بدبختانی که بر تو جرأت یافته اند، واداشته ام.۲/۵۳

جرأت نمودن بنده، بر خدا

أَیَّ جُرْأَهٍ اجْتَرَأْتُ عَلَیْکَ

به کدامین جرأت بر تو تجرّی نمودم؟

۳/۵۳

دلیل حجت

دمیدن

دمیدن اسرافیل (در صور)

إِسْرَافِیلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاخِصُ الَّذِی یَنْتَظِرُ مِنْکَ الْإِذْنَ... فَیُنَبِّهُ بِالنَّفْخَهِ صَرْعَی رَهَائِنِ الْقُبُورِ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه توست، تا با دمیدنْ مردگانِ گروِ گورها را بیدار کند.۲/۳

دنیا

وسیله کامل گرداندن نیکی دنیا و آخرت

نَبِّهْنِی لِذِکْرِکَ فِی أَوْقَاتِ الْغَفْلَهِ، وَ اسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ فِی أَیَّامِ الْمُهْلَهِ... أَکْمِلْ لِی بِهَا خَیْرَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ

مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن. و در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار.

و بدین وسیله، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل نما.۲۹/۲۰

عطای حسنه به بنده، در دنیا و آخرت

آتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَهً، وَ فِی الْآخِرَهِ حَسَنَهً

در دنیا نیکی و در آخرت هم نیکی، عطایمان کن.۱۳/۲۵، ۳۰/۲۰

دانایی خدا، به اصلاح کار دنیا و آخرت بنده

اللَّهُمَّ قَدْ تَعْلَمُ مَا یُصْلِحُنِی مِنْ أَمْرِ دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی

خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را اصلاح می کند می دانی.۱۰/۲۲

درخواست نعمتی از نعمت های خدا، در دین یا دنیا

وَ ارْزُقْنِی سَلَامَهَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّی لَا أَرَی نِعْمَهً مِنْ نِعَمِکَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ فِی دِینٍ أَوْ دُنْیَا... إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِی أَفْضَلَ ذَلِکَ بِکَ وَ مِنْکَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت در دین یا دنیا داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو آرزو کنم.

۱۲/۲۲

پاسداری از لغزش ها، روزی بنده در دنیا و آخرت

ص : ۵۷۴

وَ ارْزُقْنِی التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَایَا، وَ الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ

و مرا خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده.۱۳/۲۲

عدم جدایی میان بنده و تندرستی اش، در دنیا و آخرت

لَا تُفَرِّقْ بَیْنِی وَ بَیْنَ عَافِیَتِکَ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ

در دنیا و آخرت بین من و عافیتت جدایی نینداز.۱/۲۳

تندرستی دنیا و آخرت

عَافِنِی... عَافِیَهَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ

به من عافیت ده. عافیت دنیا و آخرت.

۲/۲۳

اصلاح حال بنده، در دنیا و آخرت

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِکُلِّ مَا یُصْلِحُنِی فِی دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی

و هر چه در دنیایم و آخرتم به صلاحم است، بر من ارزانی دار.۹/۲۵

عطای همه درخواست های بنده به او، در دنیا و آخرت

اللَّهُمَّ أَعْطِنَا جَمِیعَ ذَلِکَ بِتَوْفِیقِکَ وَ رَحْمَتِکَ... وَ أَعْطِ جَمِیعَ... الْمُوْمِنِینَ وَ الْمُوْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِی سَأَلْتُکَ لِنَفْسِی وَ لِوَلَدِی فِی عَاجِلِ الدُّنْیَا وَ آجِلِ الْآخِرَهِ

خداوندا به توفیق و رحمتت همه آن (درخواست ها) را به ما عطا فرما و به همه مردان و زنان با ایمان، مانندِ آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم، در دنیای کنونی و آخرت آینده ببخش.۱۲/۲۵

کالای دنیا؛ وسیله رسیدن به جوار الهی

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِی مِنْ حُطَامِهَا، وَ عَجَّلْتَ لِی مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَهً إِلَی جِوَارِکَ

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، و هم اکنون به دستم رسانده ای، وسیله رسیدن به جوار خود قرار ده.۶/۳۰

قرآن؛ بازدارنده بندگان در دنیا، از خشم خدا

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّهِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النِّفَاقِ حَتَّى يَكُونَ... لَنَا فِي الدُّنْيَا عَنْ سُخْطِكَ وَ تَعَدِّي حُدُودِكَ ذَائِدًا

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا در دنیا بازدارنده ما از خشم تو و تجاوز از حدودت باشد.

۱۲/۴۲

بهترین منزل ها، پس از جدایی از دنیا

اجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا خَيْرَ مَنَازِلِنَا

قبرها را پس از فراق از دنیا، بهترین خانه های ما قرار ده.۱۴/۴۲

ص : ۵۷۵

طلبیدن و دریافتن خدا، برای دین یا دنیا

فَمَنِ الْتمَسَکَ لِدِینٍ أَوْ دُنْیَا وَجَدَکَ

پس هر که برای دین یا دنیا به دنبال تو گشت، تو را می یابد.۲۵/۴۷

به پا نداشتن بنده، در جایگاه رسوایی در دنیا

وَ إِذْ لَمْ تُقِمْنِی مَقَامَ فَضِیحَهٍ فِی دُنْیَاکَ فَلَا تُقِمْنِی مِثْلَهُ فِی آخِرَتِکَ

و آن زمان که مرا در دنیایت در مقام رسوایی به پا نداشتی، پس مانند آن در آخرتت مرا (در مقام رسوایی) به پا ندار.۱۲۰/۴۷

عطای خیر دنیا و آخرت، به مؤمنان

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَیْنَ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِینَ مِنْ خَیْرٍ... أَوْ تُعْطِیهِمْ بِهِ خَیْرًا مِنْ خَیْرِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّی وَ نَصِیبِی مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی قسمت می نمایی یا خیری از خیرهای دنیا و آخرت را به ایشان عطا می کنی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.

۲/۴۸

ناامیدی از غیر خدا، برای امور دنیا و آخرت

فَإِنِّی... لَا أَرْجُو لِأَمْرِ آخِرَتِی وَ دُنْیَایَ سِوَاکَ

پس به درستی که برای کار آخرت و دنیایم به احدی جز تو امید ندارم.۴/۴۸

محروم نکردن بنده، از خیر دنیا و آخرت

إِلَهِی فَلَا تَحْرِمْنِی خَیْرَ الْآخِرَهِ وَ الْأُولَی لِقِلَّهِ شُکْرِی

خدای من، پس مرا به خاطر سپاس اندکم، از خیر آخرت و دنیا بی بهره نگردان.۱۳/۵۱

نپسندیدن دیدار خدا، و طول عمر نیافتن در دنیا

لَا یُعَمَّرُ فِی الدُّنْیَا مَنْ کَرِهَ لِقَاءَکَ

کسی که (مرگ و) دیدار تو را نپسندید، در دنیا عمر جاودان نیابد.۳/۵۲

تسلّط یافتن دنیا، بر بنده

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ... سُوءَالَ مَنْ قَدْ... اسْتَمْکَنَتْ مِنْهُ الدُّنْیَا

پس –ای مولای من– از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که دنیا بر او تسلّط یافته است.

۹و۸/۵۲

ترس از خدا، عامل دوری از دنیا

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُسَلِّیَ نَفْسِی عَنِ الدُّنْیَا بِمَخَافَتِکَ

خدای من، از تو می خواهم که مرا با ترس از

ص : ۵۷۶

خود، در دوری از دنیا، تسلّی بخشی.۱۰/۵۲

بریده شدن اثر و نشان بنده، از دنیا

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْیا أَثَرِی

مولای من! هنگامی که اثرم از دنیا قطع شود، به من رحم کن.۵/۵۳

مهربانی خدا، در دنیا و آخرت

یَا رَحْمَانَ الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ وَ رَحِیمَهُمَا

ای بخشنده در دنیا و آخرت و مهربان در آن دو.۱/۵۴

ویژگی های دنیا:

أ. فریب دهنده

أَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِکْرَ دُنْیَاهُمُ الْخَدَّاعَهِ الْغَرُورِ

هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده گول زننده را از خاطرشان ببر.

۴/۲۷

ب. فنا و نیستی

مَا زَوَیْتَ عَنِّی مِنْ مَتَاعِ الدُّنْیا الْفَانِیَهِ فَاذْخَرْهُ لِی فِی خَزَائِنِکَ الْبَاقِیَهِ

آنچه از کالای دنیایِ فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های جاوید خود ذخیره فرما.۵/۳۰

ج. پستی

انْزِعْ مِنْ قَلْبِی حُبَّ دُنْیا دَنِیَّهٍ، تَنْهَی عَمَّا عِنْدَکَ

دوستی دنیای پست که از آنچه نزد توست، بازمی دارد را از دلم بَر کن.

۱۰۹/۴۷

دوام همیشگی

دودلی شکّ

دور اندیشی

سالم ماندن دوراندیش

فَصَحَّ بِمُعَایَنَهِ أَمْثَالِهِمْ حَازِمٌ

پس (شخص) دوراندیش، با دیدن امثال ایشان سالم ماند.۷/۲۸

سبب موفّقیّت دوراندیش

...وَفَّقَهُ اعْتِبارُهُ

...پند گرفتنش سبب توفیق او شد.۷/۲۸

سبب رهنمونی دوراندیش، به راه راست

فَصَحَّ بِمُعَایَنَهِ أَمْثَالِهِمْ حَازِمٌ وَفَّقَهُ اعْتِبارُهُ، وَ أَرْشَدَهُ إِلَی طَرِیقِ صَوَابِهِ اخْتِیارُهُ

پس (شخص) دوراندیش، با دیدن امثال ایشان سالم ماند. پند گرفتنش سبب توفیق او شد و برگزیدن راه صواب، او را راهنمایی کرد.۷/۲۸

دورنگی نفاق

دورویی نفاق

دوری

دور ساختن بنده، از شکّ در امر الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی مَا... جَنَّبَنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَ الشَّکِّ فِی أَمْرِهِ

سپاس خدای را که ما را از کج روی و شک در امر خود، دور ساخت.۱۰/۱

دوری پیامبر صلی الله علیه و آله از خویشانش، جهت احیای دین الهی

قَطَعَ فِی إِحْیَاءِ دِینِکَ رَحِمَهُ

در برپا داشتن دین تو، از ارحامش دوری نمود.۸/۲

سبب دور گرداندن نزدیکان، به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله

أَقْصَی الْأَدْنَیْنَ عَلَی جُحُودِهِمْ

نزدیکان را بر اثر انکارشان، دور نمود.۹/۲

سبب نزدیک نمودن افراد دور، توسّط پیامبر صلی الله علیه و آله

قَرَّبَ الْأَقْصَیْنَ عَلَی اسْتِجَابَتِهِمْ لَکَ

دورتران را بر اثر پذیرفتنشان - برای تو - نزدیک نمود.۱۰/۲

دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله ، با دورترین (مردم)

وَالَی فِیکَ الْأَبْعَدِینَ

به خاطر تو، با دورترین (مردم) دوستی کرد.

۱۱/۲

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به محلّی دور از خویشانش

هَـاجَرَ إِلَى بِلَـادِ الْغُرْبَهِ، وَ مَحَـلِّ النَّأْيِ عَنْ مَوْطِنِ رَحْلِهِ، وَ مَوْضِعِ رِجْلِهِ، وَ مَسْـقَطِ رَأْسِهِ، وَ مَأْنَسِ نَفْسِهِ، إِرَادَهً مِنْهُ لِإِعْزَازِ دِينِکَ، وَ اسْتِنْصَارًا عَلَى أَهْلِ الْکُفْرِ بِکَ

از جایگاه اقامتش و قدمگاهش و زادگاهش و جای انس گرفتنش، به شهرهای غربت و محل دور هجرت نمود. بر این خواسته که دین تو را عزّت دهد و بر (ضد) کافرانِ به تو یاری طلبد.۱۶/۲

دوری نمودن اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، از زنان و فرزندان خویش

فَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَ الْأَوْلَادَ فِی إِظْهَارِ کَلِمَتِهِ

در راه آشکار نمودن دین او، از زنان و فرزندان خود جدا شدند.۴/۴

دور نساختن بندگان، از خدا

وَ لَا تُبَاعِدْنَا عَنْکَ

و ما را از خود دور نکن.۹/۵

دور نشدن سختی ها، از بنده

ص : ۵۷۸

لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ

از آنها جز آنچه تو دور کنی، دور نمی گردد.

۴/۷

دور ساختن آنچه بنده در آن افتاده

أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى... دَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِيهِ

تو بر برطرف کردن آنچه در آن افتاده ام توانایی.۱۰/۷

دور ساختن گرفتاری از بنده، علی رغم عدم شایستگی اش

وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى... دَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَافْعَلْ بِی ذَلِکَ وَ إِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْکَ

و تو بر برطرف کردن آنچه در آن افتاده ام توانایی. پس آن را برای من انجام ده. اگر چه از جانب تو شایسته آن نیستم.۱۰/۷

دوری گزیدن بنده از شیطان، برای خدا

وَ لَا تُشْمِتْهُ بِنَا بَعْدَ تَرْکِنَا إِیَّاهُ لَکَ

و پس از آنکه به خاطر تو از او (شیطان) دوری کردیم، اندوهی به ما نرسان که او را شاد گرداند. ۶/۱۰

دوری ورزیدن از اصرار (بر گناه)

أَنَّ أَحَبَّ عِبَادِکَ إِلَیْکَ مَنْ... جَانَبَ الْإِصْرَارَ

همانا محبوب ترین بندگانت نزد تو کسی است

که پافشاری (بر گناه) را ترک کند.۱۳/۱۲

دور بودن مدد خدا، از ستمگران

یَا مَنْ بَعُدَ عَوْنُهُ عَنِ الظَّالِمِینَ

ای کسی که مددش از ستمگران دور است.

۴/۱۴

دور بودن بنده، از اصلاح نفسش

وَ مَنْ أَبْعَدُ مِنِّی مِنِ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ

و کیست که به صلاح نفس خود از من دورتر باشد؟۲۳/۱۶

دور کردن شیطان از بندگان، با عبادت

اللَّهُمَّ اخْسَأْهُ عَنَّا بِعِبَادَتِکَ

خداوندا او را از ما – به سبب عبادت و بندگی ات – دور کن.۳/۱۷

دور ساختن آفت و بدی از بنده

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی حُسْنِ قَضَائِکَ، وَ بِمَا صَرَفْتَ عَنِّی مِنْ بَلَائِکَ

خداوندا بر سرنوشت نیکی که برایم تقدیر کردی و بلایی که از من برگرداندی، تو را سپاس.

۱/۱۸

دوری گزیننده از خدا

وَ لَا تَبْتَلِیَنِّی بِالْکَسَلِ عَنْ عِبَادَتِکَ... وَ لَا مُفَارَقَهِ مَنِ اجْتَمَعَ إِلَیْکَ

ص : ۵۷۹

و مرا به سستی در عبادتت و جدایی از آنکه به تو پیوسته، گرفتار نساز.۱۱/۲۰

توانایی خدا، بر دور کردن ستم از بنده

وَ لَا أُظْلَمَنَّ وَ أَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّی

و (چنان کن که) بر من ستم نشود، در حالی که تو بر دفاع از من توانایی.۱۴/۲۰

دوری از معصیت، منّت الهی بر بنده

وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالصِّحَّهِ... وَ الِاجْتِنَابِ لِمَا نَهَيْتَنِی عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِکَ

و با تندرستی و دوری جستن از نافرمانی ات – که مرا از آن بازداشته ای – بر من منّت گذار.

۳/۲۳

پناه بردن به خدا، از شرّ هر نزدیک و دور

أَعِذْنِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ قَرِيبٍ وَ بَعِيدٍ

مرا از شرّ هر نزدیک و دوری پناه ده.۶/۲۳

دوری انداختن بین دشمنان و آذوقه شان

بَاعِدْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَزْوِدَتِهِمْ

میان آنها و زاد و توشه اشان جدایی انداز.

۵/۲۷

آذوقه های دشمنان، در دورترین (نقاط) زمین

وَ اجْعَلْ مِيَرَهُمْ فِی أَحَصِّ أَرْضِکَ وَ أَبْعَدِهَا عَنْهُمْ

و آذوقه هایشان را در بی برکت ترین و دورترین (نقاط) زمین خود قرار ده.۱۲/۲۷

دور بودن نیرو و قدرت، از بنده

لَوْ... تَضْطَرُّنِی إِلَی قُوَّتِی... لَکَانَتِ الْقُوَّهُ مِنِّی بَعِيدَهً

اگر مرا ناگزیر می ساختی، به نیروی خود پناه برم؛ همانا نیرو از من دور می شد.**۲۵/۳۲**

نزدیک بودن دورِ آتش دوزخ

إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ... بَعِیدُهَا قَرِیبٌ

همانا به تو پناه می آورم از آتشی که دورش نزدیک است.**۲۹/۳۲**

راه جویی از خدا، برای آنچه از آتش دوزخ دور سازد

وَ أَسْتَهْدِیکَ لِمَا بَاعَدَ مِنْهَا

و از تو راهنمایی می خواهم، برای آنچه از آن (آتش) دور سازد.**۳۱/۳۲**

دوری از حسن عاقبت

لَا تَسُمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ... وَ نَجْنَحَ إِلَی الَّتِی هِیَ أَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَهِ

ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم و به آنچه که از حسن عاقبت دورتر است، تکیه نماییم.

۳/۳۳

ص : ۵۸۰

دور گرداندن حرص بنده، از گناه

وَ ازْوِ حِرْصِی عَنْ کُلِّ مَأْثَمٍ

و حرص مرا از هر گناهی دور کن.۱/۳۹

دور بودنِ ایجاد گشایشی در پایانِ (امورِ) مغرور به کرم الهی

مَا أَبْعَدَ غَایَتَهُ مِنَ الْفَرَجِ

چه دور است که در پایان (کار) او گشایش حاصل شود!۲۰/۴۶

ناتوانی بر دور ساختن خدا

سُبْحَانَکَ... لَا تُمَاطُ وَ لَا تُنَازَعُ

پاک و منزّهی! نه با مقاومت برکنار می روی و نه قابل نزاع هستی.۲۷/۴۷

دورگرداننده بنده، از خدا

أَعِذْنِی مِمَّا یُبَاعِدُنِی عَنْکَ

از چیزی که از تو دورم می کند، مرا نگهدار.

۹۳/۴۷

دور نینداختن بنده، مانند دور افتاده از چشم نگهداری خدا

لَا تَرْمِ بِی رَمْیَ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَیْنِ رِعَایَتِکَ

مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده.۱۰۴/۴۷

ناظران دور افتادن کتاب خدا

...حَتَّی عَادَ صِفْوَتُکَ وَ خُلَفَاوءُکَ مَغْلُوبِینَ... یَرَوْنَ... کِتَابَکَ مَنْبُوذًا

...تا اینکه برگزیدگان و جانشینان تو، مغلوب شده، می بینند که کتاب تو دور افتاده است.

۹/۴۸

ناتوانی نفس، در دوری از محذورات

أَشْکُو إِلَیْکَ یَا إِلَهِی ضَعْفَ نَفْسِی عَنِ... الْمُـجَانَبِهِ عَمَّا حَذَّرْتَهُ أَعْدَاءَکَ

ای خدای من، از ناتوانی نفْسم در دوری نمودن از آنچه دشمنانت را به آن بیم داده ای، به تو شکایت می کنم.۱۰/۵۱

آنچه بندگان دوری خود را از آن، خواهانند:

أ. خوی های نکوهیده و اخلاق پست

جَنِّبْنَا بِهِ الضَّرَائِبَ الْمَذْمُومَهَ وَ مَدَانِیَ الْأَخْلَاقِ

با آن (قرآن)، ما را از خوی های نکوهیده و اخلاق پست، دور کن.۱۲/۴۲

ب. برگشتن از توحید ، کوتاهی در تمجید خداوند و تردید در دین

جَنِّبْنَا الْإِلْحَادَ فِی تَوْحِیدِکَ، وَ التَّقْصِیرَ فِی تَمْجِیدِکَ، وَ الشَّکَّ فِی دِینِکَ

ما را از کجروی در یگانگی ات و کوتاهی

در بزرگ داشتنت و شکّ در دینت دور گردان.

۱۳/۴۴

ج. کوری از راه راست، سهل انگاری و فریب خوردن از شیطان

جَنِّبْنَا... الْعَمَى عَنْ سَبِيلِكَ، وَ الْإِغْفَالَ لِحُرْمَتِكَ، وَ الِانْخِدَاعَ لِعَدُوِّكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

ما را از کوری از راهت و سهل انگاری حرمتت و فریب خوردن از دشمنت؛ شیطان رانده شده، دور گردان.۱۳/۴۴

آنچه بندگان دور شدن آن را از خود، از خدا خواستارند:

أ. ترس از قطع رابطه کنندگان

اكْفِنَا وَحْشَةَ الْقَاطِعِينَ بِصِلَتِكَ

با پیوستن به خود، ما را از وحشتِ دوری کنندگان، نگهدار.۷/۵

ب. اصرار (بر گناه)

أَزِلْنَا عَنْ مَكْرُوهِكَ مِنَ الْإِصْرَارِ

ما را از اصرار بر آنچه ناپسند توست، دور بدار.۱/۹

ج. شیطان

اللَّهُمَّ اخْسَأْهُ عَنَّا بِعِبَادَتِكَ

خداوندا او را از ما – به سبب عبادت و بندگی ات – دور کن.۳/۱۷

د. مکر شیطان

وَ اكْفِنَا خَتْرَهُ

و حیله او را از ما دور کن.۴/۱۷

هـ. عیب جویی بندگان

اكْفِنِي مَؤُونَةَ مَعَرَّةِ الْعِبَادِ

سنگینی گناهِ عیب جوییِ بندگان را از من بردار.۲۰/۲۰

و. مکر قصدبدکننده

مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی، وَ ادْحَرْ عَنِّی مَكْرَهُ

هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و مکرش را از من بِران.۷/۲۳

ز. نگرانی شکّ

فَأَزِحْ عَنَّا رَيْبَ الِارْتِيَابِ

پس آشفتگیِ تردید را از ما دور گردان.

۲/۳۳

ح. هر شکّ و شبهه ای

أَزِلْ عَنِّی كُلَّ شَكٍّ وَ شُبْهَةٍ

هر شکّ و شبهه ای را از من دور ساز.

۱۲۹/۴۷

ص : ۵۸۲

دوزخ آتش

برافروختگی جهنّم، بر گنهکاران

وَ الَّذِینَ یَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَى أَهْلِ مَعْصِیَتِکَ: سُبْحَانَکَ مَا عَبَدْنَاکَ حَقَّ عِبَادَتِکَ

و همان (فرشته)هایی که چون دوزخ را می نگرند که بر گنهکاران شعله می کشد، گویند: منزّهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم.۹/۳

به دوزخ انداختن جهنّمیان

الزَّبَانِیَهِ الَّذِینَ إِذَا قِیلَ لَهُمْ: خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِیمَ صَلُّوهُ. ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا، وَ لَمْ یُنْظِرُوهُ

پاسبانانی که چون به آنها گفته شود: او را بگیرد و در زنجیرش کشید، سپس به دوزخ افکنید، به سرعت به او حمله برند و مهلتش ندهند.۲۱/۳

رهایی از دوزخ را روزی بنده نمودن

ارْزُقْنِی... سلَامَهَ الْمِرْصَادِ

رهایی از کمین گاه (دوزخ) را روزی ام فرما.

۱۸/۲۰

آب جوشان نوشاندن آتش دوزخ، به دوزخیان

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... تَسقِی أَهْلَهَا حَمِیـمًا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که اهلش را آب جوشان می نوشاند.۳۰و۲۹/۳۲

گذشتن از پل لرزان دوزخ

ثَبِّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ یَوْمَ الْمَـجَازِ عَلَیْهَا زَلَلَ أَقْدَامِنَا

هنگام لرزیدن پل دوزخ، در آن روز که بر آن عبور می کنیم، لغزش گام های ما را به وسیله آن (قرآن)، پابرجا گردان.۱۵/۴۲

درآمدن مستکبران، به جهنّم

فَسَمَّیْتَ دُعَاءَکَ عِبَادَهً، وَ تَرْکَهُ اسْتِکْبَارًا، وَ تَوَعَّدْتَ عَلَى تَرْکِهِ دُخُولَ جَهَنَّمَ دَاخِرِینَ

پس دعا کردن را عبادت و ترک آن را استکبار نامیدی و بر ترک آن، داخل شدن در جهنّم با خواری را هشدار دادی.۱۵/۴۵

دوستی

برانگیختن آفریدگان، در راه دوستی خدا

بَعَثَهُمْ فِی سَبِیلِ مَحَبَّتِهِ

آنها را در راه دوستی به خود، برانگیخت.

۴/۱

کامروایی در بین دوستان نیک بخت خدا

ص : ۵۸۳

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا نَسْعَدُ بِهِ فِی السُّعَدَاءِ مِنْ أَوْلِیَائِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که با آن در بین سعادتمندان از دوستانش به سعادت برسیم.

۳۰و ۲۷/۱

دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله ، با دورترین (مردم)

وَالَی فِیکَ الْأَبْعَدِینَ

به خاطر تو، با دورترین (مردم) دوستی کرد.

۱۱/۲

کامل شدن اندیشه های پیامبر صلی الله علیه و آله درباره دوستان خدا

اسْتَتَمَّ لَهُ مَا دَبَّرَ فِی أَوْلِیَائِکَ

آنچه او درباره دوستانت می اندیشید، برایش کامل گردید.۱۸/۲

فرستادن گشایشی خوشایند برای زمینیان

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ رُسُلِکَ مِنَ الْمَلَائِکَهِ إِلَی أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَکْرُوهِ مَا یَنْزِلُ مِنَ الْبَلَاءِ وَ مَحْبُوبِ الرَّخَاءِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرستادگانت از فرشتگان، که بلای ناخوشایند و آسایش خوشایند به سوی اهل زمین می فرستی.

۱۷و۱۱و۱۰/۳

دوستی محمّد صلی الله علیه و آله ، تجارتی بدون کساد

...یَرْجُونَ تِجَارَهً لَنْ تَبُورَ فِی مَوَدَّتِهِ

در دوستی اش امید به تجارتی بدون کساد داشتند. ۵/۴

در دل داشتن دوستی محمّد صلی الله علیه و آله

کَانُوا مُنْطَوِینَ عَلَی مَحَبَّتِهِ

آنها که محبّت او را در دل پرورانده اند.

۵/۴

آنچه محبوب تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله است

تُحَبِّبَ إِلَيْهِمُ الْعَمَلَ لِلْآجِلِ، وَ الِاسْتِعْدَادَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ

عمل برای آخرت و آمادگی برای بعد از مرگ را در نظرشان محبوب کنی.۱۶/۴

دوستی خدا، و حفظ نمودن بنده

احْفَظْنَا... حِفْظًا... مُسْتَعْمِلًا لِمَحَبَّتِکَ

ما را نگهداری کن، نگهداری ای که در جهت دوستی تو به کار برد.۱۷/۶

توبه، محبوب خدا

صَيِّرْنَا إِلَى مَحْبُوبِکَ مِنَ التَّوْبَهِ

ما را به سوی توبه پسندیده خود ببر.۱/۹

دیده دل و دوستی خداوند

أَعْمِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَکَ

چشم دل ما را از آنچه برخلاف دوستی

توست کور گردان.۶/۹

دوست ترین بندگان خدا، نزد او

أَنَّ أَحَبَّ عِبَادِکَ إِلَیْکَ مَنْ تَرَکَ الِاسْتِکْبارَ عَلَیْکَ، وَ جَانَبَ الْإِصْرَارَ، وَ لَزِمَ الِاسْتِغْفَارَ

همانا محبوب ترین بندگانت نزد تو کسی است که بر تو گردنکشی نکند و پافشاری (بر گناه) را ترک کند و پیوسته آمرزش خواهد.۱۳/۱۲

دوست داشتنی تر بودن عفو بنده از به کیفر رساندنش، نزد خدا

...وَ لِأَنَّ عَفْوَکَ عَنِّی أَحَبُّ إِلَیْکَ مِنْ عُقُوبَتِی

...و از آن روست که بخشایش من نزد تو محبوب تر از کیفر من است.۲۶/۱۶

خوار کردن شیطان، با کوشش در دوستی خدا

اللَّهُمَّ... اکْبِتْهُ بِدُؤُوبِنَا فِی مَحَبَّتِکَ

خداوندا با کوشش مستمر ما – در دوستی ات – او را خوار نما.۳/۱۷

در شمار دوستان شیطان

اللَّهُمَّ... اعْزِلْنَا عَنْ عِدَادِ أَوْلِیَائِهِ

خداوندا ما را از شمار دوستانش برکنار فرما.

۱۴/۱۷

بدبخت شدن بنده، به آنچه دوست دارد

فَلَا تَجْعَلْ حَظِّی مِنْ رَحْمَتِکَ مَا عَجَّلْتَ لِی مِنْ عَافِیَتِکَ، فَأَکُونَ قَدْ شَقِیتُ بِمَا أَحْبَبْتُ

پس بهره مرا از رحمتت، تندرستی ای که اکنون برای من پیش انداخته ای، قرار مده که به سبب آنچه دوست دارم، بدبخت شوم.۱/۱۸

تغییر دوستی مدارا کنندگان، به دوستی واقعی

أَبْدِلْنِی... مِنْ حُبِّ الْمُدَارِینَ تَصْحِیحَ الْمِقَهِ

درباره من دوستی (ظاهری) مداراکنندگان را به دوستی واقعی مبدّل فرما.۷/۲۰

مبدّل نمودن دشمنی دشمنان و نزدیکان، به دوستی

أَبْدِلْنِی مِنْ بِغْضَهِ أَهْلِ الشَّنَآنِ الْمحَبَّهَ... وَ مِنْ عَدَاوَهِ الْأَدْنَیْنَ الْوَلَایَهَ

درباره من کینه توزی دشمنان را به محبّت و دشمنی نزدیکان را به دوستی مبدّل فرما.۷/۲۰

تغییر رشک سرکشان از حقّ، به محبّت

أَبْدِلْنِی... مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْیِ الْمَوَدَّهَ

درباره من حسد متجاوزان را به دوستی مبدّل فرما.۷/۲۰

گرفتار نساختن بنده، به درخواستِ خلاف دوستی خدا

ص : ۵۸۵

وَ لَا تَبْتَلِيَنِّی... بِالتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ مَحَبَّتِکَ

و مرا به پرداختن به کاری خلاف دوستی ات، گرفتار نساز.۱۱/۲۰

راهی هموار، به سوی محبّت خدا

انْهَجْ لِی إِلَی مَحَبَّتِکَ سَبِیلًا سَهْلَةً

راهی آسان به سوی محبّتت، برایم هموار گردان. ۲۹/۲۰

ناتوانی بنده از متوجّه گرداندن دوستی خدا، به خود

لَا أَسْتَمِیلُ هَوَاکَ

نمی توانم محبّت تو را جلب نمایم.۶/۲۱

خالی ساختن دل بنده، برای محبّت خدا

فَرِّغْ قَلْبِی لِمَحَبَّتِکَ

دلم را برای دوستی ات خالی گردان.

۱۰/۲۱

روانه کردن دل بنده، در خوشایندترین راه های به سوی خدا

وَ أَجْرِ بِهِ فِی أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَیْکَ

و آن را در محبوب ترین راه ها به سویت روانه فرما.۱۰/۲۱

انس گرفتن با دوستان خدا

هَبْ لِیَ الْأُنْسَ بِکَ وَ بِأَوْلِیَائِکَ

انس با خودت و دوستانت و فرمانبرانت را به من ببخش.۱۱/۲۱

انجام آنچه خدا دوست دارد

وَ امْنُنْ عَلَیَّ... بِالْعَمَلِ لَکَ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَی

و عمل – برای خودت – به آنچه دوست داری و خوشنود می شوی را به من ارزانی دار.

۱۳/۲۱

أَذِقْنِی طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَهٍ مِنْ سَعَتِکَ

به وسیله گشایشی از گشایشگری ات، طعم فراغت برای (پرداختن به) آنچه را دوست داری، به من بچشان.۱۲۵/۴۷

بر گزیدن رضای خدا درباره دوستان و دشمنان، بر غیر رضای او

وَ ارْزُقْنِی... الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ فِی حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّی أَکُونَ بِمَا یَرِدُ عَلَیَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَهٍ سَوَاءٍ... مُوءْثِرًا لِرِضَاکَ عَلَی مَا سِوَاهُمَا فِی الْأَوْلِیَاءِ وَ الْأَعْدَاءِ

و مرا در حال خوشنودی وخشم، خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدّم شمارم.

۱۳/۲۲

ص : ۵۸۶

دوستداران و پنددهندگان دوستان خدا

وَ اجْعَلْهُمْ... لِأَوْلِيَائِكَ مُحِبِّينَ مُنَاصِحِينَ

و آنان (فرزندانم) را دوستدار و پنددهنده دوستانت قرار ده.۳/۲۵

فرزندان، دوستدار والدین

وَ اجْعَلْهُمْ لِی مُحِبِّینَ

و آنان را دوستدار من قرار ده.۴/۲۵

یاری خدا به امام علیه السلام ، درباره دوستانش

تَوَلَّنِی فِی جِیرَانِی وَ مَوَالِیَّ الْعَارِفِینَ بِحَقِّنَا

مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حقّ ما هستند، یاری فرما.۱/۲۶

آشنا بودن دوستان امام علیه السلام ، به حقّ وی

تَوَلَّنِی فِی جِیرَانِی وَ مَوَالِیَّ الْعَارِفِینَ بِحَقِّنَا، وَ الْمُنَابِذِینَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلَایَتِکَ

مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حقّ ما و مخالف با دشمنان ما هستند، به بهترین وجه یاری فرما.۱/۲۶

دوستی همسایگان

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أُسِرُّ لَهُمْ بِالْغَیْبِ مَوَدَّةً

و خداوندا مرا بر آن دار که در نبودشان دوستی را، آشکار سازم.۳/۲۶

دوست داشتن نعمت باقی و جاوید، برای

همسایگان

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أُحِبُّ بَقَاءَ النِّعْمَهِ عِنْدَهُمْ نُصْحًا

و خداوندا مرا بر آن دار که خیرخواهانه بقای نعمت را نزدشان دوست بدارم.۳/۲۶

درود فرستادن خدا، بر اولیایش

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ... صَلَاةً لَا يَنْتَهِي أَمَدُهَا... كَأَتَمِّ مَا مَضَى مِنْ صَلَوَاتِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ

خداوندا بر محمّد درود فرست، درودی که مدّتش پایان نپذیرد. مانند کامل ترین درودهایت که بر هر یک از اولیایتْ فرستاده شده.۱۸/۲۷

خدا، دوستدار توبه کنندگان

وَ قَدْ قُلْتَ يَا إِلَهِي فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ إِنَّكَ... تُحِبُّ التَّوَّابِينَ

و ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده ای همانا توبه کنندگان را دوست می داری.۱۵/۳۱

يَا مُحِبَّ التَّوَّابِينَ

ای دوستدار توبه کنندگان.۳/۳۸

لازم گرداندن دوستی خدا برای بنده

وَ أَوْجِبْ لِي مَحَبَّتَكَ كَمَا شَرَطْتَ

و همان طور که شرط کرده ای، دوستی خود را برایم واجب گردان.۱۵/۳۱

وَ اجْعَلْ... عَزْمِي عَلَى تَرْكِ مَا يَعْرِضُ لِي مِنَ السَّيِّئَاتِ تَوْبَةً تُوجِبُ لِي مَحَبَّتَكَ

ص : ۵۸۷

و عزمم را بر ترک بدی هایی که برایم پیش آید، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گردانَد.۳/۳۸

برگشتن بنده، به آنچه محبوب خداست

وَ اصْرِفْنِی بِقُدْرَتِکَ إِلَی مَا أَحْبَبْتَ

و به قدرت خود، مرا به آنچه دوست داری، بازگردان. ۱۷/۳۱

امورِ دور از دوستی خداوند

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ مِنْ کُلِّ مَا... زَالَ عَنْ مَحَبَّتِکَ

خداوندا و همانا من از هر چه دور از دوستی توست، به درگاهت توبه می کنم.۲۲/۳۱

دوست نداشتن تأخیر و تعجیل، در آنچه خدا اراده کرده

أَلْهِمْنَا الِانْقِیَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَیْنَا مِنْ مَشِیَّتِکَ حَتَّی لَا نُحِبَّ تَأْخِیرَ مَا عَجَّلْتَ، وَ لَا تَعْجِیلَ مَا أَخَّرْتَ

گردن نِهی بر خواسته ات را – که بر ما وارد ساختی – به ما الهام فرما، تا تأخیر آنچه را پیش انداختی و تعجیل آنچه را که به تأخیر انداخته ای، دوست نداشته باشیم.۵/۳۳

ناپسند نشمردن آنچه خدا دوست دارد

أَلْهِمْنَا الِانْقِیَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَیْنَا مِنْ مَشِیَّتِکَ حَتَّی... لَا نَکْرَهَ مَا أَحْبَبْتَ

گردن نِهی بر خواسته ات را – که بر ما وارد ساختی – به ما الهام فرما، تا آنچه را دوست داشتی، ناپسند نشماریم.۵/۳۳

مرگ، جای الفت و دوستی

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا... نَحْرِصُ لَهُ عَلَی وَشْکِ اللَّحَاقِ بِکَ حَتَّی یَکُونَ الْمَوْتُ... مَأْلَفَنَا الَّذِی نَشْتَاقُ إِلَیْهِ

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن به زود رسیدن به تو حرص ورزیم. تا جایی که مرگ برای ما محل الفتی باشد که به سوی آن مشتاقیم.۳/۴۰

مرگ، و محبوبیّت نزدیک شدنش به بنده

اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِیرَ إِلَیْکَ... حَتَّی یَکُونَ الْمَوْتُ... حَامَّتَنَا الَّتِی نُحِبُّ الدُّنُوَّ مِنْهَا

از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کُند شماریم. تا جایی که مرگ برای ما (همانند)

خویشاوند نزدیک ما باشد که نزدیک شدن به او را دوست داریم.۳/۴۰

قرار دادن محبّت بنده، در سینه های اهل ایمان

وَ اجْعَلْ لَنَا فِی صُدُورِ الْمُوءْمِنِینَ وُدًّا

و دوستی ما را در سینه های مؤمنان، قرار ده.

۱۶/۴۲

ص : ۵۸۸

به دوستی نگرفتن آنکه، برای خدا با او دشمنی شده

وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا حَاشَی مَنْ عُودِیَ فِیکَ وَ لَکَ، فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِی لَا نُوَالِیهِ، وَ الْحِزْبُ الَّذِی لَا نُصَافِیهِ

ما را در آن ماه توفیق ده، که با کسی که با ما دشمنی کرده، مسالمت نماییم. مگر آنان که در راه تو و برای تو با آنها دشمنی شده. که او دشمنی است که با او دوستی نمی کنیم و حزبی است که با او صمیمی نمی شویم.۱۰/۴۴

سزاواری کرامت وعده داده شده خدا، به دوستانش

أَهِّلْنَا فِیهِ لِمَا وَعَدْتَ أَوْلِیَاءَکَ مِنْ کَرَامَتِکَ

ما را در این (ماه) به کرامت خود که به دوستانت وعده داده ای، سزاوار نما.۱۲/۴۴

رمضان، عید دوستان خدا

السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا... عِیدَ أَوْلِیَائِهِ

درود بر تو، ای عید دوستان او.۲۳/۴۵

توبه کنندگان و وجوب محبّت خداوند

اجْعَلْنَا عِنْدَکَ مِنَ التَّوَّابِینَ الَّذِینَ أَوْجَبْتَ لَهُمْ مَحَبَّتَکَ

ما را در نزد خود از توبه کنندگانی قرار ده که دوستی ات را برای آنها واجب نموده ای.۵۴/۴۵

نرم خویی ولیّ خدا، برای اولیای الهی

وَ أَلِنْ جَانِبَهُ لِأَوْلِیَائِکَ

و خوی او را برای دوستانت نرم فرما.

۶۳/۴۷

درود خدا بر دوستداران ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی أَوْلِیَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِینَ بِمَقَامِهِمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که اعتراف کنندگان به مقام ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

درخواست از خدا، برای دوستداران ائمه علیهم السلام

سَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَ اجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ، وَ أَصْلِحْ لَهُمْ شُؤُونَهُمْ، وَ تُبْ عَلَيْهِمْ

و بر آنـان و بر جـان هایشـان سـلام فرست و کردارشـان را بر پرهیزکاری سامان ده و احوالشان را برای آنها اصـلاح نما و توبه آنان را بپذیر.

۶۵/۴۷

دوستی بنده، با دوستداران خدا

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ... أَرْشَدْتَهُ لِمُوَالَاهِ أَوْلِيَائِكَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که به دوستی با دوستانت راهنمایی اش نمودی.۶۷/۴۷

خدا، و مقرون نمودن دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله به دوستی خود

ص : ۵۸۹

بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مُوَالَاتَهُ بِمُوَالَاتِکَ... تَغَمَّدْنِی فِی یَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَیْکَ مُتَنَصِّلًا

به حقّ کسی که دوستی اش را با دوستی خود قرین کرده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.

۸۶/۴۷

فزونی دوستی خدا، بر بنده

لَا تَمْنِحْنِی بِمَا لَا طَاقَةَ لِی بِهِ فَتَبْهَظَنِی مِمَّا تُحَمِّلُنِیهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِکَ

آنچه طاقتش را ندارم به من نبخش، که پشتم را از فزونی دوستی ات که بر دوشم گذارده ای، بشکنی.۱۰۲/۴۷

دوستی دنیای پست

انْزِعْ مِنْ قَلْبِی حُبَّ دُنْیَا دَنِیَّةٍ

دوستی دنیای پست را از دلم بَر کن.

۱۰۹/۴۷

رسوا نساختن بنده، در برابر دوستان خدا

لَا تَفْضَحْنِی بَیْنَ یَدَیْ أَوْلِیَائِکَ

در برابر دوستانت رسوایم نگردان.۱۱۴/۴۷

پایانی دوست داشتنی

فَأَحْیِنِی حَیَاةً طَیِّبَةً... تَبْلُغُ مَا أُحِبُّ

پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار، که به آنچه

دوست دارم پایان یابد.۱۱۷/۴۷

همسایگی با پاکیزه ترین دوستان خدا

جَاوِرْ بِیَ الْأَطْیَبِینَ مِنْ أَوْلِیَائِکَ فِی الْجِنَانِ الَّتِی زَیَّنْتَهَا لِأَصْفِیَائِکَ

در باغ هایی که آنها را برای برگزیدگانت آراسته ای، مرا با پاک ترین دوستانتْ همسایه گردان.۱۲۸/۴۷

مکان های آماده شده (در بهشت)، برای دوستان خدا

جَلِّلْنِی شَرَائِفَ نِحَلِکَ فِی الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّهِ لِأَحِبَّائِکَ

در مکان هایی که برای دوستانت آماده کرده ای، به عطاهای والایت مرا بپوشان.۱۲۸/۴۷

محمّد صلی الله علیه و آله ، حبیب و دوست خدا

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ حَبِیبِکَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که بر محمّد بنده و فرستاده و دوست خود، درود فرستی.

۳/۴۸

لعنت بر دوستان دشمنان جانشینان خدا

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَهُمْ... وَ أَشْیَاعَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ

خداوندا، دشمنان ایشان و دوستان و پیروانشان را لعنت کن.

۱۰/۴۸

ص : ۵۹۰

دوست داشتن فزونی پادشاهی خدا، نزد بنده

لَوْ أَنَّ عَذَابِی مِمَّا یَزِیدُ فِی مُلْکِکَ لَسَأَلْتُکَ الصَّبْرَ عَلَیْهِ، وَ أَحْبَبْتُ أَنْ یَکُونَ ذَلِکَ لَکَ

اگر عذاب من چیزی بود که در پادشاهی ات می افزود، هر آینه شکیبایی بر آن را از تو می خواستم و دوست داشتم که آن (فزونی) بر (ملک) تو باشد.۶/۵۰

ناتوانی نفس از شتاب نمودن به وعده خدا به دوستانش

أَشْکُو إِلَیْکَ یَا إِلَهِی ضَعْفَ نَفْسِی عَنِ الْمُسَارَعَهِ فِیما وَعَدْتَهُ أَوْلِیاءَکَ

ای خدای من، از ناتوانی نفْسم در شتافتن به آنچه به دوستانت نوید داده ای، به تو شکایت می کنم.۱۰/۵۱

نداشتن دوستی، جز خدا

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ... لَا وَلِیَّ لَهُ دُونَکَ

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که دوستی برایش غیر تو نیست.۹و۸/۵۲

قرار دادن جایگاه بنده با دوستان خدا، در قیامت

اجْعَلْ فِی ذَلِکَ الْیَوْمِ مَعَ أَوْلِیَائِکَ مَوْقِفِی

جایگاهم را در آن روز با دوستانت قرار ده.

۷/۵۳

قرار دادن بازگشت بنده در میان دوستان خدا، (به سرای جزا)

اجْعَلْ... فِی أَحِبَّائِکَ مَصْدَرِی

بازگشتم را در میان یارانت قرار ده.۷/۵۳

محبوبیّت عاملی به سبب عملش، نزد خدا

أَسْأَلُکَ عَمَلًا تُحِبُّ بِهِ مَنْ عَمِلَ بِهِ

از تو عملی را درخواست می کنم که به سبب آن هر کسی را که آن را انجام دهد، دوست داری.

۳/۵۴

همانندی رغبت بنده با دوستان خدا، در خواسته ها

اللَّهُمَّ اجْعَلْ رَغْبَتِی فِی مَسْأَلَتِی مِثْلَ رَغْبَهِ أَوْلِیَائِکَ فِی مَسَائِلِهِمْ

خداوندا، رغبت مرا در درخواستم، همانند رغبت اولیای خود در خواسته هایشان قرار ده.

۶/۵۴

داشتن ترسی همانند ترس دوستان خدا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... رَهْبَتِی مِثْلَ رَهْبَهِ أَوْلِیَائِکَ

خداوندا، ترسم را مانند ترس اولیایت قرار

ص : ۵۹۱

ده.۶/۵۴

آنچه بندگان محبوبیّت آن را نزد خود، از خدا خواستارند:

أ. آنچه خدا پسندیده است

حَبِّبْ إِلَيَّ مَا رَضِيتَ لِي

آنچه برایم پسندیده ای را محبوب من گردان.۶/۱۵

ب. همنشینی درویشان

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ صُحْبَةَ الْفُقَرَاءِ

خداوندا، همنشینی نیازمندان را نزد من محبوب گردان.۴/۳۰

ج. ناپسندیده هایشان از تقدیر الهی

حَبِّبْ إِلَيْنَا مَا نَكْرَهُ مِنْ قَضَائِكَ

آنچه از مقدّراتت که نمی پسندیم، نزد ما محبوب فرما.۴/۳۳

دَه

ده برابر بودن مزد به جاآورنده نیکی

مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا

هر کس کار نیکی به جا آورَد، پس برای او ده برابر آن است.۱۲/۴۵

دهان

گشوده بودن دهان کژدم های آتش دوزخ

وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَقَارِبِهَا الْفَاغِرَةِ أَفْوَاهُهَا

و از عقرب های آن که دهانشان گشوده است، به تو پناه می برم.۳۱/۳۲

دیدار

ترس از دیدار خدا

أَشْرَفْتُ عَلَى خَوْفِ لِقَائِكَ. فَلَا مُسَكِّنَ لِرَوْعَتِى

به ترس دیدارت نزدیک گشته ام و آرامش دهنده ای برای ترسم ندارم.۱/۲۱

روز دیدار

فَأَدِّهِ عَنِّى... حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَيَّ شَىْءٌ مِنْهُ تُرِيدُ أَنْ... تُضَاعِفَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِى يَوْمَ أَلْقَاكَ يَا رَبِّ

پس آن (تکلیف) را از جانب من ادا کن. تا چیزی از آن بر من نمانَد که بخواهی به سبب آن بر بدی هایم بیفزایی، در روزی که تو را دیدار می کنم.ای پروردگار من.۷/۲۲

وَ كَانَتِ الْقُبُورُ هِيَ الْمَأْوَى إِلَى مِيقَاتِ يَوْمِ التَّلَاقِ

و گورها تا روز دیدار (هنگام قیامت)، جایگاه ماندن باشد.۱۳/۴۲

توفیق دیدار همسایگانِ از سفر آمده

ص : ۵۹۲

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... تَعَهُّدِ قَادِمِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در دیدار با از سفر بازگشته شان، توفیق ده.۲/۲۶

دیدار مرزداران مسلمان، با دشمن

أَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِکْرَ دُنْیَاهُمُ الْخَدَّاعَهِ الْغَرُورِ...

هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده گول زننده را از خاطرشان ببر.۴/۲۷

دیدار نمودن آتش دوزخ، از ساکنانش

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... تَلْقَی سُکَّانَهَا بِأَحَرِّ مَا لَدَیْهَا مِنْ أَلِیمِ النَّکَالِ وَ شَدِیدِ الْوَبَالِ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با ساکنان خود با سوزان ترین کیفرِ دردناک و عواقب سخت روبرو می شود.۳۰و۲۹/۳۲

برانگیخته شدن، برای دیدار خدا

وَ لَا تُخْزِنِی یَوْمَ تَبْعَثُنِی لِلِقَائِکَ

و روزی که مرا برای دیدارت برمی انگیزی، خوارم نساز.۱۱۴/۴۷

شوق دیدار خداوند

شَوِّقْنِی لِقَاءَکَ

مرا به دیدارت مشتاق گردان.۱۲۶/۴۷

وَ اجْعَلْ فِیما عِنْدَکَ رَغْبَتِی شَوْقًا إِلَی لِقَائِکَ

و در آنچه نزد توست، رغبتم را، آرزومندی دیدارت قرار ده.۴/۵۴

رابطه نپسندیدن دیدار خدا و طول عمر

لَا یُعَمَّرُ فِی الدُّنْیَا مَنْ کَرِهَ لِقَاءَکَ

کسی که (مرگ و) دیدار تو را نپسندید، در دنیا عمر جاودان نیابد.۳/۵۲

دیدن بینایی

دیده چشم

دیروز

دیروز (روزهای گذشته)، و حرص مؤمنان به رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا کَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْسِ عَلَیْکَ!

درود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حریص بودیم!. ۴۱/۴۵

دیرینه

دیرینگی نیکی والدین، به فرزند

فَهُمَا... أَقْدَمُ إِحْسَانًا إِلَیَّ... مِنْ أَنْ أُقَاصَّهُمَا بِعَدْلٍ

پس احسانشان به من دیرینه تر از آن است که با عدل از آنان تقاص گیرم.۱۰/۲۴

ص : ۵۹۳

صاحب نعمت دیرین

إِنَّکَ ذُو... الْمَنِّ الْقَدِیمِ

به درستی که تو صاحب نعمت دیرینه ای.

۱۵/۲۴

قدیم بودن خدا

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... الْقَدِیمُ الْخَبِیرُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. قدیم آگاه.۷/۴۷

توأم ساختن سودهای دیرین الهی، با تازه های آن

اشْفَعْ لِی... قَدِیمَ فَوَائِدِکَ بِحَوَادِثِهَا

برای من سودهای دیرینت را، با تازه های آن توأم ساز.۱۲۱/۴۷

دیرینه بودن عفو الهی

إِنْ تَعْفُ عَنِّی فَقَدِیمًا شَمَلَنِی عَفْوُکَ

اگر از من درگذری، پس از دیرزمانیست که بخشایشت مرا فراگرفته است.۴/۵۰

دین

پیامبر صلی الله علیه و آله و احیای دین خداوند

قَطَعَ فِی إِحْیَاءِ دِینِکَ رَحِمَهُ

در برپا داشتن دین تو، از ارحامش گسست.

۸/۲

رنج بردن پیامبر صلی الله علیه و آله ، با دعوت (مردم) به دین خدا

أَتْعَبَهَا بِالدُّعَاءِ إِلَی مِلَّتِکَ

با دعوت به دین تو، خود را خسته کرد.

۱۴/۲

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، جهت ارجمندی دین

هَاجَرَ إِلَی بِلَادِ الْغُربَهِ، وَ مَحَلِّ النَّأْیِ عَنْ مَوْطِنِ رَحْلِهِ... إِرَادَهً مِنْهُ لِإِعْزَازِ دِینِکَ

از جایگاه اقامتش، به شهرهای غربت و محل دور هجرت نمود. بر این خواسته که دین تو را عزّت دهد.۱۶/۲

اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و ارجمند نمودن دین الهی

وَ اشْکُرْهُمْ عَلَی... مَنْ کَثَّرْتَ فِی إِعْزَازِ دِینِکَ مِنْ مَظْلُومِهِمْ

و آن افراد بسیاری را که به خاطر ارجمند ساختن دینت ستم ها دیدند، پاداش عنایت کن.

۸/۴

پیروی تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، از دین ایشان

یَدِینُونَ بِدِینِهِمْ

...دین آنان را پیروی می کنند.

۱۲/۴

ص : ۵۹۴

قرار گرفتن بین زیان دینی و دنیوی

اللَّهُمَّ وَ مَتَى وَقَفْنَا بَيْنَ نَقْصَيْنِ فِى دِينٍ أَوْ دُنْيَا، فَأَوْقِعِ النَّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً، وَ اجْعَلِ التَّوْبَةَ فِى أَطْوَلِهِمَا بَقَاءً

خداونـدا و هرگـاه بیـن دو زیـان قرار گرفـتیم در دین یـا دنیـا، پس زیـان را در آن که زودگـذر است و بـازگشت را در آنکه دوامش طولانی است قرار ده.

۲/۹

میراندن بنده، بر دین خدا

اجْعَلْنِى عَلَى مِلَّتِكَ أَمُوتُ وَ أَحْيَا

چنانم گردان که بر آئین تو بمیرم و زنده شوم.

۱۷/۲۰

وَ تَوَفَّنِى عَلَى مِلَّتِكَ وَ مِلَّهِ نَبِيِّكَ: مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَوَفَّيْتَنِى

و هنگامی که مرا میراندی، بر دین خود و دین پیامبرت محمّد - که درود بر او باد - بمیران.

۱۳/۳۱

پیروی از پسندیده ترین مذاهب

وَفِّقْنِى... إِذَا تَنَاقَضَتِ الْمِلَلُ لِأَرْضَاهَا

زمانِ تناقض آئین ها، به پسندیده ترین آنها توفیقم ده.۲۱/۲۰

چگونگی برخورد با نعمت دینی یا دنیویِ دیگران

وَ ارْزُقْنِى سَلَامَهَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّى لَا أَرَى

نِعْمَهً مِنْ نِعَمِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِى دِينٍ أَوْ دُنْيَا... إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِى أَفْضَلَ ذَلِكَ بِكَ وَ مِنْكَ

و سـلامت سینه از حسـد را روزی ام گردان. تا نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریـدگانت در دین یا دنیا داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو آرزو کنم.

۱۲/۲۲

سلامتی بنده، در دین و بدنش

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالصِّحَّهِ وَ الْأَمْنِ وَ السَّلَامَهِ فِی دِینِی وَ بَدَنِی

و با تندرستی و ایمنی و سلامتی در دینم و جسمم بر من منّت گذار.۳/۲۳

گشودن دل بنده، برای مقاصد دین خدا

وَ اشْرَحْ لِمَرَاشِدِ دِینِکَ قَلْبِی

و دلم را برای راه های مستقیم دینت بگشا.

۵/۲۳

سالم داشتن دین و کیش فرزندان

أَصِحَّ لِی... أَدْیَانَهُمْ...

دینشان را برای من سالم بدار.۲/۲۵

سبب جنگیدن جنگجویان اهل دین خدا

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِکَ، أَوْ مُجَاهِدٍ جَاهَدَهُمْ مِنْ أَتْبَاعِ سُنَّتِکَ لِیَکُونَ دِینُکَ الْأَعْلَی وَ حِزْبُکَ الْأَقْوَی وَ حَظُّکَ الْأَوْفَی فَلَقِّهِ الْیُسْرَ

خداونـدا و هر رزمنـده ای از اهل دینت که با آنها بجنگد و هر مجاهدی از پیروان سـنّت تو که با ایشان جهاد نماید، تا دین تو برتر و حزب تو قوی تر و بهره تو کامل تر گردد، پس او را با آسانی روبرو کن.۱۳/۲۷

اختصاص یافتن امّت اسلام، به دین خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... اخْتَصَّنَا بِمِلَّتِهِ

سپاس خدای را که ما را به آئین خویش اختصاص داد.۲/۴۴

سپاس گزاری از خدا، به سبب عطای دین خود، به بندگان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی حَبَانَا بِدِینِهِ

سپاس خدای را که دین خود را به ما هدیه کرد.۲/۴۴

شکّ و دودلی، در دین خدا

جَنِّبْنَا... الشَّکَّ فِی دِینِکَ

ما را از شکّ در دینت دور گردان.۱۳/۴۴

پسندیده بودن آیین الهی

هَدَیْتَنَا لِدِینِکَ الَّذِی اصْطَفَیْتَ، وَ مِلَّتِکَ الَّتِی ارْتَضَیْتَ

ما را به دینت که آن را برگزیدی و به آئینت که آن را پسندیدی، هدایت کردی.۱۹/۴۵

راهنمایی بنده، به دین خدا

هَدَیْتَنَا لِدِینِکَ الَّذِی اصْطَفَیْتَ، وَ مِلَّتِکَ الَّتِی ارْتَضَیْتَ

ما را به دینت که آن را برگزیدی و به آئینت که آن را پسندیدی، هدایت کردی.۱۹/۴۵

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَیْتَهُ لِدِینِکَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که به دین خود راه نمودی اش.۶۷/۴۷

برتری امّت مسلمان، بر اهل سایرِ آئین ها

ثُمَّ آثَرْتَنَا بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ، وَ اصْطَفَيْتَنَا بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ الْمِلَلِ

سپس مـا را بر بقیـه امّت هـا بـه وسـیله آن (مـاه)، برتری دادی و بـه فضـیلت آن مـا را - نـه اهـل آئیـن هـای دیگر را - بر گزیدی.۲۱/۴۵

درگذشتن خدا، از همه هم کیشان مسلمان

اللَّهُمَّ تَجاوَزْ عَنْ... أَهْلِ دِينِنَا جَمِيعًا

خداوندا از همه هم کیشان ما درگذر.۵۵/۴۵

طلبیدن خدا و یافتنش، برای دین یا دنیا

فَمَنِ الْتمَسَکَ لِدِينٍ أَوْ دُنْيَا وَجَدَکَ

پس هر که برای دین یا دنیا به دنبال تو گشت، تو را می یابد.۲۵/۴۷

نگهبانان دین الهی

ص : ۵۹۶

رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِکَ، وَ جَعَلْتَهُمْ... حَفَظَهَ دِينِکَ

پروردگـار من، بر پـاکیزه تران خـانواده اش درود فرست، آنـان که برای فرمـان خود برگزیـدی و آنـان را نگهبانـان دینت قرار دادی.۵۶/۴۷

تأیید دین خدا، به وسیله امام

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَيَّدْتَ دِينَکَ فِی کُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِکَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را نشانه ای برای بندگانت به پا داشتی.۶۰/۴۷

عامل زنده گرداندن نشانه های دین خدا

أَحْيِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِکَ

با او (ولیّ خود)، آنچه ستمگران از نشانه های دینت محو می کنند را زنده گردان.۶۲/۴۷

اقامه شرایع الهی، به وسیله ولیّ خدا

أَقِمْ بِهِ کِتَابَکَ وَ حُدُودَکَ وَ شَرَائِعَکَ

کتاب خود و احکامت و قوانینت را به وسیله او به پا دار.۶۲/۴۷

رها نکردن دین خدا، بر اثر ترس از کسی

اسْتَعْمِلْنِی فِی مَرْضَاتِکَ عَمَلًا لَا أَتْرُکُ مَعَهُ شَيْئًا مِنْ دِينِکَ مَخَافَهَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ

مرا در (راه) خوشنودی ات به کاری بگمار که با آن چیزی از دین تو را، به خاطر ترس کسی از آفریدگانت رها ننمایم.

۶/۵۴

ذ

ذات

ره یافتن هدایت یافتگان، به نور ذات الهی

وَ إِنَّمَا یَهْتَدِی الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِکَ

و به درستی که ره یافتگان به وسیله نور ذات تو راه می یابند.۱۱/۵

بزرگی کنْه و ذات خداوند

مَجْدُکَ أَرْفَعُ مِنْ أَنْ یُحَدَّ بِکُنْهِهِ

بزرگی تو بالاتر از آنست که حقیقت ذاتِ آن به حدّی درآید.۲۳/۴۶

واماندن اندیشه ها، از ادراک ذات خدا

أَنْتَ الَّذِی قَصُرَتِ الْأَوْهَامُ عَنْ ذَاتِیَّتِکَ

تویی آنکه اندیشه ها از حقیقت ذات تو قاصرند.۱۸/۴۷

سپاسی سزاوار بزرگی ذات خدا

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَجِبُ لِکَرَمِ وَجْهِکَ

سپاس برای توست. سپاسی که سزاوار ذاتِ

کریم تو باشد.۴۹و۳۶/۴۷

درخواست از خدا، به حقّ بزرگی ذات او

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... بِجَلَالِ وَجْهِکَ الْکَرِیمِ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به آن بزرگی ذات بزرگوارت، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی.۱۰/۵۲

ذخیره

پُر گرداندن ابتدا تا انتهای روزِ بنده، به ذخیره (برای آخرت)

وَ امْلَأْ لَنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْدًا وَ شُكْرًا وَ أَجْرًا وَ ذُخْرًا وَ فَضْلًا وَ إِحْسَانًا

و دو طرف آن (روز) را برای ما از سپاس و ستایش و پاداش و ذخیره و فزونی و نیکی پر ساز.

۱۴/۶

ذخیره شدن پاداش بنده

صَوِّرْ فِی قَلْبِی مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِی مِنْ ثَوَابِکَ

نمونه پاداشی را که برایم ذخیره نمودی، در دلم بگذار.۱۵/۱۴

ذخیره شدن (ثوابِ) حجّ، عمره و زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله ، نزد خدا

ص : ۵۹۹

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَىَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ، وَ زِيَارَهِ قَبْرِ رَسُولِکَ، صَلَوَاتُکَ عَلَيْهِ وَ رَحْمَتُکَ وَ بَرَکَاتُکَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ (وَ آلِ رَسُولِکَ) عَلَيْهِمُ السَّلَامُ... وَ اجْعَلْ ذَلِکَ... مَذْخُورًا عِنْدَکَ

خداونـدا و بر مـن منّت گـذار بـه حجّ و عمره و زيـارت قـبر پيـامبرت - کـه درودهـايت بر او و رحمتت و برکـاتت بر او و بر خاندانش باد - و خاندان پيامبرت - که درود بر ايشان باد - . و آن را ذخيره شده نزد خويش، قرار ده.

۴/۲۳

ذخيره شدن در گنجينه هاى الهى

مَا زَوَيْتَ عَنِّى مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَانِيَهِ فَاذْخَرْهُ لِى فِى خَزَائِنِکَ الْبَاقِيَهِ

آنچه از کالاى دنياىِ فانى، از من گرفتى، پس آن را براى من در گنجينه هاى جاويد خود ذخيره فرما. ۵/۳۰

ستاندن ذخيره هاى گوناگونِ موردِ حرص بنده

فَأْجُرْنَا... أَجْرًا... نَعْتَاضُ بِهِ مِنْ أَنْوَاعِ الذُّخْرِ الْمَـحْرُوصِ عَلَيْهِ

پس ما را پاداش ده. پاداشى که با آن

اندوخته هاى گوناگون که بر آن حريص و آزمند شده ايم را عوض بستانيم.۴۵/۴۵

ذرّه

همچون ذرّه بودن بنده

أَنَا... مِثْلُ الذَّرَّهِ أَوْ دُونَهَا

من مانند ذرّه اى يا کمتر از آنم.۷۵/۴۷

افزون نشدن ذرّه اى به پادشاهى خدا، با عذاب بنده

لَيْسَ عَذَابِى مِمَّا يَزِيدُ فِى مُلْکِکَ مِثْقَالَ ذَرَّهٍ

عذاب من، چيزى نيست که ذرّه اى بر پادشاهى تو بيفزايد.۶/۵۰

ذرّيه نسل

ذلّت خوارى

ذهن

پریشان گشتن ذهن، در وام

وَ هَبْ لِیَ الْعَافِیَهَ مِنْ دَیْنٍ... یَحَارُ فِیهِ ذِهْنِی

و مرا معاف دار، از وامی که ذهنم در آن سرگردان شود.۱/۳۰

ص : ۶۰۰

ر

راحتی آسایش

راز

پناه بردن به خدا، از بدی رازِ نهفته در دل

نَعُوذُ بِکَ مِنْ سُوءِ السَّرِیرَهِ

پناه می بریم به تو از نیّت بد.۶/۸

پنهان کردن اسرار همسایگان

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... کِتْـمَانِ أَسْرَارِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در کتمان اسرارشان، توفیق ده.

۲/۲۶

خدا داناتر از بنده، به راز او

أَبَثَّکَ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا

با خضوع، از رازهایش – آنچه را که خود به آن داناتری – برایت آشکار کرده.۹/۳۱

پوشیده نبودن رازهای نهانی، از خدا

لَا تَعْزُبُ عَنْکَ غَیِّبَاتُ السَّرَائِرِ

رازهای نهان، از تو غایب نیست.۱۱/۳۲

شرم نمودن از خویشان درباره اسرار خود

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ... وَ مِنْ ذِی رَحِمٍ کُنْتُ أَحْتَشِمُ مِنْهُ فِی سَرِیرَاتِی

خداونـدا و اکنون که مرا به بخشـایشت پوشانـدی، پس از رسوایی هـای سـرای بـاقی، نزد جایگـاه های شاهـدان؛ از فرشـتگان ارجمند و از خویشاوندی که در کارهای مخفی خود از او شرم می نمودم، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

عدم اعتماد بنده، به رازپوشی (همسایه و خویشاوند)

لَمْ أَثِقْ بِهِمْ رَبِّ فِی السِّتْرِ عَلَیَّ

پروردگار من، در رازپوشی بر من، به آنها اعتماد ندارم.۲۲/۳۲

شنیدن نجوا و رازگویی بنده

اسْمَعْ نَجْوَایَ

نجوایم را بشنو.۲۵/۴۶

روز آشکار شدن رازها و پنهانی ها

وَ لَا تُهْلِکْنِی یَوْمَ تُبْلَی السَّرَائِرُ

ص : ۶۰۱

و در روزی که پنهان ها آشکار می شود هلاکم نکن.۱۲۹/۴۷

گذاردن راز خود، نزد خدا

وَ أَسْأَلُکَ کُلَّمَا شِئْتُ مِنْ حَوَائِجِی، وَ حَیْثُ مَا کُنْتُ وَضَعْتُ عِنْدَکَ سِرِّی

و هر حاجتی که می خواهم، از تو درخواست می کنم و هر کجا که باشم راز خود را نزد تو می گذارم.۱۱/۵۱

رسوا ننمودن بنده، به سبب (بدیِ) راز نهفته در دل او

إِلَهِی لَمْ تَفْضَحْنِی بِسَرِیرَتِی

خدای من، به (ناپاکی) راز درونمْ مرا رسوا نکردی.۱۱/۵۱

راست و درست

قرار دادن گواه صادقی از فرشتگان، برای بندگان

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِی کُلِّ سَاعَهٍ مِنْ سَاعَاتِهِ... شَاهِدَ صِدْقٍ مِنْ مَلَائِکَتِکَ

خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این روز، گواه صادقی از فرشتگانت قرار ده.

۱۶/۶

راهنمایی نمودن بنده، به راست ترین راه

وَ اهْدِنِی لِلَّتِی هِیَ أَقْوَمُ

و مرا به راست ترین راه، راهنمایی کن.

۱۳/۱۴

بهره مند ساختن بنده، از نیّت صواب

مَتِّعْنِی بِهُدًی صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ... وَ نِیَّهِ رُشْدٍ لَا أَشُکُّ فِیهَا

مرا به هدایتی شایسته که با هیچ چیز عوض نکنم و به نیّت درستی که در آن تردید نکنم، بهرمند ساز.۵/۲۰

توفیق (آشنایی با) درست ترین کارها

وَفِّقْنِی إِذَا اشْتَکَلَتْ عَلَیَّ الْأُمُورُ لِأَهْدَاهَا

آنگاه که کارها بر من درهم گشت، به راست ترین آنها توفیقم ده.۲۱/۲۰

سبب از روی دل شناختن درستی عمل

وَ ارْزُقْنِی الرَّغْبَهَ فِی الْعَمَلِ لَکَ لِآخِرَتِی حَتَّی أَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِکَ مِنْ قَلْبِی

و برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا درستی آن را از (اعماق) دلم بشناسم.۸/۲۲

راست گرداندن کجی والدین، با فرزندان

اللَّهُمَّ... أَقِمْ بِهِمْ أَوَدِی

ص : ۶۰۲

خداوندا کجی مرا به وسیله ایشان راست فرما.

۴/۲۵

توفیقِ یافتن راه راست و درست

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُوَفَّقِینَ لِلْخَیْرِ وَ الرُّشْدِ وَ الصَّوَابِ بِطَاعَتِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با فرمانبری تو به کار خیر و رشد و صواب، موفّق گشته اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

به جا بودن دوراندیشی دوراندیش

فَصَحَّ بِمُعَایَنَهِ أَمْثَالِهِمْ حَازِمٌ

پس دوراندیشی (شخص) دوراندیش، با دیدن امثال ایشان، درست و به جاست.۷/۲۸

اثر برگزیدن راه راست

أَرْشَدَهُ إِلَی طَرِیقِ صَوَابِهِ اخْتِیَارُهُ

برگزیدن راه صواب، او را راهنمایی کرد.

۷/۲۸

بخشیدن باور و یقین صادق، به بنده

هَبْ لَنَا یَقِینًا صَادِقًا تَکْفِینَا بِهِ مِنْ مَؤُونَهِ الطَّلَبِ

ما را یقینی راستین ببخش، که بدان سبب ما را از زحمت طلب، بی نیاز نمایی.۲/۲۹

گفتار خدا، راست ترین گفتارها

فَقُلْتَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ الْأَصْدَقُ

پس فرمودی و فرموده تو راست و درست ترین است.۴/۲۹

مغرور نشدن صدّیقین، به (رحمت) خدا

فَأَمَّا أَنْتَ یَا إِلَهِی فَأَهْلٌ أَنْ لَا یَغْتَرَّ بِکَ الصِّدِّیقُونَ

و امّا تو ای خدای من، پس شایسته ای که راستگویان به تو مغرور نشوند.۱۳/۳۹

کردار راستین و کوتاه شدن آرزوها

وَ اکْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ، وَ قَصِّرْهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ

و ما را از آرزوی دراز بازدار و با عمل راستین، آن را از ما کوتاه کن.۱/۴۰

جدا نساختن بنده، از راه راست قرآن

اللَّهُمَّ فَکَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ... وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ یَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِکَ حَتَّی... لَا یَخْتَلِجَنَا الزَّیْغُ عَنْ قَصْدِ طَرِیقِهِ

خداونـدا، پس همچنان که دل های ما را حامل آن قرار دادی، پس بر محمّد درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا انحرافی ما را از راه راستش جدا نسازد.۶/۴۲

عذر خواستن صادقانه زبان ها، برای خدا

وَ لَکَ... مِنْ أَلْسِنَتِنَا صِدْقُ الِاعْتِذَارِ

و عذر خواستن راستین زبان هایمان، برای توست.۴۵/۴۵

سپاسی از خدا، که باطنش با نیّت صادقانه موافق باشد

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفْقٌ لِبَاطِنِهِ، وَ بَاطِنُهُ وَفْقٌ لِصِدْقِ النِّیَّهِ

سپاس برای توست. سپاسی که ظاهرش با باطنش همخوان باشد و باطنش با نیّت صادقانه موافق باشد.۴۳و۳۶/۴۷

درست اندام آفریدن بنده

اللَّهُمَّ إِنَّکَ خَلَقْتَنِی سَوِیًّا

خداوندا، تو مرا بی عیب و نقص آفریدی.

۱/۵۰

سرگردانی، به سبب انحرف از راه راست

فَأَنَا... الْمُتَرَدِّدُ فِی خَطِیئَتِی، الْمُتَحَیِّرُ عَنْ قَصْدِی

...از این رو من مردد در خطای خود و منحرف از راه راستم.۱/۵۳

میراندن بنده، بر صدق و راستی

اقْبِضْ عَلَی الصِّدْقِ نَفْسِی

مرا بر راستی بمیران.۴/۵۴

عطا نمودن توکّل راستین، به بنده

هَبْ لِی صِدْقَ التَّوَکُّلِ عَلَیْکَ

توکّل راستین به خود را، به من ارزانی دار.

۴/۵۴

رام

رام ساختن بنده، برای بندگی خدا

عَبِّدْنِی لَکَ

مرا به عبادت خود وادار.۳/۲۰

عامل رام کردن دل بنده

ذَلِّلْهُ بِالرَّغْبَهِ فِیما عِنْدَکَ أَیَّامَ حَیَاتِی کُلِّهَا

آن را با رغبت به آنچه نزد توست، در همه روزهای زندگی ام رام گردان.۱۰/۲۱

راندن

درود خدا، بر رانندگان ابر

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ... زَوَاجِرِ السَّحَابِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که حرکت دهندگان ابرند.۱۳و۱۱و۱۰/۳

شنیده شدن بانگ رعدها، از صدای رانده شدن فرشته

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِی بِصَوْتِ زَجْرِهِ یُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای

راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود.

۱۴و۱۱و۱۰/۳

به حرکت درآمدن ابر، از صدای راندن فرشته

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... الَّذِى بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ، وَ إِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِيفَهُ السَّحَابِ الْتَمَعَتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود و آنگاه که با خروش او، ابر به حرکت درآید، شعله های برق می درخشد.۱۴و۱۱و۱۰/۳

همراه بودن راننده ای (در قیامت)، با هر کس

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَأْتِى كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ

...پس بر آنها درود فرست، روزی که هر شخص با راننده ای و گواهی (از فرشتگان) بیاید.

۲۴/۳

خدا، مددکار هر نیازمند رانده ای

يَا عَضُدَ كُلِّ مُحْتَاجٍ طَرِيدٍ

ای یاور هر نیازمند رانده شده.۴/۱۶

شیطان، رانده شده (از رحمت الهی)

...الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

...شیطان رانده شده.

۱۳/۴۴، ۶/۲۵، ۶/۲۳، ۱/۱۷

بنده رانده شده، و درگاه انتقام الهی

...وَ أَخْرَجَنِى إِلَى فِنَاءِ نَقِمَتِكَ طَرِيدًا

...و مرا رانده شده، به سوی درگاه انتقامت درآورد.۱۳/۳۲

راه

قصد نمودن راه اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، به وسیله تابعین

الَّذِینَ قَصَدُوا سَمْتَهُمْ

آنان که راه ایشان را قصد نمودند.۱۰/۴

راه پرهیزکاری و راه تباهی

وَ اسْلُکْ بِنَا مِنَ التُّقَی خِلَافَ سَبِیلِهِ مِنَ الرَّدَی

و برخلاف راه هلاکت بار او (شیطان)، ما را به راه پرهیزکاری ببَر.۵/۱۷

بیرون نشدن از راه حقّ

مَتِّعْنِی بِهُدًی صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ، وَ طَرِیقَهِ حَقٍّ لَا أَزِیغُ عَنْهَا

ص : ۶۰۵

مرا به هدایتی شایسته که با هیچ چیز عوض نکنم و به راه حقّی که از آن به بیراهه نروم، بهرمند ساز.۵/۲۰

راهنمایان به راه راست

اجْعَلْنِی... مِنْ أَدِلَّهِ الرَّشَادِ

مرا از راهنمایان به راه راست قرار ده.

۱۸/۲۰

وسیله رساندن بنده، به راه رستگاری

وَ أَصِبْ بِی سَبِیلَ الْهِدَایَهِ لِلْبِرِّ فِیما أُنْفِقُ مِنْهُ

و مرا در آنچه از آن دارایی انفاق می کنم، به راه رستگاری برسان.۲۳/۲۰

آسان گردیدن راه رسیدن به خوشنودی خدا

سَهِّلْ إِلَی بُلُوغِ رِضَاکَ سُبُلِی

راه هایم را برای رسیدن به خوشنودی ات، آسان فرما.۲۸/۲۰

روانه ساختن دل بنده، در خوشایندترین راه ها

وَ أَجْرِ بِهِ فِی أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَیْکَ

و آن را در محبوب ترین راه ها به سویت روانه فرما.۱۰/۲۱

گشودن دل بنده، برای راه های مستقیم

دین خدا

وَ اشْرَحْ لِمَرَاشِدِ دِینِکَ قَلْبِی

و دلم را برای راه های مستقیم دینت بگشا.

۵/۲۳

وسیله توفیق یافتن به راه راست

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُوَفَّقِینَ لِلْخَیْرِ وَ الرُّشْدِ وَ الصَّوَابِ بِطَاعَتِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با فرمانبری تو به کار خیر و رشد و صواب، موفّق گشته اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

آموختن راه ها و روش ها، به مجاهد

عَلِّمْهُ السِّیَرَ وَ السُّنَنَ

راه ها و روش ها(ی جهاد) و سنّت ها(ی اسلامی) را، به او بیاموز.۱۴/۲۷

تنگ بودن راه های تیره پشت

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِی مَاءً مَهِینًا مِنْ صُلْبٍ... حَرِجِ الْمَسَالِکِ إِلَی رَحِمٍ ضَیِّقَهٍ

خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی با راه های تنگ، به سوی رحمی تنگ، سرازیر نمودی.۲۳/۳۲

درخواست راهی آسان، برای روزی

أَسْأَلُکَ فِی أَنْ تُسَهِّلَ إِلَی رِزْقِی سَبِیلًا

ص : ۶۰۶

از تو درخواست می کنم که راهی آسان برای روزی ام، (فراهم) نمایی.۲۸/۳۲

راه پسندیده و ستوده

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَهِ، وَ أَخْفَيْتَ مِنَ الدَّخِيلَهِ وَاعِظًا لَنَا... وَ سَعْيًا إِلَى التَّوْبَهِ الْمَاحِيَهِ، وَ الطَّرِيقِ الْمَـحْمُودَهِ

پس آن عیب ها که پوشانـدی و بـدی ها که پنهان نمودی، برای ما پنددهنـده و کوشـش به توبه محوکننده و (حرکت در) راه ستوده، قرار ده.

۳/۳۴

راه خدا، عفو و گذشت

ذَلِکَ أَنَّ... سَبِيلَکَ الْعَفْوُ

زیرا راه تو بخشایش است.۷/۳۷

سبب گمراه نگشتن از راه خدا

لَوْ لاَ أَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِی مِثَالِ الْحَقِّ مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِکَ ضَالٌّ

اگر او (شیطان)، باطل را برای ایشان به صورت حق جلوه نمی داد، هیچ گمراهیْ از راه تو گمراه نمی شد.۹/۳۷

راه کوشنده در بندگی خدا

...هَذَا يَا إِلَهِی... سَبِيلُ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ

...ای خدای من، این راه کسی است که در بندگی تو کوشیده.۱۴/۳۷

راه های ایمن شدگان

وَجِّهْنِی فِی مَسَالِکِ الْآمِنِينَ

مرا به سوی راه های ایمن شدگان بفرست.

۴/۴۱

آشکار نمودن راه های احکام خدا

جَعَلْتَهُ... قُرْآنًا أَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحْكَامِکَ

آن را قرآنی قرار دادی که با آن راه های احکامت را روشن ساختی.۲و۱/۴۲

جدا نگشتن از راه راست قرآن

اللَّهُمَّ فَکَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَهً... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ... وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ یَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِکَ حَتَّی... لَا یَخْتَلِجَنَا الزَّیْغُ عَنْ قَصْدِ طَرِیقِهِ

خداوندا، پس همچنان که دل های ما را حامل آن قرار دادی، پس بر محمّد درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا انحرافی ما را از راه راستش جدا نسازد.۶/۴۲

آشکار ساختن راه های خوشنودی خدا

اللَّهُمَّ وَ کَمَا... أَنْهَجْتَ بِآلِهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَیْکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا و چنان که به وسیله خاندانش، راه های خوشنودی به سوی خود را آشکار ساختی، پس بر محمّد و خاندانش درود

فرست.۸/۴۲

به راه پیامبر صلی الله علیه و آله رفتن

وَ اسْلُکْ بِنَا سَبِیلَهُ

و ما را به راه او ببر.۲۰/۴۲

سیر نمودن در راه روشن پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ خُذْ بِنَا مِنْهَاجَهُ

و ما را در راه روشن او سِیر ده.۲۰/۴۲

جهاد پیامبر صلی الله علیه و آله ، در راه خدا

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا... جَاهَدَ فِی سَبِیلِکَ

خداوندا او را به سبب اینکه در راه تو مجاهدت کرد، پاداش ده.۲۲/۴۲

راه های احسان خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... سَبَّلَنَا فِی سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْلُکَهَا بِمَنِّهِ إِلَی رِضْوَانِهِ

سپاس خدای را که ما را در راه های احسانش، راهی نمود، تا در آن (راه ها)، به وسیله نعمتش به سوی خوشنودی اش رویم.۲/۴۴

دور گرداندن بندگان، از کوری از راه خدا

جَنِّبْنَا... الْعَمَی عَنْ سَبِیلِکَ

ما را از کوری از راهت دور گردان.۱۳/۴۴

انفاق اموال، در راه خدا

مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ کَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِّ سُنْبُلَهٍ مِائَهُ حَبَّهٍ، وَ اللَّهُ یُضَاعِفُ لِمَنْ یَشَاءُ

داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.

۱۳/۴۵

یافتن شدن راهی، در سپاس خداوند

فَلَکَ الْحَمْدُ مَا وُجِدَ فِی حَمْدِکَ مَذْهَبٌ

پس ستایش برای توست، تا آنجا که راهی در ستایش تو یافت شود.**۱۷/۴۵**

آسان بودن راه خدا

هَدَیْتَنَا لِدِینِکَ الَّذِی اصْطَفَیْتَ... وَ سَبِیلِکَ الَّذِی سَهَّلْتَ

ما را به دینت که آن را برگزیدی و به راهت که آن را آسان نمودی، هدایت کردی.**۱۹/۴۵**

آسان شدن راه های نیکی، با رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ... صَاحِبٍ سَهَّلَ سُبُلَ الْإِحْسَانِ

درود بر تو همراهی که راه های احسان را آسان نمود.**۲۹/۴۵**

هموار بودن راه خدا

سَبِیلُکَ جَدَدٌ

راه تو هموار است.۲۸/۴۷

اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ، راه بهشت خدا

رَبِّ صَلِّ عَلَی أَطَائِبِ أَهْلِ بَیْتِهِ الَّذِینَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِکَ... وَ جَعَلْتَهُمْ... الْمَسْلَکَ إِلَی جَنَّتِکَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنها را راهی به سوی بهشت قرار دادی.۵۶/۴۷

دور ساختن سختی، از راه خدا

أَبِنْ بِهِ الضَّرَّاءَ مِنْ سَبِیلِکَ

به سبب او سختی را از راهت دور کن.

۶۲/۴۷

زدودن زنگار ستم، از راه خدا

اجْلُ بِهِ صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِیقَتِکَ

با او زنگار ستم را از راهت بزدای.۶۲/۴۷

بیرون کردن منحرفان، از راه خدا

أَزِلْ بِهِ النَّاکِبِینَ عَنْ صِرَاطِکَ

به وسیله او، منحرفان را از راهت بیرون کن.

۶۲/۴۷

نابود گرداندن کج طلبانِ راه راست خدا

امْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَصْدِکَ عِوَجًا

به وسیله او آنان که می خواهند راه راست تو

را کج کنند، نابود گردان.۶۲/۴۷

پیروی دوستان ائمه علیهم السلام ، از راه روشن ایشان

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ... الْمُتَّبِعِينَ مَنْهَجَهُمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که پیروان راه روشن ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

آسان نمودن راه نیکویی ها به سوی خدا

وَ سَهِّلْ لِي مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ

و راه خیرات به سوی خود را برای من آسان گردان.۹۴/۴۷

درهم نشکستن بنده، همراه با منحرفان از راه های خدا

وَ لَا تُتَبِّرْنِي فِيمَنْ تُتَبِّرُ مِنَ الْمُنْحَرِفِينَ عَنْ سُبُلِكَ

و مرا در شمار شکستگانی که از راه های تو منحرف شده اند، در هم نشکن.۹۷/۴۷

قرار دادن راهی برای بنده، در حقّ

اجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ كُلِّ رَحْمَةٍ

برای من در راستای حقّ، از هر رحمتی راهی قرار ده.۱۲۹/۴۷

تحریف واجبات، از مقاصد راه های روشن خدا

يَرَوْنَ... فَرَائِضَكَ مُحَرَّفَةً عَنْ جِهَاتِ أَشْرَاعِكَ

ص : ۶۰۹

می بینند که واجبات از جهاتِ راه روشنت، تحریف شده است.۹/۴۸

فرود آمدن در راه های سختِ نابودی

حَلَلْتُ شِعَابَ تَلَفٍ

به راه های سختِ نابودی وارد شدم.۲/۴۹

راه های ناتوان کننده بنده

يَا كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ

ای پناه من، وقتی که راه ها مرا ناتوان می کند و راه نمی نماید.۷/۵۱

نبودن راهی برای بنده، جز در ملک خدا

كَيْفَ يَنْجُو مِنْكَ مَنْ لَا مَذْهَبَ لَهُ فِي غَيْرِ مُلْكِكَ؟

چگونه از تو رهایی یابد، کسی که در غیر قلمرو تو، راهی برایش نمی باشد؟۱/۵۲

انحرف از راه راست و در راه ماندن

فَأَنَا... الْمُتَحَيِّرُ عَنْ قَصْدِي، الْمُنْقَطَعُ بِي

...از این رو من منحرف از راه راست خویش و در راه مانده ام.۱/۵۳

راه رفتن

راه رفتن در بین مردم، با نور عطاشده از جانب خداوند

هَبْ لِي نُورًا أَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ

مرا نوری بخش که با آن در بین مردم راه روم.

۸/۲۲

راهنمایی

راهنمایی بندگان، به توبه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی دَلَّنَا عَلَی التَّوْبَهِ الَّتِی لَمْ نُفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ

سپاس خدای را که ما را به توبه ای ره نمود که جز به فضل او، آن را به دست نیاوردیم.۲۲/۱

گماشتن راهنما، از دوران آدم علیه السلام تا زمان محمّد صلی الله علیه و آله

أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِیلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَی مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

برای اهل آن (عصر و زمان) راهنمایی گماشتی، از دوران آدم تا محمّد – که درود خدا بر او و خاندانش باد – .۲/۴

سلام خدا، بر پیشوایان هدایت

أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِیلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَی مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، مِنْ أَئِمَّهِ الْهُدَی، وَ قَادَهِ أَهْلِ التُّقَی عَلَی جَمِیعِهِمُ السَّلَامُ

برای اهل آن (عصر و زمان) راهنمایی گماشتی، از دوران آدم تا محمّد – که درود خدا بر او و خاندانش باد – ، از امامانِ رستگاری و

پیشوایان اهل پرهیزکاری – که بر همه آنها درود باد – .۲/۴

به خوشنودی یاد نمودن خدا، از امامان رستگاری

أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِیلًا... مِنْ أَئِمَّهِ الْهُدَی... فَاذْکُرْهُمْ مِنْکَ بِمَغْفِرَهٍ وَ رِضْوَانٍ

برای اهل آن (عصر و زمان) راهنمایی گماشتی، از امامانِ رستگاری، پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن.۲/۴

راه یافتن تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، به راهنمایی ایشان

اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَی التَّابِعِینَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ... خَیْرَ جَزَائِکَ. الَّذِینَ... یَهْتَدُونَ بِهَدْیِهِمْ

خداوندا و بهترین پاداش خود را به تابعینِ نیکوکارِ ایشان برسان. همانها که به راهنمایی آنها راه می یابند.۱۲و۱۰و۹/۴

عدم نگرانی تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، از اقتدا به نشانه های هدایت صحابه

لَمْ یَخْتَلِجْهُمْ شَکٌّ فِی... الِاْئْتِـمَامِ بِهِدَایَهِ مَنَارِهِمْ

تردیدی ایشان را از اقتدا به چراغ هدایت آنها آشفته نساخت.۱۱/۴

راهنمایی بندگان، به سوی خدا

اهْدِنَا إِلَیْکَ

ما را به سوی خود هدایت فرما.۹/۵

دانایی به وسیله راهنمایی خداوند

إِنَّ مَنْ... تَهْدِهِ یَعْلَمْ

زیرا هر کس را که هدایت کنی، دانا می شود.

۹/۵

هدایت شدن ره یافتگان، با نور ذات خدا

إِنَّمَا یَهْتَدِی الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِکَ

به درستی که ره یافتگان به وسیله نور ذات تو راه می یابند.۱۱/۵

راهنمایی نمودن بندگان

إِنَّمَا يَهْتَدِی الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اهْدِنَا

به درستی که ره یافتگان به وسیله نور ذات تو راه می یابند پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را هدایت فرما.۱۱/۵

وَ أَسْتَهْدِیکَ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اهْدِنِی

و از تو راهنمایی می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا راهنمایی کن.

۲۰/۴۸

راهنمایی خدا و گمراهی گمراه کنندگان

اللَّهُمَّ... مَنْ هَدَيْتَ لَمْ يُغْوِهِ إِضْلَالُ الْمُضِلِّينَ

خداوندا هر که را تو راهنمایی نمودی، گمراهی گمراه کنندگان او را گمراه نکرد.۱۲/۵

ص : ۶۱۱

راهنمایانی راهنماینده به راه خدا

اجْعَلْنَا مِنْ... هُدَاتِکَ الدَّالِّینَ عَلَیْکَ

ما را از هادیان راهنمایی کننده به راه خود قرار ده.۱۵/۵

نگهداری ای راهنمایی کننده، به طاعت الهی

احْفَظْنَا... حِفْظًا... هَادِیًا إِلَى طَاعَتِکَ

ما را نگهداری کن، نگهداری ای که ما را به فرمانبرداریت راهنمایی کند.۱۷/۶

راهنمایی کردن گمراه

وَفِّقْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَیْرِ... وَ إِرْشَادِ الضَّالِّ

ما را برای انجام نیکی و راهنمایی گمراهان، توفیق ده.۱۸/۶

پناه بردن به خدا، از مخالفت هدایت

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... مُتَابَعَهِ الْهَوَى

خداوندا به تو پناه می برم از پیروی هوا و هوس.۲و۱/۸

احسان به بنده، راهنمای او (به درگاه خدا)

إِحْسَانُکَ دَلَّنِی

احسان تو مرا راهنمایی کرد.۲۵/۱۳

راهنمایی بنده، به راست ترین راه

وَ اهْدِنِی لِلَّتِی هِیَ أَقْوَمُ

و مرا به راست ترین راه، راهنمایی کن.

۱۳/۱۴

جهل بنده، نسبت به رشد و هدایت خود

فَمَنْ أَجْهَلُ مِنِّی، یَا إِلَهِی، بِرُشْدِهِ؟

پس ای خدای من، چه کسی به رستگاری خود نادان تر از من است؟۲۳/۱۶

دلالت داشتن آیات قرآن، بر عطایای فراوان الهی

إِنَّ ذَلِکَ... لَا یَؤُودُکَ فِی جَزِیلِ هِبَاتِکَ الَّتِی دَلَّتْ عَلَیْهَا آیَاتُکَ

بدرستی که این در برابر بخشش های بسیارت که نشانه هایت بر آن دلالت دارد بر تو سنگین نمی باشد.۳۴/۱۶

بهره مندی از هدایت، در برابر گمراهی

أَمْتِعْنَا مِنَ الْهُدَی بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ

ما را به اندازه گمراهی او (شیطان)، از رستگاری ات بهره مند گردان.۵/۱۷

بهره مند نمودن بنده، از هدایت شایسته

مَتِّعْنِی بِهُدًی صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ

مرا به هدایتی شایسته که با هیچ چیز عوض نکنم بهرمند ساز.۵/۲۰

توفیق پیروی از راهنما

وَفِّقْنِی لِطَاعَهِ مَنْ سَدَّدَنِی، وَ مُتَابَعَهِ مَنْ أَرْشَدَنِی

مرا به اطاعت از آنکه به راه راست استوارم گرداند و پیروی از کسی که ارشادم کرد، توفیق ده.

۸/۲۰

آسان بودن راهنمایی بنده، بر خدا

لَا أَضِلَّنَّ وَ قَدْ أَمْکَنَتْکَ هِدَایَتِی

(چنان کن که) گمراه نگردم، در حالی که می توانی هدایتم کنی.۱۴/۲۰

گویا فرمودن بنده، به هدایت و راهنمایی خدا

اللَّهُمَّ وَ أَنْطِقْنِی بِالْهُدَی

خداوندا و مرا به هدایت گویا کن.۱۶/۲۰

بودن در زمره راهنمایان به راه راست

اجْعَلْنِی... مِنْ أَدِلَّهِ الرَّشَادِ

مرا از راهنمایان به راه راست قرار ده.

۱۸/۲۰

راهنماییِ بنده، قبل از گمراه شدنش

فَامْنُنْ عَلَیَّ... قَبْلَ الضَّلَالِ بِالرَّشَادِ

پس پیش از گمراهی، با راهنماییْ بر من منّت گذار.۲۰/۲۰

عطای نیکی راهنمایی

امْنِحْنِی حُسْنَ الْإِرْشَادِ

خوب ارشاد کردن را به من عطا نما.

۲۰/۲۰

بخشیدن راهنماییِ حقیقی، به بنده

هَبْ لِی صِدْقَ الْهِدَایَهِ

مرا هدایت راستین ببخش.۲۲/۲۰

وسیله رساندن بنده، به راه هدایت

أَصِبْ بِی سَبِیلَ الْهِدَایَهِ لِلْبِرِّ فِیما أُنْفِقُ مِنْهُ

مرا در آنچه از آن دارایی انفاق می کنم، به راه رستگاری برسان.۲۳/۲۰

هدایت شدن در تاریکی ها، با نور بخشیده شده از جانب خداوند

هَبْ لِی نُورًا... أَهْتَدِی بِهِ فِی الظُّلُمَاتِ

مرا نوری بخش که در تاریکی ها با آن راه یابم.

۸/۲۲

گشایش دلْ برای راهنمایی های دین الهی

وَ اشْرَحْ لِمَرَاشِدِ دِینِکَ قَلْبِی

و دلم را برای راه های مستقیم دینت بگشا.

۵/۲۳

خدا، راهنماینده ترین کس

یَا أَهْدَی مَنْ رُغِبَ إِلَیْهِ

ای راهنماترین کسی که به او رغبت شده.

۱۱/۲۴

راهنمایی نمودن راه جویان از همسایگان

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِک، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِک فِی... هِدَایَهِ مُسْتَرْشِدِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در راهنماییِ راه جویشان، توفیق ده.

۲/۲۶

راهنمایی مجاهد مسلمان، به حسن نیّت

أَثُرْ لَهُ حُسْنَ النِّیَّهِ

او را به حسن نیّت، راهنمایی فرما.۱۴/۲۷

سبب راهنمایی دوراندیش، به راه راست

فَصَحَّ بِمُعَایَنَهِ أَمْثَالِهِمْ حَازِمٌ وَفَّقَهُ اعْتِبَارُهُ، وَ أَرْشَدَهُ إِلَی طَرِیقِ صَوَابِهِ اخْتِیَارُهُ

پس (شخص) دوراندیش، با دیدن امثال ایشان سالم ماند. پند گرفتنش سبب توفیق او شد و برگزیدن راه صواب، او را راهنمایی کرد.۷/۲۸

گشوده شدن دیده هدایتِ منکرِ احسان الهی

فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرْتَ بِهِ تَفْرِیطًا، وَ تَعَاطَی مَا نَهَیْتَ عَنْهُ تَغْرِیرًا.... کَالْمُنْکِرِ فَضْلَ إِحْسَانِک إِلَیْهِ حَتَّی إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَی... فَرَأَی کَبِیرَ عِصْیَانِهِ کَبِیرًا

پس با سهل انگاری از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده و با بی باکی آنچه از آن نهی نموده ای، انجام داده. مانند انکارکننده بسیاری فضل تو به

خودش. امّا همین که چشم هدایت برای او گشوده شد، پس گناه بزرگش را بزرگ دانست.۷و۶/۳۱

راهنمایی بندگان، به وسیله محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، کَمَا هَدَیْتَنَا بِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست، همچنانکه ما را به سبب او هدایت کردی.

۳۰/۳۱

راه جستن از خدا

وَ أَسْتَهْدِيكَ لِمَا بَاعَدَ مِنْهَا، وَ أَخَّرَ عَنْهَا

و از تو راهنمایی می خواهم، برای آنچه از آن (آتش) دور سازد و عقب گرداند.۳۱/۳۲

عدم راهنمایی کسی، بر عیب های پنهان بنده

فَكُلُّنَا قَد... تَسَتَّرَ بِالْمَسَاوِئِ فَلَمْ تَدْلُلْ عَلَيْهِ

چرا که هر کدام از ما عیب های پنهان داشت، پس کسی را بر (عیب های) او راهنمایی نکردی.

۱/۳۴

افزودن هدایت بنده

وَ زِدْنِي مِنْ هُدَاكَ مَا أَصِلُ بِهِ إِلَى التَّوْفِيقِ فِي عَمَلِي

و هدایت خود را برایم بیفزا، که با آن به توفیق در عملم برسم.۱۶/۳۷

آفرینش نفس بنده، و عدم راه جویی خدا

ص : ۶۱۴

به سودی

أَسْتَوْهِبُکَ - یَا إِلَهِی - نَفْسِیَ الَّتِی لَمْ تَخْلُقْهَا... لِتَطَرَّقَ بِهَا إِلَی نَفْعٍ

ای خدای من از تو بخشش نفسم را می خواهم که آن را نیافریدی تا به وسیله آن به سودی راه جویی.۷/۳۹

هدایت شده از دنیا رفتن

أَمِتْنَا مُهْتَدِینَ غَیْرَ ضَالِّینَ

ما را ره یافتگانِ ناگمراه، بمیران.۵/۴۰

هدایت شدن در تاریکی های گمراهی و نادانی

جَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِی مِنْ ظُلَمِ الضَّلَالَهِ وَ الْجَهَالَهِ بِاتِّبَاعِهِ

آن را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی ره یابیم.۳/۴۲

قرآن، نور هدایت

جَعَلْتَهُ... نُورَ هُدًی لَا یَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِینَ بُرْهَانُهُ

آن را نور هدایتی که برهانش از (دید) شاهدانْ خاموش نمی شود، قرا ده.۳/۴۲

هدایت شدن، با روشنی بامداد قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... یَهْتَدِی بِضَوْءِ صَبَاحِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که با نور صبحگاهش

راه می یابند.۷/۴۲

نطلبیدن هدایت، در غیر قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... لَا یَلْتَمِسُ الْهُدَی فِی غَیْرِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که در غیر آن هدایت را نمی جویند.۷/۴۲

به پا داشتن محمّد صلی الله علیه و آله ، برای راهنمایی به خدا

اللَّهُمَّ وَ كَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلَمًا لِلدَّلَالَهِ عَلَيْکَ... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِیلَهً لَنَا إِلَی أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْکَرَامَهِ

خداونـدا و چنان که به وسـیله قرآن، محمّـد را نشانه ای برای راهنمایی به خود نصب نمودی، پس بر محمّـد و خاندانش درود فرست و قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت، قرار ده.۸/۴۲

راهنمایی بندگان، به سپاس گزاری از خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِحَمْدِهِ

سپاس خدای را که ما را برای سپاس گزاری اش راهنمایی فرمود.۱/۴۴

قرآن، راهنمای مردم

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْکَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ، هُدًی لِلنَّاسِ، وَ بَیِّنَاتٍ

ص : ۶۱۵

مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فروفرستاده شد که برای مردم هدایتگر و نشانه های آشکار از هدایت و جدا سازی (حقّ از باطل) است.۳/۴۴

راهنمایی از وحی، بر درِ توبه

جَعَلْتَ عَلَى ذَلِکَ الْبَابِ دَلِيلًا مِنْ وَحْيِکَ

بر آن درْ از وحی خود، راهنمایی قرار داده ای.

۱۰/۴۵

بهانه نداشتن غافل، پس از برپایی راهنما

فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِکَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامَهِ الدَّلِيلِ

پس - بعد از گشودن درْ و به پا داشتن راهنما - عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟!۱۱/۴۵

راهنمایی بندگان، با سخن خدا

أَنْتَ الَّذِی دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِکَ مِنْ غَيْبِکَ

تویی آنکه ایشان را با سخن غیبی خود راهنمایی کردی.۱۴/۴۵

راهنمایی آفریده ای، به آنچه بندگان به آن راهنمایی شده اند

لَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مِثْلِ الَّذِی دَلَلْتَ عَلَيْهِ عِبَادَکَ مِنْکَ کَانَ مَوْصُوفًا بِالْإِحْسَانِ

و اگر آفریده ای از جانب خودش آفریده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به احسان وصف می شد.۱۷/۴۵

راهنمایی بندگان، به دین برگزیده شده از جانب خدا

هَدَيْتَنَا لِدِينِکَ الَّذِی اصْطَفَيْتَ

ما را به دینت که آن را برگزیدی، هدایت کردی.۱۹/۴۵

راهنمایی بندگان، به سنّت ماه رمضان

أَنْتَ وَلِيُّ... هَدَيْتَنَا لَهُ مِنْ سُنَّتِهِ

تویی مولایی که ما را به روش آن، راهنمایی نمودی.۴۴/۴۵

شناخته شدن هدایت و راهنمایی

عُرِفَتِ الْهِدَايَهُ مِنْ عِنْدِكَ

هدایت از جانب تو شناخته شد.۲۵/۴۷

راهنما بودن امر الهی

أَمْرُكَ رَشَدٌ

فرمانت هدایتگر است.۲۸/۴۷

راهنمایی بنده، به دین خدا

ص : ۶۱۶

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَيْتَهُ لِدِينِکَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که به دین خود راه نمودی اش.۶۷/۴۷

راهنمایی بنده، به دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنانش

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ... أَرْشَدْتَهُ لِمُوَالَاهِ أَوْلِيَائِکَ، وَ مُعَادَاهِ أَعْدَائِکَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که به دوستی با دوستانت و دشمنی با دشمنانت راهنمایی اش نمودی.۶۷/۴۷

تقسیم نمودن هدایت، در بین مؤمنان

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِينَ مِنْ... هُدًى... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّی وَ نَصِيبِی مِنْهُ

خداوندا، ای پروردگار ما، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، هدایت را قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان. ۲/۴۸

سبب راهنمایی مؤمنان، به سوی خدا

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ... أَوْ خَيْرٍ تَمُنُّ بِهِ عَلَيْهِمْ تَهْدِيهِمْ بِهِ إِلَيْکَ... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّی وَ نَصِيبِی مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی را قسمت می نمایی

یا خیری را به ایشان عنایت می کنی و بدین وسیله آنان را به سوی خود هدایت می کنی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.۲/۴۸

هدایت و راهنمایی خواستن، از خدا

وَ أَسْتَهْدِيکَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اهْدِنِی

و از تو راهنمایی می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا راهنمایی کن.

۲۰/۴۸

راهنمایی کردن خدا و غافل ماندن بنده

إِلَهِی هَدَيْتَنِی فَلَهَوْتُ

خدای من، مرا راه نمودی، پس به کار بیهوده مشغول شدم.۱/۴۹

رأفت رحمت

ربوبیّت پروردگار

ربودن

ربوده شدن برکات رمضان، از بندگان

السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ عَلَی... مَاضٍ مِنْ بَرَکَاتِکَ سُلِبْنَاهُ

درود بر تو و بر نیکی های گذشته ات که از ما ربوده شد.۴۲/۴۵

ربودن درجه والای درست کاران

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِکَ وَ أَصْفِیَائِکَ وَ مَوَاضِعَ

ص : ۶۱۷

أَمَنَائِکَ فِی الدَّرَجِهِ الرَّفِیعَهِ الَّتِی اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدِ ابْتَزُّوهَا

خداونـدا، به درستی که این مقـام، برای جانشـینان و برگزیـدگانت و جایگاه امانت دارانت است، در درجه والایی که به ایشان اختصاص دادی، (و دشمنان آن را) ربودند.۹/۴۸

رتبه مرتبه

رجا امید

رجوع بازگشت

رحلت کوچ

رحِم زهدان

رحمت

درود خدا بر فرشتگان رحمت

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت.۱۰/۳

گنجینه های نابودنشدنی رحمت خدا

یَا مَنْ لَا تَفْنَی خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ

ای کسی که گنج های رحمت او نابود نمی شود.

۳/۵

قرار دادن بهره برای بندگان، در رحمت

خدا

اجْعَلْ لَنَا نَصِیبًا فِی رَحْمَتِکَ

از رحمت خود برای ما بهره ای قرار ده.

۳/۵

خدا، مهربان با بندگان

أَنِّی أَشْهَدُ أَنَّکَ... رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ

همانا من شهادت می دهم که تو با بندگان بسیار مهربانی.۲۱/۶

خدا، مهربان ترین مهربانان

أَنْتَ أَرْحَمُ مِنْ کُلِّ رَحِیمٍ

تویی مهربان تر از هر مهربان.۲۴/۶

یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

ای مهربان ترین مهربانان.

۳۵/۳۲، ۱۲و۲/۲۴، ۱۲/۲۰، ۱۰/۸ ۱۷/۴۹، ۲۸/۴۸، ۶۵/۴۷، ۷/۵۰ ۸/۵۴

یَدْعُوکَ بِیَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

تو را صدا می زند: ای مهربان ترین مهربانان.

۹/۱۲

أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ

تو بخشاینده ترین بخشایندگانی.۱۵/۲۴

فَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ

پس تو بخشاینده ترین بخشایندگانی.

۱۴/۵۱

امر به بدی نمودن نفس، و رحم فرمودن خداوند

وَ لَا تُخَلِّ فِی ذَلِکَ بَیْنَ نُفُوسِنَا وَ اخْتِیَارِهَا، فَإِنَّهَا... أَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ

و در آنگاه، نفوس ما را به اختیار خود وامگذار، چون آن به بدی امر می کند مگر تو رحم کنی. ۴/۹

رحم خدا، بر درخواست کننده رحمتش

أَوْلَى الْأُمُورِ بِکَ فِی عَظَمَتِکَ رَحْمَةُ مَنِ اسْتَرْحَمَکَ

سزاوارترین کارها به بزرگواری ات، بخشش است بر آنکه از تو رحمت خواسته.۵/۱۰

مهربانی خدا، با هر که او را بخواند

إِنَّکَ رَحِیمٌ بِمَنْ دَعَاکَ

به درستی که تو به هر که تو را خوانَد، مهربانی.

۵/۱۱

هَلْ أَنْتَ، یَا إِلَهِی، رَاحِمٌ مَنْ دَعَاکَ فَأُبْلِغَ فِی الدُّعَاءِ؟

ای خدای من آیا تو بر کسی که تو را بخواند رحم کننده ای تا من هر چه بیشتر در دعا بکوشم؟

۱۵/۱۶

روی آوردن رحمت خواهان، به خدا

یَا أَرْحَمَ مَنِ انْتَابَهُ الْمُسْتَرْحِمُونَ

ای بخشنده ای که رحمت خواهان پی درپی نزد او می آیند.۹/۱۲

گردش آمرزش طلبان، به گِرد مهربان ترین کس (خدا)

یَا أَعْطَفَ مَنْ أَطَافَ بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ

ای مهربانی که آمرزش خواهان گرد او می گردند.۹/۱۲

رحم نمودن خدا به زاری بنده

کُنْ... لِتَضَرُّعِی رَاحِمًا

به زاریم ترحم فرما.۲۱/۱۳

فَارْحَمْ طُولَ تَضَرُّعِی

پس بر بسیاری زاریم رحم کن.۳۲/۱۶

خدا خود را به رحمت وصف فرموده

أَنْتَ الَّذِی وَصَفْتَ نَفْسَکَ بِالرَّحْمَهِ

تویی آنکه خود را به رحمت وصف نموده ای.

۱۸/۱۶

رحم نمودن به بنده

...وَ ارْحَمْنِی

...و به من رحم کن.۱۸/۱۶

فَارْحَمْنِی

پس به من رحم کن.۲۲/۳۲

وَ أَسْتَرْحِمُکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارْحَمْنِی

و از تو رحمت می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به من رحم کن.

۲۲/۴۸

فَارْحَمْنِی یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

پس بر من رحم کن، ای مهربان ترین مهربانان.

۷/۵۰

رهایی گردن خطاکاران، با امید به رحمت خدا

إِنَّمَا أُوَبِّخُ بِهَذَا نَفْسِی... رَجَاءً لِرَحْمَتِکَ الَّتِی بِهَا فَکَاکُ رِقَابِ الْخَاطِئِینَ

و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون امیدواری به رحمت تو - که رهایی گردن های خطاکاران است - می باشد.

۲۸/۱۶

اصلاح کار گنهکاران، با طمع در مهربانی خدا

إِنَّمَا أُوَبِّخُ بِهَذَا نَفْسِی طَمَعًا فِی رَأْفَتِکَ الَّتِی بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِینَ

و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم - که اصلاح کار گناهکاران به آنست - .۲۸/۱۶

رحم نمودن خدا، به سختی فقر بنده

فَارْحَمْ... شِدَّةَ مَسْکَنَتِی

پس بر شدّت نیازم رحم کن.۳۲/۱۶

رحم نمودن خدا، به بدی جایگاه بنده

فَارْحَمْ... سُوءَ مَوْقِفِی

پس بر بدی جایگاهم رحم کن.۳۲/۱۶

نیکی به والدین، همچون مادری مهربان

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی... أَبَرُّهُمَا بِرَّ الْأُمِّ الرَّؤُوفِ

خداوندا مرا چنان گردان که با آن دو (پدر و مادرم) همانند نیکیِ مادری مهربان، نیکی کنم.

۵/۲۴

مهربان نمودن دل فرزند، با والدین

وَ اعْطِفْ عَلَیْهِمَا قَلْبِی

و دلم را بر آن دو مهربان گردان.۶/۲۴

فرزند، دلسوز و مهربان با والدین

صَیِّرْنِی بِهِمَا رَفِیقًا، وَ عَلَیْهِمَا شَفِیقًا

مرا با آنان دوست و برایشان دلسوز فرما.

۶/۲۴

وَ اجْعَلْهُمْ لِی مُحِبِّینَ، وَ عَلَیَّ حَدِبِینَ مُقْبِلِینَ

و آنان را دوستدار من و بر من مهربان، و به من متوجّه ساز.۴/۲۵

خدای مهربان

إِنَّکَ... رَؤُوفٌ رَحِیمٌ

همانا تو دلسوز و مهربانی.۱۲/۲۵

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ الرَّحِیمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست.

بخشنده مهربان.۶/۴۷

إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ

به درستی که تویی توبه پذیرِ بسیار مهربان.

۶۵/۴۷ ،۷/۵۰

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ الْحَنَّانُ

معبودی جز تو نیست، بردبارِ بزرگوار مهربان.

۲/۴۸

با مهربانی دلسوزی نمودن، بر همسایگان گرفتار

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أَرِقُّ عَلَی أَهْلِ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ رَحْمَةً

و خداوندا مرا بر آن دار که با مهربانی بر بلادیدگان آنها، دلسوزی نمایم.۳/۲۶

نیازمندی هر کس به رحمت، جز خدا

مَنْ سِوَاکَ مَرْحُومٌ فِی عُمْرِهِ

غیر تو، در زندگی اش نیازمند رحمت می باشد.

۱۱/۲۸

بزرگ نشمردن مهربانی خدا

لَا یَسْتَعْظِمُ عَفْوَکَ إِنْ عَفَوْتَ عَنْهُ وَ رَحِمْتَهُ

اگر از او گذشتی و به او رحم آوردی، گذشتت را بزرگ نشمارد.۱۰/۳۱

رحم نمودن خدا، بر تنهایی بنده در برابر خود

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ وَحْدَتِی بَیْنَ یَدَیْکَ

خداوندا، پس به تنهایی ام در برابرت، رحم فرما.۲۳/۳۱

مهربانی خدا، با بنده خوار زاری کننده

وَ افْعَلْ بِی فِعْلَ عَزِیزٍ تَضَرَّعَ إِلَیْهِ عَبْدٌ ذَلِیلٌ فَرَحِمَهُ

و با من همچون رفتارِ عزیزی که بنده ذلیلی پیش او زاری کرده، پس به او مهربانی نموده، رفتار نما.۲۴/۳۱

بنده و جلب مهربانی آسمانیان و زمینیان

فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِکَ یَرْحَمُنِی لِسُوءِ مَوْقِفِی، أَوْ تُدْرِکُهُ الرِّقَّهُ عَلَیَّ لِسُوءِ حَالِی

شاید برخی از آنها به رحمتتْ بر بدی جایگاهم، به من رحم کند یا بخاطر بدی حالم، بر من دلسوزی نماید.۲۷/۳۱

خدا، مهربان با خطاکاران توبه کار

إِنَّکَ أَنْتَ... الرَّحِیمُ لِلْخَاطِئِینَ الْمُنِیبِینَ

همانا تو بر خطاکارانِ توبه پیشه، مهربانی.

۲۹/۳۱

ناامید بازنگرداندن بنده، از رحمت خدا

لَا تَرْجِعْنِی مَرْجِعَ الْخَیْبَهِ مِنْ رَحْمَتِکَ

مرا به ناامیدی از رحمتت بازنگردان.

۲۹/۳۱

ص : ۶۲۱

پیوستگی رحمت خدا

خَرَجَتْ مِنْ یَدِی أَسْبَابُ الْوُصُلَاتِ إِلَّا مَا وَصَلَهُ رَحْمَتُکَ

اسباب پیوندها از دستم بیرون رفته، جز آنچه به رحمتت وصل شده.۹/۳۲

احسان نمودن سود رحمت خدا، به بنده

وَ عُدْ عَلَیَّ بِعَائِدَهِ رَحْمَتِکَ

و سود رحمت خود را به من ارزانی دار.

۲۰/۳۲

مهربانی خواستن از مهربان ترین کس

أَنْتَ... أَرْأَفُ مَنِ اسْتُرْحِمَ

تو مهربان ترین کسی هستی که از او رحمت خواسته شد.۲۲/۳۲

غذا دادن خدا به بنده، همانند نیکوکاری مهربان

فَغَذَوْتَنِی بِفَضْلِکَ غِذَاءَ الْبَرِّ اللَّطِیفِ

پس به فضل خودت مرا مانند نیکوکاری مهربانْ خوراک دادی.۲۶/۳۲

نامهربانی آتش دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ لَا تُبْقِی عَلَی مَنْ تَضَرَّعَ إِلَیْهَا، وَ لَا تَرْحَمُ مَنِ اسْتَعْطَفَهَا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که

بر زاری کنندگانش مهربان نیست و به مهرجویانش رحم نمی کند.۳۰و۲۹/۳۲

پناه جستن از آتش دوزخ، به بسیاری رحمت خدا

أَجِرْنِی مِنْهَا بِفَضْلِ رَحْمَتِکَ

مرا به بسیاری رحمتت از آن (آتش) ایمن ساز.۳۲/۳۲

شتافتن رعد و برق، در رساندن رحمتی سودمند

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ... يَبْتَدِرَانِ طَاعَتَکَ بِرَحْمَهٍ نَافِعَهٍ...

خداوندا همانا این دو، به رساندن رحمتی سودمند، به طاعتت می شتابند.۱/۳۶

رحمت خدا، در عوض دعای بنده در حقّ ستمگرش

عَوِّضْنِی مِنْ عَفْوِی عَنْهُمْ عَفْوَکَ، وَ مِنْ دُعَائِی لَهُمْ رَحْمَتَکَ

به جای گذشتم از ایشان، گذشت خودت را و به جای دعایم بر آنان، رحمتت را به من عوض ده.

۳/۳۹

تباهی بنده، و رحمت خداوند

إِلَّا تَغَمَّدْنِی بِرَحْمَتِکَ تُوبِقْنِی

اگر مرا به رحمتت نپوشانی، تباهم.۵/۳۹

رحمت الهی، و بار گران (گناهان)

وَ وَكِّلْ رَحْمَتَكَ بِاحْتِمالِ إِصْرِی

و رحمتت را به تحمّل بار سنگینم بگمار.

۹/۳۹

رسیدن رحمت خدا، به بدکاران

فَكَمْ قَدْ لَحِقَتْ رَحْمَتُكَ بِالْمُسِيئِينَ

پس چه بسیار رحمتت که به بدکاران رسید.

۹/۳۹

مرگ، کلیدی از کلیدهای رحمت خدا

اجْعَلْهُ... مِفْتَاحًا مِنْ مَفَاتِيحِ رَحْمَتِكَ

آن را کلیدی از کلیدهای رحمتت قرار ده.

۴/۴۰

سبب رحم نمودن خدا بر خواری مقام بندگان، در قیامت

ارْحَمْ بِالْقُرْآنِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَيْكَ ذُلَّ مَقَامِنَا

به (برکت) قرآن، در جای ایستادن که به پیشگاهت عرضه می شویم، بر خواری ما رحم کن.

۱۵/۴۲

فراخی رحمت خدا

إِنَّكَ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ

به درستی که تو دارای رحمت گسترده هستی.

۲۱/۴۲

فَيَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسِعَةٌ

پس ای کسی که رحمتش وسیع است.

۸/۴۸

رحمت خدا، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

درود و رحمت و برکات فزاینده خداوند، بر او و بر خاندان او که پاکیزگان و پاکانند، باد.

۲۲/۴۲

درآوردن بنده، در آبشخور رحمت خدا

أَوْرِدْنِي مَشَارِعَ رَحْمَتِكَ

مرا در آبشخورهای رحمتت درآور.۱/۴۱

درآوردن خود در رحمت خدا، با روزه و نماز شب

فَصُمْنَا بِأَمْرِكَ نَهَارَهُ، وَ قُمْنَا بِعَوْنِكَ لَيْلَهُ، مُتَعَرِّضِينَ بِصِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ لِمَا عَرَّضْتَنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ

پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم و به یاری تو شبش را به پا خاستیم. در حالی که در معرض روزه داشتن و به پا خاستن (شبانه) بودیم، از رحمتت - بدان خاطر - به ما عرضه داشتی.

۲۱/۴۵

بریده و نابود نشدن مهربانی خدا

اسْتَعْمِلْنَا بِمَا يَكُونُ حِطَّةً وَ كَفَّارَةً لِمَا أَنْكَرْتَ مِنَّا فِيهِ بِرَأْفَتِكَ الَّتِی لَا تَنْفَدُ

به مهربـانی ات که نـابود نمی شود، مـا را در این (مـاه) به کـاری که سـبب فروریختن و کفّاره کارهایی می شود که بر ما نمی پسندی، بگمار.۴۷/۴۵

عامل متوجّه گشتن رحمت خدا، به بنده

اللَّهُمَّ وَ مَنْ رَعَی هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَایَتِهِ... أَوْ تَقَرَّبَ إِلَیْکَ بِقُرْبَةٍ... عَطَفَتْ رَحْمَتَکَ عَلَیْهِ، فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِکَ

خداونـدا و هر کس رعـایت کرده این ماه را، به طوری که حقّ رعایتش است، یا به وسـیله عمل تقرب آوری به سوی تو تقرب جسته، که رحمتت را به او برگردانده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.۵۰/۴۵

رحم خدا، بر کسی که بندگان به او رحم نکنند

یَا مَنْ یَرْحَمُ مَنْ لَا یَرْحَمُهُ الْعِبَادُ

ای کسی که رحم می کند، به آنکه بندگان به او رحم نمی کنند.۱/۴۶

مهربانی خدا، با تجاوزکنندگان از حدّ

سُنَّتُکَ الْإِبْقَاءُ عَلَی الْمُعْتَدِینَ

روش تو مهربانی با تجاوزکنندگان است.

۱۶/۴۶

شگفت از بسیاری رأفت و رحمت الهی

سُبْحَانَکَ مِنْ... رَؤُوفٍ مَا أَرْأَفَکَ، وَ حَکِیمٍ مَا أَعْرَفَکَ

پاک و منزّهی! ای رئوفی که چه بسیار رئوفی! و حکیمی که چه بسیار آگاهی!۲۳/۴۷

سودمندترین مهربانی های خداوند

وَ تَرَحَّمْ عَلَیْهِ أَمْتَعَ رَحَمَاتِکَ

و با سودمندترین رحمت هایت، بر او رحمت فرست.۵۰/۴۷

مهربانیِ ولیّ خدا را به بندگان بخشیدن

هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَ رَحْمَتَهُ وَ تَعَطُّفَهُ وَ تَحَنُّنَهُ

محبّت و رحمت و عطوفت و دلسوزی او را به ما روا دار.۶۳/۴۷

گسترد گی رحمت خدا، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَهَ يَوْمٌ... نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَکَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که رحمتت را در آن گسترده ای.۶۶/۴۷

پناه بردن به رحمت الهی

هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْکَ... لَائِذًا بِرَحْمَتِکَ

اینک منم در پیشگاه تو، پناه خواه به رحمتت.

۶۹/۴۷

سبب غلبه ناامیدی از رحمت خدا ، بر بنده

ص : ۶۲۴

لَا تُوءْیِسْنِی مِنَ الْأَمَلِ فِیکَ فَیَغْلِبَ عَلَیَّ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِکَ

از آرزومندی به خود ناامیدم نکن، که ناامیدی از رحمتت بر من چیره شود.۱۰۱/۴۷

کامیاب نمودن بنده، به شیرینی مهربانی خدا

أَوْجِدْنِی... حَلَاوَهَ رَحْمَتِکَ

مرا از شیرینی رحمتت، کامیاب گردان.

۱۲۵/۴۷

مهربان گرداندن دل بنده، با فروتنان

اعْطِفْ بِقَلْبِی عَلَی الْخَاشِعِینَ

دلم را بر فروتنان مهربان گردان.۱۲۷/۴۷

گشودن درهای رحمت خدا، بر بنده

افْتَحْ لِی أَبْوَابَ تَوْبَتِکَ وَ رَحْمَتِکَ وَ رَأْفَتِکَ...

درهای توبه و رحمت و رأفتت را بر من بگشای. ۱۳۲/۴۷

اطمینان بنده به رحمت خدا، بیش از عمل خود

إِنِّی بِمَغْفِرَتِکَ وَ رَحْمَتِکَ أَوْثَقُ مِنِّی بِعَمَلِی

همانا اطمینانم به آمرزش و رحمت تو، از (اطمینانم به) عملم بیشتر است.۴/۴۸

رحمت خدا، فراخ تر از گناهان بنده

إِنِّی... لَمَغْفِرَتُکَ وَ رَحْمَتُکَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِی

همانا آمرزش و رحمت تو، از گناهانم وسیع تر است.۴/۴۸

گناهان بنده، و رحمت الهی

ثُمَّ لَمْ یَمْنَعْکَ طُولُ عُکُوفِهِمْ عَلَی عَظِیمِ الْجُرْمِ أَنْ عُدْتَ عَلَیْهِمْ بِالرَّحْمَهِ وَ الْمَغْفِرَهِ

سپس اصرار بسیارِ آنان بر جرم های بزرگ، تو را از اینکه به ایشان رحمت و آمرزش ببخشی، بازنداشت.۷/۴۸

رحمت خدا، بر برگزیدگانش

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... كَصَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ تَحِيَّاتِكَ عَلَى أَصْفِيَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ

خداونـدا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست. مانند رحمت ها و برکت ها و تحیّت هایی که بر برگزیدگانت: ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی.

۱۱/۴۸

تنها امان دهنده کیفر خدا، رحمت او

لا يُجِيرُ مِنْ عِقَابِكَ إِلَّا رَحْمَتُكَ

از کیفرت، جز رحمتت پناه نمی دهد.

۱۳/۴۸

عذاب خدا و رحم نکردن کسی بر بنده

إِنْ عَذَّبْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْحَمُنِي

اگر مرا عذاب کنی، پس کیست آنکه به من

رحم کند؟۱۵/۴۸

درخواست رحمت و مهربانی خدا

وَ أَسْتَرْحِمُکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارْحَمْنِی

و از تو رحمت می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به من رحم کن.

۲۲/۴۸

روان نمودن جوی های رحمت و مهربانی

کَمْ مِنْ... جَدَاوِلِ رَحْمَهٍ نَشَرْتَهَا

چه بسیار جوی های رحمتی که روان نمودی.

۱۱/۴۹

ناامید نشدن از رحمت خدا

یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَی أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعًا

ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد.۲/۵۰

مهربانی خدا، بر جان بی تاب و استخوان ضعیف بنده

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به

زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی.۵/۵۰

علّت درخواست مهربانی خدا

فَارْحَمْنِی اللَّهُمَّ فَإِنِّی امْرُوءٌ حَقِیرٌ، وَ خَطَرِی یَسِیرٌ

پس خداوندا، بر من رحم کن. زیرا من فردی حقیرم، و منزلتم اندک است.۶/۵۰

برتری دادن بنده، به وسیله رحمت الهی

إِلَهِی أَحْمَدُکَ -وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ - ... عَلَی مَا فَضَّلْتَنِی بِهِ مِنْ رَحْمَتِکَ

خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی، بر رحمتت که مرا به وسیله آن برتری دادی. ۱/۵۱

رحم نمودن خدا، بر افتادن بنده با تمام رخسارش

ارْحَمْ کَبْوَتِی لِحُرِّ وَجْهِی وَ زَلَّهَ قَدَمِی

بر به رو افتادنم با تمام رخسارم، و بر لغزش گام هایم رحم کن.۴/۵۳

رحم نمودن خدا، بر پیری بنده و نزدیکی مرگ

ارْحَمْ شَیْبَتِی، وَ نَفَادَ أَیَّامِی، وَ اقْتِرَابَ أَجَلِی وَ ضَعْفِی وَ مَسْکَنَتِی وَ قِلَّهَ حِیلَتِی

ص : ۶۲۶

بر پیری ام و به آخر رسیدن روزهایم و نزدیک شدن مرگم و ناتوانی ام و نیازمندی ام و بیچارگی ام رحم کن.۴/۵۳

زمان نیازمندی به رحمت خدا

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْیَا أَثَرِی

مولای من! هنگامی که اثرم از دنیا قطع شود، به من رحم کن.۵/۵۳

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی عِنْدَ تَغَیُّرِ صُورَتِی وَ حَالِی إِذَا بَلِیَ جِسْمِی

مولای من! هنگام دگرگون شدن صورتم، و حالم هنگامی که جسدم پوسیده گردد، بر من رحم کن.۶/۵۳

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی فِی حَشْرِی وَ نَشْرِی

مولای من! و در برانگیخته شدن و زنده شدنم به من رحم کن.۷/۵۳

مهربانی خدا، در دو سرا

یَا رَحْمَانَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ رَحِیمَهُمَا

ای بخشنده در دنیا و آخرت و مهربان در آن دو.۱/۵۴

آنچه رحمت خدا ایجاب می کند:

أ. انتظار بازگشت بندگان، (به راه راست)

انْتَظَرَ مُرَاجَعَتَنَا بِرَأْفَتِهِ حِلْمًا

به مهربانی اش از روی بردباری، بازگشت ما را انتظار کشید.۲۱/۱

ب. شتاب نکردن خدا، در کیفر بندگان

لَمْ یُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ، بَلْ تَأَنَّانَا بِرَحْمَتِهِ تَکَرُّمًا

در سرکوب ما عجله ننمود. بلکه به رحمتش از روی کرامت، به ما مهلت داد.

۲۱/۱

تَتْرُکُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَی التَّوْبَهِ... کَرَمًا مِنْ عَفْوِکَ یَا کَرِیمُ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، که (این همه) کرامت، از گذشت توست، ای کریم!.۹/۴۵

ج. پناه دادن مؤمنان از آنچه خواستند

أَعِذْنِی مِنْ کُلِّ ذَلِکَ بِرَحْمَتِکَ وَ جَمِیعَ الْمُوءْمِنِینَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ

مرا و همه مردان و زنان با ایمان را به رحمتت از آنچه گفته شد پناه ده.۱۰/۸

د. گرد آمدن در سرای گرامی و محل آمرزش

اللَّهُمَّ وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِیَّ، وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لِی فَشَفِّعْنِی فِیهِمَا حَتَّی نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِکَ فِی دَارِ کَرَامَتِکَ وَ مَحَلِّ مَغْفِرَتِکَ وَ رَحْمَتِکَ

خداوندا و اگر آمرزشت برای ایشان

ص : ۶۲۷

پیشی گرفت، پس آنـان را شـفیع من گردان. و اگر آمرزشت برای من پیشـی گرفت، پس مرا شـفیع آنان فرما. تا به مهر تو در سرای کرامت تو و محل آمرزش و رحمتت گرد آییم.

۱۵/۲۴

هـ. عطای درخواست های بندگان

اللَّهُمَّ أَعْطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِكَ وَ رَحْمَتِكَ

خداوندا به توفیق و رحمتت همه آن (درخواست ها) را به ما عطا فرما.۱۲/۲۵

و. شناساندن بزرگی و برتری قرآن

اللَّهُمَّ فَكَمَا... عَرَّفْتَنَا بِرَحْمَتِكَ شَرَفَهُ وَ فَضْلَهُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ

خداونـدا، پس همچنان که به رحمت خود شـرافت و فضـیلت آن را به ما آموختی، پس بر محمّـد که با آن سـخن رانـد، درود فرست.

۶/۴۲

ز. گشاد گشتن تنگی لحد

وَ افْسَحْ لَنَا بِرَحْمَتِكَ فِی ضِيقِ مَلَاحِدِنَا

و به رحمتت، تنگی لحدهایمان را برای ما گشاد گردان.۱۴/۴۲

ح. در صف سزاوارانِ بالاترین مرتبه قرار گرفتن

وَ اجْعَلْنَا فِی نَظْمِ مَنِ اسْتَحَقَّ الرَّفِيعَ الْأَعْلَى

بِرَحْمَتِكَ

و ما را در صف کسانی که به واسطه رحمت تو، مستحقّ بالاترین مرتبه گشته اند، قرار ده.۱۲/۴۴

ط. گماشتن بندگان به آنچه سبب کفّاره (گناه) شود

وَ اسْتَعْمِلْنَا بِمَا يَكُونُ حِطَّةً وَ كَفَّارَةً لِمَا أَنْكَرْتَ مِنَّا فِيهِ بِرَأْفَتِكَ الَّتِی لَا تَنْفَدُ

و به مهربـانی ات که نـابود نمی شود، ما را در این (ماه) به کاری که سـبب فروریختن و کفّاره کارهایی می شود که بر ما نمی

پسندی، بگمار.۴۷/۴۵

ی. بودن با ائمه علیهم السلام ، در سرای سلامت

اجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِی دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِکَ، یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

ما را به همراه آنان در خانه سلامتی (بهشت) قرار ده. به رحمت خودت، ای مهربان ترین مهربانان.۶۵/۴۷

ک. قرار دادن راهی در حقّ، برای بنده

اجْعَلْ لِی فِی الْحَقِّ طَرِیقًا مِنْ کُلِّ رَحْمَهٍ

برای من در راستای حقّ، از هر رحمتی راهی قرار ده.۱۲۹/۴۷

ل. احسان خدا، بر بنده

ص : ۶۲۸

عُدْ عَلَيَّ بِرَحْمَتِکَ

به رحمتتْ بر من نیکی کن.۸/۴۸

م. فرونیامدن بلا، بر بنده

وَ قَدْ کَادَ أَنْ یَحُلَّ بِی - لَوْ لَا رَحْمَتُکَ - مَا حَلَّ بِسَاحَتِهِ

و اگر رحمت تو نبود، نزدیک بود بر من فرود آید، آنچه بر خودش فرود آمد.۸/۴۹

ن. بازگرداندن بنده، به بخشش الهی

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُثْنِیَنِی بِالْکَثِیرِ مِنْ کَرَامَتِکَ بِرَحْمَتِکَ

خدای من، از تو می خواهم که با رحمت خویش مرا به بسیارِ بخشش خود بازگردانی.

۱۰/۵۲

س. رهایی دادن بنده، از آزمایش های گمراه کننده

نَجِّنِی مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

مرا از آزمایش های گمراه کننده نجات ده. به رحمت خودت، ای مهربان ترین مهربانان.

۸/۵۴

رخسار چهره

رخصت اذن

ردّ

دست ردّ نزدن خدا، بر پیشانی بنده

إِلَهِی... لَا تَجْبَهْنِی بِالرَّدِّ وَ قَدِ انْتَصَبْتُ بَیْنَ یَدَیْکَ

خدای من در حالی که در پیشگاه تو ایستاده ام دست رد بر پیشانی ام نزن.۱۷/۱۶

یَا مَنْ لَا یَجْبَهُ بِالرَّدِّ أَهْلَ الدَّالَّهِ عَلَیْهِ

ای کسی که دست رد بر پیشانی آنان که به محبّت او اعتماد دارند، نمی زند.۵/۴۶

وَ لَا تَجْبَهْنِی بِالرَّدِّ فِی مَسْأَلَتِی

و در خواهشم، دست رد بر پیشانی ام نزن.

۲۵/۴۶

لَا تَجْبَهْنِی بِمَا جَبَهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِینَ لَکَ

همانگونه که دست رد بر پیشانی ستیزه جویان با خود زده ای، دست رد بر پیشانی ام نزن.

۱۱۶/۴۷

ردا عبا

رذالت خواری

رزق

نیافتن روزی به اندازه کافی

وَ نَعُوذُ بِکَ... مِنْ فِقْدَانِ الْکَفَافِ

و پناه می بریم به تو از نیافتن روزی کافی.

۷/۸

سبب روزی خواستن از روزی خواران

صُنْ وَجْهِی بِالْیَسَارِ، وَ لَا تَبْتَذِلْ جَاهِی بِالْإِقْتَارِ، فَأَسْتَرْزِقَ أَهْلَ رِزْقِکَ

آبرویم را با توانگری حفظ کن و شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخواهم. ۲۶/۲۰

اللَّهُمَّ إِنَّکَ ابْتَلَیْتَنَا فِی أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ... حَتَّی الْتَمَسْنَا أَرْزَاقَکَ مِنْ عِنْدِ الْمَرْزُوقِینَ

خداوندا همانا تو ما را در روزی هایمانْ به بدگمانی، آزمودی. تا جایی که روزی های تو را از روزی خواران درخواست نمودیم. ۱/۲۹

فراوان گشتن روزی های فرزندان، برای والدین

أَدْرِرْ لِی وَ عَلَی یَدِی أَرْزَاقَهُمْ

برای من و به دست من روزی هایشان را بسیار نما. ۲/۲۵

فراخی روزی حلال، بر برخی از بندگان

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُوسَعِ عَلَیْهِمُ الرِّزْقُ الْحَلَالُ مِنْ فَضْلِکَ، الْوَاسِعِ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به جود و کرم تو از فضل گسترده ات روزی حلال برای آنان سرشار شده، قرار ده. ۱۱و۱۰/۲۵

نیرومندی، روزیِ مجاهد مسلمان

وَ ارْزُقْهُ الشِّدَّةَ

و نیرومندی را، روزی اش کن. ۱۴/۲۷

آزمایش بنده و بدگمانی در روزی ها

اللَّهُمَّ إِنَّکَ ابْتَلَیْتَنَا فِی أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ

خداوندا همانا تو ما را در روزی هایمانْ به بدگمانی، آزمودی. ۱/۲۹

کفالتِ روزی بندگان، از جانب خدا

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَتِکَ فِی وَحْیِکَ... قَاطِعًا لِاهْتِمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِی تَکَفَّلْتَ بِهِ، وَ حَسْمًا لِلِاشْتِغَالِ بِمَا ضَمِنْتَ الْکِفَایَهَ لَهُ

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای و قطع اشتغال ما به آنچه خود کفایت آن را ضمانت فرموده ای قرار ده.۳/۲۹

در آسمان بودن روزی بندگان

فَقُلْتَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ الْأَصْدَقُ... وَ فِی السَّمَاءِ رِزْقُکُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ

پس فرمودی و فرموده تو راست و درست ترین است: «و روزی شما و آنچه به آن وعده داده می شوید، در آسمان است.»۴/۲۹

روزی ای به اندازه کفاف

وَ أَجِرْنی مِنْهُ بِوُسْعٍ فَاضِلٍ أَوْ کَفَافٍ وَاصِلٍ

و مرا با ثروتِ فراوان و روزیِ کافی، از آن

(قرض) نجات ده.۲/۳۰

روزی ای از اسباب حلال

أَجْرِ مِنْ أَسْبَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِی

روزی هایم را از اسباب حلال، پیوسته گردان.

۳/۳۰

خوراک جنین در رحِم مادر، و نیازمندی به روزی خدا

...حَتَّی إِذَا احْتَجْتُ إِلَی رِزْقِکَ... جَعَلْتَ لِی قُوتًا مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجْرَیْتَهُ لِأَمَتِکَ الَّتِی أَسْکَنْتَنِی جَوْفَهَا

...تـا هنگامی که به روزی تو محتاج شـدم. از زیادی خوردنی و آشامیـدنی که برای کنیزت مقرّر فرموده بودی، برایم خوراک قرار دادی. همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی.۲۴/۳۲

خدا، بهترین روزی دهندگان

إِنَّکَ خَیْرُ الرَّازِقِینَ

به درستی که تو بهترین روزی دهندگانی.

۲۸/۳۲

آسان گرداندن روزی بنده، بر او

سَهِّلْ عَلَیَّ رِزْقِی

روزی ام را بر من آسان فرما.۲۸/۳۲

فراهم نمودن راهی آسان، برای روزی بنده

أَسْأَلُکَ فِی أَنْ تُسَهِّلَ إِلَی رِزْقِی سَبِیلًا

از تو درخواست می کنم که راهی آسان برای روزی ام، (فراهم) نمایی.۲۸/۳۲

تقسیم عادلانه روزی های بندگان

شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَایِشَ عِبَادِهِ بِالْعَدْلِ

گواهی می دهم که خدا روزی های بندگانش را عادلانه تقسیم نمود.۱/۳۵

آفت نفرستادن بر روزی

لَا تُرْسِلْ عَلَی مَعَایِشِنَا عَاهَةً

زیانی بر معیشت ما نفرست.۲/۳۶

بیرون نمودن وسوسه دل ها، با روزی خدا

أَخْرِجْ وَحَرَ صُدُورِنَا بِرِزْقِکَ

وسوسه دل هایمان را، با روزی ات بگشا.

۴/۳۶

توانایی بر طاعت، در اثر خوردن روزی

لَمْ تَسُمْهُ الْقِصَاصَ فِیما أَکَلَ مِنْ رِزْقِکَ الَّذِی یَقْوَی بِهِ عَلَی طَاعَتِکَ

از او در آنچه از روزی تو خورد، و بر طاعتت نیرو گرفت، تقاص نخواستی.۱۳/۳۷

عوض نخواستن از بنده، به خاطر روزی خوردنش

ثُمَّ لَمْ تَسُمْهُ الْقِصَاصَ فِیما أَکَلَ مِنْ رِزْقِکَ

ص : ۶۳۱

سپس از او در آنچه از روزی تو خورد، تقاص نخواستی.۱۳/۳۷

عامل سوق دادن روزی های فراوان، به سوی بندگان

سُقْ إِلَیْنَا بِهِ رَغَدَ الْعَیْشِ وَ خِصْبَ سَعَهِ الْأَرْزَاقِ

به وسیله آن (قرآن)، آسایش زندگی و توسعه روزی های فراوان را به سوی ما سوق بده.

۱۲/۴۲

روزی خدا، به معصیت کار

رِزْقُکَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاکَ

روزیِ تو برای کسی که تو را نافرمانی کرده، گسترده است.۱۶/۴۶

کامیابی به شیرینی روزیِ الهی

أَوْجِدْنِی... حَلَاوَهَ رَحْمَتِکَ وَ رَوْحِکَ وَ رَیْحَانِکَ

مرا از شیرینی رحمتت و آسودگی و روزیت، کامیاب گردان.۱۲۵/۴۷

گشودن درهای روزی فراخ

افْتَحْ لِی أَبْوَابَ... رِزْقِکَ الْوَاسِعِ

درهای روزی فراخت را بر من بگشای.

۱۳۲/۴۷

طلب روزی از خدا

وَ أَسْتَرْزِقُکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارْزُقْنِی

و از تو روزی می طلبم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا روزی ده.۲۴/۴۸

روزی دادن به بنده، به قدر کفایت

اللَّهُمَّ إِنَّکَ... رَزَقْتَنِی مَکْفِیًّا

خداوندا، تو به قدر کفایت، به من روزی دادی. ۱/۵۰

بی نیازی از دیگران، روزی خدا به بنده

وَ رَزَقْتَنِی فِی أُمُورِی کُلِّهَا الْکِفَایَهَ

و بی نیازی را در همه کارهایم به من روزی دادی. ۲/۵۱

نبودِ زندگی برای بنده، جز با روزی خدا

کَیْفَ یَسْتَطِیعُ أَنْ یَهْرُبَ مِنْکَ مَنْ لَا حَیَاهَ لَهُ إِلَّا بِرِزْقِکَ؟

چگونه می تواند از تو بگریزد، آنکه جز به وسیله روزی اتْ زندگی برایش نیست؟۱/۵۲

روزی خواری از خدا و پرستش غیر خدا

وَ أَهْوَنُهُمْ عَلَیْکَ مَنْ أَنْتَ تَرْزُقُهُ وَ هُوَ یَعْبُدُ غَیْرَکَ

و پست ترین آنها نزد تو، کسیست که تو او را روزی می دهی و او غیر تو را می پرستد.۲/۵۲

آنچه بنده از خدا می خواهد، که روزی او گرداند:

أ. رغبت در عمل برای خدا و آخرت

ارْزُقْنِی الرَّغْبَهَ فِی الْعَمَلِ لَکَ لِآخِرَتِی

برای آخرتمْ رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان.۸/۲۲

ب. ترس کیفر و ترس اندوه آن

وَ ارْزُقْنِی خَوْفَ غَمِّ الْوَعِیدِ... حَتَّی أَجِدَ... کَأْبَهَ مَا أَسْتَجِیرُ بِکَ مِنْهُ

و ترسِ اندوهِ وعده ها(ی عذاب) را روزی ام فرما. تا اندوه آنچه را که از آن به تو پناه می آورم، دریابم.۹/۲۲

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِیدِ

خداوندا ترسِ کیفرِ هشدارداده شده را روزی ما گردان.۵۳/۴۵

ج. شوق ثواب وعده داده شده

وَ ارْزُقْنِی... شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ

و اشتیاقِ پاداشِ وعده ها(ی بهشتی) را روزی ام فرما.۹/۲۲

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا... شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ

خداوندا شوقِ پاداشِ وعده داده شده را روزی ما گردان.۵۳/۴۵

د. اعتراف به حق

وَ ارْزُقْنِی الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِیرِی فِی الشُّکْرِ لَکَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَیَّ فِی الْیُسْرِ وَ الْعُسْرِ وَ الصِّحَّهِ وَ السَّقَمِ

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که در

آسانی و سختی و تندرستی و بیماری به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما.۱۱/۲۲

هـ. سلامتی سینه از حسد

وَ ارْزُقْنِی سَلَامَهَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان.

۱۲/۲۲

و. نگهداری از خطاها و لغزش ها

وَ ارْزُقْنِی التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَایَا، وَ الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ

و مرا خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده.

۱۳/۲۲

ز. همانند آنچه را که درباره همسایگان درخواست می کند

وَ ارْزُقْنِی مِثْلَ ذَلِکَ مِنْهُمْ، وَ اجْعَلْ لِی أَوْفَی الْحُظُوظِ فِیما عِنْدَهُمْ

و مرا مانند همین امور از جانب آنان روزی فرما و از آنچه ایشان دارند، کامل ترین بهره ها را برای من قرار ده.۴/۲۶

رسالت پیام

ص : ۶۳۳

رسایی

رساترین خشوع و فروتنی

وَ أَنْزِلْنَا فِيهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّينَ لَهَا فِی أَوْقَاتِهَا... عَلَی أَتَمِّ الطَّهُورِ وَ أَسْبَغِهِ، وَ أَبْيَنِ الْخُشُوعِ وَ أَبْلَغِهِ

و مـا را دربـاره نمـاز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود با پاکی تمام و فراگیر، و روشن ترین و رساترین خشوع به جا آورده اند.

۹/۴۴

رساتر گشتن حجّت خدا

لَمْ تَکُنْ أَنَاتُکَ عَجْزًا... بَلْ لِتَکُونَ حُجَّتُکَ أَبْلَغَ

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است. بلکه برای آنست که حجّت تو رساتر باشد.

۲۲/۴۶

رستاخیز قیامت

رستگاری

اسباب رستگار شدن بندگان

یَا مَنْ شُکْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاکِرِینَ

ای که سپاس او برای سپاس گزاران رستگاری است.۱/۱۱

فَيَنَالَنِی مِنْهُ بِدَعْوَهٍ هِیَ أَسْمَعُ لَدَيْکَ مِنْ دُعَائِی... تَکُونُ بِهَا... فَوْزَتِی بِرِضَاکَ

پس دعایی از او به من رسد که از دعای من

نزد تو شنیدنی تر است، که رستگاری ام به خوشنودی ات به وسیله آن حاصل شود.۲۷/۳۱

فَذَکَرُوکَ بِمَنِّکَ، وَ شَکَرُوکَ بِفَضْلِکَ... وَ فِيهَا کَانَتْ... فَوْزُهُمْ بِرِضَاکَ

پس بـا نعمتِ خودت، تو را یـاد کردنـد و بـا تفضّلت، تو را شـکر گزاردنـد و در (همه) اینهـا رسـتگاریشان به خوشـنودی ات است.۱۶/۴۵

رستگاری در قیامت

ارْزُقْنِی فَوْزَ الْمَعَادِ

رستگاریِ قیامت را روزی ام فرما.۱۸/۲۰

قرار دادن بنده، در زمره رستگاران

وَ اجْعَلْنِی فِی فَوْجِ الْفَائِزِینَ

و مرا در گروه رستگاران قرار ده.۴/۴۱

اراده خدا، بر رستگار شدن بندگان

أَنْتَ الَّذِی زِدْتَ فِی السَّوْمِ عَلَی نَفْسِکَ لِعِبَادِکَ، تُرِیدُ رِبْحَهُمْ فِی مُتَاجَرَتِهِمْ لَکَ، وَ فَوْزَهُمْ بِالْوِفَادَهِ عَلَیْکَ

تویی آنکه در داد و ستد با بندگانت، در بهای آن بر خود افزوده ای. می خواهی در تجارت کردنشان با تو، سود برند و در آمدن به سوی تو و افزونی یافتن از جانب تو، رستگار شوند.۱۲/۴۵

رسوایی

رسوا نساختن بندگان، نزد خدا

ص : ۶۳۴

لَا تَفْضَحْنَا لَدَیْکَ

ما را پیش خود رسوا نکن.۶/۵

رسوا نگشتن بندگان نزد نویسندگان اعمال

لَا تُخْزِنَا عِنْدَهُمْ بِسُوءِ أَعْمَالِنَا

ما را نزد آنها به سبب زشتی رفتارمان رسوا نگردان. ۱۵/۶

پوشاندن عیب بنده، و رسوا نساختنش

فَکَمْ مِنْ عَائِبَةٍ سَتَرْتَهَا عَلَيَّ فَلَمْ تَفْضَحْنِی

چه بسیار عیب هایی که بر من پوشاندی و رسوایم نکردی.۲۱/۱۶

رسوا ننمودن بنده

إِلَهِی فَإِذْ قَدْ تَغَمَّدْتَنِی بِسِتْرِکَ فَلَمْ تَفْضَحْنِی...

خدای من، اکنون که مرا به پرده (عفو) خود پوشاندی و رسوایم نکردی...۳۲/۱۶

رسواگریِ کردار زشت

اسْتَغَاثَ بِکَ مِنْ... قَبِیحِ مَا فَضَحَهُ فِی حُکْمِکَ

از (کار) زشتی که در حکم تو رسواگر است، از تو کمک خواسته.۹/۳۱

گناهان، و ماندگاری بنده، در جایگاه رسوایی

فَقَدْ أَقَامَتْنِی یَا رَبِّ ذُنُوبِی مَقَامَ الْخِزْیِ بِفِنَائِکَ

پس ای پروردگار من، گناهانم به درگاهت، مرا

در جایگاه رسوایئ ماندگار نموده.۲۳/۳۱

سلامت داشتن بنده، از رسوایی گناهان

وَ کَبَائِرِ ذُنُوبٍ اجْتَرَحْتُهَا، کَانَتْ عَافِیَتُکَ لِی مِنْ فَضَائِحِهَا سِتْرًا

و گناهان بزرگی انجام داده ام که عافیت داشتن تو از رسوایی های آن، برای من پوششی گردید.

۱۸/۳۲

پناه دادن بنده، از رسوایی های سرای هستی

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِي بِعَفْوِكَ... فَأَجِرْنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

رسوا نساختن بنده، در اثر ارتکاب کار زشت

فَكُلُّنَا قَدِ اقْتَرَفَ الْعَائِبَةَ فَلَمْ تَشْهَرْهُ، وَ ارْتَكَبَ الْفَاحِشَةَ فَلَمْ تَفْضَحْهُ

چرا که هر کدام از ما کار ناپسند انجام داد، او را مشهور (در بدکاری) نکردی و کردار زشت به جا آورد، پس او را رسوا ننمودی.۱/۳۴

درخواستِ رسوا نشدن آزاردهنده بنده، از خدا

ص : ۶۳۵

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ نَالَ مِنِّی مَا حَظَرْتَ عَلَیْهِ... فَاغْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنِّی... وَ لَا تَکْشِفْهُ عَمَّا اکْتَسَبَ بِی

خداوندا و هر بنده ای که به من آسیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که بر او جایز ندانسته بودی، پس او را از آنچه بر من روا داشت، بیامرز و از آنچه بر من کرده، رسوایش نساز.۲/۳۹

پوشاندن امور رسواکننده بنده

وَ اطْوِ عَنْهُمْ مَا یُلْحِقُنِی عِنْدَکَ شَنَارًا

و آنچه نزد تو مرا رسوا می نماید، از آنان بپوشان.۳/۴۱

رسوا نساختن بندگان، در قیامت

لَا تَفْضَحْنَا فِی حَاضِرِی الْقِیَامَهِ بِمُوبِقَاتِ آثَامِنَا

ما را با گناهان هلاک کننده مان، در برابر حاضرانِ قیامت، رسوا نکن.۱۴/۴۲

پوشاندن (گناه) بنده و رسوا نکردنش

تَسْتُرُ عَلَی مَنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ

می پوشانی بر کسی که اگر می خواستی، رسوایش می نمودی.۸/۴۵

سزاوار رسوایی

تَسْتُرُ عَلَی مَنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ، وَ تَجُودُ عَلَی مَنْ لَوْ شِئْتَ مَنَعْتَهُ، وَ کِلَاهُمَا أَهْلٌ مِنْکَ لِلْفَضِیحَهِ وَ الْمَنْعِ

می پوشانی بر کسی که اگر می خواستی، رسوایش می نمودی، و می بخشی بر کسی که اگر

می خواستی، محرومش می کردی. و حال آنکه هر دو از جانب تو سزاوار رسوایی و محرومیّتند.

۸/۴۵

بازایستادن از نافرمانی های رسواکننده

وَ أَشْعِرْ قَلْبِیَ الِازْدِجَارَ عَنْ قَبَائِحِ السَّیِّئَاتِ، وَ فَوَاضِحِ الْحَوْبَاتِ

و دلم را به خودداری از گناهان زشت و نافرمانی های رسواکننده بپوشان.۱۰۷/۴۷

رسوا نشدن در برابر دوستان خدا

لَا تَفْضَحْنِی بَیْنَ یَدَیْ أَوْلِیائِکَ

در برابر دوستانت رسوایم نگردان.۱۱۴/۴۷

پوشاندن گناه، یا رسوا نمودن آن

أَنَّکَ بِأَنْ تَعْفُوَ أَوْلَی مِنْکَ بِأَنْ تُعَاقِبَ، وَ أَنَّکَ بِأَنْ تَسْتُرَ أَقْرَبُ مِنْکَ إِلَی أَنْ تَشْهَرَ

به درستی که تو به بخشایش شایسته تری تا اینکه کیفر کنی. و به پرده پوشی نزدیک تری تا اینکه رسوا سازی.۱۱۶/۴۷

به پا نداشتن بنده، در مقام رسوایی

وَ إِذْ لَمْ تُقِمْنِی مَقَامَ فَضِیحَةٍ فِی دُنْیَاکَ فَلَا تُقِمْنِی مِثْلَهُ فِی آخِرَتِکَ

و آن زمان که مرا در دنیایت در مقام رسوایی به پا نداشتی، پس مانند آن در آخرتت مرا (در مقام رسوایی) به پا ندار.۱۲۰/۴۷

ص : ۶۳۶

رسوایی بنده، در صورت عدم عیب پوشی خداوند

فَلَوْ لَا سَتْرُکَ عَوْرَتِی لَکُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِینَ

پس اگر عیب پوشی تو (از موجبات) شرمندگی ام نبود، هر آینه از رسواشدگان بودم.

۷/۵۱

رسوا نساختن بنده، به سبب نیّتش

إِلَهِی لَمْ تَفْضَحْنِی بِسَرِیرَتِی

خدای من، به (ناپاکی) راز درونم مرا رسوا نکردی.۱۱/۵۱

رسول فرستاده

رسیدن

رسیدن بنده به پایان زندگی اش

...إِذَا بَلَغَ أَقْصَی أَثَرِهِ

...زمانی که به پایان عمرش رسد.۶/۱

رسیدن به فرمانبری از خدا

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَکُونُ وُصْلَةً إِلَی طَاعَتِهِ وَ عَفْوِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که به طاعت و بخشایش او برسیم.۲۹و ۲۷/۱

زحمت پیامبر صلی الله علیه و آله ، در رساندن پیام خدا

أَدْأَبَ نَفْسَهُ فِی تَبْلِیغِ رِسَالَتِکَ

در تبلیغ پیام تو، خود را به رنج انداخت.

۱۳/۲

رساننده غیب به پیامبران خدا

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ حُمَّالِ الْغَيْبِ إِلَى رُسُلِكَ

...پس درود فرست بر ايشان و بر روحانيّان از فرشتگانت و آنها كه رسانندگان اخبار نهانى بر رسولانت مى باشند.۱۰/۳

رساندن درود بندگان، بر فرستادگان خدا

اللَّهُمَّ وَ إِذَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ، وَ بَلَّغْتَهُمْ صَلَاتَنَا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ

خداوندا و آنگاه كه بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادى و درود ما را به ايشان رساندى، پس بر ما به سبب گفتار نيكو كه درباره ايشان بر (زبان) ما روان ساخته اى، درود فرست.۲۶/۳

رساندن چيزهايى از صحابه به تابعين

لَا يَتَّهِمُونَهُمْ فِيما أَدَّوْا إِلَيْهِمْ

به آنچه آنها رساندند، تهمت نمى زنند.

۱۲/۴

خواب و دست يابى به لذّت و خوشى

ص : ۶۳۷

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ... وَ جَعَلَهُ لِبَاسًا... لِيَنَالُوا بِهِ لَذَّةً وَ شَهْوَةً

پس شب را برای آنان آفرید و آن را پوشش ساخت تا به سبب آن خوشی و کام دل یابند.

۵/۶

رسیدن به سود کنونی دنیا

يَسْرَحُوا فِی أَرْضِهِ، طَلَبًا لِمَا فِيهِ نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ

در زمین به تکاپو افتند، برای رسیدن به سود کنونی از دنیا.۶/۶

رساندن پیام خدا، به وسیله محمّد صلی الله علیه و آله

أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُکَ... حَمَّلْتَهُ رِسَالَتَکَ فَأَدَّاهَا

همانا محمّد بنده توست. رسالت خود را بر او دادی، پس آن را انجام داد.۲۲/۶

رساندن (بلا و گرفتاری)، به بنده

وَ بِقُدْرَتِکَ أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ

و تو به قدرتت آن را بر من وارد نمودی.

۶/۷

نبودن برگرداننده ای، برای آنچه خدا رسانده

فَلَا مُصْدِرَ لِمَا أَوْرَدْتَ

پس برای آنچه به من رساندی، بازگرداننده ای

نیست.۷/۷

نرسیدن خستگی به بندگان، هنگام فراغت

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ، لَا تُدْرِکُنَا فِيهِ تَبِعَةٌ، وَ لَا تَلْحَقُنَا فِيهِ سَأْمَةٌ

و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد و خستگی ای به ما

نرسد.۲/۱۱

نزد خدا بودنِ رسیدن به خواسته ها

یَا مَنْ عِنْدَهُ نَیْلُ الطَّلِبَاتِ

ای آنکه رسیدن به خواسته ها نزد اوست.

۲/۱۳

یاری بنده، با رسیدن به خواسته اش

تَوَلَّنِی بِنُجْحِ طَلِبَتِیَّ وَ قَضَاءِ حَاجَتِی وَ نَیْلِ سُوءْلِی قَبْلَ زَوَالِی عَنْ مَوْقِفِی

به برآورده گشتن خواسته ام و روا شدن حاجتم، و یافتن خواسته ام، قبل از رفتنم از این مکان، مرا یاری فرما.۲۳/۱۳

دانایی خدا، به آنچه از کسی به بنده رسیده

قَدْ عَلِمْتَ، یَا إِلَهِی، مَا نَالَنِی مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ

ای خدای من، تو می دانی از فلان کس فرزند

فلان کس چیزهایی به من رسیده که تو نهی نموده ای. ۵/۱۴

احسان بر بندگان، با رسیده شدن میوه

وَ امْنُنْ عَلَی عِبَادِکَ بِإِينَاعِ الثَّمَرَهِ

و با به بار آمدن میوه، بر بندگانت احسان نما.

۲/۱۹

رساندن ایمان بنده، به کامل ترین ایمان

اللَّهُمَّ... بَلِّغْ بِإِيمَانِی أَكْمَلَ الْإِيمَانِ

خداوندا ایمان مرا به کامل ترین ایمان برسان.

۱/۲۰

سبب رساندن بنده، به راه هدایت

أَصِبْ بِی سَبِيلَ الْهِدَايَهِ لِلْبِرِّ فِيما أُنْفِقُ مِنْهُ

مرا در آنچه از آن دارایی انفاق می کنم، به راه رستگاری برسان.۲۳/۲۰

آسان نمودن راه، برای رسیدن به رضای خدا

اللَّهُمَّ... سَهِّلْ إِلَی بُلُوغِ رِضَاکَ سُبُلِی

خداوندا راه هایم را برای رسیدن به خوشنودی ات، آسان فرما.۲۸/۲۰

شرایط رسیدن به خوشنودی خدا

لَا أَبْلُغُ رِضَاکَ، وَ لَا أَنَالُ مَا عِنْدَکَ إِلَّا بِطَاعَتِکَ وَ بِفَضْلِ رَحْمَتِکَ

توانایی (جلب) رضایتت را ندارم. و نائل به آنچه نزد توست نیستم، جز با اطاعت (از) تو و به به فزونیِ رحمتت.۶/۲۱

از هر چه به بنده رسد، او را به طاعت خدا مشغول ساختن

وَ اشْغَلْ بِطَاعَتِکَ نَفْسِی عَنْ كُلِّ مَا يَرِدُ عَلَیَّ

و مرا از هر چه به من برسد، به طاعت خویش مشغول دار. ۹/۲۱

رضایت بنده، در آنچه از خدا به او رسد

وَ اجْعَلْ... رِضَایَ فِیما یَرِدُ عَلَیَّ مِنْکَ

و خوشنودی ام را، در آنچه از تو به من می رسد قرار ده.۵/۲۲

توفیق انجام واجبات، با وجود نرسیدن توان بنده به آن

وَ اقْضِ عَنِّی کُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِیهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَیَّ... وَ إِنْ... لَمْ تَنَلْهُ مَقْدُرَتِی

و مرا به انجام آنچه بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده و گرچه توانایی ام به آن نرسد.

۶/۲۲

وسیله رسیدن به جوار الهی

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِی مِنْ حُطَامِهَا، وَ عَجَّلْتَ لِی مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَةً إِلَی جِوَارِکَ، وَ وُصْلَةً إِلَی قُرْبِکَ

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، و هم اکنون به دستم رسانده ای، وسیله رسیدن به جوار خود و وسیله پیوستن به جایگاه بزرگت قرار ده.۶/۳۰

رسیدن دعا و شفاعت آسمانیان و زمینیان، به بنده

فَيَنَالَنِى مِنْهُ بِدَعْوَهٍ هِىَ أَسْمَعُ لَدَيْکَ مِنْ دُعَائِى، أَوْ شَفَاعَهٍ أَوْكَدُ عِنْدَکَ مِنْ شَفَاعَتِى

پس دعایی از او به من رسد که از دعای من نزد تو شنیدنی تر است، یا شفاعتی کند که از شفاعت من نزد تو کارسازتر است.۲۷/۳۱

نرسیدن به نهایت پادشاهی و ملک خدا

وَ اسْتَعْلَى مُلْكُکَ عُلُوًّا سَقَطَتِ الْأَشْيَاءُ دُونَ بُلُوغِ أَمَدِهِ

و سلطنت تو، چنان بلندمرتبه است، که همه چیز پیش از رسیدن به پایان آن، ساقط شود.

۵/۳۲

نرسیدن وصف واصفان، به مرتبه رفعت الهی

لَا يَبْلُغُ أَدْنَى مَا اسْتَأْثَرْتَ بِهِ مِنْ ذَلِکَ أَقْصَى نَعْتِ النَّاعِتِينَ

آخرین وصفِ ستایندگان، به پایین ترین مرتبه ای (از رفعت) که به خود اختصاص داده ای،

نمی رسد.۶/۳۲

نرساندن بیماری به بندگان، با ابرها

لَا تُصِبْنَا فِيهَا بِآفَهٍ

در آنها (ابرها)، آفتی به ما نرسان.۲/۳۶

نرسیدن به نهایت شکر خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِکَ غَايَهً

خداوندا همانا کسی به نهایت شکرگزاری ات نمی رسد.۱/۳۷

کوشش بنده، و نرسیدن به طاعت الهی

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا... لَا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِکَ وَ إِنِ اجْتَهَدَ

خداوندا همانا کسی در طاعت تو هر چند تلاش کند، به جایی نمی رسد.۲و۱/۳۷

وسیله رسیدن به توفیق در عمل

زِدْنِی مِنْ هُدَاکَ مَا أَصِلُ بِهِ إِلَی التَّوْفِیقِ فِی عَمَلِی

هدایت خود را برایم بیفزا، که با آن به توفیق در عملم برسم.۱۶/۳۷

سبب حرص ورزی بر زود رسیدن به خدا

اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِیرَ إِلَیْکَ، وَ نَحْرِصُ لَهُ عَلَی وَشْکِ اللَّحَاقِ بِکَ

از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کُند شماریم و به زود

رسیدن به تو حرص ورزیم.۳/۴۰

رساندن فهم عجایب قرآن، به دل های بندگان

اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّیَالِی مُونِسًا، وَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّیْطَانِ وَ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا... حَتَّی تُوصِلَ إِلَی قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ

قرآن را مونس ما در تاریکی های شب و نگهبان ما از وسوسه های شیطان و از اندیشه های بد، قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مَثل های بازدارنده اش را به دل های ما برسانی.۱۰/۴۲

رساندن پیامبر صلی الله علیه و آله ، به بهترین چیزها

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا یَأْمُلُ مِنْ خَیْرِکَ وَ فَضْلِکَ وَ کَرَامَتِکَ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که با آن او را به برترین خیر و فضل و کرامتی که آرزو دارد، برسانی.۲۱/۴۲

پیامبر صلی الله علیه و آله و رساندن پیام ها و آیات الهی

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَّغَ مِنْ رِسَالَاتِکَ، وَ أَدَّی مِنْ آیَاتِکَ... أَفْضَلَ مَا جَزَیْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را ابلاغ نمود و آیه هایت را رساند، پاداش ده. بهترین پاداشی که به یکی از فرشتگان نزدیک خود دادی.

۲۲/۴۲

نرسیدن اندیشه ها، به آنچه خدا بر بندگان پوشانده

أَنْتَ الَّذِی دَلَلْتَهُمْ... عَلَی مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ... لَمْ تَلْحَقْهُ أَوْهَامُهُمْ

تویی آنکه ایشان را راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشاندی، اندیشه هایشان به آن نمی رسید.۱۴/۴۵

بینایی نسبت به، رسیدن به کرامت الهی

بَصَّرْتَنَا... الْوُصُولَ إِلَی کَرَامَتِکَ

ما را به (راه) رسیدن به کرامت، بینا نمودی.

۱۹/۴۵

رساندن عمرهای بندگان، به ماه رمضان آینده

وَ ابْلُغْ بِأَعْمَارِنَا مَا بَيْنَ أَيْدِينَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ

و عمر ما – که در پیش روی ماست – را، به ماه رمضان آینده برسان.۴۶/۴۵

رسیدن به حقّ خدا، در دو ماه رمضان (گذشته و آینده)

أَجْرِ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا لِحَقِّكَ فِى الشَّهْرَيْنِ مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ

از اعمال شایسته، آنچه را که سبب دریافتن حقّ تو در دو ماه (رمضان گذشته و آینده) از

ص : ۶۴۱

ماه های روزگار باشد، برای ما پیوسته گردان.

۴۶/۴۵

رساندن بندگان به ماه رمضان آینده

ابْلُغْ بِأَعْمَارِنَا مَا بَيْنَ أَيْدِينَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ، فَإِذَا بَلَّغْتَنَاهُ فَأَعِنَّا عَلَى تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَهِ

عمر ما – که در پیش روی ماست – را، به ماه رمضان آینده برسان. پس چون ما را به آن رساندی، ما را بر انجام عبادتی که تو شایسته آنی، یاری فرما.۴۶/۴۵

رساندن بندگان، به رعایت فرمانبری خدا

أَدِّنَا إِلَى الْقِيَامِ بِمَا يَسْتَحِقُّهُ مِنَ الطَّاعَهِ

ما را بر قیام به طاعتی که سزاوار آن ماه است، برسان.۴۶/۴۵

رسیدن برکات درود، بر فرستنده آن

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا وَ آلِهِ... صَلَاهً تَبْلُغُنَا بَرَكَتُهَا، وَ يَنَالُنَا نَفْعُهَا

خداوندا بر محمّد پیامبرمان و خاندانش درود فرست. درودی که برکت آن به ما رسد و سودش ما را دریابد.۵۶/۴۵

گسیختن اوصاف، پیش از رسیدن به وصف خدا

تَفَسَّخَتْ دُونَ بُلُوغِ نَعْتِكَ الصِّفَاتُ

توصیف ها پیش از رسیدن به وصف تو، از هم گسیخته اند.۱۲/۴۶

رسیدن همه نیک بختان و بدبختان، به حکم خدا

كُلُّهُمْ صَائِرُونَ إِلَى حُكْمِكَ

همه ایشان به حکم تو می رسند.۱۸/۴۶

رسیدن به خوشنودی خدا، در روز عرفه

اجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيبًا أَنَالُ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ

در این روز برای من نصیبی قرار ده که با آن به بهره ای ویژه از خوشنودی ات برسم.۷۱/۴۷

شریک نداشتن خدا، در رسیدن نعمت به بنده

لَا تَسْتَدْرِجْنِی بِإِمْلَائِکَ لِی اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَنَعَنِی خَیْرَ مَا عِنْدَهُ وَ لَمْ یَشْرَکْکَ فِی حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِی

مرا با مهلت دادنت، غافلگیر نکن. همانند غافلگیر نمودن کسی که مرا از نیکی آنچه نزدش است، بی بهره گردانده، در حالی که در رسیدن نعمتش به من شریک تو نبوده است.۹۰/۴۷

ویژگی های آنکه به منتها درجات رسیده

بَلِّغْنِی مَبَالِغَ مَنْ عُنِیتَ بِهِ، وَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِ، وَ رَضِیتَ عَنْهُ، فَأَعَشْتَهُ حَمِیدًا

ص : ۶۴۲

مرا به منتها درجات کسی رسان که به او عنایت داشته ای و به او نعمت داده ای و از او خوشنود گشته ای پس بدین سبب او را ستوده، زنده داشته ای.۱۰۵/۴۷

زندگی پاکیزه، و رسیدن بنده به آنچه دوست دارد

فَأَحْيِنِی حَيَاةً طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ، وَ تَبْلُغُ مَا أُحِبُّ مِنْ حَيْثُ لَا آتِی مَا تَكْرَهُ

پس مرا به حیاتی پاکیزه زنـده دار، که آنچه می خواهم فراهم گردد و به آنچه دوست دارم برسد. در صورتی که آنچه را نمی پسندی، انجام ندهم.۱۱۷/۴۷

نرسیدن به نیکی، جز از جانب خداوند

فَإِنِّی لَمْ أُصِبْ خَيْرًا قَطُّ إِلَّا مِنْكَ

پس به درستی که هرگز به خیری جز از جانب تو نرسیده ام.۴/۴۸

سبب احراز بهره و رسیدن به اصلاح نفس

لَوْ لَا إِحْسَانُكَ إِلَيَّ وَ سُبُوغُ نَعْمَائِكَ عَلَيَّ مَا بَلَغْتُ إِحْرَازَ حَظِّی، وَ لَا إِصْلَاحَ نَفْسِی

اگر احسان تو به من و فراوانی نعمت هایت بر من نبود، هیچگاه به بهره خود نمی رسیدم و اصلاح خویش را نمی یافتم.۲/۵۱

رشته سبب

رشک حسد

رضوان

درود خدا بر (فرشته) رضوان

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ رِضْوَانَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و (فرشته) رضوان.۱۸و۱۱و۱۰/۳

رعد

شنیده شدن بانگ رعدها

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِی بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّ‍‍ان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود.

۱۴و۱۱و۱۰/۳

ناتوانی بنده، از تحمّل (شنیدن) صدای رعد

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَ‍‍خْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ

ص : ۶۴۳

الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ... الَّتِی لَا تَسْتَطِیعُ صَوْتَ رَعْدِکَ

پس خداونـدا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی صدای غرش ابرت را ندارد.۵/۵۰

رغبت خواسته

رفاه آسایش

رفتار کردار

رفتار تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، به روش صحابه

الَّذِینَ... مَضَوْا عَلَی شَاکِلَتِهِمْ

آنان که به روش آنها رفتار نمودند.۱۰/۴

خوشنودی خدا، به رفتار (نیک) اندک بنده

یَا مَنْ رَضِیَ مِنْ فِعْلِهِمْ بِالْیَسِیرِ، وَ یَا مَنْ کَافَی قَلِیلَهُمْ بِالْکَثِیرِ

ای آنکه از کردار اندک ایشان، خرسند شده و ای آنکه کمِ ایشان را پاداش فراوان داده است.

۱۰/۱۲

درخواست بنده بر به عدالت رفتار نکردن خدا با او

وَ لَا تَحْمِلْنِی بِعَدْلِکَ عَلَی الِاسْتِحْقَاقِ

و با دادگری ات بر آنچه سزاوارم رفتار نکن.

۲۰/۱۳

به احسان رفتار نمودن خدا، با آفریدگان

وَ احْمِلْنِی بِکَرَمِکَ عَلَی التَّفَضُّلِ

و به فضل خویش با من به احسان رفتار نما.

۲۰/۱۳

وَ أَخَذَ عَلَی جَمِیعِ خَلْقِهِ بِالْفَضْلِ

و با همه آفریدگانش با فضل رفتار کرد.

۱/۳۵

نابود ساختن رفتار پیشین

وَ امْحُ عَنِّی شَرَّ مَا قَدَّمْتُ

و از من زشتی آنچه پیش فرستاده ام را بزدای.

۶/۱۵

ناتوانی بنده بر یادآوری رفتارهای بدش

بَلْ أَنَا یَا إِلَهِی... أَشْنَعُ أَفْعَالًا... مِنْ أَنْ أُحْصِیَ لَکَ عُیُوبِی، أَوْ أَقْدِرَ عَلَی ذِکْرِ ذُنُوبِی

بلکه من – ای خدای من – کردارهایم بدتر از آن است که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.۲۷/۱۶

کم شمردن رفتار نیک خود

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی... اسْتِقْلَالِ الْخَیْرِ وَ إِنْ کَثُرَ مِنْ قَوْلِی وَ فِعْلِی

و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان در کم شمردن نیکی گفتار و کردارم اگر چه بسیار باشد.

۱۰/۲۰

زیاد شمردن کردار بد خویش

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی... اسْتِکْثَارِ الشَّرِّ وَ إِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِی وَ فِعْلِی

و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان در بسیار شمردن بدی گفتار و کردارم اگر چه کم باشد.

۱۰/۲۰

بخشیدن رفتار بیجای پدر و مادر

اللَّهُمَّ وَ مَا... أَسْرَفَا عَلَیَّ فِیهِ مِنْ فِعْلٍ... فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا

خداوندا و آنچه بر من در کردار، زیاده روی کرده اند، پس آن را به ایشان بخشیدم.۹/۲۴

بخشش بدرفتاری بنده

اللَّهُمَّ إِنِّی... أَسْتَوْهِبُکَ سُوءَ فِعْلِی

خداوندا، به درستی که من از زشتی کردارم، از تو بخشش می طلبم.۲۱/۳۱

رفتار خدا با بنده، رفتار نیرومندی مهربان

با بنده ای خوار

وَ افْعَلْ بِی فِعْلَ عَزِیزٍ تَضَرَّعَ إِلَیْهِ عَبْدٌ ذَلِیلٌ فَرَحِمَهُ، أَوْ غَنِیٍّ تَعَرَّضَ لَهُ عَبْدٌ فَقِیرٌ فَنَعَشَهُ

و با من همچون رفتارِ عزیزی که بنده ذلیلی پیش او زاری کرده، پس به او مهربانی نموده، رفتار نما. یا همانند توانگری که بنده بینوایی پیش او آمده، پس او را بی نیاز کرده.۲۴/۳۱

بنده و عدم فراموشی رفتار ناپسند خود

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّی بِسُوءِ أَثَرِی، وَ لَا نِسْيَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِيمِ فِعْلِی

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم و از فراموشیِ کردار نکوهیده گذشته ام نیست.

۲۶/۳۱

رفتار خدا با فرمانبران و معصیت کاران

فَسُبْحَانَکَ مَا أَبْيَنَ كَرَمَکَ فِی مُعَامَلَهِ مَنْ أَطَاعَکَ أَوْ عَصَاکَ...

پس منزّهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی کرده است.۱۰/۳۷

از دست رفتن دست رنج بنده و رفتار خدا با او

...وَ لَوْ فَعَلْتَ ذَلِکَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ لَهُ وَ جُمْلَهِ مَا سَعَى فِيهِ جَزَاءً لِلصُّغْرَى مِنْ أَيَادِيکَ وَ مِنَنِکَ

...و اگر بـا او چنین رفتـار می نمـودی، همه آنچه برای آن تلاـش نمـوده و همه آنچه در آن کوشـیده، در برابر کوچـک ترین احسان های تو و نعمت هایت از دست رفته بود.۱۳/۳۷

رفتار خداوند، با بنده

إِنَّکَ إِنْ تَفْعَلْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی تَفْعَلْهُ بِمَنْ لَا یَجْحَدُ اسْتِحْقَاقَ عُقُوبَتِکَ...

ای خـدای من، به درستی که تو اگر چنین رفتـار کنی، آن را دربـاره کسـی انجـام می دهی، که شایسـتگی عقوبت تو را انکار نمی کند.۱۱/۳۹

تَفْعَلْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْکَ أَکْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِیکَ...

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست.۱۲/۳۹

بردباری خدا، در رفتار با معصیت کار

وَ تَلَقَّیْتَ مَنْ عَصَاکَ بِالْحِلْمِ

و با کسی که نافرمانی ات را نموده، با بردباری رفتار می کنی.۹/۴۵

خوشنودشده به رفتار دشمنان ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَهُمْ... وَ مَنْ رَضِیَ بِفِعَالِهِمْ

خداوندا، دشمنان ایشان را و هر که را به کردارشان خوشنود می شود، لعنت کن.۱۰/۴۸

رفتن

به صبح درآمدن ثابت و رونده، در ملک خدا

أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْیَاءُ کُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَکَ... مُقِیمُهُ وَ شَاخِصُهُ

صبح کردیم و صبح کردند همه چیز از ثابت و رونده و همه از آنِ تو هستیم.۹/۶

روز عبور از پل دوزخ

وَ ثَبِّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ یَوْمَ الْمَـجَازِ عَلَیْهَا زَلَلَ أَقْدَامِنَا

و هنگـام لرزیـدن پـل دوزخ، در آن روز کـه بر آن عبـور می کنیـم، لغزش گـام هـای مـا را بـه وسـیله آن (قرآن)، پـابرجا

گردان.۱۵/۴۲

رفتن نور پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان، از پیش رو و سمت راستشان (در قیامت)

يَوْمَ لَا يُخْزِى اللَّهُ النَّبِىَّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ، نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ...

روزی که خداوند، پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده اند را خوار نمی کند. نورشان پیش رو و از سمت راستشان حرکت می کند.۱۱/۴۵

رفتن رمضان از میان مسلمانان

ص : ۶۴۶

فَنَحْنُ مُوَدِّعُوهُ وِدَاعَ مَنْ... أَوْحَشَنَا انْصِرَافُهُ عَنَّا

پس آن را وداع می گوییم، وداع از کسی که رفتنش از (میان) ما، بیمناکمان می سازد.

۲۳/۴۵

گرامیداشت رفتن بنده از نزد خدا و بازگشتنش

وَ أَكْرِمْ مِنْ عِنْدِكَ مُنْصَرَفِی، وَ إِلَيْكَ مُنْقَلَبِی

و رفتنم را از نزدت و بازگشتم را به سویت، گرامی دار.۲۵/۴۶

میراندن بنده و رفتن نور از سمت راست و پیش رویش

وَ أَمِتْنِی مِيتَهَ مَنْ يَسْعَى نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ

و مرا بمیران، همچون مردن کسی که روشنایی اش در پیش رویش و از سمت راستش در حرکت است.۱۱۷/۴۷

رفت و آمد

رفت و آمدِ شب و روز

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، تا شب و روز در گردش هستند.۳۴/۳۲

رکوع

رکوع برای خدا، تا کَنده شدن استخوان پشت

يَا إِلَهِی لَوْ... رَكَعْتُ لَكَ حَتَّى يَنْخَلِعَ صُلْبِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَيِّئَاتِی

ای خدای من اگر آنقدر برای تو رکوع کنم تا استخوان پشتم کَنده شود، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

۳۰/۱۶

به جا آوردن رکوع و سجود، طبق سنّت رسول خدا صلی الله علیه و آله

وَ أَنْزِلْنَا فِيهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّينَ لَهَا فِی أَوْقَاتِهَا عَلَی مَا سَنَّهُ عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ صَلَوَاتُکَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِی رُکُوعِهَا وَ سُجُودِهَا...

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سنّتی که بنده و رسول تو [که درودهایت بر او و خاندانش باد] در رکوع و سجود آن قرار داد - به جا آورده اند.

۹/۴۴

رگ

روان گرداندن شیطان، در رگ های بنده

ص : ۶۴۷

وَ أَجْرَيْتَهُ مَجَارِيَ دِمَائِنَا

و او (شیطان) را در رگ های خونمان روان نمودی. ۶/۲۵

آرمیدن رگ های بنده

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُؤَالَ مَنْ... بَدَنُهُ غَافِلٌ لِسُکُونِ عُرُوقِهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که تن او به خاطر آرامش رگ هایش، غافل مانده.۸/۵۲

رگبار

شناساندن پیمانه رگبارها، به فرشتگان

...وَ الَّذِینَ عَرَّفْتَهُمْ... کَیْلَ مَا تَحْوِیهِ لَوَاعِجُ الْأَمْطَارِ وَ عَوَالِجُهَا

...و آنها که پیمانه باران های شدید و رگبارهای متراکم را به آنان شناسانده ای.

۱۶/۳

رمضان

رمضان، ماه احسان خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْکَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه

رمضان را، (یکی) از آن راه ها(ی احسان) قرار داد.

۳/۴۴

رمضان، ماه روزه، اسلام، پاکیزگی و تصفیه

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْکَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ، شَهْرَ الصِّیَامِ، وَ شَهْرَ الْإِسْلَامِ، وَ شَهْرَ الطَّهُورِ، وَ شَهْرَ الَّتمْحِیصِ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان، ماه روزه و ماه اسلام و ماه پاکی و ماه پاکسازی را (یکی) از آن راه ها قرار داد.۳/۴۴

رمضان، ماه قیام (برای نماز) و ماه نزول قرآن

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْکَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... شَهْرَ الْقِیَامِ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان (و) ماه به پا خواستن را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فروفرستاده شد.

۳/۴۴

سبب برتری ماه رمضان، بر دیگر ماه ها

فَأَبَانَ فَضِیلَتَهُ عَلَی سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرُمَاتِ الْمَوْفُورَهِ...

پس فضیلت آن را بر سایر ماه ها، به حرمت های فراوان آشکار ساخت.۴/۴۴

علّت حرام نمودن حلال ها، در رمضان

ص : ۶۴۸

فَحَرَّمَ فِيهِ مَا أَحَلَّ فِی غَيْرِهِ إِعْظَامًا

پس در آن به خاطر بزرگ داشتش، آنچه در غیر آن حلال بود، حرام کرد.۴/۴۴

منع خوردنی و آشامیدنی، در رمضان

وَ حَجَرَ فِيهِ الْمَطَاعِمَ وَ الْمَشَارِبَ إِكْرَامًا

و از جهت گرامی داشتش، خوردنی ها و آشامیدنی ها را در آن ممنوع نمود.۴/۴۴

قرار دادن وقت معیّن، برای رمضان

وَ جَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيِّنًا...

و برای آن، زمان آشکاری قرار داد.۴/۴۴

برتری شبی از رمضان، بر هزار ماه

ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِی أَلْفِ شَهْرٍ

آنگاه یک شب از شب های آن را بر شب های هزار ماه برتری داد.۵/۴۴

آنچه در ماه رمضان الهام نمودن آن، از خدا درخواست شود

وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَهَ فَضْلِهِ وَ إِجْلَالَ حُرْمَتِهِ، وَ التَّحَفُّظَ مِمَّا حَظَرْتَ فِيهِ

و شناختِ فضیلتش، و بزرگ داشتِ احترامش، و خویشتن داری از آنچه را که در آن حرام نموده ای، به ما الهام کن.۶/۴۴

درخواست یاری شدن به روزه داری، در

ماه رمضان

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيکَ، وَ اسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيکَ...

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان و به کار بردنش در آن ماه به آنچه تو را خوشنود می سازد، یاری فرما.۶/۴۴

وَ أَعِنَّا فِی نَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ، وَ فِی لَيْلِهِ عَلَى الصَّلَاهِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَيْکَ، وَ الْخُشُوعِ لَکَ

و ما را در روزش به روزه داری آن و در شبش بر نماز و زاری به درگاهت و خشوع برای تو، یاری نما.۱۷/۴۴

ماه رمضان و اوقات نمازهای پنجگانه

وَ قِفْنَا فِیهِ عَلَی مَوَاقِیتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِی حَدَّدْتَ... وَ أَوْقَاتِهَا الَّتِی وَقَّتَّ

و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، با حدودش که مشخص نمودی و اوقاتش که تعیین گرداندی، آگاه فرما.۸/۴۴

توفیق انجام اموری، در ماه رمضان

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَ الصِّلَهِ، وَ أَنْ نَتَعَاهَدَ جِیرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَ الْعَطِیَّهِ، وَ أَنْ نُخَلِّصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبِعَاتِ، وَ أَنْ نُطَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزَّکَوَاتِ...

و ما را در آن ماه توفیق ده، که با نیکی و بخشش، به خویشاوندانمان نیکی کنیم و با فضل و عطا، همسایگانمان را دلجویی نماییم. و

دارایی هایمان را از مظالم خالص گردانیم و آن را با بیرون کردن زکات ها پاک کنیم.۱۰/۴۴

وَ وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّاكِيَهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ...

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جوییم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی.

۱۱و۱۰/۴۴

درخواست از خدا، به حقِّ ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ، وَ بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ مِنِ ابْتِدَائِهِ إِلَى وَقْتِ فَنَائِهِ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ...

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حقّ این ماه و به حقّ کسانی که در آن، از آغاز آن تا پایانش تو را بندگی کرده اند، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱۲/۴۴

بودن در زمره آزادشدگان عفو خدا، در شب های ماه رمضان

وَ إِذَا كَانَ لَكَ فِى كُلِّ لَيْلَهٍ مِنْ لَيَالِى شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ يُعْتِقُهَا عَفْوُكَ... فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْكَ الرِّقَابِ

و چنانچه در هر شب از شب های این ماه ما، برای تو بندگانی باشد، که عفو تو، آنها را آزاد می کند، پس ما بندگان را از آن بندگان قرار ده.

۱۴/۴۴

در زمره بهترین یاران رمضان بودن

اجْعَلْنَا لِشَهْرِنَا مِنْ خَيْرِ أَهْلٍ وَ أَصْحَابٍ

ما را برای ماه مان از بهترین خویشان و یاران قرار ده.۱۴/۴۴

نابودی گناهان بنده، با سپری شدن هلال ماه رمضان

وَ امْحَقْ ذُنُوبَنَا مَعَ امِّحَاقِ هِلَالِهِ

و با محو شدن هلال ماه، گناهان ما را محو کن.

۱۵/۴۴

کَندن بدی های بندگان، با گذر روزهای رمضان

وَ اسْلَخْ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ انْسِلَاخِ أَيَّامِهِ حَتَّى يَنْقَضِيَ عَنَّا وَ قَدْ صَفَّيْتَنَا فِيهِ مِنَ الْخَطِيئَاتِ...

و بـا گذشـتن روزهایش، بـدی هایمان را از ما بکن. تا (این ماه) در حالی از ما بگـذرد که ما را در آن از خطاها پاکیزه ساخته ای.۱۵/۴۴

کجروی در ماه رمضان، و بازگشت از آن

وَ إِنْ مِلْنَا فِيهِ فَعَدِّلْنَا، وَ إِنْ زُغْنَا فِيهِ فَقَوِّمْنَا

و اگر در آن کجروی کرده ایم، پس ما را بازگردان و اگر در آن منحرف شده ایم، ما را استوار بدار.۱۶/۴۴

پر ساختن ماه رمضان، از عبادت بندگان

ص : ۶۵۰

اللَّهُمَّ اشْحَنْهُ بِعِبَادَتِنَا إِیَّاکَ، وَ زَیِّنْ أَوْقَاتَهُ بِطَاعَتِنَا لَکَ

خداوندا این (ماه) را از عبادت های ما، پر گردان و اوقاتش را به طاعت ما برای خود، زینت ده.۱۷/۴۴

شمول درخواست در ماه رمضان، در همه ماه ها

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنَا فِی سَائِرِ الشُّهُورِ وَ الْأَیَّامِ کَذَلِکَ مَا عَمَّرْتَنَا

خداوندا و ما را تا زمانی که عمر می دهی در بقیه ماه ها و روزها، این چنین قرار ده.۱۸/۴۴

ماه رمضان، از کارهای برگزیده و واجبات مخصوص

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صَفَایَا تِلْکَ الْوَظَائِفِ، وَ خَصَائِصِ تِلْکَ الْفُرُوضِ شَهْرَ رَمَضَانَ...

خداوندا و تو از کارهای برگزیده و واجبات مخصوصه، ماه رمضان را قرار دادی.۲۰/۴۵

خاص بودن ماه رمضان، در مقایسه با سایر ماه ها

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ... خَصَائِصِ تِلْکَ الْفُرُوضِ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِی اخْتَصَصْتَهُ مِنْ سَائِرِ الشُّهُورِ

خداوندا و تو از واجبات مخصوصه، ماه رمضان را قرار دادی. همان که آن را از بقیه ماه ها

مخصوص داشتی.۲۰/۴۵

ماه رمضان، سبب برتری امّت اسلام

ثُمَّ آثَرْتَنَا بِهِ عَلَی سَائِرِ الْأُمَمِ، وَ اصْطَفَیْتَنَا بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ الْمِلَلِ

سپس ما را بر بقیه امّت ها به وسیله آن (ماه)، برتری دادی و به فضیلت آن ما را - نه اهل آئین های دیگر را - برگزیدی.۲۱/۴۵

رمضان و شب قدر

وَ أَجْلَلْتَ فِیهِ مِنْ لَیْلَهِ الْقَدْرِ (الَّتِی هِیَ) خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

و شب قدر را که از هزار ماه بهتر است، در آن بزرگ داشتی.۲۰/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ عَلَی لَیْلَهِ الْقَدْرِ الَّتِی هِیَ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

درود بر تو و بر شب قدر که بهتر است از هزار ماه. ۴۰/۴۵

روزه داشتن، در روزهای ماه رمضان

فَصُمْنَا بِأَمْرِكَ نَهَارَهُ

پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم.

۲۱/۴۵

برخاستن در شب های رمضان

وَ قُمْنَا بِعَوْنِكَ لَيْلَهُ

و به یاری تو شبش را به پا خاستیم.۲۱/۴۵

ص : ۶۵۱

ماه رمضان، وسیله پاداش خدا

وَ تَسَبَّبْنَا إِلَيْهِ مِنْ مَثُوبَتِکَ

و آن را وسیله پاداش تو قرار دادیم.

۲۱/۴۵

پسندیده زیستن رمضان، در بین مسلمانان

وَ قَدْ أَقَامَ فِينَا هَذَا الشَّهْرُ مُقَامَ حَمْدٍ

و این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد.۲۲/۴۵

ماه رمضان، مصاحب و یاری نیکو

وَ قَدْ أَقَامَ فِينَا هَذَا الشَّهْرُ مُقَامَ حَمْدٍ، وَ صَحِبَنَا صُحْبَةَ مَبْرُورٍ

و این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد و با ما همچون یارِ نیکو همراه شد.۲۲/۴۵

رمضان و بهترین سودها

وَ قَدْ أَقَامَ فِينَا هَذَا الشَّهْرُ مُقَامَ حَمْدٍ، وَ... أَرْبَحَنَا أَفْضَلَ أَرْبَاحِ الْعَالَمِينَ

و این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد و ما را به برترین سودهای جهانیان، سودمند نمود.۲۲/۴۵

جدا شدن رمضان، از بنده

ثُمَّ قَدْ فَارَقَنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ، وَ انْقِطَاعِ مُدَّتِهِ

سپس هنگام تمام شدن وقتش و به سر آمدن مدّتش، از ما جدا شد.۲۲/۴۵

وداع نمودن با رمضان

فَنَحْنُ مُوَدِّعُوهُ وِدَاعَ مَنْ عَزَّ فِرَاقُهُ عَلَيْنَا

پس آن را وداع می گوییم، وداع از کسی که فراقش بر ما دشوار است.۲۳/۴۵

درود خدا بر رمضان، و بیان ویژگی های آن

السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَکْبَرَ، وَ يَا عِيدَ أَوْلِيَائِهِ

درود بر تو، ای بزرگ ترین ماه خدا، و ای عید دوستان او.۲۳/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ... يَا خَيْرَ شَهْرٍ فِی الْأَيَّامِ وَ السَّاعَاتِ

درود بر تو، ای بهترین ماه در روزها و ساعت ها.۲۴/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ شَهْرٍ قَرُبَتْ فِيهِ الْآمَالُ، وَ نُشِرَتْ فِيهِ الْأَعْمَالُ

درود بر تو ماهی که آرزوها در آن نزدیک شد و اعمال در آن گسترده گشت.۲۵/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ قَرِينٍ جَلَّ قَدْرُهُ مَوْجُودًا

درود بر تو همنشینی که تا بودی، احترامش بزرگ بود.۲۶/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ أَلِيفٍ آنَسَ مُقْبِلًا فَسَرَّ

درود بر تو همدمی که چون روی آورد، دل ها را آرام نمود و شادمان ساخت.۲۷/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ مُجَاوِرٍ رَقَّتْ فِيهِ الْقُلُوبُ

درود بر تو همسایه ای که دل ها در آن فروتن

گردید. ۲۸/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ نَاصِرٍ أَعَانَ عَلَى الشَّيْطَانِ

درود بر تو یاوری که در برابر شیطان یاری کرد. ۲۹/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مَا أَکْثَرَ عُتَقَاءَ اللَّهِ فِيکَ! وَ مَا أَسْعَدَ مَنْ رَعَى حُرْمَتَکَ بِکَ!

درود بر تو. چه بسیار است آزادشدگان (از عذاب) خدا در تو! و چه نیک بخت است کسی که به سبب تو، حرمتت را رعایت کند!.۳۰/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مَا کَانَ أَمْحَاکَ لِلذُّنُوبِ، وَ أَسْتَرَکَ لِأَنْوَاعِ الْعُيُوبِ

درود بر تو. چه محوکننده بودی، گناهان را! و چه پوشنده بودی، انواع عیب ها را!.۳۱/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مَا کَانَ أَطْوَلَکَ عَلَى الْمُـجْرِمِينَ، وَ أَهْيَبَکَ فِى صُدُورِ الْمُوءْمِنِينَ

درود بر تو. چه طولانی بودی، بر گناهکاران! و چه با هیبت بودی، در سینه های مؤمنان!.

۳۲/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ شَهْرٍ لَا تُنَافِسُهُ الْأَيَّامُ

درود بر تو ماهی که روزها(ی دیگر) با آن برابری نمی کند.۳۳/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ شَهْرٍ هُوَ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ

درود بر تو ماهی که از هر چیز سلامت است.

۳۴/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ غَيْرَ کَرِيهِ الْمُصَاحَبَهِ

درود بر تو که همراهی اش ناپسند نیست.

۳۵/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ کَمَا وَفَدْتَ عَلَيْنَا بِالْبَرَکَاتِ، وَ غَسَلْتَ عَنَّا دَنَسَ الْخَطِيئَاتِ

درود بر تو همان طور که با برکت ها بر ما وارد شدی و چرکی خطاها را از ما شستی.۳۶/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ غَيْرَ مُوَدَّعٍ بَرَمًا

درود بر تو نه آنکه وداع با او از روی دلتنگی باشد. ۳۷/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ مَطْلُوبٍ قَبْلَ وَقْتِهِ

درود بر تو که پیش از زمان آمدنش، طلب شده. ۳۸/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ کَمْ مِنْ سُوءٍ صُرِفَ بِکَ عَنَّا

درود بر تو. چه بسیار بدی ها که به سبب تو، از ما برطرف شد!.۳۹/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ وَ عَلَى لَيْلَهِ الْقَدْرِ الَّتِی هِیَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

درود بر تو و بر شب قدر که بهتر است از هزار ماه. ۴۰/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مَا کَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْسِ عَلَيْکَ! وَ أَشَدَّ شَوْقَنَا غَدًا إِلَيْکَ!

درود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حریص بودیم! و فردا چه سخت به سوی تو مشتاقیم!.

۴۱/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ وَ عَلَى فَضْلِکَ الَّذِی حُرِمْنَاهُ، وَ عَلَى

مَاضٍ مِنْ بَرَكَاتِکَ سُلِبْنَاهُ

درود بر تو و بر فضیلتت که از آن محروم شدیم و بر نیکی های گذشته ات که از دست دادیم.

۴۲/۴۵

(امّت اسلام)، اهل ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِی شَرَّفْتَنَا بِهِ

خداوندا، همانا ما اهل این ماه هستیم، که ما را به وسیله آن شرافت دادی.۴۳/۴۵

ارجمندی با ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِی شَرَّفْتَنَا بِهِ

خداوندا، همانا ما اهل این ماه هستیم، که ما را به وسیله آن شرافت دادی.۴۳/۴۵

عطای توفیق (عبادت) در ماه رمضان

وَ وَفَّقْتَنَا بِمَنِّکَ لَهُ...

و ما را برای آن به وسیله نعمتت، توفیق دادی.

۴۳/۴۵

بدبختان، و ناآشنایی به وقت رمضان

وَ وَفَّقْتَنَا بِمَنِّکَ لَهُ حِینَ جَهِلَ الْأَشْقِیَاءُ وَقْتَهُ، وَ حُرِمُوا لِشَقَائِهِمْ فَضْلَهُ

و ما را برای آن به وسیله نعمتت، توفیق دادی، آنگاه که تیره بختان، وقت آن را نشناختند و بر اثر شقاوتشان، از فضل آن ماهْ محروم گشتند.

۴۳/۴۵

برگزیده شدن (امّت اسلام)، به شناخت ماه رمضان

أَنْتَ وَلِیُّ مَا آثَرْتَنَا بِهِ مِنْ مَعْرِفَتِهِ

تویی مولایی که ما را به وسیله شناخت آن، برتری دادی.۴۴/۴۵

راه نمودن (امّت اسلام)، به طریقه رمضان

أَنْتَ وَلِیُ... هَدَیْتَنَا لَهُ مِنْ سُنَّتِهِ

تویی مولایی که ما را به روش آن، راهنمایی نمودی. ۴۴/۴۵

روزه و قیام (برای عبادت) در ماه رمضان

وَ قَدْ تَوَلَّیْنَا بِتَوْفِیقِکَ صِیَامَهُ وَ قِیَامَهُ عَلَی تَقْصِیرٍ

و ما را – با (همه) کوتاهیْ (کردن هایمان) – توفیق دادی تا روزه اش و به پا خاستنش (در شبانگاه) را عهده دار شویم.۴۴/۴۵

انجام اندکی از بسیار، در ماه رمضان

وَ أَدَّیْنَا فِیهِ قَلِیلًا مِنْ کَثِیرٍ

و در آن اندکی از بسیار را انجام دادیم.

۴۴/۴۵

ماه رمضان و پاداش خواهی از خدا

فَأْجُرْنَا عَلَی مَا أَصَابَنَا فِیهِ مِنَ التَّفْرِیطِ أَجْرًا نَسْتَدْرِکُ بِهِ الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ فِیهِ

پس ما را بر آنچه از کوتاهی در آن ماه به ما

ص : ۶۵۴

رسیده، پاداش ده. پاداشی که با آن فضل پسندیده را دریابیم.۴۵/۴۵

کوتاهی از (ادای) حقّ خدا، در رمضان

وَ أَوْجِبْ لَنَا عُذْرَکَ عَلَی مَا قَصَّرْنَا فِیهِ مِنْ حَقِّکَ

و (قبول) عذر ما را که در آن (ماه) بر حقّت کوتاهی کرده ایم، بر ما لازم گردان.۴۶/۴۵

رساندن عمر بندگان، به ماه رمضان آینده

وَ ابْلُغْ بِأَعْمَارِنَا مَا بَیْنَ أَیْدِینَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ، فَإِذَا بَلَّغْتَنَاهُ فَأَعِنَّا عَلَی تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَهِ

و عمر ما – که در پیش روی ماست – را، به ماه رمضان آینده برسان. پس چون ما را به آن رساندی، ما را بر انجام عبادتی که تو شایسته آنی، یاری فرما.۴۶/۴۵

سبب بدست آوردن حقّ خدا، در دو ماه رمضان (گذشته و آینده)

وَ أَجْرِ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا یَکُونُ دَرَکًا لِحَقِّکَ فِی الشَّهْرَیْنِ مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ

و از اعمال شایسته، آنچه را که سبب دریافتن حقّ تو در دو ماه (رمضان گذشته و آینده) از ماه های روزگار باشد، برای ما پیوسته گردان.

۴۶/۴۵

ارتکاب گناه، در ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَا أَلْمَمْنَا بِهِ فِی شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمَمٍ أَوْ إِثْمٍ... وَ اکْتَسَبْنَا فِیهِ مِنْ خَطِیئَهٍ عَلَی تَعَمُّدٍ مِنَّا... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِکَ

خداوندا و گناه کوچک یا بزرگی که در این ماه به آن نزدیک شدیم و خطایی که ما در آن (ماه) از روی عمد زیر بارش رفتیم؛ پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان.

۴۷/۴۵

اندوه بندگان با رفتن ماه رمضان

اجْبُرْ مُصِیبَتَنَا بِشَهْرِنَا

مصیبت ما را در (رفتن) ماه مان جبران کن.۴۸/۴۵

درگذشتن از خطایای بنده، با سپری شدن ماه رمضان

اللَّهُمَّ اسْلَخْنَا بِانْسِلَاخِ هَذَا الشَّهْرِ مِنْ خَطَايَانَا

خداوندا با گذشتن این ماه، ما را از خطاها درآور.۴۹/۴۵

خروج از بدی ها، با پایان ماه رمضان

وَ أَخْرِجْنَا بِخُرُوجِهِ مِنْ سَيِّئَاتِنَا

و با بیرون رفتنش، ما را از بدی هایمان بیرون بر.۴۹/۴۵

بودن در زمره نیک بخت ترین اهل ماه رمضان

ص : ۶۵۵

وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَسْعَدِ أَهْلِهِ بِهِ، وَ أَجْزَلِهِمْ قِسْمًا فِيهِ، وَ أَوْفَرِهِمْ حَظًّا مِنْهُ

و به وسیله آن، ما را از سعادتمندترین اهل آن و از پرنصیب ترین آنان در آن ماه و از بهره مندترین ایشان از آن قرار ده.۴۹/۴۵

رعایت حقّ ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَنْ رَعَى هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ، وَ أَعْطِنَا أَضْعَافَهُ مِنْ فَضْلِكَ

خداوندا و هر کس رعایت کرده این ماه را، به طوری که حقّ رعایتش است؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش و از فضلت، چندین برابر آن را به ما عطا فرما.۵۰/۴۵

عبادت خدا، از ماه رمضان تا روز قیامت

وَ اكْتُبْ لَنَا مِثْلَ أُجُورِ مَنْ صَامَهُ، أَوْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ

و برای ما مانند پاداش کسانی که روزه گرفته اند یا در این ماه تا روز قیامت تو را عبادت می کنند، بنویس.۵۱/۴۵

رنج سختی

زحمت پیامبر صلی الله علیه و آله ، در رساندن پیام خدا

وَ أَدْأَبَ نَفْسَهُ فِي تَبْلِيغِ رِسَالَتِكَ

و در تبلیغ پیام تو، خود را به رنج انداخت.

۱۳/۲

رنج بردن پیامبر صلی الله علیه و آله ، با دعوت (مردم) به دین

وَ أَتْعَبَهَا بِالدُّعَاءِ إِلَى مِلَّتِكَ

و با دعوت به دین تو، خود را خسته کرد.

۱۴/۲

بالاترین درجه بهشت برای پیامبر صلی الله علیه و آله ، در مقابل رنج کشیدنش

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ بِمَا كَدَحَ فِيكَ إِلَى الدَّرَجِهِ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ

خداوندا، او را به سبب رنجی که در راه (دین) تو کشید، به بالاترین درجه از بهشت بالا بر. ۲۳/۲

زحمت بندگان، بر نویسندگان (اعمال)

اللَّهُمَّ یَسِّرْ عَلَی الْکِرَامِ الْکَاتِبِینَ مَؤُونَتَنَا

خداوندا زحمت ما را بر نویسندگان (فرشتگان) گرامی آسان ساز.۱۵/۶

اقدام به کار با مشقّت

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... تَعَاطِی الْکُلْفَهِ

خداوندا به تو پناه می برم از انجام دادن کارِ با مشقّت. ۲و۱/۸

رفع گرفتاری رنج دیدگان

سُبْحَانَکَ نَحْنُ... أَهْلُ السُّوءِ الَّذِینَ وَعَدْتَ الْکَشْفَ

ص : ۶۵۶

عَنْهُمْ

پاک و منزّهی تو! ما گرفتارانیم که رفع گرفتاری آنها را وعده داده ای.۴/۱۰

به رنج نیفتادن خدا، از دعای بنده

وَ یَا مَنْ لَا یُعَنِّیهِ دُعَاءُ الدَّاعِینَ

و ای آنکه دعای نیایشگران او را خسته نمی کند.۱۰/۱۳

رنج نکشیدن بنده، برای اعمال (نیکویِ) ثبت شده در حال بیماری اش

وَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ مَا کَتَبَ لِیَ الْکَاتِبَانِ مِنْ زَکِیِّ الْأَعْمَالِ، مَا... لَا جَارِحَهٌ تَکَلَّفَتْهُ

و در بین آن بیماریْ نویسندگان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که اندامی آن را با مشقّت انجام نداده.۵/۱۵

به رنج نیفتادن خدا، با روا کردن خواسته بنده

إِنَّ ذَلِکَ لَا یَضِیقُ عَلَیْکَ فِی وُسْعِکَ

به درستی که این (خواسته های من) در برابر گستره توانایی ات بر تو، رنج آور نیست.۳۴/۱۶

به دست آوردن روزی، با رنج

وَ اکْفِنِی مَؤُونَهَ الِاکْتِسَابِ

و به دست آوردن روزی با زحمت بسیار را از

من بردار.۲۴/۲۰

بنده و نداشتن طاقت رنج

اللَّهُمَّ لَا طَاقَهَ لِی بِالْجَهْدِ

خداوندا طاقت رنج کشیدن ندارم.۲/۲۲

رنج والدین، در حراست از فرزند

...وَ أَیْنَ شِدَّهُ تَعَبِهِمَا فِی حِرَاسَتِی؟!

و سختی هایی که آن دو (پدر و مادرم) در نگهداری من کشیده اند چه می شود؟۱۰/۲۴

به رنج افکندن دشمنان، با اسیری

فَإِنْ خَتَمْتَ لَهُ بِالسَّعَادَهِ، وَ قَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَهِ فَبَعْدَ أَنْ يَجْتَاحَ عَدُوَّكَ بِالْقَتْلِ، وَ بَعْدَ أَنْ يَجْهَدَ بِهِمُ الْأَسْرُ

پس اگر (زندگی اش را) برای او به خوش بختی پایان دادی و شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که دشمنت را با کشتن نابود نموده و با اسیری، ایشان را به سختی افکنده است.۱۵/۲۷

رهاندن بنده، از زحمت درخواست (از غیر خدا)

وَ هَبْ لَنَا يَقِينًا صَادِقًا تَكْفِينَا بِهِ مِنْ مَؤُونَهِ الطَّلَبِ

و ما را یقینی راستین ببخش، که بدان سبب ما را از زحمت طلب، بی نیاز نمایی.۲/۲۹

نگاهداشتن بندگان، از سختی رنج

ص : ۶۵۷

وَ أَلْهِمْنَا ثِقَهً خَالِصَهً تُعْفِینَا بِهَا مِنْ شِدَّهِ النَّصَبِ

و اطمینانی خالص در دلمان بینداز، که با آن ما را از سختی رنج معاف داری.۲/۲۹

از دست رفتن آنچه بنده برای آن، رنج کشیده

...وَ لَوْ فَعَلْتَ ذَلِکَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِیعِ مَا کَدَحَ لَهُ وَ جُمْلَهِ مَا سَعَی فِیهِ...

...و اگر با او چنین رفتار می نمودی، همه آنچه برای آن تلاش نموده و همه آنچه در آن کوشیده، از دست رفته بود.۱۳/۳۷

رنج نکشیدن، جز برای پاداش الهی

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ... حَتَّی... لَا نَتَکَلَّفَ إِلَّا مَا یُدْنِی مِنْ ثَوَابِکَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا خود را جز در آنچه به پاداش تو نزدیک کند، به رنج نیندازیم.۷و۶/۴۴

بنده، گرفتار رنجِ طولانی

أَنَا الطَّوِیلُ الْعَنَاءِ

منم که گرفتاری ام دراز است.۸۵/۴۷

به رنج انداختن خود، برای خدا

وَ تَوَحَّدْنِی بِمَا تَتَوَحَّدُ بِهِ مَنْ وَفَی بِعَهْدِکَ، وَ أَتْعَبَ

نَفْسَهُ فِی ذَاتِکَ

و تو خود به تنهایی به من نیکی کن، همانگونه که نیکی می کنی با کسی که به عهد تو وفا کرده و برای تو خود را به سختی انداخته.۸۸/۴۷

پناه بردن به خدا، از رنج

وَ أَعِذْنِی... مِنَ الذُّلِّ وَ الْعَنَاءِ

و مرا از خواری و سختی پناه ده.۱۱۹/۴۷

به رنج نیفتادن خدا، از درخواست بنده

یَا مَنْ لَا یُحْفِیهِ سَائِلٌ

ای کسی که درخواست کننده ای او را به رنج نمی اندازد.۶/۴۸

برگرداندن رنجِ گرفتاری، از بنده

وَ صَرَفْتَ عَنِّی جَهْدَ الْبَلَاءِ

و سختی گرفتاری را از من دور کردی.

۲/۵۱

برگرداندن گرفتاری رنج آور، از بنده

إِلَهِی فَكَمْ مِنْ بَلَاءٍ جَاهِدٍ قَدْ صَرَفْتَ عَنِّی

خدای من، پس چه بسیار بلاهای سختی که از من برگرداندی!۳/۵۱

روا مباح

روان [جریان]

روان نمودن روزی های پاکیزه، بر بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... أَجْرَی عَلَیْنَا طَیِّبَاتِ الرِّزْقِ

و سپاس خدایی را که روزی های پاکیزه را برایمان جاری ساخت.۱۷/۱

جاری شدن قضا و قدر، به قدرت خدا

وَ جَرَی بِقُدرَتِکَ الْقَضَاءُ

و تقدیر به قدرت تو اجرا شد.۲/۷

روان شدن اشک بنده، به سبب ترس از خدا

قَدْ تَرَی یَا إِلَهِی، فَیْضَ دَمْعِی مِنْ خِیفَتِکَ

ای خدای من، ریزش اشکم را از ترس خود می بینی.۱۹/۱۶

علّت روان بودن ابرها

وَ انْشُرْ عَلَیْنَا رَحْمَتَکَ بِغَیْثِکَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ، الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِکَ، الْمُونِقِ فِی جَمِیعِ الْآفَاقِ

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابری که برای رویاندن گیاهِ چشم انداز در همه نواحی زمینت روان است، بر ما بگستران.۱/۱۹

آبی با جریانی فراگیر

وَ أَشْهِدْ مَلَائِکَتَکَ الْکِرَامَ السَّفَرَةَ. بِسَقْیٍ مِنْکَ نَافِعٍ... وَاسِعٍ دِرَرُهُ

و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود که جاری شدنش بسیار باشد، آماده ساز.۲/۱۹

جاری ساختن جوی ها، با آب

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْیًا... تُفَجِّرُ بِهِ الْأَنْهَارَ

خداوندا ما را با بارانی که رودخانه ها را با آن روان سازی، سیراب نما.۵/۱۹

روان ساختن نیکی، به دست بنده

وَ أَجْرِ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِيَ الْخَيْرَ

و نیکی کردن به مردم را به دست من جاری ساز.۳/۲۰

روانه ساختن دل بنده، در خوشایندترین راه ها به سوی خدا

وَ أَجْرِ بِهِ فِی أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَیْکَ

و آن را در محبوب ترین راه ها به سویت روانه فرما.۱۰/۲۱

روان گشتن شیطان، در رگ های بندگان

وَ أَجْرَیْتَهُ مَجَارِیَ دِمَائِنَا

و او (شیطان) را در رگ های خونمان روان نمودی.۶/۲۵

روان شدن جوی های بهشتی، به انواع آشامیدنی ها

ص : ۶۵۹

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ... الْأَنْهَارِ الْمُطَّرِدَهِ بِأَنْوَاعِ الْأَشْرِبَهِ...

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از جوی هایی که به نوشیدنی های گوناگون روان شده، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.۴/۲۷

روان ساختن فضل خدا

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوَضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَى بِهِ، إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَى مَا أَجْرَيْتَ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند. تا آنگاه که زمان او به پایان رسد، به آنچه از فضلت برای او روان ساخته ای، برسد.

۱۶/۲۷

روان ساختن روزی، از اسباب حلال

وَ أَجْرِ مِنْ أَسْبَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِي

و روزی هایم را از اسباب حلال، روان ساز.

۳/۳۰

روان نشدن قضا و قدر الهی، جز به نیکی

وَ هَبْ لِيَ الثِّقَهَ لِأُقِرَّ مَعَهَا بِأَنَّ قَضَاءَكَ لَمْ يَجْرِ إِلَّا بِالْخِيَرَهِ

و به من اعتمادی بخش تا به اینکه قضای تو جز به نیکی جاری نگشته، اعتراف کنم.۳/۳۵

روانه ساختن بندگان، در ملک جاودان (بهشت)

وَ اسْرَحْنَا فِي مُلْكِ الْأَبَدِ

و ما را در سلطنت ابدی، رها کن.۵/۳۵

عامل روان گشتن گشایش زندگی و فراخی روزی

وَ سُقْ إِلَيْنَا بِهِ رَغَدَ الْعَيْشِ وَ خِصْبَ سَعَهِ الْأَرْزَاقِ

و به وسیله آن (قرآن)، آسایش زندگی و توسعه روزی های فراوان را به سوی ما سوق بده.

۱۲/۴۲

نزدیک گشتن زمان روانه شدن به سوی آخرت

وَ دَنَا مِنَّا إِلَی الْآخِرَهِ رَحِیلٌ وَ انْطِلَاقٌ

و کوچ کردن و رفتن ما به جهان دیگر نزدیک شود.۱۳/۴۲

روان شدن قدرت الهی، بر گذشت

أَنَّکَ... أَجْرَیْتَ قُدْرَتَکَ عَلَی التَّجَاوُزِ

همانا تو قدرتت را بر گذشت، جاری

ص : ۶۶۰

ساخته ای.۸/۴۵

جاری بودن جوی ها، از زیر (درختان) بهشت

وَ يُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

و شما را به بهشت هایی داخل کند که نهرها از زیر آن جاری است.۱۰/۴۵

روان گشتن نیکی، با رمضان

وَ كَمْ مِنْ خَيْرٍ أُفِيضَ بِكَ عَلَيْنَا

و چه بسیار نیکی ای که به وسیله تو، بر ما روان گشت!.۳۹/۴۵

روان ساختن عمل شایسته ای برای بنده

وَ أَجْرِ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا لِحَقِّكَ فِى الشَّهْرَيْنِ مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ

و از اعمال شایسته، آنچه را که سبب دریافتن حقّ تو در دو ماه (رمضان گذشته و آینده) از ماه های روزگار باشد، برای ما روان ساز.۴۶/۴۵

جام های حاجات، و جریان جود و بخشش الهی

وَ امْتَلَأَتْ بِفَيْضِ جُودِكَ أَوْعِيَهُ الطَّلِبَاتِ

و ظرف خواسته ها با زیادی جودت، پر گشته است. ۱۲/۴۶

روان نمودن بخشش های گرامی، به سوی

بنده

وَ سُقْ كَرَائِمَ مَوَاهِبِكَ إِلَيَّ

و بخشش های گرامی ات را به سوی من روان فرما. ۱۲۸/۴۷

اجرای توحید، به دست برخی از بندگان

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنِى مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَ الْإِيمَانِ بِكَ، وَ... مِمَّنْ يَجْرِى ذَلِكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ

خداوندا و مرا از یکتاپرستان و ایمان آورندگان به خود و از کسانی که آن (توحید و ایمان) به وسیله و به دست آنان اجرا می گردد، قرار ده.

۱۲/۴۸

روان بودن فرمان خدا

سُبْحانَکَ مَا... أَنْفَذَ أَمْرَکَ

پاک و منزّهی! چه روان است فرمانت!

۴/۵۲

به دست آوردن حقیقت یقین، در جریان امر خداوند

أَسْأَلُکَ... یَقِینًا تَنْفَعُ بِهِ مَنِ اسْتَیْقَنَ بِهِ حَقَّ الْیَقِینِ فِی نَفَاذِ أَمْرِکَ

از تو یقینی می خواهم که به وسیله آن هر کس را که به نافذ بودن امر تو حقیقتاً یقین پیدا کند، سود می دهی.

۳/۵۴

ص : ۶۶۱

روبرویی

روبرو شدن پیروان پیامبران، با تکذیب دشمنان

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ – مِنْ – أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ مُعَارَضَهِ الْمُعَانِدِينَ لَهُمْ بِالتَّكْذِيبِ...

خداونـدا و پیروان و تصـدیق کننـدگانِ پنهـانیِ پیـامبران از اهـل زمیـن، در هنگـامی کـه بـا تکـذیب سـتیزه جویـان روبرو می شدند...۱/۴

روبرو شدن مجاهد مسلمان، با دشمن

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّکَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ فِی عَیْنِهِ...

پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، آنها را در چشمش اندک نما.۱۵/۲۷

روبرو شدن با خدا، با تنی فروتن

فَتَلَقَّاکَ بِنَفْسٍ خَاشِعَهٍ، وَ رَقَبَهٍ خَاضِعَهٍ، وَ ظَهْرٍ مُثْقَلٍ مِنَ الْخَطَایَا...

پس با وجودی فروتن و گردنی فروافتاده و پشتی گرانبار از (بار) خطاها، پیش روی توست.

۱۹/۳۲

روبرو شدن شیطان، با بنده

...وَ تَلَقَّانِی بِکَلِمَهِ کُفْرِهِ

...و با گفتار کفرش با من روبرو شد.۱۳/۳۲

نبود همتا، برای برابری با خدا

أَنْتَ الَّذِی... لَا نِدَّ لَکَ فَیُعَارِضَکَ

تویی آنکه مانندی نداری تا با تو معارضه کند.۲۰/۴۷

سپاسی برابری کننده با عزّتِ جلالِ الهی

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... یُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِکَ

سپاس برای توست. سپاسی که با عزّتِ جلال تو برابر باشد.۴۹و۳۶/۴۷

روبرو شدن با عذاب

تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِکَ وَ بِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِکَ

در آنها، خود را در معرض سخت گیری هایت قرار داده، با عقوبت هایت روبرو شدم.۲/۴۹

مقابله کوتاهی بنده، با فراوانی نعمت

هَذَا مَقَامُ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمِ، وَ قَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ

این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده و آنها را با کوتاهی مقابله نموده است.۱۵/۴۹

روح

بهره مند ساختن بندگان، از ارواح زندگی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... مَتَّعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَيَاهِ

و سپاس خدای را که ما را به روح های زندگی

ص : ۶۶۲

بهره مند ساخت.۲۰/۱

درود خدا بر (فرشته) روح

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ لَا یَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِیحِکَ... وَ الرُّوحُ الَّذِی هُوَ عَلَی مَلَائِکَهِ الْحُجُبِ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

خداوندا و حاملان عرشت که از تسبیح تو سستی نمی کنند و روح، همان که او بر فرشتگان حجاب ها گماشته شده، پس بر آنها درود فرست.

۶و۵و۱/۳

(فرشته) روح، از عالم امر

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ لَا یَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِیحِکَ... وَ الرُّوحُ الَّذِی هُوَ مِنْ أَمْرِکَ، فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

خداوندا و حاملان عرشت که از تسبیح تو سستی نمی کنند و روح، که از عالم امر تو می باشد، پس بر آنها درود فرست.۶و۱/۳

فرود آمدن فرشتگان و روح، در شب قدر

تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند.۵/۴۴

سلام بر دوستان ائمه علیهم السلام و ارواحشان

وَ سَلِّمْ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی أَرْوَاحِهِمْ

و بر آنان و بر روح هایشان سلام فرست.

۶۵/۴۷

روده

پاره پاره شدن روده های ساکنان آتش دوزخ، از آشامیدنی آن

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... شَرَابِهَا الَّذِی یُقَطِّعُ أَمْعَاءَ وَ أَفْئِدَهَ سُکَّانِهَا

و از آشامیدنی اش که روده و دلِ ساکنانش را پاره پاره می کند، به تو پناه می برم.۳۱/۳۲

روز

گام برداشتن با روزهای زندگی، به سوی سرآمدی خاص

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِی الْحَیَاهِ أَجَلًا مَوْقُوتًا... یَتَخَطَّأُ إِلَیْهِ بِأَیَّامِ عُمُرِهِ

سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معیّن نمود، که با روزهای زندگی اش، به سوی آن گام بردارد.۶/۱

درود خدا بر تابعین از امروز تا روز قیامت

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی التَّابِعِینَ مِنْ یَوْمِنَا هَذَا إِلَی یَوْمِ الدِّینِ

خداوندا و از امروز ما تا روز قیامت بر تابعین درود فرست.۱۳/۴

پر کردن دو طرف (اوّل تا آخر) روز بنده

وَ امْلَأْ لَنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْدًا وَ شُكْرًا وَ أَجْرًا وَ ذُخْرًا وَ فَضْلًا وَ إِحْسَانًا

و دو طرف آن (روز) را برای ما از سپاس و ستایش و پاداش و ذخیره و فزونی و نیکی پر ساز.

۱۴/۶

نیکی ها و بدی های بندگان، در روز

وَ أَجْزِلْ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ، وَ أَخْلِنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ

و در آن روز خوبی ها را برای ما بسیار گردان و ما را در آن از بدی ها تهی ساز.۱۴/۶

توفیق انجام نیکی، در امروز و همه روزها

وَ وَفِّقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ...

و در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی توفیق ده.۱۸/۶

گواه گرفتن آسمان و زمین و ساکنانشان، در هر روز

وَ أُشْهِدُ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ وَ مَنْ أَسْكَنْتَهُمَا مِنْ مَلائِكَتِكَ وَ سَائِرِ خَلْقِكَ فِي يَوْمِي هَذَا...

و آسمانت و زمینت و آنچه در آن دو جای دادی از فرشتگان و سایر آفریدگانت را در این روز شاهد می گیرم.۲۱/۶

پشت کردن ایّام، به بنده

وَ أَدْبَرَتْ أَيَّامُهُ فَوَلَّتْ

و روزگارش (به او) پشت کرده و سپری شده.

۸/۱۲

تندرستی، و روز و شب

وَ إِنْ يَكُنْ مَا ظَلِلْتُ فِيهِ، أَوْ بِتُّ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْعَافِيَةِ بَيْنَ يَدَيْ بَلَاءٍ لَا يَنْقَطِعُ... فَقَدِّمْ لِي مَا أَخَّرْتَ...

و اگر این تندرستی که روز را در آن به سر برده ام یا شب را در آن به سر رسانده ام، پیش از گرفتاری ای که قطع نمی گردد باشد، پس آنچه برایم به تأخیر انداخته ای، پیش انداز.۲/۱۸

گماشتن بنده به طاعت خدا، در ایّام مهلت

وَ اسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ فِی أَیَّامِ الْمُهْلَهِ

و مرا در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار. ۲۹/۲۰

پایندگی عزّت خدا، با گردش ایّام

اللَّهُمَّ یَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِی عَلَی... مَوَاضِی الْأَزمَانِ وَ الْأَیَّامِ

خداوندا ای عزیزی که با گذشتن زمان ها و روزها، ماندگار است.۳و۱/۳۲

برپایی قرآن، در آغاز و پایان روز

وَ اقْفُ بِنَا آثَارَ الَّذِینَ قَامُوا لَکَ بِهِ آنَاءَ اللَّیْلِ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ...

ص : ۶۶۴

و ما را در پی کسانی گردان که در ساعت های شب و اطراف روز، قرآن را برای تو به پا داشتند.

۹/۴۲

برکت ماه نو، و (گذشت) روزها

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالَ بَرَكَهٍ لَا تَمْحَقُهَا الْأَيَّامُ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه با برکتی قرار دهد، که (گذشت) روزها از بینش نبرد.

۴/۴۳

کَندن بدی از بندگان، با گذشت روزهای رمضان

وَ اسْلَخْ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ انْسِلَاخِ أَيَّامِهِ...

و با گذشتن روزهایش، بدی هایمان را از ما بکن.۱۵/۴۴

یاری بندگان به روزه داری، در روز ماه رمضان

وَ أَعِنَّا فِی نَهَارِهِ عَلَی صِيَامِهِ

و ما را در روزش به روزه داری آن، یاری نما.

۱۷/۴۴

گواهی ندادن روزهای رمضان، بر غفلت بنده

وَ أَعِنَّا فِی نَهَارِهِ عَلَی صِيَامِهِ... حَتَّی لَا يَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِغَفْلَهٍ

و ما را در روزش به روزه داری آن، یاری نما.

تا روزش بر ما به غفلت، گواهی ندهد.۱۷/۴۴

شمول درخواست در ماه رمضان، بر سایر روزهای زندگی

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنَا فِی سَائِرِ الشُّهُورِ وَ الْأَيَّامِ كَذَلِكَ مَا عَمَّرْتَنَا

خداوندا و ما را تا زمانی که عمر می دهی در بقیه ماه ها و روزها، این چنین قرار ده.۱۸/۴۴

روزه داشتن، در روزهای ماه رمضان

فَصُمْنَا بِأَمْرِکَ نَهَارَهُ

پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم.

۲۱/۴۵

رمضان، بهترین ماه در روزها و ساعت ها

السَّلَامُ عَلَيْكَ... يَا خَيْرَ شَهْرٍ فِی الْأَيَّامِ وَ السَّاعَاتِ

درود بر تو، ای بهترین ماه در روزها و ساعت ها.۲۴/۴۵

رمضان، ماه برابری نکردن روزها با آن

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ لَا تُنَافِسُهُ الْأَيَّامُ

درود بر تو ماهی که روزها(ی دیگر) با آن برابری نمی کند.۳۳/۴۵

عید فطر، جلب کننده ترین روز جهت عفو

وَ اجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا أَجْلَبِهِ لِعَفْوٍ

و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته

ص : ۶۶۵

است قرار ده که جلب کننده ترین روز، برای عفو باشد.۴۸/۴۵

عید فطر، نابودکننده ترین روز برای گناه

وَ اجْعَلْهُ مِنْ خَیْرِ یَوْمٍ مَرَّ عَلَیْنَا... أَمْحَاهُ لِذَنْبٍ

و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته است قرار ده که محوکننده ترین آن، برای گناه باشد.۴۸/۴۵

مبارک گرداندن روز عید فطر

وَ بَارِکْ لَنَا فِی یَوْمِ عِیدِنَا وَ فِطْرِنَا

و برای ما روز عید و فطرمان را مبارک گردان.

۴۸/۴۵

روز عید فطر، بهترین روزها

وَ اجْعَلْهُ مِنْ خَیْرِ یَوْمٍ مَرَّ عَلَیْنَا...

و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته است قرار ده.۴۸/۴۵

روز فطر، روز عید و شادی

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ فِی یَوْمِ فِطْرِنَا الَّذِی جَعَلْتَهُ لِلْمُوءْمِنِینَ عِیدًا وَ سُرُورًا

خداوندا ما در روزِ فطرمان که آن را برای اهل ایمانْ عید و شادی قرار دادی، به درگاه تو توبه می کنیم.۵۲/۴۵

روز فطر، روز اجتماع و گردهمایی

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ فِی یَوْمِ فِطْرِنَا الَّذِی جَعَلْتَهُ... لِأَهْلِ مِلَّتِکَ مَجْمَعًا وَ مُحْتَشَدًا

خداوندا ما در روزِ فطرمان که آن را برای اهل دینتْ محل اجتماع و گردهمایی قرار دادی، به درگاه تو توبه می کنیم.۵۲/۴۵

توبه در روز فطر

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ فِی یَوْمِ فِطْرِنَا... مِنْ کُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْنَاهُ...

خداوندا ما در روزِ فطرمان از هر گناهی که آن را مرتکب شده ایم، به درگاه تو توبه می کنیم.

۵۲/۴۵

به پایان نرساندن روز بنده، با ناامیدی

وَ لَا تَخْتِمْ یَوْمِی بِخَیْبَتِی

و روزم را به ناامیدی به پایان نرسان.

۲۵/۴۶

گذر روزها، و فزونی درود بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

وَ صَلِّ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ، صَلَاةً... تَزِیدُهَا عَلَی کُرُورِ الْأَیَّامِ...

و بر او و بر خاندانش درود فرست، درودی که آن را با گذر روزها بیفزایی.۵۵/۴۷

دوستداران ائمه علیهم السلام ، منتظر ایّام (دولت) ایشان

ص : ۶۶۶

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ... الْمُنْتَظِرِينَ أَيَّامَهُمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که منتظران روزهای (دولت) آنانند، درود فرست.۶۴/۴۷

روز عرفه، روزی شریف و عظیم

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَهَ يَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که آن را شرافت و کرامت و عظمت داده ای.۶۶/۴۷

گستردن رحمت خدا، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَهَ يَوْمٌ... نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که رحمتت را در آن گسترده ای.۶۶/۴۷

انعام عفو الهی به بندگان، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَهَ يَوْمٌ... مَنَنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که بخشایشت را در آن ارزانی داشته ای.۶۶/۴۷

بسیاری عطای الهی، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَهَ يَوْمٌ... أَجْزَلْتَ فِيهِ عَطِيَّتَكَ، وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که عطایت را در آن فراوان نموده ای و به وسیله آن بر بندگانت تفضّل کرده ای.۶۶/۴۷

بهره ای ویژه برای بنده، در روز عرفه

وَ اجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيبًا أَنَالُ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ

و در این روز برای من نصیبی قرار ده که با آن به بهره ای ویژه از خوشنودی ات برسم.۷۱/۴۷

چگونه پوشاندن بنده، در روز عرفه

تَغَمَّدْنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَنَصِّلًا

در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری

نموده.۸۶/۴۷

آراستن مناجات برای بنده، در شب و روز

وَ زَیِّنْ لِیَ التَّفَرُّدَ بِمُنَاجَاتِکَ بِاللَّیْلِ وَ النَّهَارِ

و تنهایی مناجات با خودت را در شب و روز برایم بیارا.۱۱۰/۴۷

مبارک بودن روز عید قربان و روز جمعه

اللَّهُمَّ هَذَا یَوْمٌ مُبَارَکٌ مَیْمُونٌ، وَ الْمُسْلِمُونَ فِیهِ مُجْتَمِعُونَ فِی أَقْطَارِ أَرْضِکَ

خداوندا این روزیست مبارک و خجسته و در آن مسلمانان در اطراف زمینت گرد هم می آیند.

۱/۴۸

شریک شدن در دعای مؤمنان، روز عید قربان و جمعه

ص : ۶۶۷

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُشْرِکَنَا فِی صَالِحِ مَنْ دَعَاکَ فِی هَذَا الْیَوْمِ مِنْ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِینَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که ما را در درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می خواند، شریک گردانی.

۳/۴۸

فرود آوردن نیاز خود به درگاه خدا، در روز عید قربان و جمعه

اللَّهُمَّ... بِکَ أَنْزَلْتُ الْیَوْمَ فَقْرِی وَ فَاقَتِی وَ مَسْکَنَتِی

خداوندا، در این روز، تنگدستی و نیازمندی و بی چیزی ام را به سوی تو فرود آوردم.۴/۴۸

امید به عفو الهی، در روز عید قربان و جمعه

فَإِلَیْکَ یَا مَوْلَایَ کَانَتِ الْیَوْمَ تَهْیِئَتِی وَ تَعْبِئَتِی وَ إِعْدَادِی وَ اسْتِعْدَادِی رَجَاءَ عَفْوِکَ وَ رِفْدِکَ وَ طَلَبَ نَیْلِکَ وَ جَائِزَتِکَ

پس ای سرور من، امروز مهیّا و آماده گشته و ساز و برگ تهیه نموده تا به سوی تو آیم. بدین امید که به آمرزش و صله و درخواستِ بخشش و احسان تو نائل شوم.۵/۴۸

ناامید نکردن بنده، در روز عید قربان و جمعه

لَا تُخَیِّبِ الْیَوْمَ ذَلِکَ مِنْ رَجَائِی

امروز این امید مرا ناامید نکن.۶/۴۸

پناه بردن به خدا از غضبش، در روز عید قربان و جمعه

أَعُوذُ بِکَ اللَّهُمَّ الْیَوْمَ مِنْ غَضَبِکَ

خداوندا امروز از غضبت به تو پناه می آورم.

۱۷/۴۸

زنهارجویی از خشم خدا، در روز عید قربان و جمعه

أَسْتَجِیرُ بِکَ الْیَوْمَ مِنْ سَخَطِکَ

امروز از خشمت به تو پناه آورده ام.۱۸/۴۸

به پایان رسیدن روزهای زندگی بنده

ارْحَمْ... نَفَادَ أَيَّامِی

بر به آخر رسیدن روزهایم رحم کن.۴/۵۳

روز قیامت قیامت

روزگار

نزدیک شدن با سال های روزگار، به سوی سرآمدی خاص

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِی الْحَيَاهِ أَجَلًا مَوْقُوتًا... يَرْهَقُهُ بِأَعْوَامِ دَهْرِهِ

سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معیّن نمود، که با سال های روزگارش، به آن نزدیک می شود.۶/۱

فرستادن پیامبر، در هر عصر و زمان

فِی كُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أَرْسَلْتَ فِيهِ رَسُولًا...

در هر عصر و زمانی که رسولی فرستادی...

۲/۴

درودی که روزگارش به سر نرسد

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً دَائِمَةً نَامِيَةً لَا انْقِطَاعَ لِأَبَدِهَا وَ لَا مُنْتَهَى لِأَمَدِهَا

و بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی پیوسته و فزاینده که روزگار آن سپری نشود و مدّتش به پایان نرسد.**۲۴/۱۳**

پایندگی عزّت خدا، با گردش روزگارها

اللَّهُمَّ يَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِي عَلَى مَرِّ الدُّهُورِ...

خداوندا ای عزیزی که با سپری شدن روزگارها، ماندگار است.**۳و۱/۳۲**

برتری رمضان، از بین همه روزگارها

وَ تَخَيَّرْتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَزْمِنَةِ وَ الدُّهُورِ

و از همه زمان ها و روزگارها برتری اش دادی.

۲۰/۴۵

ماه های روزگار، و دریافت حقّ خدا

وَ أَجْرِ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا لِحَقِّكَ فِي الشَّهْرَيْنِ مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ

و از اعمال شایسته، آنچه را که سبب دریافتن حقّ تو در دو ماه (رمضان گذشته و آینده) از ماه های روزگار باشد، برای ما پیوسته گردان.

۴۶/۴۵

روزه

گواه نگرفتن روزی، به روزه داشتن خود

وَ لَا أَسْتَشْهِدُ عَلَی صِیَامِی نَهَارًا

و روزی را بر روزه داری ام شاهد نمی گیرم.

۱۷/۳۲

یاری بندگان، به روزه داشتن

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ...

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما.۶/۴۴

وَ أَعِنَّا فِی نَهَارِهِ عَلَی صِیَامِهِ

و ما را در روزش به روزه داری آن، یاری نما.

۱۷/۴۴

وجوب روزه، در ماه رمضان

وَ فَرَضْتَ فِیهِ مِنَ الصِّیَامِ

و روزه را در آن واجب کردی.۲۰/۴۵

روزه در ماه رمضان، به فرمان خدا

ص : ۶۶۹

فَصُمْنَا بِأَمْرِکَ نَهَارَهُ

پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم.

۲۱/۴۵

روزه ماه رمضان و گرویدن به رحمت خدا

مُتَعَرِّضِينَ بِصِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ لِمَا عَرَّضْتَنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِکَ

در حالی که در معرض روزه داشتن و به پا خاستن (شبانه) بودیم، از رحمتت - بدان خاطر - به ما عرضه داشتی.۲۱/۴۵

علّت ترک کردن روزه ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْکَ غَيْرَ مُوَدَّعٍ بَرَمًا وَ لَا مَتْرُوكٍ صِيَامُهُ سَأَمًا

درود بر تو. نه آنکه وداع با او از روی دلتنگی باشد. و نه آنکه ترک روزه اش از سر ملالت باشد.

۳۷/۴۵

توفیق الهی و عهده داری روزه

وَ قَدْ تَوَلَّيْنَا بِتَوْفِيقِکَ صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ عَلَى تَقْصِيرٍ

و ما را - با (همه) کوتاهیْ (کردن هایمان) - توفیق دادی تا روزه اش و به پا خاستنش (در شبانگاه) را عهده دار شویم.۴۴/۴۵

مبارک گرداندن روز روزه گشودن

وَ بَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا وَ فِطْرِنَا

و برای ما روز عید و فطرمان را مبارک گردان.

۴۸/۴۵

پاداشی همانند روزه دارِ ماه رمضان

اكْتُبْ لَنَا مِثْلَ أُجُورِ مَنْ صَامَهُ، أَوْ تَعَبَّدَ لَکَ فِيهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ

برای ما مانند پاداش کسانی که روزه گرفته اند یا در این ماه تا روز قیامت تو را عبادت می کنند، بنویس.۵۱/۴۵

روز فطر و روزه گشودن، روز عید و شادی

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْکَ فِی يَوْمِ فِطْرِنَا - الَّذِی جَعَلْتَهُ لِلْمُوءْمِنِينَ عِيدًا وَ سُرُورًا، وَ لِأَهْلِ مِلَّتِکَ مَجْمَعًا وَ مُحْتَشَدًا -

خداونـدا ما در روزِ فطرمان که آن را برای اهل ایمانْ عیـد و شادی و برای اهل دینتْ محل اجتماع و گردهمایی قرار دادی، به درگاه تو توبه می کنیم.

۵۲/۴۵

توبه به درگاه خدا، در روز فطر و روزه گشودن

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْکَ فِی يَوْمِ فِطْرِنَا...

خداوندا ما در روزِ فطرمان به درگاه تو توبه می کنیم.۵۲/۴۵

روزی رزق

روش

سنّت خدا در توبه، برای پیشینیان

...فَمَا هَکَذَا کَانَتْ سُنَّتُهُ فِی التَّوْبَهِ لِمَنْ کَانَ قَبْلَنَا، لَقَدْ

وَضَعَ عَنَّا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ

البته روش او در (قبول) توبه، برای کسانی که پیش از ما بودند، این چنین نبوده و از (دوش) ما آنچه به آن طاقت نداریم برداشته.۲۳/۱

رفتار کردن تابعین اصحاب، مطابق روش صحابه

الَّذِینَ... مَضَوْا عَلَی شَاکِلَتِهِمْ

آنان که به روش آنها رفتار نمودند.۱۰/۴

توفیق پیروی از سنّت ها، در تمام زندگی

وَ وَفِّقْنَا فِی یَوْمِنَا هَذَا وَ لَیْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِی جَمِیعِ أَیَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَیْرِ... وَ اتِّبَاعِ السُّنَنِ

و در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی و پیروی از سنّت ها، توفیق ده.۱۸/۶

برپا داشتن روش و سنّت خدا

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ

و آنان را برای به پا داشتن سنّتت توفیق ده.

۲/۲۶

آموختن راه ها و روش ها، به مجاهد

وَ عَلِّمْهُ السِّیَرَ وَ السُّنَنَ

و راه ها و روش ها(ی جهاد) و سنّت ها(ی اسلامی) را، به او بیاموز.۱۴/۲۷

انعام، سنّت الهی

ذَلِکَ أَنَّ سُنَّتَکَ الْإِفْضَالُ

زیرا سنّت تو بخشش است.۷/۳۷

عدم گمراهی قصدکننده راه و روش قرآن

وَ جَعَلْتَهُ... عَلَمَ نَجَاةٍ لَا یَضِلَّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ

و آن را نشانه نجاتی قرار دادی که هر کس قصد راه و روش آن کند، گمراه نمی شود.۳/۴۲

زنده داشتن بندگان، بر سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ أَحْیِنَا عَلَی سُنَّتِهِ

و ما را بر سنّت او زنده بدار.۲۰/۴۲

نماز، و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ أَنْزِلْنَا فِیهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّینَ لَهَا فِی أَوْقَاتِهَا عَلَی مَا سَنَّهُ عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ...

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سنّتی که بنده و رسول تو [که درودهایت بر او و خاندانش باد] قرار داد - به جا آورده اند.۹/۴۴

هدایت بندگان، به سنّت ماه رمضان

وَ هَدَیْتَنَا لَهُ مِنْ سُنَّتِهِ

و ما را به روش آن، راهنمایی نمودی.

۴۴/۴۵

مهربانی؛ روش خدا با تجاوزکنندگان

ص : ۶۷۱

وَ سُنَّتُکَ الْإِبْقَاءُ عَلَی الْمُعْتَدِینَ

و روش تو مهربانی با تجاوزکنندگان است.

۱۶/۴۶

برپایی روش های پیامبر صلی الله علیه و آله ، توسّط ولیّ خدا

وَ أَقِمْ بِهِ... سُنَنَ رَسُولِکَ

و روش های پیامبرت را به وسیله او به پا دار.

۶۲/۴۷

ترک سنّت های پیامبر صلی الله علیه و آله

یَرَوْنَ... سُنَنَ نَبِیِّکَ مَتْرُوکَةً

می بینند که روش های پیامبرت ترک شده است.۹/۴۸

روشن کردن افروختن

روشنی

روشن ساختن تاریکی های برزخ

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا یُضِیءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرْزَخِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، تاریکی های برزخ را برای ما روشن نماید.۱۲و۱۰/۱

اقتدا نمودن تابعین، به مَناره هدایت و رستگاری صحابه

وَ لَمْ یَخْتَلِجْهُمْ شَکٌّ فِی... الِائْتِـمَامِ بِهِدَایَةِ مَنَارِهِمْ

و تردیدی ایشان را از اقتدا به چراغ هدایت آنها آشفته نساخت.۱۱/۴

راه یافتن ره یافتگان، به نور هدایت خدا

وَ إِنَّمَا یَهْتَدِی الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِکَ

و به درستی که ره یافتگان به وسیله نور ذات تو راه می یابند.۱۱/۵

بهره مندی از روشنی روز

اللَّهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ، وَ مَتَّعْتَنَا بِهِ مِنْ ضَوْءِ النَّهَارِ

خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی و با آن ما را از روشنی روز بهره مند گرداندی.۸/۶

راه رفتن بین مردم، با نور (علم)

وَ هَبْ لِی نُورًا أَمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ

و مرا نوری بخش که با آن در بین مردم راه روم. ۸/۲۲

راه یافتن در تاریکی ها، با نور (علم)

وَ هَبْ لِی نُورًا... أَهْتَدِی بِهِ فِی الظُّلُمَاتِ

و مرا نوری بخش که در تاریکی ها با آن راه یابم. ۸/۲۲

روشنی جستن از شکّ، با نور (علم)

وَ هَبْ لِی نُورًا... أَسْتَضِیءُ بِهِ مِنَ الشَّکِّ وَ الشُّبُهَاتِ

و مرا نوری بخش که به وسیله آن از شک و شبهه ها روشنی یابم.۸/۲۲

تاریک بودن روشنی آتش دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ نُورُهَا ظُلْمَةٌ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که نورش تاریکی است.۲۹/۳۲

قرآن، نور و روشناییِ فرستاده شده

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَعَنْتَنِی عَلَی خَتْمِ کِتَابِکَ الَّذِی أَنْزَلْتَهُ نُورًا

خداوندا به درستی که تو مرا بر ختم کتابت یاری فرمودی، همان (کتابی) که آن را به عنوان نور نازل کردی.۱/۴۲

نور قرار دادن قرآن

وَ جَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِی مِنْ ظُلَمِ الضَّلَالَهِ وَ الْجَهَالَهِ بِاتِّبَاعِهِ

و آن را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی ره یابیم.۳/۴۲

قرآن، نور هدایت و راهنمایی

وَ جَعَلْتَهُ... نُورَ هُدًی لَا یَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِینَ بُرْهَانُهُ

و آن را نور هدایتی که برهانش از (دید) شاهدانْ خاموش نمی شود، قرار دادی.۳/۴۲

ره یافتن با روشنایی قرآن، از تاریکی های

گمراهی

وَ جَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِی مِنْ ظُلَمِ الضَّلَالَهِ وَ الْجَهَالَهِ بِاتِّبَاعِهِ

و آن را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی ره یابیم.۳/۴۲

راه یافتن به روشنی بامداد قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... یَهْتَدِی بِضَوْءِ صَبَاحِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که با نور صبحگاهش راه می یابند.۷/۴۲

اقتدا به درخشش روشنایی قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... یَقْتَدِی بِتَبَلُّجِ إِسْفَارِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که به درخشش روشنایی آن اقتدا می کنند.۷/۴۲

روشن نمودن چراغ، به چراغ قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... یَسْتَصْبِحُ بِمِصْبَاحِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که از نور چراغ آن، روشنی می افروزند.۷/۴۲

روشنی جستن به روشنایی قرآن

وَ تَقْفُوَ بِنَا آثَارَ الَّذِینَ اسْتَضَاؤُوا بِنُورِهِ

و ما را در پی کسانی گردانی که از نور آن، روشنی جستند.۹/۴۲

روشن ساختن تاریکی قبرها، به قرآن

ص : ۶۷۳

وَ نَوِّرْ بِهِ قَبْلَ الْبَعْثِ سُدَفَ قُبُورِنَا

و پیش از برانگیخته شدن، تاریکی قبرهایمان را با آن (قرآن)، روشن ساز.۱۵/۴۲

کامل نمودن نور پیامبر صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ أَتِمَّ نُورَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و نورش را کامل ساز.۱۹/۴۲

روشن کردن تاریکی ها، به وسیله ماه

آمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلَمَ

ایمان آوردم به کسی که به وسیله تو ظلمت ها را نورانی ساخت.۲/۴۳

ماه، و نورافشانی اش

وَ امْتَهَنَكَ بِالزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ... وَ الْإِنَارَةِ وَ الْكُسُوفِ

و تو را با فزونی و کاستی، و نورفشانی و گرفتگی، به خدمت گرفت.۲/۴۳

نور پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان

يَوْمَ لَا يُخْزِى اللَّهُ النَّبِيَّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ، نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ

روزی که خداوند، پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده اند را خوار نمی کند. نورشان پیش رو و از سمت راستشان حرکت می کند.۱۱/۴۵

کامل گرداندن نور پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان، (در قیامت)

يَوْمَ لَا يُخْزِى اللَّهُ النَّبِيَّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ... يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا

روزی که خداوند، پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده اند را خوار نمی کند، گویند: پروردگارا، نورمان را برای ما کامل گردان.

۱۱/۴۵

فروفرستادن قرآن و نور، در ماه رمضان

وَ آثَرْتَهُ عَلَى كُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَهِ بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَ النُّورِ

و آن را بر همه زمان های سال برگزیدی. به سبب آنچه در آن ماه از قرآن و نور نازل کردی.

۲۰/۴۵

امام علیه السلام ، مناره و روشنایی بخش راه (حقّ)

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَیَّدْتَ دِینَکَ فِی کُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ... مَنَارًا فِی بِلَادِکَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را مناره ای (روشن) در شهرهایت به پا داشتی.۶۰/۴۷

میراندن بنده، و نور و روشنایی او

وَ أَمِتْنِی مَیتَهَ مَنْ یَسْعَی نُورُهُ بَیْنَ یَدَیْهِ وَ عَنْ یَمِینِهِ

و مرا بمیران، همچون مردن کسی که روشنایی اش در پیش رویش و از سمت راستش در حرکت است.۱۱۷/۴۷

روگردانی

رو گردان نشدن، از خداوند

وَ یَا مَنْ یُرْغَبُ إِلَیْهِ وَ لَا یُرْغَبُ عَنْهُ

و ای که به او رو می آورند و از او روگردان نمی شوند.۶/۱۳

رو نگرداندن از بنده

إِلَهِی... لَا تُعْرِضْ عَنِّی وَ قَدْ أَقْبَلْتُ عَلَیْکَ

خدای من، از من که به تو رو آورده ام روی نگردان.۱۷/۱۶

لَا تُعْرِضْ عَنِّی إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَی عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِکَ

از من رونگردان همانند روگرداندن از کسی که پس از خشمت از او خوشنود نمی شوی.

۱۰۰/۴۷

سبب رو گرداندن خدا، از بنده

وَ لَا تَفْتِنِّی... بِالتَّضَرُّعِ إِلَی مَنْ دُونَکَ إِذَا رَهِبْتُ، فَأَسْتَحِقَّ بِذَلِکَ خِذْلَانَکَ وَ مَنْعَکَ وَ إِعْرَاضَکَ

و مرا به زاری به درگاه دیگران هنگام ترسم، آزمایش نکن. تا به سبب آن، سزاوار خواری و بی بهرگی و روی گرداندن تو شوم.۱۲/۲۰

گرداندن روزی نیکوی خدا، از بنده

اللَّهُمَّ إِنَّکَ إِنْ صَرَفْتَ عَنِّی وَجْهَکَ الْکَرِیمَ... لَمْ أَجِدِ السَّبِیلَ إِلَی شَیْءٍ مِنْ أَمَلِی غَیْرَکَ

خداوندا اگر روی کریمت را از من برگردانی، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم.

۵/۲۱

رو گرداندن از نیازمندِ بخشش خدا

وَ صَرَفْتُ وَجْهِی عَمَّنْ یَحْتَاجُ إِلَی رِفْدِکَ

و از آنکه نیازمند عطای توست، رو گرداندم.

۳/۲۸

روی گرداندن از رضا و خوشنودی خدا

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ... تَوَعَّدْتَ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنْ رِضَاکَ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن هر که را از خوشنودی تو روی گرداند، تهدید نمودی.**۲۹/۳۲**

روم

دشمنان خدا در روم

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ أَعْدَاءَکَ فِی أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَ الرُّومِ... وَ سَائِرِ أُمَمِ الشِّرْکِ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و روم و

ص : ۶۷۵

دیگر امّت های مشرک.۹/۲۷

رومان

درود خدا بر (فرشته) رُومان

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ رُومَانَ فَتَّانِ الْقُبُورِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و و رومانْ آزمایش کننده (مردگان) قبرها.۱۸و۱۱و۱۰/۳

روی چهره

رؤیا خواب

روی آوری توجّه

روی آوردن به خدا، و نیک بخت شدن

وَ السَّعِيدُ مِنَّا مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ

و نیک بخت از ما کسی است که به سوی او رغبت ورزد.۲۴/۱

رو نمودن تابعین، به سمت روی آوردن اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

الَّذِينَ... تَحَرَّوْا وِجْهَتَهُمْ

آنان که به سوی جهت آنها روآوردند.

۱۰/۴

سبب رو نیاوردن به غیر خدا

وَ اكْفِنَا وَحْشَهَ الْقَاطِعِينَ. بِصِلَتِكَ، حَتَّى لَا نَرْغَبَ إِلَى أَحَدٍ مَعَ بَذْلِكَ

و با پیوستن به خود، ما را از وحشتِ دوری کنندگان، نگهدار، تا با بخشش تو به دیگران رونیاوریم.۷/۵

تفضّل خدا، به روآورنده به سوی او

وَ یَحْدُونِی عَلَی مَسْأَلَتِکَ تَفَضُّلُکَ عَلَی مَنْ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَیْکَ

و وادار می کند مرا به درخواست از تو، تفضّل تو به آنکه رو به تو آورَد.۳/۱۲

رو آوردن به سوی خدا، با توبه

تَلَقَّاکَ بِالْإِنَابَهِ، وَ أَخْلَصَ لَکَ التَّوْبَهَ

با توبه به تو روی آورده و خالصانه برای تو توبه می کند.۸/۱۲

رو آوردن به خدا و روگردان نشدن او

وَ یَا مَنْ یُرْغَبُ إِلَیْهِ وَ لَا یُرْغَبُ عَنْهُ

و ای که به او رو می آورند و از او روگردان نمی شوند.۶/۱۳

روی آوردن به آفریدگان

وَ مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَکَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِرْمَانِ

و هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد یا سبب روا شدن آن را غیر تو قرار دهد، بی گمان خود را در معرض ناامیدی قرار داده.

۱۴/۱۳

روآوردن فقیر به فقیر

وَ أَنَّی یَرْغَبُ مُعْدِمٌ إِلَی مُعْدِمٍ؟

و کجا تهی دست به تهی دست روآورد؟

۱۷/۱۳

اوّلین روآورنده به سوی خدا

فَمَا أَنَا بِأَوَّلِ رَاغِبٍ رَغِبَ إِلَیْکَ فَأَعْطَیْتَهُ وَ هُوَ یَسْتَحِقُّ الْمَنْعَ

پس من اوّلین روآورنده نیستم که به تو روآورده و به او بخشش کردی، با اینکه سزاوار منع است.۲۰/۱۳

روآوردن بنده و رونگرداندن خدا

إِلَهِی... لَا تُعْرِضْ عَنِّی وَ قَدْ أَقْبَلْتُ عَلَیْکَ

خدای من، از من که به تو رو آورده ام روی نگردان.۱۷/۱۶

رغبت به عمل برای خداوند

وَ ارْزُقْنِی الرَّغْبَهَ فِی الْعَمَلِ لَکَ لِآخِرَتِی حَتَّی أَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِکَ مِنْ قَلْبِی

و برای آخرتمْ رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا درستی آن را از (اعماق) دلم

بشناسم.۸/۲۲

روآوردن خطایا و لغزش ها، به بنده

وَ ارْزُقْنِی التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَایَا، وَ الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فِی حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّی أَکُونَ بِمَا یَرِدُ عَلَیَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَهٍ سَوَاءٍ

و مرا در حال خوشنودی و خشم، خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از

آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته باشم.

۱۳/۲۲

روی آوری به راهنماینده ترین کس

وَ وَفِّقْنِی یَا أَهْدَی مَنْ رُغِبَ إِلَیْهِ

و مرا توفیق ده. ای راهنماترین کسی که به او رغبت شده.۱۱/۲۴

روی آوردن فرزندان، به والدین

وَ اجْعَلْهُمْ لِی... مُقْبِلِینَ

و آنان را به من متوجّه ساز.۴/۲۵

روآوردن به خدا، با همه وجود

وَ أَقْبَلْتُ بِکُلِّی عَلَیْکَ

و با همه وجودم به تو روآوردم.۲/۲۸

روآوردن بنده به خدا، در حال شرم و امید

فَأَقْبَلَ نَحْوَکَ مُوءَمِّلًا لَکَ مُسْتَحْیِیًا مِنْکَ

پس امیدوار به تو و شرمنده از تو، به سویت روی آورده.۸/۳۱

روآوری خدا به بنده، با آمرزش

وَ الْقَنِی بِمَغْفِرَتِکَ

و با آمرزش خود به من روآور.۱۲/۳۱

روی آوری بنده به خدا، با اعتراف

وَ الْقَنِی بِمَغْفِرَتِکَ کَمَا لَقِیتُکَ بِإِقْرَارِی

و با آمرزش خود به من روآور، همچنان که من با اقرارم به تو رو آوردم.۱۲/۳۱

روی آوری به بخشنده ترین کس

وَ أَنْتَ... أَعْطَی مَنْ رُغِبَ إِلَیْهِ

و تو بخشنده ترین کسی می باشی که از او درخواست شد.۲۲/۳۲

إِنَّکَ أَکْرَمُ مَنْ رُغِبَ إِلَیْهِ

به درستی که تو کریم تر کسی هستی که از او درخواست شده.۵۶/۴۵

روآوردن بدی ها، به سوی بنده

وَ اجْعَلْ... عَزْمِی عَلَی تَرْکِ مَا یَعْرِضُ لِی مِنَ السَّیِّئَاتِ تَوْبَةً تُوجِبُ لِی مَحَبَّتَکَ

و عزمم را بر ترک بدی هایی که به من روآورَد، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گردانَد.۳/۳۸

رو نیاوردن شکّ به بنده، در تصدیق قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ یَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِکَ حَتَّی لَا یُعَارِضَنَا الشَّکُّ فِی تَصْدِیقِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا شکّی جلودار تصدیق ما نشود.۶/۴۲

رمضان و روآوردنش

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ أَلِیفٍ آنَسَ مُقْبِلًا فَسَرَّ

درود بر تو همدمی که چون روی آورد، دل ها را آرام نمود و شادمان ساخت.۲۷/۴۵

روآوردن بردباری خدا، به دشمنی کننده با او

وَ حِلْمُکَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاکَ

و حلمت به کسی که با تو دشمنی نموده، پرداخته است.۱۶/۴۶

روآوردن روی آورندگان، به سوی خدا

وَ اجْعَلْ رَغْبَتِی إِلَیْکَ فَوْقَ رَغْبَهِ الرَّاغِبِینَ

و رغبت مرا به سوی خود، بالاتر از رغبتِ همه روی آورندگان قرار ده.۱۱۵/۴۷

روی آوردن به خدا، و باز شدن درهای توبه، رأفت و روزی

ص : ۶۷۸

وَ افْتَحْ لِی أَبْوَابَ تَوْبَتِکَ وَ رَحْمَتِکَ وَ رَأْفَتِکَ وَ رِزْقِکَ الْوَاسِعِ، إِنِّی إِلَیْکَ مِنَ الرَّاغِبِینَ

درهای توبه و رحمت و رأفت و روزی فراخت را بر من بگشای، همانا من از روآورندگان به سوی توام.۱۳۲/۴۷

طولانی بودن روآوری گنهکاران، بر گناه

ثُمَّ لَمْ یَمْنَعْکَ طُولُ عُکُوفِهِمْ عَلَی عَظِیمِ الْجُرْمِ أَنْ عُدْتَ عَلَیْهِمْ بِالرَّحْمَهِ وَ الْمَغْفِرَهِ

سپس روآوردن بسیارِ آنان بر جرم های بزرگ، تو را از اینکه به ایشان رحمت و آمرزش ببخشی، بازنداشت.۷/۴۸

روآوردن بنده به خدا، به واسطه منزلت محمّدی و مقام علوی

اللَّهُمَّ فَإِنِّی أَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ بِالْمُ_حَمَّدِیَّهِ الرَّفِیعَهِ، وَ الْعَلَوِیَّهِ الْبَیْضَاءِ، وَ أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِهِمَا

خداونـدا، پس من به منزلت بلندپایه محمّدی و مقام گرامی علوی، به سوی تو نزدیکی می جویم و به وسـیله آنان به درگاهت رومی آورم.۱۶/۴۹

روی آوری خدا، به متوکّل

وَ تَلْقَی مَنْ تَوَکَّلَ عَلَیْکَ

و به کسی که بر تو اعتماد کرده، رو می آوری.

۱۲/۵۱

رؤیت نگاه

رویش

روانی ابر و رویش گیاه

وَ انْشُرْ عَلَیْنَا رَحْمَتَکَ بِغَیْثِکَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِکَ، الْمُونِقِ فِی جَمِیعِ الْآفَاقِ

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابری که برای رویاندن گیاهِ چشم انداز در همه نواحی زمینت روان است، بر ما بگستران.۱/۱۹

آبی رویاننده درخت و کشت

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْیًا... تُنْبِتُ بِهِ الْأَشْجَارَ

خداوندا ما را با بارانی که درخت ها را به وسیله آن برویانی، سیراب نما.۵/۱۹

عدم اذن رویش، به زمین دشمن

لَا تَأْذَنْ لِسَمَائِهِمْ فِی قَطْرٍ، وَ لَا لِأَرْضِهِمْ فِی نَبَاتٍ

آسمانشان را در باریدن و زمینشان را در روییدن، اذن نده.۶/۲۷

رویاندن هفت خوشه از یک دانه

مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ کَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِّ سُنْبُلَهٍ مِائَهُ حَبَّهٍ

داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت

خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد.

۱۳/۴۵

رها کردن ترک

رهایی

رهایی بخشیدن به تابعین از آزمایش های ترسناك

وَ تُعَافِيَهُمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَهُ مِنْ مَحْذُورَاتِهَا

و ایشان را از آنچه که به وجود آورنده آزمایش هایی از امور ترسناك است، عافیت بخشی.

۱۸/۴

درخواست رهایی از گرفتاری ها

وَ يَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَـخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ

و ای کسی که رهایی و رفتن به سوی آسایشی فراخ، از او درخواست می شود.۱/۷

به زودی رهایی یافتن، برای بنده

وَ اجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجًا وَحِيًّا

و نزد خود زود رها شدن را برای من مقرر کن.

۸/۷

رهایی نیافتن کسی، بدون بخشایش خدا

وَ لَا نَجَاهَ لِأَحَدٍ مِنَّا دُونَ عَفْوِكَ

و بدون بخشایش تو، هیچ یك از ما نجات

نمی یابیم.۲/۱۰

رهایی فرمان برداران، با اطاعت خدا

يَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ

ای که اطاعت او برای فرمانبران رهایی است.

۱/۱۱

رهایی بنده (از عذاب) و اقرار به زشتی ارتکاب ها

هَلْ يُنْجِينِي مِنْكَ اعْتِرَافِي لَكَ بِقَبِيحِ مَا ارْتَكَبْتُ؟

آیا اعترافم در درگاه تو به زشتی آنچه مرتکب شده ام، مرا رها می نماید؟۶/۱۲

رهایی دادن بنده و سزاواری او (به کیفر)

وَ عَافِنِي مِمَّا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ

و مرا از آنچه از جانب تو سزاوارش هستم رها کن.۱۵/۱۲

رحمت الهی و رهایی از گرفتاری

وَ اجْعَلْ... خَلَاصِي مِنْ كَرْبِي إِلَى رَوْحِكَ

و رهایی از گرفتاریم را به بخشایشت قرار ده.

۶/۱۵

رهایی گردن خطاکاران، با امید به رحمت خدا

وَ إِنَّمَا أُوَبِّخُ بِهَذَا نَفْسِي... رَجَاءً لِرَحْمَتِكَ الَّتِي بِهَا فَكَاكُ رِقَابِ الْخَاطِئِينَ

و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون امیدواری به رحمت تو - که رهایی گردن های خطاکاران است - می باشد.۲۸/۱۶

رهاشده عفو و آزادگردیده رحمت خدا

وَ اجْعَلْنِی طَلِیقَ عَفْوِکَ، وَ عَتِیقَ رَحْمَتِکَ

و مرا رهاشده گذشتت و آزادگردیده رحمتت قرار ده.۳۳/۱۶

رهایی طلبیدن از خدا، و رها شدن

وَ أَجِرْنَا مِمَّا اسْتَجَرْنَا بِکَ مِنْ خَوْفِهِ

و از آنچه از ترس آن از تو ایمنی طلبیدیم، امانمان ده.۱۵/۱۷

رهایی از دوزخ را روزی بنده نمودن

وَ ارْزُقْنِی... سَلَامَةَ الْمِرْصَادِ

و رهایی از کمین گاه (دوزخ) را روزی ام فرما.

۱۸/۲۰

نفْس بنده و رهانده شدن از عذاب

اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِکَ مِنْ نَفْسِی مَا یُخَلِّصُهَا

خداوندا برای خود از من، آنچه را که رهایی ام دهد، بگیر.۱۹/۲۰

رهاندن بنده، از حسد

وَ خَلِّصْنِی مِنَ الْحَسَدِ

و مرا از حسد، رهایی ده.۵/۲۲

رهاندن مجاهد مسلمان، از اندوه تنهایی

وَ أَجِرْهُ مِنْ غَمِّ الْوَحْشَهِ

و او را از اندوه تنهایی حفظ کن.۱۳/۲۷

رهاندن مجاهد مسلمان، از کسب شهرت

وَ خَلِّصْهُ مِنَ السُّمْعَهِ

و او را از شهرت طلبی نجات ده.۱۴/۲۷

سبب رهایی دادن بندگان، از سختی رنج

وَ أَلْهِمْنَا ثِقَهً خَالِصَهً تُعْفِینَا بِهَا مِنْ شِدَّهِ النَّصَبِ

و اطمینانی خالص در دلمان بینداز، که با آن ما را از سختی رنج معاف داری.۲/۲۹

رهاندن بنده، از وامِ آبروبَرنده

وَ هَبْ لِیَ الْعَافِیَهَ مِنْ دَیْنٍ تُخْلِقُ بِهِ وَجْهِی

و مرا معاف دار، از وامی که با آن آبرویم را ببری.۱/۳۰

سبب رهایی دادن بنده، از قرض

وَ أَجِرْنی مِنْهُ بِوُسْعٍ فَاضِلٍ أَوْ کَفَافٍ وَاصِلٍ

و مرا با ثروتِ فراوان و روزیِ کافی، از آن (قرض) نجات ده.۲/۳۰

رها شدن از خشم خدا

فَیَنَالَنِی مِنْهُ بِدَعْوَهٍ... أَوْ شَفَاعَهٍ أَوْکَدُ عِنْدَکَ مِنْ شَفَاعَتِی تَکُونُ بِهَا نَجَاتِی مِنْ غَضَبِکَ

پس دعایی از او به من رسد یا شفاعتی کند که

از شفاعت من نزد تو کارسازتر است، که رهایی من از خشمت به وسیله آن حاصل شود.۲۷/۳۱

وَ اجْعَلْنِی أُسْوَةَ مَنْ قَدْ أَنْهَضْتَهُ بِتَجَاوُزِکَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِینَ... فَأَصْبَحَ طَلِیقَ عَفْوِکَ مِنْ إِسَارِ سُخْطِکَ

و مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادنْ گاه های خطاکاران بلند کردی. پس به واسطه عفوت از قید و بند خشمت، رها گردیده است. ۱۰/۳۹

وَ تَصَدَّقُوا لَکَ طَلَبًا لِمَزِیدِکَ، وَ فِیهَا کَانَتْ نَجَاتُهُمْ مِنْ غَضَبِکَ

و جهت طلبِ افزودن (نعمت) تو، برای (رضای) تو صدقه دادند و در (همه) اینها نجات ایشان از خشمت نهفته بود.۱۶/۴۵

فَنَجِّنِی مِنْ سُخْطِکَ

پس مرا از خشم سختت نجات ده.۶/۵۱

رهاندن بندگان، به وسیله محمّد صلی الله علیه و آله

وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، کَمَا اسْتَنْقَذْتَنَا بِهِ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، آنچنان که ما را به وسیله او نجات دادی.۳۰/۳۱

عامل رهایی یافتن (ستمگر و ستم دیده)

وَ عَوِّضْنِی... مِنْ دُعَائِی لَهُمْ رَحْمَتَکَ حَتَّی... یَنْجُوَ کُلٌّ مِنَّا بِمَنِّکَ

و به جای دعایم بر آنان، رحمتت را به من عوض ده. تا هر کدام از ما به سبب نعمتت، نجات

یابد.۳/۳۹

رهایی از حکم عدل الهی

وَ خَلِّصْنِی مِمَّا یَحْکُمُ بِهِ عَدْلُکَ

و مرا از آنچه عدل تو را حکم می کند، خلاص گردان.۵/۳۹

رهایی بنده از مهلکه ها، به توفیق الهی

وَ اجْعَلْنِی أُسْوَةَ مَنْ قَدْ... خَلَّصْتَهُ بِتَوْفِیقِکَ مِنْ وَرَطَاتِ الْمُـجْرِمِینَ

و مرا اسوه کسی گردان که به توفیق خود، او را از منجلاب های مجرمان، رهاندی.۱۰/۳۹

رها شدن از بند عدل خدا، با احسان او

وَ اجْعَلْنِی أُسْوَهَ مَنْ قَدْ أَنْهَضْتَهُ بِتَجاوُزِکَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِینَ... فَأَصْبَحَ... عَتِیقَ صُنْعِکَ مِنْ وَثَاقِ عَدْلِکَ

و مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادنْ گاه های خطاکاران بلند کردی. پس به واسطه نیکی ات از بند دادگری ات، آزاد شده است.

۱۰/۳۹

ناامیدی از نجات، استوارتر از امید به رهایی

تَفْعَلْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی... بِمَنْ یَأْسُهُ مِنَ النَّجَاهِ أَوْکَدُ مِنْ رَجَائِهِ لِلْخَلَاصِ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که

ص : ۶۸۲

ناامیدی اش از نجات، محکم تر از امیدش به رهایی است.۱۲/۳۹

قرآن، نشانه نجات

وَ جَعَلْتَهُ... عَلَمَ نَجَاةٍ لَا يَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ

و آن را نشانه نجاتی قرار دادی که هر کس قصد راه و روش آن کند، گمراه نمی شود.۳/۴۲

سبب رهایی در عرصه قیامت

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... سَبَبًا نُجْزَى بِهِ النَّجَاةَ فِی عَرْصَهِ الْقِيَامَهِ

و قرآن را دستاویز پاداش ما به صورت نجات در عرصه قیامت، قرار ده.۸/۴۲

نجات از ترس و اندوه روز قیامت

وَ نَجِّنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ شَدَائِدِ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَّهِ

و ما را در روز رستاخیز از هر اندوهی و از ترس های سخت روز قیامت، به وسیله آن (قرآن)، نجات ده.۱۵/۴۲

رهاندن بندگان، از احاطه شیطان

وَ إِنِ اشْتَمَلَ عَلَيْنَا عَدُوُّكَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ

و اگر دشمن تو شیطان، بر ما چیره شده، پس ما را از او رهایی ده.۱۶/۴۴

ناامیدی (مغرور به کرم خدا)، از به آسانی

رهایی یافتنش

وَ مَا أَقْنَطَهُ مِنْ سُهُولَهِ الْمَـخْرَجِ

و چه ناامید است از به آسانی رهایی یافتن!

۲۰/۴۶

نجاتِ سهل انگاران

وَ خُذْ بِقَلْبِي إِلَى مَا... اسْتَنْقَذْتَ بِهِ الْمُتَهَاوِنِينَ

و دلم را به سوی آنچه سهل انگاران را با آن نجات داده ای، متوجّه ساز.۹۲/۴۷

رهاندن بنده، از گرداب های بلا

وَ نَجِّنِی مِنْ غَمَرَاتِ الْفِتْنَهِ، وَ خَلِّصْنِی مِنْ لَهَوَاتِ الْبَلْوَی

و از گرداب های فتنه نجاتم ده و از کام های بلا رهایی ام بخش.۹۸/۴۷

سبب رهایی از گرفتاری به گناهان بزرگ

وَ هَبْ لِی عِصْمَهً... تَفُکَّنِی مِنْ أَسْرِ الْعَظَائِمِ

و به من عصمتی بخش که از بند گناهان بزرگ رهایم سازد.۱۱۱/۴۷

رهاندن بنده از تباهی یا بدی اراده شده خدا، در مورد قومی

وَ إِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَهً أَوْ سُوءًا فَنَجِّنِی مِنْهَا لِوَاذًا بِکَ

و هرگاه خواستی به قومی، عذابی یا بدی ای (فروفرستی)، پس مرا که به تو پناه برده ام، نجات

ده.۱۲۰/۴۷

راه رهایی یافتن از (عذاب) خدا

وَ لَا یُنْجِینِی مِنْکَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَیْکَ وَ بَیْنَ یَدَیْکَ

و جز زاری به درگاهت و در پیش رویت، مرا از (عذاب) تو نجات نمی دهد.۱۳/۴۸

رهاندن متمسّک شده به خداوند

وَ تُخَلِّصُ مَنِ اعْتَصَمَ بِکَ

و هر کس را که به (رشته) تو دست آویزد، می رهانی.۱۲/۵۱

عدم رهایی بنده، از خدا

کَیْفَ یَنْجُو مِنْکَ مَنْ لَا مَذْهَبَ لَهُ فِی غَیْرِ مُلْکِکَ؟

چگونه از تو رهایی یابد، کسی که در غیر قلمرو تو، راهی برایش نمی باشد؟۱/۵۲

نبودن رهایی دهنده ای از خدا، برای بنده

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ... سُوءَالَ مَنْ... لَا مُنْقِذَ لَهُ مِنْکَ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که نجات دهنده ای برای او از تو نمی باشد.۹و۸/۵۲

عامل رهایی از آزمایش های گمراه کننده

نَجِّنِی مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

مرا از آزمایش های گمراه کننده نجات ده. به

رحمت خودت، ای مهربان ترین مهربانان.

۸/۵۴

رهبر پیشوا

ریا

برکنار نمودن ریا، از مجاهد مسلمان

وَ اَعْزِلْ عَنْهُ الرِّیَاءَ

و خودنمایی را از او دور کن.۱۴/۲۷

خالص گرداندن کردار بنده، از ریا

ثُمَّ خَلِّصْ ذَلِکَ کُلَّهُ مِنْ رِئَاءِ الْمُرَاءِینَ

سپس همه آن را از خودنمایی ریاکاران خالص گردان.۷/۴۴

ریسمان

چنگ زنندگان به ریسمان قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ یَعْتَصِمُ بِحَبْلِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان آن چنگ می زنند.۷/۴۲

نگاه داشتن بنده، به ریسمان الهی

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ... عَصَمْتَهُ بِحَبْلِکَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که به ریسمان خویش، وی را نگه داشتی.۶۷/۴۷

ز

زاد توشه

زادگاه

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به جایی دور از زادگاه خویش

وَ هَاجَرَ إِلَی... مَحَلِّ النَّأْیِ عَنْ... مَسْقَطِ رَأْسِهِ

و از زادگاهش، به محل دور هجرت نمود.

۱۶/۲

زاری

مهربان بودن خدا، به زاری بنده

فَارْحَمْ تَضَرُّعَنَا إِلَیْکَ

پس به زاری ما به درگاهت رحم کن.۵/۱۰

وَ کُنْ... لِتَضَرُّعِی رَاحِمًا

و به زاریم ترحم فرما.۲۱/۱۳

سبب گرفتگیِ صدای زاری بنده، به درگاه خدا

کُلُّ ذَلِکَ حَیَاءٌ مِنْکَ لِسُوءِ عَمَلِی، وَ لِذَاکَ خَمَدَ صَوْتِی عَنِ الْجَأْرِ إِلَیْکَ

همه اینها از روی شرمی است که از بدکرداری خود دارم. و از همین جهت است که صدای زاریم به درگاه تو گرفته.۲۰/۱۶

رحم نمودن خدا، بر تضّرع بسیار بنده

فَارْحَمْ طُولَ تَضَرُّعِی

پس بر بسیاری زاریم رحم کن.۳۲/۱۶

زاری به درگاه خدا، هنگام درویشی

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی... أَتَضَرَّعُ إِلَیْکَ عِنْدَ الْمَسْکَنَهِ

خداوندا مرا چنانم کن که هنگام تهی دستی، به درگاه تو زاری کنم.۱۲/۲۰

زاری نمودن نزد غیر خدا

لَا تَفْتِنِّی... بِالتَّضَرُّعِ إِلَی مَنْ دُونَکَ إِذَا رَهِبْتُ

مرا به زاری به درگاه دیگران هنگام ترسم، آزمایش نکن.۱۲/۲۰

با زاری به درگاه خدا ایستادن

فَمَثَلَ بَیْنَ یَدَیْکَ مُتَضَرِّعًا

پس زاری کنان در پیشگاهت ایستاده.۹/۳۱

زاریِ ذلیل، نزد عزیز

وَ افْعَلْ بِی فِعْلَ عَزِیزٍ تَضَرَّعَ إِلَیْهِ عَبْدٌ ذَلِیلٌ فَرَحِمَهُ

و با من همچون رفتارِ عزیزی که بنده ذلیلی

پیش او زاری کرده، پس به او مهربانی نموده، رفتار نما.۲۴/۳۱

زاری بنده به درگاه خدا، برای برگرداندن مکر شیطان

وَ أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ فِي صَرْفِ كَيْدِهِ

و به درگاه تو زاری می کنم، تا فریبش را از من بازگردانی.۲۷/۳۲

آتش دوزخ و زاری به سوی آن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ لَا تُبْقِی عَلَی مَنْ تَضَرَّعَ إِلَيْهَا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که بر زاری کنندگانش مهربان نیست.۳۰و۲۹/۳۲

زاری و درخواست عفو الهی

وَ نَبْتَهِلُ إِلَيْكَ فِي سُوءَالِ عَفْوِكَ

و برای درخواست بخششت، به سوی تو زاری می کنیم.۳/۳۶

یاری نمودن بنده، به تضرّع در ماه رمضان

وَ أَعِنَّا... فِي لَيْلِهِ عَلَی الصَّلَاهِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَيْكَ

و ما را در شبش بر نماز و زاری به درگاهت، یاری نما.۱۷/۴۴

درخواست از خدا، از روی تضرّع

وَ سَأَلْتُكَ مَسْأَلَهَ الْحَقِيرِ الذَّلِيلِ الْبَائِسِ... وَ مَعَ ذَلِكَ

خِيفَهً وَ تَضَرُّعًا...

و از تو درخواست می نمایم، درخواستِ خُرد، خوار، بدحال. و با آن احوال، درخواستم به همراه ترس و زاری است.۷۴/۴۷

زاریِ بیزار از گناه، به درگاه خدا

تَغَمَّدْنِی فِي يَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَنَصِّلًا

در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری

نموده.۸۶/۴۷

زاری به درگاه خدا، و رهایی از (عقاب) او

وَ لَا یُنْجِینِی مِنْکَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَیْکَ وَ بَیْنَ یَدَیْکَ

و جز زاری به درگاهت و در پیش رویت، مرا از (عذاب) تو نجات نمی دهد.۱۳/۴۸

خدا، بینا به زاری بنده، به درگاهش

فَقَدْ تَرَی ضَعْفِی وَ قِلَّهَ حِیلَتِی وَ تَضَرُّعِی إِلَیْکَ

زیرا ناتوانی و بیچارگی و زاری ام را به درگاه خود می بینی.۱۶/۴۸

اجابت آنچه درباره اش، به درگاه خدا زاری شده

وَ اسْتَجِبْ لِی جَمِیعَ مَا سَأَلْتُکَ وَ طَلَبْتُ إِلَیْکَ وَ رَغِبْتُ فِیهِ إِلَیْکَ

و همه آنچه را که از تو خواسته ام و طلب کرده ام و به آن میل نموده ام، برایم مستجاب فرما.

۲۸/۴۸

زایش

فرزند نیاوردن و زاده شده نبودن خدا

أَنْتَ الَّذِی... لَمْ تَلِدْ فَتَكُونَ مَوْلُودًا

تویی آنکه فرزندی نیاورده ای، تا زائیده شده باشی.۱۹/۴۷

نزاییدن و زاده نشدن خدا

یَا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ

ای که نزائیده و زائیده نشده ای.۲/۵۴

زبان

شیرینی زبان ها، در بیان نعمت الهی

وَ اجْعَلْ... انْطِلَاقَ أَلْسِنَتِنَا فِی وَصْفِ مِنَّتِكَ

و خوش سخنی هایمان را در بیان نعمت بزرگ خود قرار ده.۱۴/۵

سخنان زبان و ثواب الهی

وَ اجْعَلْ... لَهَجَاتِ أَلْسِنَتِنَا فِی مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ

و سخنان زبان هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده.۷/۹

مشغول ساختن زبان ها از هر سپاسی، به سپاس گزاری خدا

وَ اشْغَلْ... أَلْسِنَتَنَا بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ

و زبان های ما را به سپاس خود از هر سپاسی مشغول ساز.۱/۱۱

ثبت کردارهای پاکیزه برای بنده، در حال بیماری و گویا نگشتن زبانی بر آن

وَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ مَا کَتَبَ لِیَ الْکَاتِبَانِ مِنْ زَکِیِّ الْأَعْمَالِ، مَا... لَا لِسَانٌ نَطَقَ بِهِ

و در بین آن بیماریْ نویسندگان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که زبانی به آن گویا نگشته.۵/۱۵

کُند شدن زبان راز و نیاز با خدا

وَ کَلَّ لِسَانِی عَنْ مُنَاجَاتِکَ

و زبانم از مناجات با تو بند آمده.۲۰/۱۶

کُندی زبان بر اثر (زیادی) یاد خدا، و اثر آن

یَا إِلَهِی لَوْ... ذَکَرْتُکَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ حَتَّی یَکِلَّ لِسَانِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر در این مدّت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانم از کار بیفتد، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

۳۰/۱۶

زبانی برای بنده، در مقابل نزاع کننده با او

وَ اجْعَلْ لِی... لِسَانًا عَلَی مَنْ خَاصَمَنِی

و برایم بر کسی که با من جدال کرد، زبانی قرار ده.۸/۲۰

تبدیل سخن زشتِ جاری شده بر زبان، به سپاس الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَی عَلَی لِسَانِی مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَکَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت، سپاس برای خودت را قرار ده.۱۳/۲۰

گویا ساختن زبان بنده، به حمد، شکر، یاد و ستایش نیکوی خدا

وَ أَنْطِقْ بِحَمْدِکَ وَ شُکْرِکَ وَ ذِکْرِکَ وَ حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَیْکَ لِسَانِی

و زبانم را به حمد خود و شکرت و یادت و ستایش نیکوی خود، گویا فرما.۵/۲۳

لال شدن زبانِ قصدبدکننده، درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُخْرِسَ عَنِّی لِسَانَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا زبانش را درباره من لال کنی.۸و۷/۲۳

بستن زبان های دشمنان، از گفتار

وَ اخْزِمْ أَلْسِنَتَهُمْ عَنِ النُّطْقِ

و زبان هایشان را از گفتن ببند.۵/۲۷

توبه نمودن از گفتگوهای (بیجای) زبان

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ مِنْ کُلِّ مَا... زَالَ عَنْ مَحَبَّتِکَ مِنْ... لَحَظَاتِ عَیْنِی، وَ حِکَایَاتِ لِسَانِی

خداوندا و همانا من از هر چه دور از دوستی توست؛ از نگاه های چشمم و بیانات زبانم، به درگاهت توبه می کنم.۲۲/۳۱

برنگشتن زبانه ترازوی عدل، از درستی

وَ جَعَلْتَهُ... مِيزَانَ قِسْطٍ لَا يَحِيفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ

و آن (قرآن) را ترازوی عدلی قرار دادی که زبانه اش از راستی به بیراهه نمی رود.۳/۴۲

سختی زبان و نیکویی عبارت قرآن

اللَّهُمَّ فَإِذْ... سَهَّلْتَ جَوَاسِيَ أَلْسِنَتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ

خداوندا، پس هنگامی که زبان های خشن ما را به نیکویی عبارتش نرم کردی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند.۴/۴۲

عامل گنگ کننده زبان، از فرو رفتن در باطل

ص : ۶۸۸

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِأَلْسِنَتِنَا عَنِ الْخَوْضِ فِی الْبَاطِلِ مِنْ غَیْرِ مَا آفَهٍ مُخْرِسًا

و قرآن را بندآورنده زبان هایمان از فرورفتن در باطل، بی آنکه از بیماری باشد، قرار ده.۱۰/۴۲

گویا نشدن زبان ها، جز به آنچه خدا خبر داده

وَ أَعِنَّا عَلَى صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ... حَتَّى... لَا تَنْطِقَ أَلْسِنَتُنَا إِلَّا بِمَا مَثَّلْتَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا زبان هایمان جز به آنچه تو بیان کرده ای، سخن نگوید.۷و۶/۴۴

شرط ستایش شدن مخلوق، به هر زبانی

وَ لَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مِثْلِ الَّذِی دَلَلْتَ عَلَیْهِ عِبَادَکَ مِنْکَ کَانَ... مَحْمُودًا بِکُلِّ لِسَانٍ

و اگر آفریده ای از جانب خودش آفریده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به هر زبانی (مورد) ستایش قرار می گرفت.۱۷/۴۵

عذر خواستن زبان ها، از روی راستی

وَ لَکَ... مِنْ أَلْسِنَتِنَا صِدْقُ الِاعْتِذَارِ

و عذر خواستن راستین زبان هایمان، برای توست.۴۵/۴۵

نگشودن زبان طعنه زنندگان، بر بنده

وَ لَا تَبْسُطْ عَلَیْنَا فِیهِ أَلْسُنَ الطَّاعِنِینَ

و زبان طعنه زنندگان را در آن (ماه) بر ما نگشا.۴۷/۴۵

آزار رساندن حسود، با نیش زبانش

وَ کَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... سَلَقَنِی بِحَدِّ لِسَانِهِ

و چه بسیار حسودی که با زبان تیزش مرا آزرد.۹/۴۹

زبان بنده، سپاس گزار خدا

تَحْمَدُکَ نَفْسِی وَ لِسَانِی وَ عَقْلِی

تنم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند.۶/۵۱

زحمت رنج

زدایش

زدایش زنگار ستم، به وسیله ولیّ خدا

وَ اجْلُ بِهِ صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ

و با او زنگار ستم را از راهت بزدای.

۶۲/۴۷

زد و خورد

ترساندن دشمنان، از زد و خورد با دلیران (اسلام)

ص : ۶۸۹

وَ جَبِّنْهُمْ عَنْ مُقَارَعَهِ الْأَبْطَالِ

و ایشان را از پیکار با دلاوران بترسان.

۱۱/۲۷

زرع کشت

زره

پوشاندن زره های محافظت کننده از شرّ شیطان، بر مؤمنان

وَ أَلْبِسْهُمْ مِنْهُ جُنَنًا وَاقِیَهً

و بر اندام آنان زره های بازدارنده از آزار و اذیّت او بپوشان.۱۰/۱۷

زشتی

اقرار به زشتی ارتکاب ها

هَلْ یُنْجِینِی مِنْکَ اعْتِرَافِی لَکَ بِقَبِیحِ مَا ارْتَکَبْتُ؟

آیا اعترافم در درگاه تو به زشتی آنچه مرتکب شده ام، مرا رها می نماید؟۶/۱۲

چشم پوشی خدا، بر جرم های بسیار زشت

أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ... عَالِمٍ بِأَنَّ... احْتِمالَ الْجِنَایَاتِ الْفَاحِشَهِ لَا یَتَکَأَّدُکَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که می داند چشم پوشی

از جرم های بسیار زشت بر تو سخت نمی باشد.

۱۲/۱۲و۱۳

کثرت زشتی ها و عدم پرده دری خدا

وَ کَمْ مِنْ شَائِبَهٍ أَلْمَمْتُ بِهَا فَلَمْ تَهْتِکْ عَنِّی سِتْرَهَا

و چه بسیار زشتی هایی که به جا آوردم و پرده مرا ندریدی.۲۱/۱۶

طوق زشتی ها

وَ کَمْ مِنْ شَائِبَهٍ أَلْمَمْتُ بِهَا فَلَمْ... تُقَلِّدْنِی مَکْرُوهَ شَنَارِهَا

و چه بسیار زشتی هایی که به جا آوردم و طوق ناپسندی و زشتی آن را به گردنم نینداختی.

۲۱/۱۶

زشتی کردار بنده و شمارش عیوبش

بَلْ أَنَا یَا إِلَهِی... أَقْبَحُ آثَارًا، وَ أَشْنَعُ أَفْعَالًا... مِنْ أَنْ أُحْصِیَ لَکَ عُیُوبِی، أَوْ أَقْدِرَ عَلَی ذِکْرِ ذُنُوبِی

بلکه من – ای خدای من – نشانه هایم زشت تر و کردارهایم بدتر از آن است که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.

۲۷/۱۶

تبدیل سخن زشت زبان، به سپاس الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَی عَلَی لِسَانِی مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَکَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم

ص : ۶۹۰

جاری ساخته از سخن زشت، سپاس برای خودت را قرار ده.۱۳/۲۰

آنچه خدا زشت دانسته

اللَّهُمَّ... عِنْدَکَ... فِیما أَنْکَرْتَ تَغْیِیرٌ

خداوندا تغییر آنچه زشت دانسته ای، نزد توست.۲۰/۲۰

عامل دلیر کردن بندگان، بر فحشا

إِنْ هَمَمْنَا بِفَاحِشَهٍ شَجَّعَنَا عَلَیْهَا

اگر قصد کار زشتی کنیم، (شیطان) ما را بر آن دلیر گردانَد.۷/۲۵

زشتیِ رسواگر

وَ اسْتَغَاثَ بِکَ مِنْ عَظِیمِ مَا وَقَعَ بِهِ فِی عِلْمِکَ وَ قَبِیحِ مَا فَضَحَهُ فِی حُکْمِکَ...

و در (گناهـان) بزرگی کـه می دانی بـه آن گرفتـار شـده و از (کـار) زشـتی کـه در حکـم تـو رسـواگر اسـت، از تـو کمک خواسته.۹/۳۱

رسوا ننمودن فحشای بندگان

فَکُلُّنَا قَدِ... ارْتَکَبَ الْفَاحِشَهَ فَلَمْ تَفْضَحْهُ

چرا که هر کدام از ما کردار زشت به جا آورد، پس او را رسوا ننمودی.۱/۳۴

پوشاندن زشتی های بنده

فَکُلُّنَا قَد... تَسَتَّرَ بِالْمَسَاوِئِ فَلَمْ تَدْلُلْ عَلَیْهِ

چرا که هر کدام از ما زشتی های پنهان داشت، پس آن را نمایان نکردی.۱/۳۴

زشتیِ پنهان شده به وسیله خداوند

فَاجْعَلْ مَا... أَخْفَیْتَ مِنَ الدَّخِیلَهِ وَاعِظًا لَنَا...

پس آن بدی ها که پنهان نمودی، برای ما پنددهنده قرار ده.۳/۳۴

پوششی برای زشتی ها

وَ اسْتَعْمِلْنَا بِمَا یَکُونُ حِطَّهً وَ کَفَّارَهً لِمَا أَنْکَرْتَ مِنَّا فِیهِ بِرَأْفَتِکَ الَّتِی لَا تَنْفَدُ

و به مهربانی ات که نابود نمی شود، ما را در این (ماه) به کاری بگمار، که سبب فروریختن (گناه) و پوشاندن چیزیست که از ما زشت است.

۴۷/۴۵

بازایستادن از بدی های زشت

أَشْعِرْ قَلْبِیَ الِازْدِجَارَ عَنْ قَبَائِحِ السَّیِّئَاتِ

دلم را به خودداری از بدی های زشت بپوشان.

۱۰۷/۴۷

خدا، بینا به زشتی اعمال ستمگر

فَلَمَّا رَأَیْتَ یَا إِلَهِی... قُبْحَ مَا انْطَوَی عَلَیْهِ، أَرْکَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِی زُبْیَتِهِ

پس همین که - ای خدای من - زشتی آنچه در دل داشت، ملاحظه کردی، او را با مغز سر در

گودالش (که برای شکار کنده بود)، سرنگون نمودی.۸/۴۹

زکات

پاکی مال، با بیرون کردن زکات از آن

وَ وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نُطَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزَّكَوَاتِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که آن (دارایی ها) را با بیرون کردن زکات ها پاک کنیم.۱۰/۴۴

زلف مو

زمان

قرار دادن مدّت معین، برای زندگی هر جاندار

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا

سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معیّن نمود.۶/۱

سپاسی با مدّتِ نامقطوع

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... لَا انْقِطَاعَ لِأَمَدِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که مدّتش نامقطوع می باشد.۲۸و۲۷/۱

فرستادن پیامبر از دوران آدم علیه السلام تا زمان محمّد صلی الله علیه و آله

...فِي كُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أَرْسَلْتَ فِيهِ رَسُولًا، وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ...

در هر عصر و زمانی که رسولی فرستادی و برای اهل آن راهنمایی گماشتی، از دوران آدم تا محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - ...

۲/۴

به آخر نرسیدن مدّت پادشاهی خدا

وَ يَا مَنْ لَا تَنْتَهِي مُدَّةُ مُلْكِهِ

و ای کسی که زمان پادشاهی او به پایان نمی رسد.۲/۵

سختی پیشامدها و اندوه های زمان

وَ اكْفِنَا حَدَّ نَوَائِبِ الزَّمَانِ

و ما را از سختی حوادث روزگار نگهدار.

۱۰/۵

قرار دادن مدّت معلوم، برای شب و روز

وَ جَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا حَدًّا مَحْدُودًا، وَ أَمَدًا مَمْدُودًا

و برای هر یک پایانی معین و زمانی معلوم مقرر فرمود.۳/۶

چگونگی بندگان، در اوقات طاعت

وَ يَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِی أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ

و می نگرد آنها در اوقات طاعتش چگونه اند.

۷/۶

به سر بردن در بهترین وقت

وَ اجْعَلْهُ... خَيْرَ وَقْتٍ ظَلِلْنَا فِيهِ

و آن (روز) را بهترين زمانى كه در آن به سر برده ايم قرار ده.۱۹/۶

روزگارِ سختى و نكبت

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ... يَنْكُبَنَا الزَّمَانُ

و پناه مى بريم به تو از اينكه زمانه ما را دچار سختى نمايد.۶/۸

وقت دعا و پرسشى درباره آن

...أَمْ لَزِمَنِى فِى وَقْتِ دُعَاىَ مَقْتُكَ؟

...آيا هنگامى كه تو را مى خوانم، دشمنى ات مرا لازم گشته است؟۶/۱۲

گذشتن زمان كار و عمل

حَتَّى إِذَا رَأَى مُدَّهَ الْعَمَلِ قَدِ انْقَضَتْ... تَلَقَّاكَ بِالْإِنَابَهِ، وَ أَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَهَ

تا اينكه مى بيند زمان عمل گذشته. با توبه به تو روى آورده و خالصانه براى تو توبه مى كند.

۸/۱۲

درودى با مدّتى پايان ناپذير

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاهً... لَا مُنْتَهَى لِأَمَدِهَا

و بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودى كه مدّتش به پايان نرسد.۲۴/۱۳

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... صَلَاهً لَا يَنْتَهِى أَمَدُهَا

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمّد درود فرست. درودى كه مدّتش پايان نپذيرد.۱۸/۲۷

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ صَلَاهً... لَا غَايَهَ لِأَمَدِهَا

پروردگار من، بر او و بر آنها درود فرست، درودى كه زمانى براى پايانش نباشد.۵۸/۴۷

سزاوارى وقت تندرستى و بيمارى، براى ستايش

فَمَا أَدْرِی، یَا إِلَهِی... أَیُّ الْوَقْتَیْنِ أَوْلَی بِالْحَمْدِ لَکَ؟ أَ وَقْتُ الصِّحَّهِ الَّتِی هَنَّأْتَنِی فِیهَا طَیِّبَاتِ رِزْقِکَ... أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ الَّتِی مَحَّصْتَنِی بِهَا...

ای خـدای من نمی دانم کـدامین یک از دو وقت، برای سـتایش تو شایسـته تر می باشـد؟ آیا وقت تنـدرستی که در آن روزی های پاکیزه ات را بر من گوارا نمودی؟ یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی؟۴-۲/۱۵

یاد خدا و اوقات غفلت

وَ نَبِّهْنِی لِذِکْرِکَ فِی أَوْقَاتِ الْغَفْلَهِ

و مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن.

۲۹/۲۰

از خاطر نبردن یاد والدین، در هر وقت از اوقات شب

اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِی ذِکْرَهُمَا... فِی إِنَّی مِنْ آنَاءِ لَیْلِی

ص : ۶۹۳

خداوندا یاد آنان را در هیچ وقتی از اوقات شبم از یادم نبر.۱۳/۲۴

به پایان رسیدن وقت مسلمان

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوَضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَى بِهِ، إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَى مَا أَجْرَيْتَ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ...

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند. تا آنگاه که زمان او به پایان رسد، به آنچه از فضلت برای او روان ساخته ای، برسد.

۱۶/۲۷

پایندگی عزّت خدا، با گذشتن زمان ها

اللَّهُمَّ يَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِي عَلَى مَرِّ الدُّهُورِ وَ خَوَالِي الْأَعْوَامِ وَ مَوَاضِي الْأَزمَانِ وَ الْأَيَّامِ

خداوندا ای عزیزی که با سپری شدن روزگارها و سال های گذشته و گذشتن زمان ها و روزها، ماندگار است.۳و۱/۳۲

درودی تا زمان در پی هم آمدن شب و روز

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، تا شب و روز در گردش هستند.۳۴/۳۲

وقت کوشش جهت توبه

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَهِ... وَاعِظًا لَنَا... وَ سَعْيًا إِلَى التَّوْبَهِ الْمَاحِيَهِ... وَ قَرِّبِ الْوَقْتَ فِيهِ

پس آن عیب ها که پوشاندی، برای ما پنددهنده و کوشش به توبه محوکننده قرار ده و زمان آن را نزدیک گردان.۴و۳/۳۴

عمل کوتاه مدت و پاداش درازمدت

...لَكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَازَيْتَهُ عَلَى الْمُدَّهِ الْقَصِيرَهِ الْفَانِيَهِ بِالْمُدَّهِ الطَّوِيلَهِ الْخَالِدَهِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدّتِ زودگذر، پاداش درازمدّتِ همیشگی دادی.۱۲/۳۷

برپایی قرآن، در اوقات شب و روز

وَ اقْفُ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ قَامُوا لَکَ بِهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ...

و ما را در پی کسانی گردان که در ساعت های شب و اطراف روز، قرآن را برای تو به پا داشتند.

۹/۴۲

آرامگاه بودن گورها، تا هنگام قيامت

ص : ۶۹۴

وَ كَانَتِ الْقُبُورُ هِیَ الْمَأْوَی إِلَی مِیقَاتِ یَوْمِ التَّلَاقِ

و گورها تا هنگام قیامت، جایگاه ماندن باشد.

۱۳/۴۲

وقتی آشکار، برای ماه رمضان

وَ جَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَیِّنًا لَا یُجِیزُ جَلَّ وَ عَزَّ أَنْ یُقَدَّمَ قَبْلَهُ، وَ لَا یَقْبَلُ أَنْ یُوءَخَّرَ عَنْهُ

و برای آن، زمان آشکاری قرار داد، که خداوند عزیز و جلیل روا نمی دارد که پیش انداخته شود و نمی پذیرد که از آن وقت به تأخیر افتد.۴/۴۴

آگاه شدن از اوقات نمازهای پنجگانه

وَ قِفْنَا فِیهِ عَلَی مَوَاقِیتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِی حَدَّدْتَ... وَ أَوْقَاتِهَا الَّتِی وَقَّتَّ

و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، با حدودش که مشخص نمودی و اوقاتش که تعیین گرداندی، آگاه فرما.۸/۴۴

به جا آوردن نماز، در وقت آن

وَ أَنْزِلْنَا فِیهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّینَ لَهَا فِی أَوْقَاتِهَا...

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود به جا آورده اند.۹/۴۴

آراستگی اوقات ماه رمضان، به اطاعت خدا

وَ زَیِّنْ أَوْقَاتَهُ بِطَاعَتِنَا لَکَ

و اوقاتش را به طاعت ما برای خود، زینت ده.

۱۷/۴۴

درودی به شماره درود خدا، در هر زمان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، فِی کُلِّ وَقْتٍ وَ کُلِّ أَوَانٍ وَ عَلَی کُلِّ حالٍ عَدَدَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی مَنْ صَلَّیْتَ عَلَیْهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست، در هر وقت و هر آن و بر هر حال. به عدد درودی که بر دیگران درود فرستاده ای.۱۹/۴۴

برتری ماه رمضان، از (بین) همه زمان ها

وَ تَخَيَّرْتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَزْمِنَهِ وَ الدُّهُورِ

و از همه زمان ها و روزگارها برتری اش دادی.

۲۰/۴۵

علّت برگزیدن ماه رمضان، بر همه اوقات سال

وَ آثَرْتَهُ عَلَى كُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَهِ بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَ النُّورِ

و آن را بر همه زمان های سال برگزیدی. به سبب آنچه در آن ماه از قرآن و نور نازل کردی.

۲۰/۴۵

پایان یافتن وقت رمضان و به سر رسیدن زمانش

ص : ۶۹۵

ثُمَّ قَدْ فَارَقَنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ، وَ انْقِطَاعِ مُدَّتِهِ

سپس هنگام تمام شدن وقتش و به سر آمدن مدّتش، از ما جدا شد.۲۲/۴۵

گرامی ترین وقت ها، ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَكْرَمَ مَصْحُوبٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ

درود بر تو، ای گرامی ترین وقت هایی که همراه بودی.۲۴/۴۵

نشناختن وقت (آمدن و رفتن) رمضان

وَ وَفَّقْتَنَا بِمَنِّكَ لَهُ حِينَ جَهِلَ الْأَشْقِيَاءُ وَقْتَهُ

و ما را برای آن به وسیله نعمتت، توفیق دادی، آنگاه که تیره بختان، وقت آن را نشناختند.

۴۳/۴۵

عدم سستی سلطنت الهی، با طول مدّت (مهلت به بنده)

لَمْ يَهِنْ عَلَى طُولِ مُدَّتِهِمْ سُلْطَانُكَ

درازی زمانِ ایشان، سلطنت تو را سست نکرده است.۱۸/۴۶

بی شمار گشتن سپاس، با گردش زمان ها

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَتَضَاعَفُ عَلَى كُرُورِ الْأَزْمِنَهِ

سپاس برای توست. سپاسی که با گردش زمان ها، چندین برابر شود.۳۹و۳۶/۴۷

تأیید دین خدا در هر زمان، به وسیله امام

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را نشانه ای برای بندگانت به پا داشتی.۶۰/۴۷

فراوانی نعمت های خدا، در هر زمان

وَ وَجَدْتُ نُعْمَاكَ عَلَيَّ سَابِغَةً فِي كُلِّ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِي وَ كُلِّ زَمَانٍ مِنْ زَمَانِي

و نعمت هایت را بر خود، در هر حالی از حالم و هر وقتی از اوقاتم، گسترده یافتم.۵/۵۱

زمین

درود خدا بر فرشتگان فرستاده شده، بر اهل زمین

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ رُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَهِ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرستادگانت از فرشتگان، به سوی اهل زمین.۱۷و۱۱و۱۰/۳

فرشتگان و جای داشتن در زمین

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ سُكَّانِ الْهَوَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ الْمَاءِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از

فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و ساکنان هوا و زمین و آب.۲۳و۱۱و۱۰/۳

یاد کردن از پیروان پیامبران از اهل زمین

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ - مِنْ - أَهْلِ الْأَرْضِ... فَاذْكُرْهُمْ مِنْکَ بِمَغْفِرَةٍ وَ رِضْوَانٍ

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگانِ پیامبران از اهل زمین، پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن.۲و۱/۴

زمین و آسمان، از آنِ خداوند

أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَکَ: سَمَاوءُهَا وَ أَرْضُهَا

صبح کردیم و صبح کردند همه چیز از آسمان و زمینش و همه از آنِ تو هستیم.۹/۶

گواه گرفتن آسمان و زمین و ساکنان آنها

وَ أُشْهِدُ سَمَاءَکَ وَ أَرْضَکَ وَ مَنْ أَسْكَنْتَهُمَا مِنْ مَلائِكَتِکَ وَ سَائِرِ خَلْقِکَ

و آسمانت و زمینت و آنچه در آن دو جای دادی از فرشتگان و سایر آفریدگانت را شاهد می گیرم.۲۱/۶

خوردن خاک زمین، در همه عمر

يَا إِلَهِي لَوْ... أَكَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طُولَ عُمْرِي... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر همه عمرم خاک زمین

خورم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

روان گشتن ابر، در اطراف زمین

وَ انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَکَ بِغَيْثِکَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ، الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِکَ، الْمُونِقِ فِي جَمِيعِ الْآفَاقِ

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابری که برای رویاندن گیاهِ چشم انداز در همه نواحی زمینت روان است، بر ما بگستران.۱/۱۹

روزی بندگان، از برکات آسمان ها و زمین

اللَّهُمَّ... ارْزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

خداوندا ما را از برکات آسمان ها و زمین روزی عطا فرما.۷/۱۹

اذن ندادن به زمین دشمن، در رویش

لَا تَأْذَنْ... لِأَرْضِهِمْ فِی نَبَاتٍ

زمینشان را در روییدن، اذن نده.۶/۲۷

پرستش شدن خدا، در همه جای زمین

وَ فَرِّغْهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ لِعِبَادَتِکَ... حَتَّی لَا يُعْبَدَ فِی بِقَاعِ الْأَرْضِ غَيْرُکَ

و خاطرشان را از سرگرمی به جنگ با دشمن، برای عبادت خویش آسوده ساز تا در همه جای زمین، جز تو پرستش نشود.۷/۲۷

شکست دشمن، به پایان خاک در زمین

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِكَهٍ مِنْ عِنْدِکَ مُرْدِفِينَ حَتَّى يَکْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطَعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِى أَرْضِکَ وَ أَسْرًا

و آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آیند، یاری فرما. تا با کشتن و اسیر گرفتن، آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند.۸/۲۷

آذوقه های دشمنان، در بی برکت ترین و دورترین (نقاط) زمین

وَ اجْعَلْ مِيَرَهُمْ فِى أَحَصِّ أَرْضِکَ وَ أَبْعَدِهَا عَنْهُمْ

و آذوقه هایشان را در بی برکت ترین و دورترین (نقاط) زمین خود قرار ده.۱۲/۲۷

سوگند به پروردگار آسمان و زمین

ثُمَّ قُلْتَ: فَوَ رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّکُمْ تَنْطِقُونَ

سپس فرمودی: «پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آن (سخن) حقّ و درست است، مانند آنچه شما سخن می گویید.»۵/۲۹

با فروتنیْ دیده بر زمین انداختن، در برابر خدا

وَ غَمَّضَ بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَخَشِّعًا

و دیده اش را با سرافکندگی به زمین دوخته.

۹/۳۱

بیان نمودن حال خویش، جهت شنیدن زمین و اهل آن

فَمَا کُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّى بِسُوءِ أَثَرِى... لَکِنْ لِتَسْمَعَ سَمَاوءُکَ وَ مَنْ فِيهَا وَ أَرْضُکَ وَ مَنْ عَلَيْهَا مَا أَظْهَرْتُ لَکَ مِنَ النَّدَمِ

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست. بلکه برای آن است که آسمانت و هر که در آن است و زمینت و هر که بر روی آن است، پشیمانی ای که به پیشگاهت آشکار نمودم را بشنود.۲۶/۳۱

درودی پُرکننده آسمان و زمین

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... صَلَاهً... تَمْلَأُ الْأَرْضَ وَ السَّمَاءَ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که آسمان و زمین را پر کند.۳۴/۳۲

سپاسی پُر کننده زمین و آسمان

فَلَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَمْلَأُ أَرْضَهُ وَ سَمَاءَهُ

پس سپاس تو راست، سپاسی که زمین و آسمانش را پر سازد.۶/۳۶

سبب رهایی بندگان، در عرصه قیامت

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... سَبَبًا نُجْزَی بِهِ النَّجَاهَ فِی عَرْصَهِ الْقِیَامَهِ

ص : ۶۹۸

و قرآن را دستاویز پاداش ما به صورت نجات در عرصه قیامت قرار ده.۸/۴۲

پدیدآورنده آسمان ها و زمین

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ بَدِیعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

خداوندا سپاس برای توست، پدیدآورنده آسمان ها و زمین.۲/۴۷

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... بَدِیعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

معبودی جز تو نیست، پدیدآورنده آسمان ها و زمین.۲/۴۸

جانشینان خدا در زمین

رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِکَ، وَ جَعَلْتَهُمْ... خُلَفَاءَکَ فِی أَرْضِکَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنان را جانشینان خود در زمینت قرار دادی.۵۶/۴۷

درودی به شماره زمین های خداوند

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ... عَدَدَ أَرَضِيکَ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ

پروردگار من، بر ایشان به تعداد زمین هایت و آنچه زیر آنها و میان آنهاست، درود فرست.

۵۹/۴۷

درآوردن بنده، در میان پیشینیان در زمینِ (رستاخیز)

وَ وَافِ بِی عَرْصَةَ الْأَوَّلِينَ

و مرا به زمین (رستاخیز) پیشینیان برسان.

۱۲۷/۴۷

اجتماع مسلمانان، در روز عید قربان و جمعه در اطراف زمین

وَ الْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِی أَقْطَارِ أَرْضِکَ

و در آن، مسلمانان در اطراف زمینت گرد هم می آیند.۱/۴۸

بر خدا پوشیده نبودن چیزی، در آسمان و زمین

وَ أَنْتَ لَا تَخْفَی عَلَیْکَ خَافِیَهٌ فِی الْأَرْضِ وَ لَا فِی السَّمَاءِ

و تویی که هیچ چیز پنهانی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست.۳/۵۰

یَا اَللَّهُ الَّذِی لَا یَخْفَی عَلَیْهِ شَیْ ءٌ فِی الْأَرْضِ وَ لَا فِی السَّمَاءِ

ای خدایی که چیزی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست.۱/۵۲

زن

پناه خواهی برای مردان و زنان باایمان

وَ أَعِذْنِی مِنْ کُلِّ ذَلِکَ بِرَحْمَتِکَ وَ جَمِیعَ الْمُوْمِنِینَ وَ الْمُوْمِنَاتِ

و مرا و همه مردان و زنان با ایمان را به

رحمتت از آنچه گفته شد پناه ده.۱۰/۸

وَ أَعِذْنَا وَ أَهَالِيَنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ جَمِيعَ الْمُوءْمِنِينَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِمَّا اسْتَعَذْنَا مِنْهُ

و ما و خویشاوندان و برادرانمان و همه مردان و زنان با ایمان را، از آنچه از آن پناه بردیم، پناه ده.۱۵/۱۷

مردان و زنان باایمان، و شرّ شیطان

وَ اجْعَلْ آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا وَ... قَرَابَاتِنَا وَ جِيرَانَنَا مِنَ الْمُوءْمِنِينَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِنْهُ فِى حِرْزٍ حَارِزٍ

و پدران و مادران و نزدیکان و همسایگانمان از مردان و زنان با ایمان را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم قرار ده.۱۰/۱۷

درخواست عطای الهی، برای همه مردان و زنان باایمان

وَ أَعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُوءْمِنِينَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِى سَأَلْتُكَ لِنَفْسِى وَ لِوَلَدِى...

و به همه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان، مانندِ آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم، ببخش.۱۲/۲۵

زن های چشم درشت زیبای بهشتی

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ... الْحُورِ الْحِسَانِ

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از

حوریان زیباروی، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.۴/۲۷

بچه دان های زنان دشمنان

اللَّهُمَّ عَقِّمْ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ

خداوندا رحم زنانشان را عقیم گردان.

۶/۲۷

آزار رساندن به هر مرد و زن باایمان و مسلمان

وَ امْنَعْنِى عَنْ أَذَى كُلِّ مُوءْمِنٍ وَ مُوءْمِنَةٍ، وَ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ

و مرا از آزار رساندن به هر مرد و زن با ایمان و به هر مرد و زن مسلمان بازدار.۱/۳۹

زنجیر

به زنجیر کشیدن و انداختن دوزخیان، در دوزخ

...خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِیمَ صَلُّوهُ

...او را بگیرد و در زنجیرش کشید، سپس به دوزخ افکنید.۲۱/۳

زندگی

مدّت معلوم و پایان معیّن در زندگی

ص : ۷۰۰

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا

سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معیّن نمود.۶/۱

گام برداشتن با روزهای زندگی، به سوی پایانی معیّن

يَتَخَطَّأُ إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمُرِهِ

با روزهای زندگی اش، به سوی آن (سرآمد خاص) گام بردارد.۶/۱

ستاندن حساب عمر و زندگی بنده

اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمُرِهِ قَبَضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ

زمانی که حساب زندگی اش را بستاند، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه سازد.۶/۱

زندگی کردن در بین سپاس گزاران

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُعَمَّرُ بِهِ فِيمَنْ حَمِدَهُ مِنْ خَلْقِهِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، بین آفریدگان سپاس گزارش، عمر طولانی نماییم.

۱۰/۱و۱۱

بهره مندی از نسیم زندگی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... مَتَّعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَيَاةِ

و سپاس خدای را که ما را به نسیم های

زندگی بهره مند ساخت.۲۰/۱

پیامبر صلی الله علیه و آله ، و احیای دین خدا

وَ قَطَعَ فِی إِحْيَاءِ دِينِكَ رَحِمَهُ

و در برپا داشتن دین تو، از ارحامش گسست.

۸/۲

رو آوردن اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، از زندگی فراخ، به سختی

وَ اشْکُرْهُمْ عَلَی... خُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَهِ الْمَعَاشِ إِلَی ضِیقِهِ

و ایشان را به خاطر آنکه از زندگی راحت به سختی افتادند، پاداش عنایت کن.۸/۴

زندگی کردن در سختی

وَ نَعُوذُ بِکَ... مِنْ مَعِیشَهٍ فِی شِدَّهٍ

و پناه می بریم به تو از زندگی در سختی.

۸/۸

سپری شدن روزهای زندگی و اوقات عمر

وَ إِذَا انْقَضَتْ أَیَّامُ حَیَاتِنَا، وَ تَصَرَّمَتْ مُدَدُ أَعْمَارِنَا... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِی عَلَیْنَا کَتَبَهُ أَعْمَالِنَا. تَوْبَهً مَقْبُولَهً...

و آن هنگام که روزهای زندگانی ما به سر رسید و اوقات عمرمان سپری شد، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و پایان آنچه نویسندگان

ص : ۷۰۱

کارهایمان برای ما می شمارند، توبه پذیرفته شده قرار ده.۳/۱۱

توبه در پایان عمر

حَتَّی إِذَا رَأَی... غَایَهَ الْعُمُرِ قَدِ انْتَهَتْ... تَلَقَّاکَ بِالْإِنَابَهِ، وَ أَخْلَصَ لَکَ التَّوْبَهَ

تا اینکه می بیند مدّت عمر به پایان رسیده. با توبه به تو روی آورده و خالصانه برای تو توبه می کند.۸/۱۲

گناهان، به سر رساننده عمر بنده

وَ أَنَا الَّذِی أَفْنَتِ الذُّنُوبُ عُمُرَهُ

و منم آنکه گناهان عمرش را به فنا داده.

۱۴/۱۶

آشامیدن آب خاکسترآلود، تا پایان عمر

یَا إِلَهِی لَوْ... شَرِبْتُ مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ دَهْرِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر در مدّت زندگی ام آب خاکسترآلود بنوشم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

خوردن خاک زمین، در همه عمر

یَا إِلَهِی لَوْ... أَکَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طُولَ عُمْرِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر همه عمرم خاک زمین خورم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن

بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

زنده ساختن شهرها

وَ أَحْیِ بِلَادَکَ بِبُلُوغِ الزَّهَرَهِ

و با شکفتن شکوفه، سرزمین هایت را زنده گردان.۲/۱۹

زنده نمودن آنچه مرده، با باران

تُحْيِی بِهِ مَا قَدْ مَاتَ

به سبب آن، آنچه را كه مرده است، زنده نمايى.۳/۱۹

عمر بنده، چراگاه شيطان

فَإِذَا كَانَ عُمْرِی مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِی إِلَيْکَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتُکَ إِلَیَّ

پس چنانچه عمرم چراگاهى براى شيطان شد - پيش از آنكه دشمنى ات به سوى من شتابد - مرا به سوى خود بازگردان.۵/۲۰

مردن و زنده شدن، بر دين خدا

وَ اجْعَلْنِی عَلَی مِلَّتِکَ أَمُوتُ وَ أَحْيَا

و چنانم گردان كه بر آئين تو بميرم و زنده شوم.۱۷/۲۰

سخت نكردن زندگى، بر بنده

وَ لَا تَجْعَلْ عَيْشِی كَدًّا كَدًّا

و زندگى ام را پر دردسر قرار نده.۲۲/۲۰

ص : ۷۰۲

وَ لَا تَجْعَلِ الْحَيَاهَ عَلَيْنَا نَكَدًا

و زندگی را بر ما دشوار نگردان.۱۶/۴۲

پایان عمر و گذشت الهی

اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِکَ أَجَلِی

خداوندا زندگیِ مرا با آمرزش خود پایان ده.

۲۸/۲۰

خواستن آنچه نزد خداست ، در تمامی روزهای زندگی

وَ ذَلِّلْهُ بِالرَّغْبَهِ فِیما عِنْدَکَ أَیَّامَ حَیَاتِی کُلِّهَا

و آن را با رغبت به آنچه نزد توست، در همه روزهای زندگی ام رام گردان.۱۰/۲۱

سبب منّت خدا بر بنده، تا هنگام زنده بودن

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ... أَبَدًا مَا أَبْقَیْتَنِی...

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره، همیشه تا هنگامی که زنده ام.۴/۲۳

درخواست طول عمر فرزندان

إِلَهِی امْدُدْ لِی فِی أَعْمَارِهِمْ، وَ زِدْ لِی فِی آجَالِهِمْ

خداوندا عمرشان را برای من دراز گردان و در مدّت عمرشان برایم بیفزا.۲/۲۵

زنده داشتن یاد والدین

وَ أَحْیِ بِهِمْ ذِکْرِی

و یاد مرا به وسیله آنها (فرزندانم) زنده گردان.۴/۲۵

نیاز به رحمت، در زندگی

وَ مَنْ سِوَاکَ مَرْحُومٌ فِی عُمْرِهِ

و غیر تو، در زندگی اش نیازمند رحمت می باشد.۱۱/۲۸

آزمایش شدن به آرزوی دراز، در مدّت عمر

اللَّهُمَّ إِنَّکَ ابْتَلَیْتَنَا... فِی آجَالِنَا بِطُولِ الْأَمَلِ...

خداوندا همانا تو ما را در مدّت زندگی هایمانْ به آرزوی دراز، آزمودی.۱/۲۹

آرزو، سبب طمع در عمرِ کهنسالان

وَ طَمِعْنَا بِآمَالِنَا فِی أَعْمَارِ الْمُعَمَّرِینَ

و با آرزوهایمان، در عمرهای کهنسالان، طمع کردیم.۱/۲۹

ذلّت و خواری وام، در زندگی

وَ أَسْتَجِیرُ بِکَ، یَا رَبِّ، مِنْ ذِلَّتِهِ فِی الْحَیَاهِ

و پناه از تو می جویم - ای پروردگار من - از خواری آن (وام) در زندگی.۲/۳۰

طاعت خدا و عمر بنده

ص : ۷۰۳

وَ أَسْأَلُکَ... أَنْ تَجْعَلَ مَا ذَهَبَ مِنْ جِسْمِی وَ عُمْرِی فِی سَبِیلِ طَاعَتِکَ

و از تو درخواست می کنم که آنچه از جسم و عمرم سپری شده در راه طاعتت قرار دهی.

۲۸/۳۲

آسیب دیدن از طرف شخص زنده و طلب مغفرت برای او

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا عَبْدٍ نَالَ مِنِّی مَا حَظَرْتَ عَلَیْهِ... فَمَضَی بِظُلَامَتِی مَیِّتًا، أَوْ حَصَلَتْ لِی قِبَلَهُ حَیًّا فَاغْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنِّی

خداوندا و هر بنده ای که به من آسیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که بر او جایز ندانسته بودی و او با همان وزر و وبال از دنیا رفته یا وزر و وبال من او را در دنیا در حال حیات گرفته، پس او را از آنچه بر من روا داشت، بیامرز.۲/۳۹

روز زنده شدن بندگان

وَ اکْسُنَا بِهِ حُلَلَ الْأَمَانِ یَوْمَ الْفَزَعِ الْأَکْبَرِ فِی نُشُورِنَا

و با آن، ما را در سهمناک ترین روز، هنگامی که زنده می شویم، به جامه های امان بپوشان.

۱۱/۴۲

وسیله روان ساختن گشایش زندگانی

وَ سُقْ إِلَیْنَا بِهِ رَغَدَ الْعَیْشِ...

و به وسیله آن (قرآن)، آسایش زندگی را به

سوی ما سوق بده.۱۲/۴۲

زنده داشتن بندگان، به روش پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ أَحْیِنَا عَلَی سُنَّتِهِ

و ما را بر سنّت او زنده بدار.۲۰/۴۲

شمول درخواست در ماه رمضان، تا پایان عمر

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنَا فِی سَائِرِ الشُّهُورِ وَ الْأَیَّامِ کَذَلِکَ مَا عَمَّرْتَنَا

خداوندا و ما را تا زمانی که عمر می دهی در بقیه ماه ها و روزها، این چنین قرار ده.۱۸/۴۴

رمضان آینده و عمرهای بندگان

وَ ابْلُغْ بِأَعْمَارِنَا مَا بَيْنَ أَيْدِينَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ

و عمر ما – که در پیش روی ماست – را، به ماه رمضان آینده برسان.۴۶/۴۵

درخواست گذشت از خدا، برای تمامی هم کیشانِ مرده و زنده

اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنْ... أَهْلِ دِينِنَا جَمِيعًا مَنْ سَلَفَ مِنْهُمْ وَ مَنْ غَبَرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ

خداوندا از همه هم کیشان ما، هر که از ایشان درگذشته و مرده و هر که زنده مانده، تا روز رستاخیز درگذر.۵۵/۴۵

زنده بودن خدا

ص : ۷۰۴

وَ أَنْتَ حَيٌّ صَمَدٌ

و تویی زنده بی نیاز.۲۸/۴۷

ولیّ خدا و زنده گرداندن نشانه های دین

وَ أَحْيِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ

و با او آنچه ستمگران از نشانه های دینت محو می کنند را زنده گردان.۶۲/۴۷

ستودهٔ زنده داشتنِ بنده

وَ بَلِّغْنِی مَبَالِغَ مَنْ عُنِيتَ بِهِ... فَأَعَشْتَهُ حَمِيدًا

و مرا به درجات کسی رسان که به او عنایت داشته ای، پس بدین سبب او را ستوده، زنده داشته ای.۱۰۵/۴۷

زنده داشتن بنده، به زندگی پاکیزه

فَأَحْيِنِی حَيَاةً طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ

پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار، که آنچه می خواهم فراهم گردد.۱۱۷/۴۷

قرار دادن بازمانده عمر بنده، در حجّ و عمره

وَ اجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِی فِی الْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ ابْتِغَاءَ وَجْهِكَ

و باقی زندگی ام را برای رضای خودت، در حجّ و عمره قرار ده.۱۳۳/۴۷

زنده کردن مردگان و زندگی بخشیدن به شهرهای مرده

وَ هَبْ لَنَا يَا إِلَهِی مِنْ لَدُنْكَ فَرَجًا بِالْقُدْرَهِ الَّتِی بِهَا تُحْيِی أَمْوَاتَ الْعِبَادِ، وَ بِهَا تَنْشُرُ مَيْتَ الْبِلَادِ

و ما را – ای خدای من – از جانب خود به توانایی ای که با آن بندگان مرده را زنده می کنی و با آن سرزمین های مرده را زندگی می بخشی، گشایش ده.۱۳/۴۸

طعم تندرستی، تا پایان زندگی

وَ أَذِقْنِی طَعْمَ الْعَافِيَهِ إِلَی مُنْتَهَی أَجَلِی

و طعم عافیت را تا پایان مدّت زندگی ام به من بچشان.۱۴/۴۸

روزی خدا و حیات بنده

کَیْفَ یَسْتَطِیعُ أَنْ یَهْرُبَ مِنْکَ مَنْ لَا حَیَاهَ لَهُ إِلَّا بِرِزْقِکَ؟

چگونه می تواند از تو بگریزد، آنکه جز به وسیله روزی اتْ زندگی برایش نیست؟۱/۵۲

نپسندیدن دیدار خدا و طول عمر نیافتن

لَا یُعَمَّرُ فِی الدُّنْیَا مَنْ کَرِهَ لِقَاءَکَ

کسی که (مرگ و) دیدار تو را نپسندید، در دنیا عمر جاودان نیابد.۳/۵۲

برانگیخته گشتن و زنده شدن

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی فِی حَشْرِی وَ نَشْرِی

مولای من! و در برانگیخته شدن و زنده شدنم به من رحم کن.۷/۵۳

زنده کردن احیا

زنگار

ولیّ خدا و زدایش زنگار ستم

وَ اجْلُ بِهِ صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ

و با او زنگار ستم را از راهت بزدای.

۶۲/۴۷

زنگبار

زنگبار و دشمنان خدا

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ... وَ الزَّنْجِ... وَ سَائِرِ أُمَمِ الشِّرْكِ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و زنگبار و دیگر امّت های مشرک.۹/۲۷

زوال

زوال ناپذیری سرای اقامت (بهشت)

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نُضَامُّ بِهِ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ الَّتِي لَا تَزُولُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، با پیامبران فرستاده اش گرد آییم، در سرای ماندگاری که جاودانی است.۱۶و۱۰/۱

یاری بنده در اموری، پیش از زوال وی

وَ تَوَلَّنِي... قَبْلَ زَوَالِي عَنْ مَوْقِفِي هَذَا بِتَيْسِيرِكَ لِيَ الْعَسِيرَ وَ حُسْنِ تَقْدِيرِكَ لِي فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ

و قبل از رفتنم از این مکان، با آسان کردن سختی و نیکی تقدیرت برای من، در تمامی امور یاری ام فرما.۲۳/۱۳

زوال ناپذیری خداوند

وَ عَلَى ذَلِكَ أَنْتَ دَائِمٌ لَا تَزُولُ

و در این (صفت) دائم و جاویدی.۸/۳۲

زایل ساختن خشکی شهرها

اللَّهُمَّ أَذْهِبْ مَحْلَ بِلَادِنَا بِسُقْيَاکَ

خداوندا خشکسالیِ شهرهای ما را، با آبیاری خویش برطرف ساز.۴/۳۶

کرداری زایل شدنی و پاداشی جاودانی

...لَکِنَّکَ بِکَرَمِکَ جَازَیْتَهُ... عَلَى الْغَايَهِ الْقَرِيبَهِ الزَّائِلَهِ بِالْغَايَهِ الْمَدِيدَهِ الْبَاقِيَهِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل نزدیک مدّتِ زوال پذیر، پاداش درازمدّت پایدار عطا نموده ای.۱۲/۳۷

زوال ناپذیری پادشاهی خداوند

وَ سُلْطَانُکَ ثَابِتٌ لَا یَزُولُ

و سلطنت تو ثابت و بی زوال است.۱۹/۴۶

زایل نساختن سپاس خدا، از بنده

وَ لَا تُذْهِبْ عَنِّی شُکْرَکَ

و شکرگزاریت را از من نگیر.۱۱۴/۴۷

عامل زایل نمودن دوستی دنیا، از بنده

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُسَلِّیَ نَفْسِی عَنِ الدُّنْیَا بِمَخَافَتِکَ

خدای من، از تو می خواهم که با ترس از خود، دوستی دنیا را از من زایل نمایی.۱۰/۵۲

زهد پرهیزکاری

زاهد ساختن تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

وَ تُزَهِّدَهُمْ فِی سَعَهِ الْعَاجِلِ

و در گشادگی دنیا آنان را بی میل نمایی.

۱۶/۴

آسایش در زهد، روزی خدا به بنده

وَ ارْزُقْنِی... فَرَاغًا فِی زَهَادَهٍ

و مرا فراغت در زهد، روزی فرما.۲۷/۲۰

سبب دست یابی به زهد

وَ ارْزُقْنِی الرَّغْبَهَ فِی الْعَمَلِ لَکَ لِآخِرَتِی... حَتَّی یَکُونَ الْغَالِبُ عَلَیَّ الزُّهْدَ فِی دُنْیَایَ

و برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا آنکه بی رغبتی در دنیا بر من چیره شود.۸/۲۲

زُهدان

تنگی رحِم مادر و پوشاندن آن به پرده ها

وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِی مَاءً مَهِینًا مِنْ صُلْبٍ مُتَضَایِقِ الْعِظَامِ... إِلَی رَحِمٍ ضَیِّقَهٍ سَتَرْتَهَا بِالْحُجُبِ

و تو مرا (آن هنگـام که) آبی پست (بودم)، از صـلبی بـا اسـتخوان هـای درهم تنیـده به سوی رحمی تنگ که آن را با پرده ها پوشاندی، سرازیر نمودی.

۲۳/۳۲

سپردن جنین، در قرارگاهِ زهدان مادر

وَ أَوْدَعْتَنِی قَرَارَ رَحِمِهَا

و مرا در قرارگاه رحم او سپردی.۲۴/۳۲

زهدان زنان دشمنان و نزاییدن

اللَّهُمَّ عَقِّمْ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ

خداوندا رحم زنانشان را عقیم گردان.

۶/۲۷

زهر

شرّ موجود زهردار و پناه جویی از خدا

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ السَّامَّهِ وَ الْهَامَّهِ...

و من و فرزندانم را از شرّ جانور زهردار نکشنده و جانور زهردار کشنده پناه ده.۶/۲۳

چشیدن از جام زهرآلود مرگ

ص : ۷۰۷

وَ تَجَلَّی مَلَکَ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُیُوبِ... وَ دَافَ لَهَا مِنْ ذُعَافِ الْمَوْتِ كَأْسًا مَسْمُومَهَ الْمَذَاقِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن از پرده های پنهانی ها آشکار گردد و برای آن (جان ها)، جامی از شوکران مرگ - که چشیدن آن زهرآلود است - آمیخته سازد.۱۳/۴۲

آمیختن لبه تیغ، با زهر کشنده

فَکَمْ مِنْ عَدُوٍّ... شَحَذَ لِی ظُبَهَ مُدْیَتِهِ... وَ دَافَ لِی قَوَاتِلَ سُمُومِهِ

پس چه بسیار دشمنی که لبه تیغش را برای من تیز نمود و آن را برای من با زهرهای کشنده اش درهم آمیخت.۴/۴۹

زیادت افزایش

زیاده روی افراط

زیادی فراوانی

زیارت

زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و آل او

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ، وَ زِیَارَهِ قَبْرِ رَسُولِکَ... (وَ آلِ رَسُولِکَ) عَلَیْهِمُ السَّلَامُ

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره و زیارت قبر پیامبرت، و خاندان پیامبرت - که درود بر ایشان باد - .۴/۲۳

نیک بختی بندگان، هنگام زیارت مرگ

فَإِذَا أَوْرَدْتَهُ عَلَیْنَا وَ أَنْزَلْتَهُ بِنَا فَأَسْعِدْنَا بِهِ زَائِرًا

پس هنگامی که آن را نزد ما وارد نمودی و آن را بر ما فرود آوردی، ما را به زیارت آن سعادتمند گردان.۴/۴۰

رسوا نساختن بندگان، از زیارت مرگ

وَ لَا تُخْزِنَا بِزِیَارَتِهِ

و از دیدارش ما را خوار نساز.۴/۴۰

زیان

زیان نرساندن خواری خوارکنندگان، به یاری شونده توسّط خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّکَ مَنْ وَالَیْتَ لَمْ یَضْرُرْهُ خِذْلَانُ الْخَاذِلِینَ

خداوندا هر کس را که تو یاری نمودی، خواری خوارکنندگان به او زیان نرساند.۱۲/۵

قرار گرفتن بین دو زیانِ دینی و دنیوی

اللَّهُمَّ وَ مَتَی وَقَفْنَا بَیْنَ نَقْصَیْنِ فِی دِینٍ أَوْ دُنْیا، فَأَوْقِعِ النَّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً

خداوندا و هرگاه بین دو زیان قرار گرفتیم در دین یا دنیا، پس زیان را در آن که زودگذر است قرار ده.۲/۹

ناتوانی بنده، نسبت به سود و زیان خود

ص : ۷۰۸

لَا أَمْلِکَ لِنَفْسِی نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا بِکَ

جز به یاری تو بر سود و زیانی، توانا نیستم.

۷/۲۱

یافتن آرامش دل، در حال سود و زیان

وَ ارْزُقْنِی الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِیرِی فِی الشُّکْرِ لَکَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَیَّ... حَتَّی أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِی رَوْحَ الرِّضَا وَ طُمَأْنِینَهَ النَّفْسِ مِنِّی بِمَا یَجِبُ لَکَ فِیما یَحْدُثُ فِی حَالِ... الضَّرِّ وَ النَّفْعِ

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال زیان و سود رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم.

۱۱/۲۲

ایمنی بنده، از زیانِ قصدبدکننده درباره او

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُوءْمِنَنِی مِنْ جَمِیعِ ضَرِّهِ وَ شَرِّهِ...

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از همه زیان و بدی اش ایمن سازی.۸و۷/۲۳

رعد و برق، و عذاب زیان بار

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَیْنِ... یَبْتَدِرَانِ طَاعَتَکَ بِرَحْمَهٍ نَافِعَهٍ أَوْ

نَقِمَهٍ ضَارَّهٍ

خداوندا همانا این دو، به رساندن رحمتی سودمند یا کیفری زیان بار به طاعتت می شتابند.

۱/۳۶

باران ضرر و زیان، بر بندگان

فَلَا تُمْطِرْنَا بِهِمَا مَطَرَ السَّوْءِ

پس به سبب آن دو، باران زیانبار بر ما نباران.

۱/۳۶

آزار و زیان ابرها

وَ اصْرِفْ عَنَّا أَذَاهَا وَ مَضَرَّتَهَا

و آزار و زیانشان را از ما برگردان.۲/۳۶

عدم دفع زیان از خدا، با آفرینش انسان

أَسْتَوْهِبُکَ - یَا إِلَهِی - نَفْسِیَ الَّتِی لَمْ تَخْلُقْهَا لِتَمْتَنِعَ بِهَا مِنْ سُوءٍ

ای خدای من از تو بخشش نفسم را می خواهم که آن را نیافریدی تا به سبب آن از زیان حمایت شوی.۷/۳۹

زیان کردن درخواست کنندگانِ غیر خدا

وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَکَ

و آنان که از غیر تو درخواست نمودند، زیان دیدند.۱۳/۴۶

خدا، مانع بین بنده و زیانش

وَ حُلْ بَیْنِی وَ بَیْنَ... مَنْقَصَهٍ تَرْهَقُنِی

و میان من و نقیصه ای که مرا فرامی گیرد، جدایی انداز.۹۹/۴۷

بی زیان گرداندن بازگشت (به قیامت)

وَ اجْعَلْ... کَرَّتِی غَیْرَ خَاسِرَهٍ

و بازگشتنم (به قیامت) را بی زیان قرار ده.

۱۲۶/۴۷

زیان کاری بدبختی

زیبایی

روان بودن ابرها، برای رویاندن گیاه زیبا

وَ انْشُرْ عَلَیْنَا رَحْمَتَکَ بِغَیْثِکَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِکَ، الْمُونِقِ فِی جَمِیعِ الْآفَاقِ

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابری که برای رویاندن گیاهِ چشم انداز در همه نواحی زمینت روان است، بر ما بگستران.۱/۱۹

زن های زیباروی بهشتی

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِیهَا مِنْ... الْحُورِ الْحِسَانِ

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از حوریان زیباروی، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.

۴/۲۷

خدا، صاحب زیبایی و جمال

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ وَ الْمَ_جْدِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. دارای زیبایی و ارجمندی هستی.۱۱/۴۷

سُبْحَانَکَ مِنْ... رَفِیعٍ مَا أَرْفَعَکَ ذُو الْبَهَاءِ وَ الْمَ_جْدِ وَ الْکِبْرِیَاءِ وَ الْحَمْدِ

پاک و منزّهی! ای بلندمرتبه که بسیار بلندمرتبه ای! تویی دارای زیبایی و ارجمندی و بزرگواری و ستایش.۲۴/۴۷

امام علیه السلام ، جمال و زیبایی جهانیان

فَهُوَ... بَهَاءُ الْعَالَمِینَ

پس او جمال و زیباییِ جهانیان است.

۶۰/۴۷

رفتن زیبایی و خوشی بنده، بر اثر مصیبت

وَ لَا تَقْرَعْنِی قَارِعَهً یَذْهَبُ لَهَا بَهَائِی

و بر من مصیبت بزرگی که با آن، زیبایی و خوشی ام از بین برود، وارد نکن.۱۲۱/۴۷

قسم خوردن به زیبایی خداوند

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو

می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی.۵/۵۰

زیردست

بدرفتاری با زیردستان

اللَّهُمَّ إِنيِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... سُوءِ الْوِلَایَهِ لِمَنْ تَحْتَ أَیْدِینَا

خداوندا به تو پناه می برم از بدرفتاری با زیردستان.۳و۱/۸

زیردست بودن هر کس، جز خدا

مَنْ سِوَاکَ... مَقْهُورٌ عَلَی شَأْنِهِ

غیر توْ در امورش زیردست می باشد.۱۱/۲۸

زیور

آراستن بنده، به زینت صالحان

وَ حَلِّنِی بِحِلْیَهِ الصَّالِحِینَ

و مرا به زینت شایستگان بیارا.۱۰/۲۰

پوشاندن زیور پرهیزکاران، به بنده

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ

و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان.

۱۰/۲۰

آراستن بنده، به زیور پرهیزکاران

وَ حَلِّنِی حِلْیَهَ الْمُتَّقِینَ

و مرا به زیور پرهیزکاران بیارای.

۱۲۷/۴۷

س

سادگی

ساده و بی آلایش رفتار نمودن

وَ سَدِّدْنِی لِأَنْ أُعَارِضَ مَنْ غَشَّنِی بِالنُّصْحِ

و مرا توفیق ده تا با آنکه با من نادرستی نموده، از روی خیرخواهی برخورد کنم.۹/۲۰

سازش آشتی

ساز و برگ جنگی

پاداش مسلمان یاری دهنده جنگجو، در ساز و برگ جنگ

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... أَوْ أَمَدَّهُ بِعِتَادٍ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا او را با ساز و برگ جنگ کمک نمود، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.۱۶/۲۷

ساز و سامان

مردن بی ساز و سامان

وَ نَعُوذُ بِکَ مِنْ... مِيتَةٍ عَلَى غَيْرِ عُدَّةٍ

و پناه می بریم به تو از مرگ ناگهانی.۸/۸

خدا، ساز و سامان بنده اندوهگین

اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِی إِنْ حَزِنْتُ

خداوندا اگر اندوهگین شوم، مایه دلخوشی ام تویی.۲۰/۲۰

ساعت

درخواست از خدا، در هر ساعت از روز

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِی کُلِّ سَاعَهٍ مِنْ سَاعَاتِهِ حَظًّا مِنْ عِبَادِکَ

خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این روز، بهره ای از بندگانت قرار ده.۱۶/۶

گواه گرفتن و گواهی دادن، در این ساعت

وَ أُشْهِدُ سَمَاءَکَ وَ أَرْضَکَ... فِی یَوْمِی هَذَا وَ سَاعَتِی هَذِهِ...

و آسمانت و زمینت را در این روز و این ساعت شاهد می گیرم.۲۱/۶

یاد والدین، در هر ساعت از ساعات روز

ص : ۷۱۳

اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِی ذِكْرَهُمَا... فِی كُلِّ سَاعَهٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِی

خداوندا یاد آنان را در هیچ ساعتی از ساعات روزم، از یادم نبر.۱۳/۲۴

آرزو نکردنِ تمام شدن ساعتی، پس از ساعت دیگر

وَ اكْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ... حَتَّی لَا نُوءَمِّلَ اسْتِتْـمَامَ سَاعَهٍ بَعْدَ سَاعَهٍ

و ما را از آرزوی دراز بازدار، تا بدانجا که تمام کردن ساعتی را پس از ساعتی، آرزو نکنیم.

۱/۴۰

رمضان، بهترین ماه در ساعت ها

السَّلَامُ عَلَیْكَ... یَا خَیْرَ شَهْرٍ فِی الْأَیَّامِ وَ السَّاعَاتِ

درود بر تو، ای بهترین ماه در روزها و ساعت ها.۲۴/۴۵

ساکنان

فرشتگانِ ساکن آسمان ها

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ، وَ عَلَی الْمَلَائِكَهِ الَّذِینَ مِنْ دُونِهِمْ: مِنْ سُكَّانِ سَمَاوَاتِكَ

...پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند، در آسمان هایت ساکنند.

۶/۳

فرشتگانِ ساکن هوا، زمین و آب

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ سُكَّانِ الْهَوَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ الْمَاءِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و ساکنان هوا و زمین و آب.۲۳و۱۱و۱۰/۳

گواه گرفتن ساکنان آسمان و زمین

وَ أُشْهِدُ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ وَ مَنْ أَسْكَنْتَهُمَا...

و آسمانت و زمینت و آنچه در آن دو جای دادی را شاهد می گیرم.۲۱/۶

سکونت گزیدن، در جوار خداوند

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... السَّاکِنِینَ فِی جِوَارِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) در همسایگی تو جای گرفته اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

چگونگی دیدار آتش دوزخ، از ساکنانش

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... تَلْقَی سُکَّانَهَا بِأَحَرِّ مَا لَدَیْهَا مِنْ أَلِیمِ النَّکَالِ وَ شَدِیدِ الْوَبَالِ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با ساکنان خود با سوزان ترین کیفرِ دردناک و عواقب سخت روبرو می شود.۳۰و۲۹/۳۲

پاره گشتن دل های ساکنان آتش دوزخ، با آشامیدنی آن

ص : ۷۱۴

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... شَرَابِهَا الَّذِی یُقَطِّعُ أَمْعَاءَ وَ أَفْئِدَهَ سُکَّانِهَا

و از آشامیدنی اش که روده و دلِ ساکنانش را پاره پاره می کند، به تو پناه می برم.۳۱/۳۲

سال

سال های روزگار، و نزدیکی به سرآمدی معیّن

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِی الْحَیَاهِ أَجَلًا مَوْقُوتًا... یَرْهَقُهُ بِأَعْوَامِ دَهْرِهِ

سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معیّن نمود، که با سال های روزگارش، به آن نزدیک می شود.۶/۱

حجّ، عمره و زیارت قبر رسول صلی الله علیه و آله ، در هر سال

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ، وَ زِیَارَهِ قَبْرِ رَسُولِکَ... أَبَدًا مَا أَبْقَیْتَنِی فِی عَامِی هَذَا وَ فِی کُلِّ عَامٍ

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره و زیارت قبر پیامبرت، همیشه تا هنگامی که زنده ام، در این سال و در همه سال.۴/۲۳

پایندگی عزّت خدا، با سپری شدن سال ها

اللَّهُمَّ یَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِی عَلَی مَرِّ الدُّهُورِ وَ خَوَالِی

الْأَعْوَامِ...

خداوندا ای عزیزی که با سپری شدن روزگارها و سال های گذشته، ماندگار است.۳و۱/۳۲

سبب برگزیدن رمضان، بر همه زمان های سال

وَ آثَرْتَهُ عَلَی کُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَهِ بِمَا أَنْزَلْتَ فِیهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَ النُّورِ

و آن را بر همه زمان های سال برگزیدی. به سبب آنچه در آن ماه از قرآن و نور نازل کردی.

۲۰/۴۵

سایه

جای گرفتن اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، در سایه خویشی با او

وَ الَّذِينَ... انْتَفَتْ مِنْهُمُ الْقَرَابَاتُ إِذْ سَكَنُوا فِی ظِلِّ قَرَابَتِهِ

و آنان که چون در سایه خویشی او ساکن شدند خویشاوندان، آنها را بیگانه دانستند،

۶/۴

باد گرم قرار ندادن سایه ابر، بر بندگان

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنَا سَمُومًا

خداوندا سایه آن (ابر) را بر ما گرم و سوزان

ص : ۷۱۵

قرار نده.۶/۱۹

جای دادن بنده، در سایه رحمت خدا

وَ أَظِلَّنِی فِی ذَرَاکَ

و در سایه خود، قرارم ده.۲۱/۲۰

آرام گرفتن، در سایه بال قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَسْكُنُ فِی ظِلِّ جَنَاحِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که در سایه بال (حمایت) آن ساکن می شوند.۷/۴۲

شکست نخوردن پناهنده به سایه رحمت الهی

فَنَادَيْتُکَ يَا إِلَهِی... عَالِمًا أَنَّهُ لَا يُضْطَهَدُ مَنْ أَوَی إِلَی ظِلِّ كَنَفِکَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که می دانستم هر که به سایه رحمت تو پناه بَرَد، شکست نمی خورد.۱۰/۴۹

سایه افکندن مرگ، بر بنده

فَأَسْأَلُکَ يَا مَوْلَایَ... سُوءَالَ مَنْ قَدْ... أَظَلَّهُ الْأَجَلُ

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که مرگ بر او سایه افکنده است.۹و۸/۵۲

سبب دستاویز

آفرینش روز، جهت وسیله جویی بندگان به روزی

وَ خَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا... لِيَتَسَبَّبُوا إِلَی رِزْقِهِ

و روز را برای ایشان روشن گر آفرید تا جهت دست یابی به روزی، وسیله جویی کنند.۶/۶

لطف خدا سبب فراهم شدن اسباب هر کار

وَ تَسَبَّبَتْ بِلُطْفِکَ الْأَسْبَابُ

و به لطف تو وسیله ها فراهم گردید.۲/۷

تغییر نیافتن حکمت الهی، با اسباب

وَ یَا مَنْ لَا تُبَدِّلُ حِکْمَتَهُ الْوَسَائِلُ

و ای آنکه ابزارها، حکمتش را دگرگون نمی کند.۸/۱۳

غیر خدا را، سبب برآوردن حاجات قرار دادن

وَ مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَکَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِرْمَانِ

و هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد یا سبب روا شدن آن را غیر تو قرار دهد، بی گمان خود را در معرض ناامیدی قرار داده.

۱۴/۱۳

سبب برآمدن حاجت بنده

وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ اجْعَلْ ذَلِکَ عَوْنًا لِی وَ

سَبَبًا لِنَجَاحِ طَلِبَتِی

و بر محمّد و خاندانش درود فرست و آن را کمکی برای من و وسیله روا شدن حاجتم قرار ده.

۲۴/۱۳

سبب خوشنود گشتن بنده، به مقدّرات الهی

وَ صَوِّرْ فِی قَلْبِی مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِی مِنْ ثَوَابِکَ، وَ أَعْدَدْتَ لِخَصْمِی مِنْ جَزَائِکَ وَ عِقَابِکَ، وَ اجْعَلْ ذَلِکَ سَبَبًا لِقَنَاعَتِی بِمَا قَضَیْتَ

و نمونه پاداشی را که برایم ذخیره نمودی و مجازات و کیفری که برای دشمنم آماده کردی، در دلم بگذار و آن را وسیله راضی شدنم به آنچه مقدّر نمودی قرار ده.۱۵/۱۴

گسستن رشته خدا، از بنده

اللَّهُمَّ إِنَّکَ إِنْ... قَطَعْتَ عَنِّی سَبَبَکَ لَمْ أَجِدِ السَّبِیلَ إِلَی شَیْءٍ مِنْ أَمَلِی غَیْرَکَ

خداوندا اگر رشته (رحمت) خود را از من ببری، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم.۵/۲۱

روزی ای از اسباب حلال

وَ أَجْرِ مِنْ أَسْبَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِی

و روزی هایم را از اسباب حلال، پیوسته گردان.۳/۳۰

سبب رسیدن به جوار الهی و بهشت

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِی مِنْ حُطَامِهَا... ذَرِیعَةً إِلَی جَنَّتِکَ

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، وسیله دست یابی به بهشت قرار ده.

۶/۳۰

خارج شدن اسباب پیوندها، از دست بنده

خَرَجَتْ مِنْ یَدِی أَسْبَابُ الْوُصُلَاتِ إِلَّا مَا وَصَلَهُ رَحْمَتُکَ

اسباب پیوندها از دستم بیرون رفته، جز آنچه به رحمتت وصل شده.۹/۳۲

بریده شدن رشته آرزوها، از بنده

وَ تَقَطَّعَتْ عَنِّی عِصَمُ الْآمَالِ إِلَّا مَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِکَ

و رشته های آرزو از من بریده، جز بخشایشت که به آن چنگ زده ام.**۹/۳۲**

سبب سر فرود آوردن در مقابل حکم خدا

وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَهَ الِاخْتِیَارِ، وَ اجْعَلْ ذَلِکَ ذَرِیعَهً إِلَی الرِّضَا بِمَا قَضَیْتَ لَنَا وَ التَّسْلِیمِ لِمَا حَکَمْتَ

و معرفت (کار) خیر را به ما الهام فرما و آن را وسیله خوشنودی به آنچه برای ما مقدّر فرمودی و تسلیم به آنچه حکم نمودی، قرار ده.**۲/۳۳**

خوشنود ساختن آن که به وسیله بنده،

ص : ۷۱۷

ستمی به او رسیده

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا عَبْدٍ مِنْ عَبِیدِکَ... لَحِقَهُ بِی أَوْ بِسَبَبِی ظُلْمٌ... أَرْضِهِ عَنِّی مِنْ وُجْدِکَ...

خداوندا و هر بنده ای از بندگانت که به دست من یا به وسیله من، ستمی به او شده، او را با توانگری خود، از من خوشنود گردان.۴/۳۹

وسیله رسیدن به والاترین منازل کرامت

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِیلَهً لَنَا إِلَی أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْکَرَامَهِ

و قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت قرار ده.۸/۴۲

روزه، سبب پاداش الهی

فَصُمْنَا بِأَمْرِکَ نَهَارَهُ، وَ قُمْنَا بِعَوْنِکَ لَیْلَهُ... وَ تَسَبَّبْنَا إِلَیْهِ مِنْ مَثُوبَتِکَ

پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم و به یاری تو شبش را به پا خاستیم. و آن را وسیله پاداش تو قرار دادیم.۲۱/۴۵

توحید، سبب و وسیله ای به سوی خدا

وَ وَسِیلَتِی إِلَیْکَ التَّوْحِیدُ

و وسیله من به سویت یگانه دانستن توست.

۳/۴۹

اهل بیت علیهم السلام ، وسیله ای به سوی خدا

رَبِّ صَلِّ عَلَی أَطَائِبِ أَهْلِ بَیْتِهِ الَّذِینَ اخْتَرْتَهُمْ

لِأَمْرِکَ... وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِیلَهَ إِلَیْکَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنها را وسیله ای به سوی خود قرار دادی.۵۶/۴۷

دوستی دنیا، و طلب وسیله ای به سوی خدا

وَ انْزِعْ مِنْ قَلْبِی حُبَّ دُنْیَا دَنِیَّهٍ... تَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِیلَهِ إِلَیْکَ

و دوستی دنیای پست که از طلبیدن دستاویز به سوی تو، منع می کند را از دلم بَر کن.

۱۰۹/۴۷

سبب رسیدن به آمرزش الهی:

أ. سپاس گزاری

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَكُونُ... ذَرِیعَهً إِلَی مَغْفِرَتِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که وسیله ای به سوی آمرزشش باشد.۲۹و ۲۷/۱

ب. به کار گیری ابزار (قوای ظاهری و باطنی)

وَ لَمْ تَحْمِلْهُ عَلَی الْمُنَاقَشَاتِ فِی الْآلَاتِ الَّتِی تَسَبَّبَ بِاسْتِعْمَالِهَا إِلَی مَغْفِرَتِکَ

و از او نسبت به ابزاری که با به کار بردن آنها، به آمرزش تو نائل شد، حسابکشی

سخت نکردی.۱۳/۳۷

سبب خوشنودی خدا:

أ. سپاس گزاری

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَکُونُ... سَبَبًا إِلَی رِضْوَانِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که سببی به سوی خوشنودی اش باشد.۲۹و۲۷/۱

ب. امام علیه السلام

وَ جَعَلْتَهُ الذَّرِیعَهَ إِلَی رِضْوَانِکَ

و او را سبب رسیدن به خوشنودی ات قرار دادی.۶۰/۴۷

سبکی

سبک شمارنده حرمت الهی

...بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِیلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ الْمُسْتَخِفِّ بِحُرْمَهِ رَبِّهِ

...بلکه همانند بنده ای خوار که به خود ستم نموده و حرمت پروردگارش را سبک شمرده سخن می گویم.۷/۱۲

بیماری و سبک گردیدن پشت بنده

...أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ الَّتِی مَحَّصْتَنِی بِهَا... تَخْفِیفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَیَّ ظَهْرِی مِنَ الْخَطِیئَاتِ

...یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی تا

خطاهایی را که پشت مرا سنگین کرده سبک نماید.

۴/۱۵

سبک کردن پشت بنده

وَ هَذَا ظَهْرِی قَدْ أَثْقَلَتْهُ الْخَطَایَا، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ خَفِّفْ عَنْهُ بِمَنِّکَ

و این پشت من است که خطاها آن را سنگین کرده، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به بخشش آن را سبک

گردان.۲۹/۱۶

سبک نمودن سنگینی گرفتاری

اللَّهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبِعَاتٌ... فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا... وَ خَفِّفْ عَنِّی ثِقْلَهَا

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است. پس صاحبانش را عوض ده و سنگینی اش را از من سبک فرما.۱۸/۳۱

آتش دوزخ و سبک شدنش

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... لَا تَقْدِرُ عَلَی التَّخْفِيفِ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا وَ اسْتَسْلَمَ إِلَيْهَا

خداونـدا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که قادر بر سبک کردن (شعله ها) از کسی که برایش فروتنی نماید و تسلیم او گردد، نیست.

۳۰و۲۹/۳۲

سبک دانستن مقدّرات الهی

وَ لَا تَسُمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَيَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ

ص : ۷۱۹

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم.

۳/۳۳

سبک شمردن حکم خداوند

وَ لَا تَفْتِنِّی بِمَا أَعْطَیْتَهُمْ، وَ لَا تَفْتِنْهُمْ بِمَا مَنَعْتَنِی فَأَحْسُدَ خَلْقَکَ، وَ أَغْمَطَ حُکْمَکَ

و مرا به آنچه به آنـان (دنیـاداران) عطـا کردی، آزمـایش نکن و آنـان را به آنچه از من منع داشـتی، دچـار آزمون نسـاز که بر آفریدگانت حسد برم و حکم تو را سبک شمارم.۲/۳۵

سبک نشمردن انتقام الهی

فَإِنَّ قُوَّتِی لَا تَسْتَقِلُّ بِنَقِمَتِکَ

پس به درستی که نیروی من انتقام تو را سبک نمی شمارد.۵/۳۹

سبک شمارندگان تهدید الهی

وَ لَا تَمْحَقْنِی فِیمَن تَمْحَقُ مِنَ الْمُسْتَخِفِّینَ بِمَا أَوْعَدْتَ

و مرا در شمار نابودشوندگانی که تهدید تو را سبک می شمارند، نابود نکن.۹۵/۴۷

سبک شمارندگان وعده الهی

قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِی مَوْقِفَ... الْمُسْتَخِفِّینَ بِوَعْدِکَ

خود را در جایگاه سبک شمارندگان وعده تو، واداشته ام.۲/۵۳

سپاس

حمد و سپاس الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلٍ کَانَ قَبْلَهُ

سپاس خدای را، اوّلی که پیش از او اوّلی نبوده است.۱/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَهَ حَمْدِهِ عَلَی مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مِنَنِهِ الْمُتَتَابِعَهِ... لَتَصَرَّفُوا فِی مِنَنِهِ فَلَمْ یَحْمَدُوهُ...

و سپاس خـدای را که اگر بنـدگانش را از شـناختن سپاسـش بر بخشـش هـای پی درپی که به ایشـان داده بـازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند.

۸/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی مَا عَرَّفَنَا مِنْ نَفْسِهِ

و سپاس خدای را که خودش را به ما شناساند.

۱۰/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ

و سپاس خدایی را که زیبایی های آفرینش را برای ما برگزید.۱۷/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَهِ إِلَّا إِلَیْهِ

و سپاس خدایی را که درِ نیازمندی را جز به سوی خود، بر ما بست.۱۹/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی رَکَّبَ فِینَا آلَاتِ الْبَسْطِ

و سپاس خدای را که آلات بسط و گشادن را

در ما به هم پیوست.۲۰/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی دَلَّنَا عَلَی التَّوْبَهِ...

و سپاس خدای را که ما را به توبه ره نمود.

۲۲/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ أَدْنَی مَلَائِکَتِهِ إِلَیْهِ...

و سپاس خدای را، به هر سپاسی که نزدیک ترین فرشتگانش، او را ستوده اند.۲۵/۱

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَهٍ لَهُ عَلَیْنَا

پس سپاس او را، به جای هر نعمتی که او بر ما دارد.۲۷/۱

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ...

و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد – که درود خدا بر او و خاندانش باد – بر ما منّت نهاد.

۱/۲

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی خَلَقَ اللَّیْلَ وَ النَّهَارَ بِقُوَّتِهِ

سپاس خدای را که شب و روز را به توانایی خود آفرید.۱/۶

الْحَمْدُ لِلَّهِ رِضًی بِحُكْمِ اللَّهِ

سپاس خدای را که راضی به حکم اویم.

۱/۳۵

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَی مَا وَقَیْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ

پس سپاس تو راست، بر بلاهایی که ما را از آن نگهداشتی.۶/۳۶

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِحَمْدِهِ

سپاس خدای را که ما را برای سپاس گزاری اش راهنمایی فرمود.۱/۴۴

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی حَبَانَا بِدِینِهِ

و سپاس خدای را که دین خود را به ما هدیه کرد.۲/۴۴

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْکَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان را، (یکی) از آن راه ها قرار داد.۳/۴۴

فَلَکَ الْحَمْدُ مَا وُجِدَ فِی حَمْدِکَ مَذْهَبٌ

پس ستایش برای توست، تا آنجا که راهی در ستایش تو یافت شود.۱۷/۴۵

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ

سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است.

۱/۴۷

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ بَدِیعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

خداوندا سپاس برای توست، پدیدآورنده آسمان ها و زمین.۲/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا یَدُومُ بِدَوَامِکَ

سپاس برای توست. سپاسی که با همیشگی بودن تو، همیشگی است.۳۲/۴۷

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِکَ

و سپاس برای توست. سپاسی که همراه نعمت تو، جاوید مانَد.۳۳/۴۷

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا یُوَازِی صُنْعَکَ

و سپاس برای توست. سپاسی که با لطف تو، برابری کند.۳۴/۴۷

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا یَزِیدُ عَلَی رِضَاکَ

و سپاس برای توست. سپاسی که بر خوشنودی ات بیفزاید.۳۵/۴۷

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ کُلِّ حَامِدٍ

و سپاس برای توست. سپاسی که همراه با سپاس هر سپاس گزار باشد.۳۶/۴۷

وَ لَکَ الْحَمْدَ

و سپاس ویژه توست.۲/۴۸

اللَّهُمَّ بِأَنَّ لَکَ الْمُلْکَ وَ الْحَمْدَ

خداوندا، به درستی که پادشاهی و سپاس مختص به توست.۳/۴۸

فَلَکَ إِلَهِی الْحَمْدُ

پس خدای من، تو را سپاس.۱/۴۹

فَلَکَ الْحَمْدُ إِلَهِی مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ

پس خدای من، سپاس برای توست. توانایی که شکست نمی خورد.۱۴/۴۹

إِلَهِی أَحْمَدُکَ - وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ -

خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی.۱/۵۱

عدم سپاس گزاری از خدا، و بازداشته شدن از معرفت حمد

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ

عَلَی مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مِنَنِهِ الْمُتَتَابِعَهِ... لَتَصَرَّفُوا فِی مِنَنِهِ فَلَمْ یَحْمَدُوهُ، وَ تَوَسَّعُوا فِی رِزْقِهِ فَلَمْ یَشْکُرُوهُ

و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بر بخشش های پی درپی که به ایشان داده بازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند و از روزی ای که عطا فرموده، فراوان استفاده می برند و شکرش به جا نمی آوردند.۸/۱

ناسپاسی از خدا، و روی آوری به مرز حیوانیّت

...وَ لَوْ کَانُوا کَذَلِکَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِیَّهِ إِلَی حَدِّ الْبَهِیمِیَّهِ

و اگر چنین بودند، از مرزهای انسانیّت خارج شده، به مرز حیوانیّت رومی آوردند.۹/۱

ویژگی های سپاس الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُعَمَّرُ بِهِ فِیمَنْ حَمِدَهُ مِنْ خَلْقِهِ، وَ نَسْبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَی رِضَاهُ وَ عَفْوِهِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، بین آفریدگان سپاس گزارش، عمر طولانی نماییم و با آن، بر پیشی گرفتگان به سوی خوشنودی و بخشایش او، پیشی گیریم.۱۱و۱۰/۱

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا یُضِیءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرْزَخِ، وَ یُسَهِّلُ عَلَیْنَا بِهِ سَبِیلَ الْمَبْعَثِ، وَ یُشَرِّفُ بِهِ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ

ص : ۷۲۲

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، تاریکی های برزخ را برای ما روشن نماید و با آن راه رستاخیز را بر ما آسان سازد و با آن سپاس، منزلت ما را در جایگاه های گواهان، شرافت (و آبرو) دهد.

۱۲و۱۰/۱

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا يَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَى أَعْلَى عِلِّيِّينَ فِي كِتَابٍ مَرْقُومٍ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ

سپاس خدای را، سپاسی که از ما به سوی بالاترین مرتبه ها(ی بهشتی) بالا رود، «در کتاب نوشته شده ای که مقرّبان الهی گواه آنند».

۱۳و۱۰/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا تَقَرُّ بِهِ عُيُونُنَا إِذَا بَرِقَتِ الْأَبْصَارُ، وَ تَبْيَضُّ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به وسیله آن چشمانمان روشن شود، هنگامی که دیده ها، خیره می شود. و چهره هایمان با آن سفید گردد، هنگامی که پوست ها سیاه می گردد.۱۴و۱۰/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَى كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن از آتش دردناک خداوند آزاد شده، به جوار ارجمند خدا، واصل شویم.۱۵و۱۰/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُزَاحِمُ بِهِ مَلَائِكَتَهُ الْمُقَرَّبِينَ، وَ نُضَامُّ بِهِ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ...

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن،

جا را بر فرشتگان مقرّب تنگ نماییم و با پیامبران فرستاده اش گرد آییم.۱۶و۱۰/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ أَدْنَى مَلَائِكَتِهِ إِلَيْهِ...

و سپاس خدای را، به هر سپاسی که نزدیک ترین فرشتگانش، او را ستوده اند.۲۵/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا يَفْضُلُ سَائِرَ الْحَمْدِ...

و سپاس خدای را، سپاسی که بر سایر سپاس ها، برتری یابد.۲۶و۲۵/۱

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا

پس سپاس او را، به جای هر نعمتی که او بر ما دارد.۲۷/۱

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا مُنْتَهَى لِحَدِّهِ، وَ لَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ، وَ لَا مَبْلَغَ لِغَايَتِهِ، وَ لَا انْقِطَاعَ لِأَمَدِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که حدّش بدون انتها و عددش بی حساب و آخِرش بدون نهایت و مدّتش نامقطوع می باشد.۲۸و ۲۷/۱

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ وُصْلَةً إِلَى طَاعَتِهِ وَ عَفْوِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که به سوی طاعت و بخشایش او پیوند خوریم.۲۹و ۲۷/۱

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا نَسْعَدُ بِهِ فِي السُّعَدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ، وَ نَصِيرُ بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که با آن در بین سعادتمندان از دوستانش به سعادت برسیم و با آن در ردیف کشته شدگان به شمشیرهای دشمنانش درآییم.۳۰و ۲۷/۱

فَلَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُخَلِّفُ حَمْدَ الْحَامِدِینَ وَرَاءَهُ، حَمْدًا یَمْلَأُ أَرْضَهُ وَ سَمَاءَهُ

پس سپاس تو راست، سپاسی که سپاس سپاس گزاران را پشت سر گذارَد و سپاسی که زمین و آسمانش را پر سازد.۶/۳۶

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا یَتَقَبَّلُهُ مِنَّا، وَ یَرْضَی بِهِ عَنَّا

و سپاس خدای را. سپاسی که آن را از ما بپذیرد و به سبب آن از ما خوشنود شود.۲/۴۴

لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا یَدُومُ بِدَوَامِکَ

سپاس برای توست. سپاسی که با همیشگی بودن تو، همیشگی است.۳۲/۴۷

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِکَ

و سپاس برای توست. سپاسی که همراه نعمت تو، جاوید مانَد.۳۳/۴۷

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا یُوَازِی صُنْعَکَ

و سپاس برای توست. سپاسی که با لطف تو، برابری کند.۳۴/۴۷

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا یَزِیدُ عَلَی رِضَاکَ

و سپاس برای توست. سپاسی که بر خوشنودی ات بیفزاید.۳۵/۴۷

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ کُلِّ حَامِدٍ

و سپاس برای توست. سپاسی که همراه با سپاس هر سپاس گزار باشد.۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا یَنْبَغِی إِلَّا لَکَ، وَ لَا یُتَقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَیْکَ

سپاس برای توست. سپاسی که جز برای تو، سزاوار نباشد و به وسیله آن جز به سوی تو، تقرّب نتوان جست.۳۷و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ، وَ یُسْتَدْعَی بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ

سپاس برای توست. سپاسی که دوام اوّلین و بقای آخِرین، به وسیله آن درخواست گردد.

۳۸و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَتَضَاعَفُ عَلَی کُرُورِ الْأَزْمِنَهِ

سپاس برای توست. سپاسی که با گردش زمان ها، چندین برابر شود.۳۹و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَعْجِزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفَظَهُ، وَ یَزِیدُ عَلَی مَا أَحْصَتْهُ فِی کِتَابِکَ الْکَتَبَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که نگهبانانِ (اعمال) از شمردنش عاجز باشند، و بر آنچه نویسندگان (اعمال) در کتاب تو به شمار آورده اند، افزونی یابد.۴۰و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُوازِنُ عَرْشَکَ الْمَ_جِیدَ

سپاس برای توست. سپاسی که با عرش بزرگ تو همسنگ باشد.۴۱و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَکْمُلُ لَدَیْکَ ثَوَابُهُ

سپاس برای توست. سپاسی که پاداش آن نزد تو کامل باشد.۴۲و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفْقٌ لِبَاطِنِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که ظاهرش با

ص : ۷۲۴

باطنش همخوان باشد.۴۳و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَمْ یَحْمَدْکَ خَلْقٌ مِثْلَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که هیچ آفریده ای مانند آن، تو را ستایش نکرده باشد.۴۴و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُعَانُ مَنِ اجْتَهَدَ فِی تَعْدِیدِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که هر که در بسیاری آن کوشید، یاری گردد.۴۵و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ

سپاس برای توست. سپاسی که آنچه از سپاس ها آفریدی را گرد آورد.۴۶و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَی قَوْلِکَ مِنْهُ، وَ لَا أَحْمَدَ مِمَّنْ یَحْمَدُکَ بِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که هیچ سپاسی نزدیک تر از آن به سپاسی که (در) گفتار توست، نباشد و هیچ سپاس گزاری، سپاس گزارتر از آنکه تو را سپاس گزارَد، نباشد.۴۷و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُوجِبُ بِکَرَمِکَ الْمَزِیدَ بِوُفُورِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که با بسیاری اش به همراه کرمت، فراوانی (نعمت) را لازم گرداند.

۴۸و۳۶/۴۷

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَجِبُ لِکَرَمِ وَجْهِکَ

سپاس برای توست. سپاسی که سزاوار ذاتِ کریم تو باشد.۴۹و۳۶/۴۷

تَحْمَدُکَ نَفْسِی وَ لِسَانِی وَ عَقْلِی، حَمْدًا یَبْلُغُ الْوَفَاءَ وَ حَقِیقَهَ الشُّکْرِ، حَمْدًا یَکُونُ مَبْلَغَ رِضَاکَ عَنِّی

تنم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند. سپاسی که به کمال و حقیقت ستایش رسد. سپاسی که به اندازه خوشنودی تو از من باشد.۶/۵۱

ناتوانی بنده، از سپاس خداوند

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجِهِ إِلَّا إِلَیْهِ، فَکَیْفَ نُطِیقُ حَمْدَهُ؟ أَمْ مَتَی نُوءَدِّی شُکْرَهُ؟ لَا مَتَی؟

و سپاس خدایی را که درِ نیازمندی را جز به سوی خود، بر ما بست. پس چگونه سپاس او را به جا آوریم یا چه زمان توانیم

شکرش گزاریم؟ نه! چه زمان (هیچ گاه)؟۱۹/۱

نهی بندگان، جهت آزمودن سپاس گزاری آنان

...وَ نَهَانَا لِيَبْتَلِيَ شُكْرَنَا

...و نهیمان نمود تا شکرگزاریمان را آزمایش کند.۲۱/۱

نزدیک ترین فرشتگان خدا، و سپاس الهی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ أَدْنَى مَلَائِكَتِهِ إِلَيْهِ وَ أَكْرَمُ خَلِيقَتِهِ عَلَيْهِ وَ أَرْضَى حَامِدِيهِ لَدَيْهِ

و سپاس خدای را، به هر سپاسی که نزدیک ترین فرشتگانش و گرامی ترین آفریدگانش و پسندیده ترین سپاس گویانش، او را ستوده اند.

۲۵/۱

خداوندِ ستایش شده

إِنَّهُ وَلِیٌّ حَمِیدٌ

به درستی که او یاری دهنده ستوده است.

۳۰و ۲۷/۱

إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ

به درستی که تو ستوده بزرگواری.۱۴/۲۲

إِنَّکَ الْمَنَّانُ الْحَمِیدُ...

به درستی که تو بسیار نعمت دهنده ستوده ای.

۱۸/۲۷

إِنَّکَ الْمَنَّانُ الْحَمِیدُ

به درستی که تو بسیار نعمت دهنده و ستوده ای.۷/۴۳

إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ

به درستی که تو ستوده بزرگواری.۱۱/۴۸

فَأَنْتَ عِنْدِی مَحْمُودٌ

پس تو نزد من ستوده ای.۵/۵۱

آسایش بدن ها، در سپاس گزاری از نعمت

وَ اجْعَلْ... فَرَاغَ أَبْدَانِنَا فِی شُکْرِ نِعْمَتِکَ

و آسایش تن هایمان را در سپاس گزاری نعمت خود قرار ده.۱۴/۵

سبب جدایی روز از بنده، با سپاس گزاری

وَ هَذَا یَوْمٌ حَادِثٌ جَدِیدٌ... إِنْ أَحْسَنَّا وَدَّعَنَا بِحَمْدٍ

و این روزی نو و تازه است. اگر نیکی کردیم، با سپاس ما را بدرود گوید.۱۲/۶

روز را به سپاس خدا، پر ساختن

وَ امْلَأْ لَنَا مَا بَیْنَ طَرَفَیْهِ حَمْدًا وَ شُکْرًا...

و دو طرف آن (روز) را برای ما از سپاس و ستایش پر ساز.۱۴/۶

قرار دادن بهره ای از شکر الهی، برای بندگان

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِی کُلِّ سَاعَهٍ مِنْ سَاعَاتِهِ... نَصِیبًا مِنْ شُکْرِکَ

خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این روز، سهمی از سپاس گزاری ات قرار ده.

۱۶/۶

سپاس گزاری از نعمت ها

وَ وَفِّقْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَیْرِ... وَ شُکْرِ النِّعَمِ

و ما را برای انجام نیکی و سپاس نعمت ها، توفیق ده.۱۸/۶

سپاس گزارترین آفریدگان

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... أَشْکَرَهُمْ لِمَا أَوْلَیْتَ مِنْ نِعَمِکَ

و ما را از شکرگزارترین آنان بر نعمتی که ارزانی داشته ای قرار ده.۲۰/۶

عدم سپاس گزاری بنده، از نیکویی کننده به او

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ... تَرْکِ الشُّکْرِ لِمَنِ اصْطَنَعَ

الْعَارِفَهَ عِنْدَنَا

خداوندا به تو پناه می برم از ناسپاسی از کسی که به ما نیکی کرده است.۳و۱/۸

مشغول ساختن زبان ها، به سپاس خدا

وَ اشْغَلْ... أَلْسِنَتَنَا بِشُكْرِکَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ

و زبان های ما را به سپاس خود از هر سپاسی مشغول ساز.۱/۱۱

سپاس خدا و پیروزی

یَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِینَ

ای که سپاس او برای سپاس گزاران پیروزی است.۱/۱۱

کوتاهی در سپاس گزاری خدا

...یَحْجُبُنِی... نِعْمَهٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَیَّ. فَقَصَّرْتُ فِی شُكْرِهَا

بازمی دارد مرا (از درخواست از تو)، نعمتی که به من بخشیدی و من در شکرگزاری آن کوتاهی کردم.۲/۱۲

وَ ارْزُقْنِی الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِیرِی فِی الشُّكْرِ لَکَ...

و هنگامی که در شکرت کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما.۱۱/۲۲

به ستایش واداشتن آفریدگان، با گذشت نیکو

وَ یَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَی خَلْقِهِ بِحُسْنِ التَّجَاوُزِ

و ای آنکه با گذشت نیک، آفریدگانش را به سپاس خود واداشته است.۱۰/۱۲

ستودن خدا خود را، به بی نیازی اش

تَمَدَّحْتَ بِالْغَنَاءِ عَنْ خَلْقِکَ وَ أَنْتَ أَهْلُ الْغِنَی عَنْهُمْ

خود را به بی نیازی از آفریدگانت ستوده ای و خود شایسته بی نیازی از آنهایی.۱۱/۱۳

شایسته ترین حالت (تندرستی یا بیماری)، جهت سپاس

فَمَا أَدْرِی، یَا إِلَهِی، أَیُّ الْحَالَیْنِ أَحَقُّ بِالشُّکْرِ لَکَ؟...

ای خدای من نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر است؟

۲/۱۵

شایسته ترین زمان (تندرستی یا بیماری)، برای ستایش

فَمَا أَدْرِی، یَا إِلَهِی... أَیُّ الْوَقْتَیْنِ أَوْلَی بِالْحَمْدِ لَکَ؟...

ای خدای من نمی دانم کدامین یک از دو وقت، برای ستایش تو شایسته تر می باشد؟

۲/۱۵

سپاس گزاری از نیکی

وَ سَدِّدْنِی لِأَنْ... أَشْکُرَ الْحَسَنَهَ

و مرا توفیق ده تا نیکی (دیگران) را سپاس گزارم.۹/۲۰

ص : ۷۲۷

تبدیل دشنامگویی بنده، به سپاس و شکر الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَکَ، وَ إِغْرَاقًا فِي الثَّنَاءِ عَلَيْکَ... وَ شُکْرًا لِنِعْمَتِکَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت، سپاس برای خودت و ثنای فراوانت و شکر نعمتت را قرار ده.

۱۳/۲۰

گرفتار شدن بنده، به ستایش نمودن فرد عطاکننده به او

لَا تَبْتَذِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ، فَأَسْتَرْزِقَ أَهْلَ رِزْقِکَ، وَ أَسْتَعْطِيَ شِرَارَ خَلْقِکَ، فَأَفْتَتِنَ بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِي

شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخواهم و از آفریدگان بدت، عطا طلبم. آنگاه به ستایش آنکه به من عطا کرده، گرفتار شوم.۲۶/۲۰

گماشتن بنده به ستایش

وَ اجْعَلْ ثَنَائِي عَلَيْکَ، وَ مَدْحِي إِيَّاکَ، وَ حَمْدِي لَکَ فِي کُلِّ حَالَاتِي

و ستایش مرا ویژه خودت و مدح مرا بر خودت و سپاسم را در همه حالات، برای خودت قرار ده.۹/۲۱

گویایی زبان، به حمد خدا

وَ أَنْطِقْ بِحَمْدِکَ وَ شُکْرِکَ وَ ذِکْرِکَ وَ حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْکَ لِسَانِي

و زبانم را به حمد خود و شکرت و یادت و ستایش نیکوی خود، گویا فرما.

۵/۲۳

زنده ساختن مستحبّات، و ستوده شدن

وَ لَا تُثْنِي عَلَيَّ بِإِحْيَائِهَا سُنَّةٌ حَاشَا فُرُوضِکَ الَّتِي مَنْ ضَيَّعَهَا هَلَکَ

و نه (عمل) مستحبّی، به خاطر زنده ساختنش مرا می ستاید. مگر واجبات تو، که هر که آن را انجام نداد، به هلاکت رسد.۱۷/۳۲

سپاس گزاری از خدا، برای بازداشته هایش از بنده

وَ اجْعَلْ شُكْرِی لَكَ عَلَی مَا زَوَیْتَ عَنِّی...

و شكرگزاری مرا، به آنچه از من گرفتی قرار ده.۳/۳۵

سپاس از خدا، برای آنچه به بنده بخشیده

وَ اجْعَلْ شُكْرِی لَكَ عَلَی مَا زَوَیْتَ عَنِّی أَوْفَرَ مِنْ شُكْرِی إِیَّاكَ عَلَی مَا خَوَّلْتَنِی

و شكرگزاری مرا، به آنچه از من گرفتی بیش از شكرم به آنچه به من مرحمت كردی، قرار ده.

۳/۳۵

ص : ۷۲۸

سپاسی پشت سر گذارنده سپاس شاکران

فَلَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُخَلِّفُ حَمْدَ الْحَامِدِینَ وَرَاءَهُ

پس سپاس تو راست، سپاسی که سپاس سپاس گزاران را پشت سر گذارَد.۶/۳۶

موجب سپاس

فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا وَقَیْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ، وَ لَکَ الشُّکْرُ عَلَی مَا خَوَّلْتَنَا مِنَ النَّعْمَاءِ...

پس سپاس تو راست، بر بلاهایی که ما را از آن نگهداشتی و شکر تو راست، بر آنچه از نعمت هایت که به ما بخشیدی.۶/۳۶

احسان خداوند و پایان شکر او

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا یَبْلُغُ مِنْ شُکْرِکَ غَایَةً إِلَّا حَصَلَ عَلَیْهِ مِنْ إِحْسَانِکَ مَا یُلْزِمُهُ شُکْرًا

خداوندا همانا کسی به نهایت شکرگزاری ات نمی رسد، مگر آنکه از احسان تو چیزی به دست آورد که او را شکر (دیگری) لازم آید.۱/۳۷

ناتوانی سپاس گزارترین بندگان، از سپاس خداوند

فَأَشْکَرُ عِبَادِکَ عَاجِزٌ عَنْ شُکْرِکَ

پس شکرگزارترین بندگانت از شکر تو، عاجز است.۳/۳۷

لزوم پاداش، بر شکرگزاری بنده

تَشْکُرُ یَسِیرَ مَا شَکَرْتَهُ... حَتَّی کَأَنَّ شُکْرَ عِبَادِکَ الَّذِی أَوْجَبْتَ عَلَیْهِ ثَوَابَهُمْ... أَمْرٌ مَلَکُوا اسْتِطَاعَةَ الِامْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَکَ فَکَافَیْتَهُمْ

اندک کاری را که پذیرفتی، جزا می دهی. تا اینکه گویا شکرگزاری بندگانت - که پاداش آنها را لازم گردانـدی - کاری است که آنان بدون تو، توانایی خودداری از آن را داشتند. پس از این رو آنها را مزد داده ای.۶/۳۷

احسان خدا و عدم سپاس گزاری بنده

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ... مِنْ مَعْرُوفٍ أُسْدِیَ إِلَیَّ فَلَمْ أَشْکُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از نیکی ای که به من شد، پس شکر آن را به جا نیاوردم.۱/۳۸

سپاس گزاری نعمت

وَ أَوْزِعْنَا فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ

و در آن (ماه) شکر نعمتت را به ما الهام کن.

۷/۴۳

هدایت به سپاس گزاری

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِحَمْدِهِ

سپاس خدای را که ما را برای سپاس گزاری اش راهنمایی فرمود.۱/۴۴

سپاس گزاری از احسان خدا

ص : ۷۲۹

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... جَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَکُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاکِرِینَ

سپاس خدای را که ما را از اهل سپاس قرار داد. تا برای احسانش از شکرگزاران باشیم.

۱/۴۴

الهام و آموختن سپاس گزاری، به بنده

تَشْکُرُ مَنْ شَکَرَکَ وَ أَنْتَ أَلْهَمْتَهُ شُکْرَکَ. وَ تُکَافِئُ مَنْ حَمِدَکَ وَ أَنْتَ عَلَّمْتَهُ حَمْدَکَ

هر که تو را شکر کرد، قدردانی کنی و حال آنکه شکرگزاری را تو به او الهام کرده ای. و هر که تو را سپاس گزارد، جزا دهی و حال آنکه سپاس گزاری را تو به او آموخته ای.۷و۶/۴۵

فرمان به سپاس گزاری

وَ اشْکُرُوا لِی وَ لَا تَکْفُرُونِ

و مرا شکر گزارید و مرا کفران نکنید.

۱۴/۴۵

نتیجه سپاس گزاری

وَ قُلْتَ: لَئِنْ شَکَرْتُمْ لَأَزِیدَنَّکُمْ

و فرمودی: اگر شکر گزارید، شما را فزونی دهم.۱۴/۴۵

سپاس گزاری از خدا، به فضل او

وَ شَکَرُوکَ بِفَضْلِکَ

و با تفضّلت، تو را شکر گزاردند.۱۶/۴۵

سپاس خدا، تا هنگام یافت شدن راهی در سپاسش

فَلَکَ الْحَمْدُ مَا وُجِدَ فِی حَمْدِکَ مَذْهَبٌ

پس ستایش برای توست، تا آنجا که راهی در ستایش تو یافت شود.۱۷/۴۵

سپاس خداوند، تا باقی بودن سخنی برای ستودنش

فَلَکَ الْحَمْدُ... مَا بَقِیَ لِلْحَمْدِ لَفْظٌ تُحْمَدُ بِهِ، وَ مَعْنًی یَنْصَرِفُ إِلَیْهِ

پس ستایش برای توست، تا آنجا که برای ستایش کلمه ای که با آن ستایش شوی باقی ماند و مقصودی که به آن بازگردد، وجود داشته باشد.

۱۷/۴۵

شرط ستوده شدن مخلوق

وَ لَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَی مِثْلِ الَّذِی دَلَلْتَ عَلَیْهِ عِبَادَکَ مِنْکَ کَانَ... مَحْمُودًا بِکُلِّ لِسَانٍ

و اگر آفریده ای از جانب خودش آفریده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به هر زبانی (مورد) ستایش قرار می گرفت.۱۷/۴۵

سکوت و کوتاهی از سپاس الهی

وَ قَدْ قَصَّرَ بِیَ السُّکُوتُ عَنْ تَحْمِیدِکَ

و سکوت، مرا از سپاس تو به کوتاهی انداخته.

۲۴/۴۶

خدا، دارنده سپاس

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ... وَ الْحَمْدِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. دارای زیبایی و ستایشی.۱۱/۴۷

سُبْحَانَکَ مِنْ... رَفِیعٍ مَا أَرْفَعَکَ ذُو الْبَهَاءِ... وَ الْحَمْدِ

پاک و منزّهی! ای بلندمرتبه که بسیار بلندمرتبه ای! تویی دارای زیبایی و ستایش.

۲۴/۴۷

سپاسی که هر سپاس گزار از آن بازماند

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ کُلِّ حَامِدٍ، وَ شُکْرًا یَقْصُرُ عَنْهُ شُکْرُ کُلِّ شَاکِرٍ

و سپاس برای توست. سپاسی که همراه با سپاس هر سپاس گزار باشد، و ستایشی که ستایش هر ستاینده ای از آن بازمانَد.۳۶/۴۷

سپاس گزاری از خدا و سخن خدا

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَى قَوْلِکَ مِنْهُ

سپاس برای توست. سپاسی که هیچ سپاسی نزدیک تر از آن به سپاسی که (در) گفتار توست، نباشد.۴۷و۳۶/۴۷

سپاس گزارنده ترین سپاس گزار

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... لَا أَحْمَدَ مِمَّنْ یَحْمَدُکَ بِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که هیچ سپاس گزاری، سپاس گزارتر از آنکه تو را سپاس

گزارَد، نباشد.۴۷و۳۶/۴۷

ولیّ خدا و الهام شکر نعمت

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لِوَلِیِّکَ شُکْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیْهِ

خداوندا، پس به ولیّ خود، شکرِ آنچه را که به او نعمت داده ای، الهام فرما.۶۱/۴۷

الهام سپاس نعمت، به بنده

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لِوَلِيِّکَ شُکْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ، وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ

خداوندا، پس به ولیّ خود، شکرِ آنچه را که به او نعمت داده ای، الهام فرما و مانند آن (شکر) را در نعمت، به ما الهام نما.۶۱/۴۷

بنده ستوده و زنده داشته شده

وَ بَلِّغْنِی مَبَالِغَ مَنْ عُنِيتَ بِهِ... فَأَعَشْتَهُ حَمِيدًا

و مرا به درجات کسی رسان که به او عنایت داشته ای، پس بدین سبب او را ستوده، زنده داشته ای.۱۰۵/۴۷

الهام سپاس گزاری از عطای الهی، به بنده

وَ أَوْزِعْنِی أَنْ أُثْنِیَ بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ

و به من الهام کن که به خاطر آنچه به من داده ای، ثنا (ی تو را) گویم.۱۱۴/۴۷

ملازم ساختن سپاس گزاری خدا، با بنده

وَ لَا تُذْهِبْ عَنِّی شُکْرَکَ، بَلْ أَلْزِمْنِيهِ فِی أَحْوَالِ السَّهْوِ

ص : ۷۳۱

عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِآلَائِکَ

و شکرگزاریت را از من نگیر. بلکه آن را همیشه در حالات بی توجّهی، هنگام فراموشی های نادانان به نعمت هایت، با من همراه گردان.

۱۱۴/۴۷

زایل نساختن سپاس خدا، از بنده

وَ لَا تُذْهِبْ عَنِّی شُکْرَکَ

و شکرگزاریت را از من نگیر.۱۱۴/۴۷

سپاسی بالاتر از سپاس سپاس گزاران

وَ اجْعَلْ... حَمْدِی إِیَّاکَ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِینَ

و سپاس گزاری ام را در حقّ خودت، بالاتر از سپاسِ همه سپاس گزاران قرار ده.۱۱۵/۴۷

خدا، سزاوار سپاس

إِلَهِی أَحْمَدُکَ - وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ - عَلَی حُسْنِ صَنِیعِکَ إِلَیَ

خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی، بر نیکویی نیکی ات به من.۱/۵۱

سپاس گزاریِ اجزای بنده، از خدا

تَحْمَدُکَ نَفْسِی وَ لِسَانِی وَ عَقْلِی

تنم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند.۶/۵۱

سپاه لشکر

سپری شدن گذشته

سپیده دم فجر

ستایش سپاس

ستم

ستم نشدن به بندگان، در روز قیامت

یَوْمَ تُجْزَی کُلُّ نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ وَ هُمْ لَا یُظْلَمُونَ

روزی که هر کس به آنچه کسب کرده، جزا داده شود و آنان هرگز ستم نبینند.۱۱/۲۴، ۱۲/۱

ارجمند ساختن دین خدا و ستم دیدن

وَ اشْکُرْهُمْ عَلَی... مَنْ کَثَّرتَ فِی إِعْزَازِ دِینِکَ مِنْ مَظْلُومِهِمْ

و آن افراد بسیاری را که به خاطر ارجمند ساختن دینت ستم ها دیدند، پاداش عنایت کن.

۸/۴

به فریاد ستم دیده رسیدن

وَ وَفِّقْنَا فِی یَوْمِنَا هَذَا... وَ فِی جَمِیعِ أَیَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَیْرِ... وَ إِدْرَاکِ اللَّهِیفِ

و در امروز ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی و یاری دادن ستم دیده، توفیق ده.

۱۸/۶

پناه بردن به خدا، از یاری نمودن ستمگر

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ نَعْضُدَ ظَالِمًا

خداوندا به تو پناه می برم از اینکه ستمگری را کمک کنیم.۴و۱/۸

پناه بردن به خدا، از خوار گرداندنِ ستم دیده

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ... نَخْذُلَ مَلْهُوفًا

خداوندا به تو پناه می برم از اینکه ستم دیده ای را خوار گردانیم.۴و۱/۸

ستم نمودن پادشاه، بر بنده

وَ نَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ... يَتَهَضَّمَنَا السُّلْطَانُ

و پناه می بریم به تو از اینکه پادشاه به ما ستم کند.۶/۸

سخن گفتن، مانند بنده ستم کننده به خود

...بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ...

...بلکه همانند بنده ای خوار که به خود ستم نموده سخن می گویم.۷/۱۲

ستمکارتر نبودن بنده، از توبه کننده به درگاه خدا

وَ مَا أَنَا بِأَظْلَمِ مَنْ تَابَ إِلَيْکَ فَعُدْتَ عَلَيْهِ

و من ستمکارتر از توبه کننده به درگاهت که تو به او نیکی نموده ای، نمی باشم.۱۱/۱۲

یاری خدا، به مظلومان و ستم دیدگان

وَ يَا مَنْ قَرُبَتْ نُصْرَتُهُ مِنَ الْمَظْلُومِينَ

و ای کسی که یاری او به ستم دیدگان نزدیک است.۳/۱۴

مدد الهی و ستمگران

وَ يَا مَنْ بَعُدَ عَوْنُهُ عَنِ الظَّالِمِينَ

و ای کسی که مددش از ستمگران دور است.

۴/۱۴

بازداشتن ستمگر و دشمن بنده، از ستم

وَ خُذْ ظَالِمِی وَ عَدُوِّی عَنْ ظُلْمِی بِقُوَّتِکَ...

و ستم کننده به من و دشمنم را با نیروی خود از ستم کردن به من بازدار.۶/۱۴

رخصت ستم ندادن خدا، به ستمگر

وَ لَا تُسَوِّغْ لَهُ ظُلْمِی

و ستم کردن او را بر من آسان نگردان.

۷/۱۴

یاری بنده، در برابر ستمگر

أَعْدِنِی عَلَیْهِ عَدْوَی حَاضِرَهً، تَکُونُ مِنْ غَیْظِی بِهِ شِفَاءً

مرا در مقابل او یاری کن. یاری نمودنِ آماده ای که خشم من با آن بهبودی یابد.۸/۱۴

مشمول عفو گرداندن بنده، در عوض ستم ستمگر به او

ص : ۷۳۳

اللَّهُمَّ... عَوِّضْنِی مِنْ ظُلْمِهِ لِی عَفْوَکَ

خداوندا در عوض ستمی که او به من نمود، مرا ببخش.۹/۱۴

عطای رحمت به بنده، در عوض بدرفتاری ستمگر با او

اللَّهُمَّ... أَبْدِلْنِی بِسُوءِ صَنِیعِهِ بِی رَحْمَتَکَ

خداوندا به جای بدرفتاری اش، رحمتت را به من عطا کن.۹/۱۴

ناپسند گرداندن ستم کشیدن، در نظر بنده

اللَّهُمَّ فَکَمَا کَرَّهْتَ إِلَیَّ أَنْ أُظْلَمَ فَقِنِی مِنْ أَنْ أَظْلِمَ

خداوند همچنان که ستم کشیدن را در نظرم ناپسند نمودی، مرا از ستم نمودن حفظ کن.

۱۰/۱۴

نگه داشتن بنده، از ستم کردن

...فَقِنِی مِنْ أَنْ أَظْلِمَ

...پس مرا از ستم نمودن حفظ کن.۱۰/۱۴

سبب ادامه دادن ستمگر، بر ستم

اللَّهُمَّ... لَا تَفْتِنْهُ بِالْأَمْنِ مِنْ إِنْکَارِکَ، فَیُصِرَّ عَلَی ظُلْمِی

خداوندا او را به ایمنی از کیفرت آزمایش نکن، تا به ستم نمودن بر من پافشاری کند.

۱۲/۱۴

نشان دادن (کیفر) ستم

وَ عَرِّفْهُ عَمَّا قَلِیلٍ مَا أَوْعَدْتَ الظَّالِمِینَ

و آنچه ستمگران را به آن تهدید نمودی، بر او بنما.۱۲/۱۴

علّت کیفر نشدن ستمگر، تا رستاخیز

اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَتِ الْخِيَرَهُ لِی عِنْدَکَ فِی تَأْخِیرِ الْأَخْذِ لِی وَ تَرْکِ الِانْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِی إِلَی یَوْمِ الْفَصْلِ... أَیِّدْنِی مِنْکَ بِنِیَّهٍ صَادِقَهٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

خداونـدا و اگر خیر من نزد تـو در تـأخیر گرفتن حقّم و به کیفر نرسـیدن سـتمگرم تـا روز رسـتاخیر می باشـد، پس مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.۱۴/۱۴

ستم کار نبودن خدا، نسبت به کیفرشده

فَإِنْ تُعَذِّبْنِی فَأَنْتَ غَیْرُ ظَالِمٍ لِی

پس اگر مرا عذاب کنی ستمکار به من نیستی.

۳۱/۱۶

فَکُلُّ الْبَرِیَّهِ مُعْتَرِفَهٌ بِأَنَّکَ غَیْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبْتَ

پس همه آفریدگان اعتراف می کنند که تو هر که را عقوبت نمودی، ستمگر نیستی.۸/۳۷

جلوگیری از ستم ستم کننده

وَ اجْعَلْ لِی یَدًا عَلَی مَنْ ظَلَمَنِی

و برایم بر آنکه به من ستم کرد، دستی قرار ده.

۸/۲۰

سبب ستم نشدن بر بنده

ص : ۷۳۴

وَ لَا أَظْلَمَنَّ وَ أَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّی

و (چنان کن که) بر من ستم نشود، در حالی که تو بر دفاع از من توانایی.۱۴/۲۰

سبب ستم نکردن بنده، به دیگران

وَ لَا أَظْلِمَنَّ وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَی الْقَبْضِ مِنِّی

و (چنان کن که) بر کسی ستم نکنم، در حالی که تو قادری بازم داری.۱۴/۲۰

آسودگی دشمن، از ستم بنده

وَ ارْزُقْنِی... الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فِی حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّی أَکُونَ بِمَا یَرِدُ عَلَیَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَهٍ سَوَاءٍ... مُوءْثِرًا لِرِضَاکَ عَلَی مَا سِوَاهُمَا فِی الْأَوْلِیَاءِ وَ الْأَعْدَاءِ، حَتَّی یَأْمَنَ عَدُوِّی مِنْ ظُلْمِی وَ جَوْرِی

و مرا در حال خوشنودی وخشم، خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدّم شمارم. تا دشمنم از ظلم و ستم من ایمن باشد.۱۳/۲۲

پناه بردن به خدا، از شرّ هر پادشاه ستمگر

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ سُلْطَانٍ عَنِیدٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر پادشاهِ ستمگری پناه ده.۶/۲۳

ترس از والدین، همانند ترس از پادشاه ستمگر

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی أَهَابُهُمَا هَیْبَهَ السُّلْطَانِ الْعَسُوفِ

خداوندا مرا چنان گردان که از هر دو (پدر و مادرم) همچون ترس از پادشاه خودکامه، بیمناک باشم.۵/۲۴

تعدّی والدین در سخن گفتن با فرزند

اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّیَا عَلَیَّ فِیهِ مِنْ قَوْلٍ... فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا...

خداوندا و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدّی نموده اند، پس آن را به ایشان بخشیدم.۹/۲۴

از ظلم و ستم، به عدل خدا پناه جستن

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُ_جَارِینَ مِنَ الظُّلْمِ بِعَدْلِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) از ستم (دیگران) به عدل تو پناه آورده اند، قرار ده.

۱۰/۲۵و۱۱

یاری همسایگان ستم دیده

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... نُصْرَهِ مَظْلُومِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در یاریِ ستم دیده شان، توفیق ده.

۲/۲۶

درگذشتن از همسایگان ستمکار

ص : ۷۳۵

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أَعْرِضُ بِالتَّجَاوُزِ عَنْ ظَالِمِهِمْ

و خداوندا مرا بر آن دار که از ستمگرشان با چشم پوشی صرف نظر کنم.۳/۲۶

مالی کشاننده بنده، به ظلم و ستم

وَ ازْوِ عَنِّی مِنَ الْمَالِ مَا یُحْدِثُ لِی مَخِیلَهً أَوْ تَأَدِّیًا إِلَی بَغْیٍ...

و مالی که برایم خودپسندی پیش آورد یا به ستمگری برساند را از من دور ساز.۳/۳۰

به خود ستم نمودن بنده

...حَتَّی إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَی... أَحْصَی مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ

...امّا همین که چشم هدایت برای او گشوده شد، آنچه با آن به خود ستم کرده، شمرد.

۷/۳۱

وَ هَبْ لِنَفْسِی عَلَی ظُلْمِهَا نَفْسِی

و مرا به خاطر ظلمی که به خود کرده ام، ببخش.۹/۳۹

ترس بیدادگران، از قهر خدا

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ... تَوْبَهً تَسْلَمُ بِهَا کُلُّ جَارِحَهٍ عَلَی حِیَالِهَا مِنْ تَبِعَاتِکَ، وَ تَأْمَنُ مِمَا یَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنْ أَلِیمِ سَطَوَاتِکَ

خداوندا و همانا من به درگاهت توبه می کنم. توبه ای که با آن هر عضوی به سهم خود از

کیفرهایت سالم مانَد و از قهرهای دردناکت که بیدادگران می ترسند، در امان باشد.۲۲/۳۱

انجام معصیت و نترسیدن از ستم الهی

لَا یُخْشَی جَوْرُکَ عَلَی مَنْ عَصَاکَ

بیمی از آن نیست که بر کسی که تو را معصیت کرد، ستم کنی.۱۶/۳۷

ستم شدن به ستم دیده ای، در حضور بنده

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ مِنْ مَظْلُومٍ ظُلِمَ بِحَضْرَتِی فَلَمْ أَنْصُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از ستم دیده ای که در حضور من به او ستم شد، پس او را یاری نکردم.۱/۳۸

طلب آمرزش برای ستم کننده

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ نَالَ مِنِّی مَا حَظَرْتَ عَلَيْهِ... فَاغْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنِّی

خداوندا و هر بنده ای که به من آسیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که بر او جایز ندانسته بودی، پس او را که بر من ستم نمود، بیامرز.

۲/۳۹

درخواست درباره آنکه از بنده، ستمی به او رسیده

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عَبِيدِكَ... لَحِقَهُ بِی أَوْ بِسَبَبِی

ص : ۷۳۶

ظُلْمٌ... أَرْضِهِ عَنِّی مِنْ وُجْدِكَ...

خداوندا و هر بنده ای از بندگانت که به دست من یا به وسیله من، ستمی به او شده، او را با توانگری خود، از من خوشنود گردان.۴/۳۹

عفو خدا، بر ستم کاران

وَ كَمْ قَدْ شَمِلَ عَفْوُكَ الظَّالِمِینَ

و چه بسیار عفوت که ستمگران را فرا گرفت.

۹/۳۹

روز سیاه شدن چهره ستمگران

وَ بَیِّضْ وُجُوهَنَا یَوْمَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ الظَّلَمَهِ فِی یَوْمِ الْحَسْرَهِ وَ النَّدَامَهِ

و در روز حسرت و پشیمانی، روزی که چهره های ستمگران سیاه می شود، رخسارهای ما را سفید گردان.۱۶/۴۲

انصاف داشتن با ستمگر

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نُنْصِفَ مَنْ ظَلَمَنَا

و ما را در آن ماه توفیق ده، که با کسی که به ما ظلم نموده، منصفانه رفتار کنیم.۱۰/۴۴

از روی ستم نبودن منع الهی

إِنْ مَنَعْتَ لَمْ یَكُنْ مَنْعُكَ تَعَدِّیًا

اگر منع کنی، منع داشتنت از روی ستم نیست.

۵/۴۵

قصد ستم نمودن به خود و مهلت الهی

وَ أَمْهَلْتَ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ

و کسی را که به خود قصد ستم نموده، مهلت داده ای.۹/۴۵

ستم به خود و فراموشی

اللَّهُمَّ وَ مَا... اكْتَسَبْنَا فِيهِ مِنْ خَطِيئَةٍ عَلَى تَعَمُّدٍ مِنَّا، أَوْ عَلَى نِسْيَانٍ ظَلَمْنَا فِيهِ أَنْفُسَنَا... فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِکَ

خداوندا و خطایی که ما در آن (ماه) از روی عمد زیر بارش رفتیم، یا فراموشی ای که در آن به خود ستم کردیم؛ پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان.۴۷/۴۵

ظلم نکردن خدا، از روی عدل در حکمش

وَ مَا أَقْنَطَهُ مِنْ سُهُولَهِ الْمَـخْرَجِ عَدْلًا مِنْ قَضَائِکَ لَا تَجُورُ فِيهِ

و چه ناامید است از به آسانی رهایی یافتن! (همه گرفتاری هایش) از روی عدل در حکم توست، که در آن ستم نمی کنی.۲۰/۴۶

ظلم ننمودن خداوند، و حکم منصفانه او

وَ مَا أَقْنَطَهُ مِنْ سُهُولَهِ الْمَـخْرَجِ... إِنْصَافًا مِنْ حُكْمِکَ لَا تَحِيفُ عَلَيْهِ

و چه ناامید است از به آسانی رهایی یافتن! (همه گرفتاری هایش) از حکم منصفانه توست، که بر او جفا نمی نمایی.

۲۰/۴۶

ولیّ خدا و زدایش زنگار ستم

وَ اجْلُ بِهِ صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ

و با او زنگار ستم را از راهت بزدای.

۶۲/۴۷

ستمکاران و میراندن نشانه های دین خدا

وَ أَحْيِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ

و با او آنچه ستمگران از نشانه های دینت محو می کنند را زنده گردان.۶۲/۴۷

پشتیبان ستمگران قرار ندادن بنده

وَ لَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيرًا

و مرا پشتیبان ستمگران قرار نده.۱۳۲/۴۷

نبودن ستم، در فرمان الهی

قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ

دانسته ام که در فرمان تو ستم نیست.

۱۵/۴۸

نیازمندی ضعیف، به ستم کردن

إِنَّمَا يَحْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ

همانا ضعیف، نیازمند به ستم کردن است.

۱۵/۴۸

برتری خدا، از ستم کردن

قَدْ تَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا

تو - ای خدای من - از آن (ستم کردن) برتر و

والاتری.۱۵/۴۸

ستم متجاوز، به وسیله حیله هایش

وَ کَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِی بِمَکَایِدِهِ

و چه بسیار ستمگری که با نیرنگ هایش به من ستم کرد.۷/۴۹

رفتار خدا، با ستمگر

فَلَمَّا رَأَیْتَ یَا إِلَهِی... دَغَلَ سَرِیرَتِهِ... أَرْکَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِی زُبْیَتِهِ، وَ رَدَدْتَهُ فِی مَهْوَی حُفْرَتِهِ

پس همین که - ای خدای من - تباهی باطن او را ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کنده بود)، سرنگون نمودی. و او را در پرتگاه گودالش بازگرداندی.۸/۴۹

عذاب خدا و ستم کاری بنده

إِنْ تُعَذِّبْ فَأَنَا الظَّالِمُ

اگر کیفر کنی، این من هستم که ستمکارم.

۱۴/۵۱

ستیز جدال و نیز جنگ

ستیزه جویی دشمنی

ستیزه جویان و تکذیب پیامبران

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ - مِنْ - أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَیْبِ عِنْدَ مُعَارَضَهِ الْمُعَانِدِینَ لَهُمْ بِالتَّکْذِیبِ...

ص : ۷۳۸

فَاذْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَهٍ وَ رِضْوَانٍ

خداونـدا و پیروان و تصـدیق کننـدگانِ پنهانیِ پیامبران از اهل زمین، در هنگامی که با تکـذیب ستیزه جویان روبرو می شدند، پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن.۲و۱/۴

پیروزی بنده، بر ستیزه جو

وَ اجْعَلْ لِی... ظَفَرًا بِمَنْ عَانَدَنِی

و برایم بر آنکه با من ناسازگاری نمود، پیروزی ای قرار ده.۸/۲۰

ستیزه جویی فرزندان بنده، با دشمنان خدا

وَ اجْعَلْهُمْ... لِجَمِیعِ أَعْدَائِکَ مُعَانِدِینَ وَ مُبْغِضِینَ

و آنان (فرزندانم) را ستیزه جو و کینه توزِ همه دشمنانت قرار ده.۳/۲۵

نبودن ضدّی، برای ستیز با خدا

أَنْتَ الَّذِی لَا ضِدَّ مَعَکَ فَیُعَانِدَکَ

تویی آنکه ضدّی نداری تا با تو دشمنی کند.

۲۰/۴۷

از روی ستیزه جویی نبودنِ نافرمانی خدا

فَخَالَفَ أَمْرَکَ إِلَی نَهْیِکَ، لَا مُعَانَدَهً لَکَ

پس با فرمانت مخالفت نموده، به نهیت شتافت. نه از روی عناد با تو.۶۸/۴۷

ستیزه جویی نمودن با خدا

لَا تَجْبَهْنِی بِمَا جَبَهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِینَ لَکَ

همانگونه که دست رد بر پیشانی ستیزه جویان با خود زده ای، دست رد بر پیشانی ام نزن.

۱۱۶/۴۷ سجده

سجده نمودن و گفتن ذکر سجده

وَ تَذْکُرُ حَاجَتَکَ ثُمَّ تَسْجُدُ وَ تَقُولُ فِی سُجُودِکَ...

و حاجت خود را نام می بری. پس سجده می کنی و در سجده ات می گویی...۲۵/۱۳

نتیجه سجده، تا پنهان شدن سیاهی چشم

یَا إِلَهِی لَوْ... سَجَدْتُ لَکَ حَتَّی تَتَفَقَّأَ حَدَقَتَایَ... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر آنقدر برایت سجده نمایم تا سیاهی چشمانم از کاسه بیرون آید، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

نمازی مطابق با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله ، در رکوع و سجود

وَ أَنْزِلْنَا فِیهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّینَ لَهَا فِی أَوْقَاتِهَا عَلَی مَا سَنَّهُ عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ فِی رُکُوعِهَا وَ سُجُودِهَا...

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سنّتی که بنده و رسول تو [که درودهایت بر او و خاندانش باد] در رکوع و سجود آن قرار داد - به جا آورده اند.

۹/۴۴

سختی رنج

رهایی تابعین اصحاب ، از سختی آتش دوزخ

وَ تُعَافِيَهُمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَهُ مِنْ... كَبَهِ النَّارِ...

و ایشان را از آنچه که به وجودآورنده آزمایش هایی از سختی آتش است، عافیت بخشی.

۱۸/۴

سختی پیشامدها و اندوه های روزگار

وَ اكْفِنَا حَدَّ نَوَائِبِ الزَّمَانِ

و ما را از سختی حوادث روزگار نگهدار.

۱۰/۵

شکسته شدن تندی سختی ها

وَ يَا مَنْ يَفْثَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ

و ای کسی که شدّت دشواری ها با او آرام می گردد.۱/۷

قدرت خدا و آسان گشتن کارهای دشوار

ذَلَّتْ لِقُدْرَتِکَ الصِّعَابُ

سختی ها به توانایی تو آسان شد.۲/۷

خدا، پناهگاه در سختی ها

أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهِمَّاتِ، وَ أَنْتَ الْمَفْزَعُ فِی الْمُلِمَّاتِ

تویی خوانده شده برای دشواری ها و تویی فریادرس در سختی ها.۴/۷

برطرف نشدن سختی ها و دشواری ها

...لَا یَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ، وَ لَا یَنْکَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا کَشَفْتَ

از آنها جز آنچه تو دور کنی، دور نمی گردد و از آنها جز آنچه تو برطرف کنی، برطرف نمی شود.

۴/۷

دشوار بودن سنگینی (گرفتاری) فرود آمده، بر بنده

قَدْ نَزَلَ بِی یَا رَبِّ مَا قَدْ تَکَأَّدَنِی ثِقْلُهُ

ای پروردگار من، بر من چیزی فرود آمده که سنگینی آن بر من دشوار است.۵/۷

نبودِ آسان کننده ای برای آنچه خدا دشوار نموده

وَ لَا مُیَسِّرَ لِمَا عَسَّرْتَ

و برای آنچه دشوار کردی، آسان کننده ای نیست.۷/۷

ص : ۷۴۰

پناه بردن به خدا، از سختی روزگار

وَ نَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ... یَنْکُبَنَا الزَّمَانُ

و پناه می بریم به تو از اینکه زمانه ما را دچار سختی نماید.۶/۸

پناه بردن به خدا، از زندگی در سختی

وَ نَعُوذُ بِکَ... مِنْ مَعِیشَهٍ فِی شِدَّهٍ

و پناه می بریم به تو از زندگی در سختی.

۸/۸

آسان نمودن سختی بنده، پیش از رفتن از دنیا

وَ تَوَلَّنِی بِنُجْحِ طَلِبَتِی... وَ نَیْلِ سُوءْلِی قَبْلَ زَوَالِی عَنْ مَوْقِفِی هَذَا بِتَیْسِیرِکَ لِیَ الْعَسِیرَ

و به برآورده گشتن خواسته ام و یافتن درخواستم، قبل از رفتنم از این مکان، با آسان کردن سختی برای من یاری ام فرما.۲۳/۱۳

سختی و گشایش

وَ اجْعَلْ... سَلَامَتِی مِنْ هَذِهِ الشِّدَّهِ إِلَی فَرَجِکَ

و تندرستی ام از این سختی را به گشایشت قرار ده.۶/۱۵

سخت بودن بنده، در اقدام به بدی

وَ مَنْ... أَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَی السُّوءِ مِنِّی...

و چه کسی از من بر اعمال زشت بی باک تر است؟۲۳/۱۶

سخت بودن بی باکی بنده، در باطل

بَلْ أَنَا یَا إِلَهِی... أَشَدُّ فِی الْبَاطِلِ تَهَوُّرًا... مِنْ أَنْ أُحْصِیَ لَکَ عُیُوبِی، أَوْ أَقْدِرَ عَلَی ذِکْرِ ذُنُوبِی

بلکه من – ای خدای من – در انجام باطل گستاخ تر از آنم که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.

۲۷/۱۶

رحم نمودن خدا، به سختی فقر بنده

فَارْحَمْ... شِدَّهَ مَسْکَنَتِی

پس بر شدّت نیازم رحم کن.۳۲/۱۶

فریادرس بنده، هنگام دشواری

وَ بِکَ اسْتِغَاثَتِی إِنْ کَرِثْتُ

و اگر اندوه مرا فراگیرد، از تو فریادرسی خواهم.۲۰/۲۰

دشوار نگرداندن زندگی، بر بنده

وَ لَا تَجْعَلْ عَیْشِی کَدًّا کَدًّا

و زندگی ام را پر دردسر قرار نده.۲۲/۲۰

وَ لَا تَجْعَلِ الْحَیَاهَ عَلَیْنَا نَکَدًا

و زندگی را بر ما دشوار نگردان.۱۶/۴۲

روا ساختن درخواست بنده، در سختی

وَ لَا تَجْعَلْنِی... آیِسًا مِنْ إِجَابَتِکَ لِی وَ إِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّی، فِی سَرَّاءَ کُنْتُ أَوْ ضَرَّاءَ، أَوْ شِدَّهٍ أَوْ رَخَاءٍ

و مرا ناامید از اجابتت – گرچه دیر شود – قرار نده، در خوشی باشم یا سختی، یا تنگی یا فراخی.۸/۲۱

کوتاهی نمودن در ادای شکر نعمت، در هنگام سختی

وَ ارْزُقْنِی الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِیرِی فِی الشُّکْرِ لَکَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَیَّ فِی الْیُسْرِ وَ الْعُسْرِ...

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که در آسانی و سختی به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما.

۱۱/۲۲

سختی رنج والدین در حراست از فرزند

...وَ أَیْنَ شِدَّهُ تَعَبِهِمَا فِی حِرَاسَتِی؟!

و سختی هایی که آن دو (پدر و مادرم) در نگهداری من کشیده اند چه می شود؟۱۰/۲۴

وسیله نگه داشتن بنده، از سختی رنج

وَ أَلْهِمْنَا ثِقَهً خَالِصَهً تُعْفِینَا بِهَا مِنْ شِدَّهِ النَّصَبِ

و اطمینانی خالص در دلمان بینداز، که با آن ما را از سختی رنج معاف داری.۲/۲۹

وسیله سخت گرفتن خدا، بر نافرمان

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ تَغَلَّظْتَ بِهَا عَلَی مَنْ عَصَاکَ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن به هر که تو را نافرمانی کرده، سخت گرفتی.

۲۹/۳۲

بد فرجامیِ سختِ دیدار آتش دوزخ، با دوزخیان

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... تَلْقَی سُکَّانَهَا بِأَحَرِّ مَا لَدَیْهَا مِنْ أَلِیمِ النَّکَالِ وَ شَدِیدِ الْوَبَالِ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با ساکنان خود با سوزان ترین کیفرِ دردناک و عواقب سخت روبرو می شود.۳۰و۲۹/۳۲

دشوار دانستن قضای الهی

وَ سَهِّلْ عَلَيْنَا مَا نَسْتَصْعِبُ مِنْ حُكْمِكَ

و آنچه از حکمت که سخت می شماریم، بر ما آسان گردان.۴/۳۳

بازپس داشتن هر کیفر سختی، از بنده

فَجَمِيعُ مَا أَخَّرْتَ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ وَ أَبْطَأْتَ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ سَطَوَاتِ النَّقِمَهِ وَ الْعِقَابِ تَرْكٌ مِنْ حَقِّكَ

پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته ای و هر کیفر سختی و عقابی که در انجام آن کُندی نموده ای، ترک کردن حقّ خودت بوده است.

۱۵/۳۷

سختی زبان ها و نیکویی عبارت قرآن

ص : ۷۴۲

اللَّهُمَّ فَإِذْ... سَهَّلْتَ جَوَاسِيَ أَلْسِنَتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ

خداوندا، پس هنگامی که زبان های خشن ما را به نیکویی عبارتش نرم کردی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند.۴/۴۲

سختی کوه های استوار، و ناتوانیشان از تحمّل قرآن

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّيَالِی مُونِسًا... حَتَّى تُوصِلَ إِلَى قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ الَّتِی ضَعُفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِی عَلَى صَلَابَتِهَا عَنِ احْتِمالِهِ

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مَثل های بازدارنده اش را که کوه های استوار با محکمیشان از تحمّل آن ناتوانند، به دل های ما برسانی.

۱۰/۴۲

وسیله آسان گرداندن سختی ناله ، هنگام مرگ

وَ هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا... جَهْدَ الْأَنِينِ، وَ تَرَادُفَ الْحَشَارِجِ...

و به وسیله قرآن هنگام مرگ، سختی ناله و خرناسه های پی درپی زمان جان کندن را بر ما آسان گردان.۱۳/۴۲

روز قیامت و سختی های هولناک

وَ نَجِّنَا بِهِ مِنْ... شَدَائِدِ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَّهِ

و ما را از سختی های هولناکِ روز قیامت، به وسیله آن (قرآن)، نجات ده.۱۵/۴۲

ماه نو و عدم سختی و دشواری

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالَ... يُمْنٍ لَا نَكَدَ مَعَهُ، وَ يُسْرٍ لَا يُمَازِجُهُ عُسْرٌ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه برکتی بی گرفتاری با آن، و آسانیِ نیامیخته با دشواری قرار دهد.۵و۴/۴۳

سختی عذاب خدا

لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِی لَشَدِيدٌ

اگر کفران نمایید، همانا عذاب من شدید است.۱۴/۴۵

روزه داران، و سختی جدایی از رمضان

فَنَحْنُ مُوَدِّعُوهُ وِدَاعَ مَنْ عَزَّ فِرَاقُهُ عَلَيْنَا

پس آن را وداع می گوییم، وداع از کسی که فراقش بر ما دشوار است.۲۳/۴۵

گرفتار سختی نشدن خدا

إِنَّكَ غَيْرُ ضَائِقٍ بِمَا تُرِيدُ

به درستی که تو آنچه بخواهی، برایت سخت و دشوار نیست.۲۵/۴۶

ص : ۷۴۳

سختیِ به کیفر رساندن بنده

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِ، الشَّدِيدُ الْمِحَالِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بلندمرتبه در نهایت بلندیِ مرتبه، سخت کیفر می کند.۵/۴۷

سخت و هموار بودن راه خدا

سُبْحَانَکَ سَبِيلُکَ جَدَدٌ

پاک و منزّهی! راه تو هموار است.۲۸/۴۷

عامل دور ساختن سختی، از راه خدا

وَ أَبِنْ بِهِ الضَّرَّاءَ مِنْ سَبِيلِکَ

و به سبب او (ولیّ خود)، سختی را از راهت دور کن.۶۲/۴۷

نهراسیدن بنده، از سختی گزند خدا

أَنَا الَّذِی... لَمْ يَخَفْ بَأْسَکَ

منم آنکه از سختی گزندت نهراسیده ام.

۸۱/۴۷

قدرت داشتن بر سخت گیری

تَغَمَّدْنِی فِيما اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّی بِمَا يَتَغَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْ لَا حِلْمُهُ

مرا در آنچه بر آن از من آگاهی بپوشان، آنگونه که می پوشاند قادر بر سختگیری، (و) اگر

بردباری اش نبود (خطاها را ظاهر می کرد).

۱۱۹/۴۷

با خشمِ سخت نگریستن ستمگر، به بنده

وَ يَنْظُرُنِی عَلَى شِدَّهِ الْحَنَقِ

و با خشم سخت به من می نگریست.۷/۴۹

بازداشتن بنده، از سختی و نیروی حسود

فَحَصَّنْتَنِی مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِکَ

پس تو به قدرت خویش، مرا از سختی و نیروی او بازداشتی.۱۰/۴۹

سخت بودن توانایی خدا

سُبْحَانَکَ مَا... أَشَدَّ قُوَّتَکَ

پاک و منزّهی! چه شدید است قدرت تو!

۴/۵۲

نیازمندی سخت بنده

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ سُؤَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند است.۳/۵۴

آنچه انجام آن بر خدا دشوار نیست:

أ. گذشت از معصیت بسیار بنده

أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ... عَالِمٍ بِأَنَّ... التَّجَاوُزَ عَنِ الْإِثْمِ الْجَلِیلِ لَا یَسْتَصْعِبُکَ، وَ أَنَّ احْتِمالَ

الْجِنَايَاتِ الْفَاحِشَهِ لَا يَتَكَأَّدُكَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که می داند درگذشتن از معصیت بسیار، بر تو دشوار نیست و چشم پوشی از جرم های بسیار زشت بر تو سخت نمی باشد.۱۳و۱۲/۱۲

ب. روا ساختن درخواست بنده

...إِنَّ ذَلِکَ لَا یَضِیقُ عَلَیْکَ فِی وُسْعِکَ، وَ لَا یَتَکَأَّدُکَ فِی قُدْرَتِکَ...

بدرستی که این در برابر گستره توانایی ات بر تو دشوار نیست و در برابر قدرتت سخت نمی باشد.۳۴/۱۶

ج. عفو بنده

وَ لَنْ یَضِیقَ عَلَیْکَ عَفْوٌ عَنْ عَبْدِکَ...

و گذشت از بنده ات، بر تو دشوار نیست.

۱۰/۳۲

د. پناه دادن به بنده

وَ أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِهِمَا أَنْ تُعِیذَنِی مِنْ شَرِّ کَذَا وَ کَذَا، فَإِنَّ ذَلِکَ لَا یَضِیقُ عَلَیْکَ فِی وُجْدِکَ، وَ لَا یَتَکَأَّدُکَ فِی قُدْرَتِکَ

و به وسیله آنان، به درگاهت رومی آورم که مرا از شرّ این و آن پناه دهی. پس به درستی که این (کار) در برابر دارایی ات بر تو

دشوار نیست و در برابر قدرتت بر تو سخت نمی باشد.۱۶/۴۹

سخن

گفتار فرشتگان (به اهل بهشت)

...وَ الَّذِینَ یَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَیْکُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ

...و آنان که (به بهشتیان) می گویند: درود بر شما، به پاس بردباری ای که نمودید، پس چه نیکوست فرجام این سرای.۲۰/۳

گفتار نیکوی بندگان (صلوات)، در مورد اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ إِذَا صَلَّیْتَ عَلَی مَلَائِکَتِکَ وَ رُسُلِکَ، وَ بَلَّغْتَهُمْ صَلَاتَنَا عَلَیْهِمْ فَصَلِّ عَلَیْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِیهِمْ

خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر (زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست.۲۶/۳

گفتار تابعین و پیروان اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

...الَّذِینَ یَقُولُونَ: رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِینَ سَبَقُونَا بِالْإِیمَانِ...

همانها که می گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان

را، که در ایمان، بر ما پیش قدم شدند بیامرز.

۹/۴

فرمانبری اشیا، به اراده خدا و بدون گفتار او

فَهِیَ بِمَشِیَّتِکَ دُونَ قَوْلِکَ مُوءْتَمِرَةٌ

پس آن اشیا به خواست تو بدون سخنت فرمانبردارند.۳/۷

از روی نادانی سخن گفتن

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ... نَقُولَ فِی الْعِلْمِ بِغَیْرِ عِلْمٍ

خداوندا به تو پناه می برم از اینکه بدون داشتن آگاهی سخن بگوییم.۴و۱/۸

سخنان زبان ها و ثواب الهی

وَ اجْعَلْ... لَهَجَاتِ أَلْسِنَتِنَا فِی مُوجِبَاتِ ثَوَابِکَ

و سخنان زبان هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده.۷/۹

گفتار پنهانی و آهسته دل ها، و ثواب الهی

وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا... فِی مُوجِبَاتِ ثَوَابِکَ

و گفتارهای پنهان و آهسته دل هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده.۷/۹

سخن گفتن همانند گفتار بنده خوار

...بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِیلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ

الْمُسْتَخِفِّ بِحُرْمَةِ رَبِّهِ

...بلکه همانند بنده ای خوار که به خود ستم نموده و حرمت پروردگارش را سبک شمرده سخن می گویم.۷/۱۲

گفتار بنده، درباره طلب نیازمند از نیازمند

وَ قُلْتُ: سُبْحَانَ رَبِّی کَیْفَ یَسْأَلُ مُحْتَاجٌ مُحْتَاجًا؟

و گفتم: منزّه است پروردگارم چگونه نیازمند از نیازمند درخواست کند؟۱۷/۱۳

گویا نشدن هیچ زبانی، به کردارهای پاکیزه نوشته شده در بیماری، برای بنده

وَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ مَا کَتَبَ لِیَ الْکَاتِبَانِ مِنْ زَکِیِّ الْأَعْمَالِ، مَا... لَا لِسَانٌ نَطَقَ بِهِ

و در بین آن بیماریْ نویسندگان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که زبانی به آن گویا نگشته.۵/۱۵

گفتار بنده، در برابر فرمان خدا به دعا

وَ أَنَا یَا إِلَهِی عَبْدُکَ الَّذِی أَمَرْتَهُ بِالدُّعَاءِ، فَقَالَ: لَبَّیْکَ وَ سَعْدَیْکَ، هَا أَنَا ذَا یَا رَبِّ مَطْرُوحٌ بَیْنَ یَدَیْکَ

و من - ای خدای من - بنده توام که او را به نیایش کردن فرمان دادی. پس گفت: اطاعت می کنم و گوش به فرمانم. ای پروردگار من اینک منم که در پیش روی تو افتاده ام.۱۳/۱۶

توفیقِ حق گویی

ص : ۷۴۶

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی... الْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَ إِنْ عَزَّ

و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان در سخن حقّ گفتن اگر چه سخت باشد.۱۰/۲۰

بسیاری نیکی در گفتار و کم شمردن آن

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی... اسْتِقْلَالِ الْخَیْرِ وَ إِنْ کَثُرَ مِنْ قَوْلِی وَ فِعْلِی

و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان در کم شمردن نیکی گفتار و کردارم اگر چه بسیار باشد.

۱۰/۲۰

کمی بدی در گفتار و بسیار شمردنش

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی... اسْتِکْثَارِ الشَّرِّ وَ إِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِی وَ فِعْلِی

و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان در بسیار شمردن بدی گفتار و کردارم اگر چه کم باشد.

۱۰/۲۰

گفتن سپاس خدا، به جای سخن زشت

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَی عَلَی لِسَانِی مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَکَ...

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت، سپاس برای خودت را قرار ده.۱۳/۲۰

گویا ساختن بنده، به هدایت و راهنمایی

اللَّهُمَّ وَ أَنْطِقْنِی بِالْهُدَی

خداوندا و مرا به هدایت گویا کن.۱۶/۲۰

گویا ساختن زبان بنده، به سپاس و یاد خدا

وَ أَنْطِقْ بِحَمْدِکَ وَ شُکْرِکَ وَ ذِکْرِکَ وَ حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَیْکَ لِسَانِی

و زبانم را به حمد خود و شکرت و یادت و ستایش نیکوی خود، گویا فرما.۵/۲۳

خوشایندی سخن فرزند، در برابر والدین

وَ أَطِبْ لَهُمَا كَلَامِی

و سخنم را با آنها خوشایند فرما.۶/۲۴

تعدّی والدین، در گفتار با فرزند

وَ مَا تَعَدَّيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ... فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا...

و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدّی نموده اند، پس آن را به ایشان بخشیدم.۹/۲۴

بستن زبان دشمنان، از گفتار

وَ اخْزِمْ أَلْسِنَتَهُمْ عَنِ النُّطْقِ

و زبان هایشان را از گفتن ببند.۵/۲۷

به حق بودن گفتار خدا

فَقُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ الْأَصْدَقُ!

پس فرمودی و فرموده تو راست و درست ترین

است.۴/۲۹

ثُمَّ قُلْتَ: فَوَ رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ

سپس فرمودی: «پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آن (سخن) حقّ و درست است، مانند آنچه شما سخن می گویید.»۵/۲۹

گفتار خداوند

...إِذْ تَقُولُ: ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَكُمْ

...زیرا که می فرمایی: «مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم.»۱۱/۳۱

وَ قَدْ قُلْتَ یَا إِلَهِی فِی مُحْكَمِ كِتَابِكَ إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ

و ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده ای همانا توبه بندگانت را می پذیری.۱۵/۳۱

فَقُلْتَ تَبَارَكَ اسْمُكَ: تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

پس تو که نامت مبارک است، فرمودی: «به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص. امید است که پروردگارتان بدی هایتان را از شما بزداید و شما را به بهشت هایی داخل کند که نهرها از زیر آن جاری است.۱۰/۴۵

فَقُلْتَ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَ تَعَالَيْتَ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا، وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا

پس تو که نامت مبارک و بلندمرتبه است، فرمودی: «هر کس کار نیکی به جا آورَد، پس برای او ده برابر آن است و هر کس کار بدی کند، جز مانند آن جزا داده نمی شود.»۱۲/۴۵

وَ قُلْتَ: مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ، وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ قُلْتَ: مَنْ ذَا الَّذِی يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً

و فرمودی: «داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.» و فرمودی: «کیست آنکه به خدا وام دهد، وامی نیکو. که خدا آن را برایش به چندین و چند برابر افزون نماید؟.»۱۳/۴۵

فَقُلْتَ: اذْكُرُونِی أَذْكُرْكُمْ، وَ اشْكُرُوا لِی وَ لَا تَكْفُرُونِ، وَ قُلْتَ: لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ، وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِی لَشَدِيدٌ

پس فرمودی: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا شکر گزارید و مرا کفران نکنید.» و فرمودی: «اگر شکر گزارید، شما را فزونی دهم و اگر کفران نمایید، همانا عذاب من شدید است.»۱۴/۴۵

وَ قُلْتَ: ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکَمْ

و فرمودی: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.»۱۵/۴۵

ص : ۷۴۸

اللَّهُمَّ إِنِّی وَجَدْتُ فِیما أَنْزَلْتَ مِنْ کِتَابِکَ، وَ بَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَکَ أَنْ قُلْتَ یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعًا

خداوندا، همانا من در کتابت که فروفرستاده ای و بندگانت را به آن مژده داده ای، یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد.» ۲/۵۰

توبه از بیاناتِ مخالف با خواست خداوند

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ مِنْ کُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَکَ، أَوْ زَالَ عَنْ مَحَبَّتِکَ مِنْ... لَحَظَاتِ عَیْنِی، وَ حِکَایَاتِ لِسَانِی

خداوندا و همانا من از هر چه مخالف خواسته تو یا دور از دوستی توست؛ از نگاه های چشمم و بیانات زبانم، به درگاهت توبه می کنم.

۲۲/۳۱

سکوت گنهکار، و سخن نگفتن هیچ کس از جانب او

فَإِنْ سَکَتُّ لَمْ یَنْطِقْ عَنِّی أَحَدٌ

پس اگر خاموش شوم، کسی از جانب من سخن نگوید.۲۳/۳۱

علّت گفتار بنده

فَمَا کُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّی بِسُوءِ أَثَرِی، وَ لَا نِسْیَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِیمِ فِعْلِی

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم و از فراموشیِ کردار نکوهیده گذشته ام نیست.

۲۶/۳۱

روبرو شدن شیطان با بنده، با سخن کفر

...وَ تَلَقَّانِی بِکَلِمَهِ کُفْرِهِ

...و با گفتار کفرش با من روبرو شد.۱۳/۳۲

برتری قرآن، بر هر سخن خدا

فَضَّلْتَهُ عَلَى کُلِّ حَدِیثٍ قَصَصْتَهُ

آن را بر هر سخنی که حکایت کرده ای، برتری دادی.۱/۴۲

سبب گوش ندادن به سخن بیهوده

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ، وَ اسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ حَتَّى لَا نُصْغِيَ بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لَغْوٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان و به کار بردنش در آن ماه به آنچه تو را خوشنود می سازد، یاری فرما. تا با گوش هایمان هیچ لغوی گوش ندهیم.۶/۴۴

گویا نشدن زبان بندگان، جز به آنچه خدا بیان نموده

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ... حَتَّى... لَا تَنْطِقَ أَلْسِنَتُنَا إِلَّا بِمَا مَثَّلْتَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان

ص : ۷۴۹

یاری فرما. تا زبان هایمان جز به آنچه تو بیان کرده ای، سخن نگوید.۷و۶/۴۴

گفتار مؤمنان، در روز قیامت

یَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا، وَ اغْفِرْ لَنَا، إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

گویند: پروردگارا، نورمان را برای ما کامل گردان و ما را بیامرز. به درستی که تو بر هر چیزی توانایی.۱۱/۴۵

هدایت بندگان، با سخن غیبی خداوند

وَ أَنْتَ الَّذِی دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِکَ مِنْ غَیْبِکَ

و تویی آنکه ایشان را با سخن غیبی خود، راهنمایی کردی.۱۴/۴۵

سپاس خدا، تا باقی بودن سخنی برای ستودنش

فَلَکَ الْحَمْدُ... مَا بَقِیَ لِلْحَمْدِ لَفْظٌ تُحْمَدُ بِهِ

پس ستایش برای توست، تا آنجا که برای ستایش کلمه ای که با آن ستایش شوی باقی ماند.

۱۷/۴۵

گفتار بندگان، در وداع با ماه رمضان

فَنَحْنُ قَائِلُونَ: السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَکْبَرَ، وَ یَا عِیدَ أَوْلِیَائِهِ

پس می گوییم: درود بر تو، ای بزرگ ترین ماه

خدا، و ای عید دوستان او.۲۳/۴۵

بازگشتن گفتار و کردار همه، به فرمان خدا

وَ أُمُورُهُمْ آئِلَةٌ إِلَی أَمْرِکَ

و کردارشان به فرمان تو خواهد رسید.

۱۸/۴۶

سخن خدا، حکمت و دانایی

سُبْحَانَكَ قَولُكَ حُكْمٌ

پاک و منزّهی! گفتارت حکمت است.

۲۹/۴۷

سپاس خداوند و سخن او

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَى قَوْلِكَ مِنْهُ

سپاس برای توست. سپاسی که هیچ سپاسی نزدیک تر از آن به سپاسی که (در) گفتار توست، نباشد.۴۷و۳۶/۴۷

یاری نمودن بنده، به گفتار پسندیده

وَ أَعِنِّي عَلَى... مَرْضِيِّ الْقَوْلِ

و بر (داشتن) گفتار پسندیده یاری ام فرما.

۱۱۳/۴۷

گسسته شدن گفتار بنده

وَ انْقَطَعَتْ مَقَالَتِي، فَلَا حُجَّهَ لِي

و گفتارم قطع گردیده. پس برای من هیچ حجّتی نیست.۱/۵۳

ص : ۷۵۰

سخنرانی خطبه

سدّ

سدّی میان بنده و شیطان

وَ اجْعَلْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ... رَدْمًا مُصْمِتًا لَا يَفْتُقُهُ

و میان ما و او سد استواری قرار ده که نتواند آن را بشکافد.۳/۱۷

سدّی در برابر قصدبددارنده، درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى تُعْمِيَ عَنِّي بَصَرَهُ...

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا چشمش را از (دیدن) من کور سازی.۸و۷/۲۳

سدّی در برابر گوش های قدرتمندان

كَانَتْ عَافِيَتُكَ لَنَا... رَدْمًا دُونَ أَسْمَاعِهِمْ

عافیت بخشیدن تو برای ما مانعی در برابر گوش هایشان قرار داد.۲/۳۴

سر

کوبیدن سرِ قصدبددارنده درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تَقْمَعَ رَأْسَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من

منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا سرش را بکوبی.۸و۷/۲۳

سرنگونی ستمگر با مغز سر

فَلَمَّا رَأَيْتَ يَا إِلَهِي... دَغَلَ سَرِيرَتِهِ... أَرْكَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِي زُبْيَتِهِ

پس همین که - ای خدای من - تباهی باطن او را ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کنده بود)، سرنگون نمودی.۸/۴۹

سِرّ راز

سَرا خانه

سرازیر

سرازیر ساختن آبی پست از صلب ، به سوی رحِم

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِی مَاءً مَهِینًا مِنْ صُلْبٍ مُتَضَایِقِ الْعِظَامِ، حَرِجِ الْمَسَالِكِ إِلَی رَحِمٍ ضَیِّقَهٍ سَتَرْتَهَا بِالْحُجُبِ

خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی با استخوان های درهم تنیده و راه های تنگ، به سوی رحمی تنگ که آن را با پرده ها پوشاندی، سرازیر نمودی.۲۳/۳۲

سرافکندگی

سرافکندگی برای خدا

وَ نَکّسَ رَاْسَهُ فَانْثَنی

و سرش را کج و به زیر افکنده.۹/۱۲

سر به زیر افکندن، برای عزّت خدا

وَ طَأْطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِکَ مُتَذَلِّلا

و با خواریْ برای عزّتت سرش را به زیر افکنده.۹/۳۱

سرانجام پایان و نیز عاقبت

سرانگشت

دشمن، و به دندان گزیدن سرانگشت خود

قَدْ عَضَّ عَلَی شَوَاهُ وَ أَدْبَرَ مُوَلِّیا

سرانگشتان خود را گزید و پشت کرده، فرار نمود.۶/۴۹

سرپرستی عهده داری

سرپرستی نمودن از همه همسایگان، با نیکی

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أَتَوَلَّی بِالْبِرِّ عَامَّتَهُمْ

و خداوندا مرا بر آن دار که با نیکی، همه آنان را سرپرستی نمایم.۳/۲۶

سرپرستی خدا، از بنده

وَ تَوَلَّنِی بِعِصْمَهٍ مَانِعَهٍ

و به نگهداری بازدارنده، سرپرستی ام کن.

۱۹/۳۱

وَ تَوَلَّنِی بِمَا تَتَوَلَّی بِهِ أَهْلَ طَاعَتِکَ...

و مرا سرپرستی کن همانگونه که فرمانبرانت را سرپرستی می کنی.۸۷/۴۷

سردی

شوم نگرداندن سردی ابر، بر بندگان

اللَّهُمَّ... لَا تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنَا حُسُومًا

خداوندا سردی اش را بر ما شوم نگردان.

۶/۱۹

سرزنش

علّت با نکوهش جدا شدن روز، از بنده

وَ هَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ... إِنْ أَسَأْنَا فَارَقَنَا بِذَمٍّ

و این روزی نو و تازه است. اگر بدی کردیم، با نکوهش از ما جدا شود.۱۲/۶

نکوهش باطل و نادرستی

وَفِّقْنَا فِی يَوْمِنَا هَذَا وَ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِی جَمِيعِ أَيَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ... وَ انْتِقَاصِ الْبَاطِلِ وَ إِذْلَالِهِ

در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی و نکوهش کردن و خوار نمودن نادرستی ها، توفیق ده.۱۸/۶

نکوهیده تر نبودن بنده، از عذرآورنده به پیشگاه خدا

وَ مَا أَنَا بِأَلْوَمِ مَنِ اعْتَذَرَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَ مِنْهُ

و من نکوهیده تر از عذرآورنده به پیشگاهت که تو عذرش را پذیرفته ای، نیستم.۱۱/۱۲

سرزنش نمودن خود

وَ إِنَّما أُوَبِّخُ بِهَذَا نَفْسِي طَمَعًا فِي رَأْفَتِكَ الَّتِي بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِينَ...

و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم - که اصلاح کار گناهکاران به آنست -. ۲۸/۱۶

عیبی مسبّب سرزنش

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ... عَائِبَةً أُوَنَّبُ بِهَا إِلَّا حَسَّنْتَهَا

خداوندا مرا در عیبی که بدان سرزنش شوم وامگذار، مگر آنکه نیکویش گردانی.۶/۲۰

توفیق ترک سرزنش

وَ أَلْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي... تَرْكِ التَّعْيِيرِ

و زیور پرهیزکاران را در ترک سرزنش نمودن، به من بپوشان.۱۰/۲۰

نکوهش نمودن آنکه (عطایش را) از بنده بازداشته

لَا تَبْتَذِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ، فَأَسْتَرْزِقَ أَهْلَ رِزْقِكَ...

فَأَفْتَتِنَ بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِي، و أُبْتَلَى بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِي

شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخواهم. آنگاه به ستایش آنکه به من عطا کرده، گرفتار شوم و به نکوهش آنکه از من بازداشته، دچار گردم.

۲۶/۲۰

عطای خویشاوند، همراه با نکوهش بسیار

إِنْ أَلْجَأْتَنِي إِلَى قَرَابَتِي حَرَمُونِي، وَ إِنْ أَعْطَوْا أَعْطَوْا قَلِيلًا نَكِدًا... وَ ذَمُّوا كَثِيرًا

اگر مرا به خویشانم محتاج سازی، محرومم کنند و اگر عطا کنند، اندک و ناگوار عطا کرده اند و نکوهش فراوان کنند.۳/۲۲

سرزنش قصدبددارنده، درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُوءْمِنَنِی مِنْ جَمِیعِ ضَرِّهِ وَ شَرِّهِ وَ غَمْزِهِ...

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از همه زیان و بدی و طعنه اش ایمن سازی.

۷/۲۳و۸

رجوع ننمودن به نکوهیده و مذموم الهی

وَ لَکَ یَا رَبِّ... ضَمَانِی أَنْ لَا أَرْجِعَ فِی مَذْمُومِکَ

و ای پروردگار من، به تو ضمانت می دهم در کاری که نکوهیده توست، بازنگردم.۱۶/۳۱

ص : ۷۵۳

عدم فراموشی کار نکوهیده گذشته

فَمَا کُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّی بِسُوءِ أَثَرِی، وَ لَا نِسْیَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِیمِ فِعْلِی

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم و از فراموشیِ کردار نکوهیده گذشته ام نیست.

۲۶/۳۱

دوری از خوی های مذموم و نکوهیده

وَ جَنِّبْنَا بِهِ الضَّرَائِبَ الْمَذْمُومَهَ

و با آن (قرآن)، ما را از خوی های نکوهیده دور کن.۱۲/۴۲

عدم نکوهیدگی معاشرت با ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ غَیْرَ کَرِیهِ الْمُصَاحَبَهِ، وَ لَا ذَمِیمِ الْمُلَابَسَهِ

درود بر تو که همراهی اش ناپسند و معاشرتش نکوهیده نیست.۳۵/۴۵

سرزنش نشدن بندگان، در کوتاهی از ادای حقّ الهی

وَ أَوْجِبْ لَنَا عُذْرَکَ عَلَی مَا قَصَّرْنَا فِیهِ مِنْ حَقِّکَ

و ما را در تقصیر از (ادای) حقّ خود، سرزنش نکن.۴۶/۴۵

نگشودن زبان طعنه زنندگان، بر بندگان

وَ لَا تَبْسُطْ عَلَیْنَا فِیهِ أَلْسُنَ الطَّاعِنِینَ

و زبان طعنه زنندگان را در آن (ماه) بر ما نگشا.۴۷/۴۵

سرزنش ننمودن بنده، در حاجتش

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِی... أَظْهِرْ فِیهَا عُذْرِی

خداوندا خواسته من این است. سرزنش ننمودنم را در آن آشکار فرما.۷/۵۴

سرکشی نافرمانی

سرکشی ستمگر، در نعمت خدا

قَدْ عَلِمْتَ، یَا إِلَهِی، مَا نَالَنِی مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ، وَ انْتَهَکَهُ مِنِّی مِمَّا حَجَزْتَ عَلَیْهِ، بَطَرًا فِی نِعْمَتِکَ عِنْدَهُ

ای خـدای من، تو می دانی از فلاـن کس فرزنـد فلاـن کس چیزهایی به من رسـیده که تو نهی نموده ای و از من حرمت هایی شکسته که تو ممنوع کرده ای و این از سرکشی او در نعمت توست.۵/۱۴

تغییر حسد سرکشان، به محبّت

وَ أَبْدِلْنِی... مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْیِ الْمَوَدَّهَ

و درباره من حسد متجاوزان را به دوستی مبدّل فرما.۷/۲۰

توانایی و سرکشی

ص : ۷۵۴

وَ لَا أَطْغَيَنَّ وَ مِنْ عِنْدِكَ وُجْدِی

و (چنان کن که) سرکشی نکنم، در حالی که توانایی ام از نزد توست.۱۴/۲۰

پناه بردن به خدا، از شرّ هر شیطان سرکش

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّيَّتِی... مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر شیطانِ سرکشی پناه ده.۶/۲۳

گرفتار طغیان و سرکشی شدن بنده

وَ ازْوِ عَنِّی مِنَ الْمَالِ مَا يُحْدِثُ لِی مَخِيلَةً أَوْ تَأَدِّيًا إِلَى بَغْيٍ أَوْ مَا أَتَعَقَّبُ مِنْهُ طُغْيَانًا

و مالی که برایم خودپسندی پیش آورد یا به ستمگری برساند یا در پی آن دچار سرکشی شوم را، از من دور ساز.۳/۳۰

سرگردانی بنده، در طغیان خویش

وَ لَا تَذَرْنِی فِی طُغْيَانِی عَامِهًا

و مرا در سرکشی ام سرگردان، رها نکن.

۱۲۴/۴۷

سرگذشت

بی نیازی خدا از گواهی شاهدان، درباره سرگذشت های شکوه کنندگان

وَ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ فِی قَصَصِهِمْ إِلَى شَهَادَاتِ

الشَّاهِدِينَ

و ای کسی که در سرگذشت های ایشان از گواهی شهادت دهندگان بی نیاز است.۲/۱۴

سرگردانی

سرگردان ساختن دشمنان، در راه ها

وَ حَيِّرْهُمْ فِی سُبُلِهِمْ

و در راه هایشان سرگردانشان ساز.۵/۲۷

وام و سرگردانی ذهن

وَ هَبْ لِیَ الْعَافِیَهَ مِنْ دَیْنٍ... یَحَارُ فِیهِ ذِهْنِی

و مرا معاف دار، از وامی که ذهنم در آن سرگردان شود.۱/۳۰

سرگردانی اندیشه ها، در بزرگواری خدا

وَ حَارَتْ فِی کِبْرِیَائِکَ لَطَائِفُ الْأَوْهَامِ

و تصوّرهای دقیق در بزرگواری ات سرگردان گشته.۷/۳۲

طولانی بودن سرگردانی در کیفر الهی

وَ مَا أَطْوَلَ تَرَدُّدَهُ فِی عِقَابِکَ

و چه طولانی است سرگردانی اش، در کیفرت!

۲۰/۴۶

سرگردان رها نشدن، در سرکشی

وَ لَا تَذَرْنِی فِی طُغْیَانِی عَامِهًا

و مرا در سرکشی ام سرگردان، رها نکن.

۱۲۴/۴۷

سرگردانی از مقصد

فَأَنَا... الْمُتَرَدِّدُ فِی خَطِیئَتِی، الْمُتَحَیِّرُ عَنْ قَصْدِی

از این رو من مردد در خطای خود و منحرف از راه راستم.۱/۵۳

سرگرمی مشغولیّت

سرنگونی

سرنگون ساختن ستمگر، در گودال

فَلَمَّا رَأَیْتَ یَا إِلَهِی... دَغَلَ سَرِیرَتِهِ... أَرْکَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِی زُبْیَتِهِ

پس همین که - ای خدای من - تباهی باطن او را ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کنده بود)، سرنگون نمودی.۸/۴۹

سرور شادی

سزاواری شایستگی

سستی

سست نشدن حاملان عرش خدا، از تسبیح

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ لَا یَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِیحِکَ

خداوندا و حاملان عرشت که از تسبیح تو سستی نمی کنند...۱/۳

سست نشدن فرشتگان، از هیچ رنجی

وَ الَّذِینَ لَا تَدْخُلُهُمْ... إِعْیَاءٌ مِنْ لُغُوبٍ وَ لَا فُتُورٌ...

و همانها که از خستگیِ زیاد، وامانده و سست نمی گردند...۷/۳

سستی صبر و شکیبایی

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... ضَعْفِ الصَّبْرِ

خداوندا به تو پناه می برم از سستی شکیبایی.

۱/۸

سستی نیروی بندگان، از به خشم آوردن خدا

وَ إِذَا هَمَمْنَا بِهَمَّیْنِ یُرْضِیکَ أَحَدُهُمَا عَنَّا، وَ یُسْخِطُکَ الْآخَرُ عَلَیْنَا... أَوْهِنْ قُوَّتَنَا عَمَّا یُسْخِطُکَ عَلَیْنَا

و چون بر دو کار تصمیم گرفتیم، یکی تو را از ما خوشنود می سازد و دیگری تو را بر ما به خشم می آورد، پس توانمان را از کاری که تو را بر ما خشمگین می سازد سست کن.۳/۹

بنا نهادن بندگان، بر وهن و سستی

اللَّهُمَّ وَ إِنَّکَ... عَلَی الْوَهْنِ بَنَیْتَنَا

خداوندا و تو ما را بر سستی بنا نهاده ای.

۵/۹

ص : ۷۵۶

سستی بیداری بنده، هنگام اطاعت خدا

بَلْ أَنَا يَا إِلَهِی... أَضْعَفُ عِنْدَ طَاعَتِکَ تَيَقُّظًا... مِنْ أَنْ أُحْصِیَ لَکَ عُيُوبِی، أَوْ أَقْدِرَ عَلَی ذِکْرِ ذُنُوبِی

بلکه من – ای خدای من – بیداری ام هنگام طاعتت سست تر از آن است که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.

۲۷/۱۶

سستی نیروی بنده، از انجام امور واجب

وَ اقْضِ عَنِّی کُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِيهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَیَّ لَکَ... وَ إِنْ... وَهَنَتْ عَنْهُ قُوَّتِی

و مرا به انجام آنچه بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده و گرچه نیرویم از آن سست گردد.۶/۲۲

سست نمودن اندام دشمن، از جنگیدن

وَ أَوْهِنْ أَرْکَانَهُمْ عَنْ مُنَازَلَةِ الرِّجَالِ

و اندامشان را از جنگیدن با مردان (مسلمان) سست گردان.۱۱/۲۷

شیطان و سستی یقین بنده

قَدْ مَلَکَ الشَّيْطَانُ عِنَانِی فِی سُوءِ الظَّنِّ وَ ضَعْفِ الْيَقِينِ

شیطانْ افسار مرا در بدگمانی و سست باوری به دست گرفت.۲۷/۳۲

سستیِ دلیل های بنده، درباره گناهانش

تَفْعَلُ ذَلِکَ يَا إِلَهِی بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْکَ أَكْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِيکَ... لَا أَنْ يَكُونَ... طَمَعُهُ اغْتِرَارًا، بَلْ لِقِلَّةِ حَسَنَاتِهِ بَيْنَ سَيِّئَاتِهِ، وَ ضَعْفِ حُجَجِهِ فِی جَمِيعِ تَبِعَاتِهِ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست. نه اینکه طمعش از روی فریب خوردن باشد. بلکه برای آنست که نیکی هایش میان بدی هایش اندک و دلیل هایش درباره همه گناهانش ضعیف است.

۱۲/۳۹

عدم سستیِ سلطنت الهی

لَمْ یَهِنْ عَلَی طُولِ مُدَّتِهِمْ سُلْطَانُکَ

درازی زمانِ ایشان، سلطنت تو را سست نکرده است.۱۸/۴۶

از روی سستی نبودن مهلت دادن خدا

لَمْ تَکُنْ أَنَاتُکَ عَجْزًا، وَ لَا إِمْهَالُکَ وَهْنًا

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است و مهلت دادنت نه از روی سستی است.۲۲/۴۶

سستی توان بنده

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ سُوءَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ، وَ ضَعُفَتْ قُوَّتُهُ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند، و نیرویش ضعیف است.۳/۵۴

ص : ۷۵۷

سعادت خوش بختی

سعی کوشش

سفاهت

سفاهت، علّت درخواست نمودن نیازمند از نیازمند

وَ رَأَیْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُـحْتَاجِ إِلَی الْمُـحْتَاجِ سَفَهٌ مِنْ رَأْیِهِ

و دانستم، درخواست نیازمند از نیازمند، از سبکی اندیشه است.۵/۲۸

سفید

سفید گشتن روی بندگان، با سپاس خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... تَبْیَضُّ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ

و سپاس خدای را، سپاسی که چهره هایمان با آن سفید گردد، هنگامی که پوست ها سیاه می گردد.

۱۴و۱۰/۱

سفید روی گرداندن بنده، روز سیاهی چهره ستمگران

وَ بَیِّضْ وُجُوهَنَا یَوْمَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ الظَّلَمَهِ فِی یَوْمِ الْحَسْرَهِ وَ النَّدَامَهِ

و در روز حسرت و پشیمانی، روزی که چهره های ستمگران سیاه می شود، رخسارهای ما

را سفید گردان.۱۶/۴۲

روسفید نمودن حضرت محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ بَیِّضْ وَجْهَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و روسفیدش فرما.۱۹/۴۲

سفیر

درود خدا، بر سفرای گرامی

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ السَّفَرَهِ الْكِرَامِ الْبَرَرَهِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و سفیران بزرگوارِ نیکوکار.۱۸و۱۱و۱۰/۳

سفیران الهی، و آب رسانی سودمند، به بندگان

وَ أَشْهِدْ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامَ السَّفَرَهَ. بِسَقْيٍ مِنْكَ نَافِعٍ

و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود، آماده ساز.۲/۱۹

سقوط افتادن

سکوت

سخن نگفتن هیچ کس، از جانب (گنهکارِ)

ص : ۷۵۸

سکوت کننده، در درگاه خدا

فَإِنْ سَکَتُّ لَمْ یَنْطِقْ عَنِّی أَحَدٌ

پس اگر خاموش شوم، کسی از جانب من سخن نگوید.۲۳/۳۱

سکوت، و کوتاهی از سپاس گزاری خدا

وَ قَدْ قَصَّرَ بِیَ السُّکُوتُ عَنْ تَحْمِیدِکَ

و سکوت، مرا از سپاس تو به کوتاهی انداخته.

۲۴/۴۶

سلاح

سلاح های برّنده و زد و خورد با شیطان

وَ أَعْطِهِمْ عَلَیْهِ أَسْلِحَةً مَاضِیَةً

و سلاح های برنده بر ضدّ او (شیطان) به آنان عطا فرما.۱۰/۱۷

برّان نمودن سلاح های مرزداران اسلام

وَ اشْحَذْ أَسْلِحَتَهُمْ

و سلاح (جنگی)شان را تیز کن.

۲/۲۷

جدایی افکندن میان دشمنان و سلاحشان

وَ فَرِّقْ بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ أَسْلِحَتِهِمْ

و میان آنان و سلاح هایشان جدایی انداز.

۵/۲۷

سلام

سلام فرشتگان، به اهل بهشت

...وَ الَّذِینَ یَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَیْکُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ

...و آنان که (به بهشتیان) می گویند: درود بر شما، به پاس بردباری ای که نمودید، پس چه نیکوست فرجام این سرای.۲۰/۳

سلام بر پیشوایان اهل تقوا

فِی کُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أَرْسَلْتَ فِیهِ رَسُولًا، وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِیلًا مِنْ... قَادَهِ أَهْلِ التُّقَی عَلَی جَمِیعِهِمُ السَّلَامُ...

در هر عصر و زمانی که رسولی فرستادی و برای اهل آن راهنمایی گماشتی، از پیشوایان اهل پرهیزکاری - که بر همه آنها درود باد - ...۲/۴

سلام بر امامان رستگاری

فِی کُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أَرْسَلْتَ فِیهِ رَسُولًا... مِنْ أَئِمَّهِ الْهُدَی... عَلَی جَمِیعِهِمُ السَّلَامُ...

در هر عصر و زمانی که رسولی فرستادی، از امامانِ رستگاری - که بر همه آنها درود باد - ...

۲/۴

سلام بر رسول صلی الله علیه و آله و آل او

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ، وَ زِیَارَهِ قَبْرِ رَسُولِکَ، صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ رَحْمَتُکَ وَ بَرَکَاتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ (وَ آلِ رَسُولِکَ) عَلَیْهِمُ السَّلَامُ

خداونـدا و بر مـن منّت گـذار بـه حجّ و عمره و زیـارت قـبر پیـامبرت - کـه درودهـایت بر او و رحمتت و برکـاتت بر او و بر خاندانش باد - و خاندان پیامبرت - که درود بر ایشان باد - .

۴/۲۳

وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

و درود بر او و بر خاندان او که پاکیزگان و پاکانند، باد.۲۲/۴۲

السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَبَدَ الْآبِدِينَ

بر او و بر ایشان سلامی همیشگی باد.

۱۳۳/۴۷

فَإِنِّي لَمْ آتِكَ ثِقَةً مِنِّي بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَ لَا شَفَاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ إِلَّا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ سَلَامُكَ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم و شـفاعتِ آفریـده ای که به او امیـد بسته باشم به درگاه تو نیامده ام، جز شفاعت محمّد و خانواده او - که درود تو بر او و بر ایشان باد - .۶/۴۸

بهترین سلام خدا بر محمّد صلی الله علیه و آله و خاندان او علیهم السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ اخْصُصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ سَلَامِكَ

خداونـدا بر محمّـد بنده خود و فرسـتاده ات و بر خاندان پاکش درود فرست و ایشان را به برترین رحمت ها و برکات و سـلام خویش، اختصاص ده.

۱/۲۴

لیله القدر، شب سلام و درود فرشتگان

تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند. آن شبِ سلام است.

۵/۴۴

دوام برکت سلام فرشتگان تا صبح، درشب قدر

تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَهُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ، دَائِمُ الْبَرَكَهِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ...

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند. آن شبِ سلام (به همراه) برکتی است که تا برآمدن سپیده دم دوام دارد.۵/۴۴

سلام بر ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ

درود بر تو، ای بزرگ ترین ماه خدا.۲۳/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا أَكْرَمَ مَصْحُوبٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ

درود بر تو، ای گرامی ترین وقت هایی که

ص : ۷۶۰

همراه بودی.۲۴/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ شَهْرٍ قَرُبَتْ فِيهِ الْآمَالُ

درود بر تو ماهی که آرزوها در آن نزدیک شد.

۲۵/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ قَرِينٍ جَلَّ قَدْرُهُ مَوْجُودًا

درود بر تو همنشینی که تا بودی، احترامش بزرگ بود.۲۶/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ أَلِيفٍ آنَسَ مُقْبِلًا فَسَرَّ

درود بر تو همدمی که چون روی آورد، دل ها را آرام نمود و شادمان ساخت.۲۷/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ مُجَاوِرٍ رَقَّتْ فِيهِ الْقُلُوبُ

درود بر تو همسایه ای که دل ها در آن فروتن گردید.۲۸/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ نَاصِرٍ أَعَانَ عَلَى الشَّيْطَانِ

درود بر تو یاوری که در برابر شیطان یاری کرد.۲۹/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مَا أَكْثَرَ عُتَقَاءَ اللَّهِ فِيکَ!

درود بر تو. چه بسیار است آزادشدگان (از عذاب) خدا در تو!.۳۰/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مَا كَانَ أَمْحَاکَ لِلذُّنُوبِ

درود بر تو. چه محوکننده بودی، گناهان را!.

۳۱/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مَا كَانَ أَطْوَلَکَ عَلَى الْمُـجْرِمِينَ

درود بر تو. چه طولانی بودی، بر گناهکاران!.

۳۲/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ شَهْرٍ لَا تُنَافِسُهُ الْأَيَّامُ

درود بر تو ماهی که روزها(ی دیگر) با آن برابری نمی کند.۳۳/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ شَهْرٍ هُوَ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ

درود بر تو ماهی که از هر چیز سلامت است.

۳۴/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ غَيْرَ کَرِيهِ الْمُصَاحَبَهِ

درود بر تو که همراهی اش ناپسند نیست.

۳۵/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ کَمَا وَفَدْتَ عَلَيْنَا بِالْبَرَکَاتِ

درود بر تو همان طور که با برکت ها بر ما وارد شدی.۳۶/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ غَيْرَ مُوَدَّعٍ بَرَمًا

درود بر تو. نه آنکه وداع با او از روی دلتنگی باشد.۳۷/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ مَطْلُوبٍ قَبْلَ وَقْتِهِ

درود بر تو که پیش از زمان آمدنش، طلب شده.۳۸/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ کَمْ مِنْ سُوءٍ صُرِفَ بِکَ عَنَّا

درود بر تو. چه بسیار بدی ها که به سبب تو، از ما برطرف شد!.۳۹/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ وَ عَلَى لَيْلَهِ الْقَدْرِ الَّتِی هِیَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

درود بر تو و بر شب قدر که بهتر است از هزار ماه.۴۰/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ مَا کَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْسِ عَلَيْکَ!

درود بر تو. ديروز چه بسيار بر تو حريص بوديم!.۴۱/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْکَ وَ عَلَى فَضْلِکَ الَّذِى حُرِمْنَاهُ

درود بر تو و بر فضيلتت که از آن محروم شديم.۴۲/۴۵

سلامتى تندرستى

سلطان پادشاه

سلطنت پادشاهى

سلطه غلبه

سَم زهر

سَمت جهت

سنّت روش

سنجش

نسنجيدن بنده، با گناهان بزرگ

وَ لَا تُقَايِسْنِى بِعَظِيماتِ الْجَرَائِرِ

و مرا با گناهان بزرگ مَسَنج.۱۲۹/۴۷

سنگباران

سنگباران نمودن شهرهاى دشمن

وَ أَلِحَّ عَلَيْهَا بِالْقُذُوفِ

و پيوسته آن (شهرها) را سنگباران فرما.

۱۲/۲۷

سنگسار

سنگسار نساختن بندگان، به بارش ابر

اللَّهُمَّ... لَا تَجْعَلْ صَوْبَهُ عَلَيْنَا رُجُومًا

خداوندا باریدنش را بر ما (همچون) سنگسار قرار نده.۶/۱۹

سنگینی

دشوار بودن سنگینی (بلای) فرودآمده بر بنده

وَ قَدْ نَزَلَ بِی یَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَأَّدَنِی ثِقْلُهُ

و ای پروردگار من، بر من چیزی فرود آمده که سنگینی آن بر من دشوار است.۵/۷

سنگینی زیر بار (بلا) رفتن، بر بنده

وَ أَلَمَّ بِی مَا قَدْ بَهَظَنِی حَمْلُهُ

و به من امری وارد شده که تحمّل آن مرا به مشقّت انداخته.۵/۷

بیماریْ سبک گرداننده سنگینیِ پشت بنده

ص : ۷۶۲

...أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ الَّتِی مَحَّصْتَنِی بِهَا... تَخْفِیفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَیَّ ظَهْرِی مِنَ الْخَطِیئَاتِ

...یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی تا خطاهایی را که پشت مرا سنگین کرده سبک نماید.

۴/۱۵

سنگینی پشت بنده، از خطاها

أَنَا الَّذِی أَوْقَرَتِ الْخَطَایَا ظَهْرَهُ

من همانم که خطاها پشتش را سنگین کرده.

۱۴/۱۶

وَ هَذَا ظَهْرِی قَدْ أَثْقَلَتْهُ الْخَطَایَا

و این پشت من است که خطاها آن را سنگین کرده.۲۹/۱۶

سنگینی عمل زشت

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ یَثْقُلَ عَلَیْنَا مَا کَرَّهَ إِلَیْنَا

خداوندا ما از اینکه چیزی را که در نظر ما زشت نموده، بر ما سنگین آید، به تو پناه می بریم.

۲و۱/۱۷

سنگینی بار عیب جویی و بدگویی

وَ اکْفِنِی مَؤُونَهَ مَعَرَّهِ الْعِبَادِ

و سنگینی گناهِ عیب جوییِ بندگان را از من بردار.۲۰/۲۰

سبب سنگین نگشتن اندام بنده

وَ وَفِّقْنِی لِلنُّفُوذِ فِیما تُبَصِّرُنِی مِنْ عِلْمِهِ حَتَّی... لَا تَثْقُلَ

أَرْکَانِی عَنِ الْحَفُوفِ فِیما أَلْهَمْتَنِیهِ

و مرا برای انجام آنچه به دانستنش بینایم می کنی، توفیق ده. تا اعضایم از انجامِ آنچه آن را به من الهام فرموده ای، سنگین

نشود.۳/۲۴

سنگین باری (مسؤولیّت) مرزداران اسلام

وَ تَوَحَّدْ بِکِفَایَهِ مُوءَنِهِمْ

و سنگینی هایشان را به تنهایی کفایت فرما.

۲/۲۷

سبک گرداندن سنگینی گرفتاری، از بنده

اللَّهُمَّ وَ عَلَیَّ تَبِعَاتٌ... فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا، وَ احْطُطْ عَنِّی وِزْرَهَا، وَ خَفِّفْ عَنِّی ثِقْلَهَا

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است. پس صاحبانش را عوض ده و سنگین باری اش را از من بیفکن و سنگینی اش را از من سبک فرما.

۱۸/۳۱

پشتی گرانبار از خطا

فَتَلَقَّاکَ بِنَفْسٍ خَاشِعَهٍ... وَ ظَهْرٍ مُثْقَلٍ مِنَ الْخَطَایَا...

پس با وجودی فروتن و پشتی گرانبار از (بار) خطاها، پیش روی توست.۱۹/۳۲

گران بار نشدن خدا، از برداشتن باری

وَ أَسْتَحْمِلُکَ، مَا لَا یَبْهَظُکَ حَمْلُهُ

و از تو حمل باری را خواهم که حملش برای تو سنگین نیست.۶/۳۹

ص : ۷۶۳

سنگين بار شدن بنده، با رفتن به زير بار گناه

وَ أَسْتَحْمِلُكَ مِنْ ذُنُوبِي مَا قَدْ بَهَظَنِي حَمْلُهُ

و از تو مى خواهم گناهانم را از من بردارى كه حملش بر من فشار مى آورد.٨/٣٩

سنگينى شكننده پشت بنده

وَ أَسْتَعِينُ بِكَ عَلَى مَا قَدْ فَدَحَنِي ثِقْلُهُ

و از تو يارى مى جويم بر آنچه سنگينى اش پشت مرا شكسته.٨/٣٩

عامل فرو ريختن سنگينى بار گناهان، از بندگان

وَ احْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقْلَ الْأَوْزَارِ

و به (عظمت) قرآن، سنگينى گناهان را از ما فرو ريز.٩/٤٢

سنگينى ترازوى (حسنات) پيامبر صلى الله عليه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ ثَقِّلْ مِيزَانَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و ميزانش را سنگين گردان.

١٩/٤٢

سبب گرانبار شدن بنده، از فزونى محبّت الهى

وَ لَا تَمْنِحْنِي بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَتَبْهَظَنِي مِمَّا تُحَمِّلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ

و آنچه طاقتش را ندارم به من نبخش، كه پشتم را از بار گران دوستى ات كه بر دوشم گذارده اى، بشكنى.١٠٢/٤٧

سوار

برهم سوار كردن ابزار بسط، در بدن انسان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِينَا آلَاتِ الْبَسْطِ

و سپاس خداى را كه آلات بسط و گشادن را در ما، بر هم سوار كرد.٢٠/١

سوار شدن بر پشت (مرکب)های نهی خدا

فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِيقِ أَمْرِهِ، وَ رَكِبْنَا مُتُونَ زَجْرِهِ

پس از راه فرمانش، مخالفت کردیم و بر پشت (مرکب)های نهیش سوار شدیم.۲۱/۱

ایمنی بنده، از سوارانِ قصدبددارنده درباره او

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّی... تُوءْمِنَنِی مِنْ جَمِيعِ ضَرِّهِ وَ شَرِّهِ... وَ رَجِلِهِ وَ خَيْلِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از همه زیان و بدی و نیروهای پیاده و سواره اش ایمن سازی.۸و۷/۲۳

ص : ۷۶۴

سود

سود نداشتن دوستی، در روز رستاخیز

یَوْمَ لَا یُغْنِی مَوْلًی عَنْ مَوْلًی شَیْئًا وَ لَا هُمْ یُنْصَرُونَ

روزی که هیچ دوست، به سود دوست دیگر نباشد و یاری نمی شوند.۱۲/۱

سود بردن بنده نزدیک شده به خداوند

وَ مَنْ تُقَرِّبْهُ إِلَیْکَ یَغْنَمْ

و هر کس را که به خود نزدیک سازی، سود می برد.۹/۵

سود داشتن یا سود نداشتن اعتراف نزد خدا

فَهَلْ یَنْفَعُنِی، یَا إِلَهِی، إِقْرَارِی عِنْدَکَ بِسُوءِ مَا اکْتَسَبْتُ؟

ای خدای من آیا نزد تو اقرار به بدی ای که انجام داده ام، مرا سود می دهد؟۶/۱۲

فرشتگان، و آب رسانی سودمند به بندگان

وَ أَشْهِدْ مَلَائِکَتَکَ الْکِرَامَ السَّفَرَهَ. بِسَقْیٍ مِنْکَ نَافِعٍ

و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود، آماده ساز.۲/۱۹

ناتوانی بنده، نسبت به سود و زیان خود

لَا أَمْلِکُ لِنَفْسِی نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا بِکَ

جز به یاری تو بر سود و زیانی، توانا نیستم.

۷/۲۱

یافتن آرامش دل و هنگام سود و زیان

وَ ارْزُقْنِی الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِیرِی فِی الشُّکْرِ لَکَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَیَّ... حَتَّی أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِی رَوْحَ الرِّضَا وَ طُمَأْنِینَهَ النَّفْسِ مِنِّی بِمَا یَجِبُ لَکَ فِیما یَحْدُثُ فِی حَالِ... الضَّرِّ وَ النَّفْعِ

و هنگـامی که در شـکر به نعمت هـایی که به من ارزانی داشـته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسـیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال زیان و سود رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم.

۱۱/۲۲

سود بردن در تجارت و سوداگری با خدا

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الرَّابِحِینَ فِی التِّجَارَهِ عَلَیْکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) در تجارت با تو سود کرده اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

تُرِیدُ رِبْحَهُمْ فِی مُتَاجَرَتِهِمْ لَکَ

می خواهی در تجارت کردنشان با تو، سود برند.۱۲/۴۵

سود رساندن به همسایگان ناتوان

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی إِرْفَاقِ ضَعِیفِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در ارفاق به ناتوانشان، توفیق ده.

۲/۲۶

به سود رسیدن، در دنیا

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِیًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوَضًا حَاضِرًا یَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَی بِهِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند.۱۶/۲۷

احسان سود رحمت الهی، بر بنده

وَ عُدْ عَلَیَّ بِعَائِدَهِ رَحْمَتِکَ

و سود رحمت خود را به من ارزانی دار.

۲۰/۳۲

شتاب رعد و برق ، بر رساندن رحمتی سودمند، به بندگان

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَیْنِ... یَبْتَدِرَانِ طَاعَتَکَ بِرَحْمَهٍ نَافِعَهٍ أَوْ نَقِمَهٍ ضَارَّهٍ

خداوندا همانا این دو، به رساندن رحمتی سودمند یا کیفری زیان بار به طاعتت می شتابند.

۱/۳۶

فروفرستادن سود ابرها، بر بندگان

وَ أَنْزِلْ عَلَیْنَا نَفْعَ هَذِهِ السَّحَائِبِ وَ بَرَکَتَهَا

و سود و برکت این ابرها را بر ما فرود آور.

۲/۳۶

نبودن سودی برای خدا ، در آفرینش بنده

أَسْتَوْهِبُکَ - یَا إِلَهِی - نَفْسِیَ الَّتِی لَمْ تَخْلُقْهَا... لِتَطَرَّقَ بِهَا إِلَی نَفْعٍ

ای خدای من از تو بخشش نفسم را می خواهم که آن را نیافریدی تا به وسیله آن به سودی راه جویی.۷/۳۹

بیان سودی از مهربانی خدا

تَتْرُکُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَی التَّوْبَهِ لِکَیْلَا... یَشْقَی بِنِعْمَتِکَ شَقِیُّهُمْ إِلَّا عَنْ طُولِ الْإِعْذَارِ إِلَیْهِ... عَائِدَهً مِنْ عَطْفِکَ یَا حَلِیمُ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا بدبختشان به وسیله نعمت تو، بدبخت نگردد. مگر بعد از عذرهای فراوان بر او. که (این همه) سودی از مهربانی توست، ای بردبار!.

۹/۴۵

رمضان، وسیله سودمند گشتن به بهترین سودهای جهانیان

وَ أَرْبَحَنَا أَفْضَلَ أَرْبَاحِ الْعَالَمِینَ

و ما را به برترین سودهای جهانیان، سودمند

ص : ۷۶۶

نمود.۲۲/۴۵

دورودی سودمند

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ... صَلَاةً... يَنَالُنَا نَفْعُهَا

و بر او و خاندانش درود فرست، درودی که سودش ما را دریابد.۵۶/۴۵

سودمندترین رحمت الهی، بر محمّد صلی الله علیه و آله

وَ تَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمْتَعَ رَحَمَاتِكَ

و با سودمندترین رحمت هایت، بر او رحمت فرست.۵۰/۴۷

سبب بسیاریِ بهره محمّد صلی الله علیه و آله و آل او، از سودهای الهی

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحَلِكَ وَ كَرَامَتِكَ... وَ تُوَفِّرُ عَلَيْهِمُ الْحَظَّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَ فَوَائِدِكَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که با آن بخشش و کرامتت را برای ایشان بسیار سازی و بهره یِ آنان را از نعمت ها و سودهایت فراوان گردانی.۵۷/۴۷

سوددهنده بودن خدا، به احسان

أَعْلَمُ... أَنَّكَ... أَعْوَدُ بِالْإِحْسَانِ

می دانم که تو به احسانْ سوددهنده تر هستی.

۱۱۶/۴۷

سودهای دیرینه الهی

وَ اشْفَعْ لِي... قَدِيمَ فَوَائِدِكَ بِحَوَادِثِهَا

و برای من سودهای دیرینت را، با تازه های آن توأم ساز.۱۲۱/۴۷

سودمند ساختن تجارت بنده

وَ اجْعَلْ تِجَارَتِي رَابِحَةً

و تجارت (اخروی) مرا سودمند قرار ده.

۱۲۶/۴۷

پر ساختن دست بنده، از سودهای الهی

امْلَأْ مِنْ فَوَائِدِکَ یَدِی

دستم را از سودهای خود پر نما.۱۲۸/۴۷

به حقّ الیقین رسیدن، و یافتن سودِ الهی

یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ أَسْأَلُکَ... یَقِینًا تَنْفَعُ بِهِ مَنِ اسْتَیْقَنَ بِهِ حَقَّ الْیَقِینِ فِی نَفَاذِ أَمْرِکَ

ای صاحب عظمت و کرامت! از تو یقینی می خواهم که به وسیله آن هر کس را که به نافذ بودن امر تو حقیقتاً یقین پیدا کند، سود می دهی.

۳/۵۴

سودا تجارت

سوغات ارمغان

ص : ۷۶۷

سوگند

سوگند خداوند، در قرآن

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَتِکَ فِی وَحْیِکَ، وَ أَتْبَعْتَهُ مِنْ قَسَمِکَ فِی کِتَابِکَ قَاطِعًا لِاهْتِـمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِی تَکَفَّلْتَ بِهِ...

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای و در پی آن سوگند خود را در کتابت آورده ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای قرار ده.۳/۲۹

راست و وفاکننده تر بودن سوگند خدا

وَ أَقْسَمْتَ وَ قَسَمُکَ الْأَبَرُّ الْأَوْفَی

و سوگند یاد کردی و سوگند تو محقّق ترین و وفاشده ترین است.۴/۲۹

سوگند خوردن خدا، به پروردگار آسمان و زمین

ثُمَّ قُلْتَ: فَوَ رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ...

سپس فرمودی: «پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین...»۵/۲۹

قسم دادن خدا، به حقّ (محمّد صلی الله علیه و آله)

بِحَقِّ مَنِ انْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِکَ... تَغَمَّدْنِی فِی یَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَیْکَ مُتَنَصِّلًا

به حقّ آنکه او را از آفریدگانت برگزیده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی

با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.۸۶/۴۷

سوگند خوردن، به خدا

وَ لَقَدْ سُئِلْتَ فَأَعْطَیْتَ

و به بزرگی ات قسم، آنگاه که از تو درخواست شد، پس عطا کردی.۱۴/۴۹

سهل آسان

سهل انگاری

سهل انگاری نسبت به حرمت الهی

وَ جَنِّبْنَا... الْإِغْفَالَ لِحُرْمَتِکَ

و ما را از سهل انگاری حرمتت دور گردان.

۱۳/۴۴

نجاتِ سهل انگاران

وَ خُذْ بِقَلْبِی إِلَی مَا... اسْتَنْقَذْتَ بِهِ الْمُتَهَاوِنِینَ

و دلم را به سوی آنچه سهل انگاران را با آن نجات داده ای، متوجّه ساز.۹۲/۴۷

سهل انگاری و اهمال گری بنده

إِنْ تُعَذِّبْ فَأَنَا الظَّالِمُ الْمُفَرِّطُ... الْمُغْفِلُ حَظَّ نَفْسِی

اگر کیفر کنی، این من هستم که ستمکار، سهل انگار (و) اهمال گر (نسبت به) بهره خویشم.

۱۴/۵۱

ص : ۷۶۸

سیاهی

سیاه شدن چهره ها، در روز قیامت

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... تَبْیَضُّ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ

و سپاس خدای را، سپاسی که چهره هایمان با آن سفید گردد، هنگامی که پوست ها سیاه می گردد.

۱۴و۱۰/۱

وَ بَیِّضْ وُجُوهَنَا یَوْمَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ الظَّلَمَهِ فِی یَوْمِ الْحَسْرَهِ وَ النَّدَامَهِ

و در روز حسرت و پشیمانی، روزی که چهره های ستمگران سیاه می شود، رخسارهای ما را سفید گردان.۱۶/۴۲

سیاهی چشم حدقه

سیّد

درود خدا، بر آقای فرستادگان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِیِّینَ وَ سَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ...

خداوندا بر محمّد – آخِر پیامبران و سرور فرستادگان – درود فرست.۱۵/۱۷

درود خدا، بر سیّد بندگان

وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَی

و درود خدا بر سرور ما، محمّد، فرستاده خدا که برگزیده است باد.۹/۵۴

سیرابی

سیراب گرداندن بندگان، به باران

اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَیْثَ

خداوندا ما را از باران سیراب نما.۱/۱۹

اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَیْثًا مُغِیثًا...

خداوندا ما را از بارانی ثمربخش سیراب گردان.۴/۱۹

سیراب گرداندن بندگان، با آب

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْیًا تُسِیلُ مِنْهُ الظِّرَابَ...

خداوندا ما را با بارانی که از آن تپه ها را جاری گردانی، سیراب نما.۵/۱۹

عامل سیراب شدن بندگان، در جایگاهی در پیشگاه خدا

وَ أَرْوِ بِهِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَیْکَ ظَمَأَ هَوَاجِرِنَا

و با آن (قرآن)، تشنگی شدید ما را در جاهای گرم در جایگاهی که در پیشگاه توست، سیراب فرما.۱۱/۴۲

سیراب گشتن بندگان، از جام پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ أَوْرِدْنَا حَوْضَهُ، وَ اسْقِنَا بِکَأْسِهِ

و به حوض او واردمان کن و از جام او سیرابمان ساز.۲۰/۴۲

سیره روش

سیطره غلبه

سیما چهره

سینه

خالی ساختن سینه بنده، از حسد

وَ ارْزُقْنِی سَلَامَةَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان.

۱۲/۲۲

گوارایی نیکی به والدین، در سینه فرزند

وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا... أَثْلَجَ لِصَدْرِی مِنْ شَرْبَةِ الظَّمْآنِ حَتَّی أُوثِرَ عَلَی هَوَایَ هَوَاهُمَا

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را برای سینه ام از نوشیدن تشنه کام، مطبوع تر قرار ده. تا میل ایشان را بر میل خود برتری دهم.

۵/۲۴

جا دادن شیطان، در سینه های بندگان

أَسْکَنْتَهُ صُدُورَنَا

او (شیطان) را در سینه های ما جا دادی.

۶/۲۵

فراخ نمودن سینه بنده

وَ وَسِّعْ بِمَوَاقِعِ حُکْمِکَ صَدْرِی

و سینه ام را به احکام خود، فراخ ساز.۳/۳۵

عامل بیرون نمودن اندیشه بدِ سینه ها

وَ أَخْرِجْ وَحَرَ صُدُورِنَا بِرِزْقِکَ

و اندیشه بدِ سینه هایمان را، با روزی ات بگشا.۴/۳۶

قرار گرفتن دوستی بنده ، در سینه های مؤمنان

وَ اجْعَلْ لَنَا فِی صُدُورِ الْمُوءْمِنِینَ وُدًّا

و دوستی ما را در سینه های مؤمنان، قرار ده.

۱۶/۴۲

شکوه ماه رمضان، در سینه اهل ایمان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا کَانَ... أَهْیَبَکَ فِی صُدُورِ الْمُوءْمِنِینَ

درود بر تو. چه با هیبت بودی، در سینه های مؤمنان!.۳۲/۴۵

برکندن کینه اهل ایمان، از سینه بنده

وَ انْزَعِ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِی لِلْمُوءْمِنِینَ

و کینه داشتن برای مؤمنان را از سینه ام بر کن.

۱۲۷/۴۷

ص : ۷۷۰

ش

شادی

سبب شادمان برگشتن فرشتگانِ نویسنده نیکی ها

وَ یَتَوَلَّی کُتَّابُ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَسْرُورِینَ بِمَا کَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا

و نویسندگان خوبی ها – به سبب آنچه از نیکی های ما نوشته اند – شادمان برگردند.۲/۱۱

شادمانی بخشیدن به بنده، با تندرستی

نَشَّطْتَنِی بِهَا لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِکَ وَ فَضْلِکَ

مرا به وسیله آن (تندرستی) برای درخواستِ خوشنودی و احسانت شادی بخشیدی.۳/۱۵

روا نمودن درخواست بنده، در خوشی یا ناخوشی

وَ لَا تَجْعَلْنِی... آیِسًا مِنْ إِجَابَتِکَ لِی وَ إِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّی، فِی سَرَّاءَ کُنْتُ أَوْ ضَرَّاءَ

و مرا ناامید از اجابتت – گرچه دیر شود –

قرار نده، در خوشی باشم یا سختی.۸/۲۱

سبب شادمان نگشتن به داده های خدا، از دنیا

وَ اجْعَلْ ثَنَائِی عَلَیْکَ... حَتَّی لَا أَفْرَحَ بِمَا آتَیْتَنِی مِنَ الدُّنْیا

و ستایش مرا ویژه خودت قرار ده. تا به آنچه از دنیا به من داده ای، خوشحال نشوم.۹/۲۱

دریافتن مسّرت خاطر و آرامش

وَ ارْزُقْنِی الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِیرِی فِی الشُّکْرِ لَکَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَیَّ... حَتَّی أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِی رَوْحَ الرِّضَا وَ طُمَأْنِینَهَ النَّفْسِ مِنِّی بِمَا یَجِبُ لَکَ فِیما یَحْدُثُ فِی حَالِ الْخَوْفِ وَ الْأَمْنِ

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال ترس و ایمنی رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم.

۱۱/۲۲

فرمانبری از والدین، خوش تر از خواب خواب آلوده

وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا أَقَرَّ لِعَیْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو

را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر قرار ده.۵/۲۴

سبب زود دریافتن شادی کارِ انجام شده

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوَضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَی بِهِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند.۱۶/۲۷

رمضان، همدمی شادگرداننده

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ أَلِيفٍ آنَسَ مُقْبِلًا فَسَرَّ

درود بر تو همدمی که چون روی آورد، دل ها را آرام نمود و شادمان ساخت.۲۷/۴۵

روز فطر، روز عید و شادی

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْکَ فِی يَوْمِ فِطْرِنَا - الَّذِی جَعَلْتَهُ لِلْمُوءْمِنِينَ عِيدًا وَ سُرُورًا

خداوندا ما در روزِ فطرمان که آن را برای اهل ایمانْ عید و شادی قرار دادی، به درگاه تو توبه می کنیم.۵۲/۴۵

شامگاه شب

شایستگان شایستگی و نیز صالح

شایستگی

پرستش نشدن خدا، آنگونه که شایسته است

سُبْحَانَکَ مَا عَبَدْنَاکَ حَقَّ عِبَادَتِکَ

منزّهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم.۹/۳

عدم شایستگی بنده، به دور شدن گرفتاری از او

وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَی کَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ، وَ دَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَافْعَلْ بِی ذَلِکَ وَ إِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْکَ

و تو بر دفع آنچه به آن گرفتار شده ام و برطرف کردن آنچه در آن افتاده ام توانایی. پس آن را برای من انجام ده. اگر چه از جانب تو شایسته آن نیستم.۱۰/۷

سبب از دست نرفتن کار نیکِ سزاوار پاداش

وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا... فِی مُوجِبَاتِ ثَوَابِکَ، حَتَّی لَا تَفُوتَنَا حَسَنَهٌ نَسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَکَ

و رازهای دل هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده، تا کار نیکی که به سبب آن سزاوار

پاداش تو شویم از دستمان نرود.۷/۹

عامل باقی نماندن کار بدِ مستوجب کیفر

وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا... فِی مُوجِبَاتِ ثَوَابِکَ، حَتَّی... لَا تَبْقَی لَنَا سَیِّئَهٌ نَسْتَوْجِبُ بِهَا عِقَابَکَ

و رازهای دل هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده، تا کار بـدی که به وسـیله آن مسـتوجب عذاب تو شویم برای ما نماند.۷/۹

سزاواری (کیفر)

وَ عَافِنِی مِمَّا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْکَ

و مرا از آنچه از جانب تو سزاوارش هستم رها کن.۱۵/۱۲

سزاوار محرومیّت از احسان الهی

وَ مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَکَ فَقَدْ... اسْتَحَقَّ مِنْ عِنْدِکَ فَوْتَ الْإِحْسَانِ

و هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد یا سبب روا شدن آن را غیر تو قرار دهد، بی گمان نیافتن احسان تو را سزاوار گشته.۱۴/۱۳

عدل الهی و استحقاق بنده

وَ لَا تَحْمِلْنِی بِعَدْلِکَ عَلَی الِاسْتِحْقَاقِ

و با دادگری ات بر آنچه سزاوارم رفتار نکن.

۲۰/۱۳

کاری سزاوار ستمگر

وَ اجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِیما یَلِیهِ

و او را به آنچه درخورش است مشغول دار.

۶/۱۴

شایستگی ستایش خدا در دو حال (بیماری و سلامتی)

فَمَا أَدْرِی، یَا إِلَهِی، أَیُّ الْحَالَیْنِ أَحَقُّ بِالشُّکْرِ لَکَ؟ وَ أَیُّ الْوَقْتَیْنِ أَوْلَی بِالْحَمْدِ لَکَ؟ أَ وَقْتُ الصِّحَّهِ... أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ...

ای خدای من نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر است؟ و کدامین یک از دو وقت، برای ستایش تو شایسته تر می باشد؟ آیا وقت تندرستی یا وقت بیماری؟

۴-۲/۱۵

سزاوار نافرمانی نبودن خداوند

وَ أَنَا الَّذِی بِجَهْلِهِ عَصَاکَ، وَ لَمْ تَکُنْ أَهْلًا مِنْهُ لِذَاکَ

و منم آن کسی که از روی نادانی تو را نافرمانی کرده و تو شایسته نافرمانی او نبودی.۱۴/۱۶

سببِ قرار گرفتن در درجه شایستگان

...وَ صَیِّرْنَا بِذَلِکَ فِی دَرَجَاتِ الصَّالِحِینَ...

...و به وسیله آن ما را در مرتبه های نیکوکاران قرار ده.۱۶/۱۷

ص : ۷۷۳

ترک احسان، به غیر مستحقّ

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی... تَرْکِ... الْإِفْضَالِ عَلَی غَیْرِ الْمُسْتَحِقِّ

و زیور پرهیزکاران را در احسان نکردن به کسی که شایسته احسان نیست، به من بپوشان.

۱۰/۲۰

سبب استحقاق خواری

وَ لَا تَفْتِنِّی... بِالتَّضَرُّعِ إِلَی مَنْ دُونَکَ إِذَا رَهِبْتُ، فَأَسْتَحِقَّ بِذَلِکَ خِذْلَانَکَ وَ مَنْعَکَ وَ إِعْرَاضَکَ

و مرا به زاری به درگاه دیگران هنگام ترسم، آزمایش نکن. تا به سبب آن، سزاوار خواری و بی بهرگی و روی گرداندن تو شوم.۱۲/۲۰

در زمره بندگان شایسته بودن

وَ اجْعَلْنِی... مِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ

و مرا از بندگان شایسته قرار ده.۱۸/۲۰

وَ اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ

و ما را از بندگان صالحت قرار ده.۱۸/۴۴

قصد انجام عمل صالح، و بازداشته شدن توسّط شیطان

إِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ ثَبَّطَنَا عَنْهُ

چنانچه قصد کار شایسته ای کردیم، (شیطان) ما را از آن بازدارد.۷/۲۵

قرار گرفتن در صف شایستگان

...وَ اجْعَلْهُ فِی نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِینَ

...و او را در صف شهیدان و صالحان قرار ده.

۱۷/۲۷

شایستگان، در جایگاه گواهان (در قیامت)

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ... وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِینَ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و شهیدان و صالحان، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

قصور بنده و استحقاق الهی

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا... لَا یَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِکَ وَ إِنِ اجْتَهَدَ إِلَّا کَانَ مُقَصِّرًا دُونَ اسْتِحْقَاقِکَ بِفَضْلِکَ

خداوندا همانا کسی در طاعت تو هر چند تلاش کند، به جایی نمی رسد، جز آنکه در برابر آنچه شایسته فضل توست، مقصر است.۲و۱/۳۷

اقرار همگان به ناتوانیشان، نسبت به ادای استحقاق خداوند

وَ کُلٌّ مُقِرٌّ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّقْصِیرِ عَمَّا اسْتَوْجَبْتَ

و همگی به تقصیر خود در ادای آنچه تو شایسته آنی، اقرار دارند.۸/۳۷

تأخیر کیفر، و رضایت خداوند به کمتر از استحقاق خود

فَجَمِیعُ مَا أَخَّرْتَ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ... تَرْکٌ مِنْ حَقِّکَ، وَ رِضًی بِدُونِ وَاجِبِکَ

پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته ای، ترک کردن حقّ خود و راضی شدن به کمتر از شایستگی خودت بوده است.۱۵/۳۷

بنده و عدم انکار شایستگی کیفر

إِنَّکَ إِنْ تَفْعَلْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی تَفْعَلْهُ بِمَنْ لَا یَجْحَدُ اسْتِحْقَاقَ عُقُوبَتِکَ

ای خدای من، به درستی که تو اگر چنین کنی، آن را درباره کسی انجام می دهی، که شایستگی عقوبت تو را انکار نمی کند.۱۱/۳۹

اعمال شایسته و کُند شمردن بازگشت به خدا

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِیرَ إِلَیْکَ

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کُند شماریم.۳/۴۰

آباد ساختن مجالس شایستگان

وَ اعْمُرْ بِی مَجَالِسَ الصَّالِحِینَ

و مجالس شایستگان را به وسیله من آباد ساز.

۴/۴۱

نگهداری قرآن، به طور شایسته

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ یَرْعَاهُ حَقَّ رِعَایَتِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که شایسته است نگهداری می کنند.۴/۴۲

سزاواران بالاترین مرتبه(ی بهشت)

وَ اجْعَلْنَا فِی نَظْمِ مَنِ اسْتَحَقَّ الرَّفِیعَ الْأَعْلَی بِرَحْمَتِکَ

و ما را در صف کسانی که به واسطه رحمت تو، مستحقّ بالاترین مرتبه گشته اند، قرار ده.

۱۲/۴۴

سزاواری کرامت الهی

وَ أَهِّلْنَا فِيهِ لِمَا وَعَدْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ كَرَامَتِكَ

و ما را در این (ماه) به کرامت خود که به دوستانت وعده داده ای، سزاوار نما.۱۲/۴۴

شایسته ترین یارانِ ماه رمضان

اجْعَلْنَا لِشَهْرِنَا مِنْ خَيْرِ أَهْلٍ وَ أَصْحَابٍ

ما را برای ماه مان از بهترین خویشان و یاران قرار ده.۱۴/۴۴

عبادتی شایسته خداوند

فَإِذَا بَلَّغْتَنَاهُ فَأَعِنَّا عَلَى تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَهِ

پس چون ما را به آن رساندی، ما را بر انجام عبادتی که تو شایسته آنی، یاری فرما.۴۶/۴۵

ص : ۷۷۵

طاعتی سزاوار ماه رمضان

وَ أَدِّنَا إِلَى الْقِيَامِ بِمَا يَسْتَحِقُّهُ مِنَ الطَّاعَهِ

و ما را بر قیام به طاعتی که سزاوار آن ماه است، موفّق بدار.۴۶/۴۵

درود خدا، بر بندگان شایسته اش

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر بندگان شایسته ات درود فرستادی.۵۶/۴۵

سزاوار نیک بختی و شایسته بدبختی

فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَهِ خَتَمْتَ لَهُ بِهَا، وَ مَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَهِ خَذَلْتَهُ لَهَا

پس هر که سزاوار نیک بختی باشد، برایش بدان پایان دهی و هر که شایسته شقاوت باشد، او را از آن جهت خوار می کنی.۱۷/۴۶

سپاسی سزاوار خدا

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا يَنْبَغِي إِلَّا لَكَ

سپاس برای توست. سپاسی که جز برای تو، سزاوار نباشد.۳۷و۳۶/۴۷

سپاسی سزاوار بزرگی ذات خدا

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَجِبُ لِكَرَمِ وَجْهِكَ

سپاس برای توست. سپاسی که سزاوار ذاتِ کریم تو باشد.۴۹و۳۶/۴۷

محمّد صلی الله علیه و آله و سزاواری درود

وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاهً... لَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا

و بر او درود فرست، درودی که جز او را سزاوار آن نبینی.۵۲/۴۷

پیش نفرستادن کردارهای شایسته

وَ إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أَقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِیدَکَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو را، پیش فرستاده ام.۷۲/۴۷

یاری بنده، بر نیّت شایسته

وَ أَعِنِّی عَلَی صَالِحِ النِّیَّهِ

و بر (داشتن) نیّت صالح یاری ام فرما.

۱۱۳/۴۷

شایسته دوزخ

وَ اعْمُرْ لَیْلِی بِإِیقَاظِی فِیهِ لِعِبَادَتِکَ... وَ إِجَارَتِی مِمَّا فِیهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِکَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و حفظ نمودنم از عذابت که سزاوارش [دوزخیان]، در آن به سر می برد، آباد گردان.۱۲۳/۴۷

همانند شایستگان

وَ کُنْ لِی کَمَا تَکُونُ لِلصَّالِحِینَ

ص : ۷۷۶

و با من چنان باش که با شایستگان هستی.

۱۲۷/۴۷

شریک شدن در دعای شایسته مؤمنان

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُشْرِکَنَا فِی صَالِحِ مَنْ دَعَاکَ فِی هَذَا الْیَوْمِ مِنْ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِینَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که ما را در درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می خواند، شریک گردانی.

۳/۴۸

اعتماد به عمل شایسته پیش فرستاده خود

فَإِنِّی لَمْ آتِکَ ثِقَةً مِنِّی بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم، به درگاه تو نیامده ام.۶/۴۸

سزاواری بنده، به گریز از پروردگارش

لَوْ أَنَّ أَحَدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهِ لَکُنْتُ أَنَا أَحَقَّ بِالْهَرَبِ مِنْکَ

اگر کسی می توانست از پروردگار خود بگریزد، من به گریختن از تو سزاوارتر بودم.۳/۵۰

خدا شایسته:

أ. بی نیازی از آفریدگان

تَمَدَّحْتَ بِالْغَنَاءِ عَنْ خَلْقِکَ وَ أَنْتَ أَهْلُ الْغِنَی

عَنْهُمْ

خود را به بی نیازی از آفریدگانت ستوده ای و خود شایسته بی نیازی از آنهایی.

۱۱/۱۳

ب. امید بستن به او

وَ أَنْتَ أَوْلَى مَنْ رَجَاهُ

و تو سزاوارترین کسی هستی که به او امید است.۲۰/۳۲

ج. ترس و پرهیز از (کیفر) او

وَ أَنْتَ... أَحَقُّ مَنْ خَشِيَهُ وَ اتَّقَاهُ

و تو شایسته ترین کسی می باشی که باید از او ترسید و از او پرهیز نمود.۲۰/۳۲

أَعْلَمُ... أَنَّكَ... أَهْلُ التَّقْوَى

می دانم شایسته ای که از تو بترسند.

۱۱۶/۴۷

يَا أَهْلَ التَّقْوَى

ای سزاوار پرهیزکاری.۷/۵۱

د. اعتماد کردن به او

وَ أَنْتَ أَوْلَى مَنْ وُثِقَ بِهِ

و تو سزاوارترین کسی هستی که به او اعتماد شد.۲۲/۳۲

هـ. مغرور نشدن صدّيقين، به (رحمت) او

فَأَمَّا أَنْتَ يَا إِلَهِی فَأَهْلٌ أَنْ لَا يَغْتَرَّ بِکَ الصِّدِّيقُونَ

و امّا تو ای خدای من، پس شایسته ای که راستگویان به تو مغرور نشوند.۱۳/۳۹

و. آمزرش بنده

أَعْلَمُ... أَنَّکَ... أَهْلُ الْمَغْفِرَهِ

می دانم همانا تو سزاواری که بیامرزی.

۱۱۶/۴۷

ز. فضل و بخشش

أَعْلَمُ... أَنَّکَ أَوْلَی بِالْفَضْلِ

می دانم که تو به بخششْ سزاوارتر هستی.

۱۱۶/۴۷

ح. سپاس و حمد

إِلَهِی أَحْمَدُکَ - وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ -

خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی.۱/۵۱

بنده شایسته:

أ. احتیاج به خدا

وَ نَسَبْتَهُمْ إِلَی الْفَقْرِ وَ هُمْ أَهْلُ الْفَقْرِ إِلَيْکَ

و آنها را به تنگدستی نسبت داده ای و ایشان سزاوارند که به تو نیازمند باشند.

۱۲/۱۳

ب. ناامیدی و منع

فَمَا أَنَا بِأَوَّلِ رَاغِبٍ رَغِبَ إِلَيْکَ فَأَعْطَيْتَهُ وَ هُوَ يَسْتَحِقُّ الْمَنْعَ

پس من اوّلین روآورنده نیستم که به تو روآورده و به او بخشش کردی، با اینکه سزاوار منع است.۲۰/۱۳

ج. خشم خدا

...وَ اسْتَوْجَبْتُ بِسُوءِ سَعْیِی سَخْطَتَکَ

...و با زشتی کردارم، خشمت را سزاوار گشتم.۱۳/۳۲

د. عذاب و کیفر الهی

وَ لَقَدْ کَانَ یَسْتَحِقُّ فِی أَوَّلِ مَا هَمَّ بِعِصْیَانِکَ کُلَّ مَا أَعْدَدْتَ لِجَمِیعِ خَلْقِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ

و حال آنکه او در آغاز که همّت نافرمانی تو نمود، همه عقوبت های تو را که برای همه آفریدگانت آماده ساختی، سزاوار می شد.

۱۴/۳۷

إِنْ تُعَذِّبْنِی فَإِنِّی لِذَلِکَ أَهْلٌ

اگر مرا عذاب نمایی، پس به درستی که من سزاوار آنم.۴/۵۰

ه‍ـ. رسوایی و منع

تَسْتُرُ عَلَی مَنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ، وَ تَجُودُ عَلَی مَنْ لَوْ شِئْتَ مَنَعْتَهُ، وَ کِلَاهُمَا أَهْلٌ مِنْکَ لِلْفَضِیحَهِ وَ

می پوشانی بر کسی که اگر می خواستی، رسوایش می نمودی، و می بخشی بر کسی که اگر می خواستی، محرومش می کردی. و حال آنکه هر دو از جانب تو سزاوار رسوایی و محرومیّتند.۸/۴۵

عدم شایستگی بنده، نسبت به:

أ. از بین رفتن بدی ای از بدی هایش

يَا إِلَهِي لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَيْنَيَّ... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک های چشمانم بیفتد، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

ب. آمرزش الهی

وَ إِنْ كُنْتَ تَغْفِرُ لِي حِينَ أَسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَكَ، وَ تَعْفُو عَنِّي حِينَ أَسْتَحِقُّ عَفْوَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرُ وَاجِبٍ لِي بِاسْتِحْقَاقٍ، وَ لَا أَنَا أَهْلٌ لَهُ بِاسْتِيجَابٍ

و اگر مرا بیامرزی هنگامی که مستوجب آمرزش تو باشم، و ببخشایی آنگاه که مستحقّ بخشایش تو گردم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست و از روی شایستگی من لازم نشده.۳۱/۱۶

لَا يَجِبُ لِأَحَدٍ أَنْ تَغْفِرَ لَهُ بِاسْتِحْقَاقِهِ

هیچ کس در حدّی نیست که به سبب استحقاقش آمرزشت را ایجاب کند.۴/۳۷

ج. عفو الهی

وَ إِنْ كُنْتَ... تَعْفُو عَنِّي حِينَ أَسْتَحِقُّ عَفْوَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرُ وَاجِبٍ لِي بِاسْتِحْقَاقٍ، وَ لَا أَنَا أَهْلٌ لَهُ بِاسْتِيجَابٍ

و اگر مرا ببخشایی آنگاه که مستحقّ بخشایش تو گردم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست و از روی شایستگی من لازم نشده.۳۱/۱۶

اللَّهُمَّ إِلَى مَغْفِرَتِكَ وَفَدْتُ... وَ لَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي مَغْفِرَتَكَ، وَ لَا فِي عَمَلِي مَا أَسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ

خداوندا به سوی آمرزشت روی آورده ام. در حالی که آنچه موجب آمرزیدن تو گردد، در من نیست و در عملم چیزی که سزاوار عفو تو شوم وجود ندارد.۱۵/۲۰

د. شفاعت

وَ إِنْ شَفَعْتُ فَلَسْتُ بِأَهْلِ الشَّفَاعَهِ

و اگر شفیع خواهم، سزاوار شفاعت نیستم.۲۳/۳۱

هـ. رضا و خوشنودی خدا

ص : ۷۷۹

لَا يَجِبُ لِأَحَدٍ... أَنْ تَرْضَى عَنْهُ بِاسْتِيجَابِهِ

هیچ کس در حدّی نیست که شایستگی اش رضایت تو را لازم سازد.۴/۳۷

و. عطای الهی

أَعْطَيْتَ كُلًّا مِنْهُمَا مَا لَمْ يَجِبْ لَهُ

هر یک از آن دو (فرمانبر و گنهکار) را چیزی عطا کرده ای که برایش لازم نبود.

۱۱/۳۷

ز. پاداش الهی

فَمَتَى كَانَ يَسْتَحِقُّ شَيْئًا مِنْ ثَوَابِكَ؟ لَا! مَتَى؟!

پس کی (چنین بنده ای) مستحقّ ثوابی از سوی تو می شد؟ نه! هیچ گاه!۱۳/۳۷

ح. اقدام به نافرمانی از خدا

وَ كَانَ أَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ أَلَّا يَفْعَلَ

و حال آنکه با آن عنایت هایی که به او داشته ای، سزاوارترین بندگانت بود که نافرمانی ات را نکند.۶۸/۴۷

آنکه در ماه رمضان آنطور که سزاوار است:

أ. رعایت این ماه را کرده

اللَّهُمَّ وَ مَنْ رَعَى هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ

خداوندا و هر کس رعایت کرده این ماه را، به طوری که حقّ رعایتش است؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.۵۰/۴۵

ب. حرمتش را حفظ نموده

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... حَفِظَ حُرْمَتَهُ حَقَّ حِفْظِهَا... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ

خداوندا و هر کس حرمتش را آن طوری که حقّ بوده نگه داشته؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.۵۰/۴۵

ج. حدودش را به پا داشته

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... قَامَ بِحُدُودِهِ حَقَّ قِيَامِهَا... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ

خداوندا و هر کس حدودش را آن طوری که حقّش بوده به پا داشته؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.

۵۰/۴۵

د. از گناهان پرهیز نموده

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... اتَّقَى ذُنُوبَهُ حَقَّ تُقَاتِهَا... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ

خداوندا و هر کس از گناهان خویش به طوری که حقِّ پرهیز کردن بوده پرهیز نموده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به

ص : ۷۸۰

ما ببخش.۵۰/۴۵

شب

حفظ شدن پیروان اصحاب، از حوادث شب و روز

وَ تَقِيهِمْ طَوَارِقَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ

و آنها را از حوادث شب و روز – مگر خیری که پیش آید – حفظ نمایی.۱۴/۴

آفرینش شب و روز، به قدرت خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی خَلَقَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ بِقُوَّتِهِ

سپاس خدای را که شب و روز را به توانایی خود آفرید.۱/۶

فاصله انداختن بین شب و روز، به قدرت خدا

وَ مَيَّزَ بَيْنَهُمَا بِقُدْرَتِهِ

و به قدرت خویش بین آن دو فرق گذاشت.

۲/۶

مدّت و پایان معیّن، برای شب و روز

وَ جَعَلَ لِكُلٍّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا حَدًّا مَحْدُودًا، وَ أَمَدًا مَمْدُودًا

و برای هر یک پایانی معین و زمانی معلوم مقرر فرمود.۳/۶

سبب گماشتن شب و روز، به جای یکدیگر

يُولِجُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِی صَاحِبِهِ، وَ يُولِجُ صَاحِبَهُ فِيهِ بِتَقْدِيرٍ مِنْهُ لِلْعِبَادِ، فِيما يَغْذُوهُمْ بِهِ

بنا به تقدیرش هر یک از شب و روز را جای یکدیگر قرار می دهد تا برای بندگان روزی دهد.

۴/۶

علّت آفرینش شب

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ مِنْ حَرَكَاتِ التَّعَبِ وَ نَهَضَاتِ النَّصَبِ

پس شب را برای آنان آفرید تا از حرکت های خسته کننده و جنبش های سخت بیاسایند.۵/۶

علّت لباس گرداندن شب، برای بنده

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ... وَ جَعَلَهُ لِبَاسًا لِيَلْبَسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَ مَنَامِهِ

پس شب را برای آنان آفرید و آن را پوشش ساخت تا جامه راحتی و خواب را دربر کنند.

۵/۶

توفیق انجام نیکی، در شب و روز

وَفِّقْنَا فِی يَوْمِنَا هَذَا وَ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِی جَمِيعِ أَيَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ...

در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی توفیق ده.۱۸/۶

ص : ۷۸۱

گذر شب و روز، بر آفریدگان

وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَرْضَى مَنْ مَرَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ مِنْ جُمْلَهِ خَلْقِكَ

و ما را از خوشنودترین آفریدگانت که شب و روز بر آنها گذشته قرار ده.۲۰/۶

گواه گرفتن و گواهی دادن بنده، در شب

وَ أُشْهِدُ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ... فِي يَوْمِي هَذَا... وَ لَيْلَتِي هَذِهِ...

و آسمانت و زمینت را در این روز و این شب شاهد می گیرم.۲۱/۶

عافیتی مقدّمه بلا، در شب و روز

وَ إِنْ يَكُنْ مَا ظَلِلْتُ فِيهِ، أَوْ بِتُّ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْعَافِيَهِ بَيْنَ يَدَيْ بَلَاءٍ لَا يَنْقَطِعُ... فَقَدِّمْ لِي مَا أَخَّرْتَ...

و اگر این تندرستی که روز را در آن به سر برده ام یا شب را در آن به سر رسانده ام، پیش از گرفتاری ای که قطع نمی گردد باشد، پس آنچه برایم به تأخیر انداخته ای، پیش انداز.۲/۱۸

حال بنده و ورود در صبح و شام

إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَكَ...

خدای من، صبح و شام را به سر کردم ، در حالی که بنده خوار توام.۷/۲۱

اللَّهُمَّ إِنِّي أُصْبِحُ وَ أُمْسِي مُسْتَقِلًّا لِعَمَلِي

خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به

شام می آورم، در حالی که عملم را اندک می بینم.

۷/۵۲

از یاد نبردن والدین، در شبانگاه

اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَهُمَا... فِي إِنِّي مِنْ آنَاءِ لَيْلِي

خداوندا یاد آنان را در هیچ وقتی از اوقات شبم، از یادم نبر.۱۳/۲۴

پناه نجستن به شب زنده داریِ شب هنگام

وَ لَا أَسْتَجِيرُ بِتَهَجُّدِی لَيْلًا

و نه شب زنده داری شبی را پناهِ خود خواهم.

۱۷/۳۲

درود بر محمّد صلی الله علیه و آله ، تا زمان در پی هم آمدن شب و روز

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، تا شب و روز در گردش هستند.۳۴/۳۲

به پادارندگان قرآن، در ساعات شب

وَ اقْفُ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ قَامُوا لَكَ بِهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ...

و ما را در پی کسانی گردان که در ساعت های شب و اطراف روز، قرآن را برای تو به پا داشتند.

۹/۴۲

آشنای بندگان، در تاریکی های شب

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّیَالِی مُونِسًا

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده.۱۰/۴۲

برتری شبی از شب های ماه رمضان ، بر شب های هزار ماه

ثُمَّ فَضَّلَ لَیْلَةً وَاحِدَةً مِنْ لَیَالِیهِ عَلَی لَیَالِی أَلْفِ شَهْرٍ، وَ سَمَّ_اهَا لَیْلَةَ الْقَدْرِ

آنگاه یک شب از شب های آن را بر شب های هزار ماه برتری داد، و آن را شب قدر نامید.

۵/۴۴

ویژگی های شب قدر

تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَةُ وَ الرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ...

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند. آن شبِ سلام است.

۵/۴۴

آزاد شدگان عفو الهی، در شب های ماه رمضان

وَ إِذَا کَانَ لَکَ فِی کُلِّ لَیْلَةٍ مِنْ لَیَالِی شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ یُعْتِقُهَا عَفْوُکَ... فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْکَ الرِّقَابِ

و چنانچه در هر شب از شب های این ماه ما، برای تو بندگانی باشد، که عفو تو، آنها را آزاد می کند، پس ما بندگان را از آن بندگان قرار ده.

۱۴/۴۴

نماز و زاری به درگاه خدا، در شب های ماه رمضان

وَ أَعِنَّا... فِی لَیْلِهِ عَلَی الصَّلَاةِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَیْکَ، وَ الْخُشُوعِ لَکَ

و ما را در شبش بر نماز و زاری به درگاهت و خشوع برای تو، یاری نما.۱۷/۴۴

سبب گواهی ندادن شب های ماه رمضان، به کوتاهی بنده

وَ أَعِنَّا فِی نَهَارِهِ عَلَی صِیَامِهِ، وَ فِی لَیْلِهِ عَلَی الصَّلَاةِ... حَتَّی لَا یَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَیْنَا بِغَفْلَةٍ، وَ لَا لَیْلُهُ بِتَفْرِیطٍ

و مـا را در روزش به روزه داری آن و در شـبش بر نمـاز یاری نما. تا روزش بر ما به غفلت و شـبش به کوتاهی نمودن گواهی ندهد.۱۷/۴۴

بزرگ گرداندن شب قدر، در ماه رمضان

وَ أَجْلَلْتَ فِیهِ مِنْ لَیْلَهِ الْقَدْرِ...

و شب قدر را در آن بزرگ داشتی.۲۰/۴۵

شب قدر، بهتر از هزار ماه

وَ أَجْلَلْتَ فِیهِ مِنْ لَیْلَهِ الْقَدْرِ (الَّتِی هِیَ) خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

و شب قدر را که از هزار ماه بهتر است، در آن بزرگ داشتی.۲۰/۴۵

درود خدا بر شب قدر

ص : ۷۸۳

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى لَيْلَهِ الْقَدْرِ الَّتِى هِىَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

درود بر تو و بر شب قدر که بهتر است از هزار ماه.۴۰/۴۵

برخاستن در شب های ماه رمضان

وَ قُمْنَا بِعَوْنِكَ لَيْلَهُ

و به یاری تو شبش را به پا خاستیم.۲۱/۴۵

درودهای صبح وشام، بر دوستان ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ... الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الزَّاكِيَاتِ النَّامِيَاتِ الْغَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ

خداوندا و بر دوستان آنها درودهای مبارک، پاک، فزاینده (در) هر صبح و شام، بفرست.

۶۴/۴۷

مناجات با خدا، در شب و روز

وَ زَيِّنْ لِيَ التَّفَرُّدَ بِمُنَاجَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ

و تنهایی مناجات با خودت را در شب و روز برایم بیارا.۱۱۰/۴۷

آباد کردن شب بنده، به بیداری برای عبادت

وَ اعْمُرْ لَيْلِى بِإِيقَاظِى فِيهِ لِعِبَادَتِكَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، آباد گردان.۱۲۳/۴۷

شب زنده داری

پناه نجستن به شب زنده داریِ شبانگاه

وَ لَا أَسْتَجِيرُ بِتَهَجُّدِى لَيْلًا

و نه شب زنده داری شبی را پناهِ خود خواهم.

۱۷/۳۲

تنهایی بنده و شب زنده داری برای خدا

وَ اعْمُرْ لَیْلِی بِإِیقَاظِی فِیهِ لِعِبَادَتِکَ، وَ تَفَرُّدِی بِالتَّهَجُّدِ لَکَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و تنها بودنم به شب زنده داری برای تو، آباد گردان.

۱۲۳/۴۷

شبهه

روشنایی یافتن به وسیله نور، از شبهات

وَ هَبْ لِی نُورًا... أَسْتَضِیءُ بِهِ مِنَ الشَّکِّ وَ الشُّبُهَاتِ

و مرا نوری بخش که به وسیله آن از شک و شبهه ها روشنی یابم.۸/۲۲

شیطان، برپاکننده شبهه ها

وَ یَنْصِبُ لَنَا بِالشُّبُهَاتِ

و شبهه ها برای ما برپا کند.۷/۲۵

زایل ساختن شک و شبهه، از بنده

ص : ۷۸۴

وَ أَزِلْ عَنِّی کُلَّ شَکٍّ وَ شُبْهَهٍ

و هر شکّ و شبهه ای را از من دور ساز.

۱۲۹/۴۷

شبیه همانند

شتاب

شتاب نکردن خدا، در انتقام و کیفر بندگان

فَلَمْ یَبْتَدِرْنَا بِعُقُوبَتِهِ، وَ لَمْ یُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ

پس او در کیفرِ ما، شتاب نکرد و در سرکوب ما عجله ننمود.۲۱/۱

وَ تَأَنَّیْتَنِی بِکَرَمِکَ فَلَمْ تُعَاجِلْنِی...

و با بخششت با من مدارا نمودی و در کیفرم شتاب نکردی...۳۲/۱۶

وَ یَا مَنْ... لَا یُبَادِرُ بِالنَّقِمَهِ

و ای کسی که به کیفر سخت، شتاب نمی کند.

۱۰/۴۶

شتاب فرشتگان پاسبان، به سوی دوزخیان

الزَّبَانِیَهِ الَّذِینَ إِذَا قِیلَ لَهُمْ: خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِیمَ صَلُّوهُ. ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا

پاسبانانی که چون به آنها گفته شود: او را بگیرد و در زنجیرش کشید، سپس به دوزخ افکنید، به سرعت به او حمله برند.۲۱/۳

شتاب در ایمان آوردن

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّهً الَّذِینَ... أَسْرَعُوا إِلَی وِفَادَتِهِ

خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنان که به سوی پیامش شتافتند...۳/۴

رهایی سریع (از گرفتاری)

وَ اجْعَلْ لِی مِنْ عِنْدِکَ مَخْرَجًا وَحِیًّا

و نزد خود زود رها شدن را برای من مقرر کن.

۸/۷

شتافتن بنده به سوی نهی خداوند

...یَحْجُبُنِی... نَهْیٌ نَهَیْتَنِی عَنْهُ. فَأَسْرَعْتُ إِلَیْهِ...

بازمی دارد مرا (از درخواست از تو)، کاری که مرا از آن بازداشتی و من به سوی آن شتافتم.

۲/۱۲

علّت شتاب بنده، در گریستن

هَلْ أَنْتَ، یَا إِلَهِی... غَافِرٌ لِمَنْ بَکَاکَ فَأُسْرِعَ فِی الْبُکَاءِ؟

ای خدای من آیا تو گریه کننده ات را می آمرزی تا من در گریستن شتاب نمایم؟

۱۵/۱۶

درنگ خدا، از زود به کیفر رساندن بنده

وَ أَعْجَبُ مِنْ ذَلِکَ... إِبْطَاوءُکَ عَنْ مُعَاجَلَتِی، وَ لَیْسَ ذَلِکَ مِنْ کَرَمِی عَلَیْکَ، بَلْ تَأَنِّیًا مِنْکَ لِی

و شگفت تر از آن درنگ تو از زود به کیفر رساندن من است و این نه از گرامی بودن من نزد

توست. بلکه از بردباری تو بر من است.۲۶/۱۶

رساندن آبی (بارانی) تند و شتابان، بر بندگان

وَ أَشْهِدْ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامَ السَّفَرَةَ بِسَقْيٍ مِنْكَ نَافِعٍ... وَابِلٍ سَرِيعٍ عَاجِلٍ

و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود - که سخت، تند و شتابان باشد - آماده ساز.۲/۱۹

میراندن بنده، و شتافتن دشمنی خدا به سوی او

فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتُكَ إِلَيَّ

پس چنانچه عمرم چراگاهی برای شیطان شد - پیش از آنکه دشمنی ات به سوی من شتابد - مرا به سوی خود بازگردان.۵/۲۰

سبب کراهت بنده، از شتاب در آنچه خدا پس انداخته

وَ أَلْهِمْنَا الِانْقِيَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيَّتِكَ حَتَّى لَا نُحِبَّ تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، وَ لَا تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ

و گردن نِهی بر خواسته ات را - که بر ما وارد ساختی - به ما الهام فرما، تا تأخیر آنچه را پیش انداختی و تعجیل آنچه را که به تأخیر انداخته ای، دوست نداشته باشیم.۵/۳۳

شتاب رعد و برق، در فرمانبری از خدا

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ آيَتَانِ مِنْ آيَاتِكَ... يَبْتَدِرَانِ طَاعَتَكَ...

خداوندا همانا این دو، دو نشانه از نشانه های تو هستند، که به طاعتت می شتابند.۱/۳۶

مهلت دادن به گنهکار، در حال توانایی خدا به شتاب در کیفرش

وَ تُمْلِي لِلْعَاصِي فِيما تَمْلِكُ مُعَاجَلَتَهُ فِيهِ

و گنهکار را در آنچه توانایی شتاب در کیفرش را داری، مهلت می دهی.۱۰/۳۷

علّت شتاب نکردن خدا، در کیفر

فَأَمَّا الْعَاصِي أَمْرَكَ وَ الْمُوَاقِعُ نَهْيَكَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنَقِمَتِكَ لِكَيْ يَسْتَبْدِلَ بِحَالِهِ فِي مَعْصِيَتِكَ حَالَ الْإِنَابَةِ إِلَى طَاعَتِكَ

و امّا آنکه امر تو را سرپیچی کند و نهی تو را به جا آورد، پس به کیفرش شتاب نکردی، تا حال خود را در نافرمانی ات به حال طاعتت عوض کند.

۱۴/۳۷

تَتْرُکُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَی التَّوْبَهِ لِکَیْلَا یَهْلِکَ عَلَیْکَ هَالِکُهُمْ... إِلَّا عَنْ طُولِ الْإِعْذَارِ إِلَیْهِ، وَ بَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّهِ عَلَیْهِ

تا هنگام توبه، شـتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا هلاک شونـده ایشان، به خاطر تو هلاک نشود. مگر بعد از عذرهای فراوان بر او و پس از

ص : ۷۸۶

حجّت های پیاپی آوردن بر او.۹/۴۵

حریص گشتن بنده، بر زود رسیدن به خدا

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا... نَحْرِصُ لَهُ عَلَى وَشْكِ اللَّحَاقِ بِکَ

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن به زود رسیدن به تو حرص ورزیم.۳/۴۰

کوشایی و شتابندگی ماه

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ، الدَّائِبُ السَّرِيعُ

ای آفریده فرمانبردار، و کوشای شتابنده.

۱/۴۳

شتاب نمودن ماه، به سوی خواست خدا

وَ امْتَهَنَکَ بِالزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ، وَ الطُّلُوعِ وَ الْأُفُولِ... فِی کُلِّ ذَلِکَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ، وَ إِلَى إِرَادَتِهِ سَرِيعٌ

و تو را با فزونی و کاستی و طلوع و غروب، به خدمت گرفت. و در همه آن حالات، تو مطیع او هستی و به سوی خواسته اش، شتابنده ای.۲/۴۳

سبب نشتافتن چشم ها، به سوی لهو

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيکَ... حَتَّى... لَا نُسْرِعَ بِأَبْصَارِنَا إِلَى لَهْوٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا با چشم هایمان به سوی هیچ لهوی نشتابیم.۶/۴۴

شتافتن به نیکی ها

اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِينَ... مِنَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِی الْخَيْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ

ما را از بندگان صالحت قرار ده. از آنان که در نیکی ها می شتابند و ایشان برای آن پیشی می گیرند.۱۸/۴۴

شتاب نکردن خدا و عدم ابطال برهانش

وَ لَمْ يَدْحَضْ لِتَرْکِ مُعَاجَلَتِهِمْ بُرْهَانُکَ

و از جهت شتاب نکردن در عذاب آنان، برهان تو باطل نشده است.۱۸/۴۶

تأخیر خدا در کیفر، در حال توانایی اش بر شتاب

أَخَّرْتَ وَ أَنْتَ مُسْتَطِیعٌ لِلمُعَاجَلَهِ

با آنکه بر شتاب نمودن توانایی، (عذاب را) به تأخیر انداخته ای.۲۱/۴۶

درنگ نمودن خدا و قادر بودنش بر شتاب

تَأَنَّیْتَ وَ أَنْتَ مَلِیءٌ بِالْمُبَادَرَهِ

با آنکه به شتاب کردن قادری، درنگ نموده ای.

۲۱/۴۶

عدم شتاب خداوند، در کیفر گناهکاران

فَیَا مَنْ لَمْ یُعَاجِلِ الْمُسِیئِینَ

پس ای آنکه بر (کیفر) گنهکاران شتاب

نمی کنی.۷۵/۴۷

درخواست شتاب خدا، در فرج و نصرت محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ عَجِّلِ الْفَرَجَ وَ الرَّوْحَ وَ النُّصْرَهَ وَ الَّتمْكِينَ وَ التَّأْيِيدَ لَهُمْ

خداوندا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست. و در فرج و آسایش و نصرت و تسلّط دادن و تأیید آنان، شتاب فرما.۱۱/۴۸

نبودن شتابی در انتقام و کیفر الهی

قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ... فِي نَقِمَتِكَ عَجَلَهٌ

دانسته ام که در انتقام تو شتاب، نیست.

۱۵/۴۸

شتاب و ترس از فوت وقت

إِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْفَوْتَ

همانا کسی شتاب می کند که از گذشتن فرصت می ترسد.۱۵/۴۸

اعتماد بنده، به سرعت اجابت الهی

فَنَادَيْتُكَ يَا إِلَهِي... وَاثِقًا بِسُرْعَهِ إِجَابَتِكَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که به اجابت سریع تو اطمینان داشتم.۱۰/۴۹

ناتوانی بنده از شتاب به وعده داده شده خدا، به دوستانش

أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِي ضَعْفَ نَفْسِي عَنِ الْمُسَارَعَهِ فِيما وَعَدْتَهُ أَوْلِيَاءَكَ

ای خدای من، از ناتوانی نفْسم در شتافتن به آنچه به دوستانت نوید داده ای، به تو شکایت می کنم.۱۰/۵۱

شجاعت دلیری

شرافت بزرگی

شرف آبرو

شرط

شرایط به جا آوردن حقّ (اوامر) الهی

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَکُونُ... عَوْنًا عَلَی تَأْدِیَهِ حَقِّهِ وَ وَظَائِفِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که یاوری بر ادای حقّ و وظائفش باشد.۲۹و۲۷/۱

به جا آوردن شرط خدمت گزاری، نسبت به والدین

وَ لَا أَنَا بِقَاضٍ وَظِیفَهَ خِدْمَتِهِمَا

و من وظیفه خدمت گزاری ایشان را انجام نداده ام.۱۱/۲۴

شرط خدا، محبّتش با بنده(ی تائب)

وَ أَوْجِبْ لِی مَحَبَّتَکَ کَمَا شَرَطْتَ

ص : ۷۸۸

و همان طور که شرط کرده ای، دوستی خود را برایم واجب گردان.۱۵/۳۱

بازنگشتن به ناپسند الهی؛ شرط بنده با خدا

وَ لَکَ یَا رَبِّ شَرْطِی أَلَّا أَعُودَ فِی مَکْرُوهِکَ

و ای پروردگار من، با تو قرار می گذارم، در کاری که ناپسند توست، برنگردم.۱۶/۳۱

غفلت بنده، از شرایط واجبات الهی

وَ لَسْتُ أَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ بِفَضْلِ نَافِلَهٍ مَعَ کَثِیرِ مَا أَغْفَلْتُ مِنْ وَظَائِفِ فُرُوضِکَ

و من هیچ گاه با فضیلتِ (عمل) مستحبّ به سویت توسّل نمی جویم، با آنکه از بسیاری از شرایط واجبات غفلت نمودم.۱۸/۳۲

خدا شرط کننده و تعیین گرِ شرایط نماز

وَ قِفْنَا فِیهِ عَلَی مَوَاقِیتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ... وَ وَظَائِفِهَا الَّتِی وَظَّفْتَ

و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه و شرایط آن که معین نمودی، آگاه فرما.۸/۴۴

شرف

شرافت دادن به منزلت بنده، در جایگاه گواهان

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... یُشَرِّفُ بِهِ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، منزلت ما را در جایگاه های گواهان، شرافت (و آبرو) دهد.

۱۲و۱۰/۱

شرافت بودن یاد خدا

یَا مَنْ ذِکْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاکِرِینَ

ای که یاد او برای یادکنندگان بزرگی است.

۱/۱۱

پناه بردن به خدا، از شرِّ هر شریف و پستی

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ شَرِیفٍ وَ وَضِیعٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر بلندمرتبه و فرومایه ای پناه ده.۶/۲۳

اطاعت از خدا و شریف شدن

فَإِنَّ الشَّرِیفَ مَنْ شَرَّفَتْهُ طَاعَتُکَ

پس به درستی که شرافتمند کسی است که اطاعت تو شریفش گرداند.۴/۳۵

شرافت بخشیدن به درجه بنده

شَرِّفْ دَرَجَتِی بِرِضْوَانِکَ

درجه مرا به خوشنودیت، شرافت ده.

۴/۴۱

شناخت شرافت و فضیلت قرآن

ص : ۷۸۹

اللَّهُمَّ فَكَمَا... عَرَّفْتَنَا بِرَحْمَتِكَ شَرَفَهُ وَ فَضْلَهُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ

خداوندا، پس همچنان که به رحمت خود شرافت و فضیلت آن را به ما آموختی، پس بر محمّد که با آن سخن راند، درود فرست.۶/۴۲

شرافت بخشیدن به بنیان محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و بنیاد او را شرافت ده.۱۹/۴۲

حقیر بودن هر شریفی، در کنار شرافت خدا

وَ كُلُّ شَرِيفٍ فِي جَنْبِ شَرَفِكَ حَقِيرٌ

و هر بزرگواری در کنار بزرگواری ات حقیر است.۱۳/۴۶

شرافت و عظمتِ روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَةَ يَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که آن را شرافت و کرامت و عظمت داده ای.۶۶/۴۷

از اسباب شرافت مسلمانان:

أ. حضرت رسول صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود

فرست، چنانکه ما را به وسیله او شرافت دادی.۴/۲۴

ب. ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِي شَرَّفْتَنَا بِهِ

خداوندا، همانا ما اهل این ماه هستیم، که ما را به وسیله آن شرافت دادی.۴۳/۴۵

شرک

شریک نداشتن خدا

وَ ارْزُقْنِی سَلَامَهَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّی لَا أَرَی نِعْمَهً مِنْ نِعَمِکَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ... إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِی أَفْضَلَ ذَلِکَ بِکَ وَ مِنْکَ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو - که یگانه و بی شریکی - آرزو کنم.۱۲/۲۲

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِکَهٍ مِنْ عِنْدِکَ مُرْدِفِینَ حَتَّی... یُقِرُّوا بِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ

و آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آیند، یاری فرما. تا به یکتایی تو که معبودی جز تو نیست، تنها و بی شریک هستی، اقرار نمایند.۸/۲۷

ص : ۷۹۰

فَتَبارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

پس تو مبارك و برترى. جز تو معبودى نيست. يگانه اى هستى كه براى تو شريكى نمى باشد.

۵/۵۲

شريك نشدن كسى با خدا، در اميد بنده

لَا يَشْرَكُكَ أَحَدٌ فِى رَجَائِى

هيچ كس در اميد من، با تو شريك نيست.

۹/۲۸

شريك نگرداندن كسى با خدا، در كردارها

ثُمَّ خَلِّصْ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنْ رِئَاءِ الْمُرَاءِينَ... لَا نَشْرَكُ فِيهِ أَحَدًا دُونَكَ

سپس همه آن را از خودنمايى رياكاران خالص گردان. كه احدى را در آن با تو شريك نسازيم.۷/۴۴

يارى نشدن خدا در آفرينشش، توسّط شريك

أَنْتَ الَّذِى لَمْ يُعِنْكَ عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكٌ

تويى آنكه در آفريدنت، شريكى يارى ات نداد.

۱۴/۴۷

شريك نداشتن خدا، در رساندن نعمت به بنده

وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِى بِإِمْلَائِكَ لِى اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَنَعَنِى خَيْرَ مَا عِنْدَهُ وَ لَمْ يَشْرَكْكَ فِى حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِى

و مرا با مهلت دادنت، غافلگير نكن. همانند غافلگير نمودن كسى كه مرا از نيكى آنچه نزدش است، بى بهره گردانده، در حالى كه در رسيدن نعمتش به من شريك تو نبوده است.۹۰/۴۷

شريك گرداندن بنده، در دعاى مؤمنان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُشْرِكَنَا فِى صَالِحِ مَنْ دَعَاكَ فِى هَذَا الْيَوْمِ مِنْ عِبَادِكَ الْمُوْمِنِينَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که ما را در درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می خواند، شریک گردانی.

۳/۴۸

شریک و انباز قرار ندادن چیزی، با خدا

وَ ذَرِیعَتِی أَنِّی لَمْ أُشْرِکْ بِکَ شَیْئًا

و دستاویزم آن است که چیزی را با تو شریک نکرده ام.۳/۴۹

عدم کاهش فرمانروایی خدا، با شرک به او

سُبْحَانَکَ لَا یَنْقُصُ سُلْطَانَکَ مَنْ أَشْرَکَ بِکَ

پاک و منزّهی! کسی که به تو شرک آورَد، از فرمانروایی ات نمی کاهد.۳/۵۲

شرم

درخواست از خدا، با شرمندگی

فَهَا أَنَا ذَا یَا إِلَهِی... سَائِلُکَ عَلَی الْحَیَاءِ مِنِّی سُوءَالَ

ص : ۷۹۱

الْبَائِسِ الْمُعِيلِ

پس ای خدای من، با وجود شرمندگی ام همانند تهی دستی عیالمند از تو درخواست دارم.

۴/۱۲

توبه شرمنده واقعی

أَتُوبُ إِلَيْکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ... خَالِصِ الْحَيَاءِ مِمَّا وَقَعَ فِيهِ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که از آنچه در آن افتاده، سخت شرمنده است.۱۲/۱۲

علّت شرمندگی از خدا

كُلُّ ذَلِکَ حَيَاءٌ مِنْکَ لِسُوءِ عَمَلِی

همه اینها از روی شرمی است که از بدکرداری خود دارم.۲۰/۱۶

شرمندگی از خدا، و چشم نینداختن به کرانه های آسمان

يَا إِلَهِی لَوْ... ذَكَرْتُکَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ حَتَّى يَكِلَّ لِسَانِی، ثُمَّ لَمْ أَرْفَعْ طَرْفِی إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ اسْتِحْيَاءً مِنْکَ مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَيِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَيِّئَاتِی

ای خدای من اگر در این مدّت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانم از کار بیفتد، سپس از شرمندگی تو، چشم از کرانه های آسمان برندارم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

موجبات شرم همسایه، و پوشاندن آن

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... سَتْرِ عَوْرَاتِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در پوشاندن آنچه از آن شرم دارند، توفیق ده.۲/۲۶

روی آوردن به خدا، در حال شرمندگی از او

فَأَقْبَلَ نَحْوَکَ مُؤَمِّلًا لَکَ مُسْتَحْيِيًا مِنْکَ

پس امیدوار به تو و شرمنده از تو، به سویت روی آورده.۸/۳۱

شرمنده گشتن از خدا، درباره نفس خود

وَ هَذَا مَقَامُ مَنِ اسْتَحْيَا لِنَفْسِهِ مِنْکَ

و این جایگاه کسی است که درباره خویش، از تو شرمنده گشت.۱۹/۳۲

رسوایی آخرت و شرم داشتن از خویشان

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ... وَ مِنْ ذِی رَحِمٍ کُنْتُ أَحْتَشِمُ مِنْهُ فِی سَرِیرَاتِی

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد

جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و از خویشاوندی که در کارهای مخفی خود از او شرم می نمودم، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

پوشاندن موجبات شرم، توسّط خداوند

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَهِ... وَاعِظًا لَنَا...

پس آنچه از آن شرم آید که پوشاندی، برای ما پنددهنده قرار ده.۳/۳۴

فَلَوْ لَا سَتْرُکَ عَوْرَتِی لَکُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِینَ

پس اگر عیب پوشی تو (از موجبات) شرمندگی ام نبود، هر آینه از رسواشدگان بودم.

۷/۵۱

بی حیایی و بی شرمی بنده

أَنَا الْقَلِیلُ الْحَیَاءِ

منم کم شرم.۸۴/۴۷

شروع آغاز

شستن

اعمال شوینده چرکی خطایا

وَ وَفِّقْنِی مِنَ الْأَعْمَالِ لِمَا تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطَایَا عَنِّی

و مرا به کارهایی که با آن چرکی خطاها را از من بشویی، توفیق ده.۱۳/۳۱

عامل شستن چرکی دل ها و وابستگی های

گناهان

وَ اغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا وَ عَلَائِقَ أَوْزَارِنَا

و به وسیله آن (قرآن)، چرکی دل هایمان و وابستگی های گناهانمان را بشوی.۱۱/۴۲

رمضان، عامل شسته شدن چرکی خطاها

السَّلَامُ عَلَيْکَ کَمَا وَفَدْتَ عَلَيْنَا بِالْبَرَکَاتِ، وَ غَسَلْتَ عَنَّا دَنَسَ الْخَطِيئَاتِ

درود بر تو همان طور که با برکت ها بر ما وارد شدی و چرکی خطاها را از ما شستی.۳۶/۴۵

شغل کار

شفا بهبودی

شفاعت

عطای شفاعتی نیکو، به محمّد صلی الله علیه و آله

وَ عَرِّفْهُ فِی أَهْلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ أُمَّتِهِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَهِ أَجَلَّ مَا وَعَدْتَهُ

و او را از شفاعت نیکو درباره خانواده پاکش و مؤمنان امّتش، بیش از آنچه به او وعده داده ای، آگاه کن.۲۵/۲

رضایت خدا از والدین، با شفاعت فرزند

وَ ارْضَ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِی لَهُمَا رِضًی عَزْمًا

و به میانجیگری من از آنها یکسره خوشنود

شو.۱۴/۲۴

شفاعت والدین، از فرزند

اللَّهُمَّ وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِیَّ

خداوندا و اگر آمرزشت برای ایشان پیشی گرفت، پس آنان را شفیع من گردان.۱۵/۲۴

شفاعت فرزند، از والدین

وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لِی فَشَفِّعْنِی فِیهِمَا

و اگر آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما.۱۵/۲۴

شفیع خواستن و سزاوار شفاعت نبودن

وَ إِنْ شَفَعْتُ فَلَسْتُ بِأَهْلِ الشَّفَاعَهِ

و اگر شفیع خواهم، سزاوار شفاعت نیستم.

۲۳/۳۱

شفیع و میانجی گرداندن کرم خدا

وَ شَفِّعْ فِی خَطَایَایَ کَرَمَکَ

و کرمت را شفیع خطاهایم گردان.۲۴/۳۱

لزوم شفاعت فضل الهی، از بنده

اللَّهُمَّ... لَا شَفِیعَ لِی إِلَیْکَ فَلْیَشْفَعْ لِی فَضْلُکَ

خداوندا شفیعی برای من به سوی تو نیست، پس باید فضلت مرا شفاعت کند.۲۵/۳۱

احتمال شفاعت آسمان و زمین و ساکنان

آنها، درباره بنده

فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِکَ یَرْحَمُنِی... فَیَنَالُنِی مِنْهُ بِدَعْوَهٍ... أَوْ شَفَاعَهٍ أَوْکَدُ عِنْدَکَ مِنْ شَفَاعَتِی...

شایـد برخی از آنهـا بـه رحمتـتْ، بـه من رحم کنـد؛ پس دعـایی از او به من رسـد یـا شـفاعتی کنـد که از شـفاعت من نزد تو کارسازتر است.۲۷/۳۱

شفاعتی رهایی بخش از خشم خدا

فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِکَ یَرْحَمُنِی لِسُوءِ مَوْقِفِی، أَوْ تُدْرِکُهُ الرِّقَّهُ عَلَیَّ لِسُوءِ حَالِی فَیَنَالَنِی مِنْهُ بِدَعْوَهٍ... أَوْ شَفَاعَهٍ أَوْکَدُ عِنْدَکَ مِنْ شَفَاعَتِی تَکُونُ بِهَا نَجَاتِی مِنْ غَضَبِکَ...

شایـد برخی از آنها به رحمتتْ بر بـدی جایگاهم، به من رحم کند یا بخاطر بدی حالم، بر من دلسوزی نماید؛ پس دعایی از او به من رسد یا شفاعتی کند که از شفاعت من نزد تو کارسازتر است، که رهایی من از خشمت به وسیله آن حاصل شود.۲۷/۳۱

درودی شفاعت کننده بندگان

وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاهً تَشْفَعُ لَنَا یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ یَوْمَ الْفَاقَهِ إِلَیْکَ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که روز رستاخیز و روز نیازمندی به تو، ما را شفاعت کند.۳۰/۳۱

(درآمدن بنده، به درگاه انتقام الهی) و

ص : ۷۹۴

نبودن شفیعی برای او

لَا شَفِیعٌ یَشْفَعُ لِی إِلَیْکَ

نه شفاعت کننده ای است که برایم نزد تو شفاعت کند.۱۴/۳۲

برترین پیامبر، از جهت شفاعت

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِیَّنَا... یَوْمَ الْقِیَامَهِ أَقْرَبَ النَّبِیِّینَ مِنْکَ مَجْلِسًا، وَ أَمْکَنَهُمْ مِنْکَ شَفَاعَهً

خداوندا پیامبر ما را روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود و بلندمرتبه ترین شفاعت کنندگان ایشان قرار ده.

۱۸/۴۲

شفاعت نمودن محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و شفاعت او را بپذیر.۱۹/۴۲

تکبر نورزیدن به شفاعت شفاعت کنندگان

سَأَلْتُکَ مَسْأَلَهَ الْحَقِیرِ الذَّلِیلِ الْبَائِسِ... لَا مُسْتَطِیلًا بِشَفَاعَهِ الشَّافِعِینَ

از تو درخواست می نمایم، درخواستِ خُرد، خوار، بدحال. نه از روی گردنکشی نمودن به شفاعتِ شفاعت کنندگان.۷۴/۴۷

امید نداشتن به شفاعت آفریده ای، جز

محمّد صلی الله علیه و آله و اهل بیتش علیهم السلام

فَإِنِّی لَمْ آتِکَ ثِقَهً مِنِّی بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَ لَا شَفَاعَهِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ إِلَّا شَفَاعَهَ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ سَلَامُکَ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم و شفاعتِ آفریده ای که به او امید بسته باشم به درگاه تو نیامده ام، جز شفاعت محمّد و خانواده او - که درود تو بر او و بر ایشان باد - .۶/۴۸

شفقّت رحمت

شک

عدم تردید در امر خداوند

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی مَا... جَنَّبَنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَ الشَّکِّ فِی أَمْرِهِ

و سپاس خدای را که ما را از کج روی و شک در امر خود، دور ساخت.۱۰/۱

برنگشتن تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله از عقیده اشان، بر اثر شکّ

لَمْ یَثْنِهِمْ رَیْبٌ فِی بَصِیرَتِهِمْ

آنان که عقیده اشان را شکّی برنگرداند.۱۱/۴

شک ننمودن، در قصد صواب

ص : ۷۹۵

وَ مَتِّعْنِی بِهُدًی صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ... وَ نِیَّهِ رُشْدٍ لَا أَشُکّ فِیهَا

و مرا به هدایتی شایسته که با هیچ چیز عوض نکنم و به نیّت درستی که در آن تردید نکنم، بهرمند ساز.۵/۲۰

نوری روشنی بخش از شکّ و دو دلی

وَ هَبْ لِی نُورًا... أَسْتَضِیءُ بِهِ مِنَ الشَّکِّ وَ الشُّبُهَاتِ

و مرا نوری بخش که به وسیله آن از شک و شبهه ها روشنی یابم.۸/۲۲

دور کردن نگرانی شک، از بندگان

فَأَزِحْ عَنَّا رَیْبَ الِارْتِیَابِ

پس آشفتگیِ تردید را از ما دور گردان.

۲/۳۳

رو نیاوردن شک به بندگان، در تصدیق قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ یَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِکَ حَتَّی لَا یُعَارِضَنَا الشَّکُّ فِی تَصْدِیقِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا شکّی جلودار تصدیق ما نشود.۶/۴۲

دوری از شکّ و تردید در دین خدا

وَ جَنِّبْنَا... الشَّکَّ فِی دِینِکَ

و ما را از شکّ در دینت دور گردان.۱۳/۴۴

توبه ای خالی از شک

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ... تَوْبَهً نَصُوحًا خَلَصَتْ مِنَ الشَّکِّ وَ الِارْتِیَابِ

خداوندا ما به درگاه تو توبه می کنیم. توبه خالصی که از تردید و دودلی پاک باشد.۵۲/۴۵

زایل نمودن هرگونه شک، از بنده

وَ أَزِلْ عَنِّی کُلَّ شَکٍّ وَ شُبْهَهٍ

و هر شکّ و شبهه ای را از من دور ساز.

۱۲۹/۴۷

شکار

دام شکار ستمگر

وَ کَمْ مِنْ بَاغٍ... نَصَبَ لِی شَرَکَ مَصَایِدِهِ

و چه بسیار ستمگری که دام های خود را برایم گسترد.۷/۴۹

ستمگر، در کمین فرصتی برای شکار

وَ کَمْ مِنْ بَاغٍ... أَضْبَأَ إِلَیَّ إِضْبَاءَ السَّبُعِ لِطَرِیدَتِهِ انْتِظَارًا لِانْتِهَازِ الْفُرْصَهِ لِفَرِیسَتِهِ

و چه بسیار ستمگری که همانند در کمین نشستن درنده ای برای شکارش، با چشم به راهی برای غنیمت دانستن وقت مناسبی برای شکار، در

ص : ۷۹۶

کمین من نشست.۷/۴۹

شکافتن

شکافتن تاریکی، با درآمدن در بامداد

اللَّهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ

خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی.۸/۶

نشکافتن پرده میان بنده و شیطان

وَ اجْعَلْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ... رَدْمًا مُصْمِتًا لَا يَفْتُقُهُ

و میان ما و او سد استواری قرار ده که نتواند آن را بشکافد.۳/۱۷

شکایت

شکوه بنده و حسن نظر خداوند

وَ أَنِلْنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيما شَكَوْتُ

و در آنچه شکوه دارم به من احسان داشته باش.۸/۷

پنهان نبودن اخبار شکوه کنندگان، بر خدا

يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُتَظَلِّمِينَ

ای کسی که خبرهای شکوه کنندگان بر او پنهان نیست.۱/۱۴

شکایت نکردن به کسی، جز خدا

اللَّهُمَّ لَا أَشْكُو إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ

خداوندا به کسی جز تو شکوه نمی کنم.

۱۱/۱۴

همراه ساختن شکایت بنده، با تغییر

وَ اقْرِنْ شِکَایَتِی بِالتَّغْیِیرِ

و دادخواهیم را با دگرگونی پیوند ده.

۱۱/۱۴

شکوه متوکّل به خدا، از فقر

هَلْ أَنْتَ، یَا إِلَهِی... مُغْنٍ مَنْ شَکَا إِلَیْکَ، فَقْرَهُ تَوَکُّلًا؟

ای خدای من آیا تو هر کس را که از تهی دستی اش با توکّل، به سوی تو شکایت کرد، بی نیاز می سازی؟۱۵/۱۶

شکایت از بدْهمسایگیِ شیطان

فَأَنَا أَشْکُو سُوءَ مُجَاوَرَتِهِ لِی، وَ طَاعَةَ نَفْسِی لَهُ

پس از بدهمسایگی او با من و اطاعت نفسم از او به تو شکایت می کنم.۲۷/۳۲

شکایت از ضعف نفس و بسیاری اندوه

أَشْکُو إِلَیْکَ یَا إِلَهِی ضَعْفَ نَفْسِی... وَ کَثْرَةَ هُمُومِی، وَ وَسْوَسَةَ نَفْسِی

ای خدای من، از ناتوانی نفْسم و از بسیاری اندوه هایم و از وسوسه های دلم، به تو شکایت

می کنم.۱۰/۵۱

خدا، شنوای (شکایت) شاکی

تَسْمَعُ مَنْ شَكَا إِلَيْكَ

کسی را که به درگاه تو شکایت کند، می شنوی.

۱۲/۵۱

شُکر سپاس

شکست

شکست تسلّط غم بر بنده، به قدرت خدا

وَ اكْسِرْ عَنِّی سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ

و به توانایی ات سلطه غم و اندوه را بر من بشکن.۸/۷

شکستن برندگی و تیزی ستمگر

وَ افْلُلْ حَدَّهُ عَنِّی بِقُدْرَتِكَ

و با توانایی خود برّندگی اش را از من بردار.

۶/۱۴

ثُمَّ فَلَلْتَ لِی حَدَّهُ

سپس تیزی (تیغ) او را برای من شکستی.

۶/۴۹

شکستن چاره جویی های شیطان

اللَّهُمَّ... الْطُفْ لَنَا فِی نَقْضِ حِيَلِهِ...

خداوندا راه باطل نمودن نیرنگ های او را به

ما لطف فرما.۸/۱۷

شکست دادن لشکر شیطان

اللَّهُمَّ وَ اهْزِمْ جُنْدَهُ

خداوندا و لشکرش را شکست ده.۱۳/۱۷

اصلاح کردن (گیاه) شکسته (ی پژمرده)

اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا... تَجْبُرُ بِهِ الْمَهِيضَ

خداوندا ما را از بارانی که به وسیله آن گیاه پژمرده را اصلاح کنی، سیراب گردان.۴/۱۹

ایمن ساختن مغلوب، تنها توسّط غالب

لَا يُوءْمِنُ إِلَّا غَالِبٌ عَلَى مَغْلُوبٍ

شکست خورده را جز پیروز، امان نمی بخشد.

۳/۲۱

در هم شکستن بزرگیِ قصد بد دارنده، درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تَكْسِرَ جَبَرُوتَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا بزرگی اش را بشکنی.۸و۷/۲۳

مغلوب نمودن شیطان، از تسلّط بر بندگان

اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِكَ...

خداوندا با سلطه خود، او را از تسلّط بر ما

ص : ۷۹۸

مغلوب نما.۸/۲۵

درهم شکستن دشمنان مرزداران اسلام

اللَّهُمَّ افْلُلْ بِذَلِکَ عَدُوَّهُمْ، وَ اقْلِمْ عَنْهُمْ أَظْفَارَهُمْ...

خداوندا بدین وسیله، دشمنانشان را درهم شکن و چنگالشان را از آنان جدا کن.۵/۲۷

شکست دادن دشمن، به کمک فرشتگان

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِکَهٍ مِنْ عِنْدِکَ مُرْدِفِینَ حَتَّی یَکْشِفُوهُمْ إِلَی مُنْقَطَعِ التُّرَابِ...

و آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آیند، یاری فرما. تا آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند.

۸/۲۷

مغلوب بودن همه بر حال و کار خود، جز خدا

وَ مَنْ سِوَاکَ... مَغْلُوبٌ عَلَی أَمْرِهِ، مَقْهُورٌ عَلَی شَأْنِهِ

و غیر تو، در کار خود مغلوب، در امورش زیردست می باشد.۱۱/۲۸

پناه بردن به خدا، از توبه شکستن

اللَّهُمَّ أَیُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَیْکَ وَ هُوَ فِی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ، وَ عَائِدٌ فِی ذَنْبِهِ وَ خَطِیئَتِهِ، فَإِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَکُونَ کَذَلِکَ

خداوندا، هر بنده ای که به درگاهت توبه نمود

ولی در علم پنهانت، توبه شکن و بازگشت کننده به گناه و خطایش باشد، پس همانا من به تو پناه می برم که اینچنین باشم.۲۰/۳۱

مغلوب نگشتن امر و فرمان خدا

لَا یُغَالَبُ أَمْرُکَ

فرمان تو مغلوب نمی شود.۹/۴۸

شکست برگزیدگان خدا

...حَتَّی عَادَ صِفْوَتُکَ وَ خُلَفَاوءُکَ مَغْلُوبِینَ مَقْهُورِینَ

...تا اینکه برگزیدگان و جانشینان تو، مغلوب و شکست خورده شدند.۹/۴۸

شکست نخوردنِ پناه برنده به سایه رحمت الهی

فَنَادَیْتُکَ یَا إِلَهِی... عَالِمًا أَنَّهُ لَا یُضْطَهَدُ مَنْ أَوَی إِلَی ظِلِّ کَنَفِکَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که می دانستم هر که به سایه رحمت تو پناه بَرَد، شکست نمی خورد.۱۰/۴۹

خدا، توانایی مغلوب نشدنی

فَلَکَ الْحَمْدُ إِلَهِی مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ

پس خدای من، سپاس برای توست. توانایی که شکست نمی خورد.۱۴/۴۹

شکست بنده، در صورت عدم یاری خدا

ص : ۷۹۹

فَلَوْ لَا نَصْرُکَ إِیَّایَ لَکُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِینَ

پس اگر یاری کردن تو نبود، هر آینه از شکست خوردگان بودم.۷/۵۱

شکفتن

زنده نمودن شهرها، با شکفتن شکوفه

وَ أَحْیِ بِلَادَکَ بِبُلُوغِ الزَّهَرَهِ

و با شکفتن شکوفه، سرزمین هایت را زنده گردان. ۲/۱۹

شکم

جا دادن (غذاهای) حلال، در شکم

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ... حَتَّی لَا تَعِیَ بُطُونُنَا إِلَّا مَا أَحْلَلْتَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا شکم هایمان جز آنچه تو حلال نموده ای در خود جای ندهد.۷و۶/۴۴

شکوفه

زنده نمودن شهرها، با شکفتن شکوفه

وَ أَحْیِ بِلَادَکَ بِبُلُوغِ الزَّهَرَهِ

و با شکفتن شکوفه، سرزمین هایت را زنده گردان. ۲/۱۹

شِکوه شکایت

شکیبایی بردباری

صبر و شکیبایی بهشتیان

...وَ الَّذِینَ یَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَیْکُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ

...و آنان که (به بهشتیان) می گویند: درود بر شما، به پاس بردباری ای که نمودید، پس چه نیکوست فرجام این سرای.۲۰/۳

پناه بردن به خدا، از سستی صبر

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... ضَعْفِ الصَّبْرِ

خداوندا به تو پناه می برم از سستی شکیبایی.

۱/۸

یاری شدن با شکیبایی دائم

أَیِّدْنِی مِنْکَ بِنِیَّهٍ صَادِقَهٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.

۱۴/۱۴

عدم شکیبایی بر بلا و گرفتاری

اللَّهُمَّ... لَا صَبْرَ لِی عَلَی الْبَلَاءِ

خداوندا بر بلا شکیبایی ندارم.۲/۲۲

یاری مرزداران اسلام، با شکیبایی

وَ أَعِنْهُمْ بِالصَّبْرِ

و با شکیبایی یاریشان ده.۲/۲۷

ص : ۸۰۰

شکیبایی نیکو، بر همنشینی با فقرا

وَ أَعِنِّی عَلَی صُحْبَتِهِمْ بِحُسْنِ الصَّبْرِ

و مرا بر همنشینی ایشان (نیازمندان)، با شکیبایی نیکوْ یاری ده.۴/۳۰

شکیبایی بر عذاب خداوند

وَ لَوْ أَنَّ عَذَابِی مِمَّا یَزِیدُ فِی مُلْکِکَ لَسَأَلْتُکَ الصَّبْرَ عَلَیْهِ

و اگر عذاب من چیزی بود که در پادشاهی ات می افزود، هر آینه شکیبایی بر آن را از تو می خواستم.۶/۵۰

شگفتی

شگفتی های بی پایان عظمت خدا

یَا مَنْ لَا تَنْقَضِی عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ

ای کسی که شگفتی های بزرگی او پایانی ندارد.

۱/۵

شگفت از گواهی بنده، علیه خود

سُبْحَانَکَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَی نَفْسِی

پاک و منزّهی تو، شگفتا از این گواهی که بر خود می دهم.۲۵/۱۶

شگفت از بردباری خدا، درباره بنده

وَ أَعْجَبُ مِنْ ذَلِکَ أَنَاتُکَ عَنِّی، وَ إِبْطَاؤُکَ عَنْ مُعَاجَلَتِی

و شگفت تر از آن بردباری تو با من و درنگ تو از زود به کیفر رساندن من است.۲۶/۱۶

الهام علم شگفتی های قرآن، به محمّد صلی الله علیه و آله

وَ أَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُکَمَّلًا

و علم به شگفتی هایش را به صورت کامل، به او الهام کردی.۵/۴۲

رساندن فهم شگفتی های قرآن، به قلوب

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّیَالِی مُونِسًا... حَتَّی تُوصِلَ إِلَی قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن را به دل های ما برسانی.

۱۰/۴۲

شگفت از تدبیر الهی، در امر (آفرینش)ماه

سُبْحَانَهُ مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِی أَمْرِکَ!

پاک و منزّه است او. چه شگفت انگیز است، آنچه در امر تو تدبیر نمود!**۳/۴۳**

شماتت

پناه بردن به خدا، از شماتت دشمنان

وَ نَعُوذُ بِکَ مِنْ شَمَاتَهِ الْأَعْدَاءِ

و پناه می بریم به تو از شماتت دشمنان.

۸/۸

ص : ۸۰۱

وَ أَعِذْنِی مِنْ شَمَاتَهِ الْأَعْدَاءِ

و مرا از شماتت دشمنان پناه ده.۱۱۹/۴۷

علّت شماتت شیطان، بر بندگان

اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ شَمِتَ بِنَا إِذْ شَايَعْنَاهُ عَلَى مَعْصِيَتِکَ

خداوندا چون بر نافرمانی از تو، شیطان را همراهی نمودیم، او ما را شماتت کرد.۶/۱۰

رسیدن اندوه به بنده و شماتت شیطان بر او

وَ لَا تُشْمِتْهُ بِنَا بَعْدَ تَرْكِنَا إِيَّاهُ لَکَ

و پس از آنکه به خاطر تو از او (شیطان) دوری کردیم، اندوهی به ما نرسان که او ما را شماتت کند.۶/۱۰

در مقابل چشمان شماتت کنندگان قرار نگرفتن

لَا تَنْصِبْنَا فِيهِ لِأَعْيُنِ الشَّامِتِينَ

ما را در آن (ماه)، پیش چشمان شماتت کنندگان قرار نده.۴۷/۴۵

شماتت نشدن بنده، از جانب دشمنش

وَ لَا تُشْمِتْ بِی عَدُوِّی

و دشمنم مرا شماتت نکند.۱۴/۴۸

شمار

نتیجه به شمار نیاوردن چیزی از فضل خدا، جز توبه

...فَلَوْ لَمْ نَعْتَدِدْ مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا لَقَدْ حَسُنَ بَلَاوءُهُ عِنْدَنَا، وَ جَلَّ إِحْسَانُهُ إِلَيْنَا، وَ جَسُمَ فَضْلُهُ عَلَيْنَا

پس اگر از فضل او، جز همان توبه را به شمار نیاوریم، مسلّماً نعمتش بر ما نیکو و احسانش بر ما بزرگ و فضلش بر ما تمام است.۲۲/۱

سپاسی به شماره احاطه علم خداوند

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ

پس سپاس او را، به شماره آنچه علمش – از همه چیزها – به آن احاطه دارد.۲۷/۱

سپاسی به شماره چندین برابر نعمت ها

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... مَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا عَدَدُهَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً...

پس سپاس او را، به جای هر یک از آنها به شماره چندین برابر.۲۷/۱

سپاسی غیر قابل شمارش

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... لَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که عددش بی حساب

ص : ۸۰۲

می باشد.۲۸و ۲۷/۱

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَعْجِزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفَظَةُ، وَ يَزِيدُ عَلَى مَا أَحْصَتْهُ فِى كِتَابِكَ الْكَتَبَةُ

سپاس برای توست. سپاسی که نگهبانانِ (اعمال) از شمردنش عاجز باشند، و بر آنچه نویسندگان (اعمال) در کتاب تو به شمار آورده اند، افزونی یابد.۴۰و۳۶/۴۷

پایان شمارش اعمال

وَ اجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِى عَلَيْنَا كَتَبَةُ أَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَقْبُولَةً...

و پایان آنچه نویسندگان کارهایمان برای ما می شمارند، توبه پذیرفته شده قرار ده.۳/۱۱

شمارش کارهای پنهانی خود

سُبْحَانَكَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَى نَفْسِى، وَ أُعَدِّدُهُ مِنْ مَكْتُومِ أَمْرِى

پاک و منزّهی تو، شگفتا از این گواهی که بر خود می دهم. و کار پنهانی خویش را می شمارم.

۲۵/۱۶

شمارش زشتی ها، و کمی هوشیاری نسبت به تهدید الهی

بَلْ أَنَا يَا إِلَهِى... أَقَلُّ لِوَعِيدِكَ انْتِبَاهًا وَ ارْتِقَابًا مِنْ أَنْ أُحْصِيَ لَكَ عُيُوبِى، أَوْ أَقْدِرَ عَلَى ذِكْرِ ذُنُوبِى

بلکه من – ای خدای من – نسبت به تهدیدهایت کم هوشیارتر و نامراقب تر از آنم که

زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.۲۷/۱۶

برکناری از بودن در شمار دوستان شیطان

وَ اعْزِلْنَا عَنْ عِدَادِ أَوْلِيَائِهِ

و ما را از شمار دوستانش برکنار فرما.

۱۴/۱۷

برشمردن نعمت های الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِی مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ... إِحْصَاءً لِمِنَنِکَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت، شمردن بخشش هایت را قرار ده.۱۳/۲۰

خدا و شمارش تکالیف، بر بنده

هُوَ، یَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَیْتَهُ عَلَیَّ وَ أَغْفَلْتُهُ أَنَا مِنْ نَفْسِی

آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم.۷/۲۲

افزودن شماره (تبار)، به وسیله فرزندان

وَ کَثِّرْ بِهِمْ عَدَدِی

و تعداد مرا به وسیله آنها بیفزا.۴/۲۵

افزون ساختن عدّه مرزداران اسلام

ص : ۸۰۳

وَ کَثِّرْ عِدَّتَهُمْ

و بر تعدادشان بیفزا.۲/۲۷

کاستن تعداد دشمنان مرزداران اسلام

وَ انْقُصْ مِنْهُمُ الْعَدَدَ

و از تعدادشان بکاه.۵/۲۷

درودی با شمارشی قطع نشدنی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... صَلَاةً... لَا یَنْقَطِعُ عَدَدُهَا

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمّد درود فرست. درودی که شماره اش قطع نگردد.۱۸/۲۷

خدا و یکتایی عدد و شماره

لَکَ یَا إِلَهِی وَحْدَانِیَّةُ الْعَدَدِ

خداوندا یگانگیِ شمار از آنِ توست.

۱۰/۲۸

شمردن آنچه بنده با آن به خود ستم کرده

...حَتَّی إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَی... أَحْصَی مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ

...امّا همین که چشم هدایت برای او گشوده شد، آنچه با آن به خود ستم کرده، شمرد.

۷/۳۱

شمردن گناهانی که خدا حسابشان را بهتر

می داند

وَ عَدَّدَ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَحْصَی لَهَا خُشُوعًا

و با خشوع، - از گناهانش - آنچه تو شماره آن را بهتر می دانی شمرده.۹/۳۱

طاعت بنده، کمتر از به شمار آمدن

قَلَّ عِنْدِی مَا أَعْتَدُّ بِهِ مِنْ طَاعَتِکَ

طاعتی که به شمار آورم، نزد من کم است.

۱۰/۳۲

درودی به تعداد بی شمار

وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... صَلَاةً... لَا یُحْصَی عَدَدُهَا

و بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که تعدادش به شمار درنیاید.۳۴/۳۲

درودی به شماره همه درودهای خداوند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... عَدَدَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی مَنْ صَلَّیْتَ عَلَیْهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست. به عدد درودی که بر دیگران درود فرستاده ای.

۱۹/۴۴

توانایی شمارش درود بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... عَدَدَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی مَنْ صَلَّیْتَ عَلَیْهِ، وَ أَضْعَافَ ذَلِکَ کُلِّهِ بِالْأَضْعَافِ الَّتِی لَا

يُحْصِيهَا غَيْرُكَ

خداونـدا بر محمّد و خاندانش درود فرست. به عدد درودی که بر دیگران درود فرسـتاده ای، و چندین برابر همه آن به چندین برابر که جز تو شمار آنها را نداند.۱۹/۴۴

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، صَلَاةً... تَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفَ لَا يَعُدُّهَا غَيْرُكَ

پروردگـار من، بر او و خانـدانش درود فرست، درودی که آن را با گـذر روزگار بیفزایی، افزودنی در چنـدین برابر که جز تو (کسی) نتواند آن را شمارش کند.۵۵/۴۷

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ... وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ... صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ

خداونـدا، از تـو درخـواست می کنم که بر محمّـد و بر خانـدان محمّـد درود فرسـتی. درودی که جز تـو کسـی بر شـمردن آن توانایی نداشته باشد.

۳/۴۸

جدایی از رمضان، هنگام تمام شدن عدد (روزهای)ش

ثُمَّ قَدْ فَارَقَنَا عِنْدَ... وَفَاءِ عَدَدِهِ

سپس هنگام پایان یافتن عدد (روزهای)ش، از ما جدا شد.۲۲/۴۵

به شمارش نیامدن نعمت خدا

وَ نِعْمَتُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى بِأَسْرِهَا

و نعمت تو بیشتر از آنست که تمامش به شماره آید.۲۳/۴۶

خدا، بعد از هر شماره و عدد

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. آخرین بعد از هر شمار.۹/۴۷

شمارش تعداد هر چیز، توسّط خداوند

أَنْتَ الَّذِي أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا

تویی آنکه هر چیز را یک یک شمرده ای.

۱۷/۴۷

تنهایی بنده و بسیاری شمار دشمنان

فَنَظَرْتَ یَا إِلَهِی إِلَی... وَحْدَتِی فِی کَثِیرِ عَدَدِ مَنْ نَاوَانِی

ای خدای من، پس تو تنهایی ام را در برابر (سپاهیانِ) بی شمار کسی که با من دشمنی کرده، مشاهده کردی.۵/۴۹

رسوایی بنده ، از آنچه در نامه الهی شمرده شده

فَیَا سَوْأَتَا مِمَّا أَحْصَاهُ عَلَیَّ کِتَابُکَ

پس وای بر رسوایی من، از آنچه نامه تو برایم برشمرده است.۲/۵۰

ص : ۸۰۵

شمشیر

در زمره کشته شدگان با شمشیرهای دشمن درآمدن

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... نَصِیرُ بِهِ فِی نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُیُوفِ أَعْدَائِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که با آن در ردیف کشته شدگان به شمشیرهای دشمنانش درآییم.

۳۰و ۲۷/۱

از غلاف کشیدن شمشیر دشمنی

فَکَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَی عَلَیَّ سَیْفَ عَدَاوَتِهِ

پس چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنی اش را بر روی من کشید.۴/۴۹

شنا

به شنا درآمدن ابر خروشان

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِی بِصَوْتِ زَجْرِهِ یُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ، وَ إِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِیفَهُ السَّحَابِ الْتَمَعَتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود و آنگاه که با خروش او، ابر به شنا درآید، شعله های برق

می درخشد.۱۴و۱۱و۱۰/۳

شناخت

نتیجه بازداشتن بندگان از شناخت سپاس الهی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَهَ حَمْدِهِ... لَتَصَرَّفُوا فِی مِنَنِهِ فَلَمْ یَحْمَدُوهُ...

و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند.

۸/۱

خدا، خود را به بندگان شناساند

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی مَا عَرَّفَنَا مِنْ نَفْسِهِ

و سپاس خدای را که خودش را به ما شناساند.

۱۰/۱

شناساندن سنجش آب ها، به فرشتگان

...وَ الَّذِینَ عَرَّفْتَهُمْ مَثَاقِیلَ الْمِیَاهِ، وَ کَیْلَ مَا تَحْوِیهِ لَوَاعِجُ الْأَمْطَارِ وَ عَوَالِجُهَا

...و آنها که وزن آب ها و پیمانه باران های شدید و رگبارهای متراکم را به آنان شناسانده ای.

۱۶/۳

پذیرش دعوت شیطان ، با وجود بینایی

ص : ۸۰۶

بنده در شناخت او

...حِينَ أَقِفُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَ دَعْوَهِ الشَّيْطَانِ فَأَتَّبِعُ دَعْوَتَهُ عَلَى غَيْرِ عَمًى مِنِّى فِى مَعْرِفَهٍ بِهِ...

هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم با آنکه در شناخت او کور نیستم.۲۳/۱۶

شناخت مژده الهی

وَ اكْتُبْ لِى أَمَانًا مِنْ سُخْطِكَ، وَ بَشِّرْنِى بِذَلِكَ... بُشْرَى أَعْرِفُهَا

و ایمنی از خشمت را برایم بنویس و مرا به آن مژده ده. مژده ای که آن را بشناسم.۳۳/۱۶

معرّفی نشانه ای در مژده الهی، به بنده

وَ اكْتُبْ لِى أَمَانًا مِنْ سُخْطِكَ، وَ بَشِّرْنِى بِذَلِكَ فِى الْعَاجِلِ دُونَ الْآجِلِ بُشْرَى أَعْرِفُهَا، وَ عَرِّفْنِى فِيهِ عَلَامَهً أَتَبَيَّنُهَا

و ایمنی از خشمت را برایم بنویس و هم اکنون (دنیا) پیش از آینده (آخرت)، مرا به آن مژده ده. مژده ای که آن را بشناسم و در آن مرا از نشانه ای آگاه کن که آن را آشکارا بیابم.۳۳/۱۶

شناختن باطلِ آراسته شده شیطانی

اللَّهُمَّ وَ مَا سَوَّلَ لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَعَرِّفْنَاهُ، وَ إِذَا عَرَّفْتَنَاهُ

فَقِنَاهُ

خداوندا و آنچه از باطل برای ما آراسته، به ما بشناسان. و چون شناساندی، ما را از آن نگهدار.۷/۱۷

شناخت علوم ربّانی ، جهت دشمنی با شیطان

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِكَ مَنْ... اسْتَظْهَرَ بِكَ عَلَيْهِ فِى مَعْرِفَهِ الْعُلُومِ الرَّبَّانِيَّهِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که در راه شناخت علم های خدایی از تو یاری خواست تا بر ضدّ او اقدام کند، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

شناخت درستی کردار، از طریق دل

وَ ارْزُقْنِى الرَّغْبَهَ فِى الْعَمَلِ لَكَ لِآخِرَتِى حَتَّى أَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِى

و برای آخرتمْ رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا درستی آن را از (اعماق) دلم بشناسم. ۸/۲۲

معرفت دوستان و همسایگان امام علیه السلام ، به حقّ ایشان

وَ تَوَلَّنِی فِی جِیرَانِی وَ مَوَالِیَّ الْعَارِفِینَ بِحَقِّنَا

و مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حقّ ما هستند، یاری فرما.۱/۲۶

ص : ۸۰۷

شناخت برتری و فضیلت امام علیه السلام

وَ زِدْهُمْ بَصِیرَةً فِی حَقِّی، وَ مَعْرِفَةً بِفَضْلِی...

و بر حق بینی و فضیلت شناسی آنان نسبت به من بیفزا.۴/۲۶

شناساندن ناشناخته ها، به مرزداران اسلام

وَ عَرِّفْهُمْ مَا یَجْهَلُونَ

و آنچه را نمی شناسند، به آنان بشناسان.

۳/۲۷

شناخت خدا از امّت های مشرک و بی نام و نشان

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ أَعْدَاءَکَ فِی أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَ الرُّومِ... وَ سَائِرِ أُمَمِ الشِّرْکِ، الَّذِینَ تَخْفَی أَسْمَاؤُهُمْ وَ صِفَاتُهُمْ، وَ قَدْ أَحْصَیْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِکَ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و روم و دیگر امّت های مشرک، که نام ها و نشانه هایشان پنهان است و به دانایی، خود آنها را می شناسی.

۹/۲۷

الهام نمودن معرفت (کارِ) خیر، به بندگان

وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَةَ الِاخْتِیَارِ

و معرفت (کارِ) خیر را به ما الهام فرما.

۲/۳۳

عجز از معرفت اختیارشده خدا، برای

بنده

وَ لَا تَسُمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم.

۳/۳۳

شناخت شرافت و فضیلت قرآن

اللَّهُمَّ فَكَمَا... عَرَّفْتَنَا بِرَحْمَتِكَ شَرَفَهُ وَ فَضْلَهُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ

خداوندا، پس همچنان که به رحمت خود شرافت و فضیلت آن را به ما آموختی، پس بر محمّد که با آن سخن راند، درود فرست.۶/۴۲

الهام شناخت برتری ماه رمضان، به بندگان

وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَهَ فَضْلِهِ وَ إِجْلَالَ حُرْمَتِهِ

و شناختِ فضیلتش، و بزرگ داشتِ احترامش را به ما الهام کن.۶/۴۴

امّت محمّد صلی الله علیه و آله و شناسایی ماه رمضان

أَنْتَ وَلِيُّ مَا آثَرْتَنَا بِهِ مِنْ مَعْرِفَتِهِ

تویی مولایی که ما را به وسیله شناخت آن، برتری دادی.۴۴/۴۵

کثرت شناسایی خدا، به اشیا

سُبْحَانَكَ مِنْ... حَكِيمٍ مَا أَعْرَفَكَ

پاک و منزّهی! ای شناسای چیزها، چه بسیار

است شناسایی تو.۲۳/۴۷

شناخته شدن راهنمایی، از جانب خدا

عُرِفَتِ الْهِدَايَهُ مِنْ عِنْدِكَ

هدایت از جانب تو شناخته شد.۲۵/۴۷

سپاسی که جز خدا، برتری آن را نشناسد

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که احدی جز تو، فضیلت آن را نداند.۴۴و۳۶/۴۷

علم بنده، به تهدید الهی

فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعِيدِكَ

پس با علم به تهدیدت، بر آن نافرمانی ها اقدام کرد.۶۸/۴۷

خدا، شناساننده امور به بنده

ثُمَّ عَرَفْتُ مَا أَصْدَرْتَ إِذْ عَرَّفْتَنِيهِ

سپس چون آگاهم کردی، آنچه را صادر نموده بودی شناختم.۱/۴۹

شنیدن استماع

شنیده شدن بانگ رعدها

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... الَّذِى بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از

فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود.

۱۴و۱۱و۱۰/۳

خدا، شنونده صدای بنده

وَ کُنْ... لِصَوْتِی سَامِعًا

و صدایم را شنوا باش.۲۱/۱۳

شنوندگان سخن خدا

وَ اجْعَلْهُمْ أَبْرَارًا أَتْقِیَاءَ بُصَرَاءَ سَامِعِینَ مُطِیعِینَ لَکَ

و آنان (فرزندانم) را نیکوکارانی پرهیزکار و دانا و شنوا و فرمانبر خود قرار ده.۳/۲۵

شنوا بودن خداوند

إِنَّکَ... سَمِیعٌ عَلِیمٌ...

همانا تو شنوای دانایی.۱۲/۲۵

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، السَّمِیعُ الْبَصِیرُ

تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. شنوای بینا.۷/۴۷

ساکنان آسمان و زمین ، و شنیدن توبه بنده به درگاه خدا

فَمَا کُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّی بِسُوءِ أَثَرِی... لَکِنْ لِتَسْمَعَ سَمَاوءُکَ وَ مَنْ فِیهَا وَ أَرْضُکَ وَ مَنْ عَلَیْهَا مَا... لَجَأْتُ إِلَیْکَ فِیهِ مِنَ التَّوْبَهِ

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست. بلکه برای آن است که آسمانت و هر که در

آن است و زمینت و هر که بر روی آن است، توبه ای که به سبب آن به درگاهت پناه بردم را بشنود.

۲۶/۳۱

شنیدنی تر بودن دعای ساکنان آسمان و زمین در حقّ بنده، از دعای خودش

فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِکَ یَرْحَمُنِی لِسُوءِ مَوْقِفِی، أَوْ تُدْرِکُهُ الرِّقَّهُ عَلَیَّ لِسُوءِ حَالِی فَیَنَالَنِی مِنْهُ بِدَعْوَهٍ هِیَ أَسْمَعُ لَدَیْکَ مِنْ دُعَائِی

شایـد برخی از آنها به رحمتْ بر بـدی جایگاهم، به من رحم کند یا بخاطر بدی حالم، بر من دلسوزی نماید؛ پس دعایی از او به من رسد که از دعای من نزد تو شنیدنی تر است.۲۷/۳۱

شنوندگان سخنان محمّد صلی الله علیه و آله و عترت او

وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِینَ وَ مُطِیعِینَ کَمَا أَمَرْتَ

و همان طور که فرمان داده ای ما را در برابر ایشان گوش به فرمان و مطیع قرار ده.۵/۳۴

شنواندن کردار خود، به شنوندگان

ثُمَّ خَلِّصْ ذَلِکَ کُلَّهُ مِنْ... سُمْعَهِ الْمُسْمِعِینَ

سپس همه آن را از شنواندن به شنوندگان، خالص گردان.۷/۴۴

شنیدن راز و نجوای بنده

وَ اسْمَعْ نَجْوَایَ

و نجوایم را بشنو.۲۵/۴۶

شنوندگان ولیّ خدا (امام علیه السلام)

وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِینَ مُطِیعِینَ

و ما را برای او شنوندگان (و) فرمانبران قرار ده.۶۳/۴۷

خدا، شنونده دعا و درخواست

...بَلْ وَجَدْتُکَ لِدُعَائِی سَامِعًا

...بلکه تو را برای نیایشم، شنونده یافتم.

۵/۵۱

خدا، شنونده شکایت شاکی

تَسْمَعُ مَنْ شَكَا إِلَيْكَ

کسی را که به درگاه تو شکایت کند، می شنوی.

۱۲/۵۱

شور

شور نگرداندن آب ابر

اللَّهُمَّ... لَا تَجْعَلْ مَاءَهُ عَلَيْنَا أُجَاجًا

خداوندا آبش را بر ما شور و تلخ نگردان.

۶/۱۹

شوق

اشتیاق به پیامبران

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ - مِنْ - أَهْلِ

الْأَرْضِ بِالْغَیْبِ عِنْدَ... الِاشْتِیَاقِ إِلَی الْمُرْسَلِینَ بِحَقَائِقِ الْإِیمَانِ... فَاذْکُرْهُمْ مِنْکَ بِمَغْفِرَهٍ وَ رِضْوَانٍ

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگانِ پنهانیِ پیامبران از اهل زمین، هنگامی که مشتاقانه با ایمانی واقعی به پیامبران روی آوردند، پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن.۲و۱/۴

اشتیاق بنده، به گذشت الهی

اللَّهُمَّ... إِلَی تَجَاوُزِکَ اشْتَقْتُ

خداوندا به گذشت تو اشتیاق ورزیده ام.

۱۵/۲۰

شوق و دلباختگی بنده، به خدا

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِشَوْقٍ إِلَیْکَ

و شوق به خودت را به من ارزانی دار.

۱۳/۲۱

سبب انجام نیکی ها، با شوق

وَ ارْزُقْنِی الرَّغْبَهَ فِی الْعَمَلِ لَکَ لِآخِرَتِی... حَتَّی أَعْمَلَ الْحَسَنَاتِ شَوْقًا

و برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا آنکه با اشتیاق به کارهای نیک بپردازم.۸/۲۲

شوق پاداش وعده داده شده

وَ ارْزُقْنِی... شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ

و اشتیاقِ پاداشِ وعده ها(ی بهشتی) را

روزی ام فرما.۹/۲۲

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا... شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ

خداوندا شوقِ پاداشِ وعده داده شده را روزی ما گردان.۵۳/۴۵

سبب اشتیاق نسبت به مرگ

وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا... نَحْرِصُ لَهُ عَلَى وَشْكِ اللَّحاقِ بِكَ حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ... مَأْلَفَنَا الَّذِى نَشْتَاقُ إِلَيْهِ

و از اعمـال شایسـته، عملی برای مـا قرار ده که با آن به زود رسـیدن به تو حرص ورزیم. تا جایی که مرگ برای ما محل الفتی باشد که به سوی آن مشتاقیم.۳/۴۰

اشتیاق به رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْسِ عَلَيْكَ! وَ أَشَدَّ شَوْقَنَا غَدًا إِلَيْكَ!

درود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حریص بودیم! و فردا چه سخت به سوی تو مشتاقیم!.

۴۱/۴۵

اشتیاق دیدار خداوند

شَوِّقْنِى لِقَاءَكَ

مرا به دیدارت مشتاق گردان.۱۲۶/۴۷

وَ اجْعَلْ فِيما عِنْدَكَ رَغْبَتِى شَوْقًا إِلَى لِقَائِكَ

و در آنچه نزد توست، رغبتم را، آرزومندی

دیدارت قرار ده.۴/۵۴

شُوم

درخواست شوم نگرداندن سردی ابر

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنَا سَمُومًا

خداوندا سایه آن (ابر) را بر ما گرم و سوزان قرار نده.۶/۱۹

عدم نحوست ماه نو

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هِلَالَ سَعْدٍ لَا نَحْسَ فِيهِ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه سعادتمندی بدون نحوست، قرار دهد.۵و۴/۴۳

شهادت شهید و نیز گواهی

شهر

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به شهرهای غربت

وَ هَاجَرَ إِلَى بِلَادِ الْغُرْبَةِ

و به شهرهای غربت هجرت نمود.۱۶/۲

دوری اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، از شهرهای خویشانشان

وَ اشْكُرْهُمْ عَلَى هَجْرِهِمْ فِيكَ دِيَارَ قَوْمِهِمْ

و ایشان را به خاطر آنکه در راه تو از شهرهای

خویشانشان هجرت کردند، پاداش عنایت کن.

۸/۴

ارزان نمودن نرخ ها، در همه شهرها

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْيًا... تُرْخِصُ بِهِ الْأَسْعَارَ فِي جَمِيعِ الْأَمْصَارِ

خداوندا ما را با بارانی که با آن قیمت ها را - در همه شهرهای بزرگ - ارزان کنی، سیراب نما.

۵/۱۹

استوار نمودن شهرهای مسلمانان

وَ حَصِّنْ بِهِ دِیَارَهُمْ

و به وسیله آن، شهرهایشان را استوار ساز.

۷/۲۷

دشمنان خدا در اطراف شهرها

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ أَعْدَاءَکَ فِی أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ... وَ سَائِرِ أُمَمِ الشِّرْکِ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و دیگر امّت های مشرک.۹/۲۷

فروبردن شهرهای مشرکان، به زمین

وَ ارْمِ بِلَادَهُمْ بِالْخُسُوفِ

و شهرهایشان را در زمین فروبر.۱۲/۲۷

سنگباران نمودن شهرهای مشرکان

وَ أَلِحَّ عَلَیْهَا بِالْقُذُوفِ

و پیوسته آن (شهرها) را سنگباران فرما.

۱۲/۲۷

زایل ساختن خشکی شهرها

اللَّهُمَّ أَذْهِبْ مَحْلَ بِلَادِنَا بِسُقْیَاکَ

خداوندا خشکسالیِ شهرهای ما را، با آبیاری خویش برطرف ساز.۴/۳۶

اهالی شهرها و نپذیرفتن بنده

یَا مَنْ یَقْبَلُ مَنْ لَا تَقْبَلُهُ الْبِلَادُ

ای کسی که می پذیرد، آن را که (اهل) شهرها او را نمی پذیرند.۲/۴۶

امام علیه السلام ، نشانه (راه حق)، در شهرها

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَیَّدْتَ دِینَکَ... بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ... مَنَارًا فِی بِلَادِکَ

خداوندا، همانا تو دین خود را به امامی تأیید کرده ای، که او را علامتی در شهرهایت به پا داشتی.

۶۰/۴۷

زندگی بخشیدن به شهرهای مرده

وَ هَبْ لَنَا یَا إِلَهِی مِنْ لَدُنْکَ فَرَجًا بِالْقُدْرَهِ الَّتِی... بِهَا تَنْشُرُ مَیْتَ الْبِلَادِ

و ما را – ای خدای من – از جانب خود به توانایی ای که با آن سرزمین های مرده را زندگی می بخشی، گشایش ده.۱۳/۴۸

شهرت آوازه

مشهور بودن خدا، به گذشت

فَإِنَّکَ... مَعْرُوفٌ بِالتَّجَاوُزِ

همانا تو به گذشت مشهوری.۱۵/۱۲

مشهور نساختن بنده، به گناهانش

وَ کَمْ مِنْ ذَنْبٍ غَطَّيْتَهُ عَلَيَّ فَلَمْ تَشْهَرْنِي

و چه بسیار گناهانی که برای من در پرده داشتی و (به آن) مشهورم ننمودی.۲۱/۱۶

ماه رمضان و برتری های مشهورش

فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ... الْفَضَائِلِ الْمَشْهُورَهِ

پس فضیلت آن را بر سایر ماه ها، به فضایل مشهور آشکار ساخت.۴/۴۴

شهرت جویی

رهاندن مجاهد مسلمان، از شهرت طلبی

وَ خَلِّصْهُ مِنَ السُّمْعَهِ

و او را از شهرت طلبی نجات ده.۱۴/۲۷

خالص گرداندن کردارها، از شهرت جویی

ثُمَّ خَلِّصْ ذَلِکَ کُلَّهُ مِنْ... سُمْعَهِ الْمُسْمِعِينَ

سپس همه آن را از شهرت جویی شهرت طلبان، خالص گردان.۷/۴۴

ص : ۸۱۳

شهوت

شهوات، و بازداشته نشدن فرشتگان از تسبیح

وَ الَّذِینَ... لَا تَشْغَلُهُمْ عَنْ تَسْبِیحِکَ الشَّهَوَاتُ...

و همانها که خواهش های نفسانی، آنها را از تسبیح تو باز نمی دارد...۷/۳

آفرینش شب، و نائل آمدن به شهوت

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّیْلَ... لِیَنَالُوا بِهِ لَذَّهً وَ شَهْوَهً

پس شب را برای آنان آفرید تا به سبب آن خوشی و کام دل یابند.۵/۶

پناه بردن به خدا، از افراطِ شهوت

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... إِلْحَاحِ الشَّهْوَهِ

خداوندا به تو پناه می برم از زیاده روی شهوت.

۱/۸

عرضه شهوت به بنده، توسّط شیطان

یَتَعَرَّضُ لَنَا بِالشَّهَوَاتِ

خواهش های نفسانی را برای ما عرضه می دارد.

۷/۲۵

برگرداندن شهوت بنده، از حرام

وَ اکْسِرْ شَهْوَتِی عَنْ کُلِّ مَحْرَمٍ

و خواهش نفس مرا، از هر حرامی بشکن.

۱/۳۹

شهوات، و بی بهره گشتن بنده

وَ شَهَوَاتِی حَرَمَتْنِی

و خواهش های نفسانی ام مرا محروم گردانده.

۷/۵۲

شهید

سبب درآمدن در زمره شهیدان

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... نَصِیرُ بِهِ فِی نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُیُوفِ أَعْدَائِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که با آن در ردیف کشته شدگان به شمشیرهای دشمنانش درآییم.

۳۰و ۲۷/۱

درخواست تقدیر شهادت، برای مجاهد

فَإِنْ... قَضَیْتَ لَهُ بِالشَّهَادَهِ فَبَعْدَ أَنْ یَجْتَاحَ عَدُوَّکَ بِالْقَتْلِ...

پس اگر شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که دشمنت را با کشتن نابود نموده است.

۱۵/۲۷

ویژگی های قرارگیرنده در زمره شهیدان

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَی غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاکْتُبِ اسْمَهُ فِی الْعَابِدِینَ... وَ اجْعَلْهُ فِی نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِینَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را

نگران ساخت، از این رو قصـد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کننـدگان بنویس و او را در صف شهیدان و صالحان قرار ده.۱۷/۲۷

پناه دادن بنده، در جایگاه شهدا

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ... وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِینَ

خداونـدا و اکنون که مرا به بخشـایشت پوشانـدی، پس از رسوایی هـای سـرای بـاقی، نزد جایگـاه های شاهـدان؛ از فرشـتگان ارجمند و شهیدان و صالحان، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

شیر

پُر شیر ساختن پستان چهارپایان، با آب

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْیًا... تُدِرُّ بِهِ الضَّرْعَ

خداوندا ما را با بارانی که پستان حیوان را با آن پر (شیر) سازی، سیراب نما.۵/۱۹

شیرینی

شیرینی زبان ها، در بیان نعمت خدا

وَ اجْعَلْ... انْطِلَاقَ أَلْسِنَتِنَا فِی وَصْفِ مِنَّتِکَ

و خوش سخنی هایمان را در بیان نعمت بزرگ

خود قرار ده.۱۴/۵

چشاندن شیرینی بخشش الهی، به بنده

وَ أَذِقْنِی حَلَاوَهَ الصُّنْعِ فِیما سَأَلْتُ

و شیرینی احسانت را در آنچه درخواست نمودم به من بچشان.۸/۷

کامیابی به شیرینی تندرستی

وَ أَوْجِدْنِی حَلَاوَهَ الْعَافِیَهِ

و مرا از شیرینی تندرستی کامیاب فرما.

چشاندن شیرینی آمرزش، به بنده

وَ أَذِقْنِی حَلَاوَهَ الْمَغْفِرَهِ

و شیرینی آمرزش را به من بچشان.۳۳/۱۶

تلخی ترس از ستمکار و شیرینی ایمنی از او

وَ أَبْدِلْنِی... مِنْ مَرَارَهِ خَوْفِ الظَّالِمِینَ حَلَاوَهَ الْأَمَنَهِ

و درباره من تلخی بیم از ستمگران را به شیرینی امنیّت مبدّل فرما.۷/۲۰

کامیابی از شیرینی مهربانی خداوند

وَ أَوْجِدْنِی... حَلَاوَهَ رَحْمَتِکَ وَ رَوْحِکَ وَ رَیْحَانِکَ، وَ جَنَّهِ نَعِیمِکَ

و مرا از شیرینی رحمتت و آسودگی و آسایش و بهشت پر نعمتت، کامیاب گردان.۱۲۵/۴۷

شیطان

تبهکاری های شیطان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ كَيْدِهِ وَ مَكَايِدِهِ

خداوندا ما از وسوسه های شیطان – رانده شده – و حیله و مکرهای او به تو پناه می بریم.

۱/۱۷

از امورات شیطان، به خدا پناه بردن

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ كَيْدِهِ وَ مَكَايِدِهِ، وَ مِنَ الثِّقَهِ بِأَمَانِيِّهِ وَ مَوَاعِيدِهِ وَ غُرُورِهِ وَ مَصَايِدِهِ

خداوندا ما از وسوسه های شیطان – رانده شده – و حیله و مکرهای او و اطمینان به آرزوهای او و وعده ها و فریب ها و دام هایش به تو پناه می بریم. ۱/۱۷

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ يُطْمِعَ نَفْسَهُ فِي إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِکَ، وَ امْتِهَانِنَا بِمَعْصِيَتِکَ

خداوندا ما از اینکه او (شیطان) در گمراه کردن ما از طاعتت و خوار نمودن ما به نافرمانی ات طمع کند، به تو پناه می بریم.

۲و۱/۱۷

درخواست بنده از خدا، درباره شیطان در ارتباط با خودش

اللَّهُمَّ اخْسَأْهُ عَنَّا بِعِبَادَتِکَ، وَ اكْبِتْهُ بِدُؤُوبِنَا فِي مَحَبَّتِکَ، وَ اجْعَلْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ سِتْرًا لَا يَهْتِكُهُ، وَ رَدْمًا مُصْمِتًا لَا يَفْتُقُهُ

خداوندا او را از ما – به سبب عبادت و بندگی ات – دور کن. و با کوشش مستمر ما – در دوستی ات – او را خوار نما. و میان ما و او پرده ای افکن که نتواند آن را چاک زند. و سد استواری که نتواند آن را بشکافد.۳/۱۷

وَ اشْغَلْهُ عَنَّا بِبَعْضِ أَعْدَائِکَ، وَ اعْصِمْنَا مِنْهُ بِحُسْنِ رِعَايَتِکَ، وَ اكْفِنَا خَتْرَهُ، وَ وَلِّنَا ظَهْرَهُ، وَ اقْطَعْ عَنَّا إِثْرَهُ

و او را به جای ما به برخی دشمنانت سرگرم نما و ما را با نیکیِ نگهداری ات از او نگهدار. و حیله او را از ما دور کن و او را از ما فراری ده. و اثرش را از ما قطع کن.۴/۱۷

اللَّهُمَّ... حَوِّلْ سُلْطَانَهُ عَنَّا، وَ اقْطَعْ رَجَاءَهُ مِنَّا، وَ ادْرَأْهُ عَنِ الْوُلُوعِ بِنَا

خداوندا تسلّط او را از ما بردار و امیدش را از ما قطع کن و او را از حریص بودن به ما باز دار.

درخواست بنده از خدا، درباره خودش در رابطه با شیطان

وَ أَمْتِعْنَا مِنَ الْهُدَى بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ، وَ زَوِّدْنَا مِنَ التَّقْوَى ضِدَّ غَوَايَتِهِ، وَ اسْلُكْ بِنَا مِنَ التُّقَى خِلَافَ سَبِيلِهِ مِنَ الرَّدَى

ص : ۸۱۶

و ما را به انـدازه گمراهی او، از رسـتگاری ات بهره مند گردان. و بر ضدّ گمراهی او، ما را از پرهیزکاری توشه ده. و برخلاف راه هلاکت بارش، ما را به راه پرهیزکاری ببَر.۵/۱۷

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ لَهُ فِی قُلُوبِنَا مَدْخَلًا، وَ لَا تُوطِنَنَّ لَهُ فِیما لَدَیْنَا مَنْزِلًا

خداوندا برای او در دل های ما راه ورودی قرار نده. و او را در آنچه نزد ماست، منزل نده.

۶/۱۷

اللَّهُمَّ... بَصِّرْنَا مَا نُکَایِدُهُ بِهِ، وَ أَلْهِمْنَا مَا نُعِدُّهُ لَهُ، وَ أَیْقِظْنَا عَنْ سِنَهِ الْغَفْلَهِ بِالرُّکُونِ إِلَیْهِ، وَ أَحْسِنْ بِتَوْفِیقِکَ عَوْنَنَا عَلَیْهِ

خداوندا ما را به راه فریب دادنش، آگاه کن. و آنچه برای (دور ساختن) او باید آماده سازیم، به ما الهام فرما. و ما را از خواب غفلت و فراموشی، که به سبب میل و اعتماد به اوست، بیدار گردان. و به توفیق خود ما را بر ضدّ او، نیکو یاری نما.

۷/۱۷

اللَّهُمَّ وَ أَشْرِبْ قُلُوبَنَا إِنْکَارَ عَمَلِهِ، وَ الْطُفْ لَنَا فِی نَقْضِ حِیَلِهِ

خداوندا و دل های ما را از انکار او سیراب ساز و راه باطل نمودن نیرنگ های او را به ما لطف فرما. ۸/۱۷

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِی نَظْمِ أَعْدَائِهِ، وَ اعْزِلْنَا عَنْ عِدَادِ أَوْلِیَائِهِ، لَا نُطِیعُ لَهُ إِذَا اسْتَهْوَانَا، وَ لَا نَسْتَجِیبُ لَهُ إِذَا

دَعَانَا، نَأْمُرُ بِمُنَاوَاتِهِ، مَنْ أَطَاعَ أَمْرَنَا، وَ نَعِظُ عَنْ مُتَابَعَتِهِ مَنِ اتَّبَعَ زَجْرَنَا

خداوندا ما را در گروه دشـمنانش قرار ده و از شمار دوستانش برکنار فرما تا هرگاه ما را به خود مایل ساخت، فرمانش نبریم و هرگـاه که مـا را فراخوانـد، پاسـخش نـدهیم. هر که فرمـان مـا را پیروی کنـد، به دشـمنی او فرمـان دهیم و هر کس نهی مـا را پذیرفت، از پیروی او بازداریم.

۱۴/۱۷

درخواست حفظ مؤمنان، از شرّ شیطان

وَ اجْعَلْ آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا وَ... قَرَابَاتِنَا وَ جِیرَانَنَا مِنَ الْمُوءْمِنِینَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِنْهُ فِی حِرْزٍ حَارِزٍ... وَ أَلْبِسْهُمْ مِنْهُ جُنَنًا وَاقِیَهً، وَ أَعْطِهِمْ عَلَیْهِ أَسْلِحَهً مَاضِیَهً

و پـدران و مـادران و نزدیکـان و همسایگـان ما از مردان و زنان با ایمان را، از (شـرّ) او در جایگاهی محکم قرار ده و بر انـدام آنان زره های بازدارنده از آزار و اذیّت او بپوشان و سلاح های برنده بر ضدّ او به آنان عطا فرما.۱۰/۱۷

آموختن علم های خدایی، علیه شیطان

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ... اسْتَظْهَرَ بِکَ عَلَیْهِ فِی مَعْرِفَهِ الْعُلُومِ الرَّبَّانِیَّهِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که در راه شناخت علم های خدایی از تو یاری خواست تا بر ضدّ او اقدام کند، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

دشمنی نمودن با شیطان، از روی حقیقت

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ... عَادَاهُ لَکَ بِحَقِیقَهِ الْعُبُودِیَّهِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که به سبب حقیقتِ بندگی تو، با او دشمنی کرد، اجابت فرما.۱۱/۱۷

درخواست از خدا، درباره شیطان

اللَّهُمَّ احْلُلْ مَا عَقَدَ، وَ افْتُقْ مَا رَتَقَ، وَ افْسَخْ مَا دَبَّرَ، وَ ثَبِّطْهُ إِذَا عَزَمَ، وَ انْقُضْ مَا أَبْرَمَ

خداوندا آنچه (شیطان) گره زد، باز کن. و آنچه بست، بگشا. و آنچه اندیشید، باطل کن. و هر تصمیمی گرفت، از اقدامش بازدار. و آنچه استوار نمود، درهم شکن.۱۲/۱۷

اللَّهُمَّ وَ اهْزِمْ جُنْدَهُ، وَ أَبْطِلْ کَیْدَهُ، وَ اهْدِمْ کَهْفَهُ، وَ أَرْغِمْ أَنْفَهُ

خداوندا و لشکرش را شکست ده. و فریبش را باطل فرما. و پناهگاهش را ویران ساز. و بینی اش را به خاک بمال.۱۳/۱۷

میراندن بنده، در صورتِ چراگاه شیطان شدن عمرش

فَإِذَا کَانَ عُمْرِی مَرْتَعًا لِلشَّیْطَانِ فَاقْبِضْنِی إِلَیْکَ...

پس چنانچه عمرم چراگاهی برای شیطان شد، مرا به سوی خود بازگردان.۵/۲۰

القائات شیطانی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا یُلْقِی الشَّیْطَانُ فِی رُوعِی مِنَ الَّتمَنِّی وَ التَّظَنِّی وَ الْحَسَدِ ذِکْرًا لِعَظَمَتِکَ...

خداوندا به جای آنچه شیطان از آرزو و خیال بافی و رشک، در دل من می افکند، یاد بزرگی ات را قرار ده.۱۳/۲۰

تبدیل القائات شیطانی، به یاد بزرگی و توانایی خدا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا یُلْقِی الشَّیْطَانُ فِی رُوعِی مِنَ الَّتمَنِّی... ذِکْرًا لِعَظَمَتِکَ، وَ تَفَکُّرًا فِی قُدْرَتِکَ، وَ تَدْبِیرًا عَلَی عَدُوِّکَ

خداوندا به جای آنچه شیطان از آرزو در دل من می افکند، یاد بزرگی ات و اندیشه در قدرتت و تدبیر علیه دشمنت را قرار ده.۱۳/۲۰

پناه بردن به خدا، از شرّ هر شیطان سرکش

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ شَیْطَانٍ مَرِیدٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر شیطانِ سرکش پناه ده.۶/۲۳

پناه دادن بنده و فرزندانش، از شیطان

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ

و من و فرزندانم را از شیطانِ رانده شده پناه ده.۶/۲۵، ۶/۲۳

چیرگی شیطان، بر بنده

هَذَا مَقَامُ مَنْ... اسْتَحْوَذَ عَلَیْهِ الشَّیْطَانُ

ص : ۸۱۸

این مقام کسی است که شیطان بر او چیره گشته. ۶/۳۱

وَ أَسْتَعْصِمُکَ مِنْ مَلَکَتِهِ

و از تو می خواهم مرا از چیرگی او نگاه داری.

۲۷/۳۲

زاری جهت برگرداندن مکر شیطان

وَ أَتَضَرَّعُ إِلَيْکَ فِی صَرْفِ کَيْدِهِ عَنِّی

و به درگاه تو زاری می کنم، تا فریبش را از من بازگردانی.۲۷/۳۲

شیطان و به دست گرفتن مهار بنده

قَدْ مَلَکَ الشَّيْطَانُ عِنَانِی فِی سُوءِ الظَّنِّ وَ ضَعْفِ الْيَقِينِ

شیطانْ افسار مرا در بدگمانی و سست باوری به دست گرفت.۲۷/۳۲

گله بنده، از بدْهمسایگی شیطان

فَأَنَا أَشْکُو سُوءَ مُجَاوَرَتِهِ لِی، وَ طَاعَةَ نَفْسِی لَهُ

پس از بدهمسایگی او با من و اطاعت نفسم از او به تو شکایت می کنم.۲۷/۳۲

فریب خوردن از شیطان و نافرمانی خدا

فَلَوْ لَا أَنَّ الشَّيْطَانَ يَخْتَدِعُهُمْ عَنْ طَاعَتِکَ مَا عَصَاکَ عَاصٍ

پس اگر شیطان آنها را از اطاعتت فریبشان نمی داد، هیچ گناهکاری نافرمانی تو را نمی کرد.

۹/۳۷

عامل حفظ بندگان، از تبهکاری شیطان

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا... مِنْ نَزَغَاتِ الشَّيْطَانِ وَ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا

و قرآن را نگهبان ما از وسوسه های شیطان و از اندیشه های بد قرار ده.۱۰/۴۲

فریب خوردن از شیطان

وَ جَنِّبْنَا... الِانْخِدَاعَ لِعَدُوِّكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

و ما را از فریب خوردن از دشمنت؛ شیطان رانده شده، دور گردان.۱۳/۴۴

شیطان، دشمن خدا

وَ جَنِّبْنَا... الِانْخِدَاعَ لِعَدُوِّكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

و ما را از فریب خوردن از دشمنت؛ شیطان رانده شده، دور گردان.۱۳/۴۴

وَ إِنِ اشْتَمَلَ عَلَيْنَا عَدُوُّكَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ

و اگر دشمن تو شیطان، بر ما چیره شده، پس ما را از او رهایی ده.۱۶/۴۴

رهایی دادن بندگان، از شیطان

وَ إِنِ اشْتَمَلَ عَلَيْنَا عَدُوُّكَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ

و اگر دشمن تو شیطان، بر ما چیره شده، پس ما را از او رهایی ده.۱۶/۴۴

رمضان، یاور بنده بر مغلوب نمودن شیطان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ نَاصِرٍ أَعَانَ عَلَی الشَّیْطَانِ

درود بر تو یاوری که در برابر شیطان یاری کرد. ۲۹/۴۵

شیفتگی

عدم غفلت فرشتگان، از شیفتگی به خدا

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ... لَا یَغْفُلُونَ عَنِ الْوَلَهِ إِلَیْکَ

خداوندا و حاملان عرشت که از شیفتگی به سوی تو غافل نمی شوند...۱/۳

دل بنده، شیفته نعمت های فراوان الهی

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ... قَلْبُهُ مَفْتُونٌ بِکَثْرَهِ النِّعَمِ عَلَیْهِ

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که دلش به سبب زیادی نعمت ها بر او، فریفته شده.۸/۵۲

شیون

شیون بنده، و عدم سزاواری محوِ بدیِ او

یَا إِلَهِی لَوْ... انْتَحَبْتُ حَتَّی یَنْقَطِعَ صَوْتِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر چنان شیون کنم تا صدایم قطع شود، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

شیوه روش

ص : ۸۲۰

ص

صاحب (دارا)

اسرافیل، صاحب صور

إِسْرَافِیلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاخِصُ الَّذِی یَنْتَظِرُ مِنْکَ الْإِذْنَ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه توست.۲/۳

میکائیل، فرشته صاحبْ منزلت نزد خدا

مِیکَائِیلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَکَ، وَ الْمَکَانِ الرَّفِیعِ مِنْ طَاعَتِکَ

میکائیل نزد تو دارای مقام والا است، و از اطاعتت جایگاهی بلند دارد.۳/۳

خدا، صاحب عرش و تخت بزرگ

یَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِیمِ

ای صاحب عرش و تخت بزرگ.۱۰/۷

خدا، دارای فضل و احسان بزرگ

إِنَّکَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ

به درستی که تو صاحب فضل بزرگی.

۶/۳۰، ۱۵/۲۴، ۱۶/۱۴

إِنَّکَ ذُو... فَضْلٍ کَرِیمٍ

به درستی که تو دارای فضل بزرگ هستی.

۲۱/۴۲

خدا، دارای عظمت، بزرگواری و احترام

إِنَّکَ... ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ

همانا تویی دارای بزرگواری و احترام.

۷/۱۵

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ... ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ

خداوندا سپاس برای توست، دارای بزرگواری و کرم.۲/۴۷

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ

معبودی جز تو نیست، دارای بزرگواری و احترام. ۲/۴۸

یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ

ای دارای بزرگواری و کرم.۲۸/۴۸

تَجَاوَزْ عَنِّی یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ

از من درگذر، ای دارای بزرگی و کرم.

۷/۵۰

یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ

ای صاحب عظمت و کرامت.۳/۵۴

خدا، دارای نعمت دیرین

إِنَّکَ ذُو... الْمَنِّ الْقَدِیمِ

به درستی که تو صاحب نعمت دیرینه ای.

۱۵/۲۴

عوض دادن خدا، به صاحبان تبعات

اللَّهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبِعَاتٌ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ، وَ تَبِعَاتٌ قَدْ نَسِيتُهُنَّ... فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا

خداونــدا و مرا (از حقـوق مردم) گرفتـاری هـایی اسـت کـه بـه یـاد دارم و گرفتـاری هـایی اسـت کـه فرامـوش کرده ام. پس صاحبانش را عوض ده.

۱۸/۳۱

خدا، صاحب پادشاهی جاوید

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمُلْكِ الْمُتَأَبِّدِ بِالْخُلُودِ

خداوندا ای صاحب پادشاهی پاینده جاوید.

۱/۳۲

گمان برتری بردن، به صاحب ثروت

وَ اعْصِمْنِی مِنْ أَنْ... أَظُنَّ بِصَاحِبِ ثَرْوَةٍ فَضْلًا

و مرا از اینکه به ثروتمندی گمانِ فضل برم، حفظ فرما.۴/۳۵

خدا، دارای فضل و نعمت

إِنَّکَ... الْمُحْسِنُ الْمُجْمِلُ ذُو الطَّوْلِ

همانا تو نیکوکارِ عطاکننده هستی. دارای فضیلتی.۷/۳۶

ادا نکردن حقِّ صاحب حقّ مؤمن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَيْکَ... مِنْ حَقِّ ذِی حَقٍّ لَزِمَنِی

لِمُؤْمِنٍ فَلَمْ أُوَفِّرْهُ

خداونـدا مـن بـه درگـاه تـو عـذر می آورم از حقِّ حقـدار مؤمنی کـه بر مـن لازم گردانـده بـودی، پس آن را بـه تمـامی ادا نکردم.۱/۳۸

خدا، صاحب رحمت گشاده

إِنَّکَ ذُو رَحْمَهٍ وَاسِعَهٍ

به درستی که تو دارای رحمت گسترده هستی.

۲۱/۴۲

خدا، صاحب زیبایی، کبریا و حمد

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ وَ الْمَـجْدِ، وَ الْکِبْرِیَاءِ وَ الْحَمْدِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. دارای زیبایی و ارجمندی و بزرگواری و ستایشی.

۱۱/۴۷

دارای قوّت و توان نبودن بنده

أَسْأَلُکَ أَنْ تَعْفُوَ عَنِّی، وَ تَغْفِرَ لِی فَلَسْتُ بَرِیئًا فَأَعْتَذِرَ، وَ لَا بِذِی قُوَّهٍ فَأَنْتَصِرَ

از تو می خواهم که مرا ببخشایی و بیامرزی ام. زیرا من بی گناه نیستم تا عـذری داشته باشم و دارای توانی نمی باشم تا پیروز شوم.۷/۵۱

صاعقه

درخشیدن صاعقه های برق ها

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِی بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ، وَ إِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِيفَهُ السَّحَابِ الْتَمَعَتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود و آنگاه که با خروش او، ابر به حرکت درآید، شعله های برق می درخشد.۱۴و۱۱و۱۰/۳

صالح

سببِ قرار گرفتن در مراتب صالحان

...وَ صَيِّرْنَا بِذَلِكَ فِی دَرَجَاتِ الصَّالِحِينَ...

...و به وسیله آن ما را در مرتبه های نیکوکاران قرار ده. ۱۶/۱۷

در زمره بندگان صالح بودن

وَ اجْعَلْنِی... مِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ

و مرا از بندگان شایسته قرار ده.۱۸/۲۰

وَ اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

و ما را از بندگان صالحت قرار ده.۱۸/۴۴

قصد انجام عمل صالح، و بازداشته شدن توسّط شیطان

إِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ ثَبَّطَنَا عَنْهُ

چنانچه قصد کار شایسته ای کردیم، (شیطان)

ما را از آن بازدارد.۷/۲۵

در زمره صالحان

...وَ اجْعَلْهُ فِی نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ

...و او را در صف شهیدان و صالحان قرار ده.

۱۷/۲۷

صالحان، در جایگاه گواهان (در قیامت)

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ... وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِینَ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و شهیدان و صالحان، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

اعمال صالح و کُند شمردن بازگشت به خدا

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِیرَ إِلَیْکَ

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کُند شماریم.۳/۴۰

آباد ساختن مجالس صالحان

وَ اعْمُرْ بِی مَجَالِسَ الصَّالِحِینَ

و مجالس شایستگان را به وسیله من آباد ساز.

۴/۴۱

ص : ۸۲۳

درود خدا، بر بندگان صالحش

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر بندگان شایسته ات درود فرستادی.۵۶/۴۵

پیش نفرستادن کردارهای شایسته

وَ إِنِّي وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو را، پیش فرستاده ام.۷۲/۴۷

یاری بنده، بر نیّت صالح

وَ أَعِنِّي عَلَى صَالِحِ النِّيَّةِ

و بر (داشتن) نیّت صالح یاری ام فرما.

۱۱۳/۴۷

همانند صالحان

وَ كُنْ لِي كَمَا تَكُونُ لِلصَّالِحِينَ

و با من چنان باش که با شایستگان هستی.

۱۲۷/۴۷

شریک شدن در دعای صالح مؤمنان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُشْرِكَنَا فِي صَالِحِ مَنْ دَعَاكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که ما را در

درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می خواند، شریک گردانی.

۳/۴۸

عمل صالحِ پیش فرستاده شده

فَإِنِّی لَمْ آتِکَ ثِقَهً مِنِّی بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم، به درگاه تو نیامده ام.۶/۴۸

صبح

شکافتن تاریکی، با درآمدن در بامداد

اللَّهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ

خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی.۸/۶

به صبح درآمدن بندگان و همه چیز، در ملک خدا

أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْیَاءُ کُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَکَ

صبح کردیم و صبح کردند همه چیز و همه از آنِ تو هستیم.۹/۶

به صبح درآمدن بندگان، در پنجه قدرت الهی

أَصْبَحْنَا فِی قَبْضَتِکَ

ما در تحت قدرت تو صبح کردیم.۱۰/۶

حال بنده، هنگام ورود در صبح و شام

إِلَهِی أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَیْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَکَ

خدای من، صبح و شام را به سر کردم ، در حالی که بنده خوار توام.۷/۲۱

اللَّهُمَّ إِنِّی أُصْبِحُ وَ أُمْسِی مُسْتَقِلًّا لِعَمَلِی

خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به شام می آورم، در حالی که عملم را اندک می بینم.

۷/۵۲

راه یابی به روشنی بامداد قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... یَهْتَدِی بِضَوْءِ صَبَاحِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که با نور صبحگاهش راه می یابند.۷/۴۲

درودهای واردشونده در صبح و شام، بر دوستان ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی أَوْلِیَائِهِمْ... الصَّلَوَاتِ... النَّامِیَاتِ الْغَادِیَاتِ الرَّائِحَاتِ

خداوندا و بر دوستان آنها درودهای فزاینده (در) هر صبح و شام، بفرست.۶۴/۴۷

به صبح درآمدن و امید به خداوند

اللَّهُمَّ مَنْ أَصْبَحَ لَهُ ثِقَةٌ أَوْ رَجَاءٌ غَیْرُکَ، فَقَدْ أَصْبَحْتُ وَ أَنْتَ ثِقَتِی وَ رَجَائِی فِی الْأُمُورِ کُلِّهَا

خداوندا، هر کس صبح کرد، در حالی که اعتماد یا امیدش به جز تو بود. پس من صبح کردم، در حالی که اعتماد و امیدم در همه کارها تویی. ۸/۵۴

صبر بردباری و نیز شکیبایی

صحرا بیابان

صدا

گفتار فرشتگان، در هنگام شنيدن صداى برافروختگى دوزخ

وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَى أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ: سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ

و همانهايى كه چون دوزخ را مى نگرند كه بر گنهكاران صداى شعله اش بلند است، گويند: منزّهى تو، ما آنگونه كه شايسته پرستش تو بود، تو را پرستش نكرديم.۹/۳

صداى زجر و راندن فرشته

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... الَّذِى بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ

...پس درود فرست بر ايشان و بر روحانيّان از فرشتگانت و بر گروه هاى فرشتگان، آنكه با صداى راندنش، بانگ رعدها شنيده مى شود.

۱۴و۱۱و۱۰/۳

خدا، اجابت کننده هر آوازدهنده اش

إِنَّکَ... مُسْتَجِیبٌ لِمَنْ نَادَاکَ

به درستی که تو برای هر که تو را صدا زند، اجابت کننده ای.۵/۱۱

خواندن خدا، با صدایی تغییر یافته و آهسته

تَلَقَّاکَ بِالْإِنَابَهِ... ثُمَّ دَعَاکَ بِصَوْتٍ حَائِلٍ خَفِیٍّ

با توبه به تو روی آورده و با صدای آهسته پنهانی تو را می خواند.۸/۱۲

خدا و شنیدن صدای بنده

وَ کُنْ... مِنْ نِدَائِی قَرِیبًا... وَ لِصَوْتِی سَامِعًا

و به آوازم نزدیک شو و صدایم را شنوا باش.

۲۱/۱۳

علّت گرفتگی صدای تضرّع بنده، به درگاه خدا

کُلُّ ذَلِکَ حَیَاءٌ مِنْکَ لِسُوءِ عَمَلِی، وَ لِذَاکَ خَمَدَ صَوْتِی عَنِ الْجَأْرِ إِلَیْکَ

همه اینها از روی شرمی است که از بدکرداری خود دارم. و از همین جهت است که صدای زاریم به درگاه تو گرفته.۲۰/۱۶

با آواز بلند نالیدن، تا قطع گشتن صدا

یَا إِلَهِی لَوْ... انْتَحَبْتُ حَتَّی یَنْقَطِعَ صَوْتِی... مَا

اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر چنان شیون کنم تا صدایم قطع شود، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

آهستگی صدای فرزند، در برابر والدین

اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِی

خداوندا، صدایم را برای ایشان آهسته ساز.

۶/۲۴

خدا را صدا زدن

وَ لَا یَتَّفِقُ أَحَدٌ مَعَکَ فِی دُعَائِی، وَ لَا یَنْظِمُهُ وَ إِیَّاکَ نِدَائِی

و در دعایم، کسی با تو برابر نیست و ندایم کسی را با تو جمع نمی کند.۹/۲۸

فَنَادَیْتُکَ یَا إِلَهِی مُسْتَغِیثًا بِکَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که از تو یاری خواستم.۱۰/۴۹

شنیدن صدای رعد

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ... الَّتِی لَا تَسْتَطِیعُ صَوْتَ رَعْدِکَ

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب رحم نمایی، که

توانایی صدای غرش ابرت را ندارد.۵/۵۰

صدق راست و درست

صدقه

پاکیزه ترین صدقه های صدقه دهندگان

وَ اجْعَلْ مَا... تَبَرَّعْتُ بِهِ مِنَ الصَّدَقَهِ عَلَيْهِمْ أَزْكَى صَدَقَاتِ الْمُتَصَدِّقِينَ

و بخششی که بی هیچ عوضی به آنان دادم، پاکیزه ترین صدقه های صدقه دهندگان قرار ده.

۲/۳۹

صدقه دادن، در طلب افزایش نعمت خدا

وَ تَصَدَّقُوا لَكَ طَلَبًا لِمَزِيدِكَ

و جهت طلبِ افزودن (نعمت) تو، برای (رضای) تو صدقه دادند.۱۶/۴۵

صرف کردن

علّت صرف نعمت و عدم سپاس گزاری

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَهَ حَمْدِهِ عَلَى مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مِنَنِهِ الْمُتَتَابِعَهِ... لَتَصَرَّفُوا فِی مِنَنِهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ

و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بر بخشش های پی درپی که به

ایشان داده بازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند.

۸/۱

صرف نمودن روزی خدا، در نافرمانی او

وَ مَنْ أَبْعَدُ مِنِّی مِنِ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ حِينَ أُنْفِقُ مَا أَجْرَيْتَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ فِيما نَهَيْتَنِی عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ؟

و کیست که به صلاح نفس خود از من دورتر باشد، آنگاه که روزی ات را که برایم رسانده ای، در نافرمانیت در آنچه بازداشته ای صرف می کنم؟

صرف نمودن روزها

وَ اسْتَفْرِغْ أَيَّامِی فِيما خَلَقْتَنِی لَهُ

و سراسر روزهايم را در آنچه مرا برای آن آفريدی صرف نما.۳/۲۰

صرف شدن عمر، در فرمانبری خدا

وَ عَمِّرْنِی مَا كَانَ عُمْرِی بِذْلَةً فِی طَاعَتِكَ

و تا زمانی كه زندگی ام در طاعت تو صرف شود، مرا طول عمر ده.۵/۲۰

صرف نظر كردن

صرف نظر از همسايگان ستمكار

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أُعْرِضُ بِالتَّجَاوُزِ عَنْ ظَالِمِهِمْ

ص : ۸۲۷

و خداوندا مرا بر آن دار که از ستمگرشان با چشم پوشی صرف نظر کنم.۳/۲۶

صف

عامل سیراب نمودن تشنگی بندگان، در جایگاه صف بستن در پیشگاه خدا

وَ أَرْوِ بِهِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَیْکَ ظَمَأَ هَوَاجِرِنَا

و با آن (قرآن)، تشنگی شدید ما را در جاهای گرم در جایگاه صف بستن در پیشگاهت، سیراب فرما.۱۱/۴۲

خواری مقام بندگان، در محلّ صف بستن در پیشگاه خدا

وَ ارْحَمْ بِالْقُرْآنِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَیْکَ ذُلَّ مَقَامِنَا

و به (برکت) قرآن، در جای ایستادن که به پیشگاهت صف می کشیم، بر خواری ما رحم کن.

۱۵/۴۲

صفات

پنهان بودن صفات طوائف، بر بندگان

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ أَعْدَاءَکَ فِی أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَ الرُّومِ... وَ سَائِرِ أُمَمِ الشِّرْکِ، الَّذِینَ تَخْفَی أَسْمَاؤُهُمْ وَ صِفَاتُهُمْ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و روم و دیگر امّت های مشرک، که نام ها و نشانه هایشان پنهان است.۹/۲۷

صفات انتقال یابنده

وَ مَنْ سِوَاکَ... مُتَنَقِّلٌ فِی الصِّفَاتِ

و غیر تو، در صفاتش دگرگون می باشد.

۱۱/۲۸

گمراهیِ اوصاف، در خدا

ضَلَّتْ فِيكَ الصِّفَاتُ

اوصاف در تو گمراه گشته.۷/۳۲

گسیختن صفات، پیش از رسیدن به وصف الهی

وَ تَفَسَّخَتْ دُونَكَ النُّعُوتُ

و صفت ها پیش از رسیدن به تو، از هم گسسته.

۷/۳۲

وَ تَفَسَّخَتْ دُونَ بُلُوغِ نَعْتِكَ الصِّفَاتُ

و توصیف ها پیش از رسیدن به وصف تو، از هم گسیخته اند.۱۲/۴۶

صلاحیت شایستگی

ص : ۸۲۸

صلح آشتی

صلوات درود

صمد

خدا و داشتن قدرت صمد (کامله)

لَکَ یَا إِلَهِی... مَلَکَهُ الْقُدْرَهِ الصَّمَدِ

خداوندا تسلّط قدرتِ همیشگی از آنِ توست.

۱۰/۲۸

خدای صمد

إِنَّکَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ...

به درستی که تو تنها یکتای بی نیازی.۵/۳۵

وَ أَنْتَ حَیٌّ صَمَدٌ

و تویی زنده بی نیاز.۲۸/۴۷

یَا وَاحِدُ یَا أَحَدُ یَا صَمَدُ

ای یگانه، ای یکتا، ای بی نیاز.۲/۵۴

صوت صدا

صور

اسرافیل، صاحب صور

إِسْرَافِیلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاخِصُ الَّذِی یَنْتَظِرُ مِنْکَ الْإِذْنَ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه توست.۲/۳

صید شکار

ض

ضد

توشه ای ضدّ گمراهی شیطان

وَ زَوِّدْنَا مِنَ الْتَّقْوَى ضِدَّ غَوَايَتِهِ

و بر ضدّ گمراهی او (شیطان)، ما را از پرهیزکاری توشه ده.۵/۱۷

قرار ندادن ضدّی، برای خدا

فَإِنِّی لَا أَجْعَلُ لَکَ ضِدًّا، وَ لَا أَدْعُو مَعَکَ نِدًّا

پس به درستی که من برای تو ضدّی قرار نمی دهم و با تو همانندی را نمی خوانم.۲۲/۲۰

برتر بودن خدا، از داشتن اضداد

فَتَعَالَيْتَ عَنِ الْأَشْبَاهِ وَ الْأَضْدَادِ

پس تو از داشتن مانندها و همتاها برتر بودی.

۱۲/۲۸

سبب برگشتن به راه ضدّ عافیت

وَ لَا تَسُمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَيَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ... وَ نَجْنَحَ إِلَى الَّتِی هِیَ... أَقْرَبُ إِلَى ضِدِّ الْعَافِيَهِ

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم و به آنچه که به ضدّ عافیت نزدیک تر است، تکیه نماییم.

۳/۳۳

نبودن ضدّی برای ستیز کردن با خدا

أَنْتَ الَّذِی لَا ضِدَّ مَعَکَ فَيُعَانِدَکَ

تویی آنکه ضدّی نداری تا با تو دشمنی کند.

۲۰/۴۷

نفی اضداد، از خدا

وَ إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِیدَکَ وَ نَفْیَ الْأَضْدَادِ وَ الْأَنْدَادِ وَ الْأَشْبَاهِ عَنْکَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو و نفی شریکان و همتایان و مانندهایی از تو را، پیش فرستاده ام.۷۲/۴۷

ضرر زیان

ضعف ناتوانی

ضعیف کوچک

ضلالت گمراهی

ضمانت

ضمانت بنده، عدم رجوع به مذموم الهی

وَ لَکَ یَا رَبِّ... ضَمَانِی أَنْ لَا أَرْجِعَ فِی مَذْمُومِکَ

و ای پروردگار من، به تو ضمانت می دهم در کاری که نکوهیده توست، بازنگردم.۱۶/۳۱

آنچه خدا ضمانت نموده:

أ. برآوردن حاجت ها و اجابت دعا

وَ یَا مَنْ ضَمِنَ لَهُمْ إِجَابَهَ الدُّعَاءِ

و ای آنکه روا شدن خواسته ها را برای ایشان ضمانت کرده است.۱۰/۱۲

وَ لَا تَمْنَعْنِی الْإِجَابَهَ وَ قَدْ ضَمِنْتَهَا لِی

و اجابت (دعا) را از من دریغ نکن، که خود آن را ضمانت کرده ای.۹/۲۵

ب. روزی بنده

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَتِکَ فِی وَحْیِکَ... قَاطِعاً لِاهْتِمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِی تَکَفَّلْتَ بِهِ، وَ حَسْماً لِلِاشْتِغَالِ بِمَا ضَمِنْتَ الْکِفَایَهَ لَهُ

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای و قطع اشتغال ما به آنچه خود کفایت آن را ضمانت

فرموده ای قرار ده.۳/۲۹

ج. درگذشتن از بدی های بنده

وَ اعْفُ عَنْ سَیِّئَاتِی کَمَا ضَمِنْتَ

و آنچنان که ضمانت کرده ای، از بدی هایم درگذر.۱۵/۳۱

د. پذیرفتن توبه

اللَّهُمَّ فَکَمَا أَمَرْتَ بِالتَّوْبَهِ، وَ ضَمِنْتَ الْقَبُولَ... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اقْبَلْ تَوْبَتِی

خداوندا، پس چنانکه به توبه فرمان دادی و پذیرفتن را ضمانت کردی، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و توبه ام را قبول کن.

ه‍ـ. پاداش نیکوکاران

یَا ضَامِنَ جَزَاءِ الْمُـحْسِنِینَ

ای ضامن پاداش نیکوکاران.۵/۴۰

ضمیر درون

ضیق تنگی

ط

طبقات

فرشتگان و طبقات آسمان ها

وَ أَسْکَنْتَهُمْ بُطُونَ أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِکَ

و آنها را در دل طبقه های آسمان هایت، سکونت داده ای.۱۱/۳

اقامت بندگان در بین طبقات خاک

وَ بَارِکْ لَنَا فِی حُلُولِ دَارِ الْبِلَی، وَ طُولِ الْمُقَامَهِ بَیْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَی

و فرود آمدن در خانه پوسیدن (قبر) و ماندن طولانی در میان طبقه های خاک را برای ما مبارک گردان.۱۴/۴۲

طبقات غلامان و کنیزان

وَ عَافِنِی مِمَّا ابْتَلَیْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عَبِیدِکَ وَ إِمَائِکَ

و مرا از آنچه طبقات (مختلف) غلامان و کنیزانت را به آن مبتلا نموده ای، عافیت بخش.

۱۰۵/۴۷

طبیب

پرسش (اطرافیان محتضر) ، از وجود طبیب

هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَی أَنْفُسِنَا کَرْبَ السِّیَاقِ... إِذَا بَلَغَتِ النُّفُوسُ التَّرَاقِیَ، وَ قِیلَ مَنْ رَاقٍ؟

به وسیله قرآن هنگام مرگ، دشواری جان کندن را بر ما آسان گردان، آن زمان که جان ها به گلوگاه می رسد و می گویند: کجاست طبیب؟

۱۳/۴۲

طرف جهت

طریق راه

طعام خوردنی

طعم مزه

طغیان سرکشی

طلب جستجو و نیز خواسته

طلوع

طلوع و غروب نمودن ماه

وَ امْتَهَنَکَ بِالزِّیَادَهِ وَ النُّقْصَانِ، وَ الطُّلُوعِ وَ الْأُفُولِ

و تو را با فزونی و کاستی و طلوع و غروب، به خدمت گرفت.۲/۴۳

ص : ۸۳۳

طلوع هلال ماه، بر بندگان

وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَرْضَی مَنْ طَلَعَ عَلَیْهِ

و ما را از خوشنودترین کسانی که ماه بر او طلوع کرده، قرار ده.۶/۴۳

دوام برکت شب قدر، تا طلوع فجر

تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَةُ وَ الرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ، دَائِمُ الْبَرَکَهِ إِلَی طُلُوعِ الْفَجْرِ...

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری فرود می آیند. آن شبِ سلام (به همراه) برکتی است که تا برآمدن سپیده دم دوام دارد.۵/۴۴

طمع حرص

تابعین و طمع به آنچه نزد خداست

صَلَاهً... تَبْعَثُهُمْ بِهَا عَلَی... الطَّمَعِ فِیما عِنْدَکَ...

درودی که به سبب آن ایشان را بر طمع در آنچه نزد تو است، برانگیزی.۱۵و۱۴/۴

طمع به مهربانی خدا

وَ إِنَّما أُوَبِّخُ بِهَذَا نَفْسِی طَمَعًا فِی رَأْفَتِکَ الَّتِی بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِینَ...

و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم - که اصلاح کار گناهکاران به آنست - .۲۸/۱۶

طمع شیطان، در گمراه کردن بندگان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ یُطْمِعَ نَفْسَهُ فِی إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِکَ، وَ امْتِهَانِنَا بِمَعْصِیَتِکَ

خداوندا ما از اینکه او (شیطان) در گمراه کردن ما از طاعتت و خوار نمودن ما به نافرمانی ات طمع کند، به تو پناه می بریم.

۲و۱/۱۷

خوار ساختن دشمن و قطع طمع پسینیان آنها

وَ اقْطَعْ بِخِزْیِهِمْ أَطْمَاعَ مَنْ بَعْدَهُمْ

و با خواری آنان، طمع آیندگانشان را قطع نما.

۵/۲۷

آرزو، سبب طمع در عمرِ کهنسالان

وَ طَمِعْنَا بِآمَالِنَا فِی أَعْمَارِ الْمُعَمَّرِینَ

و با آرزوهایمان، در عمرهای کهنسالان، طمع کردیم.۱/۲۹

با طمع و یقین، خدا را قصد نمودن

فَأَمَّکَ بِطَمَعِهِ یَقِینًا

پس از روی یقینْ با حرص، تو را قصد کرد.

۸/۳۱

طمع نداشتن به هیچ کس، جز خدا

قَدْ خَلَا طَمَعُهُ مِنْ کُلِّ مَطْمُوعٍ فِیهِ غَیْرِکَ

در حالی که طمعش از هر که - جز تو - در او طمع کنند، خالی است.۸/۳۱

افزونی ترس از خدا، نسبت به طمع به او

تَفْعَلْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْکَ أَکْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِیکَ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست.۱۲/۳۹

علّت کمی طمع به خدا، نسبت به ترس از او

تَفْعَلْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْکَ أَکْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِیکَ... لَا أَنْ یَکُونَ... طَمَعُهُ اغْتِرَارًا، بَلْ لِقِلَّهِ حَسَنَاتِهِ بَیْنَ سَیِّئَاتِهِ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست. نه اینکه طمعش از روی فریب خوردن باشد. بلکه برای آنست که نیکی هایش میان بدی هایش اندک است.

۱۲/۳۹

طواف

درود خدا، بر طواف کنندگان بیت المعمور

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ الطَّائِفِینَ بِالْبَیْتِ الْمَعْمُورِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و طواف کنندگان بیت المعمور.۱۸و۱۱و۱۰/۳

طواف آمرزش خواهان، گِرد مهربان ترین کس

وَ یَا أَعْطَفَ مَنْ أَطَافَ بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ

و ای مهربانی که آمرزش خواهان گرد او می گردند.۹/۱۲

طولانی

پناه بردن به خدا، از دراز گشتن آرزوها

وَ نَعُوذُ بِکَ أَنْ... نَمُدَّ فِی آمَالِنَا

و پناه می بریم به تو از اینکه آرزوهایمان را دراز کنیم.۵/۸

زیانی با دوامی طولانی

اللَّهُمَّ وَ مَتَی وَقَفْنَا بَیْنَ نَقْصَیْنِ فِی دِینٍ أَوْ دُنْیا، فَأَوْقِعِ النَّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً، وَ اجْعَلِ التَّوْبَهَ فِی أَطْوَلِهِمَا بَقَاءً

خداوندا و هرگاه بین دو زیان قرار گرفتیم در دین یا دنیا، پس زیان را در آن که زودگذر است و بازگشت را در آنکه دوامش طولانی است قرار ده.

۲/۹

ص : ۸۳۵

طولانی گرداندن عمر فرزندان ، برای والدین

إِلَهِی امْدُدْ لِی فِی أَعْمَارِهِمْ

خداوندا عمرشان را برای من دراز گردان.

۲/۲۵

آزمایش شدن، به آرزوی دراز

اللَّهُمَّ إِنَّکَ ابْتَلَیْتَنَا... فِی آجَالِنَا بِطُولِ الْأَمَلِ...

خداوندا همانا تو ما را در مدّت زندگی هایمانْ به آرزوی دراز، آزمودی.۱/۲۹

طول کشیدن کار، در چاره وام

وَ هَبْ لِیَ الْعَافِیَهَ مِنْ دَیْنٍ... یَطُولُ بِمُمَارَسَتِهِ شُغْلِی

و مرا معاف دار، از وامی که کارم در چاره آن طول کشد.۱/۳۰

پاداشی با پایانی طولانی و باقی

...لَکِنَّکَ بِکَرَمِکَ جَازَیْتَهُ عَلَی الْمُدَّهِ الْقَصِیرَهِ الْفَانِیَهِ بِالْمُدَّهِ الطَّوِیلَهِ الْخَالِدَهِ، وَ عَلَی الْغَایَهِ الْقَرِیبَهِ الزَّائِلَهِ بِالْغَایَهِ الْمَدِیدَهِ الْبَاقِیَهِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدّتِ زودگذر، پاداش درازمدّتِ همیشگی دادی و در برابر عمل نزدیک مدّتِ زوال پذیر، پاداش درازمدّت پایدار عطا نموده ای.۱۲/۳۷

بازداشتن بندگان، از آرزوی دراز

وَ اکْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ

و ما را از آرزوی دراز بازدار.۱/۴۰

مبارک ساختن طولِ ماندن، در طبقات خاک

وَ بَارِکْ لَنَا فِی حُلُولِ دَارِ الْبِلَی، وَ طُولِ الْمُقَامَهِ بَیْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَی

و فرود آمدن در خانه پوسیدن (قبر) و ماندن طولانی در میان طبقه های خاک را برای ما مبارک گردان.۱۴/۴۲

بدبختی و طولانی شدن عذر

تَتْرُکُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَی التَّوْبَهِ لِکَیْلَا... یَشْقَی بِنِعْمَتِکَ شَقِیُّهُمْ إِلَّا عَنْ طُولِ الْإِعْذَارِ إِلَیْهِ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا بـدبختشان به وسیله نعمت تو، بـدبخت نگردد. مگر بعد از عذرهای طولانی بر او.۹/۴۵

طولانی بودن رمضان، بر گنهکاران

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا کَانَ أَطْوَلَکَ عَلَی الْمُـجْرِمِینَ

درود بر تو. چه طولانی بودی، بر گناهکاران!.

۳۲/۴۵

مهلت طولانی خدا، به بندگان

ص : ۸۳۶

لَمْ یَهِنْ عَلَی طُولِ مُدَّتِهِمْ سُلْطَانُکَ

مهلت طولانی ایشان، سلطنت تو را سست نکرده است.۱۸/۴۶

وَ أَطَلْتَ الْإِمْهَالَ

و مهلتِ طولانی داده ای.۲۱/۴۶

طولانی بودن بازگشت بنده، در کیفر الهی

وَ مَا أَطْوَلَ تَرَدُّدَهُ فِی عِقَابِکَ

و چه طولانی است پی درپی بازگشتنش، در کیفرت!۲۰/۴۶

به رنج دراز گرفتار شدن

أَنَا الطَّوِیلُ الْعَنَاءِ

منم که گرفتاری ام دراز است.۸۵/۴۷

طول ایستادگی خطاکاران، بر گناه

ثُمَّ لَمْ یَمْنَعْکَ طُولُ عُکُوفِهِمْ عَلَی عَظِیمِ الْجُرْمِ أَنْ عُدْتَ عَلَیْهِمْ بِالرَّحْمَهِ وَ الْمَغْفِرَهِ

سپس طول ایستادگی آنان بر جرم های بزرگ، تو را از اینکه به ایشان رحمت و آمرزش ببخشی، بازنداشت.۷/۴۸

آرزوی دراز، سبب سرگرم شدن نفْس

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ نَفْسُهُ لَاهِیَهٌ لِطُولِ أَمَلِهِ

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که نفس او به خاطر آرزوهای درازش، سرگرم شده.۸/۵۲

طهارت پاکی و پاکیزگی

ظ

ظاهر آشکار

ظرفیّت گنجایش

ظفر پیروزی

ظلم ستم

ظلمت تیر گی

تاریکی های برزخ

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا یُضِیءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرْزَخِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، تاریکی های برزخ را برای ما روشن نماید.۱۲و۱۰/۱

راه یابی در ظُلُمات

هَبْ لِی نُورًا... أَهْتَدِی بِهِ فِی الظُّلُمَاتِ

مرا نوری بخش که در تاریکی ها با آن راه یابم.

۸/۲۲

جَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِی مِنْ ظُلَمِ الضَّلَالَهِ وَ الْجَهَالَهِ

بِاتِّبَاعِهِ

آن را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی ره یابیم.۳/۴۲

ظُلْمت آتش دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ نُورُهَا ظُلْمَهٌ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که نورش تاریکی است.۲۹/۳۲

مونسی در ظلمات شب

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّیَالِی مُونِسًا

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده.۱۰/۴۲

روشن شدن تاریکی قبرها

وَ نَوِّرْ بِهِ قَبْلَ الْبَعْثِ سُدَفَ قُبُورِنَا

و پیش از برانگیخته شدن، تاریکی قبرهایمان را با آن (قرآن)، روشن ساز.۱۵/۴۲

ماه و روشن نمودن ظلمت ها

آمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِکَ الظُّلَمَ

ایمان آوردم به کسی که به وسیله تو ظلمت ها را نورانی ساخت.۲/۴۳

ظن گمان

ع

عادت

عادت بندگان، به توبه پذیری خدا

وَ یَا مَنْ عَوَّدَ عِبَادَهُ قَبُولَ الْإِنَابَهِ

و ای آنکه بندگانش را به قبول پشیمانی عادت داده است.۱۰/۱۲

عادت به پناه بردن به خدا

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُعَوَّدِینَ بِالتَّعَوُّذِ بِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به پناه بردن به تو خو گرفته اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

احسان، عادت خدا

ذَلِکَ أَنَّ... عَادَتَکَ الْإِحْسَانُ

زیرا عادت تو احسان است.۷/۳۷

عادت خدا، نسبت به بدکاران

عَادَتُکَ الْإِحْسَانُ إِلَی الْمُسِیئِینَ

عادت تو احسان به بدکاران است.۱۶/۴۶

عار ننگ

عافیت تندرستی

عاقبت

نیکویی عاقبت دنیای (بهشتیان)

...وَ الَّذِینَ یَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَیْکُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ

...و آنان که (به بهشتیان) می گویند: درود بر شما، به پاس بردباری ای که نمودید، پس چه نیکوست فرجام این سرای.۲۰/۳

اندک بودن آنچه عاقبتش، فناست

فَغَيْرُ كَثِيرٍ مَا عَاقِبَتُهُ الْفَنَاءُ

زيرا آنچه سرانجامش نابوديست، زياد نيست.

۳/۱۸

بسیاری آنچه عاقبتش بقاست

...وَ غَيْرُ قَلِيلٍ مَا عَاقِبَتُهُ الْبَقَاءُ

...و آنچه فرجامش بقاست، کم نیست.

۳/۱۸

عاقبت دچار سرکشی شدن

وَ ازْوِ عَنِّی مِنَ الْمَالِ... مَا أَتَعَقَّبُ مِنْهُ طُغْيَانًا

و مالی که عاقبت، دچار سرکشی شوم را از من دور ساز.۳/۳۰

ص : ۸۴۱

دوری از حسنِ عاقبت

وَ لَا تَسُمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَيَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَكَ... وَ نَجْنَحَ إِلَى الَّتِى هِىَ أَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَهِ

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم و به آنچه که از حسن عاقبت دورتر است، تکیه نماییم.

۳/۳۳

عاقبتی پسندیده

وَ اخْتِمْ لَنَا بِالَّتِى هِىَ أَحْمَدُ عَاقِبَهً

و کار ما را به آنچه عاقبتش ستوده تر است، ختم کن.۶/۳۳

عاق والدین

عاق شدگانِ پدران و مادران

وَ لَا تَجْعَلْنِى فِى أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ

و مرا در زمره عاق شدگان پدران و مادران قرار نده.۱۱/۲۴

عبا

پوشاندن عبای تندرستی، بر بنده

وَ رَدِّنِى رِدَاءَ مُعَافَاتِكَ

و ردای تندرستی ات را بر تنم کن.۱۱۲/۴۷

عبادت پرستش

وانماندن فرشتگان، از پرستش خداوند

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِكَ الَّذِينَ... لَا يَسْتَحْسِرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ

خداوندا و حاملان عرشت که از پرستشت درمانده نمی گردند...۱/۳

عدم پرستش خدا، درخور سزاواری اش

سُبْحَانَکَ مَا عَبَدْنَاکَ حَقَّ عِبَادَتِکَ

منزّهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم.۹/۳

عبادت، دورکننده شیطان از بنده

اللَّهُمَّ اخْسَأْهُ عَنَّا بِعِبَادَتِکَ

خداوندا او را از ما – به سبب عبادت و بندگی ات – دور کن.۳/۱۷

حقیقت عبودیت، و دشمنی با شیطان

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ... عَادَاهُ لَکَ بِحَقِیقَهِ الْعُبُودِیَّهِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که به سبب حقیقتِ بندگی تو، با او دشمنی کرد، اجابت فرما.۱۱/۱۷

رام ساختن بنده، برای بندگی خدا

وَ عَبِّدْنِی لَکَ وَ لَا تُفْسِدْ عِبَادَتِی بِالْعُجْبِ

و مرا به عبادت خود وادار ولی بندگی ام را با

خودپسندی تباه نگردان.۳/۲۰

خودپسندی، تباه سازنده عبادت

لَا تُفْسِدْ عِبَادَتِی بِالْعُجْبِ

بندگی ام را با خودپسندی تباه نگردان.

۳/۲۰

سستی در عبادت خدا

وَ لَا تَبْتَلِیَنِّی بِالْکَسَلِ عَنْ عِبَادَتِکَ

و مرا به سستی در عبادتت گرفتار نکن.

۱۱/۲۰

سبب بازنماندن از عبادت

وَ اکْفِنِی مَؤُونَهَ الِاکْتِسَابِ... فَلَا أَشْتَغِلَ عَنْ عِبَادَتِکَ بِالطَّلَبِ

و به دست آوردن روزی با زحمت بسیار را از من بردار، تا به جای عبادت تو سرگرمِ روزی جستن نشوم.۲۴/۲۰

تندرستی در عبادت

وَ ارْزُقْنِی صِحَّهً فِی عِبَادَهٍ

و مرا تندرستی در عبادت، روزی فرما.

۲۷/۲۰

مرزداران اسلام و عبادت خداوند

وَ فَرِّغْهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ لِعِبَادَتِکَ

و خاطرشان را از سرگرمی به جنگ با دشمن،

برای عبادت خویش آسوده ساز.۷/۲۷

سبب عبادت نشدن کسی، جز خدا

وَ فَرِّغْهُمْ... عَنْ مُنَابَذَتِهِمْ لِلْخَلْوَهِ بِکَ حَتَّی لَا یُعْبَدَ فِی بِقَاعِ الْأَرْضِ غَیْرُکَ

و خاطرشان را از سرگرمی به کارزار با آنان (دشمنان)، برای خلوت با خودت آسوده ساز تا در همه جای زمین، جز تو پرستش نشود.۷/۲۷

اسم بنده، در بین عبادت کنندگان

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَی غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاکْتُبِ اسْمَهُ فِی الْعَابِدِینَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

خدا، منتهای ترس عبادت کنندگان

وَ یَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَی خَوْفِ الْعَابِدِینَ

و ای کسی که انتهای ترس عبادت کنندگان است.۴/۳۱

استوار ساختن بینایی بنده، در عبادت

وَ أَحْکِمْ فِی عِبَادَتِکَ بَصِیرَتِی

و بینش مرا در بندگی ات، استوار گردان.

۱۳/۳۱

عزیزشده، در اثر عبادت

ص : ۸۴۳

فَإِنَّ... الْعَزِيزَ مَنْ أَعَزَّتْهُ عِبَادَتُکَ

پس به درستی که عزیز کسی است که بندگی تو عزّتش بخشد.۴/۳۵

توانا شدن بر بندگی خدا

مَلَکْتَ - يَا إِلَهِی - أَمْرَهُمْ قَبْلَ أَنْ يَمْلِکُوا عِبَادَتَکَ

ای خدای من، تو زمام امرشان را به دست داشته ای، پیش از آنکه بر عبادت تو توانایی داشته باشند.۷/۳۷

روش کوشش کننده در بندگی خدا

...هَذَا يَا إِلَهِی... سَبِيلُ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ

...ای خدای من، این راه کسی است که در بندگی تو کوشیده.۱۴/۳۷

در زمره نیک بخت ترین عبادت کنندگان خدا بودن

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... أَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ

و ما را از نیک بخت ترین کسانی که تو را در آن (ماه) بندگی نموده(اند)، قرار ده.۶/۴۳

عبادت خدا، از آغاز تا پایان ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فِيهِ مِنِ ابْتِدَائِهِ إِلَى وَقْتِ فَنَائِهِ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حقّ کسانی که در آن، از آغاز آن تا پایانش تو را بندگی کرده اند، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.

۱۲/۴۴

پر ساختن ماه رمضان، از عبادت خدا

اللَّهُمَّ اشْحَنْهُ بِعِبَادَتِنَا إِيَّاکَ

خداوندا این (ماه) را از عبادت های ما، پر گردان.۱۷/۴۴

عبادت نامیدن دعا

فَسَمَّیْتَ دُعَاءَکَ عِبَادَهً

پس دعا کردن را عبادت نامیدی.۱۵/۴۵

نتیجه سرکشی از عبادت

وَ قُلْتَ: ...إِنَّ الَّذِینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِینَ

و فرمودی: «همانا کسانی که از عبادت من کبر می ورزند، به زودی با خواری داخل جهنّم خواهند شد.»۱۵/۴۵

یاری بنده بر عبادتی شایسته خدا

فَإِذَا بَلَّغْتَنَاهُ فَأَعِنَّا عَلَی تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَهِ

پس چون ما را به آن رساندی، ما را بر انجام عبادتی که تو شایسته آنی، یاری فرما.۴۶/۴۵

عبادت خداوند، تا روز قیامت

وَ اکْتُبْ لَنَا مِثْلَ أَجُورِ مَنْ... تَعَبَّدَ لَکَ فِیهِ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ

و برای ما مانند پاداش کسانی که در این ماه تا روز قیامت تو را عبادت می کنند، بنویس.

۵۱/۴۵

کوشا در عبادت خدا

وَ لَا تَرُدَّنِی صِفْرًا مِمَّا یَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبِّدُونَ لَکَ مِنْ عِبَادِکَ

و مرا تهی دست از آنچه بندگانِ کوشا در عبادتت با (دستی پر از) آن بازمی گردند، بازنگردان.۷۱/۴۷

پیش نفرستادن کارهای شایسته ای همانند کوشایان در عبادت

وَ إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِیدَکَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو را، پیش فرستاده ام.۷۲/۴۷

توجه به آنچه پرستشگران متوجه آنند

وَ خُذْ بِقَلْبِی إِلَی مَا... اسْتَعْبَدْتَ بِهِ الْمُتَعَبِّدِینَ

و دلم را به سوی آنچه پرستش کنندگان را با آن به بندگی گرفته ای، متوجّه ساز.۹۲/۴۷

آبادی شب به بیداری عبادت

وَ اعْمُرْ لَیْلِی بِإِیقَاظِی فِیهِ لِعِبَادَتِکَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، آباد گردان.۱۲۳/۴۷

روزی خوردن از خدا و پرستش غیر او

وَ أَهْوَنُهُمْ عَلَیْکَ مَنْ أَنْتَ تَرْزُقُهُ وَ هُوَ یَعْبُدُ غَیْرَکَ

و پست ترین آنها نزد تو، کسیست که تو او را روزی می دهی و او غیر تو را می پرستد.۲/۵۲

عبادت غیر خدا

لَا یَفُوتُکَ مَنْ عَبَدَ غَیْرَکَ

کسی که جز تو را پرستید، از دست تو گریزی ندارد.۳/۵۲

کافر گشتن به هر معبودی، جز خدا

وَ کَفَرْتُ بِکُلِّ مَعْبُودٍ غَیْرِکَ

و به هر معبودی جز تو کفر ورزیدم.۶/۵۲

بیزاری از عبادت کننده غیر خدا

وَ بَرِئْتُ مِمَّنْ عَبَدَ سِوَاکَ

و از هر که جز تو را پرستید، بیزاری جستم.

۶/۵۲

عبادت خدا، وسیله بی نیاز گشتن بنده

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُغْنِیَنِی عَنْ کُلِّ شَیْءٍ بِعِبَادَتِکَ

خدای من، از تو می خواهم که مرا به وسیله بندگی ات از هر چیزی بی نیاز گردانی.۱۰/۵۲

ص : ۸۴۵

ترس عابدان و پرستش فروتنان

أَسْأَلُکَ خَوْفَ الْعَابِدِینَ لَکَ، وَ عِبَادَهَ الْخَاشِعِینَ لَکَ

ترس عبادت کنندگان و پرستش فروتنان برای تو را، از تو درخواست می نمایم.۵/۵۴

عبرت پند

عتاب سرزنش

عتیق دیرینه

عُجب خودپسندی

عجز ناتوانی

عجله شتاب

عدالت عدل

عدد شمار

عدل

خدا، به پادارنده عدالت و عادل در حکم

أَنِّی أَشْهَدُ أَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، قَائِمٌ بِالْقِسْطِ، عَدْلٌ فِی الْحُکْمِ

همانا من شهادت می دهم تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، برپادارنده عدلی، دادگر در حکمی.۲۱/۶

نداشتن طاقتِ عدل الهی

فَإِنَّهُ لَا طَاقَهَ لَنَا بِعَدْلِکَ

زیرا ما طاقت عدالت تو را نداریم.۲/۱۰

با عدل رفتار نکردن، با بنده

...وَ لَا تَحْمِلْنِی بِعَدْلِکَ عَلَى الِاسْتِحْقَاقِ

...و با دادگری ات بر آنچه سزاوارم رفتار نکن.

۲۰/۱۳

ناامیدی از عدل خدا و آزمایش بنده

اللَّهُمَّ لَا تَفْتِنِّی بِالْقُنُوطِ مِنْ إِنْصَافِکَ

خداوندا مرا به ناامیدی از عدلت آزمایش نکن. ۱۲/۱۴

ملبّس شدن به زیور پرهیزکاران، در گسترش عدل

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی بَسْطِ الْعَدْلِ

و زیور پرهیزکاران را در گستردن عدل، به من بپوشان.۱۰/۲۰

به عدل تاوان نگرفتن، از والدین

فَهُمَا... أَعْظَمُ مِنَّهً لَدَیَّ مِنْ أَنْ أُقَاصَّهُمَا بِعَدْلٍ

پس نعمتشان نزد من بزرگ تر از آن است که با عدل از آنان تقاص گیرم.۱۰/۲۴

پناه بردن از ستم، به عدل خدا

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُـجَارِینَ مِنَ الظُّلْمِ

ص : ۸۴۶

بِعَدْلِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) از ستم (دیگران) به عدل تو پناه آورده اند، قرار ده.

۱۱و۱۰/۲۵

انکار نکردن عدل خدا

لَا یُنْکِرُ یَا إِلَهِی عَدْلَکَ إِنْ عَاقَبْتَهُ

ای خدای من، اگر او را عقوبت دهی، عدل تو را انکار نمی کند.۱۰/۳۱

ترس از عدل الهی

وَ کَرُمْتَ أَنْ یُخَافَ مِنْکَ إِلَّا الْعَدْلُ

و کریم تر از آنی که جز از عدالتت ترسند.

۱۶/۳۷

رهایی از حکم عدل الهی

وَ خَلِّصْنِی مِمَّا یَحْکُمُ بِهِ عَدْلُکَ

و مرا از آنچه عدل تو را حکم می کند، خلاص گردان. ۵/۳۹

آزاد شدن از بند عدل خدا، با احسان او

وَ اجْعَلْنِی أُسْوَهَ مَنْ قَدْ أَنْهَضْتَهُ بِتَجَاوُزِکَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِینَ... فَأَصْبَحَ... عَتِیقَ صُنْعِکَ مِنْ وَثَاقِ عَدْلِکَ

و مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادنْ گاه های خطاکاران بلند کردی. پس به واسطه نیکی ات از بند دادگری ات، آزاد شده است.

۱۰/۳۹

در ترازوی عدل نگذاشتن کردار بنده

وَ لَا تَحْمِلْ عَلَی مِیزَانِ الْإِنْصَافِ عَمَلِی

و عملم را در ترازوی انصاف نگذار.۲/۴۱

برنگشتن زبانه ترازوی عدل قرآن، از حق

وَ جَعَلْتَهُ... مِیزَانَ قِسْطٍ لَا یَحِیفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ

و آن (قرآن) را ترازوی عدلی قرار دادی که زبانه اش از راستی به بیراهه نمی رود.۳/۴۲

عادلانه رفتار کردن بنده، با ستمگر

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نُنْصِفَ مَنْ ظَلَمَنَا

و ما را در آن ماه توفیق ده، که با کسی که به ما ظلم نموده، منصفانه رفتار کنیم.۱۰/۴۴

خدا، عادل ترین دادگران

یَا أَعْدَلَ الْعَادِلِینَ

ای عادل ترین دادگران.۵۴/۴۵

عدل خدا، و ستم نکردن (به مغرور شده به کرمش)

وَ مَا أَقْنَطَهُ مِنْ سُهُولَهِ الْمَـخْرَجِ عَدْلًا مِنْ قَضَائِکَ لَا تَجُورُ فِیهِ، وَ إِنْصَافًا مِنْ حُکْمِکَ لَا تَحِیفُ عَلَیْهِ

و چه ناامید است از به آسانی رهایی یافتن! (همه گرفتاری هایش) از روی عدل در حکم توست، که در آن ستم نمی کنی. و از حکم منصفانه توست، که بر او جفا نمی نمایی.

۲۰/۴۶

آنچه خدا بر اساس عدل و داد می کند:

أ. جزا دادن و کیفر نمودن

لِیَجْزِیَ الَّذِینَ أَسَاوءُوا بِمَا عَمِلُوا وَ یَجْزِیَ الَّذِینَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَی

تا کسانی را که بـد کرده اند، به سبب آنچه که به جا آورده اند، سـزا دهد و آنان را که به سـبب نیکویی، نیکویی نمودند را، جزا دهد.

۶/۱

اللَّهُمَّ إِنْ تَشَأْ تَعْفُ عَنَّا فَبِفَضْلِکَ

خداوندا اگر خواهی ما را ببخشایی، از احسان توست.۱/۱۰

وَ عُقُوبَتُکَ عَدْلٌ

و کیفرت از روی عدل است.۴/۴۵

إِنْ تُعَذِّبْنِی فَإِنِّی لِذَلِکَ أَهْلٌ، وَ هُوَ یَا رَبِّ مِنْکَ عَدْلٌ

اگر مرا عذاب نمایی، پس به درستی که من سزاوار آنم و آن - ای پروردگار من - از جانب تو عدل است.۴/۵۰

ب. مقدّرات بنده

عَدْلٌ فِیَّ قَضَاوءُکَ

آنچه برای من تقدیر نمودی، عادلانه است. ۶/۲۱

ج. تقسیم معیشت در بین بندگان

شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَایِشَ عِبَادِهِ بِالْعَدْلِ

گواهی می دهم که خدا روزی های بندگانش را عادلانه تقسیم نمود.۱/۳۵

د. حکم کردن و فرمان دادن

أَنْتَ الَّذِی... قَضَیْتَ فَکَانَ عَدْلًا مَا قَضَیْتَ، وَ حَکَمْتَ فَکَانَ نِصْفًا مَا حَکَمْتَ

تویی آنکه قضاوت کردی و قضاوتت از روی عدل بود و حکم دادی و حکمت از روی انصاف بود.۱۵/۴۷

عذاب

عدل بودن عذاب خدا

اللَّهُمَّ إِنْ تَشَأْ تُعَذِّبْنَا فَبِعَدْلِكَ

خداوندا اگر بخواهی ما را عذاب کنی، از عدالت توست.۱/۱۰

عذاب الهی و گذشت خداوند

وَ أَجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ بِتَجَاوُزِكَ

و به گذشت خود، ما را از عذابت ایمن ساز.

۲/۱۰

ستم نبودن عذاب خدا

فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِي

پس اگر مرا عذاب کنی ستمکار به من نیستی.

۳۱/۱۶

ص : ۸۴۸

حفظ کردن بنده، از عذاب آتش

وَ قِنِی (بِرَحْمَتِکَ) عَذَابَ النَّارِ

و مرا به رحمت خود از عذاب آتش، حفظ فرما.۳۰/۲۰

وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ

و از شکنجه آتش نگاهمان دار.

۱۳/۲۵

پناه بردن به خدا، از عذاب آتش

وَ أَعِذْنَا مِنْ عَذَابِ السَّعِیرِ

و ما را از شکنجه آتش پناه ده.۱۲/۲۵

فروفرستادن عذاب، بر دشمنان خدا

وَ ابْعَثْ عَلَیْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِکَتِکَ بِبَأْسٍ مِنْ بَأْسِکَ کَفِعْلِکَ یَوْمَ بَدْرٍ

و بر آنان سپاهی از فرشتگانت را با عذابی از عذاب هایت بفرست. مانند کارت در روز بدر.

۱۱/۲۷

وعده عذاب به رو گرداننده از رضای خدا

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ... تَوَعَّدْتَ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنْ رِضَاکَ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن هر که را از خوشنودی تو روی گرداند، وعده عذاب داده ای.۲۹/۳۲

تأخیر عذاب و چشم پوشی خدا، از حقّش

فَجَمِیعُ مَا أَخَّرْتَ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ... تَرْکٌ مِنْ حَقِّکَ

پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته ای، ترک کردن حقّ خودت بوده است.۱۵/۳۷

سخت بودن عذاب خداوند

وَ قُلْتَ: لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكَمْ، وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِی لَشَدِيدٌ

و فرمودی: «اگر شکر گزارید، شما را فزونی دهم و اگر کفران نمایید، همانا عذاب من شدید است.» ۱۴/۴۵

عذاب همیشگی و بر گشتن از خدا

فَالْوَيْلُ الدَّائِمُ لِمَنْ جَنَحَ عَنْكَ

پس افسوس همیشگی، برای کسیست که از تو بر گشته.۱۹/۴۶

تغییر حالات، در (زمان) عذاب الهی

مَا أَكْثَرَ تَصَرُّفَهُ فِی عَذَابِكَ

چه زیاد است از حالی به حالی گشتن او، در عذاب تو!۲۰/۴۶

قرار گرفتن اراده الهی، بر عذاب قومی

وَ إِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَهً أَوْ سُوءًا فَنَجِّنِی مِنْهَا لِوَاذًا بِكَ

و هر گاه خواستی به قومی، عذابی یا بدی ای (فروفرستی)، پس مرا که به تو پناه برده ام، نجات

ده. ۱۲۰/۴۷

پناه دادن بنده، از عذاب الهی

وَ اعْمُرْ لَيْلِی بِإِيقَاظِی فِيهِ لِعِبَادَتِكَ... وَ إِجَارَتِی مِمَّا فِيهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و حفظ نمودنم از عذابت که سزاوارش [دوزخیان]، در آن به سر می برد، آباد گردان.۱۲۳/۴۷

عذاب خدا و رحم نکردن کسی بر بنده

إِنْ عَذَّبْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی يَرْحَمُنِی

اگر مرا عذاب کنی، پس کیست آنکه به من رحم کند؟۱۵/۴۸

درخواست ایمنی از عذاب

وَ أَسْأَلُكَ أَمْنًا مِنْ عَذَابِكَ

و ایمنی از عذابت را از تو می خواهم.

۱۹/۴۸

سزاواری عذاب خدا

إِنْ تُعَذِّبْنِی فَإِنِّی لِذَلِكَ أَهْلٌ

اگر مرا عذاب نمایی، پس به درستی که من سزاوار آنم.۴/۵۰

عذاب بنده و افزون نشدن ملك خدا

لَيْسَ عَذَابِی مِمَّا يَزِيدُ فِی مُلْكِكَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

عذاب من، چیزی نیست که ذرّه ای بر پادشاهی

تو بیفزاید.۶/۵۰

عذاب بنده و درخواست شکیبایی بر آن

وَ لَوْ أَنَّ عَذَابِی مِمَّا یَزِیدُ فِی مُلْکِکَ لَسَأَلْتُکَ الصَّبْرَ عَلَیْهِ

و اگر عذاب من چیزی بود که در پادشاهی ات می افزود، هر آینه شکیبایی بر آن را از تو می خواستم.۶/۵۰

عذاب خدا و اعتراف بنده

إِنْ تُعَذِّبْ فَأَنَا الظَّالِمُ الْمُفَرِّطُ الْمُضَیِّعُ الْآثِمُ الْمُقَصِّرُ الْمُضَجِّعُ الْمُغْفِلُ حَظَّ نَفْسِی

اگر کیفر کنی، این من هستم که ستمکار، سهل انگار، تباه کننده، گنهکار، مقصّر، اهمال کننده و واگذارنده بهره خویشم.۱۴/۵۱

عرش

درود خدا، بر حاملان عرش الهی

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ لَا یَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِیحِکَ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

خداوندا و حاملان عرشت که از تسبیح تو سستی نمی کنند، پس بر آنها درود فرست.۶و۱/۳

خدا، صاحب عرش عظیم

یَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِیمِ

ص : ۸۵۰

ای صاحب عرش و تخت بزرگ.۱۰/۷

فروتنی آنچه زیر عرش خداست، برای عظمت او

سُبْحَانَکَ... خَشَعَ لِعَظَمَتِکَ مَا دُونَ عَرْشِکَ

پاک و منزّهی! آنچه زیر عرش تو است، برای بزرگی تو خاشع شد.۲۶/۴۷

سپاسی همسنگ عرش بزرگ خدا، از او

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُوازِنُ عَرْشَکَ الْمَ_جِیدَ

سپاس برای توست. سپاسی که با عرش بزرگ تو همسنگ باشد.۴۱و۳۶/۴۷

درودی هم وزن عرش خدا، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِمْ زِنَهَ عَرْشِکَ وَ مَا دُونَهُ

پروردگار من، بر ایشان هم وزن عرش خود و آنچه زیر آن است، درود فرست.۵۹/۴۷

عِرض آبرو

عرفه

ویژگی های روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا یَوْمُ عَرَفَهَ یَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَ کَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که آن را شرافت و کرامت و عظمت داده ای.۶۶/۴۷

بهره ای ویژه، در روز عرفه

وَ اجْعَلْ لِی فِی هَذَا الْیَوْمِ نَصِیبًا أَنَالُ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِکَ

و در این روز برای من نصیبی قرار ده که با آن به بهره ای ویژه از خوشنودی ات برسم.۷۱/۴۷

پوشاندن بنده، در روز عرفه

تَغَمَّدْنِی فِی یَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَیْکَ مُتَنَصِّلًا

در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.۸۶/۴۷

عروج

نردبانی جهت عروج به سوی خوشنودی خدا

فَهَبْ لِی یَا إِلَهِی مِنْ رَحْمَتِکَ وَ دَوَامِ تَوْفِیقِکَ مَا أَتَّخِذُهُ سُلَّمًا أَعْرُجُ بِهِ إِلَی رِضْوَانِکَ

پس ای خدای من، از رحمتت و توفیق همیشگی ات مرا چیزی ببخش که آن را نردبانی به سوی خوشنودی ات قرار داده، از آن بالا روم.

۱۷/۴۹

عریض پهناور

ص : ۸۵۱

عزّت

اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و عزیز نمودن دین خدا

وَ اشْكُرْهُمْ عَلَى... مَنْ كَثَّرْتَ فِي إِعْزَازِ دِينِكَ مِنْ مَظْلُومِهِمْ

و آن افراد بسیاری را که به خاطر ارجمند ساختن دینت ستم ها دیدند پاداش عنایت کن.

۸/۴

عزیز و گرامی ساختن بنده

وَ أَعِزَّنِي وَ لَا تَبْتَلِيَنِّي بِالْكِبْرِ

و مرا گرامی دار و به خودبزرگ بینی گرفتارم نساز.۳/۲۰

عزّت آشکار و ذلّت باطنی

وَ لَا تُحْدِثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَحْدَثْتَ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدَرِهَا

و عزّتی آشکار برایم پدید نیاور، مگر آنکه به همان اندازه ذلّتی پنهانی در نزد خودم پدید آوری.

۴/۲۰

خوار نمودن عزّتِ قصدبددارنده درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُذِلَّ عِزَّهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا عزّتش را به ذلّت تبدیل نمایی.۸و۷/۲۳

عزیز بودن خدا

إِنَّكَ عَزِيزٌ قَدِيرٌ

به درستی که تو پیروزِ توانایی.۸/۲۳

وَ جَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيِّنًا لَا يُجِيزُ جَلَّ وَ عَزَّ أَنْ يُقَدَّمَ قَبْلَهُ

و برای آن، زمان آشکاری قرار داد، که خداوند عزیز و جلیل روا نمی دارد که پیش انداخته شود.۴/۴۴

از ذلّت به عزّت رسیدن

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُعَزِّینَ مِنَ الذُّلِّ بِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به یاری تو از ذلّت به عزّت رسیده اند، قرار ده.

۱۱و۱۰/۲۵

عزّت طلبیدن از غیر خدا و خوار گشتن

فَکَمْ قَدْ رَأَیْتُ یَا إِلَهِی مِنْ أُنَاسٍ طَلَبُوا الْعِزَّ بِغَیْرِکَ فَذَلُّوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو عزّت خواستند و خوار گشتند.۶/۲۸

سر به زیر افکندن با خواری، برای عزّت خدا

وَ طَأْطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِکَ مُتَذَلِّلًا

و با خواریْ برای عزّتت سرش را به زیر افکنده.

۹/۳۱

رفتار خدا، همچون عزیزی مهربان

وَ افْعَلْ بِی فِعْلَ عَزِیزٍ تَضَرَّعَ إِلَیْهِ عَبْدٌ ذَلِیلٌ فَرَحِمَهُ

و با من همچون رفتارِ عزیزی که بنده ذلیلی پیش او زاری کرده، پس به او مهربانی نموده، رفتار نما.۲۴/۳۱

عزّت خدا، پناه دهنده بنده بی پناه

اللَّهُمَّ لَا خَفِيرَ لِی مِنْکَ فَلْیَخْفُرْنِی عِزُّکَ

خداوندا برای من پناه دهنده ای از (عقوبت) تو نیست، پس باید عزّتت مرا پناه دهد.۲۵/۳۱

پایندگی عزّت خدا

اللَّهُمَّ یَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِی عَلَی مَرِّ الدُّهُورِ...

خداوندا ای عزیزی که با سپری شدن روزگارها، ماندگار است.۳و۱/۳۲

عزیز شدن، در اثر عبادت خدا

فَإِنَّ... الْعَزِیزَ مَنْ أَعَزَّتْهُ عِبَادَتُکَ

پس به درستی که عزیز کسی است که بندگی تو عزّتش بخشد.۴/۳۵

عزّتی از دست نرفتنی

وَ أَیِّدْنَا بِعِزٍّ لَا یُفْقَدُ

و ما را با عزّتی که از دست نرود، تأیید فرما.

۵/۳۵

عزیز نمودن بنده، نزد خلق

وَ ذَلِّلْنِی بَیْنَ یَدَیْکَ، وَ أَعِزَّنِی عِنْدَ خَلْقِکَ

و مرا در پیشگاهت ذلیل کن و در نزد آفریدگانت عزیز دار.۱۱۸/۴۷

آنچه بنده به سبب عزّت خداوند، از او می خواهد:

أ. دوری از (شرّ و زیان) بندگان

وَ امْنَعْنَا بِعِزِّکَ، مِنْ عِبَادِکَ

و به عزّت خود ما را از بندگانت حفظ کن.

۱۳/۵

ب. پناه از آنچه از آن می ترسد

أَجِرْنِی بِعِزَّتِکَ مِمَّا أَرْهَبُ

به عزّت خود، از آنچه می ترسم، ایمنی ام ده.۲۵/۲۰

ج. استوار ساختن مرزها

اللَّهُمَّ... حَصِّنْ ثُغُورَ الْمُسْلِمِینَ بِعِزَّتِکَ

خداوندا به عزّت خود، مرزهای مسلمانان را استوار فرما.۱/۲۷

عزم قصد

عزیمت کوچ

عصبیّت حمیّت

عصیان سرکشی و نیز نافرمانی

عضو اندام

عطا بخشش

عطوفت رحمت

عظمت بزرگی

عفّت پاکدامنی و نیز خویشتن داری

عفو آمرزش و نیز گذشت

سبقت گرفتن به سوی عفو الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نَسْبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَی رِضَاهُ وَ عَفْوِهِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن بر پیشی گرفتگان به سوی خوشنودی و بخشایش او، پیشی گیریم.۱۱و۱۰/۱

سپاسی رساننده بنده، به عفو الهی

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَکُونُ وُصْلَةً إِلَی طَاعَتِهِ وَ عَفْوِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که به سوی طاعت و بخشایش او پیوند خوریم.۲۹و۲۷/۱

فضل الهی و عفو نمودن بنده

اللَّهُمَّ إِنْ تَشَأْ تَعْفُ عَنَّا فَبِفَضْلِکَ

خداوندا اگر خواهی ما را ببخشایی، از احسان توست.۱/۱۰

عفو الهی و رهایی از عذاب

وَ لَا نَجَاةَ لِأَحَدٍ مِنَّا دُونَ عَفْوِکَ

و بدون بخشایش تو، هیچ یک از ما نجات نمی یابیم. ۲/۱۰

عفو خداوند و نعمت او

فَسَهِّلْ لَنَا عَفْوَکَ بِمَنِّکَ

پس به منّت خود، بخشایشت را بر ما آسان گردان.۲/۱۰

بزرگ نبودن عفوِ گناه بزرگ، بر خدا

أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ... عَالِمٍ بِأَنَّ الْعَفْوَ عَنِ الذَّنْبِ الْعَظِیمِ لَا یَتَعَاظَمُکَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که می داند بخشایش گناه بزرگ، بر تو بزرگ نیست.۱۳و۱۲/۱۲

توانایی خدا، بر عفو

فَإِنَّکَ مَلِیءٌ بِالْعَفْوِ

همانا تو بر بخشایش نمودن توانایی.

۱۵/۱۲

ستم رسیدن به بنده و عفو خداوند

ص : ۸۵۴

اللَّهُمَّ... عَوِّضْنِی مِنْ ظُلْمِهِ لِی عَفْوَکَ

خداوندا در عوض ستمی که او به من نمود، مرا ببخش.۹/۱۴

بیرون شدن از بیماری، به عفو الهی

وَ اجْعَلْ مَخْرَجِی عَنْ عِلَّتِی إِلَی عَفْوِکَ

و بیرون شدنم از بیماری را به عفو و گذشت قرار ده.۶/۱۵

برتری عفو خدا، نسبت به عقابش

وَ أَنْتَ الَّذِی عَفْوُهُ أَعْلَی مِنْ عِقَابِهِ

و تویی آنکه بخشایش او از کیفرش برتر است.

۷/۱۶

خدای عفوکننده

أَنْتَ الَّذِی سَمَّیْتَ نَفْسَکَ بِالْعَفْوِ

تویی آنکه خود را بخشاینده نام نهادی.

۱۸/۱۶

إِنَّکَ... عَفُوٌّ غَفُورٌ...

همانا تو بخشاینده آمرزنده ای.۱۲/۲۵

علّت طلب عفو، از خدا

وَ أَنْتَ الَّذِی سَمَّیْتَ نَفْسَکَ بِالْعَفْوِ فَاعْفُ عَنِّی

و تویی آنکه خود را بخشاینده نام نهادی، پس از من درگذر.۱۸/۱۶

وَ لَنْ یَضِیقَ عَلَیْکَ عَفْوٌ عَنْ عَبْدِکَ وَ إِنْ أَسَاءَ فَاعْفُ عَنِّی

و گذشت از بنده ات گر چه بد کرده، بر تو دشوار نیست، پس از من درگذر.۱۰/۳۲

خوشایند بودن عفو بنده، نزد خدا

...وَ لِأَنَّ عَفْوَکَ عَنِّی أَحَبُّ إِلَیْکَ مِنْ عُقُوبَتِی

...و از آن روست که بخشایش من نزد تو محبوب تر از کیفر من است.۲۶/۱۶

آزاد ساختن گردن بنده، به عفو الهی

اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ رَقَبَتِی قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعْتِقْهَا بِعَفْوِکَ

خداوندا و این گردن من است که گناهان آن را باریک نموده، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به گذشت خود آن را آزاد کن.۲۹/۱۶

عفو بنده و عدم شایستگی او

وَ إِنْ کُنْتَ... تَعْفُو عَنِّی حِینَ أَسْتَحِقُّ عَفْوَکَ فَإِنَّ ذَلِکَ غَیْرُ وَاجِبٍ لِی بِاسْتِحْقَاقٍ

و اگر مرا ببخشایی آنگاه که مستحقّ بخشایش تو گردم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست.۳۱/۱۶

بنده، رهاشده عفو الهی

وَ اجْعَلْنِی طَلِیقَ عَفْوِکَ

و مرا رهاشده گذشتت قرار ده.۳۳/۱۶

عزم نمودن به سوی عفو الهی

اللَّهُمَّ... إِلَی عَفْوِکَ قَصَدْتُ

خداوندا به سوی بخشایش تو آهنگ نموده ام.

۱۵/۲۰

به پایان رساندن عمر بنده، به عفو الهی

اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِکَ أَجَلِی

خداوندا زندگیِ مرا با آمرزش خود پایان ده.

۲۸/۲۰

بزرگ ندانستن عفو خدا (نسبت به سعه رحمتش)

وَ لَا یَسْتَعْظِمُ عَفْوَکَ إِنْ عَفَوْتَ عَنْهُ وَ رَحِمْتَهُ

و اگر از او گذشتی و به او رحم آوردی، گذشتت را بزرگ نشمارد.۱۰/۳۱

بخشایش بدی ها؛ سخن خدا در کتابش

وَ قَدْ قُلْتَ یَا إِلَهِی فِی مُحْکَمِ کِتَابِکَ إِنَّکَ... تَعْفُو عَنِ السَّیِّئَاتِ

و ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده ای همانا از بدی ها درمی گذری.۱۵/۳۱

خدا، ضامن عفو بدی

وَ اعْفُ عَنْ سَیِّئَاتِی کَمَا ضَمِنْتَ

و آنچنان که ضمانت کرده ای، از بدی هایم درگذر.۱۵/۳۱

درخواست بخشایش زشتی کردار خود، از

خدا

اللَّهُمَّ إِنِّی... أَسْتَوْهِبُکَ سُوءَ فِعْلِی

خداوندا، به درستی که من از زشتی کردارم، از تو بخشایش می طلبم.۲۱/۳۱

ایمن شدن در پرتو عفو الهی

وَ قَدْ أَوْجَلَتْنِی خَطَایَایَ فَلْیُوءْمِنِّی عَفْوُکَ

و خطاهایم مرا ترسانده، پس باید بخشایشت مرا ایمن گرداند.۲۵/۳۱

آویختن بنده، به عفو خداوندی

وَ تَقَطَّعَتْ عَنِّی عِصَمُ الْآمَالِ إِلَّا مَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِکَ

و رشته های آرزو از من بریده، جز بخشایشت که به آن چنگ زده ام.۹/۳۲

دشوار نبودن عفو بنده، بر خدا

وَ لَنْ یَضِیقَ عَلَیْکَ عَفْوٌ عَنْ عَبْدِکَ...

و گذشت از بنده ات، بر تو دشوار نیست.

۱۰/۳۲

کوتاهی ننمودن عفو خدا، از بنده

فَلَا یَضِیقَنَّ عَنِّی فَضْلُکَ، وَ لَا یَقْصُرَنَّ دُونِی عَفْوُکَ

پس مبادا فضل تو از من تنگی نماید و بخشایشت از من کوتاهی کند.۱۵/۳۲

پوشاندن (گناهان) بنده، به عفو الهی

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ...

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

زاری به درگاه خدا، برای درخواست عفو او

وَ نَبْتَهِلُ إِلَیْکَ فِی سُؤَالِ عَفْوِکَ

و برای درخواست بخشش، به سوی تو زاری می کنیم.۳/۳۶

راه خدا، عفو و گذشت

ذَلِکَ أَنَّ سُنَّتَکَ الْإِفْضَالُ... وَ سَبِیلَکَ الْعَفْوُ

زیرا سنّت تو بخشش و راه تو بخشایش است.

۷/۳۷

عفو، بالاترین عطا

وَ اجْعَلْ مَا سَمَحْتُ بِهِ مِنَ الْعَفْوِ عَنْهُمْ... أَزْکَی صَدَقَاتِ الْمُتَصَدِّقِینَ، وَ أَعْلَی صِلَاتِ الْمُتَقَرِّبِینَ

و گذشت از ایشان را که من کردم، پاکیزه ترین صدقه های صدقه دهندگان و بالاترین بخشش های تقرّب جویان قرار ده.۲/۳۹

عفو الهی ، در عوض عفو دیگران توسّط بنده

وَ عَوِّضْنِی مِنْ عَفْوِی عَنْهُمْ عَفْوَکَ

و به جای گذشتم از ایشان، گذشت خودت را به من عوض ده.۳/۳۹

درخواست بخشایش نفس، از خدا

أَسْتَوْهِبُکَ - یَا إِلَهِی - نَفْسِیَ الَّتِی لَمْ تَخْلُقْهَا لِتَمْتَنِعَ بِهَا مِنْ سُوءٍ

ای خدای من از تو بخشش نفسم را می خواهم که آن را نیافریدی تا به سبب آن از زیان حمایت شوی.۷/۳۹

فراگیر بودن عفو الهی

وَ كَمْ قَدْ شَمِلَ عَفْوُكَ الظَّالِمِينَ

و چه بسیار عفوت که ستمگران را فرا گرفت.

۹/۳۹

به خود ستم کردن، و درخواست بخشایش

وَ هَبْ لِنَفْسِی عَلَی ظُلْمِهَا نَفْسِی

و مرا به خاطر ظلمی که به خود کرده ام، ببخش. **۹/۳۹**

از بند خشم خدا، رهاشده عفو او گشتن

وَ اجْعَلْنِی أُسْوَهَ مَنْ قَدْ أَنْهَضْتَهُ بِتَجَاوُزِکَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِینَ... فَأَصْبَحَ طَلِیقَ عَفْوِکَ مِنْ إِسَارِ سُخْطِکَ

و مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادنْ گاه های خطاکاران بلند کردی. پس به

واسطه عفوت از قید و بند خشمت، رها گردیده است.۱۰/۳۹

آزاد شدن با عفو الهی، در شب های ماه رمضان

وَ إِذَا كَانَ لَكَ فِی كُلِّ لَيْلَهٍ مِنْ لَيَالِی شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ يُعْتِقُهَا عَفْوُكَ... فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْكَ الرِّقَابِ

و چنانچه در هر شب از شب های این ماه ما، برای تو بندگانی باشد، که عفو تو، آنها را آزاد می کند، پس ما بندگان را از آن بندگان قرار ده.

۱۴/۴۴

عفو الهی، احسان بدون علّت

وَ عَفْوُكَ تَفَضُّلٌ

و بخشایشت از روی تفضّل است.۴/۴۵

(اتمام حجّت بر بنده)، کرمی از عفو الهی

وَ تَتْرُكُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَى التَّوْبَهِ لِكَيْلَا يَهْلِكَ عَلَيْكَ هَالِكُهُمْ... إِلَّا عَنْ طُولِ الْإِعْذَارِ إِلَيْهِ... كَرَمًا مِنْ عَفْوِكَ يَا كَرِيمُ

و تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا هلاک شونده ایشان، به خاطر تو هلاک نشود. مگر بعد از عذرهای فراوان بر او. که (این همه) کرامت، از گذشت توست، ای کریم!.۹/۴۵

گشودن درِ عفو خداوند، برای بندگان

أَنْتَ الَّذِی فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَابًا إِلَى عَفْوِكَ

تویی آنکه برای بندگانت، دری به سوی بخشایشت گشوده ای.۱۰/۴۵

درگذشتن خدا از بندگان، به عفو الهی

وَ اعْفُ عَنَّا بِعَفْوِكَ

و به عفو خود از ما درگذر.۴۷/۴۵

روز عید فطر، جلب کننده عفو الهی

وَ اجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا أَجْلَبِهِ لِعَفْوٍ

و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته است قرار ده که جلب کننده ترین روز، برای عفو باشد.۴۸/۴۵

انعام عفو خدا، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَهَ يَوْمٌ... مَنَنْتَ فِيهِ بِعَفْوِکَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که بخشایشت را در آن ارزانی داشته ای.۶۶/۴۷

اقدام به نافرمانی خدا، با امید به عفوش

فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعِيدِکَ، رَاجِيًا لِعَفْوِکَ

پس با علم به تهدیدت و امیدواری به بخشایشت، بر آن نافرمانی ها اقدام کرد.۶۸/۴۷

عفو الهی و تسلیم خدا شدن

وَ جُدْ عَلَيَّ بِمَا تَجُودُ بِهِ – عَلَى مَنْ أَلْقَى بِيَدِهِ إِلَيْکَ – مِنْ عَفْوِکَ

ص : ۸۵۸

و به من ببخش همان چیزی را که به کسی که به خاطر عفوت تسلیم تو گردیده است می بخشی.

۷۰/۴۷

شایستگی خدا به عفو، نسبت به عقاب

أَعْلَمُ... أَنَّکَ بِأَنْ تَعْفُوَ أَوْلَی مِنْکَ بِأَنْ تُعَاقِبَ

می دانم به درستی که تو به بخشایش شایسته تری تا اینکه کیفر کنی.۱۱۶/۴۷

کامیابی بنده، به لذّت عفو الهی

وَ أَوْجِدْنِی بَرْدَ عَفْوِکَ

و مرا از لذّت بخشایشت، کامیاب گردان.

۱۲۵/۴۷

روز عید قربان و جمعه، و عفو الهی

فَإِلَیْکَ یَا مَوْلَایَ کَانَتِ الْیَوْمَ تَهْیِئَتِی... رَجَاءَ عَفْوِکَ

پس ای سرور من، امروز مهیّا گشته تا به سوی تو آیم. بدین امید که به آمرزش تو نائل شوم.

۵/۴۸

بخشایش خطاکاران، به عفو عظیم الهی

أَتَیْتُکَ أَرْجُو عَظِیمَ عَفْوِکَ الَّذِی عَفَوْتَ بِهِ عَنِ الْخَاطِئِینَ

به درگاه تو آمده ام، در حالی که به بخشایش بزرگت امیدوارم، بخشایشی که با آن از (تقصیر) خطاکاران گذشتی.۷/۴۸

آمدن به درگاه خدا و امید داشتن به عفو او

أَتَیْتُکَ أَرْجُو عَظِیمَ عَفْوِکَ

به درگاه تو آمده ام، در حالی که به بخشایش بزرگت امیدوارم.۷/۴۸

بزرگ بودن عفو الهی

فَيَا مَنْ... عَفْوُهُ عَظِيمٌ

پس ای کسی که گذشتش بزرگ است.۸/۴۸

بازگرداندن خشم خدا، با عفو او

اللَّهُمَّ لَيْسَ... يَرُدُّ سَخَطَكَ إِلَّا عَفْوُكَ

خداوندا خشم تو را جز بخشایشت فرو نمی نشاند.۱۳/۴۸

هلاک نساختن خویش، به سبب امید به عفو الهی

فَلَوْ لَا الْمَوَاقِفُ الَّتِي أُوءَمِّلُ مِنْ عَفْوِكَ الَّذِي شَمِلَ كُلَّ شَيْءٍ لَأَلْقَيْتُ بِيَدِي

پس اگر جایگاهی که از بخشایشت آرزومندم و هر چیزی را فرامی گیرد نبود، خود را هلاک می ساختم. ۳/۵۰

قدیم بودن عفو الهی

وَ إِنْ تَعْفُ عَنِّي فَقَدِيمًا شَمَلَنِي عَفْوُكَ

و اگر از من درگذری، پس از دیرزمانیست که

بخشایشت مرا فراگرفته است.۴/۵۰

عقاب کیفر

عقاید اعتقاد

عقد پیمان

عقرب

عقرب های دهان گشوده آتش دوزخ

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ عَقَارِبِهَا الْفَاغِرَهِ أَفْوَاهُهَا

و از عقرب های آن که دهانشان گشوده است، به تو پناه می برم.۳۱/۳۲

عقل

گمراهی عقل، علّت درخواست نیازمند از نیازمند

وَ رَأَیْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُـحْتَاجِ إِلَی الْمُـحْتَاجِ... ضَلَّهٌ مِنْ عَقْلِهِ

و دانستم، درخواست نیازمند از نیازمند، از گمراهی خِرد است.۵/۲۸

غفلت عقل ها، و طاعت الهی

وَ أَشْرِبْ قَلْبِی عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَکَ

و دلم را هنگام غفلتِ عقل ها، به طاعت خود سیراب کن.۱۳۰/۴۷

سپاس گزاری عقل بنده، از خدا

تَحْمَدُکَ نَفْسِی وَ لِسَانِی وَ عَقْلِی

تنم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند. ۶/۵۱

عقیده اعتقاد

علاقه

عامل شسته شدن علایق و وابستگی های گناهان

وَ اغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا وَ عَلَائِقَ أَوْزَارِنَا

و به وسیله آن (قرآن)، چرکی دل هایمان و وابستگی های گناهانمان را بشوی.۱۱/۴۲

علامت نشانه

علم

علم به ربوبیّت پروردگار

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا... فَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ

و سپاس خدای را که درهایی از علم به پروردگاری اش را بر ما گشود.۱۰/۱

احاطه علم خدا، بر همه چیز

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ

ص : ۸۶۰

الْأَشْيَاءِ

پس سپاس او را، به شماره آنچه علمش – از همه چیزها – به آن احاطه دارد.۲۷/۱

أَنْتَ الَّذِی وَسِعْتَ كُلَّ شَیْ‌ءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا

تویی آنکه با رحمت و دانش، همه چیز را دربر گرفته ای.۵/۱۶

عدم علم بنده، به منزلت و کار فرشتگان

...وَ مَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ، وَ لَمْ نَعْلَمْ مَكَانَهُ مِنْكَ، و بِأَیِّ أَمْرٍ وَكَّلْتَهُ

...و هر (فرشته ای) که نامش را نبردیم و جایگاهش را در پیشگاه تو و مأموریّتی را که به او سپرده ای، نمی دانیم.۲۲/۳

راهنمایی خدا و دانا گشتن بنده

إِنَّ... مَنْ تَهْدِهِ يَعْلَمْ

زیرا هر کس را که هدایت کنی، دانا می شود.

۹/۵

سخن گفتن بدون علم

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ... نَقُولَ فِی الْعِلْمِ بِغَيْرِ عِلْمٍ

خداوندا به تو پناه می برم از اینکه بدون داشتن آگاهی سخن بگوییم.۴و۱/۸

علم بنده به بزرگ نبودن بخشایش گناه، بر خدا

أَتُوبُ إِلَيْكَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ... عَالِمٍ بِأَنَّ الْعَفْوَ عَنِ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ لَا يَتَعَاظَمُكَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که می داند بخشایش گناه بزرگ، بر تو بزرگ نیست.۱۳و۱۲/۱۲

آنچه بنده می داند

عَلِمْتُ أَنَّ كَثِيرَ مَا أَسْأَلُكَ يَسِيرٌ فِی وُجْدِكَ

و دانستم هر چه از تو زیاد درخواست کنم نزد (دارایی) تو اندک است.۱۹/۱۳

رَأَیْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُـحْتَاجِ إِلَی الْمُـحْتَاجِ سَفَهٌ مِنْ رَأْیِهِ...

دانستم، درخواست نیازمند از نیازمند، از سبکی اندیشه است.۵/۲۸

قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَیْسَ فِی حُکْمِکَ ظُلْمٌ

دانسته ام که در فرمان تو ستم نیست.

۱۵/۴۸

فَنَادَیْتُکَ یَا إِلَهِی... عَالِمًا أَنَّهُ لَا یُضْطَهَدُ مَنْ أَوَی إِلَی ظِلِّ کَنَفِکَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که می دانستم هر که به سایه رحمت تو پناه بَرَد، شکست نمی خورد.۱۰/۴۹

علم خدا به ستمِ رسیده، بر بنده

قَدْ عَلِمْتَ، یَا إِلَهِی، مَا نَالَنِی مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ

ص : ۸۶۱

ای خدای من، تو می دانی از فلان کس فرزند فلان کس چیزهایی به من رسیده که تو نهی نموده ای.۵/۱۴

آموختن علوم ربّانی

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ... اسْتَظْهَرَ بِکَ عَلَیْهِ فِی مَعْرِفَهِ الْعُلُومِ الرَّبَّانِیَّهِ

خداونـدا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که در راه شـناخت علم های خـدایی از تو یاری خواست تا بر ضـدّ او اقدام کند، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

علمِ با عمل را روزی بنده نمودن

وَ ارْزُقْنِی... عِلْمًا فِی اسْتِعْمَالٍ

و مرا علم با عمل، روزی فرما.۲۷/۲۰

علم خدا به صلاح کار بنده

اللَّهُمَّ قَدْ تَعْلَمُ مَا یُصْلِحُنِی مِنْ أَمْرِ دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی...

خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را اصلاح می کند می دانی.۱۰/۲۲

دانستن آنچه درباره والدین، بر فرزند واجب است

وَ أَلْهِمْنِی عِلْمَ مَا یَجِبُ لَهُمَا عَلَیَّ إِلْهَامًا

و آموختن آنچه را که در حقّ آنان بر من واجب است، به من الهام کن.۳/۲۴

فراهم ساختنِ آموختن واجبات ، برای فرزند

...وَ اجْمَعْ لِی عِلْمَ ذَلِکَ کُلِّهِ تَمَامًا

...و دانستن همه آن را به طور کامل برای من فراهم نما.۳/۲۴

بینایی در پرتو دانایی

وَ وَفِّقْنِی لِلنُّفُوذِ فِیما تُبَصِّرُنِی مِنْ عِلْمِهِ...

و مرا برای انجام آنچه به دانستنش بینایم می کنی، توفیق ده.۳/۲۴

علیم و دانا بودن خدا

إِنَّکَ... سَمِیعٌ عَلِیمٌ...

همانا تو شنوای دانایی.۱۲/۲۵

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ الرَّحِیمُ، الْعَلِیمُ الْحَکِیمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بخشنده مهربان، دانای حکیم.۶/۴۷

دانایی خدا، به راز بنده

وَ أَبَثَّکَ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا

و با خضوع، از رازهایش - آنچه را که خود به آن داناتری - برایت آشکار کرده.۹/۳۱

علم الهی، به گناهان بزرگ بندگان

وَ اسْتَغَاثَ بِکَ مِنْ عَظِیمِ مَا وَقَعَ بِهِ فِی عِلْمِکَ

و در (گناهان) بزرگی که می دانی به آن گرفتار شده، از تو کمک خواسته.۹/۳۱

دانایی خدا، به کردار بنده

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ...

خداوندا به درستی که تو به کارهایم، داناتری.

۱۷/۳۱

علم خدا و آمرزش گناه

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ فَاغْفِرْ لِی مَا عَلِمْتَ

خداوندا به درستی که تو به کارهایم، داناتری. پس آنچه (گناه) از من می دانی، بیامرز.۱۷/۳۱

وَ اغْفِرْ لِی مَا تَعْلَمُ مِنْ ذُنُوبِی

و گناهانی را که از من می دانی، بیامرز.

۱۳/۵۱

علم خدا، به گرفتاری های بنده

اللَّهُمَّ وَ عَلَیَّ تَبِعَاتٌ... وَ کُلُّهُنَّ بِـ... عِلْمِکَ الَّذِی لَا یَنْسَی

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است و همه آنها در علم تو که فراموش نمی کند، قرار دارد.۱۸/۳۱

عدم فراموشی در علم الهی

...کُلُّهُنَّ بِعَیْنِکَ الَّتِی لَا تَنَامُ، وَ عِلْمِکَ الَّذِی لَا یَنْسَی

...همه آنها پیش چشم تو که نمی خوابد و در علم تو که فراموش نمی کند، قرار دارد.۱۸/۳۱

علم غیب خدا، به توبه شکستن بنده

اللَّهُمَّ أَیُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَیْکَ وَ هُوَ فِی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ... فَإِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَکُونَ کَذَلِکَ

خداوندا، هر بنده ای که به درگاهت توبه نمود ولی در علم پنهانت، توبه شکن باشد، پس همانا من به تو پناه می برم که

اینچنین باشم.۲۰/۳۱

علم خدا، به کارهای نهانی

اللَّهُمَّ وَ قَدْ أَشْرَفَ عَلَی خَفَایَا الْأَعْمَالِ عِلْمُکَ

خداوندا علم تو بر اعمال پنهان ما، آگاه است.

۱۱/۳۲

علم خدا، سبب طلب خیر از او

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَخِیرُکَ بِعِلْمِکَ

خداوندا، همانا من به علمت از تو درخواستِ خیر دارم.۱/۳۳

علم خدا و پوشاندن (خطا)

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی سِتْرِکَ بَعْدَ عِلْمِکَ

خداوندا سپاس تو را، بر (خطا) پوشاندنت پس از علمت.۱/۳۴

الهام علم شگفتی های قرآن، به محمّد صلی الله علیه و آله

وَ أَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُکَمَّلًا

و علم به شگفتی هایش را به صورت کامل، به او الهام کردی.۵/۴۲

علم تفسیر قرآن، میراث آل محمّد علیهم السلام

وَ وَرَّثْتَنا عِلْمَهُ مُفَسَّرًا

و علم آن را تفسیرشده، به ما ارث دادی.

۵/۴۲

برتری میراث بران علم قرآن، بر دیگران

وَ وَرَّثْتَنا عِلْمَهُ مُفَسَّرًا، وَ فَضَّلْتَنا عَلَى مَنْ جَهِلَ عِلْمَهُ

و علم آن را تفسیرشده، به ما ارث دادی و ما را بر کسی که به علم آن نادان بود، برتری بخشیدی.۵/۴۲

پنهان نشدن چیزی، از علم الهی

وَ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ

و چیزی از علم او پنهان نیست.۲/۴۷

قرار گرفتن در (حیطه) علم خدا، و تواضع در برابر او

سُبْحانَكَ خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ

پاک و منزّهی! هر که در علم تو قرار گرفت، برای تو فروتن گشت.۲۶/۴۷

خزانه داران علم الهی

رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَنَهَ عِلْمِكَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود

فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنان را گنجینه داران علمت قرار دادی.۵۶/۴۷

نگهبانی خدا از بنده و عدم علم بنده، به آن

وَ حُطْنِي مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ حِيَاطَةً تَقِينِي بِهَا

و مرا از جایی که نمی دانم، احاطه کن. احاطه کردنی که با آن مرا نگهداری نمایی.۱۳۲/۴۷

دانایی خدا و متهم نبودن او در آفرینش

...لِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ غَيْرُ مُتَّهَمٍ عَلَى خَلْقِكَ...

...برای اینکه تو به آن داناتری و در آفریدنت متّهم نیستی.۹/۴۸

علم خدا به گناهان گذشته بنده

وَ قَدْ تَقَدَّمَ مِنِّی مَا قَدْ عَلِمْتَ...

و پیش از این از من (گناهانی) سر زده که تو می دانی.۲/۵۰

داناتر بودن خدا (به زشتی گناه)، از خود بنده

وَ قَدْ تَقَدَّمَ مِنِّی... مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّی

و پیش از این از من (گناهانی) سر زده که تو از من به آنها داناتری.۲/۵۰

داناترین خلق

سُبْحَانَكَ أَخْشَى خَلْقِكَ لَكَ أَعْلَمُهُمْ بِكَ

ص : ۸۶۴

پاک و منزّهی! ترسنده ترین آفریدگانت از تو، آگاه ترین آنها به (کبریایی) توست.۲/۵۲

علنی آشکار

علوی

مقام و منزلت علوی

اللَّهُمَّ فَإِنِّی أَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ بِالْمُـحَمَّدِیَّهِ الرَّفِیعَهِ، وَ الْعَلَوِیَّهِ الْبَیْضَاءِ

خداوندا، پس من به منزلت بلندپایه محمّدی و مقام گرامی علوی، به سوی تو نزدیکی می جویم.

۱۶/۴۹

عمد

ارتکاب گناه عمدی، در ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَا... اکْتَسَبْنَا فِیهِ مِنْ خَطِیئَهٍ عَلَی تَعَمُّدٍ مِنَّا... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِکَ

خداوندا و خطایی که ما در آن (ماه) از روی عمد زیر بارش رفتیم؛ پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان.

۴۷/۴۵

عمدی بودن نافرمانی بنده، از خدا

أَنَا الَّذِی عَصَاکَ مُتَعَمِّدًا

منم آنکه از روی عمد، تو را نافرمانی کردم.

۷۸/۴۷

عمر زندگی

عمران آباد

عمره

منّت گزاردن بر بنده، با عمره

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره.

۴/۲۳

قرار دادن بازمانده عمر بنده، در عمره

وَ اجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِی فِی الْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ ابْتِغَاءَ وَجْهِکَ

و باقی زندگی ام را برای رضای خودت، در حجّ و عمره قرار ده.۱۳۳/۴۷

عمل کردار

عمل کردن انجام دادن

عناد ستیزه جویی

عنان مهار

عنایت توجّه

ص : ۸۶۵

عوض

جایگزینی شب و روز، به جای یکدیگر

يُولِجُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِی صَاحِبِهِ، وَ يُولِجُ صَاحِبَهُ فِيهِ بِتَقْدِيرٍ مِنْهُ لِلْعِبَادِ، فِيما يَغْذُوهُمْ بِهِ

بنا به تقدیرش هر یک از شب و روز را جای یکدیگر قرار می دهد تا برای بندگان روزی دهد.

۴/۶

عفو الهی، در عوض ستمِ رسیده به بنده

اللَّهُمَّ... عَوِّضْنِی مِنْ ظُلْمِهِ لِی عَفْوَكَ

خداوندا در عوض ستمی که او به من نمود، مرا ببخش.۹/۱۴

رحمت خدا، در عوض بدرفتاری دشمن با بنده

اللَّهُمَّ... أَبْدِلْنِی بِسُوءِ صَنِيعِهِ بِی رَحْمَتَكَ

خداوندا به جای بدرفتاری اش، رحمتت را به من عطا کن.۹/۱۴

عوض نکردن رستگاری شایسته، با چیزی

وَ مَتِّعْنِی بِهُدًى صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ

و مرا به هدایتی شایسته که با هیچ چیز عوض نکنم، بهرمند ساز.۵/۲۰

عوض ازدست رفته ها

وَ عِنْدَكَ مِمَّا فَاتَ خَلَفٌ

و عوض هر آنچه از دست رفته، نزد توست.

۲۰/۲۰

عوض دادن به کار مسلمان، در دنیا

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوَضًا حَاضِرًا

يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَى بِهِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند.۱۶/۲۷

عوض دادن خدا، به صاحبان گرفتاری ها

اللَّهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبِعَاتٌ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ، وَ تَبِعَاتٌ قَدْ نَسِيتُهُنَّ... فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است که به یاد دارم و گرفتاری هایی است که فراموش کرده ام. پس صاحبانش را عوض ده.

۱۸/۳۱

عفو خدا، در عوض عفو و گذشت بنده از دیگران

وَ عَوِّضْنِي مِنْ عَفْوِي عَنْهُمْ عَفْوَكَ

ص : ۸۶۶

و به جای گذشتم از ایشان، گذشت خودت را به من عوض ده.۳/۳۹

عوض ستاندن اندوخته های مورد حرص

فَأْجُرْنَا... أَجْرًا... نَعْتَاضُ بِهِ مِنْ أَنْوَاعِ الذُّخْرِ الْمَـحْرُوصِ عَلَيْهِ

پس ما را پاداش ده. پاداشی که با آن اندوخته های گوناگون که بر آن حریص و آزمند شده ایم را عوض بستانیم.۴۵/۴۵

عون یاری

عهد پیمان و نیز سوگند

عهده داری سرپرستی

عهده داریِ سرپرستیِ نیک

وَ سُمْنِی حُسْنَ الْوِلَایَهِ

و نیک سرپرستی نمودن را، بر عهده من قرار ده.۲۲/۲۰

خدا، عهده دار بی نیازی بنده

وَ تَوَلَّ کِفَایَتِی

و عهده دار بی نیازی ام باش.۲/۲۲

عهده دار تندرستی مجاهد مسلمان شدن

وَ تَوَلَّهُ بِالْعَافِیَهِ

و تندرستی اش را به عهده گیر.۱۴/۲۷

خدا، عهده دار حاجت بنده

فَأَنْتَ یَا مَوْلَایَ... دُونَ کُلِّ مَطْلُوبٍ إِلَیْهِ وَلِیُّ حَاجَتِی

پس – ای سرور من – صاحب حاجتم تویی، نه هر که از او طلب شود.۸/۲۸

خدا، عهده دار روزی بنده

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَتِکَ فِی وَحْیِکَ... قَاطِعًا لِاهْتِمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِی تَکَفَّلْتَ بِهِ، وَ حَسْمًا لِلِاشْتِغَالِ بِمَا ضَمِنْتَ الْکِفَایَةَ لَهُ

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای و قطع اشتغال ما به آنچه خود کفایت آن را ضمانت فرموده ای قرار ده.۳/۲۹

پاداش خدا و آنچه برای بنده به عهده گرفته

فَسُبْحَانَکَ مَا أَبْیَنَ کَرَمَکَ فِی مُعَامَلَهِ مَنْ أَطَاعَکَ أَوْ عَصَاکَ تَشْکُرُ لِلْمُطِیعِ مَا أَنْتَ تَوَلَّیْتَهُ لَهُ...

پس منزّهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی کرده است، از فرمانبر در آنچه تو برایش به عهده گرفته ای، تشکّر می کنی.۱۰/۳۷

عهده داری خدا و معرفت رمضان

أَنْتَ وَلِیُّ مَا آثَرْتَنَا بِهِ مِنْ مَعْرِفَتِهِ

تویی مولایی که ما را به وسیله شناخت آن،

برتری دادی.۴۴/۴۵

عهده دار اجابت حاجت بنده شدن

وَ تَوَلَّ قَضَاءَ کُلِّ حَاجَهٍ هِیَ لِی بِقُدْرَتِکَ عَلَیْهَا

و برآوردن هر درخواستی را برای من، به قدرتی که بر آن داری، به عهده گیر.۴/۴۸

عیادت

عیادت از همسایگان بیمار

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... عِیَادَهِ مَرِیضِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در عیادت بیمارشان، توفیق ده.

۲/۲۶

عیالوار

درخواست از خدا، مانند محتاجی عیالوار

فَهَا أَنَا ذَا یَا إِلَهِی... سَائِلُکَ عَلَی الْحَیَاءِ مِنِّی سُوءَالَ الْبَائِسِ الْمُعِیلِ

پس ای خدای من، با وجود شرمندگی ام همانند تهی دستی عیالمند از تو درخواست دارم.

۴/۱۲

عیب

همسایگان عیب جو

وَ لَمْ تُبْدِ سَوْءَاتِهَا لِمَنْ یَلْتَمِسُ مَعَایِبِی مِنْ جِیرَتِی

و بدی های مرا پیش همسایگانم - که در جستجوی عیب های من می باشند - آشکار نکردی.

۲۱/۱۶

کثرت عیب های پوشانده شده، از بنده

يَا إِلَهِی فَلَکَ الْحَمْدُ فَکَمْ مِنْ عَائِبَهٍ سَتَرْتَهَا عَلَیَّ فَلَمْ تَفْضَحْنِی

ای خدای من، تو را سپاس. چه بسیار عیب هایی که بر من پوشاندی و رسوایم نکردی.

۲۱/۱۶

زشتی کردار بنده و شمارش عیوب خود

بَلْ أَنَا یَا إِلَهِی، أَکْثَرُ ذُنُوبًا، وَ أَقْبَحُ آثَارًا... مِنْ أَنْ أُحْصِیَ لَکَ عُیُوبِی، أَوْ أَقْدِرَ عَلَی ذِکْرِ ذُنُوبِی

بلکه من - ای خدای من - گناهانم بیشتر و نشانه هایم زشت تر از آن است که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.۲۷/۱۶

عیب و نقصی باعث سرزنش

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ... عَائِبَهً أُوَنَّبُ بِهَا إِلَّا حَسَّنْتَهَا

خداوندا مرا در عیبی که بدان سرزنش شوم

وامگذار، مگر آنکه نیکویش گردانی.۶/۲۰

خوی عیبناک

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ خَصْلَةً تُعَابُ مِنِّی إِلَّا أَصْلَحْتَهَا

خداوندا مرا در خصلتی عیبناک وانگذار، مگر آنکه اصلاحش نمایی.۶/۲۰

توفیق پنهان نمودن عیب

وَ أَلْبِسْنِی زِینَةَ الْمُتَّقِینَ فِی... سَتْرِ الْعَائِبَةِ

و زیور پرهیزکاران را در پوشاندن عیب، به من بپوشان.۱۰/۲۰

برداشتن بار عیب جویی بندگان، از دوش بنده

وَ اکْفِنِی مَؤُونَةَ مَعَرَّةِ الْعِبَادِ

و سنگینی گناهِ عیب جوییِ بندگان را از من بردار.۲۰/۲۰

عیب جویی قصدبددارنده درباره بنده، از او

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُوءْمِنَنِی مِنْ... هَمْزِهِ وَ لَمْزِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از بدگویی و عیب جویی اش ایمن سازی.۸و۷/۲۳

مشهور نساختن بنده، به کار عیبناکش

فَکُلُّنَا قَدِ اقْتَرَفَ الْعَائِبَةَ فَلَمْ تَشْهَرْهُ

چرا که هر کدام از ما کار ناپسند انجام داد، او را مشهور (در بدکاری) نکردی.۱/۳۴

بنده و نپوشاندن عیب آشکارشده مؤمن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ... مِنْ عَیْبِ مُوءْمِنٍ ظَهَرَ لِی فَلَمْ أَسْتُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از عیب مؤمنی که برای من آشکار شد، پس آن را نپوشاندم.

۱/۳۸

رمضان و حفظ شدن از عیوب تازه

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نَتَقَرَّبَ إِلَیْکَ فِیهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّاکِیهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَ تَعْصِمُنَا فِیهِ مِمَّا نَسْتَأْنِفُ مِنَ الْعُیُوبِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جوییم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی و از آلوده شدن به عیب های تازه در این (ماه) ما را نگهداری کنی.۱۱و۱۰/۴۴

رمضان، پوشاننده اقسام عیب ها

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا کَانَ... أَسْتَرَکَ لِأَنْوَاعِ الْعُیُوبِ

درود بر تو. چه پوشنده بودی، انواع عیب ها را!.۳۱/۴۵

عیوب، سبب مجهول ماندن منزلت بنده

ص : ۸۶۹

وَ لَا تَسُمْنِی... نَقِیصَهً یُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَکَانِی

و عیبی را که به خاطر آن منزلتم دانسته نشود، بر من ثابت نگردان.۱۲۱/۴۷

حسود، و نسبت دادن عیوبش، به دیگران

وَ کَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... وَحَرَنِی بِقَرْفِ عُیُوبِهِ

و چه بسیار حسودی که با نسبت دادن عیب های خود به من، سینه اش را از خشمِ بر من پر ساخت.۹/۴۹

عید

رمضان، عید دوستان خدا

السَّلَامُ عَلَیْکَ... یَا عِیدَ أَوْلِیَائِهِ

درود بر تو، ای عید دوستان او.۲۳/۴۵

مبارک ساختن روز عید فطر ، (برای مؤمنان)

وَ بَارِکْ لَنَا فِی یَوْمِ عِیدِنَا وَ فِطْرِنَا

و برای ما روز عید و فطرمان را مبارک گردان.

۴۸/۴۵

روز فطر را، روز عید قرار دادن

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ فِی یَوْمِ فِطْرِنَا - الَّذِی جَعَلْتَهُ لِلْمُوءْمِنِینَ عِیدًا وَ سُرُورًا

خداوندا ما در روزِ فطرمان که آن را برای اهل ایمانْ عید و شادی قرار دادی، به درگاه تو توبه می کنیم.۵۲/۴۵

غ

غایت پایان

غذا خوردنی

غربت

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به شهرهای غربت

وَ هَاجَرَ إِلَی بِلَادِ الْغُربَهِ

و به شهرهای غربت هجرت نمود.۱۶/۲

خدا، آرام دل هر وحشت زده غریب

یَا أُنْسَ کُلِّ مُسْتَوْحِشٍ غَرِیبٍ

ای آرامِ دل هر وحشت زده دور از وطن.

۴/۱۶

غرق

غرق شدن گونه ها، با اشک

وَ غَرَّقَتْ دُمُوعُهُ خَدَّیْهِ

و دو گونه اش غرق اشک شده.۹/۱۲

غروب

طلوع و غروب ماه

وَ امْتَهَنَکَ بِالزِّیَادَهِ وَ النُّقْصَانِ، وَ الطُّلُوعِ وَ الْأُفُولِ

و تو را با فزونی و کاستی و طلوع و غروب، به خدمت گرفت.۲/۴۳

غرور فریب

غش خیانت

غصّه اندوه

غضب خشم

غفران آمرزش

غفلت

عدم غفلت فرشتگان، از شیفتگی به خدا

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ... لَا یَغْفُلُونَ عَنِ الْوَلَهِ إِلَیْکَ

خداوندا و حاملان عرشت که از شیفتگی به سوی تو غافل نمی شوند...

۱/۳

عدم غفلت فرشتگان، از تعظیم خداوند

وَ الَّذِینَ... لَا یَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظِیمِکَ سَهْوُ الْغَفَلَاتِ...

و همانها که فراموشیِ غفلت ها، آنها را از

تعظیم تو جدا نمی سازد...۷/۳

پناه بردن به خدا، از خواب غفلت

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... سِنَهِ الْغَفْلَهِ

خداوندا به تو پناه می برم از خواب غفلت.

۲و۱/۸

سبب آگاه شدن از غفلت خویش

انْتَبَهْتُ بِتَذْکِیرِکَ لِی مِنْ غَفْلَتِی

با یادآوری تو، از غفلتم آگاه شدم.۱۶/۱۳

غفلت بنده، از بهره خود

وَ مَنْ أَغْفَلُ مِنِّی عَنْ حَظِّهِ؟

و چه کسی از بهره خود فراموشکارتر از من است؟۲۳/۱۶

بیداری از خواب غفلت

أَیْقِظْنَا عَنْ سِنَهِ الْغَفْلَهِ

ما را از خواب غفلت و فراموشی بیدار گردان.

۷/۱۷

خواب غفلت و اعتماد نمودن به شیطان

اللَّهُمَّ... أَیْقِظْنَا عَنْ سِنَهِ الْغَفْلَهِ بِالرُّکُونِ إِلَیْهِ

خداوندا ما را از خواب غفلت و فراموشی، که به سبب میل و اعتماد به اوست، بیدار گردان.

۷/۱۷

عطای خدا به بنده، در حال غفلت او از درخواست نمودن

وَ أَعْطِنَا مَا أَغْفَلْنَاهُ

و آنچه از ذکرش غافل شدیم به ما عطا فرما.

۱۶/۱۷

یاد خدا، در اوقات غفلت

وَ نَبِّهْنِی لِذِکْرِکَ فِی أَوْقَاتِ الْغَفْلَهِ

و مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن. ۲۹/۲۰

غافل نساختن بنده، از بخشش الهی

وَ لَا تَجْعَلْنِی... غَافِلًا لِإِحْسَانِکَ فِیما أَبْلَیْتَنِی

و مرا غافل از احسانت در آنچه به من بخشیدی قرار نده.۸/۲۱

غفلت و انجام تکلیف

هُوَ، یَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَیْتَهُ عَلَیَّ وَ أَغْفَلْتُهُ أَنَا مِنْ نَفْسِی

آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم.۷/۲۲

غافل نشدن شیطان، از بندگان

لَا یَغْفُلُ إِنْ غَفَلْنَا

ص : ۸۷۲

اگر (از او) غافل شویم، او غافل نمی شود.

۶/۲۵

غفلت بنده از شرایط واجبات

وَ لَسْتُ أَتَوَسَّلُ إِلَيْکَ بِفَضْلِ نَافِلَهٍ مَعَ کَثِيرِ مَا أَغْفَلْتُ مِنْ وَظَائِفِ فُرُوضِکَ

و من هیچ گاه با فضیلتِ (عمل) مستحبّ به سویت توسّل نمی جویم، با آنکه از بسیاری از شرایط واجبات غفلت نمودم.۱۸/۳۲

از خدا غفلت نورزیدن

وَ لَا تَسُمْنَا الْغَفْلَهَ عَنْکَ

و ما را گرفتار غفلت از خودت نکن.۴/۳۴

نترسیدن بنده از غافل شدن خدا، درباره پاداش دادن به خوشنودکننده اش

وَ لَا يُخَافُ إِغْفَالُکَ ثَوَابَ مَنْ أَرْضَاکَ

و ترسی نیست که پاداش آنکه تو را خوشنود گرداند، فروگذاری.۱۶/۳۷

غفلت، پوشاننده پندها

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِمَا طَوَتِ الْغَفْلَهُ عَنَّا مِنْ تَصَفُّحِ الِاعْتِبَارِ نَاشِرًا

و قرآن را ناشر پندهایی که غفلت از دید ما می پوشاند، قرار ده.۱۰/۴۲

علّت گواهی ندادن روزهای ماه رمضان،

بر غفلت بندگان

وَ أَعِنَّا فِی نَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ... حَتَّى لَا يَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِغَفْلَهٍ

و ما را در روزش به روزه داری آن، یاری نما. تا روزش بر ما به غفلت، گواهی ندهد.۱۷/۴۴

علّت بهانه نداشتن غافل ، از آمدن به جایگاه (بهشت)

فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِکَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامَهِ الدَّلِيلِ

پس - بعد از گشودن درْ و به پا داشتن راهنما - عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟!

۱۱/۴۵

از روی غفلت نبودن خودداری الهی

لَمْ تَکُنْ... إِمْسَاکُکَ غَفْلَهً

خودداری ات از روی غفلت نبوده است.

۲۲/۴۶

بیداری بنده، از خواب بی خبران

وَ نَبِّهْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْغَافِلِینَ

و مرا از خواب غافلان، بیدار فرما.۹۱/۴۷

سبب غافل گشتن بنده، از تقرّب به خدا

وَ انْزِعْ مِنْ قَلْبِی حُبَّ دُنْیَا دَنِیَّهٍ... تُذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْکَ

ص : ۸۷۳

و دوستی دنیای پست را که از نزدیکی جستن به تو، غافل می نماید، از دلم بَر کن.۱۰۹/۴۷

غفلت نادانان، نسبت به نعمت های خدا

وَ لَا تُذْهِبْ عَنِّی شُکْرَکَ، بَلْ أَلْزِمْنِیهِ فِی أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِینَ لِآلْائِکَ

و شکرگزاریت را از من نگیر. بلکه آن را همیشه در حالات بی توجّهی، هنگام فراموشی های نادانان به نعمت هایت، با من همراه گردان.

۱۱۴/۴۷

غافل وانگذاشتن بنده، در گرداب نادانی

وَ لَا تَذَرْنِی... فِی غَمْرَتِی سَاهِیًا حَتَّی حِینٍ

و مرا در گرداب غفلتم، تا مدّت زمانی بی خبر رها نکن.۱۲۴/۴۷

غفلت عقل ها، و طاعت الهی

وَ أَشْرِبْ قَلْبِی عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَکَ

و دلم را هنگام غفلتِ عقل ها، به طاعت خود سیراب کن.۱۳۰/۴۷

غفلت از تهدید الهی

وَ أَبَیْتُ إِلَّا تَقَحُّمًا لِحُرُمَاتِکَ... وَ غَفْلَةً عَنْ وَعِیدِکَ

و من جز وارد شدن در حرام های تو و غفلت از تهدیدهای تو کاری نداشته ام.۱۴/۴۹

سبب غافل شدن تن بنده

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُؤَالَ مَنْ... بَدَنُهُ غَافِلٌ لِسُکُونِ عُرُوقِهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که تن او به خاطر آرامش رگ هایش، غافل مانده.۸/۵۲

غفلت بنده از خواسته شده ها، درباره او

یَا غَفْلَتِی عَمَّا یُرَادُ بِی

ای وای از بی خبری من از آنچه درباره ام خواسته می شود!.۶/۵۳

غلام

طبقاتِ غلامان و کنیزان

وَ عَافِنِی مِمَّا ابْتَلَیْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عَبِیدِکَ وَ إِمَائِکَ

و مرا از آنچه طبقات (مختلف) غلامان و کنیزانت را به آن مبتلا نموده ای، عافیت بخش.

۱۰۵/۴۷

غلبه

سلطه انسان، بر همه آفریدگان

وَ جَعَلَ لَنَا الْفَضِیلَهَ بِالْمَلَکَهِ عَلَی جَمِیعِ الْخَلْقِ

و با دادن قدرت به ما، (ما را) بر همه آفریدگان برتری داد.

۱۸/۱

ص : ۸۷۴

چیره گرداندن بنده، بر دشمنان دین

وَ أَدِلْ لَنَا وَ لَا تُدِلْ مِنَّا

و چیرگی را برای (نفع) ما قرار ده و بر ضرر ما قرار نده.۸/۵

حفظ فرمودن بنده، از تلخی غلبه پادشاه

وَ اكْفِنَا... مَرَارَةَ صَوْلَةِ السُّلْطَانِ

و ما را از تلخی قهر و غلبه پادشاه نگهدار.

۱۰/۵

پناه بردن به خدا، از غلبه عصبیّت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... مَلَكَةِ الْحَمِيَّةِ

خداوندا به تو پناه می برم از غلبه عصبیّت.

۱/۸

پناه بردن به خدا، از چیرگی شیطان

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ يَسْتَحْوِذَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ

و پناه می بریم به تو از اینکه شیطان بر ما دست یابد.۶/۸

وَ أَسْتَعْصِمُكَ مِنْ مَلَكَتِهِ

و از تو می خواهم مرا از چیرگی او نگاه داری.

۲۷/۳۲

چیرگی ستمگر، به حقّ بنده

اللَّهُمَّ... لَا تَفْتِنْهُ بِالْأَمْنِ مِنْ إِنْكَارِكَ، فَيُصِرَّ عَلَى ظُلْمِي، وَ يُحَاضِرَنِي بِحَقِّي

خداوندا او را به ایمنی از کیفرت آزمایش نکن، تا به ستم نمودن بر من پافشاری کرده بر حقّم دست یابد.۱۲/۱۴

گرداندن سلطه شیطان، از بندگان

وَ حَوِّلْ سُلْطَانَهُ عَنَّا

و تسلّط او را از ما بردار.۹/۱۷

توانا نمودن بنده، نسبت به مسلّط شونده بر او

وَ هَبْ لِی... قُدْرَةً عَلَی مَنِ اضْطَهَدَنِی

و مرا توانایی ای بر آنکه به من تسلّط یافت، ببخش.۸/۲۰

ایمنی یافتن مغلوب، تنها توسّط غالب

لَا یُوءْمِنُ إِلَّا غَالِبٌ عَلَی مَغْلُوبٍ

شکست خورده را جز پیروز، امان نمی بخشد.

۳/۲۱

سبب غلبه زهد، بر بنده

وَ ارْزُقْنِی الرَّغْبَةَ فِی الْعَمَلِ لَکَ لِآخِرَتِی... حَتَّی یَکُونَ الْغَالِبُ عَلَیَّ الزُّهْدَ فِی دُنْیَایَ

و برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا آنکه بی رغبتی در دنیا بر من چیره شود.۸/۲۲

تسلّط شیطان و عدم تسلّط انسان

ص : ۸۷۵

سَلَّطْتَهُ مِنَّا عَلَى مَا لَمْ تُسَلِّطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ

او را بر ما تسلّط دادی، و ما را بر او تسلّطی نیست.۶/۲۵

مغلوب نمودن شیطان، از تسلّط بر بندگان

اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِکَ...

خداوندا با سلطه خود، او را از تسلّط بر ما مغلوب نما.۸/۲۵

کفّار و چیرگی بر مرزهای مسلمانان

اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِکِینَ بِالْمُشْرِکِینَ عَنْ تَنَاوُلِ أَطْرَافِ الْمُسْلِمِینَ

خداوندا مشرکان را به مشرکان مشغول گردان و از چیرگی به نواحی مسلمانان، بازدار.۱۰/۲۷

غلبه دادن مجاهد مسلمان، بر دشمن خدا

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّکَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ فِی عَیْنِهِ... وَ أَدِلْ لَهُ مِنْهُمْ

پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، آنها را در چشمش اندک نما و او را بر آنان پیروز فرما.۱۵/۲۷

چیره نساختن دشمن خدا، بر مجاهد

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّکَ وَ عَدُوَّهُ... أَدِلْ لَهُ مِنْهُمْ، وَ لَا تُدِلْهُمْ مِنْهُ

پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، او را بر آنان پیروز فرما و آنها را بر او چیره

نساز.۱۵/۲۷

جایگاه بنده، جایگاه مغلوب شده شیطان

هَذَا مَقَامُ مَنْ... اسْتَحْوَذَ عَلَیْهِ الشَّیْطَانُ

این مقام کسی است که شیطان بر او چیره گشته.۶/۳۱

توبه، و آسودگی اندام از قهر و غلبه های دردناک الهی

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ... تَوْبَةً تَسْلَمُ بِهَا کُلُّ جَارِحَةٍ عَلَى حِیَالِهَا مِنْ تَبِعَاتِکَ، وَ تَأْمَنُ مِمَا یَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنْ أَلِیمِ سَطَوَاتِکَ

خداوندا و همانا من به درگاهت توبه می کنم. توبه ای که با آن هر عضوی به سهم خود از کیفرهایت سالم مانَد و از قهرهای دردناکت که بیدادگران می ترسند، در امان باشد.۲۲/۳۱

غلبه سلطنت بی حدّ و مرز الهی

عَزَّ سُلْطَانُکَ عِزًّا لَا حَدَّ لَهُ بِأَوَّلِیَّهٍ، وَ لَا مُنْتَهَی لَهُ بِآخِرِیَّهٍ

فرمانروایی تو، چنان با عزّت است، که حدّی برای اوّلش و پایانی برای آخرش نیست.۴/۳۲

غلبه نمودن شیطان، بر بنده

وَ قَدِ اسْتَحْوَذَ عَلَیَّ عَدُوُّکَ الَّذِی اسْتَنْظَرَکَ لِغَوَایَتِی فَأَنْظَرْتَهُ

و دشمن تو که برای بیراهه بردن من از تو

ص : ۸۷۶

فرصت خواست، پس فرصتش دادی، بر من چیره شده است.۱۲/۳۲

عدم امتناع، در برابر غلبه خداوند

وَ لَا بِأَحَدٍ عَنْ سَطْوَتِکَ امْتِنَاعٌ

و هیچ کس از غلبه ات امتناع نتواند کرد.

۵/۳۶

چیره ساختن قرآن، بر هر کتاب مُنزل

وَ جَعَلْتَهُ مُهَيْمِنًا عَلَى كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ

و آن را بر هر کتابی که نازل کرده ای، چیره قرار دادی.۱/۴۲

عدم توانایی سلطانی، در برابر غلبه خدا

أَنْتَ الَّذِی... لَمْ يَقُمْ لِسُلْطَانِکَ سُلْطَانٌ

تویی آنکه در برابر سلطه و غلبه ات، سلطه و قدرتی، توانایی ندارد.۱۶/۴۷

غلبه داشتن نشانه های خدا

سُبْحَانَکَ بَاهِرَ الْآيَاتِ

پاک و منزّهی! ای که نشانه هایت آشکار است.

۳۱/۴۷

سپاسی برابر با غلبه عظمت خدا

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... يُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِکَ

سپاس برای توست. سپاسی که با غلبه بزرگی ات برابر باشد.۴۹و۳۶/۴۷

چیره ترین لشکرها

وَ امْدُدْهُ بِجُنْدِکَ الْأَغْلَبِ

و با چیره ترین لشکرت، به او کمک رسان.

۶۱/۴۷

نهراسیدن بنده، از قهر و غلبه خدا

أَنَا الَّذِی لَمْ یَرْهَبْ سَطْوَتَکَ

منم آنکه از قهر (و غلبه) تو نترسیده ام.

۸۱/۴۷

غلبه ناامیدی از رحمت خدا، بر بنده

وَ لَا تُوءْیِسْنِی مِنَ الْأَمَلِ فِیکَ فَیَغْلِبَ عَلَیَّ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِکَ

و از آرزومندی به خود ناامیدم نکن، که ناامیدی از رحمتت بر من چیره شود.۱۰۱/۴۷

مسلّط ساختن محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

وَ عَجِّلِ الْفَرَجَ... وَ الَّتمْکِینَ وَ التَّأْیِیدَ لَهُمْ

و در فرج و تسلّط دادن و تأیید آنان، شتاب فرما.۱۱/۴۸

مسلّط نساختن دشمن، بر بنده

وَ لَا تُشْمِتْ بِی عَدُوِّی... وَ لَا تُسَلِّطْهُ عَلَیَّ

و دشمنم را بر من شاد نگردان و او را بر من مسلّط نساز.۱۴/۴۸

روبرویی با قهر و غلبه های خداوند

حَلَلْتُ شِعَابَ تَلَفٍ، تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِکَ وَ بِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِکَ

به درّه های نابودی وارد شدم. در آنها، خود را در معرض غلبه ها و سخت گیری هایت قرار داده، با عقوبت هایت روبرو شدم.۲/۴۹

ترس پادشاهان، از قهر و غلبه های خدا

يَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوکُ نِيرَ الْمَذَلَّهِ عَلَى أَعْنَاقِهَا، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ

ای کسی که پادشاهان برای او یوغ خواری بر گردن هایشان نهاده اند و از قهرها و غلبه های او ترسانند.۷/۵۱

شگفت از چیرگی پادشاهی خدا

سُبْحَانَکَ مَا... أَقْهَرَ سُلْطَانَکَ

پاک و منزّهی! چه غالب است پادشاهی ات!

۴/۵۲

تسلّط دنیا، بر بنده

فَأَسْأَلُکَ يَا مَوْلَایَ... سُوءَالَ مَنْ قَدْ... اسْتَمْکَنَتْ مِنْهُ الدُّنْيَا

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که دنیا بر او تسلّط یافته است. ۹و۸/۵۲

غم اندوه

غنا بی نیازی

غیب پنهان

غیبت

به نیکی یاد کردن بنده از غیبت کننده اش

وَ سَدِّدْنِی لِأَنْ... أُخَالِفَ مَنِ اغْتَابَنِی إِلَى حُسْنِ الذِّکْرِ

و مرا توفیق ده تا با آنکه از من غیبت نموده به نیکی یاد کنم.۹/۲۰

تبدیل غیبت، به سپاس الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِی مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ... أَوِ اغْتِیَابِ مُوءْمِنٍ غَائِبٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَکَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت یا غیبت مؤمن غائب، سپاس برای خودت را قرار ده.۱۳/۲۰

ایمن ساختن بنده، از غیبتِ قصدبدکننده درباره او

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُوءْمِنَنِی مِنْ... هَمْزِهِ...

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از غیبت نمودنش ایمن سازی.۸و۷/۲۳

غیظ خشم

ص : ۸۷۸

ف

فاش کردن افشا

فامیل خویشان

فانی فنا و نیز نابودی

فایده سود

فتور سستی

فجر

دوام برکت شب قدر، تا طلوع فجر

تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَهُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ، دَائِمُ الْبَرَكَهِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ...

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، بر هر یک از بندگانش که بخواهد، برای هر کاری فرود می آیند. آن شبِ سلام (به همراه) برکتی است که تا برآمدن سپیده دم دوام دارد.

۵/۴۴

فجور فسق

فحشا زشتی

فخرفروشی

فخرفروشی و به خود نازیدن ثروتمندان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... مُبَاهَاهِ الْمُكْثِرِينَ

خداوندا به تو پناه می برم از فخر فروشی ثروتمندان.۳و۱/۸

نگه داشتن بنده، از فخر

وَ اعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ

و مرا از فخرفروشی حفظ فرما.۳/۲۰

فراخوانی

فراخواندن بنده، به پاداش یا کیفر

اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمُرِهِ قَبَضَهُ إِلَی مَا نَدَبَهُ إِلَیْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ

زمانی که حساب زندگی اش را بستاند، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه سازد.۶/۱

فراخی

فراخی در روزی و عدم شکرگزاری بنده

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَهَ حَمْدِهِ... لَتَصَرَّفُوا فِی مِنَنِهِ فَلَمْ یَحْمَدُوهُ، وَ تَوَسَّعُوا فِی رِزْقِهِ فَلَمْ

يَشْكُرُوهُ

و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند و از روزی ای که عطا فرموده، به فراخی استفاده می برند و شکرش به جا نمی آوردند.۸/۱

از زندگی فراخ، به سختی روی آوردن

وَ اشْكُرْهُمْ عَلَى... خُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَهِ الْمَعَاشِ إِلَى ضِيقِهِ

و ایشان را به خاطر آنکه از زندگی راحت به سختی افتادند، پاداش عنایت کن.۸/۴

فراخی در باغ های بهشت، برای تابعین

وَ تَفْسَحُ لَهُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ

و در باغ های بهشتت بر ایشان وسعت دهی.

۱۴/۴

بی رغبت ساختن تابعین، نسبت به فراخی (زندگی) دنیا

وَ تُزَهِّدَهُمْ فِي سَعَهِ الْعَاجِلِ

و در گشادگی دنیا آنان را بی میل نمایی.

۱۶/۴

فراخ بودن (رحمت) خدا

إِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ

همانا تو دارای رحمت وسیع و بخشش بسیار

هستی. ۲۴/۱۳

إِنَّكَ ذُو رَحْمَهٍ وَاسِعَهٍ

به درستی که تو دارای رحمت گسترده هستی.

۲۱/۴۲

فَیا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسِعَهٌ

پس ای کسی که رحمتش وسیع است.

۸/۴۸

فَإِنَّکَ وَاسِعٌ کَرِیمٌ

زیرا تو توانگر بخشنده ای.۲۸/۴۸، ۷/۲۲

آبی سودمند، با جریانی وسیع

وَ أَشْهِدْ مَلَائِکَتَکَ الْکِرَامَ السَّفَرَهَ. بِسَقْیٍ مِنْکَ نَافِعٍ... وَاسِعٍ دِرَرُهُ

و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود که جاری شدنش بسیار باشد، آماده ساز.۲/۱۹

فراخی دادن روزی ها، با آب

وَ تُوَسِّعُ بِهِ فِی الْأَقْوَاتِ

و با آن روزی ها فراخی دهی.۳/۱۹

فراخ بودن روزی خداوند

وَ أَوْسِعْ عَلَیَّ فِی رِزْقِکَ

و روزی ات را بر من بگستر.۳/۲۰

وَ افْتَحْ لِی أَبْوَابَ... رِزْقِکَ الْوَاسِعِ

و درهای روزی فراخت را بر من بگشای.

۱۳۲/۴۷

فراخ ترین روزی، در هنگام پیری

وَ اجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِکَ عَلَیَّ إِذَا کَبِرْتُ

و فراخ ترین روزی ات را بر من، زمانی که پیر شدم قرار ده.۱۱/۲۰

تنگ گرفتن والدین بر خود جهت فراخی و گشایش فرزند

وَ أَیْنَ إِقْتَارُهُمَا عَلَی أَنْفُسِهِمَا لِلتَّوْسِعَهِ عَلَیَّ؟!

و تنگی هایی که آن دو (پدر و مادرم) برای گشایش من بر خود گرفته اند، چه می شود؟

۱۰/۲۴

فراخی روزی حلال

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُوسَعِ عَلَیْهِمُ الرِّزْقُ الْحَلَالُ مِنْ فَضْلِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) از فضلت روزی حلال برای آنان سرشار شده، قرار ده.

۱۱و۱۰/۲۵

فراخ بودن فضل و بخشش خداوند

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُوسَعِ عَلَیْهِمُ الرِّزْقُ الْحَلَالُ مِنْ فَضْلِکَ، الْوَاسِعِ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به جود و کرم تو از فضل گسترده ات روزی حلال برای آنان سرشار شده، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

فراخ نمودن سینه بنده، در مقدّرات

وَ وَسِّعْ بِمَوَاقِعِ حُکْمِکَ صَدْرِی

و سینه ام را به احکام (مقدّرات) خود، فراخ ساز.۳/۳۵

روان گرداندن فراخی روزی ها، به سوی بندگان

وَ سُقْ إِلَیْنَا بِهِ رَغَدَ الْعَیْشِ وَ خِصْبَ سَعَهِ الْأَرْزَاقِ

و به وسیله آن (قرآن)، آسایش زندگی و توسعه روزی های فراوان را به سوی ما سوق بده.

۱۲/۴۲

عامل فراخ گشتن تنگی لحدهای بندگان

وَ افْسَحْ لَنَا بِرَحْمَتِکَ فِی ضِیقِ مَلَاحِدِنَا

و به رحمتت، تنگی لحدهایمان را برای ما گشاد گردان.۱۴/۴۲

فراهم نمودن تندرستی و فراخی، برای بنده

وَ اجْمَعْ لِیَ الْغِنَی... وَ الصِّحَّهَ وَ السَّعَهَ

و بی نیازی و تندرستی و فراخی را، برایم فراهم ساز.۱۳۰/۴۷

رحمت خدا، فراخ تر از گناهان بنده

إِنِّی... لَمَغْفِرَتُکَ وَ رَحْمَتُکَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِی

همانا آمرزش و رحمت تو، از گناهانم وسیع تر است.۴/۴۸

افزودن فراخی آنچه نزد خداست، برای بنده

وَ زِدْنِی مِنْ فَضْلِکَ وَ سَعَهِ مَا عِنْدَکَ

و برایم از فضل و فراخی آنچه نزد توست، بیفزا.۲۸/۴۸

فرار گریز

فراغت

فراغت تن و سپاس نعمت

وَ اجْعَلْ... فَرَاغَ أَبْدَانِنَا فِی شُکْرِ نِعْمَتِکَ

و آسایش تن هایمان را در سپاس گزاری نعمت خود قرار ده.۱۴/۵

فراغت، همراه با سلامتی (از آفات)

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَهٍ، لَا تُدْرِکُنَا فِیهِ تَبِعَهٌ

و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد.۲/۱۱

فراغت در زهد

وَ ارْزُقْنِی... فَرَاغًا فِی زَهَادَهٍ

و مرا فراغت در زهد، روزی فرما.۲۷/۲۰

فراغت از جنگ با دشمن

وَ فَرِّغْهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ لِعِبَادَتِکَ

و خاطرشان را از سرگرمی به جنگ با دشمن، برای عبادت خویش آسوده ساز.۷/۲۷

چشاندن مزه فراغت، به بنده

وَ أَذِقْنِی طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَهٍ مِنْ سَعَتِکَ

و به وسیله گشایشی از گشایشگری ات، طعم فراغت برای (پرداختن به) آنچه را دوست داری، به من بچشان.۱۲۵/۴۷

فراق جدایی

فراگیر (شامل)

احاطه و فراگیری علم خداوند

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ

پس سپاس او را، به شماره آنچه علمش - از همه چیزها - به آن احاطه دارد.۲۷/۱

ملك فراگیر خداوند

يَحْوِينَا مُلْكُكَ وَ سُلْطَانُكَ

سلطه و فرمانروایی توست که ما را فرا می گیرد.۱۰/۶

ص : ۸۸۲

رحمت و علم فراگیر خداوند

أَنْتَ الَّذِی وَسِعْتَ کُلَّ شَیْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا

تویی آنکه با رحمت و دانش، همه چیز را دربر گرفته ای.۵/۱۶

شرط مشمول دعای بنده قرار گرفتن

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ شَهِدَ لَکَ بِالرُّبُوبِیَّهِ...

خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که به پروردگاری ات گواهی داد، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

(درخواست) ابری فراگیر

وَ انْشُرْ عَلَیْنَا رَحْمَتَکَ بِغَیْثِکَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ... وَ تُوَسِّعُ بِهِ فِی الْأَقْوَاتِ، سَحَابًا... طَبَقًا...

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابر، بر ما بگستران. و با آن روزی ها فراخی دهی. ابری فراگیر.

۳و۱/۱۹

فراگیری درخواست بنده، درباره همه دشمنان

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ أَعْدَاءَکَ فِی أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ... وَ سَائِرِ أُمَمِ الشِّرْکِ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و دیگر امّت های مشرک.۹/۲۷

احاطه عفو خدا، بر ستمکاران

وَ کَمْ قَدْ شَمِلَ عَفْوُکَ الظَّالِمِینَ

و چه بسیار عفوت که ستمگران را فرا گرفت.

۹/۳۹

رهایی دادن بنده، از احاطه شیطان

وَ إِنِ اشْتَمَلَ عَلَیْنَا عَدُوُّکَ الشَّیْطَانُ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ

و اگر دشمن تو شیطان، بر ما چیره شده، پس ما را از او رهایی ده.۱۶/۴۴

نعمت و بخشش فراگیر خداوند

یَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَی عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ وَ الْفَضْلِ، وَ غَمَرَهُمْ بِالْمَنِّ وَ الطَّوْلِ

ای آنکه با احسان و تفضّل، مورد ستایش بندگانت قرار گرفته ای و با بخشش و نعمت، ایشان را فراگرفته ای.۱۸/۴۵

احاطه خدا، بر همه چیز

وَ هُوَ بِکُلِّ شَیْءٍ مُحِیطٌ

و او به هر چیزی احاطه دارد.۲/۴۷

احاطه نداشتن مکانی، بر خداوند

أَنْتَ الَّذِی لَا یَحْوِیکَ مَکَانٌ

تویی آنکه مکانی تو را فرانمی گیرد.۱۶/۴۷

پاداشی فراگیرنده همه پاداش ها

ص : ۸۸۳

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... یَسْتَغْرِقُ کُلَّ جَزَاءٍ جَزَاوءُهُ

سپاس برای توست. سپاسی که جزایش همه جزاها را فراگیرد.۴۲و۳۶/۴۷

درودی فراگیرنده درودهای جنّ و انس

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاهً... تَشْتَمِلُ عَلَی صَلَوَاتِ عِبَادِکَ مِنْ جِنِّکَ وَ إِنْسِکَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای بندگانت از جن و اِنست و اجابت کنندگان دعوتت را شامل شود.

۵۴/۴۷

درودی فراگیرنده همه درودها

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، صَلَاهً تُحِیطُ بِکُلِّ صَلَاهٍ سَالِفَهٍ وَ مُسْتَأْنَفَهٍ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست، درودی که هر درود گذشته و تازه ای را فراگیرد.

۵۵/۴۷

کاستی ای فراگیرنده بنده

وَ حُلْ بَیْنِی وَ بَیْنَ... مَنْقَصَهٍ تَرْهَقُنِی

و میان من و نقیصه ای که مرا فرامی گیرد، جدایی انداز.۹۹/۴۷

رسواییِ فراگیرنده

وَ لَا تَرْمِ بِی رَمْیَ... مَنِ اشْتَمَلَ عَلَیْهِ الْخِزْیُ مِنْ عِنْدِکَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از جانب تو خواری او را شامل شده.۱۰۴/۴۷

عفو فراگیر الهی

فَلَوْ لَا الْمَوَاقِفُ الَّتِی أُوءَمِّلُ مِنْ عَفْوِکَ الَّذِی شَمِلَ کُلَّ شَیْءٍ لَأَلْقَیْتُ بِیَدِی

پس اگر جایگاهی که از بخشایشت آرزومندم و هر چیزی را فرامی گیرد نبود، خود را هلاک می ساختم. ۳/۵۰

قدمت فراگیری عفو الهی

وَ إِنْ تَعْفُ عَنِّی فَقَدِیمًا شَمَلَنِی عَفْوُکَ

و اگر از من درگذری، پس از دیرزمانیست که بخشایشت مرا فراگرفته است.۴/۵۰

احاطه شدن بنده، به وسیله گناهانش

أَتَنَصَّلُ إِلَیْکَ مِنْ ذُنُوبِیَ الَّتِی قَدْ أَوْبَقَتْنِی، وَ أَحَاطَتْ بِی فَأَهْلَکَتْنِی

به درگاه تو از گناهانم که تباهم ساخته و مرا فراگرفته تا هلاکم کند، پوزش می طلبم.۸/۵۱

فراموشی

خدا و فراموش نکردن ازدست داده ها

فَلَا تَنْسَ لَهُمُ اللَّهُمَّ مَا تَرَکُوا لَکَ وَ فِیکَ

پس خداوندا آنچه را برای تو و در راه تو رها

کردند برای آنان از نظر دور ندار.۷/۴

پذیرش دعوت شیطان ، علی رغم عدم فراموشی بدی های او

وَ مَنْ... أَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَى السُّوءِ مِنِّی حِینَ أَقِفُ بَیْنَ دَعْوَتِکَ وَ دَعْوَهِ الشَّیْطَانِ فَأَتَّبِعُ دَعْوَتَهُ عَلَى غَیْرِ عَمًى مِنِّی فِی مَعْرِفَهٍ بِهِ وَ لَا نِسْیَانٍ مِنْ حِفْظِی لَهُ؟

و چه کسی از من بر اعمال زشت بی باک تر است، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم با آنکه در شناخت او کور و در شناخت بدی های او فراموشکار نیستم؟۲۳/۱۶

حفظ آنچه بنده فراموش کرده، برای او

وَ احْفَظْ لَنَا مَا نَسِینَاهُ

و آنچه فراموشش کردیم برای ما نگهدار.

۱۶/۱۷

عطای خداوند و عدم فراموشی یاد او

وَ لَا تَجْعَلْنِی نَاسِیًا لِذِکْرِکَ فِیما أَوْلَیْتَنِی

و مرا فراموشکارِ یادت در آنچه به من عطا نمودی، قرار نده.۸/۲۱

فراموشی و توفیق انجام واجبات

وَ اقْضِ عَنِّی کُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِیهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَیَّ... ذَکَرْتُهُ أَوْ نَسِیتُهُ

و مرا به انجام آنچه بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده. خواه آن را به یاد داشته یا فراموشش کرده باشم.۶/۲۲

از یاد نبردن پدر و مادر

اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِی ذِکْرَهُمَا فِی أَدْبَارِ صَلَوَاتِی...

خداوندا یاد آنان را بعدِ نمازهایم، از یادم نبر.

۱۳/۲۴

فراموش کردن شیطان و فراموش نشدن توسّط او

لَا یَنْسَی إِنْ نَسِینَا

اگر فراموشش کنیم، او (ما را) فراموش نمی کند. ۶/۲۵

فراموشی و اصلاح حال بنده

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِکُلِّ مَا یُصْلِحُنِی فِی دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی مَا ذَکَرْتُ مِنْهُ وَ مَا نَسِیتُ

و هر چه در دنیایم و آخرتم به صلاحم است، چه آن را به یاد آوردم یا آنچه فراموش کردم، بر من ارزانی دار.۹/۲۵

مرزدار اسلام و فراموشی دنیای فریبنده

وَ أَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِکْرَ دُنْیَاهُمُ الْخَدَّاعَهِ الْغَرُورِ

و هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده

گول زننده را از خاطرشان ببر.۴/۲۷

فراموشی دادن قلوب مشرکان، از حیله

وَ أَذْهِلْ قُلُوبَهُمْ عَنِ الِاحْتِيَالِ

و قلب هایشان را از چاره جویی بی خبر ساز.

۱۱/۲۷

مجاهد مسلمان و از خاطر بردن یاد زن و فرزند

وَ أَنْسِهِ ذِكْرَ الْأَهْلِ وَ الْوَلَدِ

و یاد خانواده و فرزند را فراموشش ساز.

۱۳/۲۷

بنده و فراموشی گرفتاری ها

اللَّهُمَّ وَ عَلَيَّ... تَبِعَاتٌ قَدْ نَسِيتُهُنَّ

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است که فراموش کرده ام.۱۸/۳۱

علم فراموشی ناپذیر خداوند

اللَّهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبِعَاتٌ... وَ كُلُّهُنَّ بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ عِلْمِكَ الَّذِي لَا يَنْسَى

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است و همه آنها پیش چشم تو که نمی خوابد و در علم تو که فراموش نمی کند، قرار دارد.۱۸/۳۱

عدم فراموشی کار ناپسند گذشته

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّي بِسُوءِ أَثَرِي، وَ لَا نِسْيَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِيمِ فِعْلِي

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم و از فراموشیِ کردار نکوهیده گذشته ام نیست.

۲۶/۳۱

فراموشی، سبب ستم نمودن بر خود

اللَّهُمَّ وَ مَا... اكْتَسَبْنَا فِيهِ مِنْ خَطِيئَةٍ عَلَى تَعَمُّدٍ مِنَّا، أَوْ عَلَى نِسْيَانٍ ظَلَمْنَا فِيهِ أَنْفُسَنَا... فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِكَ

خداوندا و خطایی که ما در آن (ماه) از روی عمد زیر بارش رفتیم، یا فراموشی ای که در آن به خود ستم کردیم؛ پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان.۴۷/۴۵

از خاطر نبردن یاد خدا

وَ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ

و یاد خود را از خاطرم نبر.۱۱۴/۴۷

در گروه فراموش شدگان بودن

مَوْلَايَ وَ ارْحَمْنِي إِذَا... كُنْتُ مِنَ الْمَنْسِيِّينَ كَمَنْ قَدْ نُسِيَ

مولای من! هنگامی که مانند کسی که فراموش شده، از فراموش شدگان گردم، به من رحم کن.

۵/۵۳

ص : ۸۸۶

فراوانی

پاداش سرشار و فراوان الهی

اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمُرِهِ قَبَضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ

زمانی که حساب زندگی اش را بستاند، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه سازد.۶/۱

فراوانی نعمت های پیوسته الهی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَهَ حَمْدِهِ عَلَی مَا... أَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعَمِهِ الْمُتَظَاهِرَهِ، لَتَصَرَّفُوا فِی مِنَنِهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ

و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بر نعمت های آشکار که برای آنها تمام کرده بازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند.

۸/۱

فراوانی ستم دیدگانِ قدم بردارنده، در جهت ارجمندی دین خدا

وَ اشْكُرْهُمْ عَلَى... مَنْ كَثَّرْتَ فِی إِعْزَازِ دِينِكَ مِنْ مَظْلُومِهِمْ

و آن افراد بسیاری را که به خاطر ارجمند ساختن دینت ستم ها دیدند، پاداش عنایت کن.

۸/۴

بخشش از زیادی عطای خداوند

وَ إِنَّمَا يُعْطِی الْمُعْطُونَ مِنْ فَضْلِ جِدَتِكَ

و به درستی که بخشندگان از زیادی عطای تو می بخشند. ۱۱/۵

بی نیازی، به زیادی و فزونی قوّت خدا

اللَّهُمَّ إِنَّمَا يَكْتَفِی الْمُكْتَفُونَ بِفَضْلِ قُوَّتِكَ

خداوندا به درستی که بی نیازان به فزونی نیروی تو بی نیاز می شوند.۱۱/۵

فراوان ساختن نیکی ها برای بندگان، در هر روز

وَ أَجْزِلْ لَنَا فِیهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ

و در آن روز خوبی ها را برای ما بسیار گردان.

۱۴/۶

کم بودن خواسته بسیار بنده، نزد خدا

وَ عَلِمْتُ أَنَّ كَثِيرَ مَا أَسْأَلُكَ يَسِيرٌ فِی وُجْدِكَ

و دانستم هر چه از تو زیاد درخواست کنم نزد (دارایی) تو اندک است.۱۹/۱۳

دلالت قرآن، بر بخشش های فراوان خدا

إِنَّ ذَلِکَ... لَا يَؤُودُكَ فِی جَزِيلِ هِبَاتِكَ الَّتِی دَلَّتْ عَلَيْهَا آيَاتُكَ

بدرستی که این در برابر بخشش های بسیارت که نشانه هایت بر آن دلالت دارد بر تو سنگین

ص : ۸۸۷

نمی باشد.۳۴/۱۶

بسیار نبودن آنچه پایانش نیستی است

فَغَیْرُ کَثِیرٍ مَا عَاقِبَتُهُ الْفَنَاءُ

زیرا آنچه سرانجامش نابودیست، زیاد نیست.

۳/۱۸

گستراندن رحمت خدا، به باران فراوان

وَ انْشُرْ عَلَیْنَا رَحْمَتَکَ بِغَیْثِکَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابر بر ما بگستران. ۱/۱۹

آبی با فراوانی دائم

وَ أَشْهِدْ مَلَائِکَتَکَ الْکِرَامَ السَّفَرَهَ. بِسَقْیٍ مِنْکَ نَافِعٍ، دَائِمٍ غُزْرُهُ

و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود - که فراوانی اش همیشگی باشد - آماده ساز.۲/۱۹

سیراب شدن، با باران فراوان

اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَیْثًا مُغِیثًا... غَزِیرًا

خداوندا ما را از بارانی ثمربخش و پُر آب، سیراب گردان.۴/۱۹

وسیله فراوان ساختن دارایی بنده

وَ وَفِّرْ مَلَکَتِی بِالْبَرَکَهِ فِیهِ

و دارایی ام را با برکت، افزون ساز.۲۳/۲۰

فراوانی رحمت الهی

وَ لَا أَنَالُ مَا عِنْدَکَ إِلَّا بِطَاعَتِکَ وَ بِفَضْلِ رَحْمَتِکَ

و نائل به آنچه نزد توست نیستم، جز با اطاعت (از) تو و به فزونی رحمت تو.۶/۲۱

عطای خویشان، همراه با منّت و نکوهش فراوان آنها

إِنْ أَلْجَأْتَنِی إِلَی قَرَابَتِی حَرَمُونِی، وَ إِنْ أَعْطَوْا أَعْطَوْا قَلِیلًا نَکِدًا، وَ مَنُّوا عَلَیَّ طَوِیلًا، وَ ذَمُّوا کَثِیرًا

اگر مرا به خویشانم محتاج سازی، محرومم کنند و اگر عطا کنند، اندک و ناگوار عطا کرده اند و بر من منّت بسیار نهند و نکوهش فراوان کنند.

۳/۲۲

بزرگی و فراوانی عطای الهی

هُوَ، یَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَیْتَهُ عَلَیَّ وَ أَغْفَلْتُهُ أَنَا مِنْ نَفْسِی، فَأَدِّهِ عَنِّی مِنْ جَزِیلِ عَطِیَّتِکَ وَ کَثِیرِ مَا عِنْدَکَ

آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم. پس آن را از عطای بزرگ و فراوانی که نزد توست، از جانب من ادا کن.

۷/۲۲

بسیار شمردن نیکویی اندک والدین

وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا أَقَرَّ لِعَیْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ... حَتَّی... أَسْتَکْثِرَ بِرَّهُمَا بِی وَ إِنْ قَلَّ

و اطاعت از پـدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر قرار ده. تا نیکی ایشان را درباره خود - اگرچه اندک باشد - بسیار شمارم.۵/۲۴

کم دانستن نیکویی بسیار خود ، درباره والدین

وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا أَقَرَّ لِعَیْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ... حَتَّی... أَسْتَقِلَّ بِرِّی بِهِمَا وَ إِنْ کَثُرَ

و اطـاعت از پـدر و مـادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر قرار ده. تا نیکی خود را درباره ایشان - اگرچه بسیار باشد - اندک بدانم.۵/۲۴

فراوان گرداندن روزی فرزندان، به دست والدین

وَ أَدْرِرْ لِی وَ عَلَی یَدِی أَرْزَاقَهُمْ

و برای من و به دست من روزی هایشان را بسیار نما.۲/۲۵

فراوان گرداندن بخشش های مرزداران اسلام

اللَّهُمَّ... أَسْبِغْ عَطَایَاهُمْ مِنْ جِدَتِکَ

خداوندا از دارایی خویش، بخشش های آنان را فراوان ساز.۱/۲۷

فراوان ساختن تعداد مرزداران اسلام

وَ کَثِّرْ عِدَّتَهُمْ

و بر تعدادشان بیفزا.۲/۲۷

فراوان ساختن دارایی مرزداران اسلام

اللَّهُمَّ وَ قَوِّ بِذَلِکَ مِحَالَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ... وَ ثَمِّرْ بِهِ أَمْوَالَهُمْ

خداوندا و به وسیله آن، تدبیر مسلمانان را قوّت بخش و ثروت هایشان را بیفزا.۷/۲۷

وسیله رهاندن بنده، از وام

وَ أَجِزْنِی مِنْهُ بِوُسْعٍ فَاضِلٍ أَوْ کَفَافٍ وَاصِلٍ

و مرا با ثروتِ فراوان و روزیِ کافی، از آن (قرض) نجات ده.۲/۳۰

منکر احسان بسیار خداوند

تَعَاطَی مَا نَهَیْتَ عَنْهُ تَغْرِیرًا... کَالْمُنْکِرِ فَضْلَ إِحْسَانِکَ إِلَیْهِ

با بی باکی آنچه از آن نهی نموده ای، انجام داده. مانند انکارکننده بسیاری فضل تو به خودش.

۶/۳۱ و۷

بسیاری معصیت و نافرمانی بنده

و کَثُرَ عَلَیَّ مَا أَبُوءُ بِهِ مِنْ مَعْصِیَتِکَ

و معصیتت که بر دوش کشم، بر من زیاد است.

۱۰/۳۲

خوراک جنین، از زیادی خوراک مادر

ص : ۸۸۹

جَعَلْتَ لِی قُوتًا مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجْرَیْتَهُ لِأَمَتِکَ الَّتِی أَسْکَنْتَنِی جَوْفَهَا

از زیادی خوردنی و آشامیـدنی که برای کنیزت مقرّر فرموده بودی، برایم خوراک قرار دادی. همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی. ۲۴/۳۲

پناه بردن از آتش، به بسیاری رحمت خدا

وَ أَجِرْنِی مِنْهَا بِفَضْلِ رَحْمَتِکَ

و مرا به بسیاری رحمتت از آن (آتش) ایمن ساز. ۳۲/۳۲

حرمت های بسیار ماه رمضان

فَأَبَانَ فَضِیلَتَهُ عَلَی سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرُمَاتِ الْمَوْفُورَهِ

پس فضیلت آن را بر سایر ماه ها، به حرمت های فراوان آشکار ساخت.۴/۴۴

تعجّب از فراوانی بخشش خدا

مَا... أَسْبَغَ عَلَیْنَا مِنَّتَکَ

چه سرشار است بر ما بخشش تو!۱۸/۴۵

فراوانی آزادشدگان خدا، در ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا أَکْثَرَ عُتَقَاءَ اللَّهِ فِیکَ!

درود بر تو. چه بسیار است آزادشدگان (از عذاب) خدا در تو!.۳۰/۴۵

آرزومندی فراوان دل، به ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا کَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْسِ عَلَیْکَ! وَ أَشَدَّ شَوْقَنَا غَدًا إِلَیْکَ!

درود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حریص بودیم! و فردا چه سخت به سوی تو مشتاقیم!.

۴۱/۴۵

ادای اندکی از بسیار، در ماه رمضان

وَ أَدَّيْنَا فِيهِ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ

و در آن اندكی از بسیار را انجام دادیم.

۴۴/۴۵

بسیاری بازگشتِ (مغرور به كرم خدا)، در كیفر

مَا أَطْوَلَ تَرَدُّدَهُ فِی عِقَابِكَ

چه طولانی است پی درپی بازگشتن او، در كیفرت!۲۰/۴۶

فراوان تر بودن نعمت خدا، از به شمارش درآمدن

وَ نِعْمَتُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى بِأَسْرِهَا

و نعمت تو بیشتر از آنست كه تمامش به شماره آید.۲۳/۴۶

بسیاری احسان خدا

وَ إِحْسَانُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْكَرَ عَلَى أَقَلِّهِ

ص : ۸۹۰

و احسان تو افزون تر از آنست که بر کمترین آن شکر توان کرد.۲۳/۴۶

خدا و عدم فزونی مانندی بر او

أَنْتَ الَّذِی... لَا عِدْلَ لَکَ فَیُکَاثِرَکَ

تویی آنکه همانندی برایت نیست، تا در فزونی با تو رقابت کند.۲۰/۴۷

یاری شدن کوشنده در بسیاری سپاس

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُعَانُ مَنِ اجْتَهَدَ فِی تَعْدِیدِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که هر که در بسیاری آن کوشید، یاری گردد.۴۵و۳۶/۴۷

فراوانی سپاس، سبب افزایش نعمت

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُوجِبُ بِکَرَمِکَ الْمَزِیدَ بِوُفُورِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که با بسیاری اش به همراه کرمت، فراوانی (نعمت) را لازم گرداند.

۴۸و۳۶/۴۷

درودی فراوان، بر محمّد صلی الله علیه و آله

وَ صَلِّ عَلَیْهِ صَلَاةً نَامِیَةً لَا تَکُونُ صَلَاةٌ أَنْمَی مِنْهَا

و بر او درود فرست، درود فراوانی که درودی فراوان تر از آن نباشد.۵۱/۴۷

فراوان گشتن بهره محمّد صلی الله علیه و آله و آلش، از نعمت ها و سودهای الهی

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحَلِکَ وَ کَرَامَتِکَ... وَ تُوَفِّرُ عَلَیْهِمُ الْحَظَّ مِنْ عَوَائِدِکَ وَ فَوَائِدِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که با آن بخشش و کرامتت را برای ایشان بسیار سازی و بهره یِ آنان را از نعمت ها و سودهایت فراوان گردانی.۵۷/۴۷

فراوانی عطای خدا، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا یَوْمُ عَرَفَهَ یَوْمٌ... أَجْزَلْتَ فِیهِ عَطِیَّتَکَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که عطایت را در آن فراوان نموده ای.۶۶/۴۷

فراوانی محبّت خداوند

لَا تَمْنِحْنِی بِمَا لَا طَاقَهَ لِی بِهِ فَتَبْهَظَنِی مِمَّا تُحَمِّلُنِیهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِکَ

آنچه طاقتش را ندارم به من نبخش، که پشتم را از فزونی دوستی ات که بر دوشم گذارده ای، بشکنی.۱۰۲/۴۷

فراوانی نعمت های الهی

وَ جَلِّلْنِی سَوَابِغَ نَعْمَائِکَ

و مرا به نعمت های گسترده خود فراپوش.

۱۱۲/۴۷

وَ تَمِّمْ سُبُوغَ نِعْمَتِکَ عَلَیَّ

و فراخی نعمتت را بر من تمام کن.۱۲۸/۴۷

فراوانی نصیب بنده، از احسان خدا

وَ وَفِّرْ عَلَيَّ حُظُوظَ الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْضَالِكَ

و نصیب مرا از احسان، به فضل خود فراوان گردان.۱۲۹/۴۷

بسیار نمودن سهم بنده، از بخشش ها

وَ أَجْزِلْ لِي قِسَمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ

و سهم مرا از بخشش ها به لطف خود فراوان کن.۱۲۹/۴۷

فراوان گرداندن نصیب بنده ، از نیکیِ قسمت شونده میان مؤمنان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ... أَوْ تُعْطِيهِمْ بِهِ خَيْرًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی را قسمت می نمایی، یا خیری از خیرهای دنیا و آخرت را به ایشان عطا می کنی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.

۲/۴۸

شمارِ بسیارِ دشمنان

فَنَظَرْتَ يَا إِلَهِي إِلَى... وَحْدَتِي فِي كَثِيرِ عَدَدِ مَنْ نَاوَانِي

ای خدای من، پس تو تنهایی ام را در برابر

(سپاهیانِ) بی شمار کسی که با من دشمنی کرده، مشاهده کردی.۵/۴۹

اقرار به فراوانی نعمت ها

هَذَا مَقَامُ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمِ

این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده است.۱۵/۴۹

احسان خدا و فراوان ساختن نعمت

إِلَهِی أَحْمَدُکَ... عَلَی مَا... أَسْبَغْتَ عَلَیَّ مِنْ نِعْمَتِکَ

خدای من، تو را سپاس گزارم بر نعمتت که بر من فراوان داشتی.۱/۵۱

سزاواری سپاس، در برابر بسیاری بخشش

إِلَهِی أَحْمَدُکَ - وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ - عَلَی... جَزِیلِ عَطَائِکَ عِنْدِی

خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی، بر بسیاری عطاها و بخشش هایت درباره من.۱/۵۱

سزاواری سپاس، در برابر فراوانی نعمت

إِلَهِی أَحْمَدُکَ - وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ - عَلَی... سُبُوغِ نَعْمَائِکَ عَلَیَّ

خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی، بر فراخی نعمت هایت بر من.۱/۵۱

عدم فراوانی نعمت، و عدم دست یابی به

بهره خود

وَ لَوْ لَا إِحْسَانُکَ إِلَیَّ وَ سُبُوغُ نَعْمَائِکَ عَلَیَّ مَا بَلَغْتُ إِحْرَازَ حَظِّی

و اگر احسان تو به من و فراوانی نعمت هایت بر من نبود، هیچگاه به بهره خود نمی رسیدم.

۲/۵۱

روشن گرداندن چشم بنده، به نعمت وافر

إِلَهِی... کَمْ مِنْ نِعْمَهٍ سَابِغَهٍ أَقْرَرْتَ بِهَا عَیْنِی

خدای من، چه بسیار نعمت فراخی که دیده ام را به آن روشن نمودی!۳/۵۱

فراوان یافتن نعمت های خدا

وَ وَجَدْتُ نُعْمَاکَ عَلَیَّ سَابِغَهً فِی کُلِّ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِی وَ کُلِّ زَمَانٍ مِنْ زَمَانِی

و نعمت هایت را بر خود، در هر حالی از حالم و هر وقتی از اوقاتم، گسترده یافتم.۵/۵۱

بسیاری اندوه ها

أَشْکُو إِلَیْکَ یَا إِلَهِی... کَثْرَهَ هُمُومِی

ای خدای من، از بسیاری اندوه هایم، به تو شکایت می کنم.۱۰/۵۱

فراوانی نعمت، علّت فریفتگی دل ها

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ... قَلْبُهُ مَفْتُونٌ بِکَثْرَهِ النِّعَمِ عَلَیْهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که دلش به سبب زیادی نعمت ها بر او، فریفته شده.۸/۵۲

بسیار دانستن گناهان

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ... سُوءَالَ مَنِ اسْتَکْثَرَ ذُنُوبَهُ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که گناهانش را بسیار دانسته است.۹و۸/۵۲

بازگشت به فراوانی بخشش خداوند

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُثْنِیَنِی بِالْکَثِیرِ مِنْ کَرَامَتِکَ بِرَحْمَتِکَ

خدای من، از تو می خواهم که با رحمت خویش مرا به بسیارِ بخشش خود بازگردانی.

۱۰/۵۲

مرتکب گناهان بسیار

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ سُؤَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ... وَ کَثُرَتْ ذُنُوبُهُ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند، و گناهانش بسیار است.۳/۵۴

فرجام عاقبت

ص : ۸۹۳

فرح شادی

فردا

فردا و سؤال شدن از بنده

وَ اسْتَعْمِلْنِی بِمَا تَسْأَلُنِی غَدًا عَنْهُ

و مرا به کاری که فردا از آن بازپرسی می نمایی وادار. ۳/۲۰

فردا و اشتیاق به رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا کَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْسِ عَلَیْکَ! وَ أَشَدَّ شَوْقَنَا غَدًا إِلَیْکَ!

درود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حریص بودیم! و فردا چه سخت به سوی تو مشتاقیم!.

۴۱/۴۵

فرزند

اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و جدا شدن از زن و فرزند خود

وَ فَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَ الْأَوْلَادَ فِی إِظْهَارِ کَلِمَتِهِ

و در راه آشکار نمودن دین او، از زنان و فرزندان خود جدا شدند.۴/۴

درود خدا بر فرزندان تابعین اصحاب

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی التَّابِعِینَ... وَ عَلَی ذُرِّیَّاتِهِمْ، وَ عَلَی مَنْ أَطَاعَکَ مِنْهُمْ

خداوندا و بر تابعین و فرزندانشان و بر هر کسی از آنها که فرمان تو را برده، درود فرست.

۱۳/۴

فرزندان با ایمان و پناهگاه بازدارنده از شرّ شیطان

وَ اجْعَلْ... أَوْلَادَنَا... مِنَ الْمُوءْمِنِینَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِنْهُ فِی حِرْزٍ حَارِزٍ، وَ حِصْنٍ حَافِظٍ، وَ کَهْفٍ مَانِعٍ

و فرزندان ما از مردان و زنان با ایمان را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم و دژی نگهدارنده و پناهگاهی بازدارنده قرار

ده.۱۰/۱۷

پناه جستن از خدا، برای خود و فرزندان

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ...

و من و فرزندانم را از شیطانِ رانده شده پناه ده. ۶/۲۳

درود خدا بر محمّد صلی الله علیه و آله و فرزندانش

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ذُرِّیَّتِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندان او و نسل او درود فرست.۱۲/۲۴

دعا برای فرزندان

اللَّهُمَّ وَ مُنَّ عَلَیَّ بِبَقَاءِ وُلْدِی... إِلَهِی امْدُدْ لِی فِی أَعْمَارِهِمْ، وَ زِدْ لِی فِی آجَالِهِمْ، وَ رَبِّ لِی صَغِیرَهُمْ، وَ قَوِّ لِی ضَعِیفَهُمْ، وَ أَصِحَّ لِی أَبْدَانَهُمْ وَ أَدْیَانَهُمْ وَ أَخْلَاقَهُمْ، وَ عَافِهِمْ فِی أَنْفُسِهِمْ وَ فِی جَوَارِحِهِمْ وَ فِی کُلِّ مَا عُنِیتُ بِهِ مِنْ

أَمْرِهِمْ، وَ أَدْرِرْ لِی وَ عَلَی یَدِی أَرْزَاقَهُمْ. وَ اجْعَلْهُمْ أَبْرَارًا أَتْقِیَاءَ بُصَرَاءَ سَامِعِینَ مُطِیعِینَ لَکَ... اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضُدِی، وَ أَقِمْ بِهِمْ أَوَدِی، وَ کَثِّرْ بِهِمْ عَدَدِی، وَ زَیِّنْ بِهِمْ مَحْضَرِی، وَ أَحْیِ بِهِمْ ذِکْرِی، وَ اکْفِنِی بِهِمْ فِی غَیْبَتِی، وَ أَعِنِّی بِهِمْ عَلَی حَاجَتِی، وَ اجْعَلْهُمْ لِی مُحِبِّینَ... وَ أَعِنِّی عَلَی تَرْبِیَتِهِمْ وَ تَأْدِیبِهِمْ، وَ بِرِّهِمْ، وَ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُکُورًا، وَ اجْعَلْ ذَلِکَ خَیْرًا لِی، وَ اجْعَلْهُمْ لِی عَوْنًا عَلَی مَا سَأَلْتُکَ

خداوندا و بر من به بقای فرزندانم منّت گذار. خداوندا عمرشان را برای من دراز گردان و در مدّت عمرشان برایم بیفزا و خردسالشان را برای من پرورش ده و ناتوانشان را برایم نیرومند نما و بدن و دین و اخلاقشان را برای من سالم بدار و آنان را در جان و اعضا و کارهایشان - که برای من مهم است - تندرستی ده و برای من و به دست من روزی هایشان را بسیار نما. و آنان را نیکوکارانی پرهیزکار و دانا و شنوا و فرمانبر خود قرار ده. خداوندا بازوی مرا به وسیله آنان محکم گردان و کجی مرا به وسیله ایشان راست فرما و تعداد مرا به وسیله آنها بیفزا و مجلس مرا به وسیله ایشان آراسته نما و یاد مرا به وسیله آنها زنده گردان و در غایب بودنم، ایشان را جانشین من فرما و در برآمدن حاجتم به وسیله آنان یاری ام ده و آنان را دوستدار من قرار ده. و مرا بر تربیت و ادب آموختن و نیکی به ایشان یاری نما. و از نزد خود

افزون بر ایشان، پسران دیگری به من ببخش و آن را برای من خیر قرار ده و ایشان را برای من، بر آنچه از تو خواستم، مددکار قرار ده.۵-۱/۲۵

تربیت، تأدیب و احسان به فرزندان

وَ أَعِنِّی عَلَی تَرْبِیَتِهِمْ وَ تَأْدِیبِهِمْ، وَ بِرِّهِمْ

و مرا بر تربیت و ادب آموختن و نیکی به ایشان یاری نما.۵/۲۵

بخشیدن فرزندان نرینه، به بنده

وَ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُکُورًا، وَ اجْعَلْ ذَلِکَ خَیْرًا لِی

و از نزد خود افزون بر ایشان، پسران دیگری به من ببخش و آن را برای من خیر قرار ده.

۵/۲۵

پناه دادن بنده و فرزندانش، از شیطان

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ

و مرا و فرزندانم را از شیطانِ رانده شده، پناه ده. ۶/۲۵

درخواست از خدا برای خود و فرزندان، و شمول آن درباره مؤمنان

وَ أَعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُوءْمِنِينَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِی سَأَلْتُکَ لِنَفْسِی وَ لِوَلَدِی...

و به همه مردان و زنان مسلمان و مردان و

ص : ۸۹۵

زنان با ایمان، مانندِ آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم، ببخش.۱۲/۲۵

مجاهد و از خاطر بردن یاد زن و فرزند

وَ أَنْسِهِ ذِكْرَ الْأَهْلِ وَ الْوَلَدِ

و یاد خانواده و فرزند را فراموشش ساز.

۱۳/۲۷

فرزند نداشتن و فرزند کسی نبودن خدا

إِنَّكَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذِی لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُولَدْ وَ لَمْ یَكُنْ لَكَ كُفُوًا أَحَدٌ

به درستی که تو تنها یکتای بی نیازی که فرزند نیاوردی و زاییده نشدی و هیچ کس مانند تو نبوده است.۵/۳۵

فرستاده

گردآمدن با پیامبران مرسل، در بهشت

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نُضَامُّ بِهِ أَنْبِیَاءَهُ الْمُرْسَلِینَ فِی دَارِ الْمُقَامَهِ الَّتِی لَا تَزُولُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، با پیامبران فرستاده اش گرد آییم، در سرای ماندگاری که جاودانی است.۱۶و۱۰/۱

برابری ننمودن هیچ پیامبر مرسلی ، با محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ... إِلَى الدَّرَجِهِ الْعُلْیَا مِنْ جَنَّتِكَ حَتَّى... لَا یُوَازِیَهُ لَدَیْكَ... نَبِیٌّ مُرْسَلٌ

خداوندا، او را به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر. تا آنکه نزد تو هیچ پیامبر فرستاده شده ای با او برابری نکند.۲۴و۲۳/۲

درود خدا بر فرشتگان رساننده غیب، به رسولانش

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ حُمَّالِ الْغَیْبِ إِلَى رُسُلِكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و آنها که رسانندگان اخبار نهانی بر رسولانت می باشند.۱۰/۳

درود خدا، بر فرشتگان فرستاده شده بر زمینیان

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ رُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَهِ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرستادگانت از فرشتگان، به سوی اهل زمین.۱۷و۱۱و۱۰/۳

درود فرستادن خدا، بر فرستادگانش

اللَّهُمَّ وَ إِذَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ، وَ بَلِّغْتَهُمْ صَلَاتَنَا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْنَا...

ص : ۸۹۶

خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما درود فرست.۲۶/۳

وَ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَى أَنْبِیَائِکَ الْمُرْسَلِینَ

و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر پیامبران فرستاده شده ات درود فرستادی.۵۶/۴۵

ایمان واقعیِ پیروان رسولان

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ... عِنْدَ... الِاشْتِیَاقِ إِلَى الْمُرْسَلِینَ بِحَقَائِقِ الْإِیمَانِ...

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگانِ پیامبران، هنگامی که مشتاقانه با ایمانی واقعی به پیامبران روی آوردند...۱/۴

علاقه مندی پیروان رسولان، به ایشان

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ - مِنْ - أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَیْبِ عِنْدَ... الِاشْتِیَاقِ إِلَى الْمُرْسَلِینَ بِحَقَائِقِ الْإِیمَانِ... فَاذْکُرْهُمْ مِنْکَ بِمَغْفِرَةٍ وَ رِضْوَانٍ

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگانِ پنهانیِ پیامبران از اهل زمین، هنگامی که مشتاقانه با ایمانی واقعی به پیامبران روی آوردند، پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن.۲و۱/۴

رسول خدا صلی الله علیه و آله و اصحابش، دعوت کننده به سوی خدا

...وَ کَانُوا مَعَ رَسُولِکَ دُعَاةً لَکَ إِلَیْکَ

و برای تو با پیامبرت دعوت کننده به سوی تو بوده اند.۷/۴

محمّد صلی الله علیه و آله ، فرستاده خدا

أَنِّی أَشْهَدُ... أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ و خِیَرَتُکَ مِنْ خَلْقِکَ

همانا من شهادت می دهم که محمّد بنده تو و فرستاده ات و برگزیده تو از بین آفریدگانت است.

۲۲و۲۱/۶

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات درود فرست.۱/۲۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمّد درود فرست.۱۸/۲۷

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ کَمَا بَلَّغَ رِسَالَتَکَ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات درود فرست. همچنانکه رسالت تو را ابلاغ کرد.

۱۷/۴۲

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ...

خداوندا، از تو درخواست می کنم که بر محمّد بنده و فرستاده ات درود فرستی.۳/۴۸

ص : ۸۹۷

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَى...

و درود خدا بر سرور ما، محمّد، فرستاده خدا که برگزیده است باد.۹/۵۴

مهتر فرستادگان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ...

خداوندا بر محمّد - آخِر پیامبران و سرور فرستادگان - درود فرست.۱۵/۱۷

زیارت قبر رسول صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ، وَ زِيَارَهِ قَبْرِ رَسُولِكَ...

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره و زیارت قبر پیامبرت.۴/۲۳

به پا کننده جنگ، برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

وَ أَعِذْنِي وَ ذُرِّيَّتِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِكَ وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ

و من و فرزندانم را از شرّ هر جنّ و انس که برای پیامبرت و خاندان او جنگی به پا نمودند، پناه ده.۶/۲۳

رسولان گرامی، در جایگاه های حاضران، در آخرت

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِي بِعَفْوِكَ... فَأَجِرْنِي مِنْ فَضِيحَاتِ

دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِكَهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ الرُّسُلِ الْمُكَرَّمِينَ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و پیامبران بزرگوار، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

نفرستادن آفت، بر روزی بندگان

وَ لَا تُرْسِلْ عَلَى مَعَايِشِنَا عَاهَةً

و زیانی بر معیشت ما نفرست.۲/۳۶

فرستادن ابرها، از روی خشم الهی

اللَّهُمَّ وَ إِنْ كُنْتَ... أَرْسَلْتَهَا سَخْطَةً فَإِنَّا نَسْتَجِيرُكَ مِنْ غَضَبِكَ

خداوندا و اگر آن (ابرها) را از روی خشم فرستاده ای، پس ما از خشمت، از تو امان می خواهیم. ۳/۳۶

پیامبران مرسل، بهره مند از پاداش الهی

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَّغَ مِنْ رِسَالَاتِكَ... أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ الْمُصْطَفَيْنَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را ابلاغ نمود، پاداش ده. بهترین پاداشی که به یکی از فرشتگان نزدیک خود و پیامبران فرستاده شده برگزیده ات دادی.۲۲/۴۲

نماز و سنّت رسول خدا صلی الله علیه و آله

وَ أَنْزِلْنَا فِیهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّینَ لَهَا فِی أَوْقَاتِهَا عَلَی مَا سَنَّهُ عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ...

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سنّتی که بنده و رسول تو قرار داد - به جا آورده اند.۹/۴۴

پیامبران مرسل، و عبادت در رمضان

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فِیهِ... مِنْ مَلَکٍ قَرَّبْتَهُ، أَوْ نَبِیٍّ أَرْسَلْتَهُ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حقّ کسانی که در آن (ماه)، تو را بندگی کرده اند؛ از فرشته ای که او را مقرّب ساختی، یا پیامبری که او را فرستادی، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.

۱۲/۴۴

درود فرستادگان خدا، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاهً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِکَتِکَ وَ أَنْبِیَائِکَ وَ رُسُلِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای فرشتگان و پیامبران و فرستادگان تو را فراگیرد.۵۴/۴۷

عامل برپایی سنّت های رسول خدا صلی الله علیه و آله

وَ أَقِمْ بِهِ... سُنَنَ رَسُولِکَ

و روش های پیامبرت را به وسیله او (ولیّ خود) به پا دار.۶۲/۴۷

تقرّب جستن به خدا و رسولش

وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِینَ... وَ إِلَیْکَ وَ إِلَی رَسُولِکَ صَلَوَاتُکَ اللَّهُمَّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ بِذَلِکَ مُتَقَرِّبِینَ

و ما را برای او شنوندگان و بدین وسیله جویای تقرّب به سوی خود و پیامبرت - که خداوندا درودهایت را بر او و خاندانش بفرست - قرار ده.۶۳/۴۷

تصدیق کنندگان رسول خدا صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنِی مِنْ أَهْلِ... التَّصْدِیقِ بِرَسُولِکَ

خداوندا و مرا از باورداران به پیامبرت قرار ده. ۱۲/۴۸

تکذیب رسل، و عدم کاهش فرمانروایی خداوند

سُبْحَانَکَ لَا یَنْقُصُ سُلْطَانَکَ مَنْ... کَذَّبَ رُسُلَکَ

پاک و منزّهی! کسی که پیامبرانت را دروغگو شمارد، از فرمانروایی ات نمی کاهد.۳/۵۲

تصدیق نمودن فرستادگان خداوند

وَ صَدَّقْتُ رُسُلَکَ

و پیامبرانت را تصدیق نمودم.۶/۵۲

ص : ۸۹۹

رسول خدا صلی الله علیه و آله ، تسبیح کننده خدا با نام بزرگش

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ الَّذِی أَمَرْتَ رَسُولَکَ أَنْ یُسَبِّحَکَ بِهِ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به آن نام بزرگت که پیامبرت را فرمان دادی که تو را با آن تسبیح گوید، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی.۱۰/۵۲

فرشته

سپاسی تنگ کننده جا بر فرشتگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُزَاحِمُ بِهِ مَلَائِکَتَهُ الْمُقَرَّبِینَ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، جا را بر فرشتگان مقرّب تنگ نماییم.۱۶و۱۰/۱

نزدیک ترین فرشتگان الهی و ستودن خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِکُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ أَدْنَی مَلَائِکَتِهِ إِلَیْهِ...

و سپاس خدای را، به هر سپاسی که نزدیک ترین فرشتگانش، او را ستوده اند.۲۵/۱

برابری نکردن هیچ فرشته مقرّبی ، با پیامبر صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ بِمَا کَدَحَ فِیکَ إِلَی الدَّرَجِهِ الْعُلْیَا مِنْ جَنَّتِکَ حَتَّی... لَا یُوَازِیَهُ لَدَیْکَ مَلَکٌ مُقَرَّبٌ

خداوندا، او را به سبب رنجی که در راه (دین) تو کشید، به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر. تا آنکه نزد تو هیچ فرشته مقرّبی با او برابری نکند.

۲۴و۲۳/۲

درود خدا بر فرشتگان و بیان ویژگی، اسما و مسؤولیت ایشان

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ لَا یَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِیحِکَ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

خداوندا و حاملان عرشت که از تسبیح تو سستی نمی کنند، پس بر آنها درود فرست.

۶و۱/۳

إِسْرَافِیلُ صَاحِبُ الصُّورِ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

اسرافیل، صاحب صور، پس بر آنها درود فرست.۶و۲/۳

مِیکَائِیلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَکَ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

میکائیل که نزد تو دارای مقام والا است، پس بر آنها درود فرست.۶و۳/۳

وَ جِبْرِیلُ الْأَمِینُ عَلَی وَحْیِکَ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

و جبرئیل که امین وحی توست، پس بر آنها درود فرست.۶و۴/۳

وَ الرُّوحُ الَّذِی هُوَ عَلَی مَلَائِکَهِ الْحُجُبِ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

و روح، همان که او بر فرشتگان حجاب ها گماشته شده، پس بر آنها درود فرست.۶و۵/۳

وَ الرُّوحُ الَّذِی هُوَ مِنْ أَمْرِکَ، فَصَلِّ عَلَیْهِمْ، وَ عَلَی

الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ مِنْ دُونِهِمْ: مِنْ سُکّانِ سَمَاوَاتِکَ، وَ أَهْلِ الْأَمَانَهِ عَلَی رِسَالَاتِکَ

و روح، که از عالم امر تو می باشد، پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند، در آسمان هایت ساکنند و بر رساندن پیام هایت امانت دارند.۶/۳

وَ الَّذِینَ لَا تَدْخُلُهُمْ سَأْمَهٌ مِنْ دُؤُوبٍ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

و همانها که از کوشش دائمی دلتنگ نمی شوند، پس بر ایشان درود فرست.۱۰و۷/۳

الْخُشَّعُ الْأَبْصَارِ فَلَا یَرُومُونَ النَّظَرَ إِلَیْکَ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

(آنان که) دیدگان را به زیر افکنده و قصد نگریستن سوی تو را ندارند، پس بر ایشان درود فرست. ۱۰و۸/۳

وَ الَّذِینَ یَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَی جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَی أَهْلِ مَعْصِیَتِکَ: سُبْحَانَکَ مَا عَبَدْنَاکَ حَقَّ عِبَادَتِکَ. فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

و همانهایی که چون دوزخ را می نگرند که بر گنهکاران شعله می کشد، گویند: «منزّهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم»، پس بر ایشان درود فرست.۱۰و۹/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت.۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که به خود اختصاصشان داده ای.۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ عَلَی أَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَـمَامِ وَعْدِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که بر اطراف آن آسمان هایند، آنگاه که فرمان تمام شدن وعده ات نازل شود.۱۲و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ... خُزَّانِ الْمَطَرِ وَ زَوَاجِرِ السَّحَابِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که خزانه داران باران و حرکت دهندگان ابرند.

۱۳و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ الَّذِی بِصَوْتِ زَجْرِهِ یُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ...

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و آنکه با صدای رانـدنش، بانگ رعـدها شنیده می شود.

۱۴و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ مُشَیِّعِی الثَّلْجِ وَ الْبَرَدِ...

ص : ۹۰۱

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و همراهی کنندگان برف و تگرگ.۱۵و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ عَرَّفْتَهُمْ مَثَاقِیلَ الْمِیَاهِ...

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که وزن آب ها را به آنان شناسانده ای.۱۶و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ رُسُلِکَ مِنَ الْمَلَائِکَهِ إِلَی أَهْلِ الْأَرْضِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرستادگانت از فرشتگان، به سوی اهل زمین.

۱۷و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ السَّفَرَهِ الْکِرَامِ الْبَرَرَهِ...

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و سفیران بزرگوارِ نیکوکار.۱۸و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ لَا یَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ، وَ یَفْعَلُونَ مَا یُوءْمَرُونَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنان که خدا را در آنچه به آنان امر کرده، سرپیچی نمی کنند و

آنچه به آنان فرمان داده شده، انجام می دهند.

۱۹و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ یَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَیْکُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنان که (به بهشتیان) می گویند: درود بر شما، به پاس بردباری ای که نمودید، پس چه نیکوست فرجام این سرای.۲۰و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ الزَّبَانِیَهِ الَّذِینَ إِذَا قِیلَ لَهُمْ: خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِیمَ صَلُّوهُ. ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا، وَ لَمْ یُنْظِرُوهُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و آن پاسبانانی که چون به آنها گفته شود: او را بگیرد و در زنجیرش کشید، سپس به دوزخ افکنید، به سرعت به او حمله برند و مهلتش ندهند.۲۱و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ مَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ...

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّ_ان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و هر (فرشته ای) که نامش را نبردیم.۲۲و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ سُكَّانِ الْهَوَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ الْمَاءِ، وَ مَنْ

ص : ۹۰۲

مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و ساکنان هوا و زمین و آب و هر کدام از آنان که بر خلق مشغولند.

۲۳و۱۱و۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَأْتِى كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ

...پس بر آنها درود فرست، روزی که هر شخص با راننده ای و گواهی (از فرشتگان) بیاید.

۲۴/۳

صَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً تَزِيدُهُمْ كَرَامَةً عَلَى كَرَامَتِهِمْ وَ طَهَارَةً عَلَى طَهَارَتِهِمْ

بر آنان درود فرست، درودی که کرامتی بر کرامتشان و پاکی ای بر پاکیشان بیفزاید.۲۵/۳

فرشتگانی با مرتبه ای پایین تر از دیگران

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ، وَ عَلَى الْمَلَائِكَهِ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ

...پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند.۶/۳

درود خدا بر روحانیّون از فرشتگان الهی

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت.۱۰/۳

اصناف گوناگون فرشتگانِ مختصّ خدا

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ الَّذِينَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که به خود اختصاصشان داده ای.۱۱و۱۰/۳

بی نیازی فرشتگان از خوردن و آشامیدن

وَ أَغْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَقْدِيسِكَ

و آنان را به ذکر تقدیس خود، از خوردنی و آشامیدنی بی نیاز نموده ای.۱۱/۳

درود خدا، بر فرشتگان و رسولانش

اللَّهُمَّ وَ إِذَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ، وَ بَلَّغْتَهُمْ صَلَاتَنَا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ

خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر (زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست.۲۶/۳

رساندن درود بندگان، به فرشتگان

اللَّهُمَّ وَ إِذَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ، وَ بَلَّغْتَهُمْ صَلَاتَنَا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْنَا...

خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر

(زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست.۲۶/۳

قرار دادن گواه صادقی از فرشتگان، برای بندگان

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِی کُلِّ سَاعَهٍ مِنْ سَاعَاتِهِ... شَاهِدَ صِدْقٍ مِنْ مَلَائِکَتِکَ

خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این روز، گواه صادقی از فرشتگانت قرار ده.

۱۶/۶

جای دادن فرشتگان، در آسمان و زمین

وَ أُشْهِدُ سَمَاءَکَ وَ أَرْضَکَ وَ مَنْ أَسْکَنْتَهُمَا مِنْ مَلائِکَتِکَ وَ سَائِرِ خَلْقِکَ

و آسمانت و زمینت و آنچه در آن دو جای دادی از فرشتگان و سایر آفریدگانت را شاهد می گیرم. ۲۱/۶

فرشتگان و آب رسانی به بندگان

وَ أَشْهِدْ مَلَائِکَتَکَ الْکِرَامَ السَّفَرَهَ. بِسَقْیٍ مِنْکَ نَافِعٍ

و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود، آماده ساز.۲/۱۹

یاری دادن مرزداران اسلام، به فرشتگان

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِکَهٍ مِنْ عِنْدِکَ مُرْدِفِینَ

و آنان را از جانب خود با فرشتگانی که پی در پی آیند، یاری فرما.۸/۲۷

برانگیخته شدن لشکری از فرشتگان، علیه مشرکان

وَ ابْعَثْ عَلَیْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِکَتِکَ...

و بر آنان سپاهی از فرشتگانت بفرست.

۱۱/۲۷

فرشتگان مقرّب ، در جایگاه گواهان (در قیامت)

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ، وَ الرُّسُلِ الْمُکَرَّمِینَ

خداونـدا و اکنون که مرا به بخشـایشت پوشانـدی، پس از رسوایی هـای سـرای بـاقی، نزد جایگـاه های شاهـدان؛ از فرشـتگان ارجمند و پیامبران بزرگوار، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

فرشته مرگ و گرفتن جان ها

وَ تَجَلَّی مَلَکُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُیُوبِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن (جان ها)، از پرده های پنهانی ها آشکار گردد.۱۳/۴۲

اعمال فرشته مرگ

وَ تَجَلَّی مَلَکُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُیُوبِ، وَ رَمَاهَا عَنْ قَوْسِ الْمَنَایَا بِأَسْهُمِ وَحْشَهِ الْفِرَاقِ، وَ دَافَ لَهَا مِنْ ذُعَافِ الْمَوْتِ کَأْسًا مَسْمُومَهَ الْمَذَاقِ

ص : ۹۰۴

و فرشته مرگ برای گرفتن آن از پرده های پنهانی ها آشکار گردد و آن را با تیرهای وحشت جدایی از کمان آرزوها نشانه گیرد و برای آن (جان ها)، جامی از شوکران مرگ - که چشیدن آن زهرآلود است - آمیخته سازد.۱۳/۴۲

بهترین پاداشِ داده شده به فرشته مقرّب را به پیامبر صلی الله علیه و آله دادن

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَّغَ مِنْ رِسَالَاتِکَ... أَفْضَلَ مَا جَزَیْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را ابلاغ نمود، پاداش ده. بهترین پاداشی که به یکی از فرشتگان نزدیک خود دادی.۲۲/۴۲

فرود آمدن فرشتگان و روح، در شب قدر

تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَةُ وَ الرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند.۵/۴۴

فرشتگان، و آوردن طاعات بنده به درگاه خدا

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نَتَقَرَّبَ إِلَیْکَ فِیهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّاکِیَهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ... حَتَّی لَا یُورِدَ عَلَیْکَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِکَتِکَ إِلَّا دُونَ مَا نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاعَهِ لَکَ، وَ أَنْوَاعِ الْقُرْبَهِ إِلَیْکَ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با

اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جوییم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی. تا هیچ یک از فرشتگانت به درگاهت نیاورد، مگر کمتر از طاعت های گوناگون برای تو و انواع تقرّبی که به سوی تو انجام می دهیم.۱۱و۱۰/۴۴

درخواست از خدا، به حقّ فرشته مقرّبش

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فِیهِ... مِنْ مَلَکٍ قَرَّبْتَهُ، أَوْ نَبِیٍّ أَرْسَلْتَهُ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حقّ کسانی که در آن (ماه)، تو را بندگی کرده اند؛ از فرشته ای که او را مقرّب ساختی، یا پیامبری که او را فرستادی، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.

۱۲/۴۴

درود بر فرشتگان مقرّب

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ نَبِیِّنَا وَ آلِهِ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی مَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ

خداوندا بر محمّد پیامبرمان و خاندانش درود فرست. همچنانکه بر فرشتگان مقرّبت درود فرستادی.۵۶/۴۵

درودی جمع کننده درودهای فرشتگان

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ...

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود

ص : ۹۰۵

فرست، درودی که درودهای فرشتگان تو را فرا گیرد.

۵۴/۴۷

یاری شدن ولیّ خدا، به وسیله فرشتگان

وَ انْصُرْهُ بِمَلَائِكَتِكَ

و با فرشتگانت یاری اش نما.۶۱/۴۷

فرصت

کمین گرفتن ستمگر و فرصت مناسب شکار

وَ كَمْ مِنْ بَاغٍ... أَضْبَأَ إِلَيَّ إِضْبَاءَ السَّبُعِ لِطَرِيدَتِهِ انْتِظَارًا لِانْتِهَازِ الْفُرْصَهِ لِفَرِيسَتِهِ

و چه بسیار ستمگری که همانند در کمین نشستن درنده ای برای شکارش، با چشم به راهی برای غنیمت دانستن وقت مناسبی برای شکار، در کمین من نشست.۷/۴۹

فرقان

قرآن، فرقان و جداکننده حقّ و باطل

وَ جَعَلْتَهُ... فُرْقَانًا فَرَقْتَ بِهِ بَيْنَ حَلَالِكَ وَ حَرَامِكَ

و آن را جداکننده ای قرار دادی که به وسیله آن بین حلال و حرامت را جدا کردی.۲و۱/۴۲

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... شَهْرَ الْقِيَامِ الَّذِى أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ، هُدًى لِلنَّاسِ، وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان، ماه به پا خواستن را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فروفرستاده شد که برای مردم هدایتگر و نشانه های آشکار از هدایت و جدا سازی (حقّ از باطل) است.۳/۴۴

آشکار گشتن حقّ، با فرقان الهی

مَا... أَصْدَعَ بِالْحَقِّ فُرْقَانَكَ!

چه آشکارکننده حقّ است کتاب فرق گذار (قرآن) تو!۲۲/۴۷

فرمان احکام

عدم تردید در فرمان الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا... جَنَّبَنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَ الشَّكِّ فِی أَمْرِهِ

سپاس خدای را که ما را از کج روی و شک در امر خود، دور ساخت.۱۰/۱

حکمت فرمان های الهی

ثُمَّ أَمَرَنَا لِيَخْتَبِرَ طَاعَتَنَا

سپس ما را فرمان داد تا اطاعت پذیریمان را بیازماید. ۲۱/۱

آماده شدن پیامبر صلی الله علیه و آله ، برای انجام امر الهی

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ... كَمَا نَصَبَ لِأَمْرِكَ نَفْسَهُ

ص : ۹۰۶

خداوندا بر محمّد – امین وحیت – درود فرست، همچنان که او برای فرمان تو خود را به تلاش انداخت.۴و۳/۲

فرشتگان و اختیار ننمودن کوتاهی در امر خدا

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ... لَا یُوءْثِرُونَ التَّقْصِیرَ عَلَی الْجِدِّ فِی أَمْرِکَ

خداوندا و حاملان عرشت که در فرمان تو کوتاهی را بر کوشش اختیار نمی کنند...۱/۳

اسرافیل، منتظر فرمان خدا

إِسْرَافِیلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاخِصُ الَّذِی یَنْتَظِرُ مِنْکَ الْإِذْنَ، وَ حُلُولَ الْأَمْرِ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه و رسیدن فرمان توست.

۲/۳

توفیق امر به معروف

وَفِّقْنَا فِی یَوْمِنَا هَذَا وَ لَیْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِی جَمِیعِ أَیَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَیْرِ... وَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ

در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی و امر به معروف، توفیق ده.

۱۸/۶

یاری نطلبیدن از حکم کننده ای، جز خدا

اللَّهُمَّ... لَا أَسْتَعِینُ بِحَاکِمٍ غَیْرِکَ

خداوندا از حکم کننده ای جز تو یاری نمی جویم. ۱۱/۱۴

فرمان خدا، به دعا

أَنَا یَا إِلَهِی عَبْدُکَ الَّذِی أَمَرْتَهُ بِالدُّعَاءِ

من – ای خدای من – بنده توام که او را به نیایش کردن فرمان دادی.۱۳/۱۶

لَا تَحْجُبْ دُعَائِی عَنْکَ وَ قَدْ أَمَرْتَنِی بِهِ

دعایم را از خود بازندار، که خود مرا به آن امر فرموده ای.۹/۲۵

اللَّهُمَّ فَهَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُکَ مُطِيعًا لِأَمْرِکَ فِيما أَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ

خداونـدا، اکنون این من هسـتم که به نزد تو آمـده ام، در حـالی که فرمـان تو را که به دعـا کردن امر نموده ای، اطـاعت کرده ام.۱۱/۳۱

وَ دَعَوْکَ بِأَمْرِکَ

و به فرمانت، تو را خواندند.۱۶/۴۵

فرمانبری از فرمان خدا، به دعا و لبّیک به آن

أَنَا يَا إِلَهِی عَبْدُکَ الَّذِی أَمَرْتَهُ بِالدُّعَاءِ، فَقَالَ: لَبَّيْکَ وَ سَعْدَيْکَ

من – ای خدای من – بنده توام که او را به نیایش کردن فرمان دادی. پس گفت: اطاعت می کنم و گوش به فرمانم.۱۳/۱۶

اللَّهُمَّ فَهَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُکَ مُطِيعًا لِأَمْرِکَ فِيما أَمَرْتَ بِهِ

ص : ۹۰۷

مِنَ الدُّعَاءِ

خداونـدا، اکنون این من هسـتم که به نزد تو آمـده ام، در حـالی که فرمـان تو را که به دعـا کردن امر نموده ای، اطـاعت کرده ام.۱۱/۳۱

فرمان دشمنی کردن با شیطان

نَأْمُرُ بِمُنَاوَاتِهِ، مَنْ أَطَاعَ أَمْرَنَا

هر که فرمان ما را پیروی کند، به دشمنی او فرمان دهیم.۱۴/۱۷

حکم کردن بنده، به زیان خود

مَا لِی بَعْدَ أَنْ حَکَمْتُ عَلَی نَفْسِی إِلَّا فَضْلُکَ

پس از آنکه خود را محکوم کردم، چیزی جز فضل تو ندارم.۱۵/۲۰

نبودن فرمانی با فرمان خدا، برای بنده

لَا أَمْرَ لِی مَعَ أَمْرِکَ

با فرمان تو، مرا فرمانی نیست.۶/۲۱

فرمان خدا، به اطاعت از خود

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالصِّحَّهِ... وَ الْقُوَّهِ عَلَی مَا أَمَرْتَنِی بِهِ مِنْ طَاعَتِکَ

و با تندرستی و توانایی بر انجام طاعتت – که مرا به آن فرمان داده ای – بر من منّت گذار.

۳/۲۳

فرمان الهی و رغبت به پاداش

فَإِنَّکَ... أَمَرْتَنَا وَ نَهَیْتَنَا وَ رَغَّبْتَنَا فِی ثَوَابِ مَا أَمَرْتَنَا

همانا تو ما را امر و نهی نموده ای و در پاداش آنچه ما را امر کردی، رغبتمان داده ای.۶/۲۵

کوتاهی بنده، به انجام فرمان خدا

فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرْتَ بِهِ تَفْرِيطًا

پس با سهل انگاری، از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده.۶/۳۱

کردار زشت، و فرمان الهی

اسْتَغَاثَ بِکَ مِنْ... قَبِیحِ مَا فَضَحَهُ فِی حُکْمِکَ

از (کار) زشتی که در حکم تو رسواگر است، از تو کمک خواسته.۹/۳۱

فرمان دادن خدا و ترک فرمان او

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَمَرْتَنِی فَتَرَکْتُ

خداوندا همانا تو مرا امر کردی، پس ترک گفتم. ۱۶/۳۲

تسلیم شدن در برابر فرمان الهی

وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَهَ الِاخْتِیَارِ، وَ اجْعَلْ ذَلِکَ ذَرِیعَهً إِلَی الرِّضَا بِمَا قَضَیْتَ لَنَا وَ التَّسْلِیمِ لِمَا حَکَمْتَ

و معرفت (کار) خیر را به ما الهام فرما و آن را وسیله خوشنودی به آنچه برای ما مقدّر فرمودی و تسلیم به آنچه حکم نمودی، قرار ده.۲/۳۳

آگاهی از فرمان الهی و تجاوز از آن

ص : ۹۰۸

كَمْ... أَمْرٍ قَدْ وَقَفْتَنَا عَلَيْهِ فَتَعَدَّيْنَاهُ

چه بسیار امری که ما را بر آن آگاه کردی، پس ما از آن تعدّی نمودیم.۲/۳۴

فرمان خدا به شنیدن سخنان محمّد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِینَ وَ مُطِیعِینَ كَمَا أَمَرْتَ

و همان طور که فرمان داده ای ما را در برابر ایشان گوش به فرمان و مطیع قرار ده.۵/۳۴

سرپیچی از امر خدا و عدم شتاب او در کیفر نافرمان

فَأَمَّا الْعَاصِی أَمْرَكَ وَ الْمُوَاقِعُ نَهْیَكَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنَقِمَتِكَ

و امّا آنکه امر تو را سرپیچی کند و نهی تو را به جا آورد، پس به کیفرش شتاب نکردی.۱۴/۳۷

نگه داشتن بنده و فرمان خدا

قِنِی مَا یُوجِبُ لَهُ حُكْمُكَ، وَ خَلِّصْنِی مِمَّا یَحْكُمُ بِهِ عَدْلُكَ

مرا از آنچه حکم تو را واجب می گرداند، نگهدار و از آنچه عدل تو را حکم می کند، خلاص گردان.۵/۳۹

پیامبر صلی الله علیه و آله ، بیان کننده فرمان خدا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ كَمَا... صَدَعَ

بِأَمْرِكَ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات درود فرست. همچنانکه فرمانت را با صدای رسا بیان کرد.۱۷/۴۲

فرمان خدا، به روزه ماه رمضان

فَصُمْنَا بِأَمْرِكَ نَهَارَهُ

پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم.

۲۱/۴۵

مهلت خدا و بازگشت بنده به فرمانش

إِنَّمَا تَأَنَّيْتَ بِهِمْ لِيَفِيؤُوا إِلَى أَمْرِكَ

همانا از این رو با آنان درنگ کرده ای، تا به فرمان تو بازگردند.۱۷/۴۶

بازگشت گفتار و کردار بندگان، به فرمان خدا

كُلُّهُمْ صَائِرُونَ، إِلَى حُكْمِكَ، وَ أُمُورُهُمْ آئِلَةٌ إِلَى أَمْرِكَ

همه ایشان به حکم تو می رسند و کردارشان به فرمان تو خواهد رسید.۱۸/۴۶

برگزیدگان خدا، برای فرمان او

رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی.

۵۶/۴۷

دوستان ائمه علیهم السلام ، تسلیم فرمان ایشان

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ... الْمُسَلِّمِينَ لِأَمْرِهِمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که تسلیم شدگانِ فرمان ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

خلاف فرمان خدا عمل کردن

نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ

او را از نافرمانی نهی کردی، پس با فرمانت مخالفت نموده، به نهیت شتافت.۶۸/۴۷

آمدن به درگاه خدا، از درهای فرمان داده شده

وَ إِنِّي وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... أَتَيْتُكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتَى مِنْهَا

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی از همان درهایی که فرمان داده ای از آنها وارد شوند، نزد تو آمده ام.۷۲/۴۷

فرمان خدا و پیشی گرفتن به نیکی ها

وَ سَهِّلْ لِي مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ، وَ الْمُسَابَقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتَ

و راه خیرات به سوی خود و پیشی گرفتن به آنها را از جهتی که فرمان داده ای، برای من آسان گردان.۹۴/۴۷

برگزیدگان خدا و تغییر یافته دیدن حکم الهی

...حَتَّى عَادَ صِفْوَتُكَ وَ خُلَفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ... يَرَوْنَ حُكْمَكَ مُبَدَّلًا

...تا اینکه برگزیدگان و جانشینان تو، مغلوب شده، می بینند که احکامت تغییر یافته است.

۹/۴۸

حکم خدا و درخواست بنده

اسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَ طَلَبْتُ إِلَيْكَ وَ رَغِبْتُ فِيهِ إِلَيْكَ، وَ أَرِدْهُ وَ قَدِّرْهُ وَ اقْضِهِ وَ أَمْضِهِ

همه آنچه را که از تو خواسته ام و طلب کرده ام و به آن میل نموده ام، برایم مستجاب فرما و آن را بخواه و مقدّر کن و فرمان ده و اجرا کن.۲۸/۴۸

حکم خدا و خیر بنده

خِرْ لِی فِیما تَقْضِی مِنْهُ

به من در آنچه از آن برایم حکم می کنی، خیر ده.۲۸/۴۸

نپسندیدن حکم خدا، و عدم توانایی بر بازگرداندن فرمانش

لَیْسَ یَسْتَطِیعُ مَنْ کَرِهَ قَضَاءَکَ أَنْ یَرُدَّ أَمْرَکَ

کسی که حکم تو را نپسندید، نمی تواند فرمانت را بازگرداند.۳/۵۲

ص : ۹۱۰

فرمان خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله ، جهت تسبیح او به اسم عظیم

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ الَّذِی أَمَرْتَ رَسُولَکَ أَنْ یُسَبِّحَکَ بِهِ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به آن نام بزرگ که پیامبرت را فرمان دادی که تو را با آن تسبیح گوید، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی. ۱۰/۵۲

یقین داشتن به نفوذ امر الهی

أَسْأَلُکَ... یَقِینًا تَنْفَعُ بِهِ مَنِ اسْتَیْقَنَ بِهِ حَقَّ الْیَقِینِ فِی نَفَاذِ أَمْرِکَ

از تو یقینی می خواهم که به وسیله آن هر کس را که به نافذ بودن امر تو یقین پیدا کند، سود می دهی.۳/۵۴

ویژگی های فرمان خدا:

أ. بر اساس عدالت بودن

أَنِّی أَشْهَدُ أَنَّکَ... عَدْلٌ فِی الْحُکْمِ

همانا من شهادت می دهم که تو دادگر در حکمی.۲۱/۶

مَا أَقْنَطَهُ مِنْ سُهُولَهِ الْمَـخْرَجِ عَدْلًا مِنْ قَضَائِکَ لَا تَجُورُ فِیهِ

چه ناامید است از به آسانی رهایی یافتن! (همه گرفتاری هایش) از روی عدل در حکم

توست، که در آن ستم نمی کنی.۲۰/۴۶

أَنْتَ الَّذِی... قَضَیْتَ فَکَانَ عَدْلًا مَا قَضَیْتَ، وَ حَکَمْتَ فَکَانَ نِصْفًا مَا حَکَمْتَ

تویی آنکه قضاوت کردی و قضاوتت از روی عدل بود و حکم دادی و حکمت از روی انصاف بود.۱۵/۴۷

ب. شمول آن به هر چه و هر که خدا اراده کند

إِنَّکَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَ تَحْکُمُ مَا تُرِیدُ

بدرستی که تو آنچه می خواهی انجام می دهی و آنچه اراده نمایی حکم می کنی.

۳۴/۱۶

تَحْکَمُ بِمَا شِئْتَ عَلَی مَنْ شِئْتَ، وَ تَقْضِی بِمَا أَرَدْتَ فِیمَنْ أَرَدْتَ

به هر چه خواستی، بر هر کس خواستی، حکم می کنی و به آنچه خواستی، بر هر کس خواستی، فرمان می رانی.۵/۳۶

ج. اجرا گشتن

مَاضٍ فِیَّ حُکْمُکَ

حکم تو درباره من جاری است.۶/۲۱

مَا... أَنْفَذَ أَمْرَکَ

چه نافذ است فرمانت!۴/۵۲

د. نیکو بودن

ص : ۹۱۱

قَضَاوءُكَ خِيَرَةٌ

فرمانت خیر است.۴/۴۵

ه‍ـ. هادی و راهنما بودن

أَمْرُكَ رَشَدٌ

فرمانت هدایتگر است.۲۸/۴۷

و. لازم و واجب بودن

قَضَاوءُكَ حَتْمٌ

فرمانت واجب است.۲۹/۴۷

ز. مغلوب نگشتن

لَا يُغَالَبُ أَمْرُكَ

فرمان تو مغلوب نمی شود.۹/۴۸

ح. بر اساس ستم نبودن

قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ فِی حُكْمِكَ ظُلْمٌ

دانسته ام که در فرمان تو ستم نیست.

۱۵/۴۸

فرمانبری

فرمانبری مخلوقات از انسان، به قدرت الهی

فَكُلُّ خَلِيقَتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ

پس به قدرت او، همه آفریدگانش برای ما

فرمانبردارند. ۱۸/۱

به اطاعت بندگان درآمدن مخلوقات

فَکُلُّ خَلِیقَتِهِ... صَائِرَةٌ إِلَی طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ

پس به عزّت او، همه آفریدگانش به اطاعت از ما درمی آیند.۱۸/۱

آزمایش طاعت و فرمانبری بندگان

...أَمَرَنَا لِیَخْتَبِرَ طَاعَتَنَا

ما را فرمان داد تا اطاعت پذیریمان را بیازماید.

۲۱/۱

سپاسی پشتیبان طاعت و فرمانبری بنده

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَکُونُ وُصْلَةً إِلَی طَاعَتِهِ... وَ ظَهِیرًا عَلَی طَاعَتِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که به سوی طاعت او پیوند خوریم و پشتیبانی بر طاعتش باشد.

۲۷/۱و۲۹

اطاعت میکائیل، از خدا

مِیکَائِیلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَکَ، وَ الْمَکَانِ الرَّفِیعِ مِنْ طَاعَتِکَ

میکائیل نزد تو دارای مقام والا است، و از اطاعتت جایگاهی بلند دارد.۳/۳

فرمانبری آسمانیان، از جبرئیل

جِبْرِيلُ... الْمُطَاعُ فِی أَهْلِ سَمَاوَاتِکَ

جبرئیل فرمانروا در میان اهل آسمان هایت است. ۴/۳

فرمانبری تابعین اصحاب، از خدا

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی التَّابِعِینَ... وَ عَلَی مَنْ أَطَاعَکَ مِنْهُمْ

خداوندا و بر تابعین و بر هر کسی از آنها که فرمان تو را برده، درود فرست.۱۳/۴

نگرش خدا به عملکرد بندگان، در اوقات طاعت

یَنْظُرُ کَیْفَ هُمْ فِی أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ

می نگرد آنها در اوقات طاعتش چگونه اند.

۷/۶

هدایت کننده به اطاعت خداوند

احْفَظْنَا... حِفْظًا عَاصِمًا مِنْ مَعْصِیَتِکَ، هَادِیًا إِلَی طَاعَتِکَ

ما را نگهداری کن، نگهداری ای که ما را از نافرمانی تو بازدارد و به فرمانبرداریت راهنمایی کند. ۱۷/۶

فرمانبری اشیا، به اراده خدا

فَهِیَ بِمَشِیَّتِکَ دُونَ قَوْلِکَ مُؤْتَمِرَةٌ

پس آن اشیا به خواست تو بدون سخنت فرمانبردارند. ۳/۷

بزرگ داشتن فرمانبری خدا

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ... اسْتِکْبَارِ الطَّاعَهِ

خداوندا به تو پناه می برم از بزرگ شمردن طاعت و بندگی.۲و۱/۸

فرمانبری از خدا، عامل نجات فرمانبران

یَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِیعِینَ

ای که اطاعت او برای فرمانبران رهایی است.

۱/۱۱

اندام بندگان و اطاعت خداوند

وَ اشْغَلْ... جَوَارِحَنَا بِطَاعَتِکَ عَنْ کُلِّ طَاعَهٍ

و اعضای ما را به اطاعت خود از هر اطاعتی مشغول ساز.۱/۱۱

ایستادن فرمانبردار خوار، به درگاه خدا

فَهَا أَنَا ذَا یَا إِلَهِی. وَاقِفٌ بِبَابِ عِزِّکَ وُقُوفَ الْمُسْتَسْلِمِ الذَّلِیلِ

پس ای خدای من، به درگاه عزّت تو همچون فرمانبری خوار، ایستاده ام.۴/۱۲

فرمانبری از خدا، تنها به وسیله خودداری از معصیت

مُقِرٌّ لَکَ بِأَنِّی لَمْ أَسْتَسْلِمْ وَقْتَ إِحْسَانِکَ إِلَّا بِالْإِقْلَاعِ عَنْ عِصْیَانِکَ

اقرار می کنم به اینکه هنگام احسانت، جز با

خودداری از معصیت تو، فرمان نبرده ام.۵/۱۲

تندرستی و توفیق اطاعت خدا

قَوَّیْتَنِی مَعَهَا عَلَی مَا وَفَّقْتَنِی لَهُ مِنْ طَاعَتِکَ

با آن (تندرستی) بر طاعت خود توفیقم داده، توانایم گرداندی.۳/۱۵

سستی بیداری بنده، هنگام فرمانبری خدا

بَلْ أَنَا یَا إِلَهِی... أَضْعَفُ عِنْدَ طَاعَتِکَ تَیَقُّظًا... مِنْ أَنْ أُحْصِیَ لَکَ عُیُوبِی، أَوْ أَقْدِرَ عَلَی ذِکْرِ ذُنُوبِی

بلکه من - ای خدای من - بیداری ام هنگام طاعتت سست تر از آن است که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.

۲۷/۱۶

گماشتن بنده، به فرمانبری

وَ اسْتَعْمِلْنِی بِالطَّاعَهِ

و به طاعت خود بگمارم.۳۳/۱۶

شیطان و گمراه کردن بندگان، از اطاعت خدا

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ یُطْمِعَ نَفْسَهُ فِی إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِکَ

خداوندا ما از اینکه او (شیطان) در گمراه کردن ما از طاعتت طمع کند، به تو پناه می بریم.

۲و۱/۱۷

عدم فرمانبری از شیطان

لَا نُطِیعُ لَهُ إِذَا اسْتَهْوَانَا

هرگاه ما را به خود مایل ساخت، فرمانش نبریم. ۱۴/۱۷

فرمان به دشمنی با شیطان

نَأْمُرُ بِمُنَاوَاتِهِ، مَنْ أَطَاعَ أَمْرَنَا

هر که فرمان ما را پیروی کند، به دشمنی او فرمان دهیم.۱۴/۱۷

فرمانبری از به راه راست آورنده بنده

وَفِّقْنِی لِطَاعَهِ مَنْ سَدَّدَنِی

مرا به اطاعت از آنکه به راه راست استوارم گرداند، توفیق ده.۸/۲۰

گماشتن بنده، به فرمانبری از خدا

وَ اسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ فِی أَیَّامِ الْمُهْلَهِ

و مرا در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار.۲۹/۲۰

فرمانبری خدا، و نائل آمدن به آنچه نزد اوست

لَا أَنَالُ مَا عِنْدَکَ إِلَّا بِطَاعَتِکَ

نائل به آنچه نزد توست نیستم، جز با اطاعت (از) تو.۶/۲۱

دل بنده و فرمانبری از خدا

ص : ۹۱۴

فَرِّغْ قَلْبِی لِمحَبَّتِک، وَ اشْغَلْهُ بِذِکْرِک، وَ انْعَشْهُ بِخَوْفِک وَ بِالْوَجَلِ مِنْک، وَ قَوِّهِ بِالرَّغْبَهِ إِلَیْک، وَ أَمِلْهُ إِلَی طَاعَتِک

دلم را برای دوستی ات خالی گردان و به یادت مشغول دار و به خوف و ترس از خود بلندمرتبه کن و به رغبت به سوی خود، توانایی ده و به طاعتت متوجّه ساز.۱۰/۲۱

خو گرفتن با فرمانبران خداوند

هَبْ لِیَ الْأُنْسَ بِک وَ بِأَوْلِیائِک وَ أَهْلِ طَاعَتِک

انس با خودت و دوستانت و فرمانبرانت را به من ببخش.۱۱/۲۱

توفیق انجام فرمانبریِ واجب شده

وَ اقْضِ عَنِّی کُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِیهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَیَّ لَک فِی وَجْهٍ مِنْ وُجُوهِ طَاعَتِک

و مرا به انجام آنچه که در جهتی از جهات طاعتت، بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده.

۶/۲۲

سبب عمل به طاعت خدا

وَ ارْزُقْنِی التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَایَا، وَ الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ... حَتَّی أَکُونَ... عَامِلًا بِطَاعَتِک

و مرا خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، روزی ده، تا عامل به طاعتت باشم.

۱۳/۲۲

فرمان خدا، به اطاعت بنده از او

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالصِّحَّهِ... وَ الْقُوَّهِ عَلَی مَا أَمَرْتَنِی بِهِ مِنْ طَاعَتِک

و با تندرستی و توانایی بر انجام طاعتت – که مرا به آن فرمان داده ای – بر من منّت گذار.

۳/۲۳

توانایی داشتن به فرمانبری از خدا

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالصِّحَّهِ... وَ الْقُوَّهِ عَلَی مَا أَمَرْتَنِی بِهِ مِنْ طَاعَتِک

و با تندرستی و توانایی بر انجام طاعتت – که مرا به آن فرمان داده ای – بر من منّت گذار.

۳/۲۳

چگونگی فرمانبری والدین، در نظر فرزند

وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا أَقَرَّ لِعَیْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ، وَ أَثْلَجَ لِصَدْرِی مِنْ شَرْبَهِ الظَّمْآنِ...

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر و برای سینه ام از نوشیدن تشنه کام، مطبوع تر قرار ده.۵/۲۴

فرمانبری فرزندان، از خدا

وَ اجْعَلْهُمْ أَبْرَارًا أَتْقِیَاءَ بُصَرَاءَ سَامِعِینَ مُطِیعِینَ لَکَ

و آنان (فرزندانم) را نیکوکارانی پرهیزکار و دانا و شنوا و فرمانبر خود قرار ده.۳/۲۵

فرمانبری فرزندان، از پدر و مادر

ص : ۹۱۵

وَ اجْعَلْهُمْ لِی... مُطِیعِینَ

و آنان را فرمانبر من قرار ده.۴/۲۵

اطاعت خدا و توفیق یافتن بنده به خیر و صواب

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُوَفَّقِینَ لِلْخَیْرِ وَ الرُّشْدِ وَ الصَّوَابِ بِطَاعَتِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با فرمانبری تو به کار خیر و رشد و صواب، موفّق گشته اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

به درگاه خدا آمدن، در حال فرمانبری

اللَّهُمَّ فَهَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُکَ مُطِیعًا لِأَمْرِکَ فِیما أَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ

خداوندا، اکنون این من هستم که به نزد تو آمده ام، در حالی که فرمان تو را که به دعا کردن امر نموده ای، اطاعت کرده ام.۱۱/۳۱

نیّت بنده و اطاعت خداوند

اللَّهُمَّ وَ ثَبِّتْ فِی طَاعَتِکَ نِیَّتِی

خداوندا و نیّت مرا در فرمانبرداریت، ثابت بدار.۱۳/۳۱

اندک شمردن فرمانبری از خدا

قَلَّ عِنْدِی مَا أَعْتَدُّ بِهِ مِنْ طَاعَتِکَ

طاعتی که به شمار آورم، نزد من کم است.

۱۰/۳۲

فرمانبری نفْس، از شیطان

فَأَنَا أَشْکُو... طَاعَةَ نَفْسِی لَهُ

پس از اطاعت نفسم از او، به تو شکایت می کنم.۲۷/۳۲

سپری شدن عمر بنده در راه فرمانبری از خدا

وَ أَسْأَلُکَ... أَنْ تَجْعَلَ مَا ذَهَبَ مِنْ جِسْمِی وَ عُمْرِی فِی سَبِیلِ طَاعَتِکَ

و از تو درخواست می کنم که آنچه از جسم و عمرم سپری شده در راه طاعتت قرار دهی.

۲۸/۳۲

آتش دوزخ و فرمانبری از او

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... لَا تَقْدِرُ عَلَی التَّخْفِیفِ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا وَ اسْتَسْلَمَ إِلَیْهَا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که قادر بر سبک کردن (شعله ها) از کسی که برایش فروتنی نماید و فرمانبردار او گردد، نیست.

۲۹/۳۲و۳۰

فرمانبری از مشیّت و خواست خدا

أَلْهِمْنَا الِانْقِیَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَیْنَا مِنْ مَشِیَّتِکَ

ص : ۹۱۶

گردن نِهی بر خواسته ات را - که بر ما وارد ساختی - به ما الهام فرما.۵/۳۳

قرار گرفتن در زمره فرمانبران پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِینَ وَ مُطِیعِینَ

و ما را در برابر ایشان گوش به فرمان و مطیع قرار ده.۵/۳۴

وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ طَاعَتِهِ

و از فرمانبران او قرارمان ده.۲۰/۴۲

اطاعت از خدا، عامل شریف گشتن بنده

فَإِنَّ الشَّرِیفَ مَنْ شَرَّفَتْهُ طَاعَتُکَ

پس به درستی که شرافتمند کسی است که اطاعت تو شریفش گردانْد.۴/۳۵

رعد و برق، و فرمانبری خدا

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَیْنِ... یَبْتَدِرَانِ طَاعَتَکَ بِرَحْمَةٍ نَافِعَةٍ أَوْ نَقِمَةٍ ضَارَّةٍ

خداوندا همانا این دو، به رساندن رحمتی سودمند یا کیفری زیان بار به طاعتت می شتابند.

۱/۳۶

تلاش در جهت فرمانبری خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا... لَا یَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِکَ وَ إِنِ اجْتَهَدَ

خداوندا همانا کسی در طاعت تو هر چند تلاش کند، به جایی نمی رسد.۲و۱/۳۷

عابدترین بندگان، و فرمانبریِ خداوند

وَ أَعْبَدُهُمْ مُقَصِّرٌ عَنْ طَاعَتِکَ

و عابدترین آنان از اطاعتت، مقصر است.

۳/۳۷

پاداش خدا، به فرمانبری کم

تُثِیبُ عَلَی قَلِیلِ مَا تُطَاعُ فِیهِ

بر اندکْ طاعتی که از تو شود، پاداش می دهی.

۶/۳۷

پاداش الهی و به فرمانبری خدا درآمدن

وَ أَعْدَدْتَ ثَوَابَهُمْ قَبْلَ أَنْ یُفِیضُوا فِی طَاعَتِکَ

و پاداششان را آماده نموده ای، پیش از آنکه در طاعتت وارد شوند.۷/۳۷

فریب شیطان و اطاعت بندگان از خداوند

فَلَوْ لَا أَنَّ الشَّیْطَانَ یَخْتَدِعُهُمْ عَنْ طَاعَتِکَ مَا عَصَاکَ عَاصٍ

پس اگر شیطان آنها را از اطاعت فریبشان نمی داد، هیچ گناهکاری نافرمانی تو را نمی کرد.

۹/۳۷

رفتار خدا، با فرمانبردارش

فَسُبْحَانَکَ مَا أَبْیَنَ کَرَمَکَ فِی مُعَامَلَهِ مَنْ أَطَاعَکَ أَوْ عَصَاکَ...

پس منزّهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی

کرده است.۱۰/۳۷

پاداش خدا به فرمانبران

تَشْکُرُ لِلْمُطِیعِ مَا أَنْتَ تَوَلَّیْتَهُ لَهُ

از فرمانبر در آنچه تو برایش فراهم نموده ای، تشکّر می کنی.۱۰/۳۷

لَوْ کَافَأْتَ الْمُطِیعَ عَلَی مَا أَنْتَ تَوَلَّیْتَهُ لَأَوْشَکَ أَنْ یَفْقِدَ ثَوَابَکَ، وَ أَنْ تَزُولَ عَنْهُ نِعْمَتُکَ

اگر (بنا بود) فرمانبر را بر آنچه تو او را بر آن گماشته ای، جزا دهی، چه بسا پاداش تو را از دست می داد و نعمت تو از دستش می رفت.

۱۲/۳۷

عطا به فرمانبر و گنهکار ، با وجود عدم شایستگی آنها

أَعْطَیْتَ کُلًّا مِنْهُمَا مَا لَمْ یَجِبْ لَهُ

هر یک از آن دو (فرمانبر و گنهکار) را چیزی عطا کرده ای که برایش لازم نبود.۱۱/۳۷

روزی، و توانایی یافتن بر فرمانبری خدا

لَمْ تَسُمْهُ الْقِصَاصَ فِیما أَکَلَ مِنْ رِزْقِکَ الَّذِی یَقْوَی بِهِ عَلَی طَاعَتِکَ

از او در آنچه از روزی تو خورد، و بر طاعتت نیرو گرفت، تقاص نخواستی.۱۳/۳۷

فرمانبری نمودن از خدا

...هَذَا یَا إِلَهِی حَالُ مَنْ أَطَاعَکَ

...ای خدای من، این وضعیت کسی است که از تو اطاعت نموده.۱۴/۳۷

میراندن بندگان، در حال فرمانبری

أَمِتْنَا... طَائِعِینَ غَیْرَ مُسْتَکْرِهِینَ

ما را فرمانبردارانِ بی اجبار، بمیران.۵/۴۰

قرار گرفتن در زمره اطاعت کنندگان خدا

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَدِينُ لَکَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِيمِ لِمُ_حْکَمِ آيَاتِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که با اعتقاد و تسلیم در برابر آیات محکم آن، دینداری می کنند.

۴/۴۲

ماه، آفریده ای فرمانبردار

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ

ای آفریده فرمانبردار.۱/۴۳

وَ امْتَهَنَکَ بِالزِّيَادَهِ وَ النُّقْصَانِ، وَ الطُّلُوعِ وَ الْأُفُولِ... فِي کُلِّ ذَلِکَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ

و تو را با فزونی و کاستی و طلوع و غروب، به خدمت گرفت. و در همه آن حالات، تو مطیع او هستی.۲/۴۳

کامل ساختن نعمت، با کامل شدن طاعت

أَتْمِمْ عَلَيْنَا بِاسْتِکْمَالِ طَاعَتِکَ فِيهِ الْمِنَّهَ

با کامل کردن طاعتت در آن (ماه)، نعمت را بر ما تمام گردان.۷/۴۳

فرشتگان، و آوردنِ طاعات بندگان به درگاه خدا

وَ وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نَتَقَرَّبَ إِلَيْکَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّاكِيَهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ... حَتَّى لَا يُورِدَ عَلَيْکَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَتِکَ إِلَّا دُونَ مَا نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاعَهِ لَکَ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جوییم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی. تا هیچ یک از فرشتگانت به درگاهت نیاورد، مگر کمتر از طاعت های گوناگونی که برای تو انجام می دهیم.

۱۱و۱۰/۴۴

کوشایان در اطاعت خدا

أَوْجِبْ لَنَا فِيهِ مَا أَوْجَبْتَ لِأَهْلِ الْمُبَالَغَهِ فِى طَاعَتِکَ

برای ما در این (ماه)، آنچه برای کوشش گران در طاعتت لازم کرده ای، لازم گردان.۱۲/۴۴

رمضان و فرمانبری از خدا

زَيِّنْ أَوْقَاتَهُ بِطَاعَتِنَا لَکَ

و اوقاتش را به طاعت ما برای خود، زینت ده.

۱۷/۴۴

پذیرفتن بازگشت به طاعت، از توّابین

اجْعَلْنَا عِنْدَکَ مِنَ التَّوَّابِينَ الَّذِينَ... قَبِلْتَ مِنْهُمْ مُرَاجَعَهَ طَاعَتِکَ

ما را در نزد خود از توبه کنندگانی قرار ده که

بازگشت به طاعتت را از آنان پذیرفته ای.۵۴/۴۵

فرمانبری همه آفریدگان، برای تسلیم در برابر خدا

انْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ لَکَ کُلُّ خَلْقِکَ

همه آفریدگانت برای تسلیم در برابر تو، گردن نهاده اند.۲۶/۴۷

درود فرمانبران خدا، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاهً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ... أَهْلِ طَاعَتِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای فرمانبران تو را فراگیرد.۵۴/۴۷

وجوب فرمانبری از امام عصر خود

وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ

و فرمانبری او را واجب گرداندی.۶۰/۴۷

فرمانبران ولیّ خدا

اجْعَلْنَا لَهُ... مُطِیعِینَ

ما را برای او فرمانبران قرار ده.۶۳/۴۷

دوستان ائمه علیهم السلام و فرمانبریشان از ایشان

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی أَوْلِیَائِهِمُ... الْمُـجْتَهِدِینَ فِی طَاعَتِهِمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که کوشش کنندگان

در طاعت ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

درخواست از خدا، و گستاخیِ فرمانبران

سَأَلْتُکَ مَسْأَلَهَ الْحَقِیرِ الذَّلِیلِ الْبَائِسِ... لَا مُتَعَالِیًا بِدَالَّهِ الْمُطِیعِینَ

از تو درخواست می نمایم، درخواستِ خُرد، خوار، بدحال. نه از روی بلندی خواهیْ به گستاخی و اعتمادِ فرمانبران.۷۴/۴۷

پیوستگی اطاعت نمودن از پیامبر صلی الله علیه و آله ، به فرمانبری خدا

بِحَقِّ مَنْ وَصَلْتَ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِکَ... تَغَمَّدْنِی فِی یَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَیْکَ مُتَنَصِّلًا

به حقّ کسی که اطاعت از او را به اطاعت خود پیوند زده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.

۸۶/۴۷

سرپرستی خدا، از اطاعت کنندگان

تَوَلَّنِی بِمَا تَتَوَلَّی بِهِ أَهْلَ طَاعَتِکَ وَ الزُّلْفَی لَدَیْکَ وَ الْمَکَانَهِ مِنْکَ

مرا سرپرستی کن همانگونه که فرمانبرانت و نزدیکانت و منزلت دارندگانت را سرپرستی می کنی.

۸۷/۴۷

دل بنده و اطاعت کنندگان خداوند

خُذْ بِقَلْبِی إِلَی مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْقَانِتِینَ

دلم را به سوی آنچه اطاعت کنندگان را به آن گماشته ای، متوجّه ساز.۹۲/۴۷

فرمانبری بنده، از خدا

فَإِنِّی لَکَ مُسَلِّمٌ

همانا من فرمانبردار تو هستم.۱۱۶/۴۷

سیراب شدن دل، با طاعت الهی

أَشْرِبْ قَلْبِی عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَکَ

دلم را هنگام غفلتِ عقل ها، به طاعت خود سیراب کن.۱۳۰/۴۷

تقسیم عمل به طاعت، در بین مؤمنان

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَیْنَ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِینَ مِنْ... عَمَلٍ بِطَاعَتِکَ... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّی وَ نَصِیبِی مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، عمل به طاعتت را قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.

۲/۴۸

امامان و وجوب فرمانبری از ایشان

اجْعَلْنِی مِنْ أَهْلِ... التَّصْدِیقِ بِرَسُولِکَ، وَ الْأَئِمَّهِ الَّذِینَ حَتَمْتَ طَاعَتَهُمْ

مرا از باورداران به پیامبرت و امامانی که اطاعتشان را واجب نمودی، قرار ده.۱۲/۴۸

عدم افزایش پادشاهی خدا، با فرمانبری فرمانبران

لَکِنْ... مُلْکُکَ أَدْوَمُ مِنْ أَنْ تَزِیدَ فِیهِ طَاعَةُ الْمُطِیعِینَ

ولی پادشاهی ات پایدارتر از آن است که طاعتِ فرمانبران بر آن بیفزاید.۶/۵۰

عمل کننده ترین بندگان، به طاعت الهی

وَ أَخْضَعُهُمْ لَکَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِکَ

و خاضع ترین آنان از تو، عمل کننده ترین ایشان به فرمان توست.۲/۵۲

فرمانروایی پادشاهی

فروتن و خوار

بنده فروتن و خوارِ خداوند

فَإِنِّی عَبْدُکَ الْمِسْکِینُ الْمُسْتَکِینُ

پس به درستی که من بنده بینوا و زار توام.

۷/۲۱

دَعَوْتُکَ یَا رَبِّ مِسْکِینًا، مُسْتَکِینًا... إِلَیْکَ

تو را خواندم – ای پروردگار من – در حالی که بینوا و فروتنِ درگاه تو هستم.۹/۵۱

فروتنی و خواری به درگاه خدا، و طلب قرب او

وَ إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... تَقَرَّبْتُ إِلَیْکَ بِمَا لَا یَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْکَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ. ثُمَّ أَتْبَعْتُ ذَلِکَ بِالْإِنَابَهِ إِلَیْکَ، وَ التَّذَلُّلِ وَ الِاسْتِکَانَهِ لَکَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی به آنچه احدی نزدیک نمی شود به تو جز با نزدیکی جستن به آن، به تو نزدیکی جسته ام. سپس بازگشت به سوی تو و فروتنی و زاری برای تو را، در پی آن روانه ساخته ام.۷۳و۷۲/۴۷

فروتن و خوار شدن، جهت قصاص خود

هَذِهِ یَدِی وَ نَاصِیَتِی، أَسْتَکِینُ بِالْقَوَدِ مِنْ نَفْسِی

این دست من و موی جلوی سرم است. برای قصاص خویش، فروتن و خوار می شوم.۴/۵۳

فروتنی

فروتنی فرشتگان، در پیشگاه عظمت الهی

الْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِکَ وَ جَلَالِ کِبْرِیَائِکَ

در پیشگاه با عظمت، بزرگ و بلند توْ فروتنند.

۸/۳

توفیق فروتنی

أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی... خَفْضِ الْجَنَاحِ

زیور پرهیزکاران را در فروتنی، به من بپوشان.

۱۰/۲۰

فقر و فروتنی برای درخواست از غیر خدا

لَا تَفْتِنِّی... بِالْخُضُوعِ لِسُوءَالِ غَیْرِکَ إِذَا افْتَقَرْتُ

مرا به فروتنی برای درخواست از دیگران به هنگام نیازم، آزمایش نکن.۱۲/۲۰

همسایگان و فروتنی با آنها

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أُلِینُ جَانِبِی لَهُمْ تَوَاضُعًا

و خداوندا مرا بر آن دار که فروتنانه، با آنها نرمی و مدارا کنم.۳/۲۶

با فروتنی دیده به زمین دوختن

فَمَثَلَ بَیْنَ یَدَیْکَ مُتَضَرِّعًا، وَ غَمَّضَ بَصَرَهُ إِلَی الْأَرْضِ مُتَخَشِّعًا

پس زاری کنان در پیشگاهت ایستاده و دیده اش را با فروتنی به زمین دوخته.۹/۳۱

برشمردن گناه، با فروتنی

عَدَّدَ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَحْصَی لَهَا خُشُوعًا

با خشوع، - از گناهانش - آنچه تو شماره آن را بهتر می دانی شمرده.۹/۳۱

آشکار نمودن راز برای خدا، با خشوع

أَبَثَّکَ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا

با خضوع، از رازهایش - آنچه را که خود به آن داناتری - برایت آشکار کرده.۹/۳۱

با تنی فروتن و گردنی افتاده، پیش خدا

آمدن

فَتَلَقَّاکَ بِنَفْسٍ خَاشِعَةٍ، وَ رَقَبَةٍ خَاضِعَةٍ

پس با وجودی فروتن و گردنی فروافتاده، پیش روی توست.۱۹/۳۲

فروتنی برای آتش دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... لَا تَقْدِرُ عَلَی التَّخْفِیفِ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا وَ اسْتَسْلَمَ إِلَیْهَا

خداونـدا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که قادر بر سبک کردن (شعله ها) از کسی که برایش فروتنی نماید و تسلیم او گردد، نیست.

۳۰و۲۹/۳۲

به جا آوردن نماز، در نهایت خشوع

أَنْزِلْنا فِیهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّینَ لَهَا فِی أَوْقَاتِهَا عَلَی مَا سَنَّهُ عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ... عَلَی... أَبْیَنِ الْخُشُوعِ وَ أَبْلَغِهِ

ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود – به (همان) سنّتی که بنده و رسول تو قرار داد – با روشن ترین و نهایی ترین خشوع به جا آورده اند.۹/۴۴

شب های ماه رمضان و فروتنی برای خدا

أَعِنَّا... فِی لَیْلِهِ عَلَی الصَّلَاهِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَیْکَ، وَ الْخُشُوعِ لَکَ

ما را در شبش بر نماز و زاری به درگاهت و خشوع برای تو، یاری نما.۱۷/۴۴

ص : ۹۲۲

تواضع در برابر خدا

خَضَعَ لَکَ مَنْ جَرَی فِی عِلْمِکَ

هر که در علم تو قرار گرفت، برای تو فروتن گشت. ۲۶/۴۷

فروتنی، برای عظمت و بزرگی خدا

خَشَعَ لِعَظَمَتِکَ مَا دُونَ عَرْشِکَ

آنچه زیر عرش تو است، برای بزرگی تو خاشع شد.۲۶/۴۷

فروتنی بنده، در پیشگاه خدا

هَا أَنَا ذَا بَیْنَ یَدَیْکَ... خَاضِعًا خَاشِعًا خَائِفًا

اینک منم در پیشگاه تو، فروتن، متواضع، ترسان.۶۹/۴۷

فَهَا أَنَا ذَا بَیْنَ یَدَیْکَ خَاضِعٌ ذَلِیلٌ رَاغِمٌ

پس اینک منم در پیشگاهت فروتن، خوار، زبون.۴/۵۰

خلوت با خدا، و فروتن گشتن بنده

وَ ضَعْنِی إِذَا خَلَوْتُ بِکَ

و چون با تو خلوت کردم، مرا فروتن گردان.

۱۱۸/۴۷

مهربان گرداندن دل بنده، با فروتنان

اعْطِفْ بِقَلْبِی عَلَی الْخَاشِعِینَ

دلم را بر فروتنان مهربان گردان.۱۲۷/۴۷

خاضع ترین افراد، در درگاه خدا

وَ أَخْضَعُهُمْ لَکَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِکَ

و خاضع ترین آنان از تو، عمل کننده ترین ایشان به فرمان توست.۲/۵۲

درخواست عبادت فروتنان

أَسْأَلُکَ... عِبَادَهَ الْخَاشِعِینَ لَکَ

پرستش فروتنان برای تو را، از تو درخواست می نمایم.۵/۵۴

فرود

فرود آمدن فرشتگان، با دانه های باران

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ الْهَابِطِینَ مَعَ قَطْرِ الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرودآمدگان به همراه قطره های نازل شده باران.۱۵و۱۱و۱۰/۳

فرود آمدن کیفر

نَعُوذُ بِکَ مِنَ... حُلُولِ الْعِقَابِ

پناه می بریم به تو از فرود آمدن کیفر.۹/۸

فروآمدن و خم شدن، برای خدا

قَدْ تَطَأْطَأَ لَکَ فَانْحَنَی

با حال فروتنی برای تو خم شده.۹/۱۲

ص : ۹۲۳

سر فروآوردن، برای عزّت و بزرگی خدا

...وَ طَأْطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِکَ مُتَذَلِّلًا

...و با خواریْ برای عزّتت سرش را به زیر افکنده.۹/۳۱

فرود آمدن هر چیز، پیش از رسیدن به پایان ملک خدا

وَ اسْتَعْلَى مُلْكُکَ عُلُوًّا سَقَطَتِ الْأَشْيَاءُ دُونَ بُلُوغِ أَمَدِهِ

و سلطنت تو، چنان بلندمرتبه است، که همه چیز پیش از رسیدن به پایان آن، ساقط شود.

۵/۳۲

فرود آوردن بنده، در میان بهشت

أَحْلِلْنِی بُحْبُوحَهَ جَنَّتِکَ

مرا در میان بهشتت فرود آور.۱/۴۱

فرود آمدن در خانه پوسیده (قبر)

بَارِکْ لَنَا فِی حُلُولِ دَارِ الْبِلَی

فرود آمدن در خانه پوسیدن (قبر) را برای ما مبارک گردان.۱۴/۴۲

فرود آمدن فرشتگان، در شب قدر

تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ... عَلَی مَنْ یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ...

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان،

بر هر یک از بندگانش که بخواهد، برای هر کاری فرود می آیند.۵/۴۴

فرود آمدن به درگاه غیر خدا

وَ ضَاعَ الْمُلِمُّونَ إِلَّا بِکَ

و آنان که بر درگاه جز تو فرود آمدند، ضایع شدند.۱۳/۴۶

فرود آمدن بلا

أَعِذْنِی... مِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ

مرا از فرود آمدن بلا پناه ده.۱۱۹/۴۷

فرود آوردن حاجت، به درگاه الهی

وَ اعْمُرْ لَیْلِی بِإِیقَاظِی فِیهِ لِعِبَادَتِکَ... وَ إِنْزَالِ حَوَائِجِی بِکَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و فرود آوردن حاجت هایم به (درگاه) تو، آباد گردان.

۱۲۳/۴۷

فرود آوردن بی چیزی خود به درگاه خدا

اللَّهُمَّ... بِکَ أَنْزَلْتُ الْیَوْمَ فَقْرِی وَ فَاقَتِی وَ مَسْکَنَتِی

خداوندا، در این روز، تنگدستی و نیازمندی و بی چیزی ام را به سوی تو فرود آوردم.۴/۴۸

فرود آمدن در درّه های نابودی

حَلَلْتُ شِعَابَ تَلَفٍ

در درّه های نابودی فرود آمدم.۲/۴۹

فرود آمدن در عقوبت الهی

تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِكَ وَ بِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِكَ

در آنها، خود را در معرض سخت گیری هایت قرار داده، در عقوبت هایت فرود آمدم.۲/۴۹

فرود آمدن ستمگر، در دام خود

فَلَمَّا رَأَيْتَ يَا إِلَهِي... دَغَلَ سَرِيرَتِهِ... أَرْكَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِي زُبْيَتِهِ... وَ قَدْ كَادَ أَنْ يَحُلَّ بِي - لَوْ لَا رَحْمَتُكَ - مَا حَلَّ بِسَاحَتِهِ

پس همین که - ای خدای من - تباهی باطن او را ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کنده بود)، سرنگون نمودی. و اگر رحمت تو نبود، نزدیک بود بر من فرود آید، آنچه بر خودش فرود آمد.۸/۴۹

فرورفتن

فرونرفتن هیچ اندامی، در نافرمانی خدا

لَا تَجْعَلْ لِشَيْءٍ مِنْ جَوَارِحِنَا نُفُوذًا فِي مَعْصِيَتِكَ

اعضای ما را در نافرمانی ات نفوذناپذیر کن.

۶/۹

سبب پاکی بنده، از بدی های فرورفته در آنها

...أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ الَّتِي مَحَّصْتَنِي بِهَا... تَطْهِيرًا لِمَا

انْغَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ

...یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی تا از بدی هایی که در آن فرورفته ام پاکم سازد.

۴/۱۵

فرورفتن در نادرستی

مَنْ أَبْعَدُ غَوْرًا فِي الْبَاطِلِ... مِنِّي حِينَ أَقِفُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَ دَعْوَهِ الشَّيْطَانِ فَأَتَّبِعُ دَعْوَتَهُ...

چه کسی از من در نادرستی فرورونده تر است، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم؟ ۲۳/۱۶

فرورفتن در تمجید خداوند

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِى الشَّيْطَانُ فِى رُوعِى مِنَ الَّتمَنِّى... ذَهَابًا فِى تَمْجِيدِكَ

خداوندا به جای آنچه شیطان از آرزو در دل من می افکند، فرورفتن در بزرگ دانستنت را قرار ده.۱۳/۲۰

به زمین فروبردن شهرهای مشرکان

وَ ارْمِ بِلَادَهُمْ بِالْخُسُوفِ

و شهرهایشان را در زمین فروبر.۱۲/۲۷

عامل بازدارنده زبان ها، از فرورفتن در باطل

اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِأَلْسِنَتِنَا عَنِ الْخَوْضِ فِى الْبَاطِلِ مِنْ

ص : ۹۲۵

غَيْرِ مَا آفَهٍ مُخْرِسًا

قرآن را بندآورنده زبان هایمان از فرورفتن در باطل، بی آنکه از بیماری باشد، قرار ده.۱۰/۴۲

فروریختن

درخواست آنچه موجب ریختن گناهان والدین است

اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّی مِنْ أَذًى... فَاجْعَلْهُ حِطَّهً لِذُنُوبِهِمَا

خداوندا و هر آزاری که از من به آنان رسیده، پس آن را سبب ریزش گناهانشان قرار ده.۸/۲۴

فرو ریختن سنگین باری گرفتاری ها، از بنده

اللَّهُمَّ وَ عَلَیَّ تَبِعَاتٌ... فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا، وَ احْطُطْ عَنِّی وِزْرَهَا

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است. پس صاحبانش را عوض ده و سنگین باری اش را از من بیفکن.۱۸/۳۱

فروریختن گناهان و درخواست آمرزش

اللَّهُمَّ... إِنْ یَکُنِ الِاسْتِغْفَارُ حِطَّهً لِلذُّنُوبِ فَإِنِّی لَکَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِینَ

خداوندا اگر درخواست آمرزشْ سبب ریختن گناهان است، پس من به درگاه تو از آمرزش خواهانم.

۲۸/۳۱

عامل فروریختن بار سنگین گناهان

وَ احْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقْلَ الْأَوْزَارِ

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز.۹/۴۲

فرونهادن نهی شده ماه رمضان

اسْتَعْمِلْنَا بِمَا یَکُونُ حِطَّهً وَ کَفَّارَهً لِمَا أَنْکَرْتَ مِنَّا فِیهِ

ما را در این (ماه) به کاری که سبب فروریختن و کفّاره کارهایی می شود که بر ما نمی پسندی، بگمار.۴۷/۴۵

فروش

خدا و نفروختن نعمت هایش

يَا مَنْ لَا يَبِيعُ نِعَمَهُ بِالْأَثْمَانِ

ای که نعمت هایش را به بها نمی فروشد.

۳/۱۳

فروغ روشنی

فروفرستادن نزول

فریادرسی

خدا، و رسیدن به فریادِ فریادرس خواه

وَ أَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِمَشِيَّتِکَ، وَ أَوْلَى الْأُمُورِ بِکَ فِي عَظَمَتِکَ رَحْمَهُ مَنِ اسْتَرْحَمَکَ، وَ غَوْثُ مَنِ اسْتَغَاثَ بِکَ

و شبیه ترین چیزها به اراده ات و سزاوارترین کارها به بزرگواری ات، بخشش است بر آنکه از تو رحمت طلبیده و کمک به کسی است که از تو فریادرسی خواسته.۵/۱۰

فریادرسی خواستن گنهکاران ، به سبب رحمت خدا

اللَّهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ يَسْتَغِيثُ الْمُذْنِبُونَ

خداوندا ای کسی که گناهکاران به رحمت او فریادرسی می جویند.۱/۱۶

خدا، فریادرس هر خوارشده تنها

يَا غَوْثَ كُلِّ مَخْذُولٍ فَرِيدٍ

ای فریادرس هر خوارشده تنها.۴/۱۶

غم های سخت و فریادرسی از خدا

اللَّهُمَّ... بِکَ اسْتِغَاثَتِي إِنْ كَرِثْتُ

خداوندا اگر اندوه مرا فراگیرد، از تو فریادرسی خواهم.۲۰/۲۰

بزرگی گناهان، و فریادرسی از خدا

اسْتَغَاثَ بِکَ مِنْ عَظِيمِ مَا وَقَعَ بِهِ فِي عِلْمِکَ

در (گناهان) بزرگی که می دانی به آن گرفتار شده، از تو کمک خواسته.۹/۳۱

نیاز به فریادرسی احسان خدا

لَمْ أَسْتَغْنِ عَنْ غِيَاثِ فَضْلِکَ

از فریادرسی فضلت بی نیاز نبودم.۲۴/۳۲

نزدیکی فریادرسی خدا، به فریادرس خواهان

إِغَاثَتُکَ قَرِیبَهٌ مِنَ الْمُسْتَغِیثِینَ

فریادرسی ات به فریاد رس خواهان، نزدیک است.۱۴/۴۶

خواندن خدا و طلب فریادرسی اش

فَنَادَیْتُکَ یَا إِلَهِی مُسْتَغِیثًا بِکَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که از تو فریادرسی خواستم.۱۰/۴۹

فریادرسی خواستن از خدا

بِکَ أَسْتَغِیثُ

تنها از تو فریادرسی می خواهم.۱۱/۵۲

جز خدا، فریادرسی برای نیاز خود نیافتن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... سُوءَالَ مَنْ لَا یَجِدُ لِفَاقَتِهِ مُغِیثًا... غَیْرَکَ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که فریادرسی برای نیازش جز تو نمی یابد.۳/۵۴

فریب

تابعین و مکر شیطان

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صَلَاةً... تَمْنَعُهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن آنان را از حیله شیطان بازداری.

۱۴و۱۳/۴

مکر نمودن به سود بندگان

كِدْ لَنَا وَ لَا تَكِدْ عَلَيْنَا

به سود ما تدبیر کن و به زیان ما تدبیر ننما.

۸/۵

مکر کردن با دشمنان اسلام

امْكُرْ لَنَا وَ لَا تَمْكُرْ بِنَا

برای (نفع) ما مکر فرما و بر (ضرر) ما مکر نکن.۸/۵

فریفتگی و بی باکی از کیفر خدا

قَدْ عَلِمْتَ، يَا إِلَهِي، مَا نَالَنِي مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ... وَ اغْتِرَارًا بِنَكِيرِكَ عَلَيْهِ

ای خدای من، تو می دانی از فلان کس فرزند فلان کس چیزهایی به من رسیده که تو نهی نموده ای و این از بی باکی او از کیفر تو می باشد.

۵/۱۴

مکرها و فریب های شیطان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ كَيْدِهِ وَ مَكَايِدِهِ، وَ مِنَ الثِّقَهِ بِأَمَانِيِّهِ وَ مَوَاعِيدِهِ وَ غُرُورِهِ وَ مَصَايِدِهِ

خداونـدا ما از وسوسه های شـیطان – رانـده شـده – و حیله و مکرهای او و اطمینان به آرزوهای او و وعده ها و فریب ها و دام هایش به تو پناه می بریم. ۱/۱۷

دور داشتن مکر شیطان، از بنده

وَ اکْفِنَا خَتْرَهُ

و حیله او را از ما دور کن.۴/۱۷

فریفتن شیطان

اللَّهُمَّ... بَصِّرْنَا مَا نُکَایِدُهُ بِهِ

خداوندا ما را به راه فریب دادنش، آگاه کن.

۷/۱۷

باطل نمودن حیله های شیطان

اللَّهُمَّ... الْطُفْ لَنَا فِی نَقْضِ حِیَلِهِ

خداوندا راه باطل نمودن نیرنگ های او را به ما لطف فرما.۸/۱۷

بی بهره و باطل گرداندن مکر شیطان

اللَّهُمَّ... وَ أَبْطِلْ كَيْدَهُ

خداوندا و فریبش را باطل فرما.۱۳/۱۷

عدم پیروی از شیطان، زمان فریفتن بنده

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِی نَظْمِ أَعْدَائِهِ، وَ اعْزِلْنَا عَنْ عِدَادِ أَوْلِيَائِهِ، لَا نُطِيعُ لَهُ إِذَا اسْتَهْوَانَا

خداوندا ما را در گروه دشمنانش قرار ده و از شمار دوستانش برکنار فرما تا هرگاه ما را به خود مایل ساخت، فرمانش نبریم.۱۴/۱۷

فریبنده نبودن برق ابر

وَ انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ... وَ تُوَسِّعُ بِهِ فِی الْأَقْوَاتِ، سَحَابًا مُتَرَاكِمًا... غَيْرَ مُلِثٍّ وَدْقُهُ، وَ لَا خُلَّبٍ بَرْقُهُ

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابر، بر ما بگستران. و با آن روزی ها فراخی دهی. ابری درهم فشرده، نه ابری پیوسته بارانی و نه ابری جهنده و بی باران.۳و۱/۱۹

مکر بنده، در برابر حیله گر

هَبْ لِی مَكْرًا عَلَى مَنْ كَايَدَنِی

مرا بر آنکه به من نیرنگ زند، چاره جویی ای ببخش. ۸/۲۰

دور ساختن مکر قصد بد کننده، درباره

بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی، وَ ادْحَرْ عَنِّی مَكْرَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و مکرش را از من بِران.۷/۲۳

بازگرداندن مکر قصد بد دارنده درباره بنده، به گردنش

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ رُدَّ كَيْدَهُ فِی نَحْرِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و فریبش را گریبانگیر خودش ساز.

۷/۲۳

شیطان، دشمنی مکرکننده برای بندگان

جَعَلْتَ لَنَا عَدُوًّا یَکِیدُنَا

برای ما دشمنی قرار دادی که به ما نیرنگ می زند. ۶/۲۵

گمراهی، نتیجه مکر شیطان با بنده

إِلَّا تَصْرِفْ عَنَّا کَیْدَهُ یُضِلَّنَا

اگر فریب او را از ما بازنداری، گمراهمان کند.

۷/۲۵

نگه داشته شدگان از مکر شیطان

اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِکَ... فَنُصْبِحَ مِنْ کَیْدِهِ فِی الْمَعْصُومِینَ بِکَ

خداونـدا بـا سـلطه خـود، تسـلّط او را از مـا دور کـن. پس بـه وسـیله تـو از نیرنـگ او، در زمره بازداشـته شـدگان (از گنـاه) درآییم.۸/۲۵

مکر مرزداران اسلام، به دشمنان

وَ الْطُفْ لَهُمْ فِی الْمَکْرِ

و در مکر ایشان (به دشمنانشان) دقّت نظر عطا کن.۲/۲۷

فریب دهنده و گول زننده بودن دنیا

أَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِکْرَ دُنْیَاهُمُ الْخَدَّاعَهِ الْغَرُورِ

هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده گول زننده را از خاطرشان ببر.۴/۲۷

زمان برتافتن عنان فریب شیطان، از بنده

...إِذَا قَارَفْتُ مَعْصِیَتَکَ، وَ اسْتَوْجَبْتُ بِسُوءِ سَعْیِی سَخْطَتَکَ، فَتَلَ عَنِّی عِذَارَ غَدْرِهِ

...همین که به نافرمانی ات پرداختم و با زشتی کردارم، خشمت را سزاوار گشتم، پس عنان حیله اش را از من برگرداند.۱۳/۳۲

زاری به درگاه خدا، جهت برگرداندن مکر شیطان

وَ أَتَضَرَّعُ إِلَیْکَ فِی صَرْفِ کَیْدِهِ عَنِّی

و به درگاه تو زاری می کنم، تا فریبش را از من بازگردانی.۲۷/۳۲

فریب خوردن از شیطان و نافرمانی خدا

فَلَوْ لَا أَنَّ الشَّیْطَانَ یَخْتَدِعُهُمْ عَنْ طَاعَتِکَ مَا عَصَاکَ عَاصٍ

پس اگر شیطان آنها را از اطاعتت فریبشان نمی داد، هیچ گناهکاری نافرمانی تو را نمی کرد.

۹/۳۷

از روی فریب خوردن نبودنِ طمع بستن (به رحمت الهی)

تَفْعَلْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْکَ أَکْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِیکَ... لَا أَنْ یَکُونَ... طَمَعُهُ اغْتِرَارًا

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست. نه اینکه طمعش از روی فریب خوردن باشد.۱۲/۳۹

مغرور نشدن صدّیقین، به (رحمت) خدا

فَأَمَّا أَنْتَ يَا إِلَهِی فَأَهْلٌ أَنْ لَا يَغْتَرَّ بِکَ الصِّدِّيقُونَ

و امّا تو ای خدای من، پس شایسته ای که راستگویان به تو مغرور نشوند.۱۳/۳۹

بی گزندی از فریب آرزو

سَلِّمْنَا مِنْ غُرُورِهِ

ما را از فریبش سلامتی ده.۲/۴۰

نیرنگ های فریبنده آرزو

لَمْ يُلْهِهِمُ الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ فَيَقْطَعَهُمْ بِخُدَعِ غُرُورِهِ

ص : ۹۳۰

آرزو، آنان را از کار (نیک) سرگرم نکرد تا آنها را با نیرنگ های فریبنده اش بازدارد.۹/۴۲

دور گرداندن بنده، از فریب شیطان

جَنِّبْنَا... الِانْخِدَاعَ لِعَدُوِّکَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

ما را از فریب خوردن از دشمنت؛ شیطان رانده شده، دور گردان.۱۳/۴۴

مهلت خدا و مغرور شدن متجاوزان

وَ سُنَّتُکَ الْإِبْقَاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ حَتَّى لَقَدْ غَرَّتْهُمْ أَنَاتُکَ عَنِ الرُّجُوعِ

و روش تو مهربانی با تجاوزکنندگان است. تا اینکه مهلت دادن تو آنان را از بازگشتن فریب داد.

۱۶/۴۶

مغرورشده و فریب خورده، به (کرم) خدا

الشَّقَاءُ الْأَشْقَى لِمَنِ اغْتَرَّ بِکَ

بدبخت ترین بدبختی برای کسیست که به تو مغرور گشته.۱۹/۴۶

عدم مکر با خدا

سُبْحَانَکَ... لَا تُکَادُ... وَ لَا تُخَادَعُ وَ لَا تُمَاکَرُ

پاک و منزّهی! نه نیرنگ می خوری و نه فریب می خوری و نه با تو حیله گری شود.۲۷/۴۷

لغزشِ فریفتگان

وَ لَا تَرْمِ بِی رَمْیَ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِکَ... بَلْ خُذْ بِيَدِی مِنْ... زَلَّهِ الْمَغْرُورِينَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده. بلکه از لغزش فریفتگان دستم را بگیر (نجاتم ده).۱۰۴/۴۷

خدا و مکر نکردن با بنده

وَ لَا تَمْکُرْ بِی فِيمَنْ تَمْکُرُ

و در میان کسانی که با آنها مکر می کنی، با من مکر نکن.۱۲۴/۴۷

فریب های ستمگر

کَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِی بِمَکَایِدِهِ

چه بسیار ستمگری که با نیرنگ هایش به من ستم کرد.۷/۴۹

مکر و نیرنگ حسود

وَ کَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... وَحَرَنِی بِکَیْدِهِ، وَ قَصَدَنِی بِمَکِیدَتِهِ

و چه بسیار حسودی که با مکر خویش بر من خشم نمود و با نیرنگش آهنگ من کرد.۹/۴۹

فریفتگی شیفتگی

فزع ترس

ص : ۹۳۱

فزونی برکت

فساد تباهی

فسق

بازداشتن بنده، از طلب آنچه نزد فاسقان است

ذُبَّنِی عَنِ الْتِمَاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِینَ

مرا از طلبیدنِ آنچه نزد فاسقان است، باز دار.

۱۳۱/۴۷

فشرده متراکم

فضل

خدا، صاحب فضل عظیم

إِنَّکَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ

به درستی که تو دارای فضل بزرگی.

۶/۳۰، ۱۵/۲۴، ۱۶/۱۴، ۲۶/۲

طلب فضل خدا، در روز

خَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا لِیَبْتَغُوا فِیهِ مِنْ فَضْلِهِ

و روز را برای ایشان روشن گر آفرید تا در آن فضل او را طلب کنند.۶/۶

تفضّل به بنده، در دو طرف روز

وَ امْلَأْ لَنَا مَا بَیْنَ طَرَفَیْهِ... فَضْلًا

و دو طرف آن (روز) را برای ما از تفضّل پر

ساز.۱۴/۶

طالب فضل الهی

لَا تَقْطَعْ رَجاءَنَا بِمَنْعِکَ، فَتَکُونَ قَدْ... حَرَمْتَ مَنِ اسْتَرْفَدَ فَضْلَکَ

به منع خویش، ما را ناامید مکن. و گرنه آنکه از احسانت بخشش خواسته، محروم نموده ای.

۳/۱۰

شادمانی بخشیدن به بنده ، و درخواست فضل خدا

نَشَّطْتَنِی بِهَا لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِکَ وَ فَضْلِکَ

مرا به وسیله آن (تندرستی) برای درخواستِ خوشنودی و احسانت شادی بخشیدی.۳/۱۵

اطمینان بنده، به فضل الهی

اللَّهُمَّ... بِفَضْلِکَ وَثِقْتُ

خداوندا به احسان تو اعتماد کرده ام.

۱۵/۲۰

فضل خدا و اعتراف بنده، به زیانش

مَا لِی بَعْدَ أَنْ حَکَمْتُ عَلَی نَفْسِی إِلَّا فَضْلُکَ

پس از آنکه خود را محکوم کردم، چیزی جز فضل تو ندارم.۱۵/۲۰

نتیجه بازداشتن فضل خدا، از بنده

اللَّهُمَّ إِنَّکَ إِنْ... مَنَعْتَنِی فَضْلَکَ الْجَسِیمَ... لَمْ أَجِدِ

السَّبِيلَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمَلِى غَيْرَكَ

خداوندا اگر فضل بزرگت را از من بازداری، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم.

۵/۲۱

سود رساندن به همسایگان، با فضل وافر

وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... الْعَوْدِ عَلَیْهِمْ بِالْجِدَهِ وَ الْإِفْضَالِ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در رسیدگی با ثروت و فضل فراوان به آنان، توفیق ده.۲/۲۶

افزایش بینایی همسایگان امام علیه السلام ، نسبت به فضل او

زِدْهُمْ... مَعْرِفَهً بِفَضْلِی

بر فضیلت شناسی آنان نسبت به من بیفزا.

۴/۲۶

برگرداندن خواهش خود، از نیازمند به فضل خدا

قَلَبْتُ مَسْأَلَتِی عَمَّنْ لَمْ یَسْتَغْنِ عَنْ فَضْلِکَ

درخواستم را از آنکه از فضلت بی نیاز نبود، بازگرداندم.۴/۲۸

گستردن فضل الهی، بر بنده

وَ ابْسُطْ عَلَیَّ طَوْلَکَ

و بخشش خود را بر من بگستر.۲۴/۳۱

تنگی نکردن فضل خدا، از بنده

فَهَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِکَ، وَ مَحَلُّ الْمُعْتَرِفِ لَکَ، فَلَا یَضِیقَنَّ عَنِّی فَضْلُکَ

پس این جایگاهِ پناهنده شده به تو، و محل اعتراف کننده برای توست. پس مبادا فضل تو از من تنگی نماید.۱۵/۳۲

نیاز به فریادرسی فضل خدا

لَمْ أَسْتَغْنِ عَنْ غِيَاثِ فَضْلِکَ

از فریادرسی فضلت بی نیاز نبودم.۲۴/۳۲

خوراک دادن جنین، به فضل خدا

فَغَذَوْتَنِی بِفَضْلِکَ غِذَاءَ الْبَرِّ اللَّطِیفِ

پس به فضل خودت مرا مانند نیکوکاری مهربانْ خوراک دادی.۲۶/۳۲

رفتار خدا با آفریدگان، از روی فضل

أَخَذَ عَلَی جَمِیعِ خَلْقِهِ بِالْفَضْلِ

با همه آفریدگانش با فضل رفتار کرد.۱/۳۵

خداوند، صاحب فضیلت

إِنَّکَ... ذُو الطَّوْلِ

همانا تو دارای فضیلتی.۷/۳۶

بازداشته نشدن فضل خدا، از بنده

...لِأَنَّکَ الرَّبُّ الْعَظِیمُ الَّذِی لَا یَمْنَعُ أَحَدًا فَضْلَهُ

...زیرا تو پروردگار بزرگی هستی که فضل

خود را از کسی بازنمی دارد.۱۳/۳۹

پیامبر صلی الله علیه و آله و بهترین فضل الهی

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَ فَضْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که با آن او را به برترین خیر و فضل و کرامتی که آرزو دارد، برسانی.۲۱/۴۲

به جا آوردن همه فضیلت های نماز

أَنْزِلْنَا فِيهَا مَنْزِلَهَ... الْمُؤَدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَى مَا سَنَّهُ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي رُكُوعِهَا وَ سُجُودِهَا وَ جَمِيعِ فَوَاضِلِهَا...

ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سنّتی که بنده و رسول تو [که درودهایت بر او و خاندانش باد] در رکوع و سجود آن و همه فضیلت هایش قرار داد - به جا آورده اند.۹/۴۴

جویا شدن از همسایگان، با فضل و بخشش

وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نَتَعَاهَدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَ الْعَطِيَّهِ

ما را در آن ماه توفیق ده، که با فضل و عطا، همسایگانمان را دلجویی نماییم.۱۰/۴۴

فضل خدا، سبب سپاس گزاری از او

وَ شَكَرُوكَ بِفَضْلِكَ

و با تفضّلت، تو را شکر گزاردند.۱۶/۴۵

ستایش خدا، به واسطه احسان و فضلش

يَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ وَ الْفَضْلِ

ای آنکه با احسان و تفضّل، مورد ستایش بندگانت قرار گرفته ای.۱۸/۴۵

رابطه بخشندگی خدا و فضلش

أَنْتَ... الْجَوَادُ بِمَا سُئِلْتَ مِنْ فَضْلِكَ

تو بخشنده هر آنچیزی هستی که از فضلت درخواست گردد.۲۱/۴۵

محروم شدن از فضل ماه رمضان، با سپری شدنش

السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ عَلَی فَضْلِکَ الَّذِی حُرِمْنَاهُ

درود بر تو و بر فضیلتت که از آن محروم شدیم.۴۲/۴۵

عامل بی بهره شدن از فضل ماه رمضان

وَ حُرِمُوا لِشَقَائِهِمْ فَضْلَهُ

و بر اثر شقاوتشان، از فضل آن ماهْ محروم گشتند.۴۳/۴۵

دریافت فضل پسندیده، در ماه رمضان

فَأْجُرْنَا... أَجْرًا نَسْتَدْرِکُ بِهِ الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ فِیهِ

پس ما را پاداش ده. پاداشی که با آن، در آن (ماه) فضل پسندیده را دریابیم.۴۵/۴۵

نقصان ناپذیری فضل خدا

ص : ۹۳۴

فَإِنَّ فَضْلَکَ لَا یَغِیضُ

به درستی که فضل تو کاستی پذیر نیست.

۵۰/۴۵

وَ اسْتَعْمِلْنَا بِمَا یَکُونُ حِطَّةً وَ کَفَّارَةً لِمَا أَنْکَرْتَ مِنَّا فِیهِ بِرَأْفَتِکَ الَّتِی لَا تَنْفَدُ، وَ فَضْلِکَ الَّذِی لَا یَنْقُصُ

و به مهربانی ات که نابود نمی شود و به فضلت که کم نمی گردد، ما را در این (ماه) به کاری که سبب فروریختن و کفّاره کارهایی می شود که بر ما نمی پسندی، بگمار.۴۷/۴۵

درخواست شدن، از فضل خداوند

إِنَّکَ... أَعْطَی مَنْ سُئِلَ مِنْ فَضْلِهِ

به درستی که تو بخشنده تر کسی هستی که از فضل او درخواست شده.۵۶/۴۵

طلب نکردن فضل الهی و دچار خشکسالی شدن

أَجْدَبَ الْمُنْتَجِعُونَ إِلَّا مَنِ انْتَجَعَ فَضْلَکَ

جویندگان که غیر از فضل تو جویا شدند، دچار خشکسالی گردیدند.۱۳/۴۶

رساندن فضل خدا، به بنده

ظَاهِرْ لَدَیَّ فَضْلَکَ وَ طَوْلَکَ

فضل و بخشش خود را بر من پوسته گردان.

۱۱۲/۴۷

سزاوارتر بودن خدا، به فضل

أَعْلَمُ... أَنَّکَ أَوْلَی بِالْفَضْلِ

می دانم که تو به بخششْ سزاوارتر هستی.

۱۱۶/۴۷

افزودن فضل خدا، بر بنده

زِدْنِی مِنْ فَضْلِکَ وَ سَعَهِ مَا عِنْدَکَ

برایم از فضل و فراخی آنچه نزد توست، بیفزا.

۲۸/۴۸

طلب فضل خدا و اندک ندادنش به بنده

وَ اسْتُمِیحَ فَضْلُکَ فَمَا أَکْدَیْتَ

و فضل تو خواسته شد، پس کم نگذاشتی.

۱۴/۴۹

آنچه فضل خدا موجب می شود:

أ. بی نیازی (از غیر خدا) و توانگری

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... أَغْنَانَا بِفَضْلِهِ

و سپاس خدای را که ما را به فضل خود، بی نیاز گرداند.۲۰/۱

فَبِفَضْلِکَ اللَّهُمَّ فَأَغْنِنِی

پس به فضل خود، خداوندا بی نیازم گردان.۴/۲۲

ب. دست یافتن به توبه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی دَلَّنَا عَلَی التَّوْبَهِ الَّتِی لَمْ نُفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ

سپاس خدای را که ما را به توبه ای ره نمود که جز به فضل او، آن را به دست نیاوردیم.۲۲/۱

ج. نترسیدن (از دوری گزیدن دیگران)

لَا نَسْتَوْحِشَ مِنْ أَحَدٍ مَعَ فَضْلِکَ

با احسانت از کسی نهراسیم.۷/۵

د. گشودن درِ آسایش، به روی بنده

افْتَحْ لِی یَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِکَ

ای پروردگار من، به فضل خود درِ آسایش را به رویم بگشای.۸/۷

هـ. گذشت خدا، از بنده

اللَّهُمَّ إِنْ تَشَأْ تَعْفُ عَنَّا فَبِفَضْلِکَ

خداوندا اگر خواهی ما را ببخشایی، از احسان توست.۱/۱۰

و. آرام شدن بنده

فَضْلُکَ آنَسَنِی

فضل تو مرا آرام نمود.۲۵/۱۳

ز. نوشتن کردارهای پاکیزه، برای بنده

وَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ مَا کَتَبَ لِیَ الْکَاتِبَانِ مِنْ زَکِیِّ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فَکَّرَ فِیهِ... بَلْ إِفْضَالًا مِنْکَ عَلَیَّ

و در بین آن بیماریْ نویسندگان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که دلی در آن نیندیشیده. بلکه فضل توست که بر من است.۵/۱۵

ح. فراخ گشتن روزی حلال، بر بنده

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُوسَعِ عَلَیْهِمُ الرِّزْقُ الْحَلَالُ مِنْ فَضْلِکَ، الْوَاسِعِ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به جود و کرم تو از فضل گسترده ات روزی حلال برای آنان سرشار شده، قرار ده.

۱۱و۱۰/۲۵

ط. رسیدن به آنچه خدا برای بنده، (در آخرت) روان ساخته

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِیًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوَضًا حَاضِرًا... إِلَی أَنْ یَنْتَهِیَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَی مَا أَجْرَیْتَ لَهُ مِنْ فَضْلِکَ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن. تا آنگاه که زمان او به پایان رسد، به آنچه از فضلت برای او روان ساخته ای، برسد.

۱۶/۲۷

ی. شفاعت بنده

لَا شَفِیعَ لِی إِلَیْکَ فَلْیَشْفَعْ لِی فَضْلُکَ

ص : ۹۳۶

شفیعی برای من به سوی تو نیست، پس باید فضلت مرا شفاعت کند.۲۵/۳۱

ک. پوشاندن (گناهان) بنده

اللَّهُمَّ وَ إِذْ... تَغَمَّدْتَنِی بِفَضْلِكَ فِی دَارِ الْفَنَاءِ بِحَضْرَهِ الْأَكْفَاءِ فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ

خداوندا و اکنون که (گناه) مرا به فضلت در سرای فانی در حضور همانندانم نهان داشتی، پس از رسوایی های سرای باقی، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

ل. سزاواری خدا

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا... لَا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَ إِنِ اجْتَهَدَ إِلَّا كَانَ مُقَصِّرًا دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ

خداوندا همانا کسی در طاعت تو هر چند تلاش کند، به جایی نمی رسد، جز آنکه در برابر سزاواری تو بر اثر فضلت عاجز است.

۲و۱/۳۷

م. راضی شدن خدا، از بنده

مَنْ رَضِيتَ عَنْهُ فَبِفَضْلِكَ

از هر که راضی شوی، از فضل توست.

۵/۳۷

ن. نیک بختی

وَ عَوِّضْنِی... مِنْ دُعَائِی لَهُمْ رَحْمَتَكَ حَتَّى يَسْعَدَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا بِفَضْلِكَ

و به جای دعایم بر آنان، رحمتت را به من عوض ده. تا هر یک از ما به فضل تو، سعادتمند شود.۳/۳۹

س. عطایی چندین برابر پاداش ارزانی شده به برخی، در رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَنْ رَعَى هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ، وَ أَعْطِنَا أَضْعَافَهُ مِنْ فَضْلِكَ

خداوندا و هر کس رعایت کرده این ماه را، به طوری که حقّ رعایتش است؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش و از فضلت، چندین برابر آن را به ما عطا فرما.۵۰/۴۵

ع. پیوسته نمودن حمد، به افزایش پی در پی

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... تَصِلُهُ بِمَزِیدٍ بَعْدَ مَزِیدٍ طَوْلًا مِنْکَ

سپاس برای توست. سپاسی که تو آن را از روی احسانت، با افزونی پی درپی پیوند دهی.۴۸و۳۶/۴۷

ف. مهربانی خدا، با بنده

تَعَطَّفْ عَلَیَّ بِفَضْلِکَ

به فضلتْ بر من مهربان باش.۸/۴۸

فضیلت برتری

فطر

مبارك گرداندن روز عید فطر، بر بندگان

بَارِكْ لَنَا فِی یَوْمِ عِیدِنَا وَ فِطْرِنَا

برای ما روز عید و فطرمان را مبارك گردان.

۴۸/۴۵

روز فطر، روز عید و شادی برای مؤمنان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ فِی یَوْمِ فِطْرِنَا - الَّذِی جَعَلْتَهُ لِلْمُوءْمِنِینَ عِیدًا وَ سُرُورًا، وَ لِأَهْلِ مِلَّتِکَ مَجْمَعًا وَ مُحْتَشَدًا -

خداوندا ما در روزِ فطرمان که آن را برای اهل ایمانْ عید و شادی و برای اهل دینتْ محل اجتماع و گردهمایی قرار دادی، به درگاه تو توبه می کنیم.

۵۲/۴۵

فقدان

مفقود نگشتن عزّت خداوند

أَیِّدْنَا بِعِزٍّ لَا یُفْقَدُ

ما را با عزّتی که از دست نرود، تأیید فرما.

۵/۳۵

سبب فقدان پاداش فرمانبردار

لَوْ کَافَأْتَ الْمُطِیعَ عَلَی مَا أَنْتَ تَوَلَّیْتَهُ لَأَوْشَکَ أَنْ یَفْقِدَ ثَوَابَکَ

اگر (بنا بود) فرمانبر را بر آنچه تو او را بر آن گماشته ای، جزا دهی، چه بسا پاداش تو را از دست می داد.۱۲/۳۷

غم انگیز بودنِ فقدان ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ قَرِینٍ... أَفْجَعَ فَقْدُهُ مَفْقُودًا

درود بر تو همنشینی که چون از دست رفت، فقدانش غم انگیز بود.۲۶/۴۵

فقر تنگ دستی

پناه بردن به خدا، از خوار شمردن فقرا

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ... الْإِزْرَاءِ بِالْمُقِلِّینَ

خداوندا به تو پناه می برم از تحقیر کردن تهی دستان. ۳و۱/۸

فقیرترین فقیران

أَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَیْکَ

من نیازمندترین نیازمندان به توام.۳/۱۰

نسبت دادن فقر، به آفریدگان

نَسَبْتَهُمْ إِلَی الْفَقْرِ

آنها را به تنگدستی نسبت داده ای.۱۲/۱۳

آفریدگان، فقرای درگاه خدا

وَ نَسَبْتَهُمْ إِلَی الْفَقْرِ وَ هُمْ أَهْلُ الْفَقْرِ إِلَیْکَ

و آنها را به تنگدستی نسبت داده ای و ایشان

سزاوارند که به تو نیازمند باشند.۱۲/۱۳

عامل برطرف شدن فقر از بنده

فَمَنْ... رَامَ صَرْفَ الْفَقْرِ عَنْ نَفْسِهِ بِکَ فَقَدْ طَلَبَ حاجَتَهُ فِی مَظَانِّهَا

پس هر که برطرف کردن احتیاجش را به وسیله تو بخواهد، بی گمان نیازمندی اش را در جایگاه بایسته طلب کرده.۱۳/۱۳

شکوه نمودن از فقر به خدا

هَلْ أَنْتَ، یَا إِلَهِی... مُغْنٍ مَنْ شَکَا إِلَیْکَ، فَقْرَهُ تَوَکُّلًا؟

ای خدای من آیا تو هر کس را که از تهی دستی اش با توکّل، به سوی تو شکایت کرد، بی نیاز می سازی؟۱۵/۱۶

درخواست آزمایش نشدن به فروتنی برای غیر خدا، هنگام فقر

لَا تَفْتِنِّی... بِالْخُضُوعِ لِسُوءَالِ غَیْرِکَ إِذَا افْتَقَرْتُ

مرا به فروتنی برای درخواست از دیگران به هنگام نیازم، آزمایش نکن.۱۲/۲۰

سبب فقیر نشدن بنده

وَ لَا أَفْتَقِرَنَّ وَ مِنْ عِنْدِکَ وُسْعِی

و (چنان کن که) فقیر نگردم، در حالی که دارایی ام از نزد تو می باشد.۱۴/۲۰

بنده فقیر و بی چیز خدا بودن

فَإِنِّی عَبْدُکَ... الْفَقِیرُ

پس به درستی که من بنده فقیر توام.۷/۲۱

ناامید نفرمودن بنده فقیر یا غنی، از روا شدن درخواستش

وَ لَا تَجْعَلْنِی... آیِسًا مِنْ إِجَابَتِکَ لِی وَ إِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّی، فِی... فَقْرٍ أَوْ غِنًی

و مرا ناامید از اجابتت – گرچه دیر شود – قرار نده، در تهی دستی باشم یا ثروت.۸/۲۱

قدرت نداشتن بنده، بر فقر

لَا قُوَّهَ لِی عَلَی الْفَقْرِ

تحمّل فقر ندارم.۲/۲۲

توانگر شدن از فقر، به بی نیازی خدا

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُغْنَیْنَ مِنَ الْفَقْرِ بِغِنَاکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به توانگری تو از فقر به بی نیازی رسیده اند، قرار ده.

۱۱و۱۰/۲۵

دارایی طلبیدن از غیر خدا و فقیر شدن

فَکَمْ قَدْ رَأَیْتُ یَا إِلَهِی مِنْ أُنَاسٍ... رَامُوا الثَّرْوَهَ مِنْ سِوَاکَ فَافْتَقَرُوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند.۶/۲۸

محبوب گرداندن همنشینی با فقرا، برای

ص : ۹۳۹

بنده

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ صُحْبَةَ الْفُقَرَاءِ

خداوندا، همنشینی نیازمندان را نزد من محبوب گردان.۴/۳۰

رفتار خدا با بنده؛ رفتار توانگر با فقیر

وَ افْعَلْ بِی فِعْلَ... غَنِیٍّ تَعَرَّضَ لَهُ عَبْدٌ فَقِیرٌ فَنَعَشَهُ

و با من همانند توانگری که بنده بینوایی پیش او آمده، پس او را بی نیاز کرده، رفتار نما.

۲۴/۳۱

درخواست از خدا، همانند بنده ای فقیر

سَأَلْتُکَ مَسْأَلَهَ الْحَقِیرِ الذَّلِیلِ الْبَائِسِ الْفَقِیرِ

از تو درخواست می نمایم، درخواستِ خُرد، خوار، بدحال، نیازمند.۷۴/۴۷

افزودن فقر بنده، به درگاه خدا

زِدْنِی إِلَیْکَ فَاقَهً وَ فَقْرًا

بر فقر و نیازم به درگاهت بیفزا.۱۱۸/۴۷

فقر بنده به خدا و غنای خدا از بنده

وَ تَوَلَّ قَضَاءَ کُلِّ حَاجَهٍ هِیَ لِی... بِفَقْرِی إِلَیْکَ، وَ غِنَاکَ عَنِّی

و برآوردن هر درخواستی را برای من، به نیازمندی من به تو و به بی نیازی تو از من، به عهده گیر.

۴/۴۸

فرود آوردن فقر خود به درگاه خدا، در روز قربان و جمعه

اللَّهُمَّ... بِکَ أَنْزَلْتُ الْیَوْمَ فَقْرِی وَ فَاقَتِی وَ مَسْکَنَتِی

خداوندا، در این روز، تنگدستی و نیازمندی و بی چیزی ام را به سوی تو فرود آوردم.۴/۴۸

خواندن خدا و فقیر درگاهش بودن

دَعَوْتُکَ یَا رَبِّ... فَقِیرًا، مُضْطَرًّا إِلَیْکَ

تو را خواندم – ای پروردگار من – در حالی که فقیر و بیچاره درگاه تو هستم.۹/۵۱

فکر اندیشه

فلاح رستگاری

فلک

تصرّف ماه، در فلک تدبیر

أَیُّهَا... الْمُتَصَرِّفُ فِی فَلَکِ التَّدْبِیرِ

ای که در فلک تدبیر تصرّف می کنی.۱/۴۳

فنا نابودی

فناناپذیری گنجینه های رحمت خدا

یَا مَنْ لَا تَفْنَی خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ

ای کسی که گنج های رحمت او نابود نمی شود.

۳/۵

ص : ۹۴۰

زیانی در (دنیای) فانی شونده

اللَّهُمَّ وَ مَتَى وَقَفْنَا بَيْنَ نَقْصَيْنِ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا، فَأَوْقِعِ النَّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً

خداوندا و هرگاه بین دو زیان قرار گرفتیم در دین یا دنیا، پس زیان را در آن که زودگذر است قرار ده.۲/۹

فانی نگشتن خزائن الهی، با درخواست از خدا

يَا مَنْ لَا تُفْنِي خَزَائِنَهُ الْمَسَائِلُ

ای آنکه درخواست ها، گنجینه های او را فانی نمی سازد.۷/۱۳

اندک بودن آنچه پایانش فناست

فَغَيْرُ كَثِيرٍ مَا عَاقِبَتُهُ الْفَنَاءُ

زیرا آنچه سرانجامش نابودیست، زیاد نیست.

۳/۱۸

فانی شدن دنیا

مَا زَوَيْتَ عَنِّي مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَانِيَةِ فَاذْخَرْهُ لِي فِي خَزَائِنِكَ الْبَاقِيَةِ

آنچه از کالای دنیایِ فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های جاوید خود ذخیره فرما. ۵/۳۰

پوشاندن (گناهان) بنده، در سرای نیستی

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِي بِعَفْوِكَ، وَ تَغَمَّدْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَنَاءِ... فَأَجِرْنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ...

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی و (گناه) مرا به فضلت در سرای فانی نهان داشتی، پس از رسوایی های سرای باقی، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

ثروتی فنانشدنی

مَتِّعْنَا بِثَرْوَةٍ لَا تَنْفَدُ

ما را ثروتی که نابود نشود، ببخش.۵/۳۵

تعلّق گرفتن پاداش، به عمل کوتاه مدت نیست شدنی

...لَکِنَّکَ بِکَرَمِکَ جَازَیْتَهُ عَلَی الْمُدَّهِ الْقَصِیرَهِ الْفَانِیَهِ بِالْمُدَّهِ الطَّوِیلَهِ الْخَالِدَهِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدّتِ زودگذر، پاداش درازمدّتِ همیشگی دادی.۱۲/۳۷

فانی نگشتن مهربانی خدا

وَ اسْتَعْمِلْنَا بِمَا یَکُونُ حِطَّهً وَ کَفَّارَهً لِمَا أَنْکَرْتَ مِنَّا فِیهِ بِرَأْفَتِکَ الَّتِی لَا تَنْفَدُ

و به مهربانی ات که نابود نمی شود، ما را در این (ماه) به کاری که سبب فروریختن و کفّاره کارهایی می شود که بر ما نمی پسندی، بگمار.

۴۷/۴۵

فانی نگشتن معادن احسان خدا

إِنَّ مَعَادِنَ إِحْسَانِکَ لَا تَفْنَی

به درستی که معادن احسانت فنا نمی شود.

۵۰/۴۵

فانی نگشتن کلمات خداوند

...لَا تَنْفَدُ کَلِمَاتُکَ

...کلمات تو فانی نمی شود.۵۳/۴۷

درودی فناناپذیر، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً... لَا یَنْفَدُ کَمَا لَا تَنْفَدُ کَلِمَاتُکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که فانی نگردد، همچنانکه کلمات تو فانی نمی شود.۵۳/۴۷

فناناپذیری ذات خداوند

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... بِجَلَالِ وَجْهِکَ الْکَرِیمِ، الَّذِی لَا یَبْلَی وَ لَا یَتَغَیَّرُ، وَ لَا یَحُولُ وَ لَا یَفْنَی، أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به آن بزرگی ذات بزرگوارت که کهنه و دگرگون نمی شود، و تغییر حال نمی دهد، و نابود نمی گردد، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی.

۱۰/۵۲

فوت [از دست رفتن]

فوت نشدن چیزی نزد خداوند

...لَا یَفُوتُهَا شَیْءٌ وَ إِنْ لَطُفَ

...چیزی - اگر چه خرد باشد - از او (خداوند) رهایی نمی یابد.۱/۲

از دست نرفتن کار نیک

وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا... فِی مُوجِبَاتِ ثَوَابِکَ، حَتَّی لَا تَفُوتَنَا حَسَنَهٌ نَسْتَحِقٌّ بِهَا جَزَاءَکَ

و رازهای دل هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده، تا کار نیکی که به سبب آن سزاوار پاداش تو شویم از دستمان نرود.۷/۹

سبب فوت احسان الهی

مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ... فَقَدْ... اسْتَحَقَّ مِنْ عِنْدِکَ فَوْتَ الْإِحْسَانِ

هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد، بی گمان نیافتن احسان تو را سزاوار گشته.۱۴/۱۳

باران، بازگرداننده آنچه از دست رفته

تُحْیِی بِهِ مَا قَدْ مَاتَ، وَ تَرُدُّ بِهِ مَا قَدْ فَاتَ

به سبب آن، آنچه را که مرده است، زنده نمایی. و با آن آنچه را که از دست رفته، برگردانی.

۳/۱۹

نزد خدا بودنِ عوضِ هر چه فوت شده

عِنْدَکَ مِمَّا فَاتَ خَلَفٌ

عوض هر آنچه از دست رفته، نزد توست.

۲۰/۲۰

علم الهی، مانع از فوت امور

وَ وَفِّقْنِی لِلنُّفُوذِ فِیما تُبَصِّرُنِی مِنْ عِلْمِهِ حَتَّی لَا یَفُوتَنِی اسْتِعْمَالُ شَیْءٍ عَلَّمْتَنِیهِ

و مرا برای انجام آنچه به دانستنش بینایم می کنی، توفیق ده. تا انجام دادن آنچه به من آموختی، از دستم نرود.۳/۲۴

اندوهناک شدن بر ماه رمضان پیش از، از دست رفتنش

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ... مَحْزُونٍ عَلَیْهِ قَبْلَ فَوْتِهِ

درود بر تو که پیش از از دست رفتنش، بر آن اندوه خورند.۳۸/۴۵

ترس از فوت شدن وقت

إِنَّمَا یَعْجَلُ مَنْ یَخَافُ الْفَوْتَ

همانا کسی شتاب می کند که از گذشتن فرصت می ترسد.۱۵/۴۸

از دست خدا نرفتنِ پرستش کننده غیرِ او

لَا یَفُوتُکَ مَنْ عَبَدَ غَیْرَکَ

کسی که جز تو را پرستید، از دست تو گریزی ندارد.۳/۵۲

فوج گروه

فهم

فهم قرآن از روی تصدیق

جَعَلْتَهُ... شِفَاءً لِمَنْ أَنْصَتَ بِفَهَمِ التَّصْدِیقِ إِلَی اسْتِمَاعِهِ

آن را شفایی برای کسی که با فهم و تصدیق به آن گوش فرا داد و استماعش نمود، قرار دادی.

۳/۴۲

فهم شگفتی ها و مثل های منع کننده قرآن

اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّیَالِی مُونِسًا... حَتَّی تُوصِلَ إِلَی قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ

قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مَثل های بازدارنده اش را، به دل های ما برسانی.۱۰/۴۲

ناتوانی فهم ها، از چگونگی خدا

أَنْتَ الَّذِی... عَجَزَتِ الْأَفْهَامُ عَنْ کَیْفِیَّتِکَ

تویی آنکه فهم ها از کیفیّت تو عاجزند.

۱۸/۴۷

ق

قبح زشتی

قبر

افتادگان در گِرُوِ گورها و دمیدن (در صور)

إِسْرَافِیلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاخِصُ الَّذِی یَنْتَظِرُ مِنْکَ الْإِذْنَ... فَیُنَبِّهُ بِالنَّفْخَهِ صَرْعَی رَهَائِنِ الْقُبُورِ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه توست، تا با دمیدنِ مردگانِ گروِ گورها را بیدار کند.۲/۳

رومان، آزمایش کننده (اهل) قبور

...وَ رُومَانَ فَتَّانِ الْقُبُورِ

...و رومانْ آزمایش کننده (مردگان) قبرها.

۱۸/۳

زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالْحَجِّ... وَ زِیَارَهِ قَبْرِ رَسُولِکَ...

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و زیارت قبر پیامبرت.۴/۲۳

قبرها، جای ماندن تا روز رستاخیز

وَ کَانَتِ الْقُبُورُ هِیَ الْمَأْوَی إِلَی مِیقَاتِ یَوْمِ التَّلَاقِ

و گورها تا هنگام قیامت، جایگاه ماندن باشد.

۱۳/۴۲

قبرها، بهترین منزل ها

اجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْیَا خَیْرَ مَنَازِلِنَا

قبرها را پس از فراق از دنیا، بهترین خانه های ما قرار ده.۱۴/۴۲

عامل روشن شدن تاریکی قبرها

نَوِّرْ بِهِ قَبْلَ الْبَعْثِ سُدَفَ قُبُورِنَا

پیش از برانگیخته شدن، تاریکی قبرهایمان را با آن (قرآن)، روشن ساز.۱۵/۴۲

قبض

ابزارهای قبض، در (کالبد) بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... جَعَلَ لَنَا أَدَوَاتِ الْقَبْضِ

و سپاس خدای را که افزارهای قبض و در هم کشیدن را برای ما قرار داد.۲۰/۱

قبول پذیرش

قبیله

کارزار کردن پیامبر صلی الله علیه و آله ، با قبیله اش

ص : ۹۴۵

حَارَبَ فِی رِضَاکَ أَسْرَتَهُ

در (راه) خوشنودی تو، با قبیله اش جنگید.

۷/۲

قبیله های (گوناگون) فرشتگان

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که به خود اختصاصشان داده ای.۱۱و۱۰/۳

سبب دوری گزیدن قبیله های اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، از آنها

وَ الَّذِینَ هَجَرَتْهُمُ الْعَشَائِرُ إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ

و آنان که چون به دسته آن حضرت آویختند، قبیله هایشان از آنها دوری نمودند.۶/۴

قتل

کشتن و اسیر نمودن مشرکان

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِکَهٍ مِنْ عِنْدِکَ مُرْدِفِینَ حَتَّی یَکْشِفُوهُمْ إِلَی مُنْقَطَعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِی أَرْضِکَ وَ أَسْرًا

و آنان را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آیند، یاری فرما. تا با کشتن و اسیر گرفتن، آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند.۸/۲۷

شهادت مجاهد، پس از کشتن دشمن خدا

فَإِنْ... قَضَیْتَ لَهُ بِالشَّهَادَهِ فَبَعْدَ أَنْ یَجْتَاحَ عَدُوَّکَ بِالْقَتْلِ

پس اگر شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که دشمنت را با کشتن نابود نموده است.

۱۵/۲۷

دشمن و زهرهای کشنده اش

فَکَمْ مِنْ عَدُوٍّ... شَحَذَ لِی ظُبَهَ مُدْیَتِهِ... وَ دَافَ لِی قَوَاتِلَ سُمُومِهِ

پس چه بسیار دشمنی که لبه تیغش را برای من تیز نمود و آن را برای من با زهرهای کشنده اش درهم آمیخت.۴/۴۹

قدَر تقدیر

قدرت توانایی

قدم

گام برداشتن به سوی پایان زندگی

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِی الْحَیَاهِ أَجَلًا مَوْقُوتًا... یَتَخَطَّأُ إِلَیْهِ بِأَیَّامِ عُمُرِهِ

سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معیّن نمود، که با روزهای زندگی اش، به سوی آن گام بردارد.

۶/۱

ص : ۹۴۶

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله از قدمگاهش (محلّ پرورشش)، به غربت

هَاجَرَ إِلَی بِلَادِ الْغُربَهِ، وَ مَحَلِّ النَّأْیِ عَنْ... مَوْضِعِ رِجْلِهِ

از قدمگاهش، به شهرهای غربت و محل دور هجرت نمود.۱۶/۲

سبب لرزش پاهای بنده

قَدْ أَرْعَشَتْ خَشْیَتُهُ رِجْلَیْهِ

ترس پاهایش را به لرزه انداخته.۹/۱۲

ایستادن در برابر خدا، تا ورم نمودن پاها

یَا إِلَهِی لَوْ... قُمْتُ لَکَ حَتَّی تَتَنَشَّرَ قَدَمَایَ... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر آنقدر در برابر تو بایستم تا پاهایم ورم کند، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

جای پای شیطان

وَ اقْطَعْ عَنَّا إِثْرَهُ

و اثرش را از ما قطع کن.۴/۱۷

سبب آرزو نکردن پیوستن گامی به گام دیگر

وَ اکْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ... حَتَّی لَا نُوءَمِّلَ... لُحُوقَ قَدَمٍ بِقَدَمٍ

و ما را از آرزوی دراز بازدار، تا بدانجا که در

پی هم آمدن گامی را به گامی، آرزو نکنیم.

۱/۴۰

عامل بازدارنده قدم های بنده، از بردن او به سوی گناه

اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِأَقْدَامِنَا عَنْ نَقْلِهَا إِلَی الْمَعَاصِی حَابِسًا

قرآن را نگهدار گام های ما از حرکت به سوی گناهان، قرار ده.۱۰/۴۲

لرزیدن پل دوزخ و پابرجایی گام های بنده

ثَبِّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ یَوْمَ الْمَ_جَازِ عَلَیْهَا زَلَلَ أَقْدَامِنَا

هنگام لرزیدن پل دوزخ، در آن روز که بر آن عبور می کنیم، لغزش گام های ما را به وسیله آن (قرآن) پابرجا گردان.۱۵/۴۲

با گام های خود به سوی حرام نرفتن

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ... حَتَّی... لَا نَخْطُوَ بِأَقْدَامِنَا إِلَی مَحْجُورٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا با پاهایمان به سوی هیچ حرامی نرویم.۷و۶/۴۴

لغزش پای بنده (در گناهان)

ص : ۹۴۷

مَوْلَایَ ارْحَمْ... زَلَّهَ قَدَمِی

مولای من! بر لغزش گام هایم رحم کن.۴/۵۳

قدیم دیرینه

قرآن کتاب آسمانی

قرآن، هویداکننده راه های احکام

جَعَلْتَهُ... قُرْآنًا أَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحْکَامِکَ

آن را قرآنی قرار دادی که با آن راه های احکامت را روشن ساختی.۲و۱/۴۲

ارتباط قرآن، با بنده

اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِیلَهً لَنَا إِلَی أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْکَرَامَهِ، وَ سُلَّمًا نَعْرُجُ فِیهِ إِلَی مَحَلِّ السَّلَامَهِ، وَ سَبَبًا نُجْزَی بِهِ النَّجَاهَ فِی عَرْصَهِ الْقِیَامَهِ، وَ ذَرِیعَهً نَقْدَمُ بِهَا عَلَی نَعِیمِ دَارِ الْمُقَامَهِ

قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت و نردبانی برای عروجمان به محل سلامت، و دستاویز پاداش ما به صورت نجات در عرصه قیامت و وسیله ای برای قدم نهادن ما بر نعمتِ سرای اقامت، قرار ده.۸/۴۲

اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّیَالِی مُونِسًا، وَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّیْطَانِ وَ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا، وَ لِأَقْدَامِنَا عَنْ نَقْلِهَا إِلَی الْمَعَاصِی حَابِسًا، وَ لِأَلْسِنَتِنَا عَنِ الْخَوْضِ فِی الْبَاطِلِ مِنْ غَیْرِ مَا آفَهٍ مُخْرِسًا، وَ لِجَوَارِحِنَا عَنِ اقْتِرَافِ الْآثَامِ زَاجِرًا، وَ لِمَا طَوَتِ الْغَفْلَهُ عَنَّا مِنْ تَصَفُّحِ الِاعْتِبَارِ

نَاشِرًا، حَتَّی تُوصِلَ إِلَی قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ

قرآن را مونس ما در تاریکی های شب و نگهبان ما از وسوسه های شیطان و از اندیشه های بد، و نگهدار گام های ما از حرکت به سوی گناهان، و بندآورنده زبان هایمان از فرورفتن در باطل، بی آنکه از بیماری باشد، و مانع برای اندام های ما از انجام گناهان، و ناشر پندهایی که غفلت از دید ما می پوشاند، قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مَثل های بازدارنده اش را، به دل های ما برسانی.۱۰/۴۲

قرآن و انداختن بار سنگین گناهان، از بندگان

وَ احْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقْلَ الْأَوْزَارِ

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز.۹/۴۲

پاک کنندگی قرآن، به سبب پاکی اش

وَ احْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقْلَ الْأَوْزَارِ... حَتَّى تُطَهِّرَنَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ بِتَطْهِيرِهِ

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز، تا به پاک کنندگی آن، ما را از هر آلودگی پاک کنی.**۹/۴۲**

قرآن و درخواست های بنده از خدا

ص : ۹۴۸

وَ احْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقْلَ الْأَوْزَارِ، وَ هَبْ لَنَا حُسْنَ شَمَائِلِ الْأَبْرَارِ، وَ اقْفُ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ قَامُوا لَكَ بِهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ حَتَّى تُطَهِّرَنَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ بِتَطْهِيرِهِ، وَ تَقْفُوَ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ اسْتَضَاؤُوا بِنُورِهِ...

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز و زیبایی خوهای نیکوکاران را به ما ببخش و ما را در پی کسانی گردان که در ساعت های شب و اطراف روز، قرآن را برای تو به پا داشتند، تا به پاک کنندگی آن، ما را از هر آلودگی پاک کنی و ما را در پی کسانی گردانی که از نور آن، روشنی جستند.۹/۴۲

أَدِمْ بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ ظَاهِرِنَا، وَ احْجُبْ بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنْ صِحَّهِ ضَمَائِرِنَا، وَ اغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا وَ عَلَائِقَ أَوْزَارِنَا، وَ اجْمَعْ بِهِ مُنْتَشَرَ أُمُورِنَا، وَ أَرْوِ بِهِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَيْكَ ظَمَأَ هَوَاجِرِنَا، وَ اكْسُنَا بِهِ حُلَلَ الْأَمَانِ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ فِی نُشُورِنَا

با قرآن، ظاهرِ نیک ما را آشکار ساز و با آن خاطره های وسوسه انگیز را از درون سالم ما بازدار و به وسیله آن چرکی دل هایمان و وابستگی های گناهانمان را بشوی و با آن کارهای پراکنده ما را گرد آور و با آن تشنگی شدید ما را در جاهای گرم در جایگاهی که در پیشگاه توست، سیراب فرما و با آن ما را در سهمناک ترین روز، هنگامی که از قبرها سر برمی آوریم، به جامه های امان بپوشان.

۱۱/۴۲

اجْبُرْ بِالْقُرْآنِ خَلَّتَنَا مِنْ عَدَمِ الْإِمْلَاقِ، وَ سُقْ إِلَيْنَا بِهِ رَغَدَ الْعَيْشِ وَ خِصْبَ سَعَهِ الْأَرْزَاقِ، وَ جَنِّبْنَا بِهِ الضَّرَائِبَ الْمَذْمُومَهَ وَ مَدَانِیَ الْأَخْلَاقِ، وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّهِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِی النِّفَاقِ

به وسیله قرآن، تنگدستی ما را به نداشتن نیازمندی جبران کن و به وسیله آن، آسایش زندگی و توسعه روزی های فراوان را به سوی ما سوق بده و با آن ما را از خوی های نکوهیده و اخلاق پست، دور کن. و با آن ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار.۱۲/۴۲

هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا كَرْبَ السِّيَاقِ، وَ جَهْدَ الْأَنِينِ...

به وسیله قرآن هنگام مرگ، دشواری جان کندن و سختی ناله کردن را بر ما آسان گردان.

۱۳/۴۲

ارْحَمْ بِالْقُرْآنِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَيْكَ ذُلَّ مَقَامِنَا، وَ ثَبِّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْمَجَازِ عَلَيْهَا زَلَلَ أَقْدَامِنَا، وَ نَوِّرْ بِهِ قَبْلَ الْبَعْثِ سُدَفَ قُبُورِنَا، وَ نَجِّنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ شَدَائِدِ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَّهِ

به (برکت) قرآن، در جای ایستادن که به پیشگاهت عرضه می شویم، بر خواری ما رحم کن و هنگام لرزیدن پل دوزخ، در آن روز که بر آن عبور می کنیم، لغزش گام های ما را به وسیله آن پابرجا گردان و پیش از برانگیخته شدن، تاریکی قبرهایمان را با آن روشن ساز و ما را در روز

رستاخیز از هر اندوهی و از ترس های سخت روز قیامت، به وسیله آن نجات ده.

۱۵/۴۲

رمضان، ماه نزول قرآن

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْکَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ، هُدًی لِلنَّاسِ، وَ بَیِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَی وَ الْفُرْقَانِ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فروفرستاده شد که برای مردم هدایتگر و نشانه های آشکار از هدایت و جدا سازی (حقّ از باطل) است.۳/۴۴

قرآن و افزایش حسنات

وَ مَا أَنْزَلْتَ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ فِی الْقُرْآنِ مِنْ تَضَاعِیفِ الْحَسَنَاتِ

و ماننده‌های آن (آیه هایی) که از افزایش های نیکی ها در قرآن فروفرستادی.۱۳/۴۵

فرستادن قرآن و نور، در ماه برگزیده سال

وَ آثَرْتَهُ عَلَی کُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَهِ بِمَا أَنْزَلْتَ فِیهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَ النُّورِ

و آن را بر همه زمان های سال برگزیدی. به سبب آنچه در آن ماه از قرآن و نور نازل کردی.

۲۰/۴۵

قرارگاه

هجوم آوردن پیامبر صلی الله علیه و آله به دشمنان، در میان قرارگاهشان

هَجَمَ عَلَیْهِمْ فِی بُحْبُوحَهِ قَرَارِهِمْ

در میان قرارگاهشان، بر آنان هجوم برد.

۲۱/۲

قرب نزدیکی

قرض وام

قسط عدل

قسم سوگند

قسمت تقسیم

قصاص

تاوان گرفتن از والدین

فَهُمَا... أَعْظَمُ مِنَّةً لَدَیَّ مِنْ أَنْ أُقَاصَّهُمَا بِعَدْلٍ

پس نعمتشان نزد من بزرگ تر از آن است که با عدل از آنان تقاص گیرم.۱۰/۲۴

تاوان نگرفتن از بنده

لَمْ تَسُمْهُ الْقِصَاصَ فِیما أَكَلَ مِنْ رِزْقِكَ

از او در آنچه از روزی تو خورد، تقاص نخواستی.۱۳/۳۷

لَا تُقَاصَّنِی بِمَا اجْتَرَحْتُ

مرا به خاطر آنچه انجام دادم، تقاص نکن.

۲/۴۱

قصاص (کردار) بنده، و فروتنی او

هَذِهِ يَدِی وَ نَاصِيَتِی، أَسْتَكِينُ بِالْقَوَدِ مِنْ نَفْسِی

این دست من و موی جلوی سرم است. برای قصاص خویش، فروتن می شوم.۴/۵۳

قصد

فرشتگان و عدم قصد نگریستن به خدا

فَلَا يَرُومُونَ النَّظَرَ إِلَيْکَ

(آنان) قصد نگریستن سوی تو را ندارند.

۸/۳

تابعین و قصد طریقه صحابه

اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ... خَيْرَ جَزَائِکَ. الَّذِينَ قَصَدُوا سَمْتَهُمْ

خداوندا و بهترین پاداش خود را به تابعینِ نیکوکارِ ایشان برسان. آنان که راه ایشان را قصد نمودند.۱۰و۹/۴

قصد خیانت نمودن به کسی

نَعُوذُ بِکَ أَنْ نَنْطَوِیَ عَلَى غِشِّ أَحَدٍ

پناه می بریم به تو از اینکه قصد خیانت به کسی داشته باشیم.۵/۸

تمایل به تصمیمی خوشنودکننده خدا

وَ إِذَا هَمَمْنَا بِهَمَّيْنِ يُرْضِيکَ أَحَدُهُمَا عَنَّا، وَ يُسْخِطُکَ الْآخَرُ عَلَيْنَا، فَمِلْ بِنَا إِلَى مَا يُرْضِيکَ عَنَّا

و چون بر دو کار تصمیم گرفتیم، یکی تو را از ما خوشنود می سازد و دیگری تو را بر ما به خشم می آورد، پس ما را به آن کار که تو را از ما خوشنود می سازد برگردان.۳/۹

سبب گراییدن بنده، به ناامیدی

مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَکَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِرْمَانِ

هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد یا سبب روا شدن آن را غیر تو قرار دهد، بی گمان خود را در معرض ناامیدی قرار داده.

۱۴/۱۳

با رغبت، خدا را قصد نمودن

فَقَصَدْتُکَ، یَا إِلَهِی بِالرَّغْبَهِ

پس ای خدای من از روی میلْ آهنگ تو کردم.

۱۸/۱۳

بازداشتن شیطان، از تصمیمش

اللَّهُمَّ... ثَبِّطْهُ إِذَا عَزَمَ

خداوندا هر تصمیمی (شیطان) گرفت، از اقدامش بازدار.۱۲/۱۷

عفو الهی را آهنگ نمودن

ص : ۹۵۱

اللَّهُمَّ... إِلَی عَفْوِکَ قَصَدْتُ

خداوندا به سوی بخشایش تو آهنگ نموده ام.

۱۵/۲۰

قصدبدکننده، درباره بنده

مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی

هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز.۷/۲۳

قصد فحشا، و عامل دلیر شدن بر انجام آن

إِنْ هَمَمْنَا بِفَاحِشَهٍ شَجَّعَنَا عَلَیْهَا

اگر قصد کار زشتی کنیم، (شیطان) ما را بر آن دلیر گردانَد.۷/۲۵

قصد کار شایسته و بازدارندگی شیطان از آن

إِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ ثَبَّطَنَا عَنْهُ

چنانچه قصد کار شایسته ای کردیم، (شیطان) ما را از آن بازدارد.۷/۲۵

مرزداران اسلام و قصد پشت کردن به دشمن

اجْعَلِ الْجَنَّهَ نَصْبَ أَعْیُنِهِمْ... حَتَّی لَا یَهُمَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْإِدْبَارِ

بهشت را در مقابل چشمانشان قرار ده، تا هیچ یک از آنان آهنگ پشت کردن (به دشمن) نکند.

۴/۲۷

قصد جنگ و جهاد نمودن

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَی غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاکْتُبِ اسْمَهُ فِی الْعَابِدِینَ...

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

با ترس، خدا را قصد نمودن

قَصَدَکَ بِخَوْفِهِ إِخْلَاصًا

از سَر اخلاصْ با ترس، آهنگ تو نمود.

۸/۳۱

اوّلین قصد معصیت خدا و سزاواری همه کیفرها

وَ لَقَدْ کَانَ یَسْتَحِقُّ فِی أَوَّلِ مَا هَمَّ بِعِصْیَانِکَ کُلَّ مَا أَعْدَدْتَ لِجَمِیعِ خَلْقِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ

و حال آنکه او در آغاز که همّت نافرمانی تو نمود، همه عقوبت های تو را که برای همه آفریدگانت آماده ساختی، سزاوار می شد.

۱۴/۳۷

توبه قرار دادنِ قصد ترک بدی ها

وَ اجْعَلْ... عَزْمِی عَلَی تَرْکِ مَا یَعْرِضُ لِی مِنَ السَّیِّئَاتِ تَوْبَهً تُوجِبُ لِی مَحَبَّتَکَ

و عزمم را بر ترک بدی هایی که برایم پیش آید،

توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گردانَد.۳/۳۸

قصدکننده طریقه قرآن و گمراه نگشتنش

جَعَلْتَهُ... عَلَمَ نَجَاةٍ لَا یَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ

آن را نشانه نجاتی قرار دادی که هر کس قصد راه و روش آن کند، گمراه نمی شود.۳/۴۲

مهلت الهی و قصد ستم نمودن بنده، به خود

أَمْهَلْتَ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ

کسی را که به خود قصد ستم نموده، مهلت داده ای. ۹/۴۵

قصد نکردن بازگشت به گناه

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ... تَوْبَهَ مَنْ لَا یَنْطَوِی عَلَی رُجُوعٍ إِلَی ذَنْبٍ

خداوندا ما به درگاه تو توبه می کنیم. توبه کسی که بازگشتن به گناه را در دل ندارد.۵۲/۴۵

قصد آمدن به درگاه خدا

فَهَا أَنَا ذَا أَوءُمُّکَ بِالْوِفَادَهِ

پس اینک منم که آهنگ آمدن به درگاه تو را نمودم.۲۵/۴۶

عزمْ بودن اراده خدا

إِرَادَتُکَ عَزْمٌ

اراده ات حتمی است.۲۹/۴۷

خدایی بودن قصد بنده

وَ اجْعَلْ... هَمِّی مُسْتَفْرَغًا لِمَا هُوَ لَکَ

و قصدم را یکسره برای آنچه برای توست، قرار ده.۱۳۰/۴۷

برای نیاز خود، خدا را قصد نمودن

اللَّهُمَّ إِلَیْکَ تَعَمَّدْتُ بِحَاجَتِی

خداوندا، برای نیازم به سوی تو قصد نمودم.

۴/۴۸

انتقام گرفتن از قصدِجنگ دارنده

فَنَظَرْتَ یَا إِلَهِی إِلَی... عَجْزِی عَنِ الِانْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِی بِمُحَارَبَتِهِ

ای خدای من، پس تو عجزم را از انتقام گرفتن از کسی که قصد جنگ با من نموده، مشاهده کردی.

۵/۴۹

قصد ستمگر؛ فساد و تباهی

فَلَمَّا رَأَیْتَ یَا إِلَهِی... دَغَلَ سَرِیرَتِهِ، وَ قُبْحَ مَا انْطَوَی عَلَیْهِ، أَرْکَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِی زُبْیَتِهِ

پس همین که - ای خدای من - تباهی باطن او و زشتی آنچه در دل داشت، ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کنده بود)، سرنگون نمودی.

۸/۴۹

حسود، و قصد بنده را نمودن

وَ کَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... قَصَدَنِی بِمَکِیدَتِهِ

و چه بسیار حسودی که با نیرنگش آهنگ من کرد. ۹/۴۹

قصور کوتاهی

قضا تقدیر و نیز فرمان

قطره

فرشتگان و قطره های باران

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ الْهَابِطِینَ مَعَ قَطْرِ الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرودآمدگان به همراه قطره های نازل شده باران.۱۵و۱۱و۱۰/۳

قطع بریدن

قطعی واجب

پشیمانی قطعی دل ها

وَ لَکَ مِنْ قُلُوبِنَا عَقْدُ النَّدَمِ

و پشیمانی قطعی دل هایمان، برای توست.

۴۵/۴۵

قطعی گشتن اراده خداوند

أَنْتَ الَّذِی أَرَدْتَ فَکَانَ حَتْـمًا مَا أَرَدْتَ

تویی آنکه اراده کردی و اراده ات حتمی شد.

۱۵/۴۷

قطعیّت فرمان الهی

قَضَاوءُکَ حَتْمٌ

فرمانت قطعی و واجب است.۲۹/۴۷

درنگذشتن چیزی، از تدبیر قطعی خدا

لَا یُجَاوَزُ الْمَ_حْتُومُ مِنْ تَدْبِیرِکَ کَیْفَ شِئْتَ وَ أَنَّی شِئْتَ

از تدبیر قطعی تو، به هر گونه و هر زمان که بخواهی نمی توان درگذشت.۹/۴۸

قفل

قفل زدن بر دل قصد بد دارنده درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُقْفِلَ دُونَ إِخْطَارِی قَلْبَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا دلش را هنگام یاد من، قفل زنی.۸و۷/۲۳

قلاده گردن

ص : ۹۵۴

قلب دل

قلعه

قلعه ای نگهدارنده از شرّ شیطان

اجْعَلْ آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا وَ أَوْلَادَنَا وَ أَهَالِيَنَا وَ ذَوِى أَرْحَامِنَا وَ قَرَابَاتِنَا وَ جِيرَانَنَا مِنَ الْمُوْمِنِينَ وَ الْمُوْمِنَاتِ مِنْهُ فِى... حِصْنٍ حَافِظٍ

پـدران، مـادران، فرزنـدان، خـانواده، خویشـان، نزدیکـان و همسایگـان مـا از مردان و زنـان باایمـان را، از (شـرّ) او در دژی نگهدارنده قرار ده.۱۰/۱۷

مشرکان، و قلعه های زمین

وَ امْنَعْ حُصُونَهَا مِنْهُمْ

و قلعه های آن (زمین) را از آنها بازدار.

۱۲/۲۷

نبودن قلعه پنهان کننده بنده، از خدا

وَ لَا حِصْنٌ يَحْجُبُنِى عَنْكَ

و نه جای استواری (قلعه ای) است که مرا از تو بازدارد.۱۴/۳۲

قلیل اندک

قناعت

پناه بردن به خدا، از کمی قناعت

اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنْ... قِلَّهِ الْقَنَاعَهِ

خداوندا به تو پناه می برم از کاستی قناعت.

۱/۸

سبب قناعت بنده، به مقدّرات

وَ صَوِّرْ فِی قَلْبِی مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِی مِنْ ثَوَابِکَ، وَ أَعْدَدْتَ لِخَصْمِی مِنْ جَزَائِکَ وَ عِقَابِکَ، وَ اجْعَلْ ذَلِکَ سَبَبًا لِقَنَاعَتِی بِمَا قَضَیْتَ

و نمونه پاداشی را که برایم ذخیره نمودی و مجازات و کیفری که برای دشمنم آماده کردی، در دلم بگذار و آن را وسیله راضی شدنم به آنچه مقدّر نمودی قرار ده.۱۵/۱۴

قانع نمودن بنده، به مقدّرات

وَ أَسْأَلُکَ... أَنْ تُقَنِّعَنِی بِتَقْدِیرِکَ لِی

و از تو درخواست می کنم که مرا به آنچه برایم مقدّر فرموده ای، قانع سازی.۲۸/۳۲

قوت خوردنی

قوّت توانایی

قوم مردم

قهر غلبه

قیافه چهره

قیام ایستادن

قیام پیامبر صلی الله علیه و آله ، به جنگ با دشمنان

فَنَهَدَ إِلَیْهِمْ مُسْتَفْتِحًا بِعَوْنِکَ

پس با امید به پیروزی به یاری تو، به سوی آنان تاخت.۱۹/۲

رمضان، ماه قیام و برخاستن

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْکَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... شَهْرَ الْقِیَامِ

سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان، ماه به پا خواستن را، (یکی) از آن راه ها قرار داد.۳/۴۴

ترغیب به قیام (برای نماز شب)، در ماه رمضان

وَ رَغَّبْتَ فِیهِ مِنَ الْقِیَامِ

و در آن به برپا خاستن (شب) ترغیب نمودی.

۲۰/۴۵

قیام (در شب های رمضان)، به یاری خدا

وَ قُمْنَا بِعَوْنِکَ لَیْلَهُ

و به یاری تو شبش را به پا خاستیم.۲۱/۴۵

درآمدن به رحمت الهی، با قیامِ (شبانه در ماه رمضان)

مُتَعَرِّضِینَ بِصِیَامِهِ وَ قِیَامِهِ لِمَا عَرَّضْتَنَا لَهُ مِنْ

رَحْمَتِکَ

در حالی که در معرض روزه داشتن و به پا خاستن (شبانه) بودیم، از رحمتت - بدان خاطر - به ما عرضه داشتی.۲۱/۴۵

عهده دار شدن روزه و قیام، در ماه رمضان

وَ قَدْ تَوَلَّیْنَا بِتَوْفِیقِکَ صِیَامَهُ وَ قِیَامَهُ عَلَی تَقْصِیرٍ

و ما را – با (همه) کوتاهیْ (کردن هایمان) – توفیق دادی تا روزه اش و به پا خاستنش (در شبانگاه) را عهده دار شویم.۴۴/۴۵

قیامت

سپاس خداوند، آسان کننده راه رستاخیز

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... یُسَهِّلُ عَلَیْنَا بِهِ سَبِیلَ الْمَبْعَثِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن راه رستاخیز را بر ما آسان سازد.۱۲و۱۰/۱

سپاسی جاوید از خدا، تا روز قیامت

...لَهُ الْحَمْدُ مَکَانَ کُلِّ نِعْمَهٍ لَهُ عَلَیْنَا... وَ مَکَانَ کُلِّ وَاحِدَهٍ مِنْهَا عَدَدُهَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَهً أَبَدًا سَرْمَدًا إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ

سپاس او را، به جای هر نعمتی که او بر ما دارد. و به جای هر یک از آنها به شماره چندین برابر، همیشه و جاوید تا روز قیامت.۲۷/۱

درودی از امروز تا روز قیامت، بر تابعین

ص : ۹۵۶

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

خداوندا و از امروز ما تا روز قیامت بر تابعین درود فرست.۱۳/۴

تأخیر انتقام از ستمگر، تا روز رستاخیز

اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَتِ الْخِيَرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِي... إِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ وَ مَجْمَعِ الْخَصْمِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَيِّدْنِي مِنْكَ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

خداوندا و اگر خیر من نزد تو در تأخیر گرفتن حقّم تا روز رستاخیر و محل جمع شدن دشمنان می باشد، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.

۱۴/۱۴

رستگاری در قیامت

ارْزُقْنِي فَوْزَ الْمَعَادِ

رستگاریِ قیامت را روزی ام فرما.۱۸/۲۰

امنیت و آسایش روز معاد

هَبْ لِي أَمْنَ يَوْمِ الْمَعَادِ

مرا آسایشِ روز بازگشت ببخش.۲۰/۲۰

شفیع بندگان، در روز قیامت

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَوْمَ الْفَاقَةِ إِلَيْكَ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی

که روز رستاخیز و روز نیازمندی به تو، ما را شفاعت کند.۳۰/۳۱

سبب رهایی در عرصه قیامت

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... سَبَبًا نُجْزَى بِهِ النَّجَاةَ فِي عَرْصَةِ الْقِيَامَةِ

و قرآن را دستاویز پاداش ما به صورت نجات در عرصه قیامت، قرار ده.۸/۴۲

قرآنْ جلودار بندگان به سمت بهشت، در قیامت

اجْبُرْ بِالْقُرْآنِ خَلَّتَنَا مِنْ عَدَمِ الْإِمْلَاقِ، وَ سُقْ إِلَيْنَا بِهِ رَغَدَ الْعَيْشِ وَ خِصْبَ سَعَهِ الْأَرْزَاقِ... حَتَّى يَكُونَ لَنَا فِى الْقِيَامَهِ إِلَى رِضْوَانِکَ وَ جِنَانِکَ قَائِدًا

به وسیله قرآن، تنگدستی ما را به نداشتن نیازمندی جبران کن و به وسیله آن، آسایش زندگی و توسعه روزی های فراوان را به سوی ما سوق بده. تا در قیامت جلودار ما به سوی خوشنودی تو و بهشت هایت باشد.۱۲/۴۲

رسوا نساختن بندگان، در برابر حاضرانِ قیامت

لَا تَفْضَحْنَا فِى حَاضِرِى الْقِيَامَهِ بِمُوبِقَاتِ آثَامِنَا

ما را با گناهان هلاک کننده مان، در برابر حاضرانِ قیامت، رسوا نکن.

۱۴/۴۲

نجات از ترس و اندوه روز رستاخیز

نَجِّنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ شَدَائِدِ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَّهِ

ما را در روز رستاخیز از هر اندوهی و از ترس های سخت روز قیامت، به وسیله آن (قرآن)، نجات ده.۱۵/۴۲

نزدیک ترین پیامبر به خدا، در روز قیامت

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلِسًا

خداوندا پیامبر ما را – که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد – روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود قرار ده.

۱۸/۴۲

عبادت خداوند، تا روز قیامت

اكْتُبْ لَنَا مِثْلَ أُجُورِ مَنْ صَامَهُ، أَوْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ

برای ما مانند پاداش کسانی که روزه گرفته اند یا در این ماه تا روز قیامت تو را عبادت می کنند، بنویس.۵۱/۴۵

قیامت و گذشت خداوند

اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنْ آبَائِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا وَ أَهْلِ دِينِنَا جَمِيعًا مَنْ سَلَفَ مِنْهُمْ وَ مَنْ غَبَرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ

خداوندا از پدران و مادران و همه هم کیشان

ما، هر که از ایشان درگذشته و مرده و هر که زنده مانده، تا روز رستاخیز درگذر.۵۵/۴۵

درخواست بنده از خدا، در روز قیامت

اجْعَلْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَعَ أَوْلِيَائِكَ مَوْقِفِي، وَ فِي أَحِبَّائِكَ مَصْدَرِي، وَ فِي جِوَارِكَ مَسْكَنِي

جایگاهم را در آن روز با دوستانت، و بازگشتم را در میان یارانت، و خانه ام را در جوار خود قرار ده.۷/۵۳

ویژگی های روز قیامت:

أ. یاری نشدن کسی توسّط دیگری

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَنْ مَوْلًى شَيْئًا وَ لَا هُمْ يُنْصَرُونَ

روزی که هیچ دوست، به کار دوست نیاید و یاری نمی شوند.۱۲/۱

ب. رسیدن به سزای اعمال و ستم نشدن به کسی

یَوْمَ تُجْزَی کُلُّ نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ وَ هُمْ لَا یُظْلَمُونَ

روزی که هر کس به آنچه کسب کرده، جزا داده شود و آنان هرگز ستم نبینند.۱۲/۱

لَا تَجْعَلْنِی فِی أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ یَوْمَ تُجْزَی کُلُّ نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ وَ هُمْ لَا یُظْلَمُونَ

مرا در زمره عاق شدگان پدران و مادران

ص : ۹۵۸

قرار نده، در آن روز که هر نفسی به آنچه کرده، جزا داده شود و هرگز ایشان ستم نشوند.

۱۱/۲۴

ج. آمدن گواه و راننده ای، با هر کس

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ یَوْمَ یَأْتِی کُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِیدٌ

...پس بر آنها درود فرست، روزی که هر شخص با راننده ای و گواهی (از فرشتگان) بیاید.۲۴/۳

د. آشکار نمودن اخبار بندگان

یَوْمَ تَبْلُو أَخْبَارَ عِبَادِکَ

روزی که اخبار بندگانت را آشکار می کنی.

۴/۱۱

هـ. نیاز به خدا

وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَشْفَعُ لَنَا یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ یَوْمَ الْفَاقَهِ إِلَیْکَ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که روز رستاخیز و روز نیازمندی به تو، ما را شفاعت کند.

۳۰/۳۱

و. ترس بزرگ و اندوه

وَ اکْسُنَا بِهِ حُلَلَ الْأَمَانِ یَوْمَ الْفَزَعِ الْأَکْبَرِ فِی

نُشُورِنَا

و با آن ما را در سهمناک ترین روز، هنگامی که از قبرها سربرمی آوریم، به جامه های امان بپوشان.

۱۱/۴۲

نَجِّنَا بِهِ مِنْ کُلِّ کَرْبٍ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ شَدَائِدِ أَهْوَالِ یَوْمِ الطَّامَّهِ

ما را در روز رستاخیز از هر اندوهی و از ترس های سخت روز قیامت، به وسیله آن (قرآن)، نجات ده.۱۵/۴۲

ز. حسرت و پشیمانی

وَ بَیِّضْ وُجُوهَنَا... فِی یَوْمِ الْحَسْرَهِ وَ النَّدَامَهِ

و در روز حسرت و پشیمانی، رخسارهای ما را سفید گردان.۱۶/۴۲

ح. سیاه شدن روی ستمگران

وَ بَیِّضْ وُجُوهَنَا یَوْمَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ الظَّلَمَهِ فِی یَوْمِ الْحَسْرَهِ وَ النَّدَامَهِ

و در روز حسرت و پشیمانی، روزی که چهره های ستمگران سیاه می شود، رخسارهای ما را سفید گردان.

۱۶/۴۲

ط. خوار نگشتن پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان

یَوْمَ لَا یُخْزِی اللَّهُ النَّبِیَّ وَ الَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ

روزی که خداوند، پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده اند را خوار نمی کند.۱۱/۴۵

ی. برانگیخته شدن، برای دیدار خدا

لَا تُخْزِنِی یَوْمَ تَبْعَثُنِی لِلِقَائِکَ

روزی که مرا برای دیدارت برمی انگیزی، خوارم نساز.۱۱۴/۴۷

ک. آشکار شدن پنهان ها

لَا تُهْلِکْنِی یَوْمَ تُبْلَی السَّرَائِرُ

در روزی که پنهان ها آشکار می شود، هلاکم نکن.۱۲۹/۴۷

قیمت بها

ص : ۹۶۰

ک

کار

فرشتگان و گماشتگی به کار

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ مَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ، وَ لَمْ نَعْلَمْ... بِأَيِّ أَمْرٍ وَكَّلْتَهُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، و هر (فرشته ای) که نامش را نبردیم و مأموریّتی را که به او سپرده ای، نمی دانیم.۲۲و۱۱و۱۰/۳

سزاوارترین کارها به ذات خدا

أَوْلَى الْأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ رَحْمَةُ مَنِ اسْتَرْحَمَكَ، وَ غَوْثُ مَنِ اسْتَغَاثَ بِكَ

سزاوارترین کارها به بزرگواری ات، بخشش است بر آنکه از تو رحمت خواسته و کمک به کسی است که از تو کمکی طلبیده.۵/۱۰

مقدّر نمودن فراغت از کارها، برای بنده

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَةٌ

و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد.۲/۱۱

گذشتن زمان کار و روآوری به خدا با توبه

...حَتَّى إِذَا رَأَى مُدَّةَ الْعَمَلِ قَدِ انْقَضَتْ... تَلَقَّاكَ بِالْإِنَابَةِ، وَ أَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ

تا اینکه می بیند زمان عمل گذشته. با توبه به تو روی آورده و خالصانه برای تو توبه می کند.

۸/۱۲

نیکی تقدیر بنده، در همه امور

وَ تَوَلَّنِي بِنُجْحِ طَلِبَتِي... وَ نَيْلِ سُوْلِي قَبْلَ زَوَالِي عَنْ مَوْقِفِي هَذَا بِتَيْسِيرِكَ لِيَ الْعَسِيرَ وَ حُسْنِ تَقْدِيرِكَ لِي فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ

و به برآورده گشتن خواسته ام و یافتن درخواستم، قبل از رفتنم از این مکان، با آسان کردن سختی و نیکی تقدیرت برای من، در تمامی امور یاری ام فرما.۲۳/۱۳

کاری درخور ستمگر و دشمن بنده

وَ اجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيما يَلِيهِ

و او را به آنچه درخورش است مشغول دار.

۶/۱۴

ص : ۹۶۱

بنده و انجام مانند کارهای ستمگر

وَ اعْصِمْنِی مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ

و مرا از انجام مانند کارهای او بازدار.

۷/۱۴

شمارش نمودن کارهای پنهانی خود

سُبْحَانَکَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَی نَفْسِی، وَ أُعَدِّدُهُ مِنْ مَکْتُومِ أَمْرِی

پاک و منزّهی تو، شگفتا از این گواهی که بر خود می دهم. و کار پنهانی خویش را می شمارم.

۲۵/۱۶

اصلاح کار گنهکاران

إِنَّمَا أُوَبِّخُ بِهَذَا نَفْسِی طَمَعًا فِی رَأْفَتِکَ الَّتِی بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِینَ

تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم - که اصلاح کار گناهکاران به آنست - ۲۸/۱۶.

درست ترین کارها

وَفِّقْنِی إِذَا اشْتَکَلَتْ عَلَیَّ الْأُمُورُ لِأَهْدَاهَا

آنگاه که کارها بر من درهم گشت، به راست ترین آنها توفیقم ده.۲۱/۲۰

نظر داشتن به بنده، در همه کارهایش

انْظُرْ لِی فِی جَمِیعِ أُمُورِی

در تمام کارهایم به (سود) من نظر فرما.

۳/۲۲

صلاح کار بنده و علم الهی

اللَّهُمَّ قَدْ تَعْلَمُ مَا يُصْلِحُنِی مِنْ أَمْرِ دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی

خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را اصلاح می کند می دانی.۱۰/۲۲

پیشرفت نمودن بنده، در کارها

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالصِّحَّهِ... وَ النَّفَاذِ فِی أُمُورِی

و با تندرستی و پیشرفت در کارهایم بر من منّت گذار.۳/۲۳

به عهده گرفتن کار فرزند، توسّط والدین

فَإِنِّی... لَا أَكْرَهُ مَا تَوَلَّیَاهُ مِنْ أَمْرِی یَا رَبِّ

زیرا از آنچه درباره من به عهده گرفتند، ناراضی نیستم. ای پروردگار من.۹/۲۴

بسیاری کار والدین، برای پرورش فرزند

أَیْنَ إِذًا یَا إِلَهِی طُولُ شُغْلِهِمَا بِتَرْبِیَتِی؟!

ای خدای من، در این هنگام کجاست درازی کار آنها، در پرورش دادن من؟۱۰/۲۴

کوشش والدین، در کار فرزندان

عَافِهِمْ... فِی كُلِّ مَا عُنِیتُ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ

آنان را در کارهایشان – که به آن می کوشم – تندرستی ده.۲/۲۵

مقرّر فرمودن کار مرزداران اسلام

دَبِّرْ أَمْرَهُمْ

امرشان را تدبیر فرما.۲/۲۷

کار خدا، در روز بدر

وَ ابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ بِبَأْسٍ مِنْ بَأْسِكَ كَفِعْلِكَ يَوْمَ بَدْرٍ

و بر آنان سپاهی از فرشتگانت را با عذابی از عذاب هایت بفرست. مانند کارت در روز بدر.

۱۱/۲۷

عطا فرمودن عوض کار مسلمان، در دنیا

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوَضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَى بِهِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند.۱۶/۲۷

نگران شدن از کار اسلام

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَى غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

مغلوب بودن هر کس جز خدا، بر کار خود

مَنْ سِوَاكَ... مَغْلُوبٌ عَلَى أَمْرِهِ

غیر تو، در کار خود مغلوب می باشد.۱۱/۲۸

به طول انجامیدن کار بنده، در چاره وام

وَ هَبْ لِیَ الْعَافِیَهَ مِنْ دَیْنٍ... یَطُولُ بِمُمَارَسَتِهِ شُغْلِی

و مرا معاف دار، از وامی که کارم در چاره آن طول کشد.۱/۳۰

پناه بردن به خدا، از کار و بی خوابی قرض

أَعُوذُ بِکَ، یَا رَبِّ، مِنْ... شُغْلِ الدَّیْنِ وَ سَهَرِهِ

به تو پناه می برم – ای پروردگارم – از کار قرض و بی خوابی اش.۲/۳۰

عدم فراموشی کار ناپسند گذشته

فَمَا کُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّی بِسُوءِ أَثَرِی، وَ لَا نِسْیَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِیمِ فِعْلِی

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم و از فراموشیِ کردار نکوهیده گذشته ام نیست.

۲۶/۳۱

پنهان نبودن کارهای کوچک، از خدا

ص : ۹۶۳

لَا تَنْطَوِی عَنْکَ دَقَائِقُ الْأُمُورِ

کارهای ریز و کوچک، از تو پنهان نمی ماند.

۱۱/۳۲

کارهای نهانی و علم الهی

اللَّهُمَّ وَ قَدْ أَشْرَفَ عَلَی خَفَایَا الْأَعْمَالِ عِلْمُکَ

خداوندا علم تو بر اعمال پنهان ما، آگاه است.

۱۱/۳۲

کار بنده و قدرت الهی

تَشْکُرُ یَسِیرَ مَا شَکَرْتَهُ... حَتَّی کَأَنَّ شُکْرَ عِبَادِکَ الَّذِی أَوْجَبْتَ عَلَیْهِ ثَوَابَهُمْ... أَمْرٌ مَلَکُوا اسْتِطَاعَةَ الِامْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَکَ فَکَافَیْتَهُمْ

اندک کاری را که پذیرفتی، جزا می دهی. تا اینکه گویا شکرگزاری بندگانت - که پاداش آنها را لازم گردانـدی - کاری است که آنان بدون (قدرت) تو، توانایی خودداری از آن را داشتند. پس از این رو آنها را مزد داده ای.۶/۳۷

خدا، مالک کار بندگان

مَلَکْتَ - یَا إِلَهِی - أَمْرَهُمْ قَبْلَ أَنْ یَمْلِکُوا عِبَادَتَکَ

ای خدای من، تو زمام امرشان را به دست داشته ای، پیش از آنکه بر عبادت تو توانایی داشته باشند.۷/۳۷

آرزو، و بازداشته نشدن بنده از کارِ (نیک)

تَقْفُوَ بِنَا آثَارَ الَّذِینَ... لَمْ یُلْهِهِمُ الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ فَیَقْطَعَهُمْ بِخُدَعِ غُرُورِهِ

ما را در پی کسانی گردانی که آرزو، آنان را از کار (نیک) سرگرم نکرد تا آنها را با نیرنگ های فریبنده اش بازدارد.۹/۴۲

عامل گرد آوردن کارهای پراکنده بندگان

وَ اجْمَعْ بِهِ مُنْتَشَرَ أُمُورِنَا

و با آن (قرآن)، کارهای پراکنده ما را گرد آور.

۱۱/۴۲

تدبیر خداوند، در مورد کار ماه

سُبْحَانَهُ مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِی أَمْرِکَ!

پاک و منزّه است او. چه شگفت انگیز است، آنچه در امر تو تدبیر نمود!۳/۴۳

هلال ماه نو و کاری نو

جَعَلَکَ مِفْتَاحَ شَهْرٍ حَادِثٍ لِأَمْرٍ حَادِثٍ

تو را کلید ماهی نو برای کاری نو قرار داد.

۳/۴۳

فرود آمدن فرشتگان در شب قدر، برای (انجام) هر کار

تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند.۵/۴۴

ص : ۹۶۴

ماه رمضان، از جمله کارهای برگزیده، از جانب خداوند

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صَفَايَا تِلْكَ الْوَظَائِفِ، وَ خَصَائِصِ تِلْكَ الْفُرُوضِ شَهْرَ رَمَضَانَ...

خداوندا و تو از کارهای برگزیده و واجبات مخصوصه، ماه رمضان را قرار دادی.۲۰/۴۵

عدم یاری خدا در کارش، توسّط وزیری

أَنْتَ الَّذِی... لَمْ يُوَازِرْكَ فِی أَمْرِكَ وَزِيرٌ

تویی آنکه در کارت، وزیری تو را کمک نکرده است.۱۴/۴۷

بزرگی کار خدا

سُبْحَانَكَ! مَا أَجَلَّ شَأْنَكَ

پاک و منزّهی! چه بزرگ است شأن تو!

۲۲/۴۷

سُبْحَانَكَ مَا أَعْظَمَ شَأْنَكَ

پاک و منزّهی! چه بزرگست مرتبه تو!۴/۵۲

سامان یافتن کارِ دوستداران ائمه علیهم السلام

اجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ

کردارشان را بر پرهیزکاری سامان ده.

۶۵/۴۷

انتخاب کسی توسّط خدا، برای کار خود

بِحَقِّ... مَنِ اجْتَبَيْتَ لِشَأْنِكَ... تَغَمَّدْنِی فِی يَوْمِی هَذَا

بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَنَصِّلًا

به حقّ کسی که او را برای کار خود انتخاب نموده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را

که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.۸۶/۴۷

کار دنیا و آخرت، و تنها به خدا امید داشتن

فَإِنِّی... لَا أَرْجُو لِأَمْرِ آخِرَتِی وَ دُنْیَایَ سِوَاکَ

پس به درستی که برای کار آخرت و دنیایم به احدی جز تو امید ندارم.۴/۴۸

پرسش نشدن از خدا، درباره کار بنده

إِنْ أَهْلَکْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یَعْرِضُ لَکَ فِی عَبْدِکَ، أَوْ یَسْأَلُکَ عَنْ أَمْرِهِ

اگر مرا نابود کنی، پس کیست آنکه درباره بنده ات معترض تو شود یا درباره کار او، تو را بازخواست کند؟۱۵/۴۸

بی نیازی بنده (از دیگری)، در همه کارها

وَ رَزَقْتَنِی فِی أُمُورِی کُلِّهَا الْکِفَایَهَ

و بی نیازی را در همه کارهایم به من روزی دادی.۲/۵۱

امید داشتن در همه کارها، به خداوند

فَقَدْ أَصْبَحْتُ وَ أَنْتَ ثِقَتِی وَ رَجَائِی فِی الْأُمُورِ کُلِّهَا

ص : ۹۶۵

پس من صبح کردم، در حالی که اعتماد و امیدم در همه کارها تویی.۸/۵۴

کاستی

نبود افزاینده ای، برای هر که خدا از او کاسته

لَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ

از کسانی که (خدا) کاسته، افزاینده ای نمی افزاید.۵/۱

نبود کاهنده ای، برای هر که خدا به او فراوانی داده

لَا يَنْقُصُ مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ

از کسی که (خدا) به او فراوانی داده، کاهنده ای نمی کاهد.۵/۱

کاسته نشدن از بنده در صورت عطای الهی

اللَّهُمَّ... مَنْ أَعْطَيْتَ لَمْ يَنْقُصْهُ مَنْعُ الْمَانِعِينَ

خداوندا هر که را تو عطا فرمودی، جلوگیری کردن منع کنندگان از او نکاست.۱۲/۵

کامل ساختن خوی پسندیده ناقص بنده

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ... أُكْرُومَةً فِيَّ نَاقِصَةً إِلَّا أَتْمَمْتَهَا

خداوندا مرا در خوی پسندیده ای که در من ناقص باشد وامگذار، مگر آنکه کاملش فرمایی.

۶/۲۰

کاستن از نیکی ها

هُوَ، يَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَيْتَهُ عَلَيَّ وَ أَغْفَلْتُهُ أَنَا مِنْ نَفْسِي، فَأَدِّهِ عَنِّي... حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَيَّ شَيْءٌ مِنْهُ تُرِيدُ أَنْ تُقَاصَّنِي بِهِ مِنْ حَسَنَاتِي

آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم. پس آن را از جانب من ادا کن. تا چیزی از آن بر من نمانَد که بخواهی به سبب آن از نیکی هایم بکاهی.۷/۲۲

کاستن شمار دشمنان مرزداران اسلام

وَ انْقُصْ مِنْهُمُ الْعَدَدَ

و از تعدادشان بکاه.۵/۲۷

جلوگیری از کاستن مسلمانان

خُذْهُمْ بِالنَّقْصِ عَنْ تَنَقُّصِهِمْ

با کاستن عدد آنان (مشرکان)، از کاستن (مسلمانان) جلوگیر باش.۱۰/۲۷

کاسته نشدن از خدا، با عطا نمودن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْهِبُکَ - یَا إِلَهِی - مَا لَا یُنْقِصُکَ بَذْلُهُ

خداوندا، ای خدای من، همانا من از تو بخششی می خواهم که بخشیدن آن از تو چیزی نمی کاهد.۶/۳۹

یَا مَنْ... لَا یَنْقُصُهُ نَائِلٌ

ای کسی که هیچ بخششی، (گنج های) او را

نمی کاهد. ۶/۴۸

به خدمت گرفتن ماه با فزونی و کاستی اش

وَ امْتَهَنَکَ بِالزِّیَادَهِ وَ النُّقْصَانِ

و تو را با فزونی و کاستی، به خدمت گرفت.

۲/۴۳

کاستی نیافتن گنجینه های خدا

إِنَّ خَزَائِنَکَ لَا تَنْقُصُ بَلْ تَفِیضُ

همانا گنجینه های تو کم نمی شود، بلکه فزونی می یابد.۵۰/۴۵

کاستی ناپذیریِ فضل الهی

فَإِنَّ فَضْلَکَ لَا یَغِیضُ

به درستی که فضل تو کاستی پذیر نیست.

۵۰/۴۵

وَ اسْتَعْمِلْنَا بِمَا یَکُونُ حِطَّهً وَ کَفَّارَهً لِمَا أَنْکَرْتَ مِنَّا فِیهِ بِرَأْفَتِکَ الَّتِی لَا تَنْفَدُ، وَ فَضْلِکَ الَّذِی لَا یَنْقُصُ

و به مهربانی ات که نابود نمی شود و به فضلت که کم نمی گردد، ما را در این (ماه) به کاری که سبب فروریختن و کفّاره کارهایی می شود که بر ما نمی پسندی، بگمار.۴۷/۴۵

کاسته نشدن از ملک الهی ، با نافرمانی گنهکاران

لَکِنْ سُلْطَانُکَ اللَّهُمَّ أَعْظَمُ، وَ مُلْکُکَ أَدْوَمُ مِنْ أَنْ...

تَنْقُصَ مِنْهُ مَعْصِیَهُ الْمُذْنِبِینَ

ولی خداوندا، سلطنت تو بزرگ تر و پادشاهی ات پایدارتر از آن است که نافرمانی گنهکاران (چیزی) از آن بکاهد.۶/۵۰

کاسته نشدن از ملک خدا، با شرک آوردن به او

سُبْحَانَکَ لَا یَنْقُصُ سُلْطَانَکَ مَنْ أَشْرَکَ بِکَ، وَ کَذَّبَ رُسُلَکَ

پاک و منزّهی! کسی که به تو شرک آورَد و پیامبرانت را دروغگو شمارد، از فرمانروایی ات نمی کاهد.۳/۵۲

کالا

کالای نابودشدنی دنیا

مَا زَوَیْتَ عَنِّی مِنْ مَتَاعِ الدُّنْیَا الْفَانِیَهِ فَاذْخَرْهُ لِی فِی خَزَائِنِکَ الْبَاقِیَهِ

آنچه از کالای دنیایِ فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های جاوید خود ذخیره فرما.۵/۳۰

کالای دنیا، وسیله رسیدن به جوار الهی

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِی مِنْ حُطَامِهَا، وَ عَجَّلْتَ لِی مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَهً إِلَی جِوَارِکَ، وَ وُصْلَهً إِلَی قُرْبِکَ

ص : ۹۶۷

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، و هم اکنون به دستم رسانده ای، وسیله رسیدن به جوار خود و وسیله پیوستن به جایگاه بزرگت قرار ده.۶/۳۰

کام

رهایی از کام گرفتاری

خَلِّصْنِی مِنْ لَهَوَاتِ الْبَلْوَی

از کام های بلا رهایی ام بخش.۹۸/۴۷

کامل

کامل گشتن وعده خداوند

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ عَلَی أَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَـمَامِ وَعْدِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که بر اطراف آن آسمان هایند، آنگاه که فرمان تمام شدن وعده ات نازل شود.۱۲و۱۱و۱۰/۳

سبب کامل شدن کینه ستمگر

أَعْدِنِی عَلَیْهِ عَدْوَی حَاضِرَهً، تَکُونُ... مِنْ حَنَقِی عَلَیْهِ وَفَاءً

مرا در مقابل او یاری کن. یاری نمودنِ

آماده ای که کینه ام را بر او کامل نماید.۸/۱۴

وسیله کامل نمودن روزی های پاکیزه

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْیًا... تُکْمِلُ لَنَا بِهِ طَیِّبَاتِ الرِّزْقِ

خداوندا ما را با بارانی که روزی های پاکیزه را با آن برایمان کامل گردانی، سیراب نما.۵/۱۹

کامل ترین ایمان

اللَّهُمَّ... بَلِّغْ بِإِیمَانِی أَکْمَلَ الْإِیمَانِ

خداوندا ایمان مرا به کامل ترین ایمان برسان.

۱/۲۰

وسیله کامل گرداندن نیّت بنده

اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِکَ نِیَّتِی

خداوندا به لطف خود نیّت مرا کامل گردان.

۲/۲۰

کامل گرداندن خوی پسندیده ناتمام بنده

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ... أُکْرُومَهً فِیَّ نَاقِصَهً إِلَّا أَتْمَمْتَهَا

خداوندا مرا در خوی پسندیده ای که در من ناقص باشد وامگذار، مگر آنکه کاملش فرمایی.

۶/۲۰

وسیله کامل گرداندن اوصاف (اخلاقی) بنده

أَکْمِلْ ذَلِکَ لِی بِدَوَامِ الطَّاعَهِ

این (اوصاف) را برای من با اطاعت همیشگی

کامل گردان.۱۰/۲۰

عوامل کامل گرداندن خیر دنیا و آخرت، برای بنده

نَبِّهْنِی لِذِکْرِکَ فِی أَوْقَاتِ الْغَفْلَهِ، وَ اسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ فِی أَیَّامِ الْمُهْلَهِ... أَکْمِلْ لِی بِهَا خَیْرَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ

مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن. و در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار. و بدین وسیله، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل نما.

۲۹/۲۰

کامل گرداندن عطایا

تَمِّمْ لِی مَا آتَیْتَنِی

آنچه به من عطا کردی، تمام گردان.۷/۲۱

کامل ترین بهره های همسایگان

وَ اجْعَلْ لِی أَوْفَی الْحُظُوظِ فِیما عِنْدَهُمْ

و از آنچه ایشان دارند، کامل ترین بهره ها را برای من قرار ده.۴/۲۶

جنگ برای کامل تر شدن نصیب الهی

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِکَ... لِیَکُونَ... حَظُّکَ الْأَوْفَی فَلَقِّهِ الْیُسْرَ

خداوندا و هر رزمنده ای از اهل دینت که با آنها بجنگد، تا بهره تو کامل تر گردد، پس او را با آسانی روبرو کن.۱۳/۲۷

کامل ترین درودها

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلَاهً... لَا یَنْتَهِی أَمَدُهَا... کَأَتَمِّ مَا مَضَی مِنْ صَلَوَاتِکَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ أَوْلِیَائِکَ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمّد درود فرست. درودی که مدّتش پایان نپذیرد. مانند کامل ترین درودهایت که بر هر یک از اولیایت فرستاده شده.۱۸/۲۷

کمال توانایی، بلندپایگی و برتری خدا

لَکَ یَا إِلَهِی... فَضِیلَهُ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّهِ، وَ دَرَجَهُ الْعُلُوِّ وَ الرِّفْعَهِ

خداوندا فضیلت توان و نیرو و درجه والایی و بلندی، از آنِ توست.۱۰/۲۸

رساندن بنده، به شکلی کامل

تُصَرِّفُنِی حَالًا عَنْ حَالٍ حَتَّی انْتَهَیْتَ بِی إِلَی تَمَامِ الصُّورَهِ

مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. تا اینکه مرا به صورت کامل رساندی.۲۳/۳۲

کامل تر قرار دادن شکرگزاری بنده، برای امور بازداشته شده از او

وَ اجْعَلْ شُکْرِی لَکَ عَلَی مَا زَوَیْتَ عَنِّی أَوْفَرَ مِنْ شُکْرِی إِیَّاکَ عَلَی مَا خَوَّلْتَنِی

ص : ۹۶۹

و شکرگزاری مرا، به آنچه از من گرفتی، کامل تر از شکرم به آنچه به من مرحمت کردی، قرار ده.

۳/۳۵

سبب آرزو نکردن تمام نمودن ساعتی پس از ساعت دیگر

وَ اکْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ، وَ قَصِّرْهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ حَتَّی لَا نُوءَمِّلَ اسْتِتْـمَامَ سَاعَهٍ بَعْدَ سَاعَهٍ

و ما را از آرزوی دراز بازدار و با عمل راستین، آن را از ما کوتاه کن، تا بـدانجا که تمام کردن ساعتی را پس از ساعتی، آرزو نکنیم.۱/۴۰

عامل کامل نمودن کرامت بنده

أَکْمِلْ کَرَامَتِی بِغُفْرَانِکَ

به آمرزشت، کرامت مرا کامل گردان.۴/۴۱

الهام کامل دانش شگفتی های قرآن ، به محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ إِنَّکَ... أَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُکَمَّلًا

خداوندا همانا تو علم به شگفتی هایش را به صورت کامل، به او الهام کردی.۵/۴۲

کامل ساختن نور محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ أَتِمَّ نُورَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و نورش را کامل ساز.۱۹/۴۲

کامل ساختن نعمت، با کامل شدن طاعت

أَتْمِمْ عَلَیْنَا بِاسْتِکْمَالِ طَاعَتِکَ فِیهِ الْمِنَّهَ

با کامل کردن طاعتت در آن (ماه)، نعمت را بر ما تمام گردان.۷/۴۳

نماز خواندن، با کامل ترین طهارت

وَ أَنْزِلْنَا فِیهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّینَ لَهَا فِی أَوْقَاتِهَا... عَلَی أَتَمِّ الطَّهُورِ وَ أَسْبَغِهِ

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود با پاکی تمام و فراگیر، به جا آورده اند.۹/۴۴

کامل گرداندن نور مؤمنان، در قیامت

رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا، وَ اغْفِرْ لَنَا

پروردگارا، نورمان را برای ما کامل گردان و ما را بیامرز.۱۱/۴۵

تمام شدن وقت ماه رمضان

ثُمَّ قَدْ فَارَقَنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ، وَ انْقِطَاعِ مُدَّتِهِ، وَ وَفَاءِ عَدَدِهِ

سپس هنگام تمام شدن وقتش و به سر آمدن مدّتش و پایان یافتن عدد (روزهای)ش، از ما جدا شد.۲۲/۴۵

کامل تر شدن کرم، احسان و نعمت الهی

لَمْ تَكُنْ أَنَاتُكَ عَجْزًا... بَلْ لِتَكُونَ حُجَّتُكَ أَبْلَغَ، وَ

كَرَمُكَ أَكْمَلَ، وَ إِحْسَانُكَ أَوْفَى، وَ نِعْمَتُكَ أَتَمَّ

درنـگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است. بلکه برای آنست که حجّت تو رساتر، و کرم تو کامل تر، و احسان تو فراوان تر، و نعمت تو تمام تر باشد.۲۲/۴۶

سپاسی با مزدی کامل

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكْمُلُ لَدَيْكَ ثَوَابُهُ

سپاس برای توست. سپاسی که پاداش آن نزد تو کامل باشد.۴۲و۳۶/۴۷

زیاده روی در کامل به جا آوردن سپاس

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... يُوءَيَّدُ مَنْ أَغْرَقَ نَزْعًا فِي تَوْفِيَتِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که هر که زیاده روی نمود در کامل به جا آوردن آن، تأیید شود.۴۵و۳۶/۴۷

کامل ترین نیکی ها، برای پیامبر صلی الله علیه و آله

بَارِكْ عَلَيْهِ أَتَمَّ بَرَكَاتِكَ

کامل ترین برکت هایت را بر او روان ساز.

۵۰/۴۷

کامل شدن بخشش های خدا بر محمّد صلی الله علیه و آله و آلش

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحَلِكَ وَ كَرَامَتِكَ، وَ تُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَ نَوَافِلِكَ

پروردگار من، بر محمّـد و خاندانش درود فرست، درودی که با آن بخشـش و کرامتت را برای ایشان بسیار سازی و چیزهایی از عطاها و بخشش هایت را برای آنها کامل گردانی.۵۷/۴۷

تمام نمودن فراوانی نعمت ها، بر بنده

تَمِّمْ سُبُوغَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ

فراخی نعمتت را بر من تمام کن.۱۲۸/۴۷

کامل نمودن انعام الهی، برای بنده

أَتْمِمْ لِی إِنْعَامَکَ

نعمت دادنت را برایم کامل کن.۱۳۲/۴۷

کامل گشتن احسان الهی، علی رغم بدی بنده

لَمْ تَمْنَعْکَ إِسَاءَتِی عَنْ إِتْمَامِ إِحْسَانِکَ

بدکرداری من، تو را از تمام نمودن احسانت بازنداشت. ۱۳/۴۹

سپاسی کامل، از خدا

تَحْمَدُکَ نَفْسِی وَ لِسَانِی وَ عَقْلِی، حَمْدًا یَبْلُغُ الْوَفَاءَ وَ حَقِیقَهَ الشُّکْرِ

تنم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند. سپاسی که به کمال و حقیقت ستایش رسد. ۶/۵۱

کامیابی خوش بختی

کاوش جستجو

کاهلی

کاهلی در بندگی خدا

لَا تَبْتَلِیَنِّی بِالْکَسَلِ عَنْ عِبَادَتِکَ

مرا به سستی در عبادتت گرفتار نکن.

۱۱/۲۰

کبر تکبّر

کبریایی بزرگی

کتاب آسمانی قرآن

فرموده خدا در کتابش، درباره ناسپاسان

...فَکَانُوا کَمَا وَصَفَ فِی مُحْکَمِ کِتَابِهِ: إِنْ هُمْ إِلَّا کَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِیلًا

پس چنان بودند که (خداوند) در کتاب محکم خود وصف کرده: «آنها جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه آنان گمراه ترند.» ۹/۱

آمدن سوگند به دنبال وعده الهی ، در کتاب خدا

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَتِکَ فِی وَحْیِکَ، وَ أَتْبَعْتَهُ مِنْ قَسَمِکَ فِی کِتَابِکَ قَاطِعًا لِاهْتِ_مَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِی تَکَفَّلْتَ بِهِ...

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای و در پی آن سوگند خود را در کتابت آورده ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای قرار ده.۳/۲۹

فرمایش خدا، در کتاب محکمش

قَدْ قُلْتَ یَا إِلَهِی فِی مُحْکَمِ کِتَابِکَ إِنَّکَ تَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ عِبَادِکَ

ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده ای همانا توبه بندگانت را می پذیری.۱۵/۳۱

فرموده خدا در کتابش، درباره ثبات اندام

تُصَرِّفُنِی حَالًا عَنْ حَالٍ... کَمَا نَعَتَّ فِی کِتَابِکَ: (نُطْفَهً ثُمَّ عَلَقَهً ثُمَّ مُضْغَهً ثُمَّ عَظْمًا ثُمَّ کَسَوْتَ الْعِظَامَ لَحْمًا، ثُمَّ أَنْشَأْتَنِی خَلْقًا آخَرَ) کَمَا شِئْتَ

مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. همچنانکه در کتاب خود وصف نمودی. نخست نطفه سپس خونِ بسته شده و سپس پاره گوشت، سپس استخوان آفریدی، سپس استخوان ها را با گوشت پوشاندی، آنگاه مرا آنچنانکه خواستی، آفرینشی دیگر دادی.۲۳/۳۲

ختم کتاب خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَعَنْتَنِی عَلَى خَتْمِ کِتَابِکَ الَّذِی أَنْزَلْتَهُ نُورًا

خداوندا به درستی که تو مرا بر ختم کتابت یاری فرمودی، همان (کتابی) که آن را به عنوان

نور نازل کردی.۱/۴۲

ویژگی های کتاب خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَعَنْتَنِی عَلَی خَتْمِ کِتَابِکَ الَّذِی أَنْزَلْتَهُ نُورًا، وَ جَعَلْتَهُ مُهَیْمِنًا عَلَی کُلِّ کِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ، وَ فَضَّلْتَهُ عَلَی کُلِّ حَدِیثٍ قَصَصْتَهُ

خداوندا به درستی که تو مرا بر ختم کتابت یاری فرمودی، همان (کتابی) که آن را به عنوان نور نازل کردی و آن را بر هر کتابی که نازل کرده ای، گواه قرار دادی و آن را بر هر سخنی که حکایت کرده ای، برتری دادی.۱/۴۲

جَعَلْتَهُ... کِتَابًا فَصَّلْتَهُ لِعِبَادِکَ تَفْصِیلًا، وَ وَحْیًا أَنْزَلْتَهُ عَلَی نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ تَنْزِیلًا

آن را کتابی قرار دادی که برای بندگانت با تفصیل بیان نمودی و وحیی که بر پیامبرت محمّد - که درودهای تو بر او و خاندانش باد - به تدریج نازل فرمودی.۲و۱/۴۲

جَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِی مِنْ ظُلَمِ الضَّلَالَهِ وَ الْجَهَالَهِ بِاتِّبَاعِهِ، وَ شِفَاءً لِمَنْ أَنْصَتَ بِفَهَمِ التَّصْدِیقِ إِلَی اسْتِمَاعِهِ، وَ مِیزَانَ قِسْطٍ لَا یَحِیفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ، وَ نُورَ هُدًی لَا یَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِینَ بُرْهَانُهُ، وَ عَلَمَ نَجَاهٍ لَا یَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ، وَ لا تَنَالُ أَیْدِی الْهَلَکَاتِ مَنْ تَعَلَّقَ بِعُرْوَهِ عِصْمَتِهِ

آن را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی ره یابیم و شفا برای

کسی که با فهم و تصدیق به آن گوش فرا داد و استماعش نمود، و ترازوی عدلی که زبانه اش از راستی به بیراهه نمی رود، و نور هدایتی که برهانش از (دید) شاهدان، خاموش نمی شود و نشانه نجاتی که هر کس قصد راه و روش آن کند، گمراه نمی شود و هر که به دستاویز عصمت آن چنگ زد، دست هلاکت به او نمی رسد.۳/۴۲

شرح دادن کتاب خدا، برای بندگان

جَعَلْتَهُ... کِتَابًا فَصَّلْتَهُ لِعِبَادِکَ تَفْصِیلًا

آن را کتابی قرار دادی که برای بندگانت با تفصیل بیان نمودی.۲و۱/۴۲

کمک به بندگان، در خواندن کتاب خدا

اللَّهُمَّ فَإِذْ أَفَدْتَنَا الْمَعُونَهَ عَلَی تِلَاوَتِهِ... فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ یَرْعَاهُ حَقَّ رِعَایَتِهِ

خداوندا، پس هنگامی که ما را بر تلاوتش یاری نمودی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند.۴/۴۲

سختی زبان ها و نیکویی عبارت کتاب خدا

اللَّهُمَّ فَإِذْ... سَهَّلْتَ جَوَاسِيَ أَلْسِنَتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ

خداونـدا، پس هنگـامی که زبان های خشن ما را به نیکویی عبارتش نرم کردی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت

می کنند.۴/۴۲

مرتبطین با قرآن

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ، وَ يَدِينُ لَکَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِيمِ لِمُـحْکَمِ آيَاتِهِ، وَ يَفْزَعُ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ، وَ مُوضَحَاتِ بَيِّنَاتِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند و با اعتقاد و تسلیم در برابر آیات محکم آن، دینداری می کنند و خود را در پناه اقرار به (آیات) متشابه و دلایل روشنش قرار می دهند. ۴/۴۲

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِکَ

و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست.۶/۴۲

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَصِمُ بِحَبْلِهِ، وَ يَأْوِي مِنَ الْمُتَشَابِهَاتِ إِلَى حِرْزِ مَعْقِلِهِ، وَ يَسْـکُنُ فِي ظِلِّ جَنَاحِهِ، وَ يَهْتَدِي بِضَوْءِ صَـبَاحِهِ، وَ يَقْتَدِي بِتَبَلُّجِ إِسْفَارِهِ، وَ يَسْتَصْبِحُ بِمِصْبَاحِهِ، وَ لَا يَلْتَمِسُ الْهُدَى فِي غَيْرِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان آن چنگ می زنند و از متشابهات به پناهگاه محکمش پناه می برند و در سایه بال (حمایت) آن ساکن می شوند و با نور صبحگاهش راه می یابند و به درخشش روشنایی آن اقتدا می کنند و از نور چراغ آن، روشنی می افروزند و در غیر آن هدایت را نمی جویند. ۷/۴۲

نزول کتاب خدا، بر پیامبر صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّکَ مُحَمَّدٍ صَـلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مُجْمَلًا، وَ أَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُکَمَّلًا، وَ وَرَّثْتَنَا عِلْمَهُ مُفَسَّرًا، وَ فَضَّلْتَنَا عَلَى مَنْ جَهِلَ عِلْمَهُ، وَ قَوَّيْتَنَا عَلَيْهِ لِتَرْفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِقْ حَمْلَهُ

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - ، بدون تفصیل و شرح نازل کردی و علم به شگفتی هایش را به صورت کامل، به او الهام کردی و علم آن را تفسیرشده، به ما ارث دادی و ما را بر کسی که به علم آن نادان بود، برتری بخشیدی و ما را بر (دریافت) آن قوّت دادی، تا بدین سبب بر کسی که طاقت تحمّل آن را نداشت، رفعت بخشی.

۵/۴۲

نتیجه اعتراف به از جانب خدا بودن کتاب او

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِکَ حَتَّى لَا يُعَارِضَنَا الشَّکُّ فِي تَصْدِيقِهِ، وَ لَا يَخْتَلِجَنَا الزَّيْغُ عَنْ قَصْدِ طَرِيقِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا شکّی جلودار تصدیق ما نشود و انحرافی ما را

از راه راستش جدا نسازد.۶/۴۲

حاملان قرآن

ص : ۹۷۴

اللَّهُمَّ فَکَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَهً... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ... وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ یَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِکَ...

خداوندا، پس همچنان که دل های ما را حامل آن قرار دادی، پس بر محمّد درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست.۶/۴۲

برتری کتاب خدا

اللَّهُمَّ فَکَمَا... عَرَّفْتَنَا بِرَحْمَتِکَ شَرَفَهُ وَ فَضْلَهُ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ الْخَطِیبِ بِهِ

خداوندا، پس همچنان که به رحمت خود شرافت و فضیلت آن را به ما آموختی، پس بر محمّد که با آن سخن راند، درود فرست.۶/۴۲

کتاب خدا و به پا داشتن محمّد صلی الله علیه و آله ، برای راهنمایی

اللَّهُمَّ وَ کَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلَمًا لِلدَّلَالَهِ عَلَیْکَ... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِیلَهً لَنَا إِلَی أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْکَرَامَهِ

خداوندا و چنان که به وسیله قرآن، محمّد را نشانه ای برای راهنمایی به خود نصب نمودی، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت، قرار ده.۸/۴۲

به پا داشتن کتاب خدا، به وسیله ولیّ او

أَقِمْ بِهِ کِتَابَکَ

کتاب خود را به وسیله او به پا دار.۶۲/۴۷

ستمگران، و نابود کردن کتاب خدا

لَا تَجْعَلْنِی لِلظَّالِمِینَ ظَهِیرًا، وَ لَا لَهُمْ عَلَی مَحْوِ کِتَابِکَ یَدًا وَ نَصِیرًا

مرا پشتیبان ستمگران و یاور آنان در محو کتاب خود، قرار نده.۱۳۲/۴۷

دورافتاده دیدن کتاب خدا

...حَتَّی عَادَ صِفْوَتُکَ وَ خُلَفَاوءُکَ مَغْلُوبِینَ... یَرَوْنَ... کِتَابَکَ مَنْبُوذًا

...تا اینکه برگزیدگان و جانشینان تو، مغلوب شده، می بینند کتاب تو دور افتاده است.۹/۴۸

بندگان را به کتاب الهی، مژده دادن

اللَّهُمَّ إِنِّی وَجَدْتُ فِیما أَنْزَلْتَ مِنْ کِتَابِکَ، وَ بَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَکَ أَنْ قُلْتَ یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَی أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ...

خداوندا، همانا من در کتابت که فروفرستاده ای و بندگانت را به آن مژده داده ای، یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید.» ۲/۵۰

یافتن فرموده خدا، در کتاب او

اللَّهُمَّ إِنِّی وَجَدْتُ فِیما أَنْزَلْتَ مِنْ کِتَابِکَ... أَنْ قُلْتَ یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَی أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ

ص : ۹۷۵

اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

خداوندا، همانا من در کتابت که فروفرستاده ای یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا نااميد نشويد که خدا همه گناهان را می آمرزد.» ۲/۵۰

پذیرفتن کتاب خدا

قَبِلْتُ كِتَابَكَ

کتابت را پذیرفتم.۶/۵۲

کتاب اعمال

کتاب مرقوم و گواهی مقرّبان

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا يَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَى أَعْلَى عِلِّيِّينَ فِي كِتَابٍ مَرْقُومٍ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ

سپاس خدای را، سپاسی که از ما به سوی بالاترین مرتبه ها(ی بهشتی) بالا رود، «در کتاب نوشته شده ای که مقرّبان الهی گواه آنند».

۱۳و۱۰/۱

نویسندگان و ضبط اموری در کتاب اعمال

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... يَزِيدُ عَلَى مَا أَحْصَتْهُ فِي كِتَابِكَ الْكَتَبَةُ

سپاس برای توست. سپاسی که بر آنچه نویسندگان (اعمال) در کتاب تو به شمار آورده اند، افزونی یابد.۴۰و۳۶/۴۷

کتاب اعمال و رسوایی بنده

فَيَا سَوْأَتَا مِمَّا أَحْصَاهُ عَلَيَّ كِتَابُكَ

پس وای بر رسوایی من، از آنچه کتاب تو برایم برشمرده است.۲/۵۰

کتابت نوشتن

کج روی الحاد

کجی

عدم انحراف از راه حقّ

مَتِّعْنِی بِهُدًی صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ، وَ طَرِیقَهِ حَقٍّ لَا أَزِیغُ عَنْهَا

مرا به هدایتی شایسته که با هیچ چیز عوض نکنم و به راه حقّی که از آن به بیراهه نروم، بهرمند ساز.۵/۲۰

فرزندان و راست گرداندن کجی والدین

أَقِمْ بِهِمْ أَوَدِی

کجی مرا به وسیله ایشان راست فرما.۴/۲۵

سبب عدم انحراف از راه راست قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ یَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِکَ حَتَّی... لَا یَخْتَلِجَنَا الزَّیْغُ عَنْ قَصْدِ طَرِیقِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا انحرافی ما را از

راه راستش جدا نسازد.۶/۴۲

به راه کج رفتن و منحرف شدن

وَ إِنْ مِلْنَا فِيهِ فَعَدِّلْنَا، وَ إِنْ زُغْنَا فِيهِ فَقَوِّمْنَا

و اگر در آن کجروی کرده ایم، پس ما را بازگردان و اگر در آن منحرف شده ایم، ما را استوار بدار.۱۶/۴۴

عامل نابودی کج طلبانِ راه راست

امْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَصْدِكَ عِوَجًا

به وسیله او (ولیّ خود)، آنان که می خواهند راه راست تو را کج کنند، نابود گردان.۶۲/۴۷

عامل بیرون راندن منحرفان، از راه خدا

أَزِلْ بِهِ النَّاكِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ

به وسیله او (ولیّ خود)، منحرفان را از راهت بیرون کن.۶۲/۴۷

منحرف شوندگان از راه های خداوند

وَ لَا تُجَبِّرْنِی فِيمَنْ تُجَبِّرُ مِنَ الْمُنْحَرِفِينَ عَنْ سُبُلِكَ

و مرا در شمار شکستگانی که از راه های تو منحرف شده اند، در هم نشکن.۹۷/۴۷

کرامت

گرد آمدن با پیامبران، در محلّ کرامت همیشگی خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نُضَامُّ بِهِ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ فِی دَارِ الْمُقَامَهِ الَّتِی لَا تَزُولُ، وَ مَحَلِّ كَرَامَتِهِ الَّتِی لَا تَحُولُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، با پیامبران فرستاده اش گرد آییم، در سرای ماندگاری که جاودانی است و محل کرامتی که همیشگی است.۱۶و۱۰/۱

افزایش کرامت فرشتگان

صَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً تَزِيدُهُمْ كَرَامَةً عَلَى كَرَامَتِهِمْ

بر آنان درود فرست، درودی که کرامتی بر کرامتشان بیفزاید.۲۵/۳

کرامت داشتن والدین، نزد خداوند

وَ اخْصُصِ اللَّهُمَّ وَالِدَیَّ بِالْکَرَامَهِ لَدَیْکَ، وَ الصَّلَاهِ مِنْکَ

و خداوندا، پدر و مادر مرا به کرامتِ نزد خود و درود از جانب خود، اختصاص ده.۲/۲۴

رساندن والدینْ همراه با تکریم، به جایگاه سلامت (در بهشت)

بَلِّغْهُمَا بِالْکَرَامَهِ مَوَاطِنَ السَّلَامَهِ

ایشان را با کرامت به جایگاه های سلامتی رسان.۱۴/۲۴

سبب گرد آمدن والدین و فرزندان، در سرای کرامت

ص : ۹۷۷

اللَّهُمَّ وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِیَّ، وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُکَ لِی فَشَفِّعْنِی فِیهِمَا حَتَّی نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِکَ فِی دَارِ کَرَامَتِکَ

خداوندا و اگر آمرزشت برای ایشان پیشی گرفت، پس آنان را شفیع من گردان. و اگر آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما. تا به مهر تو در سرای کرامت تو گرد آییم.

۱۵/۲۴

مرزداران اسلام و منازل کرامت

لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ... مَنَازِلِ الْكَرَامَهِ

آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از سراهای کرامت، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.

۴/۲۷

مسلمان و رسیدن به کرامت الهی

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوَضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَی بِهِ، إِلَی أَنْ يَنْتَهِیَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَی مَا... أَعْدَدْتَ لَهُ مِنْ كَرَامَتِكَ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوض نقد عطا کن که سود آنچه پیش

فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند. تا آنگاه که زمان او به پایان رسد، به آنچه از بزرگی ات برایش آماده کرده ای، برسد.

۱۶/۲۷

گستردن بسترهای کرامت، برای بنده

أَفْرِشْنِی مِهَادَ كَرَامَتِكَ

بسترهای کرامتت را برای من بگستر.۱/۴۱

وسیله کامل گشتن کرامت بنده

أَكْمِلْ كَرَامَتِی بِغُفْرَانِكَ

به آمرزشت، کرامت مرا کامل گردان.۴/۴۱

وسیله رسیدن به منازل کرامت

اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِیلَهً لَنَا إِلَی أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْکَرَامَهِ

قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت قرار ده.۸/۴۲

پیامبر صلی الله علیه و آله و بهترین کرامت الهی

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاهً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا یَأْمُلُ مِنْ خَیْرِکَ وَ فَضْلِکَ وَ کَرَامَتِکَ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که با آن او را به برترین خیر و فضل و کرامتی که آرزو دارد، برسانی.۲۱/۴۲

کرامت وعده داده شده خدا، به دوستانش

أَهِّلْنَا فِیهِ لِمَا وَعَدْتَ أَوْلِیاءَکَ مِنْ کَرَامَتِکَ

ما را در این (ماه) به کرامت خود که به دوستانت وعده داده ای، سزاوار نما.۱۲/۴۴

رسیدن به کرامت الهی

بَصَّرْتَنَا... الْوُصُولَ إِلَی کَرَامَتِکَ

ما را به (راه) رسیدن به کرامتت، بینا نمودی.

۱۹/۴۵

فراوان ساختن کرامت الهی، بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحَلِکَ وَ کَرَامَتِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که با آن بخشش و کرامتت را برای ایشان بسیار سازی.۵۷/۴۷

بازگرداندن بنده، به فراوانی کرامت الهی

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُثْنِیَنِی بِالْکَثِیرِ مِنْ کَرَامَتِکَ بِرَحْمَتِکَ

خدای من، از تو می خواهم که با رحمت خویش مرا به بسیاریِ بخشش خود بازگردانی.

۱۰/۵۲

کردار رفتار

جزا دادن خدا، به کردارهای نیک و بد

لِیَجْزِیَ الَّذِینَ أَسَاوءُوا بِمَا عَمِلُوا وَ یَجْزِیَ الَّذِینَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَی

تا بدکاران را بر وفق کار و کردارشان جزا دهد و نیکوکاران را پاداش نیکو عنایت کند.

۷/۶، ۶/۱

استوار گرداندن اندام کردارها، در بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... أَثْبَتَ فِینَا جَوَارِحَ الْأَعْمَالِ

و سپاس خدای را که اعضای (کار و) کردارها را در ما ثابت ساخت.۲۰/۱

محبوبیّت عمل برای آخرت، نزد پیروان اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

تُحَبِّبَ إِلَيْهِمُ الْعَمَلَ لِلْآجِلِ

عمل برای آخرت را در نظرشان محبوب کنی.

۱۶/۴

رسوا نکردن بندگان، به بدی کردارشان

لَا تُخْزِنَا عِنْدَهُمْ بِسُوءِ أَعْمَالِنَا

ما را نزد آنها به سبب زشتی رفتارمان رسوا نگردان. ۱۵/۶

توفیق انجام عمل خیر

وَفِّقْنَا فِی یَوْمِنَا هَذَا وَ لَیْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِی جَمِیعِ أَیَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَیْرِ

در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان،

ما را برای انجام نیکی توفیق ده.۱۸/۶

خودپسندی در عمل

نَعُوذُ بِکَ... أَنْ نُعْجِبَ بِأَعْمَالِنَا

پناه می بریم به تو از اینکه در کارهایمان خودپسند باشیم.۵/۸

نوشتن کردارهای پاکیزه ای برای بیمار، در حال بیماری

وَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ مَا کَتَبَ لِیَ الْکَاتِبَانِ مِنْ زَکِیِّ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فَکَّرَ فِیهِ...

و در بین آن بیماریْ نویسندگان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که دلی در آن نیندیشیده.۵/۱۵

بدی کردار و شرمندگی بنده

کُلُّ ذَلِکَ حَیَاءٌ مِنْکَ لِسُوءِ عَمَلِی

همه اینها از روی شرمی است که از بدکرداری خود دارم.۲۰/۱۶

زیر بار کردار شیطان نرفتن

اللَّهُمَّ وَ أَشْرِبْ قُلُوبَنَا إِنْکَارَ عَمَلِهِ

خداوندا و دل های ما را از انکار او سیراب ساز.۸/۱۷

بهترین کردارها

وَ انْتَهِ... بِعَمَلِی إِلَی أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ

و عملم را به بهترین اعمال منتهی ساز.

۱/۲۰

کردار بنده و عفو الهی

اللَّهُمَّ إِلَی مَغْفِرَتِکَ وَفَدْتُ... وَ لَیْسَ عِنْدِی مَا یُوجِبُ لِی مَغْفِرَتَکَ، وَ لَا فِی عَمَلِی مَا أَسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَکَ

خداوندا به سوی آمرزشت روی آورده ام. در حالی که آنچه موجب آمرزیدن تو گردد، در من نیست و در عملم چیزی که

سزاوار عفو تو شوم وجود ندارد.۱۵/۲۰

انجام پاکیزه ترین عمل،هنگام تشابه اعمال

وَفِّقْنِی... إِذَا تَشَابَهَتِ الْأَعْمَالُ لِأَزْکَاهَا

هنگامی که اعمال شبیه (یکدیگر) گردید، به پاکیزه ترین آنها توفیقم ده.۲۱/۲۰

علم با عمل

وَ ارْزُقْنِی... عِلْمًا فِی اسْتِعْمَالٍ

و مرا علم با عمل، روزی فرما.۲۷/۲۰

نیکو گرداندن کردار بنده

حَسِّنْ فِی جَمِیعِ أَحْوَالِی عَمَلِی

عملم را در همه احوالم، نیکو گردان.

۲۸/۲۰

عملی خوشنودکننده خداوند

وَ امْنُنْ عَلَیَّ... بِالْعَمَلِ لَکَ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَی

و عمل – برای خودت – به آنچه دوست داری و خوشنود می شوی را به من ارزانی دار.

۱۳/۲۱

رغبت و مواظبت در عمل برای خدا

ارْزُقْنِی الرَّغْبَهَ فِی الْعَمَلِ لَکَ لِآخِرَتِی

برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان.۸/۲۲

عمل کردن به بندگی خدا

وَ ارْزُقْنِی التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَایَا، وَ الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فِی حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّی أَکُونَ بِمَا یَرِدُ عَلَیَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَهٍ سَوَاءٍ، عَامِلًا بِطَاعَتِکَ

و مرا در حال خوشنودی و خشم، خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته، عامل به طاعتت باشم.۱۳/۲۲

شیطان و بازدارندگی بنده، از عمل شایسته

إِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ ثَبَّطَنَا عَنْهُ

چنانچه قصد کار شایسته ای کردیم، (شیطان) ما را از آن بازدارد.۷/۲۵

اعمالی شوینده چرکی خطایا

وَفِّقْنِی مِنَ الْأَعْمَالِ لِمَا تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطَایَا عَنِّی

مرا به کارهایی که با آن چرکی خطاها را از من

بشویی، توفیق ده.۱۳/۳۱

دانایی خدا به کردار بنده

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ فَاغْفِرْ لِی مَا عَلِمْتَ

خداوندا به درستی که تو به کارهایم، داناتری. پس آنچه (گناه) از من می دانی، بیامرز.۱۷/۳۱

نادان نبودن بنده، به بدی کردارش

فَمَا كُلَّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّی بِسُوءِ أَثَرِی

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست. ۲۶/۳۱

ضعفِ کردار بنده

أَنَا الْعَبْدُ الضَّعِیفُ عَمَلًا

من بنده ای هستم که عملش ضعیف است.

۹/۳۲

کردار بنده و سزاواری خشم خدا

...إِذَا... اسْتَوْجَبْتُ بِسُوءِ سَعْیِی سَخْطَتَکَ، فَتَلَ عَنِّی عِذَارَ غَدْرِهِ

...همین که با زشتی کردارم، خشمت را سزاوار گشتم، پس (دشمن تو) عنان حیله اش را از من برگرداند.۱۳/۳۲

احسان الهی و کردار فرمانبر و گنهکار

تَفَضَّلْتَ عَلَی کُلٍّ مِنْهُمَا بِمَا یَقْصُرُ عَمَلُهُ عَنْهُ

به هر یک از آنان (فرمانبر و گنهکار)، چیزی

تفضّل نموده ای که عملش کمتر از آن است.

۱۱/۳۷

سبب رسیدن به توفیق در عمل

زِدْنِی مِنْ هُدَاکَ مَا أَصِلُ بِهِ إِلَی التَّوْفِیقِ فِی عَمَلِی

هدایت خود را برایم بیفزا، که با آن به توفیق در عملم برسم.۱۶/۳۷

کردار درست و کوتاه گرداندن آرزو

وَ اکْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ، وَ قَصِّرْهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ

و ما را از آرزوی دراز بازدار و با عمل راستین، آن را از ما کوتاه کن.۱/۴۰

اعمال شایسته و کُند شمردن بازگشت به خدا

اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِیرَ إِلَیْکَ

از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کُند شماریم.۳/۴۰

خدا، اصلاح کننده کردار تبهکاران

یَا... مُسْتَصْلِحَ عَمَلِ الْمُفْسِدِینَ

ای خواهان اصلاح عمل تبهکاران.۵/۴۰

کردار بنده و ترازوی عدل

لَا تَحْمِلْ عَلَی مِیزَانِ الْإِنْصَافِ عَمَلِی

عملم را در ترازوی انصاف نگذار.۲/۴۱

کردار بندگان، در گردن آنها

وَ صَارَتِ الْأَعْمَالُ قَلَائِدَ فِی الْأَعْنَاقِ

و اعمال، گردن بندهای در گردن ها گردد.

۱۳/۴۲

ویژگی های کردارهای پاکیزه ماه رمضان

وَ وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّاكِيَةِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَ تَعْصِمُنَا فِيهِ مِمَّا نَسْتَأْنِفُ مِنَ الْعُيُوبِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جوییم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی و از آلوده شدن به عیب های تازه در این (ماه) ما را نگهداری کنی.۱۱و۱۰/۴۴

فراوان گشتن اعمال، در ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ... نُشِرَتْ فِيهِ الْأَعْمَالُ

درود بر تو ماهی که اعمال در آن گسترده گشت. ۲۵/۴۵

عمل شایسته و به دست آوردن حقّ خدا

أَجْرِ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا لِحَقِّكَ فِي الشَّهْرَيْنِ مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ

از اعمال شایسته، آنچه را که سبب دریافتن حقّ تو در دو ماه (رمضان گذشته و آینده) از ماه های روزگار باشد، برای ما پیوسته گردان.۴۶/۴۵

ص : ۹۸۲

جزا دادن خدا به عمل اندک

يَا مَنْ... يَشْكُرُ يَسِيرَ مَا يُعْمَلُ لَهُ

ای کسی که اندک عملی را که برای او انجام می شود، سپاس می دارد.۶/۴۶

کردار شایسته پیش فرستاده شده

إِنِّي وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ

همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو را، پیش فرستاده ام.۷۲/۴۷

فَإِنِّي لَمْ آتِكَ ثِقَةً مِنِّي بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم، به درگاه تو نیامده ام.۶/۴۸

یاری کردن بنده، به کردار نیکو

وَ أَعِنِّي عَلَى... مُسْتَحْسَنِ الْعَمَلِ

و بر (داشتن) کردار نیکو یاری ام فرما.

۱۱۳/۴۷

تقسیم نمودن عمل به طاعت، در بین اهل ایمان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ... عَمَلٍ بِطَاعَتِكَ... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه

میان بندگان با ایمانت، عمل به طاعتت را قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.

۲/۴۸

کردار بنده و آمرزش الهی

إِنِّي بِمَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ أَوْثَقُ مِنِّي بِعَمَلِي

همانا اطمینانم به آمرزش و رحمت تو، از (اطمینانم به) عملم بیشتر است.۴/۴۸

عملکرد عبادی امام سجّاد علیه السلام

...ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَا لَکَ، وَ تُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَلْفَ مَرَّةٍ هَکَذَا کَانَ یَفْعَلُ عَلَیْهِ السَّلَامُ

...سپس دعا کن آنچه را برایت آشکار شد و بر محمّد و خاندانش هزار بار درود فرست که امام - که درود بر او باد - اینچنین انجام می داد.

۲۸/۴۸

عمل کننده ترین بندگان، به فرمان خدا

وَ أَخْضَعُهُمْ لَکَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِکَ

و خاضع ترین آنان از تو، عمل کننده ترین ایشان به فرمان توست.۲/۵۲

هلاک گشتن بنده، با کردارش

عَمَلِی أَهْلَکَنِی

عملم مرا به هلاکت افکنده.۷/۵۲

اندک شمردن کردار خود

اللَّهُمَّ إِنِّی أَصْبِحُ وَ أَمْسِی مُسْتَقِلًّا لِعَمَلِی

خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به شام می آورم، در حالی که عملم را اندک می بینم.

۷/۵۲

بنده در گِرُوی کردار خویش

فَأَنَا... الْمُرْتَهَنُ بِعَمَلِی

...از این رو من گروگان عمل خویشم.

۱/۵۳

محبوبیّت عاملی به سبب عملش، نزد خدا

أَسْأَلُکَ عَمَلًا تُحِبُّ بِهِ مَنْ عَمِلَ بِهِ

از تو عملی را درخواست می کنم که به سبب آن هر کسی را که آن را انجام دهد، دوست داری.

۳/۵۴

عملی منجر به رها نکردن دین خدا

اسْتَعْمِلْنِی فِی مَرْضَاتِکَ عَمَلًا لَا أَتْرُکُ مَعَهُ شَیْئًا مِنْ دِینِکَ مَخَافَهَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ

مرا در (راه) خوشنودی ات به کاری بگمار که با آن چیزی از دین تو را، به خاطر ترس کسی از آفریدگانت رها ننمایم.۶/۵۴

کرسی

سپاسی برابری کننده با کرسی بلند پایه

الهی

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... یُعَادِلُ کُرْسِیَّکَ الرَّفِیعَ

سپاس برای توست. سپاسی که با کرسی بلندپایه ات برابری نماید.۴۱و۳۶/۴۷

کَرَم بخشش

بخشنده بودن خدا

إِنَّکَ جَوَادٌ کَرِیمٌ

به درستی که تو بسیار بخشنده و بزرگواری.

۲۶/۳

إِنَّکَ وَاسِعٌ کَرِیمٌ

همانا تو دارای رحمت وسیع و بخشش بسیار هستی.۲۴/۱۳

إِنَّکَ... الْوَهَّابُ الْکَرِیمُ

همانا تویی بسیار بخشنده که عطایت تمام نمی شود. ۷/۱۵

فَإِنَّکَ وَاسِعٌ کَرِیمٌ

زیرا تو توانگرِ بخشنده ای.۲۸/۴۸، ۷/۲۲

أَنْتَ الْجَوَادُ الْکَرِیمُ

تویی بسیار بخشنده بزرگوار.۶/۳۰

إِنَّکَ مَنَّانٌ کَرِیمٌ

همانا تو بسیار نعمت دهنده کریم هستی.

۱۶/۳۷

تَتْرُکُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَی التَّوْبَهِ لِکَیْلَا... یَشْقَی بِنِعْمَتِکَ

شَقِیُّهُمْ إِلَّا... بَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّهِ عَلَیْهِ، کَرَمًا مِنْ عَفْوِکَ یَا کَرِیمُ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا بدبختشان به وسیله نعمت تو، بدبخت نگردد. مگر پس از حجّت های پیاپی آوردن بر او. که (این همه) کرامت، از گذشت توست، ای کریم!.

۹/۴۵

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْکَرِیمُ الْمُتَکَرِّمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بسیار با کرم در نهایت کرامت.۴/۴۷

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْکَرِیمُ الْأَکْرَمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. کریم بزرگوار.۸/۴۷

یَا کَرِیمُ یَا کَرِیمُ

ای بزرگوار، ای بزرگوار.۸/۴۸

تنگ نگشتن کرم خدا، از درخواست بنده

عَلِمْتُ... أَنَّ کَرَمَکَ لَا یَضِیقُ عَنْ سُوءَالِ أَحَدٍ

دانستم که بخشش تو از درخواست کسی تنگ نمی گردد.۱۹/۱۳

کرم خدا، شفیع در خطاها

شَفِّعْ فِی خَطَایَایَ کَرَمَکَ

کرمت را شفیع خطاهایم گردان.۲۴/۳۱

کریم ترین کس

إِنَّکَ أَکْرَمُ الْمَسْؤُولِینَ

همانا تو بخشنده ترین کسی هستی که از آنها درخواست می شود.۲۰/۳۲

إِنَّکَ أَکْرَمُ مَنْ رُغِبَ إِلَیْهِ

به درستی که تو کریم تر کسی هستی که از او درخواست شده.۵۶/۴۵

عدم وجودِ (بخشنده ای)، کریم تر از خدا

فَمَنْ أَكْرَمُ يَا إِلَهِی مِنْکَ

پس ای خدای من، کریم تر از تو کیست؟

۱۶/۳۷

اتمام حجّت الهی و کرمی از عفو خدا

تَتْرُکُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَی التَّوْبَهِ لِکَیْلَا یَهْلِکَ عَلَیْکَ هَالِکُهُمْ... إِلَّا... بَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّهِ عَلَیْهِ، کَرَمًا مِنْ عَفْوِکَ یَا کَرِیمُ

تـا هنگـام توبه، شـتاب در کیفر ایشـان را ترک می کنی، تا هلاک شونـده ایشان، به خاطر تو هلاک نشود. مگر پس از حجّت های پیاپی آوردن بر او. که (این همه) کرامت، از گذشت توست، ای کریم!.

۹/۴۵

بازگشت آرزوها و پایان کرم خدا

انْصَرَفَتِ الْآمَالُ دُونَ مَدَی کَرَمِکَ بِالْحَاجَاتِ

آرزوها پیش از رسیدن به پایان کرمت، با حاجت ها برآورده شده است.۱۲/۴۶

کامل تر شدن کرم الهی

لَمْ تَکُنْ أَنَاتُکَ عَجْزًا، وَ لَا إِمْهَالُکَ وَهْنًا، وَ لَا إِمْسَاکُکَ غَفْلَةً، وَ لَا انْتِظَارُکَ مُدَارَاةً، بَلْ لِتَکُونَ حُجَّتُکَ أَبْلَغَ، وَ کَرَمُکَ أَکْمَلَ

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است و مهلت دادنت نه از روی سستی، و خودداری ات نه از روی غفلت، و به تأخیر انداختنت نه از روی نرمی کردن است. بلکه برای آنست که حجّت تو رساتر، و کرم تو کامل تر باشد.۲۲/۴۶

خدا، در منتهای کرم

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْکَرِیمُ الْمُتَکَرِّمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بسیار با کرم در نهایت کرامت.۴/۴۷

خداوندِ کریم و بخشنده

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْکَرِیمُ الْأَکْرَمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. کریمِ بسیار بخشنده.۸/۴۷

کرم الهی و فراوانی (نعمت)

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُوجِبُ بِکَرَمِکَ الْمَزِیدَ بِوُفُورِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که با بسیاری اش به همراه کرمت، فراوانی (نعمت) را لازم گرداند.

۳۶/۴۷و۴۸

اعتماد نمودن به کرم خدا

عَلَیْکَ أَتَوَکَّلُ، وَ عَلَی جُودِکَ وَ کَرَمِکَ أَتَّکِلُ

فقط بر تو توکّل می کنم و تنها بر بخشش و کرامت تو دل می بندم.۱۱/۵۲

آنچه کرم خدا موجب آن می گردد:

أ. با احسان رفتار نمودن با بنده

وَ احْمِلْنِی بِکَرَمِکَ عَلَی التَّفَضُّلِ

و به فضل خویش با من به احسان رفتار نما.۲۰/۱۳

ب. خوش رفتاری، با بنده

تَأَنَّیْتَنِی بِکَرَمِکَ فَلَمْ تُعَاجِلْنِی

با بخششت با من مدارا نمودی و در کیفرم شتاب نکردی.۳۲/۱۶

ج. اصلاح نمودن بنده

أَصْلِحْنِی بِکَرَمِکَ

به کرم خویش، مرا اصلاح فرما.۲۱/۲۰

د. پاداش جاودانه به عمل کوتاه مدّت بنده

...لَکِنَّکَ بِکَرَمِکَ جَازَیْتَهُ عَلَی الْمُدَّهِ الْقَصِیرَهِ الْفَانِیَهِ بِالْمُدَّهِ الطَّوِیلَهِ الْخَالِدَهِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدّتِ زودگذر، پاداش درازمدّتِ همیشگی دادی.۱۲/۳۷

هـ. فرستادن درود خدا، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

فَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ هَوَانِ مَا سَأَلْتُكَ عَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از تو می خواهم به بخشش و کرمت و آسانی آنچه درخواست نمودم بر تو، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱/۴۸

کَری

کر ساختن گوش قصد بد دارنده، درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُصِمَّ عَنْ ذِكْرِي سَمْعَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا گوشش را از (شنیدن) یاد من، کر سازی.

۸و۷/۲۳

کریه ناپسند

کژ دُم عقرب

کسادی

تجارتی کساد ناپذیر

مَنْ كَانُوا مُنْطَوِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِ، يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ فِي مَوَدَّتِهِ

آنها که محبّت او را در دل پرورانده، در دوستی اش امید به تجارتی بدون کساد داشتند.

۵/۴

کسب

جزا دادن هر نفسی، به کسب شده هایش

يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ

روزی که هر کس به آنچه کسب کرده، جزا داده شود و آنان هرگز ستم نبینند.۱۲/۱

لَا تَجْعَلْنِی فِی أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ یَوْمَ تُجْزَی کُلُّ نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ وَ هُمْ لَا یُظْلَمُونَ

مرا در زمره عاق شـدگان پدران و مادران قرار نده، در آن روز که هر نفسـی به آنچه کرده، جزا داده شود و هرگز ایشان سـتم نشوند.۱۱/۲۴

بدی های کسب شده و سوددهی اعتراف

فَهَلْ یَنْفَعُنِی، یَا إِلَهِی، إِقْرَارِی عِنْدَکَ بِسُوءِ مَا اکْتَسَبْتُ؟

ای خدای من آیا نزد تو اقرار به بدی ای که انجام داده ام، مرا سود می دهد؟۶/۱۲

کسب روزی، با زحمت بسیار

وَ اکْفِنِی مَؤُونَهَ الِاکْتِسَابِ

و به دست آوردن روزی با زحمت بسیار را از من بردار.۲۴/۲۰

سبب زیر بار بدی عواقب کسب نرفتن

ارْزُقْنِی مِنْ غَیْرِ احْتِسَابٍ، فَلَا... أَحْتَمِلَ إِصْرَ تَبِعَاتِ الْمَکْسَبِ

مرا بی حساب روزی ده، تا زیر بار پیامدهای بدِ کسب نروم.۲۴/۲۰

اکتساب بدی های بسیار

کَمْ... سَیِّئَهٍ اکْتَسَبْنَاهَا... کُنْتَ الْمُطَّلِعَ عَلَیْهَا دُونَ النَّاظِرِینَ

چه بسیار بدی ای که آن را کسب کردیم، (و) تو بر آن مطّلع بودی نه (دیگر) بینندگان.۲/۳۴

عدم خرده گیری خدا، بر آنچه بنده کسب نموده

وَ لَا تُنَاقِشْنِی بِمَا اکْتَسَبْتُ

و به آنچه کسب کردم، بر من سخت مگیر.

۲/۴۱

کسوف

خدمت گزاری ماه، به فروزندگی و کسوف

امْتَهَنَکَ بِالزِّیَادَهِ وَ النُّقْصَانِ... وَ الْإِنَارَهِ وَ الْکُسُوفِ

تو را با فزونی و کاستی، و نورفشانی و

گرفتگی، به خدمت گرفت.۲/۴۳

کشت

رویاندن کشت، با باران

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقْیًا... تُنْبِتُ لَنَا بِهِ الزَّرْعَ

خداوندا ما را با بارانی که کشت ها را به وسیله اش برایمان برویانی، سیراب نما.۵/۱۹

کشتن قتل

کفر

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و یاری خواستن علیه کفّار

هَاجَرَ إِلَی بِلَادِ الْغُربَهِ... إِرَادَهً مِنْهُ لِإِعْزَازِ دِینِکَ، وَ اسْتِنْصَارًا عَلَی أَهْلِ الْکُفْرِ بِکَ

به شهرهای غربت هجرت نمود. بر این خواسته که دین تو را عزّت دهد و بر (ضد) کافرانِ به تو یاری طلبد.۱۶/۲

کافر و منّت نهادن بر بنده

لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَ لَا کَافِرٍ عَلَیَّ مِنَّهً

برای بدکار و کافر، بر من منّت قرار نده.

۱۲/۲۱

کافر و نعمتی برای او نزد بنده

ص : ۹۸۸

لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَ لَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِنَّةً، وَ لَا لَهُ عِنْدِي يَدًا

برای بدکار و کافر، بر من منّت و برای او نزد من نعمت، قرار نده.۱۲/۲۱

حاجت بنده را به کافر وانگذاشتن

لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَ لَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِنَّةً... وَ لَا بِي إِلَيْهِمْ حَاجَةً

برای بدکار و کافر، بر من منّت و مرا به سوی آنها حاجت، قرار نده.۱۲/۲۱

شیطان و سخن کفر

...إِذَا قَارَفْتُ مَعْصِيَتَكَ... تَلَقَّانِي بِكَلِمَهِ كُفْرِهِ

...همین که به نافرمانی ات پرداختم، با گفتار کفرش با من روبرو شد.۱۳/۳۲

درّه های کفر

اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّهِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النِّفَاقِ

با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار.۱۲/۴۲

مقدّر نمودن مرگ، برای موحّد و کافر

سُبْحَانَكَ قَضَيْتَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ الْمَوْتَ مَنْ وَحَّدَكَ وَ مَنْ كَفَرَ بِكَ

پاک و منزّهی! مرگ را برای همه آفریدگانت - آنکه تو را یگانه دانست و آنکه به تو کفر ورزید - رقم زده ای.۵/۵۲

کفر ورزیدن به هر معبودی، جز خدا

كَفَرْتُ بِكُلِّ مَعْبُودٍ غَيْرِكَ

به هر معبودی جز تو کفر ورزیدم.۶/۵۲

کفو همانند

کلام سخن

کلمه

بلند گردیدن کلمه حقّ

هَجَمَ عَلَیْهِمْ فِی بُحْبُوحَهِ قَرَارِهِمْ حَتَّی... عَلَتْ کَلِمَتُکَ

در میان قرارگاهشان، بر آنان هجوم برد. تا اینکه سخن تو، بلند گردید.۲۲و۲۱/۲

آشکار ساختن کلمه حق

فَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَ الْأَوْلَادَ فِی إِظْهَارِ کَلِمَتِهِ

در راه آشکار نمودن دین او، از زنان و فرزندان خود جدا شدند.۴/۴

نبودن تغییردهنده ای، برای کلمات خدا

سُبْحَانَکَ... لَا مُبَدِّلَ لِکَلِمَاتِکَ

پاک و منزّهی! برای کلماتت تغییردهنده ای نیست.۳۰/۴۷

فانی نشدن کلمات الهی

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاهً... لَا یَنْفَدُ کَمَا لَا تَنْفَدُ

کَلِمَاتُکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که فانی نشود، همچنانکه کلمات تو فانی نمی شود.۵۳/۴۷

کلید

محمّد صلی الله علیه و آله ، کلید برکت

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ... مِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ

خداوندا بر محمّد - کلید برکت - درود فرست.۳/۲

مرگ، کلیدی از کلیدهای رحمت الهی

اجْعَلْهُ... مِفْتَاحًا مِنْ مَفَاتِيحِ رَحْمَتِكَ

آن را کلیدی از کلیدهای رحمتت قرار ده.

۴/۴۰

هلال ماه، کلید ماهی نو برای کاری نو

جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرٍ حَادِثٍ لِأَمْرٍ حَادِثٍ

تو را کلید ماهی نو برای کاری نو قرار داد.

۳/۴۳

کم اندک

کمان

کمان مرگ و تیرهای ترس از فراق

وَ تَجَلَّى مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُيُوبِ، وَ رَمَاهَا عَنْ قَوْسِ الْمَنَايَا بِأَسْهُمِ وَحْشَةِ الْفِرَاقِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن (جان ها)، از پرده های پنهانی ها آشکار گردد و آن را با تیرهای وحشت جدایی از کمان مرگ ها نشانه گیرد.

۱۳/۴۲

کمک یاری

کمین

تنهایی بنده، در برابر دشمنِ کمین گیر

فَنَظَرْتَ یَا إِلَهِی إِلَی... وَحْدَتِی فِی کَثِیرِ عَدَدِ مَنْ نَاوَانِی، وَ أَرْصَدَ لِی بِالْبَلَاءِ فِیما لَمْ أُعْمِلْ فِیهِ فِکْرِی

ای خدای من، پس تو تنهایی ام را در برابر (سپاهیانِ) بی شمار کسی که با من دشمنی کرده و برای گرفتار ساختنم در آنچه درباره آن نیندیشیده ام، در کمین نشسته، مشاهده کردی.

۵/۴۹

در کمین نشستن ستمگر، همانند درندگان

کَمْ مِنْ بَاغٍ... أَضْبَأَ إِلَیَّ إِضْبَاءَ السَّبُعِ لِطَرِیدَتِهِ انْتِظَارًا لِانْتِهَازِ الْفُرْصَهِ لِفَرِیسَتِهِ

چه بسیار ستمگری که همانند در کمین نشستن درنده ای برای شکارش، با چشم به راهی برای غنیمت دانستن وقت مناسبی برای شکار، در

کمین من نشست.۷/۴۹

کَندن

کنده شدن استخوان های پشت

یَا إِلَهِی لَوْ... رَکَعْتُ لَکَ حَتَّی یَنْخَلِعَ صُلْبِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خـدای من اگر آنقـدر برای تو رکوع کنم تا اسـتخوان پشـتم کَنـده شود، باز هم با آن همه، سـزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

۳۰/۱۶

کندن بندهای قلوب دشمنان

وَ اخْلَعْ وَثَائِقَ أَفْئِدَتِهِمْ

و رگ های دلشان را بکن.۵/۲۷

آشامیدنی دوزخ و کنده شدن دلِ ساکنان آن

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... شَرَابِهَا الَّذِی یُقَطِّعُ أَمْعَاءَ وَ أَفْئِدَهَ سُکَّانِهَا، وَ یَنْزِعُ قُلُوبَهُمْ

و از آشامیدنی اش که روده و دلِ ساکنانش را پاره پاره می کند و دل هایشان را برمی کَنَد، به تو پناه می برم.۳۱/۳۲

زمان کندن گرفتاری ها، از بندگان

وَ امْحَقْ ذُنُوبَنَا مَعَ امِّحَاقِ هِلَالِهِ، وَ اسْلَخْ عَنَّا تَبِعَاتِنَا

مَعَ انْسِلَاخِ أَیَّامِهِ

و با محو شدن هلال ماه، گناهان ما را محو کن و با گذشتن روزهایش، سختی هایمان را از ما بکن.

۱۵/۴۴

اللَّهُمَّ اسْلَخْنَا بِانْسِلَاخِ هَذَا الشَّهْرِ مِنْ خَطَایَانَا

خداوندا با گذشتن این ماه، ما را از خطاها درآور.۴۹/۴۵

کندن دوستی دنیا، از دل بنده

انْزِعْ مِنْ قَلْبِی حُبَّ دُنْیا دَنِیَّهٍ، تَنْهَی عَمَّا عِنْدَکَ

دوستی دنیای پست را که از آنچه نزد توست، بازمی دارد از دلم بَر کن.۱۰۹/۴۷

برکندن کینه اهل ایمان، از سینه بنده

انْزَعِ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِی لِلْمُوءْمِنِینَ

کینه داشتن برای مؤمنان را از سینه ام بر کن.

۱۲۷/۴۷

کُندی

فرمان دادن به بنده و کُندی او در به جا آوردن آن

...یَحْجُبُنِی... أَمْرٌ أَمَرْتَ بِهِ. فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ...

...بازمی دارد مرا (از درخواست از تو)، امری که به آن فرمان دادی و من در انجام آن کندی کردم.۲/۱۲

ص : ۹۹۱

علّت کُندی زبان راز و نیاز بنده، با خدا

كُلُّ ذَلِکَ حَيَاءٌ مِنْکَ لِسُوءِ عَمَلِی، وَ لِذَاکَ... كَلَّ لِسَانِی عَنْ مُنَاجَاتِکَ

همه اینها از روی شرمی است که از بدکرداری خود دارم. و از همین جهت است که زبانم از مناجات با تو بند آمده.۲۰/۱۶

ذکر خدا تا کُند شدن زبان

يَا إِلَهِی لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْکَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَيْنَيَّ... وَ ذَكَرْتُکَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ حَتَّى يَكِلَّ لِسَانِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِی

ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک های چشمانم بیفتد، و در این مدّت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانم از کار بیفتد، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

به کُندی روا شدن درخواست بنده

وَ لَا تَجْعَلْنِی... آيِسًا مِنْ إِجَابَتِکَ لِی وَ إِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّی

و مرا ناامید از اجابتت - گرچه دیر شود - قرار نده.۸/۲۱

عدم کُندی والدین، در نیکی به فرزند

فَإِنِّی... لَا أَسْتَبْطِئُهُمَا فِی بِرِّی

زیرا آنان را در نیکی به خودم، سهل انگار نمی شمارم. ۹/۲۴

عدم کُندی احسان خدا، درباره بنده

لَا يُبْطِئُ بِی حُسْنُ صَنِيعِکَ

خوبی احسانت درباره ام عقب نمی افتد.

۲۶/۳۲

کُندی خداوند، در عقاب بندگان

فَجَمِيعُ مَا أَخَّرْتَ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ وَ أَبْطَأْتَ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ سَطَوَاتِ النَّقِمَهِ وَ الْعِقَابِ تَرْکٌ مِنْ حَقِّکَ

پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته ای و هر کیفر و عقابی که در انجام آن کُندی نموده ای، ترک کردن حقّ خودت

بوده است.۱۵/۳۷

کُندی در بازگشت به سوی خدا

اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْكَ

از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کُند شماریم.۳/۴۰

خواندن بنده و کُندی او (در فرمانبری)

أَدْعُوكَ فَتُجِيبُنِی وَ إِنْ كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ تَدْعُونِی

تو را می خوانم، پس مرا اجابت می کنی و اگر چه هنگامی که مرا می خوانی، کُند هستم.

۱۱/۵۱

کنکاش جستجو

کُنْه ذات

کنیز

خوراک جنین، از زیادی خوراک کنیز خدا (مادر)

جَعَلْتَ لِی قُوتًا مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجْرَیْتَهُ لِأَمَتِکَ الَّتِی أَسْکَنْتَنِی جَوْفَهَا

از زیادی خوردنی و آشامیـدنی که برای کنیزت مقرّر فرموده بودی، برایم خوراک قرار دادی. همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی.۲۴/۳۲

جای دادن جنین، در ته رحِم کنیز خدا (مادر)

جَعَلْتَ لِی قُوتًا مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجْرَیْتَهُ لِأَمَتِکَ الَّتِی أَسْکَنْتَنِی جَوْفَهَا، وَ أَوْدَعْتَنِی قَرَارَ رَحِمِهَا

از زیادی خوردنی و آشامیـدنی که برای کنیزت مقرّر فرموده بودی، برایم خوراک قرار دادی. همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی و مرا در قرارگاه رحم او سپردی.۲۴/۳۲

طبقاتِ غلامان و کنیزان

وَ عَافِنِی مِمَّا ابْتَلَیْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عَبِیدِکَ وَ إِمَائِکَ

و مرا از آنچه طبقات (مختلف) غلامان و کنیزانت را به آن مبتلا نموده ای، عافیت بخش.

۱۰۵/۴۷

کوبیدن

کوبیدن سرِ قصدبددارنده درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تَقْمَعَ رَأْسَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا سرش را بکوبی.۸و۷/۲۳

وسیله کوبیدن شهرهای مشرکان

وَ افْرَعْهَا بِالْمُـحُولِ

و آن (شهرها) را با قحطی و خشکسالی بکوب.۱۲/۲۷

کوتاهی

فرشتگان و عدم کوتاهی در فرمان الهی

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ... لَا یُوءْثِرُونَ التَّقْصِیرَ عَلَی الْجِدِّ فِی أَمْرِکَ

خداوندا و حاملان عرشت که در فرمان تو کوتاهی را بر کوشش اختیار نمی کنند...۱/۳

کوتاهی در سپاس گزاری از نعمت

...یَحْجُبُنِی... نِعْمَهٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَیَّ. فَقَصَّرْتُ فِی شُکْرِهَا...

بازمی دارد مرا (از درخواست از تو)، نعمتی

ص : ۹۹۳

که به من بخشیدی و من در شکر گزاری آن کوتاهی کردم.۲/۱۲

کوتاهی نمودن و آمرزش خواستن

أَسْتَغْفِرُکَ لِمَا قَصَّرْتُ فِیهِ

برای آنچه کوتاهی کردم، از تو آمرزش می خواهم.۱۴/۱۲

حاجت بنده و کوتاهی طاقتش

اللَّهُمَّ وَ لِی إِلَیْکَ حَاجَهٌ قَدْ قَصَّرَ عَنْهَا جُهْدِی

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که توان انجامش را ندارم.۱۵/۱۳

کوتاهی در سپاس گزاری خدا

وَ ارْزُقْنِی الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِیرِی فِی الشُّکْرِ لَکَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَیَّ

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما.۱۱/۲۲

بخشیدن کوتاهی والدین، در مورد فرزند

اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّیَا عَلَیَّ فِیهِ مِنْ قَوْلٍ... أَوْ قَصَّرَا بِی عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا

خداوندا و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدّی نموده اند یا نسبت به من از واجبی کوتاهی کرده اند، پس آن را به ایشان بخشیدم.۹/۲۴

کوتاهی ننمودن عفو خدا، از بنده

فَلَا یَضِیقَنَّ عَنِّی فَضْلُکَ، وَ لَا یَقْصُرَنَّ دُونِی عَفْوُکَ

پس مبادا فضل تو از من تنگی نماید و بخشایشت از من کوتاهی کند.۱۵/۳۲

کوتاه بودن عمل گنهکار و فرمانبر

تَفَضَّلْتَ عَلَی کُلٍّ مِنْهُمَا بِمَا یَقْصُرُ عَمَلُهُ عَنْهُ

به هر یک از آنان (فرمانبر و گنهکار)، چیزی تفضّل نموده ای که عملش کوتاه تر (کمتر) از آن است.۱۱/۳۷

پاداش درازمدّت به عمل کوتاه مدّت

...لَکِنَّکَ بِکَرَمِکَ جَازَیْتَهُ عَلَی الْمُدَّهِ الْقَصِیرَهِ الْفَانِیَهِ بِالْمُدَّهِ الطَّوِیلَهِ الْخَالِدَهِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدّتِ زودگذر، پاداش درازمدّتِ همیشگی دادی.۱۲/۳۷

عامل کوتاه گرداندن آرزو، از بندگان

وَ اکْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ، وَ قَصِّرْهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ

و ما را از آرزوی دراز بازدار و با عمل راستین، آن را از ما کوتاه کن.۱/۴۰

کوتاهی در بزرگداشت خدا

جَنِّبْنَا... التَّقْصِیرَ فِی تَمْجِیدِکَ

ما را از کوتاهی در بزرگ داشتنت دور گردان.

۱۳/۴۴

ص : ۹۹۴

شب های ماه رمضان، و کوتاهی در نماز و تضرّع به درگاه خدا

وَ أَعِنَّا فِی نَهَارِهِ عَلَی صِیَامِهِ، وَ فِی لَیْلِهِ عَلَی الصَّلَاهِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَیْکَ... حَتَّی لَا یَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَیْنَا بِغَفْلَهٍ، وَ لَا لَیْلُهُ بِتَفْرِیطٍ

و مـا را در روزش به روزه داری آن و در شـبش بر نمـاز و زاری به درگـاهت، یـاری نمـا. تا روزش بر ما به غفلت و شـبش به کوتاهی نمودن گواهی ندهد.

۱۷/۴۴

کوتاهی بنده و عهده داری روزه

وَ قَدْ تَوَلَّیْنَا بِتَوْفِیقِکَ صِیَامَهُ وَ قِیَامَهُ عَلَی تَقْصِیرٍ

و ما را – با (همه) کوتاهیْ (کردن هایمان) – توفیق دادی تا روزه اش و به پا خاستنش (در شبانگاه) را عهده دار شویم.۴۴/۴۵

کوتاهی نمودن (در عبادت)، در رمضان

فَأْجُرْنَا عَلَی مَا أَصَابَنَا فِیهِ مِنَ التَّفْرِیطِ

پس ما را بر آنچه از کوتاهی در آن ماه به ما رسیده، پاداش ده.۴۵/۴۵

تقصیر از (ادای) حقِّ الهی

أَوْجِبْ لَنَا عُذْرَکَ عَلَی مَا قَصَّرْنَا فِیهِ مِنْ حَقِّکَ

و (قبول) عذر ما را که در آن (ماه) بر حقّت کوتاهی کرده ایم، بر ما لازم گردان.۴۶/۴۵

کوتاهیِ هر ستاینده، از سپاس گزاری خدا

لَکَ الْحَمْدُ... شُکْرًا یَقْصُرُ عَنْهُ شُکْرُ کُلِّ شَاکِرٍ

سپاس برای توست. ستایشی که ستایش هر ستاینده ای از آن بازمانَد.۳۶/۴۷

کوتاهی در حقّ الهی

وَ لَا تُوءَاخِذْنِی بِتَفْرِیطِی فِی جَنْبِکَ

و مرا به کوتاهی نمودنم در حقّت، کیفر نکن.

فراوانی نعمت و کوتاهی بنده

هَذَا مَقَامُ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمِ، وَ قَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ

این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده و آنها را با کوتاهی مقابله نموده است.۱۵/۴۹

عذاب خدا و کوتاهی بنده

إِنْ تُعَذِّبْ فَأَنَا الظَّالِمُ الْمُفَرِّطُ... الْمُقَصِّرُ...

اگر کیفر کنی، این من هستم که سهل انگار و مقصّرم.۱۴/۵۱

سبب کوتاهی بنده:

أ. تجاوز از حدّ، نسبت به فرمان الهی

فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرْتَ بِهِ تَفْرِيطًا

پس با سهل انگاری از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده.۶/۳۱

ب. آراستگی نادرستی و خطا

سَوَّلَ لِیَ الْخَطَاءَ خَاطِرُ السُّوءِ فَفَرَّطْتُ

اندیشه بدْ خطا را برای من آراست، پس (از فرمان تو) کوتاهی نمودم.۱۶/۳۲

کوچ

کوچ بنده، به سوی رحمت خدا

اجْعَلْ... إِلَی رَحْمَتِکَ رِحْلَتِی

کوچ مرا به سوی رحمتت قرار ده.۱۱/۲۱

کوچ مجاهد، در راه خدا و برای خدا

وَ اجْعَلْ... ظَعْنَهُ وَ إِقَامَتَهُ، فِیکَ وَ لَکَ

و مسافرت و اقامتش را، در راه خود و برای خود قرار ده.۱۴/۲۷

کوچ کردن بندگان، به سوی آخرت

دَنَا مِنَّا إِلَی الْآخِرَهِ رَحِیلٌ وَ انْطِلَاقٌ

کوچ کردن و رفتن ما به جهان دیگر نزدیک شود.۱۳/۴۲

کوچک

نرهیدن هیچ خُردی، از خدا

وَ لَا یَفُوتُهَا شَیْءٌ وَ إِنْ لَطُفَ

و چیزی - اگر چه خرد باشد - از او (خداوند)

رهایی نمی یابد.۱/۲

کوچکی منزلت ها، در برابر منزلت خدا

یَا مَنْ تَصْغُرُ عِنْدَ خَطَرِهِ الْأَخْطَارُ

و ای کسی که در نزد قدر و منزلت او، قدر و منزلت ها کوچک می شود.۵/۵

بدی جدایی بنده از روز، با به جا آوردن گناه کوچک یا بزرگ

اعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِارْتِكَابِ جَرِيرَهٍ، أَوِ اقْتِرَافِ صَغِيرَهٍ أَوْ كَبِيرَهٍ

از بدیِ جدایی از آن (روز)، بر اثر انجام گناهی یا مرتکب شدن گناه صغیره یا کبیره، حفظمان کن.۱۳/۶

کوچک شمردن معصیت و نافرمانی

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... اسْتِصْغَارِ الْمَعْصِيَهِ

خداوندا به تو پناه می برم از کوچک شمردن نافرمانی.۲و۱/۸

کوچک شمردن گناه خرد

نَعُوذُ بِکَ مِنْ... احْتِقَارِ الصَّغِيرَهِ

پناه می بریم به تو از ناچیز شمردن گناه کوچک.۶/۸

کوچکی خواهش بنده ، در برابر وسعت رحمت خداوند

ص : ۹۹۶

عَلِمْتُ... أَنَّ خَطِيرَ مَا أَسْتَوْهِبُکَ حَقِيرٌ فِی وُسْعِکَ

دانستم که هر چه از تو خواهش های بزرگ نمایم در برابر وسعتِ رحمت تو کوچک است.

۱۹/۱۳

کوچک و حقیر بودن بنده

فَإِنِّی عَبْدُکَ الْمِسْکِینُ الْمُسْتَکِینُ الضَّعِیفُ الضَّرِیرُ الْحَقِیرُ

پس به درستی که من بنده بینوا، زار، ضعیف، بدحال و خوار و ناچیز توام.۷/۲۱

پناه بردن به خدا از شرّ هر کوچک و بزرگ

أَعِذْنِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ صَغِیرٍ وَ کَبِیرٍ

مرا از شرّ هر کوچک و بزرگی پناه ده.

۶/۲۳

پرورش دادن فرزندان کوچک والدین، برای ایشان

إِلَهِی... رَبِّ لِی صَغِیرَهُمْ

خداوندا خردسالشان را برای من پرورش ده.

۲/۲۵

کوچک ساختن مقام دشمن در دل مجاهد

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّکَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ فِی عَیْنِهِ، وَ صَغِّرْ شَأْنَهُمْ فِی قَلْبِهِ

پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو

شد، آنها را در چشمش اندک نما و مقامشان را در دلش کوچک گردان.۱۵/۲۷

توبه از گناهان بزرگ و کوچک

اللَّهُمَّ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا مِنْ کَبائِرِ ذُنُوبِی وَ صَغَائِرِهَا

خداوندا من در این جایگاهم، از گناهان بزرگ و کوچکم به درگاهت توبه می کنم.۱۴/۳۱

گناهان خرد هلاک کننده

فَأَوْقَعَنِی وَ قَدْ هَرَبْتُ إِلَیْکَ مِنْ صَغَائِرِ ذُنُوبٍ مُوبِقَهٍ

پس (دشمن تو) در حالی که از گناهان کوچکِ هلاکت بار به سویت می گریختم، مرا بر زمین زد.

۱۳/۳۲

کوچک ترین احسان و نعمت خدا

...لَوْ فَعَلْتَ ذَلِکَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِیعِ مَا کَدَحَ لَهُ وَ جُمْلَهِ مَا سَعَی فِیهِ جَزَاءً لِلصُّغْرَی مِنْ أَیَادِیکَ وَ مِنَنِکَ

...اگر با او چنین رفتار می نمودی، همه آنچه برای آن تلاش نموده و همه آنچه در آن کوشیده، در برابر کوچک ترین احسان های تو و نعمت هایت از دست رفته بود.۱۳/۳۷

خرد بودن هر بزرگی، در برابر خدا

کُلُّ جَلِیلٍ عِنْدَکَ صَغِیرٌ

هر بزرگی نزد تو کوچک است.۱۳/۴۶

ص : ۹۹۷

کوچک و خوار گشتن منزلت بنده

وَ لَا تَسُمْنِی خَسِیسَهً یَصْغُرُ لَهَا قَدْرِی

و پستی ای را که با آن، مرتبه ام خُرد گردد، دچارم مساز.۱۲۱/۴۷

توبه نصوح و باقی نماندن گناهان کوچک و بزرگ

تُبْ عَلَیَّ تَوْبَهً نَصُوحًا لَا تُبْقِ مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِیرَهً وَ لَا کَبِیرَهً

توبه ام ده، به توبه خالصی که با آن گناهان کوچک و بزرگ را باقی نگذاری.۱۲۶/۴۷

پروردن بنده، در کوچکی

اللَّهُمَّ إِنَّکَ... رَبَّیْتَنِی صَغِیرًا

خداوندا، تو مرا در کوچکی پرورش دادی.

۱/۵۰

کودکی

والدین و محافظت از فرزند در کودکی

وَ احْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّی فِی صِغَرِی

و آنچه در کودکی ام از من نگهداری کردند، برای ایشان نگهدار.۷/۲۴

کوری

کور گرداندن دیده دل ها

أَعْمِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَکَ

چشم دل ما را از آنچه برخلاف دوستی توست کور گردان.۶/۹

از روی نابینایی نبودنِ پذیرش دعوت شیطان

وَ مَنْ... أَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَی السُّوءِ مِنِّی حِینَ أَقِفُ بَیْنَ دَعْوَتِکَ وَ دَعْوَهِ الشَّیْطَانِ فَأَتَّبِعُ دَعْوَتَهُ عَلَی غَیْرِ عَمًی مِنِّی فِی مَعْرِفَهٍ بِهِ...؟

و چه کسی از من بر اعمال زشت بی باک تر است، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم با آنکه در شناخت او کور نیستم؟۲۳/۱۶

کوری از راه خدا

وَ لَا تَبْتَلِیَنِّی بِالْکَسَلِ عَنْ عِبَادَتِکَ، وَ لَا الْعَمَی عَنْ سَبِیلِکَ

و مرا به سستی در عبادتت و به کوری از راهت، گرفتار نساز.۱۱/۲۰

جَنِّبْنَا... الْعَمَی عَنْ سَبِیلِکَ

ما را از کوری از راهت دور گردان.۱۳/۴۴

کور ساختن چشم قصد بد دارنده درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی تُعْمِیَ عَنِّی بَصَرَهُ

ص : ۹۹۸

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا چشمش را از (دیدن) من کور سازی.۸و۷/۲۳

نتیجه باز شدن ابرهای کوری

...حَتَّی إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَی، وَ تَقَشَّعَتْ عَنْهُ سَحَائِبُ الْعَمَی... فَرَأَی کَبِیرَ عِصْیَانِهِ کَبِیرًا وَ جَلِیلَ مُخَالَفَتِهِ جَلِیلًا

...امّا همین که چشم هدایت برای او گشوده شد و ابرهای کوری از مقابلش کنار رفت، پس گناه بزرگش را بزرگ و ناسازگاری سترگش را سترگ دانست.۷/۳۱

خدا، کورگرداننده چشم مصائب

کَمْ مِنْ... أَعْیُنِ أَحْدَاثٍ طَمَسْتَهَا

چه بسیار چشم های مصیبت آفرینی که کور گرداندی.۱۱/۴۹

کوشش اهتمام

فرشتگانِ نگهدار عرش، و کوشش در امر الهی

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ... لَا یُؤْثِرُونَ التَّقْصِیرَ عَلَی الْجِدِّ فِی أَمْرِکَ

خداوندا و حاملان عرشت که در فرمان تو کوتاهی را بر کوشش اختیار نمی کنند...۱/۳

کوشش فرشتگان و عدم خستگی

وَ الَّذِینَ لَا تَدْخُلُهُمْ سَأْمَهٌ مِنْ دُؤُوبٍ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ...

و همانها که از کوشش دائمی دلتنگ نمی شوند، پس بر ایشان درود فرست.۱۰و۷/۳

کوشش در دعا و خواندن خدا

هَلْ أَنْتَ، یَا إِلَهِی، رَاحِمٌ مَنْ دَعَاکَ فَأُبْلِغَ فِی الدُّعَاءِ؟

ای خدای من آیا تو بر کسی که تو را بخواند رحم کننده ای تا من هر چه بیشتر در دعا بکوشم؟

۱۵/۱۶

کوشش در دوستی خدا، و خوار ساختن شیطان

اللَّهُمَّ... اکْبِتْهُ بِدُؤُوبِنَا فِی مَحَبَّتِکَ

خداوندا با کوشش مستمر ما – در دوستی ات – او را خوار نما.۳/۱۷

کوشش در کاری بازدارنده (از عبادت خدا)

وَ اکْفِنِی مَا یَشْغَلُنِی الِاهْتِـمَامُ بِهِ

و مرا از آنچه اهتمام به آن مشغولم می سازد کفایت کن.۳/۲۰

کوشش والدین در کار فرزندان

عَافِهِمْ... فِی کُلِّ مَا عُنِیتُ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ

ص : ۹۹۹

آنان را در کارهایشان - که به آن می کوشم - تندرستی ده.۲/۲۵

قطع اهتمام بنده، به روزیِ ضمانت شده

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَتِکَ فِی وَحْیِکَ، وَ أَتْبَعْتَهُ مِنْ قَسَمِکَ فِی کِتَابِکَ قَاطِعًا لِاهْتِـمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِی تَکَفَّلْتَ بِهِ

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای و در پی آن سوگند خود را در کتابت آورده ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای قرار ده.۳/۲۹

تلاش جهت توبه محوکننده(ی بدی)

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَهِ، وَ أَخْفَیْتَ مِنَ الدَّخِیلَهِ وَاعِظًا لَنَا... وَ سَعْیًا إِلَی التَّوْبَهِ الْمَاحِیَهِ، وَ الطَّرِیقِ الْمَـحْمُودَهِ

پس آن عیب ها که پوشاندی و بدی ها که پنهان نمودی، برای ما پنددهنده و کوشش به توبه محوکننده و (حرکت در) راه ستوده، قرار ده.

۳/۳۴

نزدیک شدن زمانِ تلاش برای توبه

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَهِ... وَاعِظًا لَنَا... وَ سَعْیًا إِلَی التَّوْبَهِ الْمَاحِیَهِ... وَ قَرِّبِ الْوَقْتَ فِیهِ

پس آن عیب ها که پوشاندی، برای ما پنددهنده و کوشش به توبه محوکننده قرار ده و

زمان آن را نزدیک گردان.۴و۳/۳۴

کوشش بنده، و نرسیدن به طاعت الهی

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا... لَا یَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِکَ وَ إِنِ اجْتَهَدَ

خداوندا همانا کسی در طاعت تو هر چند تلاش کند، به جایی نمی رسد.۲و۱/۳۷

سبب از دست رفتن کوشش بنده

لَمْ تَسُمْهُ الْقِصَاصَ فِیمَا أَکَلَ مِنْ رِزْقِکَ الَّذِی یَقْوَی بِهِ عَلَی طَاعَتِکَ... لَوْ فَعَلْتَ ذَلِکَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِیعِ مَا کَدَحَ لَهُ وَ جُمْلَهِ مَا سَعَی فِیهِ

از او در آنچه از روزی تو خورد، و بر طاعتت نیرو گرفت، تقاص نخواستی. اگر با او چنین رفتار می نمودی، همه آنچه برای

آن تلاش نموده و همه آنچه در آن کوشیده، از دست رفته بود.۱۳/۳۷

ماه، آفریده ای کوشا

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ، الدَّائِبُ السَّرِيعُ

ای آفریده فرمانبردار، و کوشای شتابنده.

۱/۴۳

کوشش در بسیاری سپاس گزاری از خدا

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يُعَانُ مَنِ اجْتَهَدَ فِی تَعْدِيدِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که هر که در بسیاری آن کوشید، یاری گردد.۴۵و۳۶/۴۷

ص : ۱۰۰۰

کوشش جهت خوشنودی ولیّ خدا

اجْعَلْنَا... فِی رِضَاهُ سَاعِینَ

ما را کوشا در خوشنودی او قرار ده.

۶۳/۴۷

کوشش دوستان ائمه علیهم السلام ، در اطاعت از ایشان

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ... الْمُـجْتَهِدِينَ فِی طَاعَتِهِمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که کوشش کنندگان در طاعت ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

کوشیدن در جهت خوشنودی خدا

تَوَحَّدْنِی بِمَا تَتَوَحَّدُ بِهِ مَنْ... أَتْعَبَ نَفْسَهُ فِی ذَاتِکَ، وَ أَجْهَدَهَا فِی مَرْضَاتِکَ

تو خود به تنهایی به من نیکی کن، همانگونه که نیکی می کنی با کسی که برای تو خود را به سختی انداخته و در خوشنودی ات کوشیده.

۸۸/۴۷

کوشش جهت نزدیکی به خدا

أَذِقْنِی طَعْمَ... الِاجْتِهَادِ فِيما يُزْلِفُ لَدَيْکَ وَ عِنْدَکَ

طعم کوشش را در آنچه (موجب) نزدیکی به پیشگاه تو و درگاه توست، به من بچشان.

۱۲۵/۴۷

احسان خدا و کوشش بنده، در نافرمانی او

كُلُّ ذَلِکَ إِنْعَامًا وَ تَطَوُّلًا مِنْکَ، وَ فِی جَمِيعِهِ انْهِمَاكًا مِنِّی عَلَى مَعَاصِيکَ

همه آنها نعمت و احسان از جانب توست، و در همه آنها، من سرگرم نافرمانی تو بودم.

۱۳/۴۹

کوه

گماشته شدن فرشتگان، بر کوه ها

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ الْمُوَکَّلِینَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و گمارده شدگان به کوه ها تا فرونپاشد.۱۵و۱۱و۱۰/۳

کوه ها و ناتوانی فهم شگفتی های قرآن

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّیَالِی مُونِسًا... حَتَّی تُوصِلَ إِلَی قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ الَّتِی ضَعُفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِی عَلَی صَلَابَتِهَا عَنِ احْتِمَالِهِ

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مَثل های بازدارنده اش را که کوه های استوار با محکمیشان از تحمّل آن ناتوانند، به دل های ما برسانی.۱۰/۴۲

کهن دیرینه

ص : ۱۰۰۱

کید فریب

کیش دین

کیفر

جزا دادن به بدکرداران و نیکوکاران

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاوءُوا بِمَا عَمِلُوا وَ يَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى

تا کسانی را که بد کرده اند، به سبب آنچه که به جا آورده اند، سزا دهد و آنان را که به سبب نیکویی، نیکویی نمودند را، جزا دهد.۶/۱

بِكُلِّ ذَلِكَ... يَبْلُو أَخْيَارَهُمْ، وَ يَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ... لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاوءُوا بِمَا عَمِلُوا، وَ يَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى

بدین گونه اخبار آنها را می آزماید، و می نگرد آنها در اوقات طاعتش چگونه اند. تا بدکاران را بر وفق کار و کردارشان جزا دهد و نیکوکاران را پاداش نیکو عنایت کند.۷/۶

جزا داده شدن در قیامت

يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ

روزی که هر کس به آنچه کسب کرده، جزا داده شود و آنان هرگز ستم نبینند.۱۲/۱

لَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ

مرا در زمره عاق شدگان پدران و مادران قرار

نده، در آن روز که هر نفسی به آنچه کرده، جزا داده شود و هرگز ایشان ستم نشوند.۱۱/۲۴

سپاسی پناه دهنده از کیفر الهی

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ... خَفِيرًا مِنْ نَقِمَتِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که پناه دهنده ای از عذابش باشد.۲۹و۲۷/۱

آزاد نمودن گردن ها، از کیفر الهی

أَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنْ نَقِمَتِکَ

گردن های ما را از عذابت آزاد کن.۲/۵

پناه بردن به خدا، از رسیدن کیفر الهی

نَعُوذُ بِکَ مِنَ... حُلُولِ الْعِقَابِ

پناه می بریم به تو از فرود آمدن کیفر.۹/۸

سبب به جا نماندن کار بدِ مستوجب کیفر

وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا... فِی مُوجِبَاتِ ثَوَابِکَ حَتَّی... لَا تَبْقَی لَنَا سَیِّئَهٌ نَسْتَوْجِبُ بِهَا عِقَابَکَ

و رازهای دل هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده، تا کار بدی که به وسیله آن مستوجب عذاب تو شویم برای ما نماند.۷/۹

نتیجه نترسیدن از کیفر الهی

قَدْ عَلِمْتَ، یَا إِلَهِی، مَا نَالَنِی مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ... وَ اغْتِرَارًا بِنَکِیرِکَ عَلَیْهِ

ای خدای من، تو می دانی از فلان کس فرزند

ص : ۱۰۰۲

فلان کس چیزهایی به من رسیده که تو نهی نموده ای و این از بی باکی او از کیفر تو می باشد.

۵/۱۴

نیازمودن ستمگر، به آسودگی از کیفر

اللَّهُمَّ... لَا تَفْتِنْهُ بِالْأَمْنِ مِنْ إِنْكَارِكَ، فَيُصِرَّ عَلَى ظُلْمِی

خداوندا او (ستمگر) را به ایمنی از کیفرت آزمایش نکن، تا به ستم نمودن بر من پافشاری کند.

۱۲/۱۴

نمونه ای از کیفر دشمن

صَوِّرْ فِی قَلْبِی مِثَالَ مَا... أَعْدَدْتَ لِخَصْمِی مِنْ جَزَائِكَ وَ عِقَابِكَ

نمونه مجازات و کیفری که برای دشمنم آماده کردی، در دلم بگذار.۱۵/۱۴

برتری عفو خدا، نسبت به کیفرش

أَنْتَ الَّذِی عَفْوُهُ أَعْلَى مِنْ عِقَابِهِ

تویی آنکه بخشایش او از کیفرش برتر است.

۷/۱۶

عدم افراط خداوند، در کیفر گنهکاران

أَنْتَ الَّذِی لَا یُفْرِطُ فِی عِقَابِ مَنْ عَصَاهُ

تویی آنکه در کیفر گناهکاران زیاده روی نمی کند.۱۲/۱۶

خوشایندی گذشت از بنده نسبت به کیفر نمودنش، نزد خدا

...وَ لِأَنَّ عَفْوَكَ عَنِّی أَحَبُّ إِلَیْكَ مِنْ عُقُوبَتِی

...و از آن روست که بخشایش من نزد تو محبوب تر از کیفر من است.۲۶/۱۶

جزای بنده در نخستین معصیت

وَ إِنْ كُنْتَ تَغْفِرُ لِی حِینَ أَسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَکَ... فَإِنَّ ذَلِکَ غَیْرُ وَاجِبٍ لِی بِاسْتِحْقَاقٍ... إِذْ کَانَ جَزَائِی مِنْکَ فِی أَوَّلِ مَا عَصَیْتُکَ النَّارَ

و اگر مرا بیامرزی هنگامی که مستوجب آمرزش تو باشم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست. زیرا کیفر من در نخستین گناهی که کردم، آتش بود.۳۱/۱۶

ترساندن بندگان، از کیفر

فَإِنَّکَ... رَهَّبْتَنَا عِقَابَهُ

همانا تو از کیفر نافرمانی خودْ بیممان داده ای.

۶/۲۵

شیطان، و ایمن ساختن بندگان ، از کیفر الهی

یُوءْمِنُنَا عِقَابَکَ، وَ یُخَوِّفُنَا بِغَیْرِکَ

ما را از کیفر تو ایمنی می دهد و از غیر تو می ترساند.۶/۲۵

ص : ۱۰۰۳

کیفر شدن بنده و عدم انکار عدل الهی

لَا یُنْکِرُ یَا إِلَهِی عَدْلَکَ إِنْ عَاقَبْتَهُ

ای خدای من، اگر او را عقوبت دهی، عدل تو را انکار نمی کند.۱۰/۳۱

توبه و سالم ماندن از کیفر الهی

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ... تَوْبَةً تَسْلَمُ بِهَا کُلُّ جَارِحَةٍ عَلَی حِیَالِهَا مِنْ تَبِعَاتِکَ

خداوندا و همانا من به درگاهت توبه می کنم. توبه ای که با آن هر عضوی به سهم خود از کیفرهایت سالم مانَد.۲۲/۳۱

جزا ندادن بنده، به کیفر الهی

لَا تَجْزِنِی جَزَائِی مِنْ عُقُوبَتِکَ

مرا به جزایم که عقوبت توست، مجازات نکن.

۲۴/۳۱

مهلت دادن به شیطان، تا روز جزا

وَ اسْتَمْهَلَکَ إِلَی یَوْمِ الدِّینِ لِإِضْلَالِی فَأَمْهَلْتَهُ

و برای گمراه کردنم از تو – تا روز جزا – مهلت طلبید، پس مهلتش دادی.۱۲/۳۲

آتش دوزخ و کیفری دردناک

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... تَلْقَی سُکَّانَهَا بِأَحَرِّ مَا لَدَیْهَا مِنْ أَلِیمِ النَّکَالِ وَ شَدِیدِ الْوَبَالِ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که

با ساکنان خود با سوزان ترین کیفرِ دردناک و عواقب سخت روبرو می شود.۳۰و۲۹/۳۲

رعد و برق، و رساندن عذاب زیانبار

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَیْنِ... یَبْتَدِرَانِ طَاعَتَکَ بِرَحْمَةٍ نَافِعَةٍ أَوْ نَقِمَةٍ ضَارَّةٍ

خداوندا همانا این دو، به رساندن رحمتی سودمند یا کیفری زیان بار به طاعتت می شتابند.

۱/۳۶

برانگیختن ابرها، برای کیفر

اللَّهُمَّ وَ إِنْ کُنْتَ بَعَثْتَهَا نِقْمَةً... فَإِنَّا نَسْتَجِیرُکَ مِنْ غَضَبِکَ

خداوندا و اگر آن (ابرها) را برای کیفر برانگیخته ای، پس ما از خشمت، از تو امان می خواهیم.۳/۳۶

کیفر نمودن بنده و ستمکار نبودن خدا

فَکُلُّ الْبَرِیَّهِ مُعْتَرِفَهٌ بِأَنَّکَ غَیْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبْتَ

پس همه آفریدگان اعتراف می کنند که تو هر که را عقوبت نمودی، ستمگر نیستی.۸/۳۷

سزاوار همه کیفرهای الهی شدن

وَ لَقَدْ کَانَ یَسْتَحِقُّ فِی أَوَّلِ مَا هَمَّ بِعِصْیَانِکَ کُلَّ مَا أَعْدَدْتَ لِجَمِیعِ خَلْقِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ

و حال آنکه او در آغاز که همّت نافرمانی تو نمود، همه عقوبت های تو را که برای همه

آفریدگانت آماده ساختی، سزاوار می شد.

۱۴/۳۷

تأخیر در کیفر بنده، و چشم پوشی خدا از حقّش

فَجَمِیعُ مَا... أَبْطَأْتَ بِهِ عَلَیْهِ مِنْ سَطَوَاتِ النَّقِمَهِ وَ الْعِقَابِ تَرْکٌ مِنْ حَقِّکَ

پس هر کیفر و عقابی که در انجام آن کُندی نموده ای، ترک کردن حقِّ خودت بوده است.

۱۵/۳۷

به حقّ جزا دادن بنده و هلاکت او

فَإِنَّکَ إِنْ تُکَافِنِی بِالْحَقِّ تُهْلِکْنِی

زیرا اگر تو مرا به حقّ مکافات دهی، هلاکم.

۵/۳۹

بنده و عدم انکار شایستگی کیفر

إِنَّکَ إِنْ تَفْعَلْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی تَفْعَلْهُ بِمَنْ لَا یَجْحَدُ اسْتِحْقَاقَ عُقُوبَتِکَ

ای خدای من، به درستی که تو اگر چنین کنی، آن را درباره کسی انجام می دهی، که شایستگی عقوبت تو را انکار نمی کند.۱۱/۳۹

منزّه ندانستن خود، از سزاواری عقاب

إِنَّکَ إِنْ تَفْعَلْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی تَفْعَلْهُ بِمَنْ... لَا یُبَرِّئُ نَفْسَهُ مِنِ اسْتِیجَابِ نَقِمَتِکَ

ای خدای من، به درستی که تو اگر چنین کنی، آن را درباره کسی انجام می دهی، که نفس خود را از سزاواری انتقامت، مبرّا نمی داند.۱۱/۳۹

اقدام به کارهای بازدارنده کیفر الهی

وَ أَعِنَّا عَلَى صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ... حَتَّى... لَا نَتَعَاطَى إِلَّا الَّذِی یَقِی مِنْ عِقَابِکَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا جز آنچه از کیفر تو نگاه دارد، انجام ندهیم.۷و۶/۴۴

عدل بودن کیفر الهی

عُقُوبَتُکَ عَدْلٌ

و کیفرت از روی عدل است.۴/۴۵

کیفر بنده، به مانند کار بدش

مَنْ جاءَ بِالسَّیِّئَهِ فَلَا یُجْزَی إِلَّا مِثْلَهَا

هر کس کار بدی کند، جز مانند آن جزا داده نمی شود.۱۲/۴۵

روزی بنده نمودن ترس از کیفر بیم داده شده

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِیدِ

خداوندا ترسِ کیفرِ هشدارداده شده را روزی ما گردان.۵۳/۴۵

عدم تبدیل نعمت، به نقمت و کیفر

ص : ۱۰۰۵

يَا مَنْ لَا يُغَيِّرُ النِّعْمَهَ، لَا يُبَادِرُ بِالنَّقِمَهِ

ای کسی که نعمت را تغییر نمی دهد و به کیفر سخت، شتاب نمی کند.۱۰/۴۶

آمرزش خواهان و کیفر الهی

لا يَشْقَى بِنَقِمَتِكَ الْمُسْتَغْفِرُونَ

آمرزش خواهان به کیفرت تیره بخت نمی شوند.

۱۵/۴۶

بازگشتن به کیفر الهی

مَا أَطْوَلَ تَرَدُّدَهُ فِی عِقَابِکَ

چه طولانی است پی درپی بازگشتنش، در کیفرت!۲۰/۴۶

سخت بودن کیفر الهی

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِیُّ الْمُتَعَالِ، الشَّدِیدُ الْمِحَالِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بلندمرتبه در نهایت بلندیِ مرتبه، سخت کیفر می کند.۵/۴۷

درخواست بنده، جهت کیفر نشدن

لَا تُوءَاخِذْنِی بِتَفْرِیطِی فِی جَنْبِکَ، وَ تَعَدِّی طَوْرِی فِی حُدُودِکَ، وَ مُجَاوَزَهِ أَحْکَامِکَ

مرا به کوتاهی نمودنم در حقّت و تعدّی کردنم در حدودت و تجاوز از احکامت کیفر نکن.

۸۹/۴۷

کیفرِ مهلت دادن

أَجِرْنِی مِنْ أَخْذِ الْإِمْلَاءِ

از کیفرِ مهلت دادن پناهم ده.۹۸/۴۷

عفو و عقاب الهی

أَعْلَمُ... أَنَّکَ بِأَنْ تَعْفُوَ أَوْلَی مِنْکَ بِأَنْ تُعَاقِبَ

می دانم به درستی که تو به بخشایش شایسته تری تا اینکه کیفر کنی.۱۱۶/۴۷

خدا؛ عقاب کننده بر گناه

تَغَمَّدْنِی فِیما اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنِّی بِمَا یَتَغَمَّدُ بِهِ... الْآخِذُ عَلَی الْجَرِیرَهِ لَوْ لَا أَنَاتُهُ

مرا در آنچه بر آن از من آگاهی بپوشان، آنگونه که می پوشاند کیفرکننده بر گناه، (که) اگر شکیبایی اش نبود (کیفر می داد).۱۱۹/۴۷

درخواست کیفر نشدن ، در روز آشکار شدن پنهانی ها

لَا تُهْلِکْنِی یَوْمَ تُبْلَی السَّرَائِرُ

در روزی که پنهان ها آشکار می شود، کیفرم نکن.۱۲۹/۴۷

کیفر الهی و رحمت او

لا یُجِیرُ مِنْ عِقَابِکَ إِلَّا رَحْمَتُکَ

از کیفرت، جز رحمتت پناه نمی دهد.۱۳/۴۸

درّه های هلاکت و کیفرهای الهی

ص : ۱۰۰۶

حَلَلْتُ شِعَابَ تَلَفٍ، تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِکَ وَ بِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِکَ

به درّه های نابودی وارد شدم. در آنها، خود را در معرض سخت گیری هایت قرار داده ، با عقوبت هایت روبرو شدم.۲/۴۹

سبب ایمن شدن از کیفر خداوند

فَهَبْ لِی یَا إِلَهِی مِنْ رَحْمَتِکَ وَ دَوَامِ تَوْفِیقِکَ مَا أَتَّخِذُهُ سُلَّمًا أَعْرُجُ بِهِ إِلَی رِضْوَانِکَ، وَ آمَنُ بِهِ مِنْ عِقَابِکَ

پس ای خدای من، از رحمتت و توفیق همیشگی ات مرا چیزی ببخش که آن را نردبانی به سوی خوشنودی ات قرار داده، از آن بالا روم و به وسیله آن از کیفرت ایمن گردم.۱۷/۴۹

خداوندِ جزادهنده

کَفَی بِکَ جَازِیًا

همین بس که تو جزادهنده ای.۳/۵۰

کیفیت

عدم فهم کیفیّت و چگونگی خدا

أَنْتَ الَّذِی... عَجَزَتِ الْأَفْهَامُ عَنْ کَیْفِیَّتِکَ

تویی آنکه فهم ها از کیفیّتت عاجزند.۱۸/۴۷

کینه

کامل نمودن کینه بنده، با یاری او در برابر

ستمگر

أَعْدِنِی عَلَیْهِ عَدْوَی حَاضِرَةً، تَکُونُ... مِنْ حَنَقِی عَلَیْهِ وَفَاءً

مرا در مقابل او یاری کن. یاری نمودنِ آماده ای که کینه ام را بر او کامل نماید.۸/۱۴

کینه ورزی نسبت به دشمنان خدا

وَ اجْعَلْهُمْ... لِجَمِیعِ أَعْدَائِکَ مُعَانِدِینَ وَ مُبْغِضِینَ

و آنان (فرزندانم) را ستیزه جو و کینه توزِ همه دشمنانت قرار ده.۳/۲۵

عامل بیرون شدن کینه، از دل های بندگان

أَخْرِجْ وَحَرَ صُدُورِنَا بِرِزْقِكَ

کینه دل هایمان را، با روزی ات بگشا.۴/۳۶

عدم کینه ورزی نسبت به مؤمنان

انْزَعِ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِی لِلْمُوءْمِنِینَ

کینه داشتن برای مؤمنان را از سینه ام بر کن.

۱۲۷/۴۷

فرونشستن کینه دشمن

فَرَدَدْتَهُ... لَمْ یَسْكُنْ غَلِیلُهُ

پس در حالی که کینه اش قرار نگرفته بود، او را بازگرداندی.۶/۴۹

کیل پیمانه

ص : ۱۰۰۷

گ

گام قدم

گذشت آمرزش و نیز عفو

رهایی یافتن (از گناه)، با گذشت الهی

أَجِرْنَا مِنْ عَذَابِکَ بِتَجَاوُزِکَ

به گذشت خود، ما را از عذابت ایمن ساز.

۲/۱۰

گذشت نیکوی خداوند، بر آفریدگان

یَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَی خَلْقِهِ بِحُسْنِ التَّجَاوُزِ

ای آنکه با گذشت نیک، آفریدگانش را به سپاس خود واداشته است.۱۰/۱۲

مشهور بودن خدا، به گذشت

فَإِنَّکَ... مَعْرُوفٌ بِالتَّجَاوُزِ

همانا تو به گذشت مشهوری.۱۵/۱۲

بازگشت بنده، به سوی گذشت الهی

وَ اجْعَلْ... مُتَحَوَّلِی عَنْ صَرْعَتِی إِلَی تَجَاوُزِکَ

و بازگشت از به زمین افتادنم را به گذشت خود قرار ده.۶/۱۵

رو به خاک مالیدن برای خدا، و گذشت او

هَلْ أَنْتَ، یَا إِلَهِی... مُتَجَاوِزٌ عَمَّنْ عَفَّرَ لَکَ وَجْهَهُ تَذَلُّلًا؟

ای خدای من آیا تو از آنکه به خواری برای تو روی خود را به خاک مالید، درمی گذری؟

۱۵/۱۶

بنده، آرزومند گذشت الهی

اللَّهُمَّ... إِلَی تَجاوُزِکَ اشْتَقْتُ

خداوندا به گذشت تو اشتیاق ورزیده ام.

۱۵/۲۰

درگذشتن از همسایگان ستمکار

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أُعْرِضُ بِالتَّجَاوُزِ عَنْ ظَالِمِهِمْ

و خداوندا مرا بر آن دار که از ستمگرشان با چشم پوشی گذشت کنم.۳/۲۶

گذشت خداوند از لغزش ها، به نیکویی گذشتش

أَقِلْنِی عَثَرَاتِی بِحُسْنِ إِقَالَتِکَ

به نیکویی گذشتت، از لغزش هایم درگذر.

۳۲/۳۲

افتادنْ گاه های خطاکاران، و گذشت الهی

ص : ۱۰۰۹

اجْعَلْنِی أَسْوَهَ مَنْ قَدْ أَنْهَضْتَهُ بِتَجاوُزِکَ عَنْ مَصارِعِ الْخَاطِئِینَ

مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادنْ گاه های خطاکاران بلند کردی.۱۰/۳۹

شب های رمضان و گذشت الهی

وَ إِذَا کَانَ لَکَ فِی کُلِّ لَیْلَهٍ مِنْ لَیَالِی شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ... یَهَبُهَا صَفْحُکَ فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْکَ الرِّقَابِ

و چنانچه در هر شب از شب های این ماه ما، برای تو بندگانی باشد، که گذشتت ایشان را می بخشد، پس ما بندگان را از آن بندگان قرار ده.

۱۴/۴۴

روان گشتن قدرت خدا، بر گذشت

أَنَّکَ... أَجْرَیْتَ قُدْرَتَکَ عَلَی التَّجَاوُزِ

همانا تو قدرتت را بر گذشت، جاری ساخته ای. ۸/۴۵

گذشت خدا از والدین و هم کیشان مسلمان

اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنْ آبَائِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا وَ أَهْلِ دِینِنَا جَمِیعًا

خداوندا از پدران و مادران و همه هم کیشان ما، درگذر.۵۵/۴۵

خدا، درگذرنده از بدی بنده

وَ یَا مَنْ... یَتَجَاوَزُ عَنِ السَّیِّئَهِ حَتَّی یُعَفِّیَهَا

و ای کسی که از بدی درمی گذرد، تا آن را محو کند.۱۱/۴۶

نافرمانی از خدا، با اعتماد به گذشت او

فَأَقْدَمَ عَلَیْهِ... رَاجِیًا لِعَفْوِکَ، وَاثِقًا بِتَجاوُزِکَ

پس با امیدواری به بخشایشت و اعتماد به گذشتت، بر آن نافرمانی ها اقدام کرد.۶۸/۴۷

پناه بردن به گذشت الهی

هَا أَنَا ذَا بَیْنَ یَدَیْکَ... مُسْتَجِیرًا بِصَفْحِکَ

اینک منم در پیشگاه تو، پناهنده به بخشایشت.

۶۹/۴۷

درگذشتن خدا، از لغزش کاران

یَا مَنْ یَمُنُّ بِإِقَالَهِ الْعَاثِرِینَ

ای آنکه با احسان خود لغزشکاران را می بخشایی.۷۵/۴۷

درخواست درگذشتن از لغزش ها

وَ أَقِلْنِی عَثْرَتِی

و از لغزشم درگذر.۱۶/۴۸

أَسْتَقِیلُکَ عَثَرَاتِی

از تو می خواهم که از لغزش هایم درگذری.

۸/۵۱

آمرزش خواستن بنده و درگذشتن خدا

فَاسْتَغْفَرْتُ فَأَقَلْتَ

پس آمرزش خواستم و تو درگذشتی.۱/۴۹

درگذشتن خداوند، از (گناهان) بنده

ص : ۱۰۱۰

تَجاوَزْ عَنِّی یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ

از من درگذر، ای دارای بزرگی و کرم.

۷/۵۰

خدا، درگذرنده از لغزش بنده

أَنْتَ الَّذِی... أَقَلْتَ عِنْدَ الْعِثَارِ زَلَّتِی

تویی که هنگام (به گناه) افتادن، از لغزشم درگذشتی.۴/۵۱

یَا مُقِیلِی عَثْرَتِی

ای درگذرنده از لغزشم.۷/۵۱

گذشتگان

متفاوت بودن روش خدا در توبه، برای گذشتگان

فَمَا هَکَذَا کَانَتْ سُنَّتُهُ فِی التَّوْبَهِ لِمَنْ کَانَ قَبْلَنَا، لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا مَا لَا طَاقَهَ لَنَا بِهِ

البته روش او در (قبول) توبه، برای کسانی که پیش از ما بودند، این چنین نبوده و از (دوش) ما آنچه به آن طاقت نداریم برداشته.۲۳/۱

نعمت های خدا بر همه بندگان گذشته و باقی مانده اش

لَهُ الْحَمْدُ مَکَانَ کُلِّ نِعْمَهٍ لَهُ عَلَیْنَا وَ عَلَی جَمِیعِ عِبَادِهِ الْمَاضِینَ وَ الْبَاقِینَ

سپاس او را، به جای هر نعمتی که او بر ما و بر

همه بندگانش – گذشتگان و باقی ماندگان – دارد.

۲۷/۱

بی بهره بودن امّت های گذشته از وجود محمّد صلی الله علیه و آله

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِیَهِ وَ الْقُرُونِ السَّالِفَهِ

سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منّت نهاد، نه بر امّت های گذشته و مردمان پیشین.۱/۲

درآوردن بنده در میان سرای پیشینیان

وَافِ بِی عَرْصَهَ الْأَوَّلِینَ

مرا به جایگاه (رستاخیز) پیشینیان برسان.

۱۲۷/۴۷

دشمنان جانشینان خدا، در بین گذشتگان و آیندگان

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ

خداوندا، دشمنان ایشان را از گذشتگان و آیندگان لعنت کن.۱۰/۴۸

گذشتن صرف نظر کردن

گذشته

نعمت های خدا بر همه بندگان گذشته و

باقی مانده اش

لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ وَ الْبَاقِينَ

سپاس او را، به جای هر نعمتی که او بر ما و بر همه بندگانش - گذشتگان و باقی ماندگان - دارد.

۲۷/۱

بی بهره بودن امّت های گذشته از وجود محمّد صلی الله علیه و آله

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِیَهِ وَ الْقُرُونِ السَّالِفَهِ

سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منّت نهاد، نه بر امّت های گذشته و مردمان پیشین.۱/۲

توبه و زمان گذشتن وقت عمل

...حَتَّی إِذَا رَأَی مُدَّهَ الْعَمَلِ قَدِ انْقَضَتْ... تَلَقَّاکَ بِالْإِنَابَهِ، وَ أَخْلَصَ لَکَ التَّوْبَهَ

تا اینکه می بیند زمان عمل گذشته. با توبه به تو روی آورده و خالصانه برای تو توبه می کند.

۸/۱۲

پاکی از چرکی (کردارهای) پیشین

طَهِّرْنِی مِنْ دَنَسِ مَا أَسْلَفْتُ

مرا از پلیدی آنچه پیش فرستاده ام، پاک نما.

۶/۱۵

گناهان، گذراننده و به سر رساننده عمر بنده

أَنَا الَّذِی أَفْنَتِ الذُّنُوبُ عُمُرَهُ

منم آنکه گناهان عمرش را به فنا داده.

۱۴/۱۶

سپری شدن خوشی های گناهان

اسْتَغَاثَ بِکَ مِنْ... قَبِیحِ مَا فَضَحَهُ فِی حُکْمِکَ: مِنْ ذُنُوبٍ أَدْبَرَتْ لَذَّاتُهَا فَذَهَبَتْ، وَ أَقَامَتْ تَبِعَاتُهَا فَلَزِمَتْ

از (کار) زشتی که در حکم تو رسواگر است، از تو کمک خواسته. از گناهانی که لذّت هایش سپری شد و گذشت، و پیامدهای آن به جای ماند و پایدار شد.۹/۳۱

توبه از لغزش های گذشته و تازه

اللَّهُمَّ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا مِنْ... سَوَالِفِ زَلَّاتِی وَ حَوَادِثِهَا

خداوندا من در این جایگاهم، از لغزش های گذشته و تازه ام، به درگاهت توبه می کنم.

۱۴/۳۱

توبه ای نابودکننده آنچه (گناهان) گذشته

فَاجْعَلْ تَوْبَتِی هَذِهِ... تَوْبَهً مُوجِبَهً لِمحْوِ مَا سَلَفَ

پس این توبه ام را توبه ای سبب محو آنچه گذشته است، گردان.

۲۰/۳۱

فراموشی کار ناپسند گذشته

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّی بِسُوءِ أَثَرِی، وَ لَا نِسْيَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِيمِ فِعْلِی

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم و از فراموشیِ کردار نکوهیده گذشته ام نیست.

۲۶/۳۱

پایندگی عزّت خدا، با گذشتن زمان ها

اللَّهُمَّ يَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِی عَلَى مَرِّ الدُّهُورِ وَ خَوَالِی الْأَعْوَامِ وَ مَوَاضِی الْأَزمَانِ وَ الْأَيَّامِ

خداوندا ای عزیزی که با سپری شدن روزگارها و سال های گذشته و گذشتن زمان ها و روزها، ماندگار است.۳و۱/۳۲

سپری شدن رمضان، در حال پاک شدن بندگان از خطا

وَ امْحَقْ ذُنُوبَنَا مَعَ امِّحَاقِ هِلَالِهِ... حَتَّى يَنْقَضِیَ عَنَّا وَ قَدْ صَفَّيْتَنَا فِيهِ مِنَ الْخَطِيئَاتِ

و با محو شدن هلال ماه، گناهان ما را محو کن. تا (این ماه) در حالی از ما بگذرد که ما را در آن از خطاها پاکیزه ساخته ای.۱۵/۴۴

سپری شدن رمضان، و کَندن گرفتاری ها از بنده

اسْلَخْ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ انْسِلَاخِ أَيَّامِهِ

با گذشتن روزهایش سختی هایمان را از ما

بکن.۱۵/۴۴

اللَّهُمَّ اسْلَخْنَا بِانْسِلَاخِ هَذَا الشَّهْرِ مِنْ خَطَايَانَا

خداوندا با گذشتن این ماه، ما را از خطاها درآور.۴۹/۴۵

افزونی ترس و سپری شدن رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ أَلِيفٍ... أَوْحَشَ مُنْقَضِيًا فَمَضَّ

درود بر تو همدمی که چون سپری شد، بیمناک ساخت و بی تاب گرداند.۲۷/۴۵

برکات و نیکی های گذشته ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ... وَ عَلَی مَاضٍ مِنْ بَرَکَاتِکَ سُلِبْنَاهُ

درود بر تو و بر نیکی های گذشته ات که از دست دادیم.۴۲/۴۵

توبه از کارهای بد گذشته

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ... مِنْ کُلِّ... سُوءٍ أَسْلَفْنَاهُ

خداوندا ما از هر بدی ای که در گذشته انجام داده ایم، به درگاه تو توبه می کنیم.۵۲/۴۵

درودی فراگیرنده هر درود گذشته و تازه

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُحِیطُ بِکُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَ مُسْتَأْنَفَةٍ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست، درودی که هر درود گذشته و تازه ای را فراگیرد.

۵۵/۴۷

طلب آمرزش از گناهان گذشته

ص : ۱۰۱۳

وَ أَسْتَغْفِرُکَ لِمَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِی

و برای گناهان گذشته ام از تو آمرزش می خواهم.۲۶/۴۸

نیکیِ آنچه نوشته شده و گذشته

أَسْأَلُکَ مِنْ خَیْرِ کِتَابٍ قَدْ خَلَا

از تو نیکی آنچه نوشته شده و گذشته را درخواست می نمایم.۵/۵۴

گرامی

گرامی ترین آفریدگان و ستایش خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ بِکُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ... أَکْرَمُ خَلِیقَتِهِ عَلَیْهِ

سپاس خدای را، به هر سپاسی که گرامی ترین آفریدگانش، او را ستوده اند.۲۵/۱

سفیران و نگهبانان گرامی خداوند

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ السَّفَرَهِ الْکِرَامِ الْبَرَرَهِ، وَ الْحَفَظَهِ الْکِرَامِ الْکَاتِبِینَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و سفیران بزرگوارِ نیکوکار و حافظان گرامی نویسنده (اعمال).۱۸و۱۱و۱۰/۳

گرامی داشتن بندگان، نزد خدا

کَرِّمْنَا عَلَیْکَ

ما را نزد خود گرامی دار.۵/۵

نویسندگان گرامی اعمال

اللَّهُمَّ یَسِّرْ عَلَی الْکِرَامِ الْکَاتِبِینَ مَؤُونَتَنَا

خداوندا زحمت ما را بر نویسندگان (فرشتگان) گرامی آسان ساز.۱۵/۶

گرامی ترین خلق خدا

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَنْجَبِينَ

پس بر محمّد و خاندانش که پاک، پاکیزه، نیکوکار و شریف ترین اند، درود فرست.۲۴/۶

گرامی ترین پاداش

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ اجْزِهِ عَنَّا أَفْضَلَ وَ أَكْرَمَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِكَ عَنْ أُمَّتِهِ

خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و از طرف ما بهترین و گرامی ترین پاداشی را که به پیامبرانت از جانب امّتش دادی، به او پاداش ده.۲۳/۶

بردباری خدا و گرامی نبودن بنده

أَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ أَنَاتُكَ عَنِّي... وَ لَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ

شگفت تر از آن بردباری تو با من است و این نه از گرامی بودن من نزد توست.۲۶/۱۶

فرشتگان گرامی و آب رسانی سودمند

أَشْهِدْ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامَ السَّفَرَةَ. بِسَقْيٍ مِنْكَ نَافِعٍ

و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود، آماده ساز.۲/۱۹

گرامی داشتن بنده، به تندرستی

أَكْرِمْنِی بِعَافِيَتِكَ

به عافیتت گرامی ام دار.۱/۲۳

گرامی داشتن فرزند و دریافت پاداش از خدا

اللَّهُمَّ... أَثِبْهُمَا عَلَى تَكْرِمَتِی

خداوندا آنها را بر گرامی داشتنم، پاداش ده.

۷/۲۴

پیامبران گرامی، در جایگاه گواهان

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِكَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ الرُّسُلِ الْمُكَرَّمِينَ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و پیامبران بزرگوار، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

سرانجامی گرامی

اخْتِمْ لَنَا بِالَّتِی هِیَ... أَكْرَمُ مَصِيرًا

کار ما را به آنچه سرانجامش گرامی تر است، ختم کن.۶/۳۳

منع خوردنی ها و آشامیدنی ها، به جهت گرامی داشت ماه رمضان

فَحَرَّمَ فِيهِ مَا أَحَلَّ فِی غَيْرِهِ إِعْظَامًا، وَ حَجَرَ فِيهِ الْمَطَاعِمَ وَ الْمَشَارِبَ إِكْرَامًا

پس در آن به خاطر بزرگ داشتش، آنچه در غیر آن حلال بود، حرام کرد و از جهت گرامی داشتش، خوردنی ها و آشامیدنی ها را در آن ممنوع نمود.

رمضان، گرامی ترین وقت مصاحب بنده

السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَکْرَمَ مَصْحُوبٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ

درود بر تو، ای گرامی ترین وقت هایی که همراه بودی.۲۴/۴۵

گرامی داشتن بازگشت بنده، به سوی خدا

وَ أَکْرِمْ مِنْ عِنْدِکَ مُنْصَرَفِی، وَ إِلَیْکَ مُنْقَلَبِی

و رفتنم را از نزدت و بازگشتم را به سویت، گرامی دار.۲۵/۴۶

درود بر پیامبر گرامی

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْمُنْتَجَبِ الْمُصْطَفَی الْمُکَرَّمِ الْمُقَرَّبِ، أَفْضَلَ صَلَوَاتِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندان محمّد که

ص : ۱۰۱۵

برگزیده، اختیار شده، گرامی و مقرّب داشته شده اند، برترین درودهایت را بفرست.۵۰/۴۷

گرامی بودن روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا یَوْمُ عَرَفَهَ یَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَ کَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که آن را شریف و گرامی و بزرگ داشته ای.۶۶/۴۷

پیوسته بودن نعمت های گرامی، نزد بنده

ظَاهِرْ کَرَامَاتِهَا لَدَیَّ

گرامی های آن را نزد من پیوسته گردان.

۱۲۸/۴۷

خوار نگردیدن بنده، در صورت گرامی داشتنش توسّط خدا

إِنْ أَکْرَمْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یُهِینُنِی

اگر مرا گرامی داری، پس کیست آنکه خوارم کند؟۱۵/۴۸

گرداب

گرداب های فتنه و بلا

نَجِّنِی مِنْ غَمَرَاتِ الْفِتْنَهِ

از گرداب های فتنه نجاتم ده.۹۸/۴۷

بنده و گرداب نادانی اش

وَ لَا تَذَرْنِی... فِی غَمْرَتِی سَاهِیًا حَتَّی حِینٍ

و مرا در گرداب غفلتم، تا مدّت زمانی بی خبر رها نکن.۱۲۴/۴۷

گردش

گردش در زمین و سود دنیا و آخرت

يَسْرَحُوا فِی أَرْضِهِ، طَلَبًا لِمَا فِيهِ نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ، وَ دَرَكُ الْآجِلِ فِی أُخْرَاهُمْ

در زمین به تکاپو افتند، برای رسیدن به سود کنونی از دنیا و یافتن سود آینده در آخرت.

۶/۶

گردش روزگار و پایندگی عزّت خدا

اللَّهُمَّ يَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِی عَلَی مَرِّ الدُّهُورِ وَ خَوَالِی الْأَعْوَامِ وَ مَوَاضِی الْأَزمَانِ وَ الْأَيَّامِ

خداوندا ای عزیزی که با سپری شدن روزگارها و سال های گذشته و گذشتن زمان ها و روزها، ماندگار است.۳و۱/۳۲

به گردش درآوردن آسیاب عذاب

أَدِرْ رَحَی نَقِمَتِكَ عَلَی الْمُلْحِدِينَ

آسیاب کیفرت را برای ملحدان به گردش درآور. ۳/۳۶

بسیار گشتن سپاس، با گردش زمان ها

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَتَضَاعَفُ عَلَی کُرُورِ الْأَزْمِنَهِ

سپاس برای توست. سپاسی که با گردش زمان ها، چندین برابر شود.۳۹و۳۶/۴۷

درودی فزونی یابنده، با گردش روزگار

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ صَلَاهً... تَزِیدُهَا عَلَی کُرُورِ الْأَیَّامِ زِیَادَهً فِی تَضَاعِیفَ لَا یَعُدُّهَا غَیْرُکَ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست، درودی که آن را با گذر روزگار بیفزایی، افزودنی در چندین برابر که جز تو (کسی) نتواند آن را شمارش کند.۵۵/۴۷

گردن

آزاد نمودن گردن های بندگان، از عذاب الهی

أَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنْ نَقِمَتِکَ

گردن های ما را از عذابت آزاد کن.۲/۵

نینداختن طوق زشتی گناه، بر گردن بنده

کَمْ مِنْ شَائِبَهٍ أَلْمَمْتُ بِهَا فَلَمْ... تُقَلِّدْنِی مَکْرُوهَ شَنَارِهَا

چه بسیار زشتی هایی که به جا آوردم و طوق ناپسندی و زشتی آن را به گردنم نینداختی.

۲۱/۱۶

وسیله رهایی گردن خطاکاران

إِنَّمَا أُوَبِّخُ بِهَذَا نَفْسِی... رَجَاءً لِرَحْمَتِکَ الَّتِی بِهَا فَکَاکُ رِقَابِ الْخَاطِئِینَ

تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون امیدواری به رحمت تو - که رهایی گردن های خطاکاران است - می باشد.۲۸/۱۶

باریک گشتن گردن بنده، با گناهان

اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ رَقَبَتِی قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ

خداوندا و این گردن من است که گناهان آن را باریک نموده.۲۹/۱۶

عامل آزاد کردن گردن بنده، از گناه

اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ رَقَبَتِی قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعْتِقْهَا بِعَفْوِكَ

خداوندا و این گردن من است که گناهان آن را باریک نموده، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به گذشت خود آن را آزاد کن.۲۹/۱۶

طوق خواری به گردن قصد بد دارنده درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُذِلَّ رَقَبَتَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا

گردنش را به خواری فروآوری.۸و۷/۲۳

نزد خدا آمدن، با گردنی افتاده

فَتَلَقَّاكَ بِنَفْسٍ خَاشِعَهٍ، وَ رَقَبَهٍ خَاضِعَهٍ

پس با وجودی فروتن و گردنی فروافتاده، پیش روی توست.۱۹/۳۲

زمان گردن بند شدن اعمال، در گردن ها

وَ صَارَتِ الْأَعْمَالُ قَلَائِدَ فِی الْأَعْنَاقِ

و اعمال، گردن بندهای در گردن ها گردد.

۱۳/۴۲

طوقِ گردن بنده

طَوِّقْنِی طَوْقَ الْإِقْلَاعِ عَمَّا یُحْبِطُ الْحَسَنَاتِ، وَ یَذْهَبُ بِالْبَرَكَاتِ

طوقِ دست برداشتن از آنچه نیکی ها را باطل کرده و برکت ها را از بین می برد، به گردنم انداز.

۱۰۶/۴۷

حسود و به گردن بنده بستن خصوصیّاتی

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... قَلَّدَنِی خِلَالًا لَمْ تَزَلْ فِیهِ

و چه بسیار حسودی که ویژگی هایی را که همیشه در خود او بود، به گردنم انداخت.۹/۴۹

پادشاهان و یوغ ذلّت به گردن نهادن

یَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِیرَ الْمَذَلَّهِ عَلَی أَعْنَاقِهَا

ای کسی که پادشاهان برای او یوغ خواری بر

گردن هایشان نهاده اند.۷/۵۱

گردن بند گردن

گردن نهادن تسلیم

گردهمایی اجتماع

گرسنگی

مشرکان و گرسنگی همیشگی

أَصِبْهُمْ بِالْجُوعِ الْمُقِیمِ...

آنان را دچار گرسنگی دائم گردان.۱۲/۲۷

گرفتاری

آورندگان گرفتاری ناگوار، برای زمینیان

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ رُسُلِکَ مِنَ الْمَلَائِکَهِ إِلَی أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَکْرُوهِ مَا یَنْزِلُ مِنَ الْبَلَاءِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرستادگانت از فرشتگان، که بلای ناخوشایند به سوی اهل زمین می فرستی.۱۷و۱۱و۱۰/۳

به غم و اندوه گرفتار بودن بنده

وَ امْتَلَأْتُ بِحَمْلِ مَا حَدَثَ عَلَیَّ هَمًّا، وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَی کَشْفِ مَا مُنِیتُ بِهِ

ص : ۱۰۱۸

و از آنچه برایم رخ داده از غم و اندوه پر گشته ام و تو بر دفع آنچه به آن گرفتار شده ام توانایی.۱۰/۷

وعده الهی، رفع گرفتاری گرفتاران

سُبْحَانَکَ نَحْنُ... أَهْلُ السُّوءِ الَّذِینَ وَعَدْتَ الْکَشْفَ عَنْهُمْ

پاک و منزّهی تو! ما گرفتارانیم که رفع گرفتاری آنها را وعده داده ای.۴/۱۰

رهایی یافتن از بلا و گرفتاری

وَ اجْعَلْ... خَلَاصِی مِنْ کَرْبِی إِلَی رَوْحِکَ

و رهایی از گرفتاریم را به بخشایشت قرار ده.

۶/۱۵

سپاس گزاری از خدا، جهت دور شدن بلا

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ... بِمَا صَرَفْتَ عَنِّی مِنْ بَلَائِکَ

خداوندا بر بلایی که از من برگرداندی، تو را سپاس.۱/۱۸

گرفتاریْ بودنِ تندرستی و درخواست از خدا درباره آن

وَ إِنْ یَکُنْ مَا ظَلِلْتُ فِیهِ، أَوْ بِتُّ فِیهِ مِنْ هَذِهِ الْعَافِیَهِ بَیْنَ یَدَیْ بَلَاءٍ لَا یَنْقَطِعُ... فَقَدِّمْ لِی مَا أَخَّرْتَ، وَ أَخِّرْ عَنِّی مَا قَدَّمْتَ

و اگر این تندرستی که روز را در آن به سر

برده ام یا شب را در آن به سر رسانده ام، پیش از گرفتاری ای که قطع نمی گردد باشد، پس آنچه برایم به تأخیر انداخته ای، پیش انداز و آنچه از من پیش انداخته ای، پس انداز.۲/۱۸

عدم گرفتاری به خودبزرگ بینی

أَعِزَّنِی وَ لَا تَبْتَلِیَنِّی بِالْکِبْرِ

مرا گرامی دار و به خودبزرگ بینی گرفتارم نساز.۳/۲۰

گرفتار نساختن بنده، به سستی در عبادت

لَا تَبْتَلِيَنِّی بِالْکَسَلِ عَنْ عِبَادَتِکَ

مرا به سستی در عبادتت گرفتار نکن.۱۱/۲۰

تندرستیِ بنده، پیش از گرفتاری او

فَامْنُنْ عَلَیَّ قَبْلَ الْبَلَاءِ بِالْعَافِیَهِ

پس پیش از گرفتاری، با تندرستی بر من منّت گذار.۲۰/۲۰

گرفتار نشدن بنده، به ستایش یا نکوهش دیگران

وَ لَا تَبْتَذِلْ جَاهِی بِالْإِقْتَارِ، فَأَسْتَرْزِقَ أَهْلَ رِزْقِکَ... فَأَفْتَتِنَ بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِی، وَ أُبْتَلَی بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِی

و شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخواهم. آنگاه به ستایش آنکه به من عطا کرده، گرفتار شوم

ص : ۱۰۱۹

و به نکوهش آنکه از من بازداشته، دچار گردم.

۲۶/۲۰

امید به اجابت دعا، در حالت گرفتاری

لَا تَجْعَلْنِی... آیِسًا مِنْ إِجَابَتِکَ لِی وَ إِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّی، فِی... عَافِیَهٍ أَوْ بَلَاءٍ

مرا ناامید از اجابتت - گرچه دیر شود - قرار نده، در تندرستی باشم یا گرفتاری.۸/۲۱

شکیبایی در مقابل گرفتاری

اللَّهُمَّ... لَا صَبْرَ لِی عَلَی الْبَلَاءِ

خداوندا بر بلا شکیبایی ندارم.۲/۲۲

رحمت الهی و بهبودی یافتن از بلا

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُعَافَیْنَ مِنَ الْبَلَاءِ بِرَحْمَتِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به رحمت تو از بلا رهیده اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

دلجویی از همسایگان گرفتار

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أَرِقُّ عَلَی أَهْلِ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ رَحْمَهً

و خداوندا مرا بر آن دار که با مهربانی بر بلادیدگان آنها، دلسوزی نمایم.۳/۲۶

گرفتار نساختن بندگان، به ناتوانی معرفتِ آنچه خدا اختیار نموده

لَا تَسُمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ

ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم.

۳/۳۳

گرفتار غفلت نشدن

لَا تَسُمْنَا الْغَفْلَهَ عَنْکَ، إِنَّا إِلَیْکَ رَاغِبُونَ

ما را گرفتار غفلت از خودت نکن. زیرا ما به سوی تو راغب هستیم.۴/۳۴

رعد و برق، و گرفتاری و بلا

لَا تُلْبِسْنَا بِهِمَا لِبَاسَ الْبَلَاءِ

به سبب آن دو، جامه بلا بر ما نپوشان.

۱/۳۶

نگه داشتن بندگان، از بلا

فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا وَقَیْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ

پس سپاس تو راست، بر بلاهایی که ما را از آن نگهداشتی.۶/۳۶

بنده، در گِرُوی گرفتاری خویش

أَنَا الْمُرْتَهَنُ بِبَلِیَّتِهِ

منم در گروی گرفتاری خویش.۸۳/۴۷

رهاندن بنده، از گرداب بلا و گرفتاری

نَجِّنِی مِنْ غَمَرَاتِ الْفِتْنَهِ

از گرداب های فتنه نجاتم ده.۹۸/۴۷

رهایی از کام گرفتاری

ص : ۱۰۲۰

خَلِّصْنِی مِنْ لَهَوَاتِ الْبَلْوَی

از کام های بلا رهایی ام بخش.۹۸/۴۷

گرفتاری غلامان و کنیزان

وَ عَافِنِی مِمَّا ابْتَلَیْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عَبِیدِکَ وَ إِمَائِکَ

و مرا از آنچه طبقات (مختلف) غلامان و کنیزانت را به آن گرفتار نموده ای، عافیت بخش.

۱۰۵/۴۷

پناه بردن به خدا، از گرفتاری

أَعِذْنِی... مِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ

مرا از فرود آمدن بلا پناه ده.۱۱۹/۴۷

گرفتار نکردن بنده، به پستی و عیب

وَ لَا تَسُمْنِی خَسِیسَةً یَصْغُرُ لَهَا قَدْرِی وَ لَا نَقِیصَةً یُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَکَانِی

و پستی ای را که با آن، مرتبه ام خُرد گردد، دچارم مساز و عیبی را که به خاطر آن، منزلتم دانسته نشود، بر من ثابت نگردان.

۱۲۱/۴۷

بنده را هدف گرفتاری قرار ندادن

لَا تَجْعَلْنِی لِلْبَلَاءِ غَرَضًا

مرا هدف بلا نگردان.۱۶/۴۸

بلای پی درپی

لَا تَبْتَلِیَنِّی بِبَلَاءٍ عَلَی أَثَرِ بَلَاءٍ

مرا گرفتار بلاهای پی درپی نساز.۱۶/۴۸

کمین گرفتن دشمن، و گرفتار نمودن بنده

فَنَظَرْتَ یَا إِلَهِی إِلَی... وَحْدَتِی فِی کَثِیرِ عَدَدِ مَنْ نَاوَانِی، وَ أَرْصَدَ لِی بِالْبَلَاءِ فِیما لَمْ أَعْمِلْ فِیهِ فِکْرِی

ای خدای من، پس تو تنهایی ام را در برابر (سپاهیانِ) بی شـمار کسـی که با من دشـمنی کرده و برای گرفتار ساختنم در آنچه درباره آن نیندیشیده ام، در کمین نشسته، مشاهده کردی.

۵/۴۹

برگرداندن رنج گرفتاری، از بنده

صَرَفْتَ عَنِّی جَهْدَ الْبَلَاءِ

سختی گرفتاری را از من دور کردی.۲/۵۱

إِلَهِی فَکَمْ مِنْ بَلَاءٍ جَاهِدٍ قَدْ صَرَفْتَ عَنِّی

خدای من، پس چه بسیار بلاهای سختی که از من برگرداندی!۳/۵۱

بنده، اسیر گرفتاری خویش

فَأَنَا الْأَسِیرُ بِبَلِیَّتِی

...از این رو من اسیر بلای خود هستم.

۱/۵۳

از میان بردن گرفتاری بنده

اذْهَبْ بِبَلِیَّتِی

گرفتاری مرا از میان ببر.۲/۵۴

گرفتن

ستاندن عمر بنده و میراندن او

اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمُرِهِ قَبَضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ

زمانی که حساب زندگی اش را بستاند، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه سازد.۶/۱

خوشنودی بنده، به آنچه از او گرفته شده

اللَّهُمَّ... رَضِّنِی بِمَا أَخَذْتَ لِی وَ مِنِّی

خداوندا مرا به آنچه برای من و از من گرفتی، خوشنود گردان.۱۳/۱۴

خیر بنده، در دیر گرفتن حقّ خود

اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَتِ الْخِيَرَةُ لِی عِنْدَکَ فِی تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِی وَ تَرْكِ الِانْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِی إِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ... فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَيِّدْنِی مِنْکَ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

خداوندا و اگر خیر من نزد تو در تأخیر گرفتن حقّم و به کیفر نرسیدن ستمگرم تا روز رستاخیر می باشد، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.

۱۴/۱۴

گرفتنِ زلف جنبندگان

أَعِذْنِی... مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا

مرا از شرّ هر جنبنده ای که موی جلوی سر او

را گیرنده ای، پناه ده.۶/۲۳

والدین و نگرفتن حقّشان از فرزند

هَيْهَاتَ مَا يَسْتَوْفِيَانِ مِنِّی حَقَّهُمَا

هیهات! آنها تمامی حقّشان را از من نمی گیرند.

۱۱/۲۴

همسایگان و اخذ اخلاق نیک الهی

وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی إِرْفَاقِ ضَعِیفِهِمْ...

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در ارفاق به ناتوانشان، توفیق ده.

۲/۲۶

گرفتن مالی با ویژگی های خاص، از بنده

وَ ازْوِ عَنِّی مِنَ الْمَالِ مَا یُحْدِثُ لِی مَخِیلَهً أَوْ تَأَدِّیًا إِلَی بَغْیٍ أَوْ مَا أَتَعَقَّبُ مِنْهُ طُغْیَانًا

و مالی که برایم خودپسندی پیش آورد یا به ستمگری برساند یا در پی آن دچار سرکشی شوم را، از من دور ساز.۳/۳۰

اندوختن کالای دنیاییِ گرفته شده از بنده در خزائن الهی

مَا زَوَیْتَ عَنِّی مِنْ مَتَاعِ الدُّنْیَا الْفَانِیَهِ فَاذْخَرْهُ لِی فِی خَزَائِنِکَ الْبَاقِیَهِ

آنچه از کالای دنیاِی فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های جاوید خود ذخیره

ص : ۱۰۲۲

فرما. ۵/۳۰

خدا و نگرفتن حقّش

...لِأَنَّکَ الرَّبُّ الْعَظِیمُ الَّذِی... لَا یَسْتَقْصِی مِنْ أَحَدٍ حَقَّهُ

...زیرا تو پروردگار بزرگی هستی که حقّ خود را از کسی طلب نمی کنی. ۱۳/۳۹

فرشته مرگ و گرفتن جان ها

وَ تَجَلَّی مَلَکُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُیُوبِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن (جان ها)، از پرده های پنهانی ها آشکار گردد. ۱۳/۴۲

گرفتن دست بنده

وَ لَا تَرْمِ بِی رَمْیَ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَیْنِ رِعَایَتِکَ... بَلْ خُذْ بِیَدِی مِنْ سَقْطَهِ الْمُتَرَدِّینَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده. بلکه از سقوط پرت شدگان، دستم را بگیر (نجاتم ده). ۱۰۴/۴۷

نگرفتن معبودی، با خدا

لَمْ أَتَّخِذْ مَعَکَ إِلَهًا، وَ قَدْ فَرَرْتُ إِلَیْکَ بِنَفْسِی

با تو، خدایی نگرفته ام و با جانم به سوی تو گریخته ام. ۳/۴۹

بازستاندن آنچه دشمنان به ستم گرفته اند

أَنْتَ الَّذِی... أَخَذْتَ لِی مِنَ الْأَعْدَاءِ بِظُلَامَتِی

تویی که داد مرا از دشمنانم گرفتی. ۴/۵۱

گرفته خوی

مردمی گرفته خوی و ابرو درهم کشیده

إِنْ وَکَلْتَنِی إِلَی خَلْقِکَ تَجَهَّمُونِی

اگر مرا به آفریدگانت واگذاری، با من ترش رویی کنند.۳/۲۲

گرفته خوی نیافتن خدا

إِلَهِی مَا وَجَدْتُکَ... مُنْقَبِضًا حِینَ أَرَدْتُکَ

خدای من، هنگامی که قصد تو نمودم، تو را درهم کشیده ندیدم.۵/۵۱

گرما

آتش دوزخ و گرم ترین عذاب دردناک

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ... مِنْ نَارٍ... تَلْقَی سُکَّانَهَا بِأَحَرِّ مَا لَدَیْهَا مِنْ أَلِیمِ النَّکَالِ وَ شَدِیدِ الْوَبَالِ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با ساکنان خود با سوزان ترین کیفرِ دردناک و عواقب سخت روبرو می شود.۳۰و۲۹/۳۲

تشنگی بندگان، از شدّت گرما (در قیامت)

وَ أَرْوِ بِهِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَیْکَ ظَمَأَ هَوَاجِرِنَا

و با آن (قرآن)، تشنگی شدید ما را در جاهای گرم در جایگاهی که در پیشگاه توست، سیراب فرما.۱۱/۴۲

توانایی نداشتن بر (تحمّل) گرمی آفتاب

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ، الَّتِی لَا تَسْتَطِیعُ حَرَّ شَمْسِکَ

پس خداونـدا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتابت را ندارد.۵/۵۰

توانایی نداشتن بر (تحمّل) گرمی آتش دوزخ

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ، الَّتِی لَا تَسْتَطِیعُ حَرَّ شَمْسِکَ، فَکَیْفَ تَسْتَطِیعُ حَرَّ نَارِکَ؟

پس خداونـدا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتابت را ندارد، پس چگونه گرمای آتشت را

توانایی دارد؟ ۵/۵۰

گروگان

افتادگان در گِروِ گورها و دمیدن اسرافیل در صور

إِسْرَافِیلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاخِصُ الَّذِی یَنْتَظِرُ مِنْکَ الْإِذْنَ... فَیُنَبِّهُ بِالنَّفْخَهِ صَرْعَی رَهَائِنِ الْقُبُورِ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه توست، تا با دمیدنِ مردگانِ گروِ گورها را بیدار کند.۲/۳

سبب در گرو بودن بنده، نزد خدا

لَمْ تَسُمْهُ الْقِصَاصَ فِیمَا أَکَلَ مِنْ رِزْقِکَ الَّذِی یَقْوَی بِهِ عَلَی طَاعَتِکَ... لَوْ فَعَلْتَ ذَلِکَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِیعِ مَا کَدَحَ لَهُ وَ جُمْلَهِ مَا سَعَی فِیهِ... وَ لَبَقِیَ رَهِینًا بَیْنَ یَدَیْکَ بِسَائِرِ نِعَمِکَ

از او در آنچه از روزی تو خورد، و بر طاعتت نیرو گرفت، تقاص نخواستی. اگر با او چنین رفتار می نمودی، همه آنچه برای آن تلاش نموده و همه آنچه در آن کوشیده، از دست رفته بود. و در حضور تو برای باقی نعمت هایت در گرو می ماند.

۱۳/۳۷

بنده در گروی بلا و گرفتاری خویش

أَنَا الْمُرْتَهَنُ بِبَلِيَّتِهِ

ص : ۱۰۲۴

منم در گروی گرفتاری خویش.۸۳/۴۷

بنده در گِرُوی کردار خویش

فَأَنَا... الْمُرْتَهَنُ بِعَمَلِی

از این رو من گروگان عمل خویشم.۱/۵۳

گروه

در جماعت کشته شدگان به شمشیرهای دشمنان خدا درآمدن

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... نَصِیرُ بِهِ فِی نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُیُوفِ أَعْدَائِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که با آن در ردیف کشته شدگان به شمشیرهای دشمنانش درآییم.

۳۰و۲۷/۱

جماعت دشمنان شیطان

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِی نَظْمِ أَعْدَائِهِ

خداوندا ما را در گروه دشمنانش قرار ده.

۱۴/۱۷

پیوند دادن بین گروه مرزداران اسلام

أَلِّفْ جَمْعَهُمْ

جمعشان را الفت ده.۲/۲۷

جنگیدن برای تواناتر ساختن حزب خدا

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِکَ... لِیَکُونَ

دِینُکَ الْأَعْلَی وَ حِزْبُکَ الْأَقْوَی... فَلَقِّهِ الْیُسْرَ

خداوندا و هر رزمنده ای از اهل دینت که با آنها بجنگد، تا دین تو برتر و حزب تو قوی تر گردد، پس او را با آسانی روبرو

کن.۱۳/۲۷

قصد جهاد و در جماعت شهدا و صالحان قرار گرفتن

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَى غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... أَوْ عَرَضَ لَهُ دُونَ إِرَادَتِهِ مَانِعٌ فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِی الْعَابِدِينَ... وَ اجْعَلْهُ فِی نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت، یا مانعی در راه اراده اش ایجاد شد؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس و او را در صف شهیدان و صالحان قرار ده.۱۷/۲۷

در زمره نومیدترین گروه نبودن

لَا أَكُنْ... أَقْنَطَ وُفُودِكَ الْآمِلِينَ

مبادا من از ناامیدترین گروه های آرزومندت باشم.۱۵/۳۲

در جماعت اصحاب یمین بودن

وَ انْظِمْنِی فِی أَصْحَابِ الْيَمِينِ

و مرا در جماعت یاران دست راست درآور.

۴/۴۱

ص : ۱۰۲۵

در گروه رستگاران قرار گرفتن

وَ اجْعَلْنِی فِی فَوْجِ الْفَائِزِینَ

و مرا در گروه رستگاران قرار ده.۴/۴۱

گرد آوردن بندگان، در گروه پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ احْشُرْنَا فِی زُمْرَتِهِ

و ما را در گروه او محشور کن.۲۰/۴۲

صمیمی نشدن با گروهی که برای خدا با آنها دشمنی شده

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا حَاشَی مَنْ عُودِیَ فِیکَ وَ لَکَ، فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِی لَا نُوَالِیهِ، وَ الْحِزْبُ الَّذِی لَا نُصَافِیهِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که با کسی که با ما دشمنی کرده، مسالمت نماییم. مگر آنان که در راه تو و برای تو با آنها دشمنی شده. که او دشمنی است که با او دوستی نمی کنیم و حزبی است که با او صمیمی نمی شویم.۱۰/۴۴

جماعتِ سزاوار بالاترین مرتبه

اجْعَلْنَا فِی نَظْمِ مَنِ اسْتَحَقَّ الرَّفِیعَ الْأَعْلَی بِرَحْمَتِکَ

ما را در صف کسانی که به واسطه رحمت تو، مستحقّ بالاترین مرتبه گشته اند، قرار ده.۱۲/۴۴

درآوردن بنده، در حزب و گروه خدا

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ... أَدْخَلْتَهُ فِی حِزْبِکَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که در حزب خود واردش کردی.۶۷/۴۷

دشمن، در گروهی بسیار

وَ صَیَّرْتَهُ مِنْ بَعْدِ جَمْعٍ عَدِیدٍ وَحْدَهُ

و پس از آنکه در گروهی بسیار بود، او را تنها گذاشتی.۶/۴۹

گِره

خدا و باز کردن گره های ناگواری ها

یَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ الْمَکَارِهِ

ای کسی که گره های سختی ها به واسطه او باز می شود.۱/۷

گره های شیطان

اللَّهُمَّ احْلُلْ مَا عَقَدَ

خداوندا آنچه (شیطان) گره زد، باز کن.

۱۲/۱۷

گریز

نبودن گریزگاهی برای بنده، از خدا

حَتَّی إِذَا... أَیْقَنَ أَنَّهُ... لَا مَهْرَبَ لَهُ عَنْکَ

تا اینکه باور کرده که گریزگاهی از تو برایش نیست.۸/۱۲

ص : ۱۰۲۶

فراری دادن شیطان، از بندگان

وَلِّنا ظَهْرَهُ

او را از ما فراری ده.۴/۱۷

پناه دادن خدا، به گریختن بنده به سویش

أَجِرْ هَرَبِی

گریزم را پناه ده.۴/۲۱

گریز بنده، به سوی خدا

إِلَیْکَ الْمَفَرُّ وَ الْمَهْرَبُ

مفر و گریز به سوی توست.۴/۲۱

اجْعَلْ فِرَارِیَ إِلَیْکَ

گریزم را به سوی خود قرار ده.۱۱/۲۱

فَإِلَیْکَ أَفِرُّ

پس فقط به سوی تو می گریزم.۱۱/۵۲

گریز از قدرت الهی

لَا أَسْتَطِیعُ مُجَاوَزَهَ قُدْرَتِکَ

نمی توانم از قدرت تو بگریزم.۶/۲۱

سبب نگریختن مرزداران اسلام از هماورد خود

أَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِکْرَ دُنْیَاهُمُ الْخَدَّاعَهِ الْغَرُورِ، وَ امْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ... حَتَّی لَا یَهُمَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْإِدْبَارِ، وَ لَا یُحَدِّثَ نَفْسَهُ عَنْ قِرْنِهِ بِفِرَارٍ

هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده گول زننده را از خاطرشان ببر و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن، تا هیچ یک از آنان آهنگ پشت کردن (به دشمن) نکند و با نفس خود، حدیث فرار از همانند خود را بازگو ننماید.

۴/۲۷

پشت کردن و فرار شیطان از بنده

...وَ أَدْبَرَ مُوَلِّيًا عَنِّی

...و پشت کنان از من فرار کرد.۱۳/۳۲

با جان، به سوی خدا گریختن

قَدْ فَرَرْتُ إِلَيْکَ بِنَفْسِی

با جانم به سوی تو گریخته ام.۳/۴۹

گریزگاه بدکار

إِلَيْکَ مَفَرُّ الْمُسیءِ

گریزگاه بدکار به سوی توست.۳/۴۹

فرار دشمن بنده

وَ أَدْبَرَ مُوَلِّيًا قَدْ أَخْلَفَتْ سَرَايَاهُ

و پشت کرده، فرار نمود. در حالی که سپاهیانش از آنچه گفته بودند، تخلّف کردند.

۶/۴۹

سزاوارتر بودن بنده به گریختن از خدا، در صورت امکان گریز

ص : ۱۰۲۷

لَوْ أَنَّ أَحَدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهِ لَكَنْتُ أَنَا أَحَقَّ بِالْهَرَبِ مِنْکَ

اگر کسی می توانست از پروردگار خود بگریزد، من به گریختن از تو سزاوارتر بودم.۳/۵۰

خدا، یابنده بنده گریخته

اللَّهُمَّ إِنَّکَ طَالِبِی إِنْ أَنَا هَرَبْتُ، وَ مُدْرِکِی إِنْ أَنَا فَرَرْتُ

خداوندا، همانا تو جویای منی، اگر بگریزم. و دستگیرکننده منی، اگر فرار کنم.۴/۵۰

نبودن گریزگاهی، برای گریختن بنده

أَسْأَلُکَ أَنْ تَعْفُوَ عَنِّی، وَ تَغْفِرَ لِی فَلَسْتُ بَرِیئًا فَأَعْتَذِرَ... وَ لَا مَفَرَّ لِی فَأَفِرَّ

از تو می خواهم که مرا ببخشایی و بیامرزی ام. زیرا من بی گناه نیستم تا عذری داشته باشم و مرا گریزگاهی نیست تا بگریزم.۷/۵۱

گریختن از گناهان

مِنْهَا فَرَرْتُ إِلَیْکَ رَبِّ تَائِبًا فَتُبْ عَلَیَّ

پروردگار من، از آن (گناهان)، با حال توبه به سوی تو گریخته ام، پس توبه ام را بپذیر.۸/۵۱

عدم (توان) گریز بنده، از خدا

کَیْفَ یَسْتَطِیعُ أَنْ یَهْرُبَ مِنْکَ مَنْ لَا حَیَاةَ لَهُ إِلَّا بِرِزْقِکَ؟

چگونه می تواند از تو بگریزد، آنکه جز به

وسیله روزی اتْ زندگی برایش نیست؟۱/۵۲

گریستن

سبب سخت گریستن خطاکاران

یَا مَنْ لِخِیفَتِهِ یَنْتَحِبُ الْخَاطِئُونَ

ای کسی که خطاکاران از ترس او سخت می گریند.۳/۱۶

علّت شتاب نمودن در گریستن

هَلْ أَنْتَ، يَا إِلَهِی... غَافِرٌ لِمَنْ بَكَاكَ فَأُسْرِعَ فِی الْبُكَاءِ؟

ای خدای من آیا تو گریه کننده ات را می آمرزی تا من در گریستن شتاب نمایم؟

۱۵/۱۶

گریستن بنده، تا افتادن پلک چشمانش

يَا إِلَهِی لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَيْنَيَّ... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِی

ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک های چشمانم بیفتد، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

۳۰/۱۶

گَزیدن

دشمن و سرانگشت خود به دندان گزیدن

ص : ۱۰۲۸

قَدْ عَضَّ عَلَی شَوَاهُ وَ أَدْبَرَ مُوَلِّیًا

سرانگشتان خود را گزید و پشت کرده، فرار نمود.۶/۴۹

گسترش

گستراندن رحمت الهی، برای بندگان

وَ انْشُرْ عَلَیْنَا رَحْمَتَکَ بِغَیْثِکَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابر بر ما بگستران.۱/۱۹

توفیق گستردن عدل

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی بَسْطِ الْعَدْلِ

و زیور پرهیزکاران را در گستردن عدل، به من بپوشان.۱۰/۲۰

گستراندن عافیت الهی، برای بنده

أَفْرِشْنِی عَافِیَتَکَ

عافیتت را برایم بگستران.۱/۲۳

گستراندن احسان الهی، بر بنده

وَ ابْسُطْ عَلَیَّ طَوْلَکَ

و بخشش خود را بر من بگستر.۲۴/۳۱

گستراندن کرامت الهی، برای بنده

وَ أَفْرِشْنِی مِهَادَ کَرَامَتِکَ

و بسترهای کرامتت را برای من بگستر.

۱/۴۱

گستردگی روزی خدا، بر معصیت کار

رِزْقُکَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاکَ

روزیِ تو برای کسی که تو را نافرمانی کرده، گسترده است.۱۶/۴۶

گستردگی رحمت خدا، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا یَوْمُ عَرَفَهَ یَوْمٌ... نَشَرْتَ فِیهِ رَحْمَتَکَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که رحمتت را در آن گسترده ای.۶۶/۴۷

گسستگی

از هم گسیختن صفات، نزد خدا

وَ تَفَسَّخَتْ دُونَکَ النُّعُوتُ

و صفت ها نزد تو، از هم گسسته.۷/۳۲

از هم گسیختن اوصاف، پیش از وصف خدا

وَ تَفَسَّخَتْ دُونَ بُلُوغِ نَعْتِکَ الصِّفَاتُ

و توصیف ها پیش از رسیدن به وصف تو، از هم گسیخته اند.۱۲/۴۶

گشایش

گشایش درهای علم به ربوبیّت خداوند

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا... فَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ

ص : ۱۰۲۹

و سپاس خدای را که درهایی از علم به پروردگاری اش را بر ما گشود.۱۰/۱

به هم پیوستن ابزار بسط و گشاد، در (بدن) بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی رَكَّبَ فِینَا آلَاتِ الْبَسْطِ

و سپاس خدای را که آلات بسط و گشادن را در ما به هم پیوست.۲۰/۱

فرشتگان، آورندگان گشایش خوشایند

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ رُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَكْرُوهِ مَا یَنْزِلُ مِنَ الْبَلَاءِ وَ مَحْبُوبِ الرَّخَاءِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرستادگانت از فرشتگان، که بلای ناخوشایند و آسایش خوشایند به سوی اهل زمین می فرستی.

۱۷و۱۱و۱۰/۳

گشودن راه گفتاری نیکو، درباره فرشتگان

اللَّهُمَّ... فَصَلِّ عَلَیْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِیهِمْ

خداوندا پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر (زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست.۲۶/۳

خدا و گشایش گِره ناگواری ها

یَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ الْمَكَارِهِ

ای کسی که گره های سختی ها به واسطه او باز می شود.۱/۷

رفتن به سوی آسایش فرج و گشایش

وَ یَا مَنْ یُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ

و ای کسی که رهایی و رفتن به سوی آسایشی فراخ، از او درخواست می شود.۱/۷

نبود گشاینده ای، برای آنچه خدا بسته

وَ لَا فَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتَ

و برای آنچه بستی، گشاینده ای نیست.

۷/۷

نبود بستنده ای، برای آنچه خدا گشوده

وَ لَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ

و برای آنچه گشودی، بستنده ای نیست.

۷/۷

باز کردن درِ گشایش، برای بنده

وَ افْتَحْ لِی یَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِکَ

و ای پروردگار من، به فضل خود درِ آسایش را به رویم بگشای.۸/۷

گشایشی بی رنج

وَ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَهً وَ فَرَجًا هَنِیئًا

و از جانب خویش رحمت و گشایشِ گوارا به

من ببخش.۸/۷

گشایش درِ توبه

سُبْحَانَکَ، لَا أَیْأَسُ مِنْکَ وَ قَدْ فَتَحْتَ لِی بَابَ التَّوْبَهِ إِلَیْکَ

پاک و منزّهی تو، از تو که درِ توبه را به رویم گشوده ای، نا‌امید نمی شوم.۷/۱۲

وَ افْتَحْ لِی أَبْوَابَ تَوْبَتِکَ...

و درهای توبه ات را بر من بگشای.۱۳۲/۴۷

سلامتی از سختی، با گشایش الهی

وَ اجْعَلْ... سَلَامَتِی مِنْ هَذِهِ الشِّدَّهِ إِلَی فَرَجِکَ

و تندرستی ام از این سختی را به گشایشت قرار ده.۶/۱۵

گشودن آنچه شیطان ببندد

اللَّهُمَّ احْلُلْ مَا عَقَدَ، وَ افْتُقْ مَا رَتَقَ

خداوندا آنچه (شیطان) گره زد، باز کن. و آنچه بست، بگشا.۱۲/۱۷

گشایش دست بنده

وَ بِسَعَتِکَ، فَابْسُطْ یَدِی

و به توانگری ات گشاده دستم گردان.۴/۲۲

آرزو کردن گشایشی بهتر

وَ ارْزُقْنِی سَلَامَهَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّی لَا أَرَی نِعْمَهً مِنْ نِعَمِکَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ... إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِی

أَفْضَلَ ذَلِکَ بِکَ وَ مِنْکَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو آرزو کنم.۱۲/۲۲

گشایش دل بنده، برای مقاصد دینی

وَ اشْرَحْ لِمَرَاشِدِ دِینِکَ قَلْبِی

و دلم را برای راه های مستقیم دینت بگشا.

۵/۲۳

بازداشتن دشمنان، از دست گشایی اشان بر مرزداران اسلام

وَ اقْبِضْ أَیْدِیَهُمْ عَنِ الْبَسْطِ

و دست هایشان را از گشودن بازدار.۵/۲۷

گشودن دیده هدایتِ جاهل به قدرت خدا و منکر فضلش

فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرْتَ بِهِ تَفْرِیطًا، وَ تَعَاطَی مَا نَهَیْتَ عَنْهُ تَغْرِیرًا. کَالْجَاهِلِ بِقُدْرَتِکَ عَلَیْهِ، أَوْ کَالْمُنْکِرِ فَضْلَ إِحْسَانِکَ إِلَیْهِ حَتَّی إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَی، وَ تَقَشَّعَتْ عَنْهُ سَحَائِبُ الْعَمَی... فَرَأَی کَبِیرَ عِصْیَانِهِ کَبِیرًا وَ جَلِیلَ مُخَالَفَتِهِ جَلِیلًا

پس با سهل انگاری از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده و با بی باکی آنچه از آن نهی نموده ای، انجام داده. مانند نادان به قدرت تو بر خودش، یا انکارکننده بسیاری فضل تو به خودش. امّا همین

که چشم هدایت برای او گشوده شد و ابرهای کوری از مقابلش کنار رفت، پس گناه بزرگش را بزرگ و ناسازگاری سترگش را سترگ دانست.

۷و ۶/۳۱

باز بودن دهان کژدم های دوزخ

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ عَقَارِبِهَا الْفَاغِرَهِ أَفْوَاهُهَا

و از عقرب های آن که دهانشان گشوده است، به تو پناه می برم.۳۱/۳۲

قرآن، گشاینده پندها

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِمَا طَوَتِ الْغَفْلَهُ عَنَّا مِنْ تَصَفُّحِ الِاعْتِبَارِ نَاشِرًا

و قرآن را گشاینده پندهایی که غفلت از دید ما می پوشاند، قرار ده.۱۰/۴۲

روان گرداندن گشایش زندگانی، به سوی بندگان

وَ سُقْ إِلَيْنَا بِهِ رَغَدَ الْعَيْشِ وَ خِصْبَ سَعَهِ الْأَرْزَاقِ

و به وسیله آن (قرآن)، آسایش زندگی و توسعه روزی های فراوان را به سوی ما سوق بده.

۱۲/۴۲

گشایش دری به سوی عفو الهی

أَنْتَ الَّذِی فَتَحْتَ لِعِبَادِکَ بَابًا إِلَی عَفْوِکَ

تویی آنکه برای بندگانت، دری به سوی بخشایشت گشوده ای.۱۰/۴۵

گشایش درْ و به پا داشتن راهنما

فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِکَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامَهِ الدَّلِيلِ

پس – بعد از گشودن درْ و به پا داشتن راهنما – عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟!۱۱/۴۵

نگشودن زبان طعنه زنندگان، بر بندگان

وَ لَا تَبْسُطْ عَلَیْنَا فِیهِ أَلْسُنَ الطَّاعِنِینَ

و زبان طعنه زنندگان را در آن (ماه) بر ما نگشا.

۴۷/۴۵

گشایش درِ رحمت الهی، برای خواستاران

بَابُکَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاغِبِینَ

درِ تو برای آنان که خواهانند، باز است.

۱۴/۴۶

گشایشی در پایانِ (امورِ) بنده مغرور به کرم الهی

مَا أَبْعَدَ غَایَتَهُ مِنَ الْفَرَجِ

چه دور است که در پایان (کار) او گشایش حاصل شود!۲۰/۴۶

گشایش دست خدا، به نیکی ها

سُبْحَانَکَ بَسَطْتَ بِالْخَیْرَاتِ یَدَکَ

پاک و منزّهی! دستت را به نیکی ها گشوده ای.

۲۵/۴۷

گشایشی آسان، برای ولیّ خدا

وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا

و برای او پیروزی به آسانی بگشای.۶۱/۴۷

دست گشایی ولیّ خدا، بر دشمنان

وَ ابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ

و دستش را بر دشمنانت بگستر.۶۳/۴۷

گشایش درِ روزی

وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ... رِزْقِكَ الْوَاسِعِ

و درهای روزی فراخت را بر من بگشای.

۱۳۲/۴۷

گشایش درِ رحمت و مهربانی خدا

وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ... رَحْمَتِكَ وَ رَأْفَتِكَ...

و درهای رحمت و رأفتت را بر من بگشای.

۱۳۲/۴۷

گشایش، با آمرزش الهی

تَوَسَّعْ عَلَيَّ بِمَغْفِرَتِكَ

به آمرزشتْ به من گشایش ده.۸/۴۸

شتاب خدا، به گشایش

وَ عَجِّلِ الْفَرَجَ... وَ التَّأْيِيدَ لَهُمْ

و در فرج و تأیید آنان، شتاب فرما.۱۱/۴۸

بخشیدن گشایش به بندگان، از جانب خدا

وَ هَبْ لَنَا یَا إِلَهِی مِنْ لَدُنْکَ فَرَجًا بِالْقُدْرَهِ الَّتِی بِهَا

تُحْیِی أَمْوَاتَ الْعِبَادِ

و ما را – ای خدای من – از جانب خود به توانایی ای که با آن بندگان مرده را زنده می کنی، گشایش ده.۱۳/۴۸

گفتار سخن

گلو

برگرداندن مکرِ قصدبدکننده درباره بنده، در گلوگاهش

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ رُدَّ کَیْدَهُ فِی نَحْرِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و فریبش را به گلوگاهش بازفرست.

۷/۲۳

حسود و گلوگیری خشمش

وَ کَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... شَجِیَ مِنِّی بِغَیْظِهِ

و چه بسیار حسودی که سختی خشمش از من، گلویش را گرفت.۹/۴۹

گلوگاه

رسیدن جان ها، به گلوگاه

هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَی أَنْفُسِنَا... تَرَادُفَ

الْحَشَارِجِ إِذَا بَلَغَتِ النُّفُوسُ التَّرَاقِیَ

به وسیله قرآن هنگام مرگ، خرناسه های پی درپی زمان جان کندن را بر ما آسان گردان، آن زمان که جان ها به گلوگاه می رسد.۱۳/۴۲

گلوگیر

اندوهِ حسود، گلوگیر او

وَ کَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ شَرِقَ بِی بِغُصَّتِهِ

و چه بسیار حسودی که به خاطر من اندوهش گلوگیر او شد.۹/۴۹

گِله شکایت

گماشتن

گماشتگی فرشتگان، بر کوه ها

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ الْمُوَکَّلِینَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و گمارده شدگان به کوه ها تا فرونپاشد.۱۵و۱۱و۱۰/۳

جهل بنده به کاری که فرشته به آن گماشته شده

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ

قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ مَنْ أَوْهَمْنَا ذِکْرَهُ، وَ لَمْ نَعْلَمْ مَکَانَهُ مِنْکَ، و بِأَیِّ أَمْرٍ وَکَّلْتَهُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و هر (فرشته ای) که نامش را نبردیم و جایگاهش را در پیشگاه تو و مأموریّتی که او را (به آن) برگماشته ای، نمی دانیم.۲۲و۱۱و۱۰/۳

گماشته شدن برای دوستی خدا

وَ احْفَظْنَا... حِفْظًا عَاصِمًا مِنْ مَعْصِیَتِکَ... مُسْتَعْمِلًا لِمحَبَّتِکَ

و ما را نگهداری کن، نگهداری ای که ما را از نافرمانی تو بازدارد و در جهت دوستی تو به کار برد.۱۷/۶

واداشتن پیامبر صلی الله علیه و آله ، به رساندن پیام الهی

حَمَّلْتَهُ رِسَالَتَکَ فَأَدَّاهَا

رسالت خود را بر او دادی، پس آن را انجام داد.۲۲/۶

به کار بستن سنّت الهی

وَ لَا تَشْغَلْنِی بِالِاهْتِـمَامِ عَنْ... اسْتِعْمَالِ سُنَّتِکَ

و مرا به سبب غم و اندوه از انجام سنّت خود بازمدار.۹/۷

گماشته شدن به امری، جهت اصلاح نفْس

اللَّهُمَّ إِنَّکَ کَلَّفْتَنِی مِنْ نَفْسِی مَا أَنْتَ أَمْلَکُ بِهِ مِنِّی

ص : ۱۰۳۴

خداوندا مرا – درباره (اصلاح) نفسم – به کاری گماشتی که تو از من به آن تواناتری.

۱/۲۲

به کار بستن آموخته ها

وَ وَفِّقْنِی لِلنُّفُوذِ فِیما تُبَصِّرُنِی مِنْ عِلْمِهِ حَتَّی لَا یَفُوتَنِی اسْتِعْمَالُ شَیْءٍ عَلَّمْتَنِیهِ

و مرا برای انجام آنچه به دانستنش بینایم می کنی، توفیق ده. تا به کار بستنِ آنچه به من آموختی، از دستم نرود.۳/۲۴

واداشتن جنگجو یا مرزدار، به جهاد

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِیًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... أَوْ شَحَذَهُ عَلَی جِهَادٍ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا او را بر جهاد تشویق کرد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.۱۶/۲۷

وادار نمودن فرمانبر بر امری، و پاداش او

وَ لَوْ کَافَأْتَ الْمُطِیعَ عَلَی مَا أَنْتَ تَوَلَّیْتَهُ لَأَوْشَکَ أَنْ یَفْقِدَ ثَوَابَکَ

و اگر (بنا بود) فرمانبر را بر آنچه تو او را بر آن گماشته ای، جزا دهی، چه بسا پاداش تو را از دست می داد.۱۲/۳۷

گماشتن اسبابی، برای سیدن به آمرزش الهی

لَمْ تَحْمِلْهُ عَلَی الْمُنَاقَشَاتِ فِی الْآلَاتِ الَّتِی تَسَبَّبَ بِاسْتِعْمَالِهَا إِلَی مَغْفِرَتِکَ

از او نسبت به ابزاری که با به کار بردن آنها، به آمرزش تو نائل شد، حسابکشی سخت نکردی.

۱۳/۳۷

گماشتن رحمت خدا، به برداشتن بارِ گران بنده

وَ وَکِّلْ رَحْمَتَکَ بِاحْتِمَالِ إِصْرِی

و رحمتت را به تحمّل بار سنگینم بگمار.

۹/۳۹

واداشتن اطاعت کنندگان، به اموری

وَ خُذْ بِقَلْبِی إِلَی مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْقَانِتِینَ

و دلم را به سوی آنچه اطاعت کنندگان را به آن گماشته ای، متوجّه ساز.۹۲/۴۷

ستمگر و گماشتن مراقبت خود، بر بنده

کَمْ مِنْ بَاغٍ... وَکَّلَ بِی تَفَقُّدَ رِعَایَتِهِ

چه بسیار ستمگری که مراقبت و جستجویش را بر من گماشت.۷/۴۹

بندگانْ خواستار گماشته شدن به:

أ. آنچه سالم تر است

وَ اسْتَعْمِلْنِی بِمَا هُوَ أَسْلَمُ

و مرا به آنچه سالم تر است، بگمار.

۱۳/۱۴

ب. آنچه خدا از آن بازپرسی می نماید

وَ اسْتَعْمِلْنِی بِمَا تَسْأَلُنِی غَدًا عَنْهُ

و مرا به کاری که فردا از آن بازپرسی می نمایی وادار.۳/۲۰

ج. کار پسندیده تر نزد خدا

وَ اسْتَعْمِلْنِی بِمَا هُوَ أَرْضَی

و مرا به پسندیده ترین رفتار وادار.

۱۶/۲۰

د. نیکی در کارها

وَ سُمْنِی حُسْنَ الْوِلَایَهِ

و مرا به نیکی در کارهایی که به آن قیام می نمایم، بگمار.۲۲/۲۰

هـ. اطاعت از خدا

وَ اسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ فِی أَیَّامِ الْمُهْلَهِ

و مرا در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار.۲۹/۲۰

و. آنچه خدا الهام کند

ثُمَّ اسْتَعْمِلْنِی بِمَا تُلْهِمُنِی مِنْهُ

...آنگاه مرا به آنچه به من الهام می کنی،

وادار.۳/۲۴

ز. آنچه سبب کفّاره گناهان شود

وَ اسْتَعْمِلْنَا بِمَا یَکُونُ حِطَّهً وَ کَفَّارَهً لِمَا أَنْکَرْتَ مِنَّا فِیهِ بِرَأْفَتِکَ الَّتِی لَا تَنْفَدُ

و به مهربـانی ات که نـابود نمی شود، ما را در این (ماه) به کاری که سـبب فروریختن و کفّاره کارهایی می شود که بر ما نمی پسندی، بگمار.۴۷/۴۵

ح. آنچه خدا دوستانش را به آن بگمارد

وَ اسْتَعْمِلْنِی بِمَا تَسْتَعْمِلُ بِهِ خَالِصَتَکَ

و مرا به آنچه دوستانت را به آن می گماری، وادار کن.۱۳۰/۴۷

ط. رها نکردن چیزی از دین خدا

اسْتَعْمِلْنِی فِی مَرْضَاتِکَ عَمَلًا لَا أَتْرُکُ مَعَهُ شَیْئًا مِنْ دِینِکَ مَخَافَهَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ

مرا در (راه) خوشنودی ات به کاری بگمار که با آن چیزی از دین تو را، به خاطر ترس کسی از آفریدگانت رها ننمایم.۶/۵۴

آنچه بندگان خواستار گماشتگی اندامشان به آنند:

أ. آنچه خدا از بنده می پذیرد

وَ اسْتَعْمِلْ بَدَنِی فِیما تَقْبَلُهُ مِنِّی

و بدنم را در آنچه از من می پذیری به کار گیر.۹/۲۱

ب. انجام خوشنودسازنده خدا، در ماه رمضان

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ، وَ اسْتِعْمَالِهَا فِیهِ بِمَا یُرْضِیکَ...

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان و به کار بردنش در آن ماه به آنچه تو را خوشنود می سازد، یاری فرما.۶/۴۴

گمان

تفضّل خدا و گمان نیک بردن به او

یَحْدُونِی عَلَی مَسْأَلَتِکَ تَفَضُّلُکَ عَلَی مَنْ... وَفَدَ بِحُسْنِ ظَنِّهِ إِلَیْکَ

وادار می کند مرا به درخواست از تو، تفضّل تو به آنکه با گمان نیک به سوی تو آید.۳/۱۲

حاجت خواستن از جای بی گمان

فَمَنْ... رَامَ صَرْفَ الْفَقْرِ عَنْ نَفْسِهِ بِکَ فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِی مَظَانِّهَا

پس هر که برطرف کردن احتیاجش را به وسیله تو بخواهد، مسلّماً نیازمندی اش را از جایگاهی بی گمان طلب کرده.۱۳/۱۳

گمان بد نبردن به والدین

فَإِنِّی لَا أَتَّهِمُهُمَا عَلَی نَفْسِی

زیرا من درباره خود، به آنان گمانِ بد نمی برم.

۹/۲۴

خوش گمانی نسبت به همسایگان

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أَسْتَعْمِلُ حُسْنَ الظَّنِّ فِی کَافَّتِهِمْ

و خداوندا مرا بر آن دار که درباره همه آنان، به خوش گمانی رفتار کنم.۳/۲۶

بدگمانی در روزی

اللَّهُمَّ إِنَّکَ ابْتَلَیْتَنَا فِی أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ

خداوندا همانا تو ما را در روزی هایمانْ به بدگمانی، آزمودی.۱/۲۹

دردست گیرنده مهار بنده، در بدگمانی

قَدْ مَلَکَ الشَّیْطَانُ عِنَانِی فِی سُوءِ الظَّنِّ...

شیطانْ افسار مرا در بدگمانی به دست گرفت.

۲۷/۳۲

گمانِ پست بودن فقیر

وَ اعْصِمْنِی مِنْ أَنْ أَظُنَّ بِذِی عَدَمٍ خَسَاسَةً

و مرا از اینکه به فقیری گمانِ پستی برم، حفظ فرما.۴/۳۵

گمانِ برتر بودن ثروتمند

ص : ۱۰۳۷

وَ اعْصِمْنِی مِنْ أَنْ... أَظُنَّ بِصَاحِبِ ثَرْوَهٍ فَضْلًا

و مرا از اینکه به ثروتمندی گمانِ فضل برم، حفظ فرما.۴/۳۵

گمان نیک به خدا و طلب قرب او

وَ إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... تَقَرَّبْتُ إِلَیْکَ بِمَا لَا یَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْکَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ. ثُمَّ أَتْبَعْتُ ذَلِکَ بِالْإِنَابَهِ إِلَیْکَ... وَ حُسْنِ الظَّنِّ بِکَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی به آنچه احدی نزدیک نمی شود به تو جز با نزدیکی جستن به آن، به تو نزدیکی جسته ام. سپس بازگشت به سوی تو و خوش گمانی به تو را، در پی آن روانه ساخته ام.۷۳و۷۲/۴۷

به حقیقت پیوستن گمان های نیک

وَ کَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقْتَ

و چه بسیار گمان نیکو که به حقیقت پیوستی.

۱۲/۴۹

گمراهی

(ناسپاسان)، گمراه تر از چهارپایان

...وَ لَوْ کَانُوا کَذَلِکَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِیَّهِ إِلَی حَدِّ الْبَهِیمِیَّهِ، فَکَانُوا کَمَا وَصَفَ فِی مُحْکَمِ کِتَابِهِ: إِنْ هُمْ إِلَّا کَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِیلًا

و اگر چنین بودند، از مرزهای انسانیّت خارج شده، به مرز حیوانیّت رومی آوردند. پس چنان بودند که (خداوند) در کتاب محکم خود وصف کرده: «آنها جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه آنان گمراه ترند.»۹/۱

راهنمایی خدا و گمراهی گمراه کنندگان

اللَّهُمَّ... مَنْ هَدَیْتَ لَمْ یُغْوِهِ إِضْلَالُ الْمُضِلِّینَ

خداوندا هر که را تو راهنمایی نمودی، گمراهی گمراه کنندگان او را گمراه نکرد.۱۲/۵

توفیق راهنمایی گمراه

وَفِّقْنَا فِی یَوْمِنَا هَذَا وَ لَیْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِی جَمِیعِ أَیَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَیْرِ... وَ إِرْشَادِ الضَّالِّ

در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی و راهنمایی گمراهان، توفیق ده.۱۸/۶

طمع شیطان، در گمراه نمودن بندگان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ یُطْمِعَ نَفْسَهُ فِی إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِکَ

خداوندا ما از اینکه او (شیطان) در گمراه کردن ما از طاعتت طمع کند، به تو پناه می بریم.

۲و۱/۱۷

رستگاری در برابر گمراهی

ص : ۱۰۳۸

وَ أَمْتِعْنَا مِنَ الْهُدَی بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ

و ما را به اندازه گمراهی او (شیطان)، از رستگاری ات بهره مند گردان.۵/۱۷

توشه تقوا و گمراهی شیطان

وَ زَوِّدْنَا مِنَ التَّقْوَی ضِدَّ غَوَایَتِهِ

و بر ضدّ گمراهی او (شیطان)، ما را از پرهیزکاری توشه ده.۵/۱۷

سبب گمراه نشدن بنده

وَ لَا أَضِلَّنَّ وَ قَدْ أَمْکَنَتْکَ هِدَایَتِی

و (چنان کن که) گمراه نگردم، در حالی که می توانی هدایتم کنی.۱۴/۲۰

احسانِ راهنمایی به بنده، قبل از گمراهی

فَامْنُنْ عَلَیَّ... قَبْلَ الضَّلَالِ بِالرَّشَادِ

پس پیش از گمراهی، با راهنماییْ بر من منّت گذار.۲۰/۲۰

گمراه نساختن بنده، به توانگری

وَ لَا تَفْتِنِّی بِالسَّعَهِ

و به توانگری گمراهم مکن.۲۲/۲۰

گمراهی، نتیجه مکر نمودن شیطان با بنده

وَ إِلَّا تَصْرِفْ عَنَّا کَیْدَهُ یُضِلَّنَا

و اگر فریب او را از ما بازنداری، گمراهمان کند.۷/۲۵

مرزداران اسلام و دارایی گمراه کننده

وَ امْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ

و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن.۴/۲۷

گمراه نمودن دشمنان مرزداران اسلام

وَ ضَلِّلْهُمْ عَنْ وَجْهِهِمْ

و از هدفشان گمراهشان نما.۵/۲۷

گمراهی خِرد، علّت درخواست نیازمند از نیازمند

وَ رَأَیْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُـحْتَاجِ إِلَی الْمُـحْتَاجِ... ضَلَّهٌ مِنْ عَقْلِهِ

و دانستم، درخواست نیازمند از نیازمند، از گمراهی خِرد است.۵/۲۸

گمراهی اوصاف، درباره خدا

ضَلَّتْ فِیکَ الصِّفَاتُ

اوصاف در تو گمراه گشته.۷/۳۲

مهلت خواهی شیطان برای گمراه نمودن بنده

وَ قَدِ اسْتَحْوَذَ عَلَیَّ عَدُوُّکَ الَّذِی اسْتَنْظَرَکَ لِغَوَایَتِی فَأَنْظَرْتَهُ

و دشمن تو که برای بیراهه بردن من از تو فرصت خواست، پس فرصتش دادی، بر من چیره

شده است.۱۲/۳۲

شیطان و گمراه کردن بنده

وَ اسْتَمْهَلَکَ إِلَی یَوْمِ الدِّینِ لِإِضْلَالِی فَأَمْهَلْتَهُ

و برای گمراه کردنم از تو - تا روز جزا - مهلت طلبید، پس مهلتش دادی.۱۲/۳۲

گم نکردن مهربانی خدا

لَا أَعْدَمُ بِرَّکَ

نیکی ات از دستم نمی رود.۲۶/۳۲

گمراه نگشتن از راه خدا

وَ لَوْ لاَ أَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِی مِثَالِ الْحَقِّ مَا ضَلَّ عَنْ طَرِیقِکَ ضَالٌّ

و اگر او باطل را برای ایشان به صورت حق جلوه نمی داد، هیچ گمراهیْ از راه تو گمراه نمی شد.۹/۳۷

مردن در حال گمراه نبودن

أَمِتْنَا مُهْتَدِینَ غَیْرَ ضَالِّینَ

ما را ره یافتگانِ ناگمراه، بمیران.۵/۴۰

عامل راه یابی در تاریکی های گمراهی

وَ جَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِی مِنْ ظُلَمِ الضَّلَالَهِ وَ الْجَهَالَهِ بِاتِّبَاعِهِ

و آن (قرآن) را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی

ره یابیم.۳/۴۲

قصد کردن روش قرآن و گمراه نشدن

وَ جَعَلْتَهُ... عَلَمَ نَجَاهٍ لَا یَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ

و آن را نشانه نجاتی قرار دادی که هر کس قصد راه و روش آن کند، گمراه نمی شود.۳/۴۲

درِ توبه و گمراه نشدن بنده از آن

وَ جَعَلْتَ عَلَى ذَلِكَ الْبَابِ دَلِيلًا مِنْ وَحْيِكَ لِئَلَّا يَضِلُّوا عَنْهُ

و بر آن درْ از وحی خود، راهنمایی قرار داده ای تا از آن گمراه نشوند.۱۰/۴۵

دشمنِ گمراه کننده

وَ حُلْ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَدُوٍّ يُضِلُّنِي

و میان من و دشمنی که مرا گمراه می کند، جدایی انداز.۹۹/۴۷

دستگیری بنده، از وحشت گمراهان

وَ لَا تَرْمِ بِي رَمْيَ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ... بَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ... وَهْلَهِ الْمُتَعَسِّفِينَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده. بلکه از وحشت گمراهان، دستم را بگیر (نجاتم ده).۱۰۴/۴۷

بنده را سبب گمراهی قرار ندادن

وَ لَا تَجْعَلْنِي... فِتْنَةً لِمَنْ نَظَرَ

و مرا موجب گمراهیِ بینندگان، قرار نده.

۱۲۴/۴۷

خواهش نفس و گمراهی بنده

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ قَدْ غَلَبَ عَلَیْهِ الْأَمَلُ، وَ فَتَنَهُ الْهَوَی

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که آرزو بر او چیره گشته، و خواهش نفس او را گمراه نموده است.

۹و۸/۵۲

آزمایش های گمراه کننده

نَجِّنِی مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ

مرا از آزمایش های گمراه کننده نجات ده.

۸/۵۴

گم شدن فقدان

گناه خطا و نیز نافرمانی

بدی مفارقت از روز، با ارتکاب گناه

وَ اعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِارْتِکَابِ جَرِیرَهٍ، أَوِ اقْتِرَافِ صَغِیرَهٍ أَوْ کَبِیرَهٍ

و از بدیِ جدایی از آن (روز)، بر اثر انجام گناهی یا مرتکب شدن گناه صغیره یا کبیره، حفظمان کن.۱۳/۶

توبه پذیرفته شده و سرزنش نشدن بعد از آن، به خاطر گناه

وَ اجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِی عَلَیْنَا کَتَبَهُ أَعْمَالِنَا. تَوْبَهً مَقْبُولَهً لَا تُوقِفُنَا بَعْدَهَا عَلَی ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ

و پایان آنچه نویسندگان کارهایمان برای ما می شمارند، توبه پذیرفته شده قرار ده که ما را پس از آن بر گناهِ انجام شده توبیخ نکنی.۳/۱۱

گذشت از گناه بزرگ

أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ... عَالِمٍ بِأَنَّ... التَّجَاوُزَ عَنِ الْإِثْمِ الْجَلِیلِ لَا یَسْتَصْعِبُکَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که می داند درگذشتن از معصیت بسیار، بر تو دشوار نیست.۱۳و۱۲/۱۲

چشم پوشی خدا، از جرم های بسیار زشت

أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ... عَالِمٍ بِأَنَّ... احْتِمالَ الْجِنَایَاتِ الْفَاحِشَهِ لَا یَتَکَأَّدُکَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که می داند چشم پوشی از جرم های بسیار زشت بر تو سخت نمی باشد.

۱۳و۱۲/۱۲

جلوه دادن لغزش گنهکاران، توسّط نفس

اللَّهُمَّ وَ لِی إِلَیْکَ حَاجَهٌ قَدْ... سَوَّلَتْ لِی نَفْسِی رَفْعَهَا إِلَی مَنْ یَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَیْکَ... وَ هِیَ زَلَّهٌ مِنْ زَلَلِ

الْخَاطِئِينَ، وَ عَثْرَةٌ مِنْ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِينَ

خداونـدا و به سوی تو حـاجتی دارم که نفس من رفع آن را از کسـی که حاجت هایش را از تو طلب کرده برایم می آرایـد. و این لغزشی از لغزش های خطاکاران و افتادنی از افتادن های گناهکاران است.۱۵/۱۳

فریادرسی جستن گنهکاران

اللَّهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ يَسْتَغِيثُ الْمُذْنِبُونَ

خداوندا ای کسی که گناهکاران به رحمت او فریادرسی می جویند.۱/۱۶

به سر رسیدن عمر، با گناه

وَ أَنَا الَّذِی أَفْنَتِ الذُّنُوبُ عُمُرَهُ

و منم آنکه گناهان عمرش را به فنا داده.

۱۴/۱۶

اصلاح کار گنهکاران

وَ إِنَّمَا أُوَبِّخُ بِهَذَا نَفْسِی طَمَعًا فِی رَأْفَتِکَ الَّتِی بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِینَ

و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم - که اصلاح کار گناهکاران به آنست - .۲۸/۱۶

باریک گشتن گردن بنده، از گناهان

اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ رَقَبَتِی قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ

خداوندا و این گردن من است که گناهان آن را

باریک نموده.۲۹/۱۶

منّت قرار ندادن بر بنده، از جانب گنهکار

وَ لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَ لَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِنَّةً

و برای بدکار و کافر، بر من منّت قرار نده.

۱۲/۲۱

شیطان و دلیر نمودن بنده، بر (انجام) گناه

إِنْ هَمَمْنَا بِفَاحِشَهٍ شَجَّعَنَا عَلَيْهَا

اگر گناه بزرگی را قصد کنیم، (شیطان) ما را بر آن دلیر گرداند.۷/۲۵

نگه داشته شدگان از گناه

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمَعْصُومِینَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الزَّلَلِ وَ الْخَطَاءِ بِتَقْوَاکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با ترس از تو، از گناهان و نادرستی و خطا نگه داشته شده اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

فاصله ای میان بنده و گناه

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُـحَالِ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الذُّنُوبِ بِقُدْرَتِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به قدرت تو میان آنها و گناهان فاصله افتاده، قرار ده.

۱۱و۱۰/۲۵

بازیچه شدن در دست های گناهان

هَذَا مَقَامُ مَنْ تَدَاوَلَتْهُ أَيْدِی الذُّنُوبِ

ص : ۱۰۴۲

این مقام کسی است که بازیچه دست های گناهان گردیده.۶/۳۱

بزرگ نبودن آمرزش گناه بزرگ، نزد خدا

...لِأَنَّکَ الرَّبُّ الْکَرِیمُ الَّذِی لَا یَتَعَاظَمُهُ غُفْرَانُ الذَّنْبِ الْعَظِیمِ

...زیرا تویی پروردگار کریمی، که آمرزش گناه بزرگ در نظر تو بزرگ نیست.۱۰/۳۱

افتادنْگاه های گناهان

وَ ارْفَعْنِی عَنْ مَصَارِعِ الذُّنُوبِ کَمَا وَضَعْتُ لَکَ نَفْسِی

و مرا از افتادنْگاه های گناهان، بلند گردان، چنانکه خود را برای تو فروافکنده ام.۱۲/۳۱

توبه نمودن از گناهان کوچک و بزرگ

اللَّهُمَّ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا مِنْ کَبائِرِ ذُنُوبِی وَ صَغَائِرِهَا

خداوندا من در این جایگاهم، از گناهان بزرگ و کوچکم به درگاهت توبه می کنم.۱۴/۳۱

توبه شکستن و بازگشت به گناه

اللَّهُمَّ أَیُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَیْکَ وَ هُوَ فِی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ... عَائِدٌ فِی ذَنْبِهِ وَ خَطِیئَتِهِ، فَإِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَکُونَ کَذَلِکَ

خداوندا، هر بنده ای که به درگاهت توبه نمود ولی در علم پنهانت، بازگشت کننده به گناه و خطایش باشد، پس همانا من به تو پناه می برم که

اینچنین باشم.۲۰/۳۱

استغفار و فروریختن گناهان

وَ إِنْ یَکُنِ الِاسْتِغْفَارُ حِطَّةً لِلذُّنُوبِ فَإِنِّی لَکَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِینَ

و اگر درخواست آمرزشْ سبب ریختن گناهان است، پس من به درگاه تو از آمرزش خواهانم.

۲۸/۳۱

پذیرش توبه گنهکاران

إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ عَلَی الْمُذْنِبِینَ

همانا تو توبه گنهکاران را می پذیری.

۲۹/۳۱

دوری نکردن از گناه

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ... مِنْ کُلِّ إِثْمٍ عَرَضَ لِی فَلَمْ أَهْجُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از هر گناهی که برایم پیش آمد، پس از آن دوری نکردم.

۱/۳۸

حرص ورزیدن به گناه

وَ ازْوِ حِرْصِی عَنْ کُلِّ مَأْثَمٍ

و حرص مرا از هر گناهی دور کن.۱/۳۹

گناهان سنگین بارکننده

وَ أَسْتَحْمِلُکَ مِنْ ذُنُوبِی مَا قَدْ بَهَظَنِی حَمْلُهُ

و از تو می خواهم گناهانم را از من برداری که حملش بر من فشار می آورد.۸/۳۹

رهایی از منجلابِ گنهکاران

وَ اجْعَلْنِی أُسْوَهَ مَنْ قَدْ... خَلَّصْتَهُ بِتَوْفِیقِکَ مِنْ وَرَطَاتِ الْمُـجْرِمِینَ

و مرا اسوه کسی گردان که به توفیق خود، او را از منجلاب های مجرمان، رهاندی.۱۰/۳۹

ناامید نگشتن گنهکاران، از خدا

فَأَمَّا أَنْتَ یَا إِلَهِی فَأَهْلٌ أَنْ... لَا یَیْأَسَ مِنْکَ الْمُـجْرِمُونَ

و امّا تو ای خدای من، پس شایسته ای که گنهکاران از تو مأیوس نگردند.۱۳/۳۹

عامل شستن وابستگی به گناه

وَ اغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا وَ عَلَائِقَ أَوْزَارِنَا

و به وسیله آن (قرآن)، چرکی دل هایمان و وابستگی های گناهانمان را بشوی.۱۱/۴۲

رسوا نشدن با گناهان تباه سازنده

وَ لَا تَفْضَحْنَا فِی حَاضِرِی الْقِیَامَهِ بِمُوبِقَاتِ آثَامِنَا

و ما را با گناهان هلاک کننده مان، در برابر حاضرانِ قیامت، رسوا نکن.۱۴/۴۲

چرکین نشدن رمضان، به وسیله گناهان

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ هِلَالَ... طَهَارَهٍ لَا تُدَنِّسُهَا الْآثَامُ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه طهارتی قرار دهد، که گناهان آن را آلوده نکند.

۴/۴۳

حفظ بندگان از گناه، در هر ماه نو

وَ اعْصِمْنَا فِیهِ مِنَ الْحَوْبَهِ، وَ احْفَظْنَا فِیهِ مِنْ مُبَاشَرَهِ مَعْصِیَتِکَ

و ما را در آن (ماه) از گناه حفظ کن و ما را در آن از انجام دادن نافرمانی ات نگهدار.۶/۴۳

کردارهای پاکیزه و پاک شدن از گناه

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نَتَقَرَّبَ إِلَیْکَ فِیهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّاکِیَهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جوییم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی.

۱۱و۱۰/۴۴

رمضان، محوکننده گناهان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مَا کَانَ أَمْحَاکَ لِلذُّنُوبِ

درود بر تو. چه محوکننده بودی، گناهان را!.

۳۱/۴۵

طولانی بودن ماه رمضان، بر گنهکاران

السَّلَامُ عَلَيْکَ مَا کَانَ أَطْوَلَکَ عَلَی الْمُــجْرِمِینَ

درود بر تو. چه طولانی بودی، بر گناهکاران!.

۳۲/۴۵

ارتکاب گناه، در ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَا أَلْمَمْنَا بِهِ فِی شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمَمٍ أَوْ إِثْمٍ، أَوْ وَاقَعْنَا فِیهِ مِنْ ذَنْبٍ... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ اعْفُ عَنَّا بِعَفْوِکَ

خداوندا و گناه کوچک یا بزرگی که در این ماه به آن نزدیک شدیم یا گناهی که در آن انجام دادیم؛ پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به عفو خود از ما درگذر.۴۷/۴۵

عید فطر ، نابود کننده ترین روزها برای گناه

وَ اجْعَلْهُ مِنْ خَیْرِ یَوْمٍ مَرَّ عَلَیْنَا... أَمْحَاهُ لِذَنْبٍ

و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته است قرار ده که محوکننده ترین آن، برای گناه باشد.۴۸/۴۵

عید فطر و آمرزش گناه

وَ اغْفِرْ لَنَا مَا خَفِیَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَ مَا عَلَنَ

و گناهان پنهان و آشکار ما را بیامرز.

۴۸/۴۵

پرهیز از گناه، در ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... اتَّقَی ذُنُوبَهُ حَقَّ تُقَاتِهَا... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ

مِنْ وُجْدِکَ

خداوندا و هر کس از گناهان خویش به طوری که حقِّ پرهیز کردن بوده پرهیز نموده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.

۵۰/۴۵

توبه بندگان از هر گناهی، در روز عید فطر

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا... مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْنَاهُ... تَوْبَهَ مَنْ لَا يَنْطَوِی عَلَی رُجُوعٍ إِلَی ذَنْبٍ

خداونـدا مـا در روزِ فطرمان، از هر گناهی که آن را مرتکب شـده ایم، به درگاه تو توبه می کنیم. توبه کسـی که بازگشـتن به گناه را در دل ندارد.

۵۲/۴۵

زیر بار گناهان بزرگ رفتن

هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْکَ... مُعْتَرِفًا بِعَظِيمٍ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتُهُ

اینک منم در پیشگاه تو، اعتراف کننده به بزرگی گناهانی که زیر بار آن رفته ام.۶۹/۴۷

عطای ستر و پوشش، به گناهکار

فَعُدْ عَلَيَّ بِمَا تَعُودُ بِهِ - عَلَی مَنِ اقْتَرَفَ - مِنْ تَغَمُّدِکَ

پسْ بر من از پوششت، همان چیزی را که به کسی که گناه کرده می دهی، عطا کن.۷۰/۴۷

بنده، گنهکار درباره خود

أَنَا الْجَانِی عَلَی نَفْسِهِ

منم گنهکار بر خود.۸۲/۴۷

رسوایی های گناهان

أَشْعِرْ قَلْبِیَ الِازْدِجَارَ عَنْ... فَوَاضِحِ الْحَوْبَاتِ

دلم را به خودداری از نافرمانی های رسواکننده بپوشان.۱۰۷/۴۷

گرفتار شدن به گناهان بزرگ

وَ هَبْ لِی عِصْمَةً... تَفُکَّنِی مِنْ أَسْرِ الْعَظَائِمِ

و به من عصمتی بخش که از بند گناهان بزرگ رهایم سازد.۱۱۱/۴۷

شکیبایی کیفرکننده گناه

تَغَمَّدْنِی فِیما اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنِّی بِمَا یَتَغَمَّدُ بِهِ... الْآخِذُ عَلَی الْجَرِیرَهِ لَوْ لَا أَنَاتُهُ

مرا در آنچه بر آن از من آگاهی بپوشان، آنگونه که می پوشاند کیفرکننده بر گناه، (که) اگر شکیبایی اش نبود (کیفر می داد).۱۱۹/۴۷

عامل باقی نماندن گناهان بنده

وَ تُبْ عَلَیَّ تَوْبَةً نَصُوحًا لَا تُبْقِ مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِیرَةً وَ لَا کَبِیرَةً

و توبه ام ده، به توبه خالصی که با آن گناهان کوچک و بزرگ را باقی نگذاری.۱۲۶/۴۷

نسنجیدن بنده، با گناهان بزرگ

وَ لَا تُقَایِسْنِی بِعَظِیَماتِ الْجَرَائِرِ

و مرا با گناهان بزرگ مَسَنج.۱۲۹/۴۷

رحمت خدا و گناهان بنده

إِنِّی... لَمَغْفِرَتُکَ وَ رَحْمَتُکَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِی

همانا آمرزش و رحمت تو، از گناهانم وسیع تر است.۴/۴۸

ایستادگی خطاکار، بر گناه

ثُمَّ لَمْ یَمْنَعْکَ طُولُ عُکُوفِهِمْ عَلَی عَظِیمِ الْجُرْمِ أَنْ عُدْتَ عَلَیْهِمْ بِالرَّحْمَهِ وَ الْمَغْفِرَهِ

سپس اصرار بسیارِ آنان بر جرم های بزرگ، تو را از اینکه به ایشان رحمت و آمرزش ببخشی، بازنداشت.۷/۴۸

اقرار بنده به گناه

أَتَیْتُکَ مُقِرًّا بِالْجُرْمِ وَ الْإِسَاءَهِ إِلَی نَفْسِی

به درگاه تو آمده ام، در حالی که اقرار به گناه و بدی بر خود دارم.۷/۴۸

اللَّهُمَّ إِنِّی أُصْبِحُ وَ أُمْسِی... مُعْتَرِفًا بِذَنْبِی

خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به شام می آورم، در حالی که به گناهم اعتراف دارم.

۷/۵۲

فَأَنَا الْمُقِرُّ بِذَنْبِی

زیرا من به گناه خود، اقرار داشته ام.۴/۵۳

گناهان گذشته

وَ أَسْتَغْفِرُکَ لِمَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِی

ص : ۱۰۴۶

و برای گناهان گذشته ام از تو آمرزش می خواهم. ۲۶/۴۸

خدا، آمرزنده همه گناهان

إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

به درستی که خدا همه گناهان را می آمرزد.

۲/۵۰

عدم کاهش پادشاهی خداوند، با نافرمانی گنهکاران

لَكِنْ... مُلْكُكَ أَدْوَمُ مِنْ أَنْ... تَنْقُصَ مِنْهُ مَعْصِيَهُ الْمُذْنِبِينَ

ولی پادشاهی ات پایدارتر از آن است که نافرمانی گنهکاران (چیزی) از آن بکاهد.۶/۵۰

بی گناهی و عذرآوری

أَسْأَلُكَ أَنْ... تَغْفِرَ لِی فَلَسْتُ بَرِيئًا فَأَعْتَذِرَ

از تو می خواهم که بیامرزی ام. زیرا من بی گناه نیستم تا عذری داشته باشم.۷/۵۱

گناهان تباه سازنده بنده

وَ أَتَنَصَّلُ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِیَ الَّتِی قَدْ أَوْبَقَتْنِی

و به درگاه تو از گناهانم که تباهم ساخته، پوزش می طلبم.۸/۵۱

هلاک ننمودن بنده، با گناهانش

وَ لَمْ تُهْلِكْنِی بِجَرِيرَتِی

و به گناهمْ مرا هلاک ننمودی.۱۱/۵۱

علم خدا به گناهان بنده

وَ اغْفِرْ لِی مَا تَعْلَمُ مِنْ ذُنُوبِی

و گناهانی را که از من می دانی، بیامرز.

۱۳/۵۱

عذاب نمودن بنده و اقرار او بر گنهکاری

إِنْ تُعَذِّبْ فَأَنَا الظَّالِمُ... الْآثِمُ...

اگر کیفر کنی، این من هستم که ستمکار و گنهکارم.۱۴/۵۱

بسیار دانستن گناه

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَایَ... سُوءَالَ مَنِ اسْتَكْثَرَ ذُنُوبَهُ

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که گناهانش را بسیار دانسته است.۹و۸/۵۲

خاموش گشتن بنده، با گناهانش

رَبِّ أَفْحَمَتْنِي ذُنُوبِي

ای پروردگار من، گناهانم خاموشم نموده.

۱/۵۳

جایگاه خواران گناهکار

قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِي مَوْقِفَ الْأَذِلَّاءِ الْمُذْنِبِينَ

خود را در جایگاه خوارانِ گناهکار واداشته ام.

۲/۵۳

درخواست مرتکب گناهان، از خدا

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ سُوءَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ... وَ کَثُرَتْ ذُنُوبُهُ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند، و گناهانش بسیار است.۳/۵۴

گنجایش

گنجیدن همه آفریدگان، در قدرت خدا

وَ أَنْتَ الَّذِی اتَّسَعَ الْخَلَائِقُ کُلُّهُمْ فِی وُسْعِهِ

و تویی آنکه همه آفریدگان در گستره قدرتش گنجیده اند.۱۰/۱۶

انجام واجبات و عدم گنجایش دارایی

وَ اقْضِ عَنِّی کُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِیهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَیَّ لَکَ... وَ إِنْ... لَمْ یَسَعْهُ مَالِی وَ لَا ذَاتُ یَدِی

و مرا به انجام آنچه بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده و گرچه ثروت و دارایی ام گنجایش آن را نداشته باشد.۶/۲۲

گنجینه

خزانه داران باران

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ

قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ... خُزَّانِ الْمَطَرِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که خزانه داران بارانند.۱۳و۱۱و۱۰/۳

زمامداران خزانه های بادها

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ الْقُوَّامِ عَلَی خَزَائِنِ الرِّیَاحِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و زمامداران بر گنجینه بادها.۱۵و۱۱و۱۰/۳

نابود نشدن گنجینه های رحمت الهی

وَ یَا مَنْ لَا تَفْنَی خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ

و ای کسی که گنج های رحمت او نابود نمی شود.۳/۵

عدم نابودی گنجینه های الهی، با خواهش بندگان

وَ یَا مَنْ لَا تُفْنِی خَزَائِنَهُ الْمَسَائِلُ

و ای آنکه درخواست ها، گنجینه های او را فانی نمی سازد.۷/۱۳

همیشگی بودن گنجینه های الهی

مَا زَوَیْتَ عَنِّی مِنْ مَتَاعِ الدُّنْیَا الْفَانِیَهِ فَاذْخَرْهُ لِی فِی خَزَائِنِکَ الْبَاقِیَهِ

ص : ۱۰۴۸

آنچه از کالای دنیاىِ فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های جاوید خود ذخیره فرما.۵/۳۰

کالای دنیا و گنجینه های خداوند

وَ مَا زَوَیْتَ عَنِّی مِنْ مَتَاعِ الدُّنْیَا الْفَانِیَهِ فَاذْخَرْهُ لِی فِی خَزَائِنِکَ...

و آنچه از کالای دنیاىِ فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های خود ذخیره فرما.۵/۳۰

گنجینه داران قرآن

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ الْخَطِیبِ بِهِ، وَ عَلَی آلِهِ الْخُزَّانِ لَهُ

پس بر محمّد که با آن سخن راند و بر خاندانش، گنجینه داران آن، درود فرست.۶/۴۲

کم نشدن گنجینه های الهی

إِنَّ خَزَائِنَکَ لَا تَنْقُصُ بَلْ تَفِیضُ

همانا گنجینه های تو کم نمی شود، بلکه فزونی می یابد.۵۰/۴۵

خزانه داران علم خدا

رَبِّ صَلِّ عَلَی أَطَائِبِ أَهْلِ بَیْتِهِ الَّذِینَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِکَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَنَهَ عِلْمِکَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنان را گنجینه داران علمت قرار دادی.۵۶/۴۷

گنگی

لال گرداندن زبان قصد بد دارنده درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُخْرِسَ عَنِّی لِسَانَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا زبانش را درباره من لال کنی.۸و۷/۲۳

عامل گنگ کننده زبان ها، از فرو رفتن در باطل

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِأَلْسِنَتِنَا عَنِ الْخَوْضِ فِی الْبَاطِلِ مِنْ غَیْرِ مَا آفَهٍ مُخْرِسًا

و قرآن را بندآورنده زبان هایمان از فرورفتن در باطل، بی آنکه از بیماری باشد، قرار ده.

۱۰/۴۲

گوارایی

رحمت و گشایشی گوارا و بی رنج

وَ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَهً وَ فَرَجًا هَنِیئًا

و از جانب خویش رحمت و گشایشِ گوارا به من ببخش.۸/۷

تندرستی و گواراییِ روزی های پاکیزه

فَمَا أَدْرِی، یَا إِلَهِی، أَیُّ الْحَالَیْنِ أَحَقُّ بِالشُّکْرِ لَکَ؟... أَ وَقْتُ الصِّحَّهِ الَّتِی هَنَّأْتَنِی فِیهَا طَیِّبَاتِ رِزْقِکَ... أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ الَّتِی مَحَّصْتَنِی بِهَا

ای خدای من نمی دانم یک کدام یک از این دو حال، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر است؟ آیا وقت تندرستی که در آن روزی های پاکیزه ات را بر من گوارا نمودی؟ یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی؟۴-۲/۱۵

ابری متراکم و گوارا

وَ انْشُرْ عَلَیْنَا رَحْمَتَکَ بِغَیْثِکَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ... وَ تُوَسِّعُ بِهِ فِی الْأَقْوَاتِ، سَحَابًا مُتَرَاکِمًا هَنِیئًا

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابر، بر ما بگستران. و با آن روزی ها فراخی دهی. ابری درهم فشرده، گوارا.۳و۱/۱۹

گوارایی فرمانبری از والدین

وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا... أَثْلَجَ لِصَدْرِی مِنْ شَرْبَهِ الظَّمْآنِ...

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را برای سینه ام از نوشیدن تشنه کام، مطبوع تر قرار ده.۵/۲۴

گوارایی بخشش الهی

إِنَّ عَطَاءَکَ لَلْعَطَاءُ الْمُهَنَّا

به درستی که عطای تو، عطایی گواراست.

۵۰/۴۵

گواهی

جایگاه گواهان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... یُشَرِّفُ بِهِ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ

و سپاس خدای را، سپاسی که با آن، منزلت ما را در جایگاه های گواهان، شرافت (و آبرو) دهد.

۱۲و۱۰/۱

گواهی دادن مقرّبان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا یَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَی أَعْلَی عِلِّیِّینَ فِی کِتَابٍ مَرْقُومٍ یَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ

و سپاس خدای را، سپاسی که از ما به سوی بالاترین مرتبه ها(ی بهشتی) بالا رود، «در کتاب نوشته شده ای که مقرّبان الهی گواه آنند».

۱۳و۱۰/۱

گواه قرار دادن (ائمه علیهم السلام)، بر منکران

وَ جَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى مَنْ جَحَدَ

و ما را بر کسانی که انکار کرده اند، شاهد گرداند.۲/۲

قیامت، روز آمدن هر کس با گواهش

ص : ۱۰۵۰

...يَوْمَ يَأْتِى كُلَّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ

...روزی که هر شخص با راننده ای و گواهی (از فرشتگان) بیاید.۲۴/۳

هر روز نو، گواه آماده ای بر بندگان

وَ هَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ، وَ هُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ عَتِيدٌ

و این روزی نو و تازه و گواهی حاضر بر ماست.۱۲/۶

گواه راستینی از فرشتگان

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِى كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ... شَاهِدَ صِدْقٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ

خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این روز، گواه صادقی از فرشتگانت قرار ده.

۱۶/۶

گواه گرفتن خداوند

اللَّهُمَّ إِنِّى أُشْهِدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيدًا

خداوندا من تو را گواه می گیرم و گواهی تو کافی است.۲۱/۶

گواه گرفتن آسمان و زمین و ساکنان آنها

وَ أُشْهِدُ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ وَ مَنْ أَسْكَنْتَهُمَا...

و آسمانت و زمینت و آنچه در آن دو جای دادی را شاهد می گیرم.۲۱/۶

گواهی بنده

أَنِّى أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِى لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ و خِيَرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ

همانا من شهادت می دهم تویی خدایی که جز تو خدایی نیست و محمّد بنده تو و فرستاده ات و برگزیده تو از بین آفریدگانت است.۲۲و۲۱/۶

شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَايِشَ عِبَادِهِ بِالْعَدْلِ

گواهی می دهم که خدا روزی های بندگانش را عادلانه تقسیم نمود.۱/۳۵

گواهان قیامت

وَ لَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْرًا سَتَرْتَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ

و در برابر گواهان، پرده ای که با آن ما را پوشانده ای کنار نزن.۴/۱۱

بی نیازی خدا، به گواهی شاهدان

وَ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ فِي قَصَصِهِمْ إِلَى شَهَادَاتِ الشَّاهِدِينَ

و ای کسی که در سرگذشت های ایشان از گواهی شهادت دهندگان بی نیاز است.۲/۱۴

شگفت بنده از گواهی خود

سُبْحَانَكَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَى نَفْسِي

پاك و منزّهی تو، شگفتا از این گواهی که بر خود می دهم.۲۵/۱۶

گواهی دهنده به پروردگاری خداوند

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ شَهِدَ لَکَ بِالرُّبُوبِیَّهِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که به پروردگاری ات گواهی داد، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

گواهی باطل و تبدیل آن به حمد الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَی عَلَی لِسَانِی مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ... أَوْ شَهَادَهِ بَاطِلٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَکَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت یا گواهی نادرست، سپاس برای خودت را قرار ده.۱۳/۲۰

گواهی بنده، درباره خود

...أَشْهَدُ بِذَلِکَ عَلَی نَفْسِی

...بر خود، به این مطلب گواهی می دهم.

۷/۲۱

گواه نگرفتن روزی، به روزه گرفتن

وَ لَا أَسْتَشْهِدُ عَلَی صِیَامِی نَهَارًا

و روزی را بر روزه داری ام شاهد نمی گیرم.

۱۷/۳۲

گواه بودن آفریدگان، بر تفضّل الهی

فَکُلُّ الْبَرِیَّهِ... شَاهِدَهٌ بِأَنَّکَ مُتَفَضِّلٌ عَلَی مَنْ عَافَیْتَ

پس همه آفریدگان گواهند که تو هر که را عافیت بخشی، به فضل رفتار نموده ای.۸/۳۷

گواه بودن قرآن، بر هر کتاب نازل شده

وَ جَعَلْتَهُ مُهَیْمِنًا عَلَی کُلِّ کِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ

و آن را بر هر کتابی که نازل کرده ای، گواه قرار دادی.۱/۴۲

گواهان و نور قرآن

وَ جَعَلْتَهُ... نُورَ هُدًى لَا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بُرْهَانُهُ

و آن را نور هدایتی قرار دادی که برهانش از (دید) شاهدان، خاموش نمی شود.۳/۴۲

گواه بودن قرآن، بر حلال و حرام

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّهِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النِّفَاقِ حَتَّى يَكُونَ... لِمَا عِنْدَكَ بِتَحْلِيلِ حَلَالِهِ وَ تَحْرِيمِ حَرَامِهِ شَاهِدًا

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا شاهد ما به آنچه نزد توست به حلال دانستن حلالش و حرام شمردن حرامش، باشد.۱۲/۴۲

سبب گواهی ندادن روز و شب ماه رمضان علیه بنده

وَ أَعِنَّا فِي نَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ، وَ فِي لَيْلِهِ عَلَى الصَّلَاهِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَيْكَ، وَ الْخُشُوعِ لَكَ، وَ الذِّلَّهِ بَيْنَ يَدَيْكَ حَتَّى لَا يَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِغَفْلَهٍ، وَ لَا لَيْلُهُ بِتَفْرِيطٍ

و ما را در روزش به روزه داری آن و در شبش بر نماز و زاری به درگاهت و خشوع برای تو و

ص : ۱۰۵۲

خواری در پیشگاهت، یاری نما. تا روزش بر ما به غفلت و شبش به کوتاهی نمودن گواهی ندهد.

۱۷/۴۴

گواهی بنده، به تضییع و تباه ساختن

هَذَا مَقَامُ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمِ... وَ شَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّضْيِيعِ

این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده و به تباه ساختن (نعمت ها)، به ضرر خود گواهی داده است.۱۵/۴۹

گودال

نگه داشتن بندگان، از گودال کفر

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّهِ الْكُفْرِ...

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر نگهدار.۱۲/۴۲

سبب نگونسار کردن ستمگر، در گودال

فَلَمَّا رَأَيْتَ يَا إِلَهِی تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ دَغَلَ سَرِيرَتِهِ... أَرْكَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِی زُبْيَتِهِ، وَ رَدَدْتَهُ فِی مَهْوَى حُفْرَتِهِ

پس همین که - ای خدای مبارك و والای من - تباهی باطن او را ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کنده بود)، سرنگون نمودی. و او را در پرتگاه گودالش بازگرداندی.

۸/۴۹

گور قبر

گوش

رسیدن برهان رسالت ، به گوش یاران محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ... اسْتَجَابُوا لَهُ حَيْثُ أَسْمَعَهُمْ حُجَّةَ رِسَالَاتِهِ

خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنان که هنگامی که دلیل رسالت های خود را به گوششان رساند اجابت کردند...۳/۴

کر ساختن گوش قصدبدکننده درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُصِمَّ عَنْ ذِکْرِی سَمْعَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا گوشش را از (شنیدن) یاد من، کر سازی.

۷/۲۳و۸

مانعی در برابر گوش ناظران

کَانَتْ عَافِیَتُکَ لَنَا... رَدْمًا دُونَ أَسْمَاعِهِمْ

عافیت بخشیدن تو برای ما مانعی در برابر گوش هایشان قرار داد.۲/۳۴

گوش ندادن به سخن بیهوده

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ، وَ

ص : ۱۰۵۳

اسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ حَتَّى لَا نُصْغِيَ بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لَغْوٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان و به کار بردنش در آن ماه به آنچه تو را خوشنود می سازد، یاری فرما. تا با گوش هایمان هیچ لغوی گوش ندهیم.۶/۴۴

سخن خدا و فراگیری گوش ها

وَ أَنْتَ الَّذِی دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ... عَلَى مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ... لَمْ تَعِهِ أَسْمَاعُهُمْ

و تویی آنکه ایشان را با سخن غیبی خود، راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشاندی، گوش هایشان آن را فرانمی گرفت.

۱۴/۴۵

گوشت

گرداندن (جنین از حالت) خون بسته شده، به پاره ای گوشت

تُصَرِّفُنِی حَالًا عَنْ حَالٍ... كَمَا نَعَتَّ فِی كِتَابِكَ: نُطْفَةً ثُمَّ عَلَقَةً ثُمَّ مُضْغَةً ثُمَّ عَظْمًا

مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. همچنانکه در کتاب خود وصف نمودی. نخست نطفه سپس خونِ بسته شده و سپس پاره گوشت، سپس استخوان آفریدی.۲۳/۳۲

به گوشت پوشاندن استخوان جنین

تُصَرِّفُنِی حَالًا عَنْ حَالٍ حَتَّى انْتَهَيْتَ بِی إِلَى تَمَامِ الصُّورَهِ... كَمَا نَعَتَّ فِی كِتَابِكَ: نُطْفَةً ثُمَّ عَلَقَةً ثُمَّ مُضْغَةً ثُمَّ عَظْمًا ثُمَّ كَسَوْتَ الْعِظَامَ لَحْمًا

مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. تا اینکه مرا به صورت کامل رساندی. همچنانکه در کتاب خود وصف نمودی. نخست نطفه سپس خونِ بسته شده و سپس پاره گوشت، سپس استخوان آفریدی، سپس استخوان ها را با گوشت پوشاندی.۲۳/۳۲

گوناگون

انواع آشامیدنی ها، در جوی های بهشتی

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ... الْأَنْهَارِ الْمُطَّرِدَهِ بِأَنْوَاعِ الْأَشْرِبَهِ

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از جوی هایی که به نوشیدنی های گوناگون روان شده، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.۴/۲۷

میوه های گوناگونِ درختان بهشتی

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ... الْأَشْجَارِ الْمُتَدَلِّيَهِ بِصُنُوفِ الثَّمَرِ

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از درختانی که شاخه هایشان به انواع میوه ها خم گشته، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.۴/۲۷

ص : ۱۰۵۴

گوناگونی حالات هر کس، جز خدا

وَ مَنْ سِوَاکَ... مُخْتَلِفُ الْحَالَاتِ

و غیر تو، در حالاتش گوناگون می باشد.

۱۱/۲۸

گونه

غرق شدن گونه ها در اشک ها

وَ غَرَّقَتْ دُمُوعُهُ خَدَّیْهِ، یَدْعُوکَ بِیَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

و دو گونه اش غرق اشک شده، تو را صدا می زند: ای مهربان ترین مهربانان.۹/۱۲

گیاه

روان بودن ابرها، برای رویاندن گیاه

وَ انْشُرْ عَلَیْنَا رَحْمَتَکَ بِغَیْثِکَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ، الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِکَ، الْمُونِقِ فِی جَمِیعِ الْآفَاقِ

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابری که برای رویاندن گیاهِ چشم انداز در همه نواحی زمینت روان است، بر ما بگستران.۱/۱۹

گیجی سرگردانی

ص : ۱۰۵۵

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹